



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# صحیفه نور

نویسنده:

امام خمینی (ره)

ناشر چاپی:

سروش (انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی)

## فهرست

۵	فهرست
۱۵	صحیفه نور جلد ۱۶
۱۵	مشخصات کتاب
۱۵	بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس جمهور، نخست وزیر، رئیس مجلس و کلیه اعضای هیأت دولت
۱۵	مبارک آن روزی است که بتوانیم خودمان را بسازیم و به دنبال آن کشور را
۱۷	بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه استان گیلان
۱۷	اصولا دعوت به اسلام، دعوت به وحدت است
۱۸	هر جا یک عالم عاقل متدین باشد، مسائل را اصلاح می کند
۱۸	بیانات امام خمینی در دیدار با فرمانده کل قوا و کلیه فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در جنوب کشور
۱۹	ای کاش من هم یک پاسدار بودم
۱۹	بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر امور خارجه و کارداران سفارتخانه های جمهوری اسلامی ایران
۱۹	وظیفه اسلامی ماست تا حیثیت اسلام و کشورمان را حفظ کنیم
۲۰	بیانات امام خمینی در جمع ائمه استان اصفهان و چهارمحال و بختیاری
۲۰	تهذیب نفس در راس همه امور است
۲۱	شاید هیچ انقلابی مثل انقلاب ایران مورد تهاجم واقع نشده باشد
۲۳	همه مسوولین در سرتاسر کشور از خود مردم هستند
۲۳	فراوانی یکی از نعمت های بزرگی است که ما داریم
۲۵	فرمان امام خمینی به آیت الله مهدوی کنی
۲۵	بیانات امام خمینی در جمع اساتید، اعضای هیأت مدیره و دانشجویان مدرسه عالی علوم تربیتی و قضائی قم، مسؤ ولان
۲۶	چیزهایی که بر ضد این نهضت است به دست خود ملت از سر راه برداشته می شود
۲۷	دانشگاه را باید با جدیت باز کنند و به طور حتمی اسلامی اش کنند
۲۷	آنچه بر سر مسلمین آمد، از این قدرت های بزرگ است
۲۹	بیانات امام خمینی در دیدار وزیر ارشاد اسلامی و سرپرستان هیأت های اعزامی به خارج کشور

- ۲۹ ..... جمهوری اسلامی از رژیم های مظلوم جهان است
- ۳۰ ..... پیام تقدیر امام خمینی به پزشکان و پرستاران و کارکنان
- ۳۰ ..... بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه استان خوزستان
- ۳۰ ..... وقتی انقلاب از متن مردم باشد نمی شود آن را شکست داد
- ۳۲ ..... بیانات امام خمینی در جمع گروهی از جانبازان انقلاب اسلامی و سرپرست بنیاد شهیدانقلاب اسلامی
- ۳۲ ..... ملت ایران امروز ثابت کردند که ملتی هستند زنده و متعهد به عقاید خودشان
- بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس جمهور، وزرا، رئیس و نمایندگان مجلس شوراییاسلامی ، پرسنل ارتش و گروهی از اقشار مختلف مر
- ۳۳ ..... هیچ وقت قدرت های بزرگ مواجه با ملت ها نمی شوند
- ۳۵ ..... همه توجه بکنند که خدمتگزار جمهوری اسلامی هستند
- ۳۶ ..... بیانات امام خمینی در جمع پرسنل نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی
- بیانات امام خمینی در جمع میهمانان خارجی و خانواده های شهدای لبنان ، دانشجویانخارجی شرکت کننده در
- ۳۷ ..... قرآن و اسلام مهجور و مظلومند
- ۳۸ ..... خدای تبارک و تعالی برای هیچ یک از کفار سلطه بر مسلمین قرار نداده است
- ۴۱ ..... پیام امام خمینی در آستانه چهارمین سال پیروزی انقلاب اسلامی
- ۴۲ ..... پیام امام خمینی به مناسبت سومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی
- ۴۵ ..... انتصاب حجت الاسلام معادپخواه به عنوان هماهنگ کننده و تبلیغات خارج از کشور
- ۴۶ ..... بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس جمهور، رئیس مجلس ، رئیس دیوانعالی کشور ونخست وزیر
- ۴۶ ..... تاکید در مورد عفو محبوسین
- ۴۶ ..... تقدیر از رزمندگان
- ۴۷ ..... نامه کودکان روستای معدن فیروزه نیشابور به محضر امام خمینی
- ۴۷ ..... تلگرام تسلیت امام خمینی به آیت الله طاهری
- ۴۸ ..... بیانات امام خمینی در دیدار با سرپرست ، گروهی از مسؤ ولان و پاسداران کمیته های انقلاب اسلامی تهران
- ۴۸ ..... شما عزیزان اسلام را زنده و ایران را بیمه کردید
- ۴۹ ..... پیروزی بزرگ این است که انسان بر نفس خودش پیروز باشد

- بیانات امام خمینی در جمع قضات و حاکم شرع دادگاه های انقلاب اسلامی مرکز ..... ۵۰
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای تیم هایفوتبال منتخب تهران ..... ۵۰
- من خودم ورزشکار نیستم اما ورزشکارها را دوست دارم ..... ۵۰
- یکی از وجوه صدور اسلام ، شما جوانانید ..... ۵۰
- بیانات امام خمینی در دیدار با مدیر عامل و کارکنان گسترش شبکه رادیویی وتلوویزیونی سازمان صدا و سیما ..... ۵۱
- شما جوانان موفق شدید که باورهای غلط را بشکنید ..... ۵۱
- کشور مال خودمان است و خودمان باید اداره اش کنیم ..... ۵۲
- پیام امام خمینی به مناسبت رحلت آیت الله ربانی شیرازی ..... ۵۳
- بیانات امام خمینی در جمع رزمندگان ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ..... ۵۳
- بیانات امام خمینی در جمع رزمندگان ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ..... ۵۳
- پیروزی را شمشیر نمی آورد، پیروزی را خون می آورد ..... ۵۴
- شما در تمام جهات معنوی و مادی پیروز هستید و پیروزی شما پشتوانه پیروزی مستضعفین جهان است ..... ۵۵
- بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه استان مازندران و دشت گرگان ..... ۵۶
- ما ماموریم که مردم را ارشاد نمائیم و به خیر و صلاح دعوت کنیم ..... ۵۶
- فرمان امام خمین به آیت الله مهدوی کنی ..... ۵۷
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پرسنل هوانیروز، کارکنان ، کارداران وسرکنسولان جدید وزارت امور ..... ۵۷
- آنها حربه ایران را که ایمان ، توحید و اسلام است نمی شناسند و تاییدات غیبی را منکر هستند ..... ۵۷
- به حکم قرآن تجاوزگر باغی است و باید با او قتال کرد ..... ۵۹
- اصل وارد شدن در حزب برای ارتش ، سپاه پاسداران و قوای انتظامی و نظامی جایز نیست ..... ۶۱
- به صدام می گویم که یک راه برای تو سراغ دارم و آن راه انتحار است ..... ۶۱
- اگر بخواهید یک ملت قوی و آزاد باشید، از تشریفات یک قدری بکاهید ..... ۶۲
- بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر ارشاد اسلامی ، اعضای شورای هماهنگی تبلیغاتاسلامی و ستاد برگزاری مراسم دهه فجر ..... ۶۲
- سلاح تبلیغات ، برنده تر از کاربرد سلاح در میدان های جنگ است ..... ۶۲
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از مسؤلان و کارکنان واحد سیاسی و اخبار صدای وسیمای جمهوری اسلامی ..... ۶۳

- ۶۳ ..... امروز نقش رادیو تلویزیون از همه دستگاه ها بالاتر است
- ۶۴ ..... نباید رادیو تلویزیون به طور هرج و مرج اداره بشود
- ۶۶ ..... ما می خواهیم مسائل الهی و مقاصد الهی در ایران جایگزین باطل ها بشود
- ۶۷ ..... پیام رادیو تلویزیون امام خمینی به مناسبت فرا رسیدنسال نو
- بیانات امام خمینی در دیدار با نخست وزیر هیئت دولت ، رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی ، اعضای شورای نگهبان و
- ۶۸ ..... ملتی که تحت پرچم اسلامی ادامه حیات می دهد، با این توطئه آسیب نمی بیند
- ۶۸ ..... مقایسه دستگاه های اجرائی جمهوری اسلامی با زمان سابق
- ۷۰ ..... اگر این جمهوری اسلامی و روسای آن از بین بروند به جایش مامور از آمریکا می آید
- ۷۱ ..... شما کدام ملت را سراغ دارید که با اینهمه زجر و گرفتاری اینطور مستقیم ایستاده باشد
- ۷۱ ..... همه یک مقصد داریم و آن تحقق اسلام است
- ۷۲ ..... برادر باشید که مخاصمه کار اهل جهنم است
- ۷۲ ..... دست به دست هم بدهید و نقیصه ها را رفع کنید
- ۷۲ ..... پیام امام خمینی به ملت مسلمان و رزمندگان غرورآفرین اسلام در خصوص عملیات ظفرمند فتح المبین
- ۷۳ ..... پاسخ امام خمینی به پیام فرماندهان نظامی به مناسبت عملیات ظفرمند فتح المبین
- ۷۴ ..... پیام امام خمینی به مناسبت سومین سالگرد رسمیت یافتن جمهوری اسلامی ایران
- بیانات امام خمینی در دیدار با دبیرکل ، مسؤلان و اعضای دفاتر حزب جمهوریاسلامی در سراسر کشور و اعضای انجمن اسلامی
- ۷۷ ..... راس همه خطاها همین خودخواهی هاست
- ۷۹ ..... این جمهوری اسلامی از آغاز با ذکر خدا همراه بود
- ۸۰ ..... اسلحه های ما در راه تحقق آرمان های اسلامی و الهی دارد به کار می رود
- ۸۱ ..... باید ملتفت باشید که اشخاصی که در بین شما هست انحراف نداشته باشند
- ۸۳ ..... مادامی که برادری را حفظ کنیم ، در امان هستیم
- ۸۳ ..... پاسخ امام خمینی به پیام اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان ایرانی در اروپا
- ۸۳ ..... اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان در اروپا
- بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان عشایر کشور، گروهی از کارکنان سازمان هایصدا و سیما و خبرگزاری جمهوری

- ۸۵ ..... رژیم سابق گروه هائی را که احتمال می داد در مقابل ابرقدرت بایستند، سرکوب می کرد
- ۸۷ ..... رضاخان عشایر را بکلی می خواست از بین ببرد و بسیار هم موفق شد
- ۸۷ ..... شما در هر مرکزی پا بگذارید، پای اجانب را در آنجا می بینید
- ۸۸ ..... منحرفین بدانند با کشوری که مردمش عشق به فداکاری دارند نمی توان مبارزه کرد
- ۸۹ ..... بیانات امام خمینی در دیدار با دادستان کل انقلاب اسلامی و ائمه جمعه استان های آذربایجان غربی و شرقی
- ۸۹ ..... شما در تمام دنیا یک حکومت و یک مردم و یک روحانیت مثل ایران پیدا نمی کنید
- ۸۹ ..... این تحول الهی را که در کشور ایجاد شده حفظش کنید
- ۹۰ ..... علت مخالفت دشمنان ترس از اسلام است
- ۹۰ ..... مادامی که مردم مهیا و در صحنه اند دشمن قادر به کاری نیست
- ۹۱ ..... همه چیز در راه شدن است و احتیاج به همراهی ملت دارد
- ۹۱ ..... پیام امام خمینی به مناسبت روز زن
- ۹۳ ..... پیام امام خمینی به مناسبت مردم فلسطین در سرزمین های اشغالی
- ۹۴ ..... بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دلاوران سپاه اسلام و دانشجویان مسلمان ایرانی مقیم خارج کشور
- ۹۴ ..... شما جوانان از این اخلاص و ایثار، جمهوری اسلامی را بیمه کردید
- ۹۵ ..... پیام امام خمینی به مناسبت روز ارتش
- ۹۸ ..... بیانات امام خمینی در جمع مسؤ ولان و نویسندگان دایره انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- ۹۸ ..... شهدا را قلم ها می سازند و قلم ها هستند که شهید پرورند
- ۹۸ ..... ما که خواهیم روی پای خودمان بایستیم باید مردم را به استقامت و حضور در صحنه دعوت کنیم
- ۹۹ ..... بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر کار و امور اجتماعی و گروهی از کارگران خانجات مختلف
- ۹۹ ..... یک (روز) شما کارگرها به یک (عمر) سرمایه دارها و کارفرماها و کذا و کذاها ارزش دارد
- ۱۰۰ ..... امروز شما کارگرها با کار خودتان یک کشور را نجات می دهید از وابستگی
- ۱۰۱ ..... دو بلوک سرمایه داری و کمونیستی کارگر را ابزار قرار داده اند برای منافع خودشان
- ۱۰۲ ..... صلاح و فساد این کشور امروز به دست خود ملت است
- ۱۰۴ ..... همه آثاری که از آقای مطهری هست ، بی استثنا خوب است



- فرمان امام خمینی به حجت الاسلام قرائتی ..... ۱۰۴
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای اصلی واحد اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ..... ۱۰۴
- پاسخ امام خمینی به تلگرام آیت الله العظمی مرعشی نجفی ..... ۱۰۴
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای شورایی تبلیغات اسلامی ، ائمه جماعات قم و غرب تهران و کارکنان دفتر مرکزی سازمان تبلیغات اسلامی
- هیچ انقلابی تاکنون به اندازه انقلاب اسلامی مورد هجوم تبلیغاتی و تسلیحاتی واقع نشده است ..... ۱۰۵
- ما امروز موظفیم که تبلیغات را هر چه بیشتر تقویت کنیم ..... ۱۰۶
- اینهایی که شب ها به دعا و مناجات بر می خیزند در جنگ ها پیروز خواهند شد ..... ۱۰۷
- پاسخ امام خمینی به پیشنهاد حجت الاسلام واعظ طبسی در مورد بازسازی هویزه ..... ۱۰۷
- پیام امام خمینی به مناسبت فتح خرمشهر ..... ۱۰۸
- بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه استان کرمان ..... ۱۰۹
- پیام امام خمینی به مناسبت سالروز میلاد امام حسین (ع) و روز پاسدار ..... ۱۰۹
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای ستاد بسیج اقتصادی ..... ۱۱۲
- ایران امروز به عنوان یک ایران بزرگ و نیرومند مطرح است ..... ۱۱۲
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از کارکنان صنعت نفت ..... ۱۱۳
- با اعتصابات شما رژیم سابق و اربابان آنان فلج گردیدند ..... ۱۱۳
- خدمتگزار ملت و اسلام باشید تا بزرگی بکنید بر همه دولت های قدرتمند ..... ۱۱۴
- ما از اول انقلاب تاکنون هر چه دیدیم معجزات بوده است ..... ۱۱۵
- بیدار باشید که اگر اختلافی پیدا بشود اسارت شما عود می کند ..... ۱۱۵
- بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان مجلس شورای اسلامی ، اعضای شورایی قضائی ، قضات شرع و دادستان های دادگاه های انقلاب ا، هر قدمی که انقلاب به پیش می گذارد مسؤ ولیت متعهدین به اسلام افزون می شود ..... ۱۱۶
- این عار تا قیامت بر پیشانی شما غیر متعهدها متنقش است ..... ۱۱۷
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از خانواده های شهدا و فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ..... ۱۱۹
- یکی از احکامی که مورد توجه خداست وحدت و انسجام همه است ..... ۱۱۹
- روزی که حیثیت اسلام در میان است باید تمام امیال خویش را فدای میل اسلام کنیم ..... ۱۲۰

- ۱۲۰ ..... امروز باید با هم باشید و دشمن مشترک را دفع کنید
- ۱۲۱ ..... پیام امام خمینی به شرکت کنندگان در اردوی عشایری واحد بسیج مستضعفین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- ۱۲۲ ..... پیام امام خمینی به مناسبت سالروز ۱۵ خرداد
- ۱۲۴ ..... پاسخ امام خمینی به نامه اعضای هیات مؤسس بنیاد ۱۵ خرداد
- ۱۲۴ ..... بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه استان زنجان
- ۱۲۵ ..... پیام امام خمینی به مناسبت حمله رژیم اشغالگر قدس به جنوب لبنان و بمباران ایلام
- ۱۲۶ ..... بیانات امام خمینی در جمع فرماندهان لشکرها و یگان های مستقل نیروی زمینی و مدیریت ها و معاونت های ارتش جمهوری اسلامی
- ۱۲۶ ..... اینهمه هیاهو و سر و صدا و مخالفت ابرقدرت ها، حکایت از عمق پیشرفت های نظامی و طبیعی شما می کند
- ۱۲۷ ..... خدا متحول کرد این جمعیت را به یک جمعیت حزب الهی و این را شرق و غرب نمی توانند بفهمند
- ۱۲۸ ..... تا حالا سابقه ندارد که روحانی و ارتشی و پاسبان و پاسدار در کنار هم باشند و در کنار هم جنگ بکنند
- ۱۲۹ ..... ما اگر صلح بکنیم ، معنایش تشویق کردن این جانی است
- ۱۳۱ ..... اگر راست می گوئید که با اسرائیل مخالفید، باید از ما خواهش کنید که به شما کمک کرده و جلو این را بگیریم
- بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان نهضت های آزادیبخش جهان !!! فرمانده ، مدیران و سرپرستان دوایر سیاسی !!! ایدئو
- ۱۳۲ ..... امروز، ابتلای اسلام سکوت دول منطقه در قبال جنایات اسرائیل است
- ۱۳۳ ..... تا ملت ها آگاهی و انسجام پیدا نکنند محکوم به حکومت های فاسدند
- ۱۳۴ ..... آنچه که ملت ما را پیروز کرد ایمان به خدا و عشق به شهادت بود
- ۱۳۴ ..... دولت عراق ، اسرائیل را بهانه قرار داده برای فرار از چنگال عدل الهی
- ۱۳۴ ..... ایران برای همه کشورها حجت است
- ۱۳۶ ..... بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر کشور، و فرمانداران سراسر کشور
- ۱۳۶ ..... امید است اداره شما عبادتگاه و خدمت های شما عبادت باشد
- ۱۳۷ ..... پیام امام خمینی به مناسبت سالروز تاسیس جهاد سازندگی
- ۱۳۸ ..... فرمان امام خمینی به حجت الاسلام زنجانی
- ۱۳۸ ..... بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس و مسؤلان شهرداری جمهوری اسلامی ، آگاهی و دادستانی
- ۱۳۸ ..... بیانات امام خمینی در جمع گروهی از علما، ائمه جماعات و روحانیون و وعاظ قم و تهران

- این مجالس عزا یک سازماندهی سرتاسری کشورهای اسلامی است ..... ۱۳۸
- هیچ قدرتی نمی توانست ۱۵ خرداد را بیافریند، مگر قدرت خون سیدالشهدا(ع) ..... ۱۴۰
- ما ملتی هستیم که با همین گریه ها قدرت ۲۵۰۰ ساله را از بین بردیم ..... ۱۴۰
- ما باید از راه شکست عراق دنبال لبنان برویم ..... ۱۴۲
- آن روزی که آمریکا و شوروی در کار نباشند، دنیا از این گرفتاری ها بیرون می آید ..... ۱۴۵
- پیام امام خمینی به مناسبت سالروز فاجعه ۷ تیر ..... ۱۴۵
- پیام امام خمینی به مناسبت شهادت آیت الله صدوقی ..... ۱۴۷
- پاسخ امام خمینی به نامه اعضای شورایی عالی تبلیغات اسلامی ..... ۱۴۸
- پاسخ امام خمینی به تلگرام تسلیت آیت الله العظمی مرعشی نجفی ..... ۱۴۸
- فرمان امام خمینی به آیت الله خاتمی ..... ۱۴۹
- پیام امام خمینی به ملت مسلمان عراق به مناسبت آغاز عملیات پیروزمندانه رمضان ..... ۱۴۹
- پیام امام خمینی به مناسبت روز جهانی قدس ..... ۱۵۰
- پاسخ امام خمینی به نامه فرزند آیت الله صدوقی ..... ۱۵۲
- بیانات امام خمینی در جمع کارکنان اداره مرکزی آستان قدس رضوی، اعضای حزب جمهوری اسلامی مشهد و کارکنان استانداری و پرسنل هوایی استار  
همه قدرت ها در هر جا محتاج به توجه حضرت رضا سلام الله علیه هستند ..... ۱۵۲
- مسجدالنبی مرکز سیاست های اسلامی بوده است و ثقل قدرت اسلامی ..... ۱۵۳
- جمهوری اسلامی بنا دارد استقلال خودش را حفظ کند و آرزو دارد کشورهای اسلامی از خواب گران برخیزند ..... ۱۵۳
- ما بنا نداشتیم و نداریم که به یک کشوری هجوم کنیم ..... ۱۵۴
- هر کدام که امروز به صدام کمک کنید، خیانت به اسلام کرده اید ..... ۱۵۶
- پاسخ امام خمینی به نامه وزیر کشور در مورد کسب تکلیف پیرامون سرپرستی کمیته های انقلاب اسلامی ..... ۱۵۶
- فرمان امام خمینی به حجت الاسلام موسوی خوئینی ها در مورد سرپرستی حجاج بیتالله الحرام ..... ۱۵۶
- بیانات امام خمینی در دیدار با مدیرعامل ، معاونین ، مدیران و مسوولان بخش های مختلف سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی -- ۱۵۷
- هر قدمی که ما جلو می گذاریم تبلیغات سوء دشمنان زیادتر می شود ..... ۱۵۷
- کسی که برای خدا کار می کند در هیچ جهت شکست نمی خورد ..... ۱۵۷

- ۱۵۸ ..... آدمکشی و چپاولگری با اسم (اسلام راستین)
- ۱۵۹ ..... صدام دیگر از بین رفته است
- بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر کشور، فرمانده ژاندارمری، استانداران سراسر کشور و گروهی از مسؤ ولان و پرسنل دواير سياسى!!! ايدئولوژيك
- ۱۵۹ ..... تمام عالم محضر حق تعالى است
- ۱۶۰ ..... امروز آبروی جمهوری اسلامی بسته است به آبروی متصدیان امر
- ۱۶۰ ..... طبق موازین اسلامی خدمت کنید
- ۱۶۲ ..... قاضی بر شفیق جهنم است
- ۱۶۲ ..... همه مردم موظفند در دفاع از جمهوری اسلامی و نوامیس مسلمین
- ۱۶۳ ..... تذکر به ائمه جمعه و سایر روحانیون
- ۱۶۳ ..... بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه استان بوشهر
- بیانات امام خمینی در جمع روحانیون کاروان ها حج، پرسنل دادستانی مرکز، داسراها و دادگاه
- ۱۶۴ ..... امروز توقع ملت از شما آقایان روحانیون بسیار زیاد است
- ۱۶۵ ..... بر تمام کسانی که می توانند یا اجتهادا یا تقلیدا قضاوت کنند واجب است که در قضاوت وارد بشوند
- ۱۶۶ ..... قضات بر وفق شرع عمل کنند، به قوانین سابق اعتنا نکنند
- ۱۶۷ ..... حقیقت حج اینست که ببینید مستضعفان جهان چطورند
- ۱۶۸ ..... مردم هم باید دنبال این امر باشند که مساله حج را یاد بگیرند
- ۱۶۹ ..... امور سیاسی که در حج واقع می شود، باید روی نظام باشد
- ۱۶۹ ..... در این عصر ما، همه الفاظ محتوای خودشان را از دست داده اند
- ۱۷۲ ..... فرمان امام خمینی به حجت الاسلام موسوی
- ۱۷۲ ..... فرمان امام خمینی به حجت الاسلام فاکر
- ۱۷۳ ..... بیانات امام خمینی در دیدار با نخست وزیر و اعضای هیات دولت جمهوری اسلامی
- ۱۷۳ ..... متصدیان امور، از قشر مرفه نیستند
- ۱۷۴ ..... ارزش مقامات ما، در خدمتگزاری به مردم است
- ۱۷۶ ..... ارزش انسان به این است که توجه کند که چه باید در مقابل خدای تبارک و بندگان خدا بکند

- تمام وابستگی ها وابستگی است که انسان به خودش دارد ..... ۱۷۸
- پاسخ امام خمینی به تلگرام آیت الله العظمی گلپایگانی ..... ۱۷۸
- بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی ، فرماندهان سپاه پاسداران ، علمای پایه و اورامانات ، گروهی از سفر
- اساس این گرفتاری هائی که بشر به آن مبتلاست ، حب نفس است ..... ۱۷۹
- ایمان است که شما را وادار می کند بروید و برای اسلام فداکاری کنید ..... ۱۸۱
- حفظ ثغور اسلام جزء فرایضی است که هیچ فریضه ای بالاتر از آن نیست ..... ۱۸۲
- نشینید کنار و هی نق بزنید و مردم را مایوس کنید ..... ۱۸۳
- در محضر خدا ما نباید یک کاری بکنیم که برخلاف چیز خدا باشد برخلاف حکم خدا ..... ۱۸۴
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیئت های بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی و شرکتهای وابسته و خانواده های شهدای :
- همانطوری که بازسازی ، یک مسأله مهم حیاتی بود در اول انقلاب ، الان هم باید تعقیب شود ..... ۱۸۴
- کار شما در حالی که یک کار اسلامی مهمی است ، مسؤولیت بسیار بزرگی هم دارد ..... ۱۸۷
- منافقین و آن اشخاصی که در خارج با هم جمع شده اند، همه موافق این هستند که اسلام نباشد ..... ۱۸۷
- باید مسلمین با هم متحد بشوند و تو دهنی بزنند به آمریکا ..... ۱۸۹

## مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی مدظله العالی/تهیه و جمع آوری مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی مشخصات نشر: تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴. مشخصات ظاهری: ج. وضعیت فهرست نویسی: در انتظار فهرست نویسی (اطلاعات ثبت) یادداشت: فهرست نویسی بر اساس جلد هفدهم □ ۱۳۶۴. یادداشت: عنوان عطف: صحیفه نور شماره کتابشناسی ملی: ۲۰۴۳۶۵۸

## بیانات امام خمینی در دیدار با ریس جمهور، نخست وزیر، رئیس مجلس و کلیه اعضای هیأت دولت

### مبارک آن روزی است که بتوانیم خودمان را بسازیم و به دنبال آن کشور را

بسم الله الرحمن الرحيم تاریخ: ۲۳/۱۰/۶۰ متقابلا تبریک این عید سعیدی که ولادت دو شخصیت بزرگ اسلامی است به همه آقایان و به ملت ایران و دولت ایران و همه مسلمین جهان عرض می کنم. و این روز، روز مبارکی است و برای ما مبارک آنوقتی است که خودمان بتوانیم خودمان را بسازیم و دنبال آن کشور را. هر اصلاحی نقطه اولش خود انسان است. اگر چنانچه خود انسان تربیت نشود نمی تواند دیگران را تربیت کند و شما دیدید که در آن طول سلطنتها از اول تا حالا و این سلطنتهای اخیری که بسیاریتان همه اش را درک کردید و بعضی از شما بعضی اش را که چون کارها دست اشخاصی بود که تربیت اسلامی نداشتند و خودشان درست نشده بودند، برای خاطر همین نقیصه بزرگ کشور ما را کشاندند به آنجائی که ملاحظه می کنید و ملت ما را هم کشاندند به آنجائی که سالها باید طول بکشد تا اینکه انشاءالله اصلاح بشود. از این جهت آن چیزی که بر همه ما لازم است ابتدا کردن به نفس خودمان است و قانع نشدن به اینکه همان ظاهر درست بشود، و از قلبمان شروع کنیم، مغزمان شروع کنیم و هر روز دنبال این باشیم که روز دومان بهتر از روز اولمان باشد. و امیدوارم که این مجاهده نفسانی برای همه ما حاصل بشود و دنبال آن مجاهده برای ساختن یک کشور. و ما آن روز عید داریم که مستمندان ما، مستضعفان مابه زندگی صحیح رفاهی و به تربیت های صحیح اسلامی انسانی برسند. و ملاحظه می کنید که این امر، امری است که الان بر دوش شما آقایان است. یعنی اصلاح دولت و اصلاح ادارات و اصلاح جامعه و بازسازی همه اینها الان مسؤ ولیتش به دوش همه ماست و خصوصا شما آقایانی که در رءس امور هستید و اگر چنانچه همت نگمارید به اینکه بی اغماض مسائل را در وزارتخانه ها و در ادارات و در هر جا که هست حل کنید و باز در بین اینها اشخاصی باشند که بخواهند نگذارند امور به مجرای اسلامی خودش انسانی خودش جریان پیدا بکند چه بسا که ما قدم را به واپس برداریم. ادارات را باید با تمام قدرت تصفیه کنید، نه تصفیه از هر فردی که منحرف است، آنها را تصفیه به یک معنا و تاءدیب و تصفیه، و تهذیب آنهایی هم که هستند لکن باز ادراک نکرده اند مسائل اسلامی را. و اسلام برای ما همه چیز آورده است و ما باید استفاده کنیم از آنها و امروز روز استفاده است. این اسلام بود که ما را بر مشکلات تا حالا، آنهم آن مشکلات بسیار بزرگ تاکنون غلبه داده است. ماها هیچ کدام نمی توانستیم این کار را بکنیم و این اسلام است که ملت ما را منسجم کرده است و الان دارد انعکاس حقیقی را به سایر جاها هم می اندازد و ما امیدواریم که انشاءالله این پرتو اسلامی در همه کشورهای اسلامی بلکه همه کشورهای مستضعفین خودنمائی کند و همه انشاءالله تربیت بشوند همانطوری که آمال اسلام و

پیغمبر اسلام بوده است. پیغمبر اسلام برای اینکه مردم تربیت نمی شدند غصه می خورد به طوری که خدای تبارک و تعالی او را تسلیت می داد، در مشقت بود، خدای تبارک و تعالی به او خطاب می کند که ما قرآن را نفرستادیم که تو در مشقت باشی. و برای ملتها از پدر برای اولادش، از پدر مهربان برای اولادش بر ملت‌های عالم او بیشتر غصه می خورد و کافر‌ها را وقتی که می دید اینها به مجرای طبیعی انسانی نمی آمدند، برای آنها متأسف بود و هر انسانی باید اینطور باشد که متأسف باشد برای آنهایی که نمی آیند به خط اسلام و خط انسانیت. بعضی از علمای بزرگ از قراری که شنیدم فرموده اند که من برای اشخاص منحرف بیشتر دعا می کنم برای اینکه آنها بیشتر احتیاج به دعا دارند. دل‌های انسانها، انسانهای متعهد دل‌هایی است که رثوف و مهربان بر همه بشر است و همین جنگ‌هایی که پیغمبر اکرم می‌کردند یا تحمیلی بوده و یا گاهی وقت‌ها هم اتفاق می‌افتاد که ابتدائی بوده است، همان‌ها هم آثار رحمت الهی بوده است برای اینکه به دنبال تهذیب یک ملت‌ها، آنهایی که تهذیب بردارند باید تهذیب بشوند و آنهایی که مانع از تهذیب ملت‌ها هستند باید از سر راه برداشته بشوند. این یک رحمتی است، صورتش را انسان خیال میکند که کشتار است لکن واقعه بیرون کردن یک موانعی از سر راه انسانیت است و در ایران هم این مسأله که می‌بینید که در همه جا برای ما می‌طرح می‌شود که اینها آدم می‌کشند، اینها خیال می‌کنند که ایران آدم می‌کشد، ایران تا امروز یک دانه آدم را نکشته است، ایران یک سباعتی را که حمله کردند بر همه چیز اسلام، ملت، انسانیت، آنها را اگر بتواند تهذیب می‌کند و اگر بتواند با حبس، آنها را نگه می‌دارد تا تهذیب بشود و اگر نتواند تصفیه می‌کند. این همان کاری است که همه انبیا از اول خلقت تا حالا کرده اند و آن اشخاصی را که دیگر قابل اصلاح نبوده اند، آن اشخاص را یا غرق کرده اند و یا از بین برده اند. در هر صورت تمام انبیا از صدر عالم تا کنون، تمام انبیا یک جلوه رحمتی بوده است از خدای تبارک و تعالی و چنانچه موجودیت همه ما جلوه رحمت حق تعالی است. همین طور هدایت خداوند تبارک و تعالی به واسطه انبیا یک رحمت بزرگی است بر همه، رحمه للعالمین است پیغمبر و همه انبیا رحمت بوده اند و این برای این است که این بشر متوجه نیست، جاهل است نمی‌داند چه خبر است آن طرف، نمی‌داند که راه انسانیت را اگر طی نکند چه خواهد گذشت بر او. از این جهت آنهایی که راه را می‌دانند، می‌دانند که این بشر به چه ظلالتی می‌افتد و به چه زحمت‌هایی دچار می‌شود از اعمال خودش، از افکار فاسد خودش. همه چیز هم از خود آدم است. هیچ چیزی تهیه نشده است برای ما که از سابق تهیه کرده باشند که ما را بخواهند عذاب بدهند، همه اینها چیزهایی است که ما خودمان تهیه می‌کنیم. هر عملی که ما در اینجا انجام می‌دهیم یک صورت برزخی دارد و یک صورت ملکوتی دارد و ما به او می‌رسیم. عمل خوب همین طور است و عمل بد هم همین طور است. بنابراین آنهایی که، انبیا و اولیائی که راه‌ها را می‌دانستند، عواقب را می‌دانستند، برای بشر غصه می‌خوردند و جانفشانی می‌کردند که مردم را نجات بدهند. یک جانفشانی است و فعالیتی است که می‌خواهد خودش برسد به نوائی مردم را وادار می‌کند به شیطنت، جوانها را وادار می‌کند که خودشان را به کشتن بدهند تا بعد بیاید او زمام امور را به دست بگیرد. این یک طور است. یک طور هم این هست که همه چیزش را فدای بشر می‌کند برای تهذیب بشر. انبیا اینطورند. انبیا یک روزشان برای خودشان صرف نشده است، یک ساعتشان توجه به خودشان نبوده، همه توجه به این بوده است که این مریض‌ها را، اینهایی که دارند خودشان را به چاه می‌اندازند، اینهایی که دارند خودشان را به عاقبت‌های بسیار بد می‌اندازند، اینها را نجات بدهند. ما هم باید آنقدری که در توانمان است البته ما کوچکتریم از اینکه بگوئیم که انبیا می‌کردند ما هم می‌خواهیم بکنیم آنقدری که در توانمان هست برای نجات ملت‌ها، برای نجات خودمان و برای نجات ملت‌های دیگر از این ظلمت‌هایی که برایشان پیش آمده است، از این گرفتاری‌هایی که برایشان پیش آمده است ما باید فعالیت بکنیم و این اشخاصی که در خلاف واقع شدند و خودشان ملفت نیستند خصوصاً این جوانهای تازه رس، این جوانها، این دخترها، این پسرها که این بی‌انصاف‌ها اینها را به خط اعوجاجی کشاندند، انحرافی کشاندند اینها را، ما

جدیت باید کنیم به اینکه انشاءالله تربیت بشوند اینها. هر کس صحبت می کند صحبت بکند که اینها را به راه راست برگرداند، تربیت کند. آنهایی که در حبس هستند تربیت بشوند انشاءالله. و آن راهی که انبیاء داشتند همین بود که تربیت و تهذیب. انبیا برای انسان آمدند، برای انسان سازی آمدند هیچ کار دیگری نداشتند، آمدند این انسانها را که در صورت انسانند و دارند بر خلاف راه می روند اینها را به راه راست، به راه مستقیم هدایت کنند. و من امیدوارم که این عید مبارک باشد بر تمام اسلامیان، بر تمام مستضعفان و بر ملت شریف ایران ما که بحمدالله ملت خوبی است و دولت و همه چیزی که الان ما داریم، مجلس مان، دولتمان، قوه قضائی مان، بحمدالله الان همه خوبند و ما می خواهیم خوبتر باشند و همه شما میخواهید خوبتر باشند و امیدوارم که همه اینها با این انسجامی که الان هست و نعمتی که خدای تبارک و تعالی به همه ما عنایت کرده است که من گمان ندارم از اولی که حکومت تشکیل شده در دنیا تا حالا یک همچو مجلسی اینطوری، همچو مجلس خودمانی، مجلس صفاییین اشخاصی که هر کدام در یک مرکزی برای خودشان مثلا چه هستند، الان همه با هم هستیم، همه با هم صحبت می کنیم، همه با هم مشکلات را می گوئیم و توجه می کنیم به مشکلات و من گمان نکنم که همچو چیزی تا حالا بوده و این یک نعمتی است که خدای تبارک و تعالی به ما عنایت کرده است و ما امیدواریم که قدر این نعمت را بدانیم و شکر این نعمت به این است که برای خدا و برای اسلام کار بکنیم و همه جهدمان این باشد که این ملت را و خصوصا این مستضعفین و این مستمندان را انشاءالله ما از آن مشکلاتی که دارند، محرومیت هائی که در طول تاریخ اینها کشیده اند ما بتوانیم و شماها بتوانید انشاءالله آنها را از این محرومیت ها نجات بدهید و همه آنها را انشاءالله به رفاه در دنیا و آخرت انشاءالله برسانید. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

تاریخ: ۳/۶۰/۲۱۰

## بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه استان گیلان

### اصولا دعوت به اسلام، دعوت به وحدت است

بسم الله الرحمن الرحیم یکی از برکات این انقلاب این است که ما با آقایان و روحانیون همه کشور تماس نزدیک داریم و آقایان علما و ائمه جمعه تشریف می آورند و با هم صحبت و درددل می کنیم. آنچه می خواهم عرض کنم این است که اسلام برای ما همه چیز آورده، همین قضیه وحدت در قرآن کریم با تعبیرهای مختلف روی آن پافشاری شده و به مردم گوشزد شده است. آنچه مهم است این است که مسلمین به اسلام و قرآن عمل کنند. اسلام همه مسائلی را که مربوط به زندگی بشر در دنیا و آخرت است و آنچه را مربوط به رشد و تربیت انسان و ارزش انسان است داراست. و هیچ مکتبی از مکتب های انحرافی که الان رایج است اینطور عنایتی که اسلام نسبت به مسائل دارد، ندارند. هیچ مساله ای نیست که در اسلام نباشد تا بگوئیم که ما آن را پیدا کرده ایم. اسلام همه چیز را گفته است لکن اشکال بر سر مسلمین است. همین مساله وحدت که شما تذکر دادید، الان بحمدالله هفته وحدت است و به برکت این مولود سعید و فرزند بزرگوارش حضرت صادق علیه السلام بشری می تواند به آمال خودش برسد. این وحدت همان چیزی است که در قرآن کریم درباره آن سفارش شده است و ائمه اطهار علیهم السلام مسلمین را به آن دعوت کرده اند. و اصولا دعوت به اسلام، دعوت به وحدت است. به این معنا که همه در کلمه اسلام با هم مجتمع باشند. لکن همانطور که می دانید، نگذاشتند این وحدت تحقق پیدا بکند، خصوصا در این عصرهای اخیر که زیاده تر به اختلافات دامن زده اند چون کارشناس های آنها فهمیده بودند که اگر این اجتماع بزرگ اسلامی بهم نزدیک بشوند و به هم بیوندند دیگر هیچ قدرتی نمی تواند با اینها مقابله کند و نسبت به آنها سلطه جوئی کند. آنها تنها راه را در این دیدند که برای مقاصد شوم خود بین همه گروه ها تفرقه بیندازند. شما دیدید در



گذشته، در هر شهر و در هر محله ای که دستجات مختلفی بودند، با هم اختلاف داشتند. آنها همه جا در سطح شهر و روستا اختلاف ایجاد کرده بودند، حتی بین خود روحانیون با هم و بین مردم نسبت به یکدیگر اختلافات ایجاد می کردند که نگذارند این مجتمع با هم اتحاد پیدا کنند. و مع الاسف در بین بالاترین افراد روحانی و بالاترین افراد روشنفکر هم این مساله تاثیر کرده بود که حتی آنها هم در اختلافاتی که باید جلویش را بگیرند، خودشان را هم وارد می کردند.

### هر جا یک عالم عاقل متدین باشد، مسائل را اصلاح می کند

البته امروز روزی است که همه ما مسائل را فهمیده ایم و خود مردم هم فهمیده اند و به برکت این انقلاب اسلامی دید سیاسی رعیت ها هم بالا- رفته است. الان آنهایی که اصلا دخالت در اینگونه مسائل نمی کردند، داخل در این مسائل شده اند. امروز همه قشرهای ملت مسائل را می فهمند و رو به رشد هستند. زن ها که در گذشته از همه چیز جامعه محروم بودند، بحمدالله در این سال های اخیر به طور شایسته و با حفظ موازین شرعی وارد شده اند و خودشان دارای کلاس و تبلیغاتند. روحانیون باید قدر این مسائل را بدانند و بدانند که اگر روحانی درست شد، همه چیز درست می شود و اگر خدای نخواستہ روحانی فاسد شد، عالم فاسد می شود و این یک واقعیت است. من در جوانی در ایام تابستان که گاهی به بعضی از بلاد می رفتم در بعضی جاها می دیدیم که همه مردم خوبند از آن جمله محلات را می دیدیم که همه مردمش متدین و خوبند، وقتی متوجه می شدیم، می دیدیم که عالم خوب در آنجاست. بنابراین هر جا یک عالم عاقل و متدین باشد، مسائل را اصلاح می کند و در مقابل اگر خدای نخواستہ انحرافی در این قشر پیدا بشود این انحراف به مردم نیز سرایت می کند. امروز مسؤ ولت بزرگی به دوش همه ماهاست، همه ائمه جمعه، همه ائمه جماعت، همه علمای بلاد. امروز خدا دیگر از ما هیچ عذری را نمی پذیرد. اگر ما در چند سال پیش از این عذر داشتیم که ما با سرنیزه نمی توانیم مقابله کنیم و اگر یک کلمه بگوئیم حبس است، امروز دیگر تمام این عذرها منقطع شده و خدا حجت را بر ماها تمام کرده است. الان همه شما توانائی دارید که هر کدام محیط خودتان را با تفاهم با مردم و مسوولین امور اصلاح کنید. امروز همه ما موظفیم که عملا وحدت را در آن محلی که هستیم ایجاد کنیم، شهرها در شهرها و روستائی ها در روستاها. اگر همه با هم تفاهم کنند و تبلیغ بشود به اینکه ما همه باید با هم باشیم و همه با هم کار کنیم، مسائلی که هست حل می شود و بحمدالله الان مردم هم حاضرند. مساله کمبود روحانی که اشاره کردید، اینطور نیست که فقط شما کمبود روحانی داشته باشید بلکه سرتاسر کشور کمبود دارد و چون که در زمان این دو پدر و پسر فاسد همه چیز را از روحانیون گرفته بودند و فقط برای آنها مسجدی مانده بود که آن هم از نظر آنها باید زیر نظر فلان بازنشسته اداره می شد و به این ترتیب همه جهاتتان محدود بود و شما نمی توانستید یک کلمه حرف بزنید و مسائل تان را بگوئید. برخلاف امروز که شما می توانید همه کاری را بکنید و امروز که وجود افراد لازم است، باید حوزه علمیه ایجاد کنند و افراد را برای آتیه تربیت کنید. الان اگر ما در مساله قضاوت که یکی از مسائل مهم اسلام است و با نوامیس و جان و مال مردم سرو کار دارد کمبود داریم برای این است که در گذشته قضاوت به دست روحانیون نبود تا افراد را تربیت کنند و اصلا در گذشته کتاب قضا یک کتاب منسی بود. در نتیجه امروز که قضاوت آزاد شده است و به دست شما اداره می شود، می بینیم که افراد نداریم و دچار مشکل شده ایم که انشاءالله با همت همه این مشکل بر طرف خواهد شد. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته تاریخ: ۲۶/۱۰/۶۰

**بیانات امام خمینی در دیدار با فرمانده کل قوا و کلیه فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در جنوب کشور**

بسم الله الرحمن الرحيم شما باید خدا را شکر کنید که این عملیات اسلامی به دست شما اجرا می شود، هرکس توفیق این عمل را ندارد. امروز صبح بعد از ملاقات با تنی چند از پاسداران به این فکر افتادم که ایکاش من هم یک پاسدار بودم، اینها چه می کنند و من چه کار. آنها می روند با دشمن اسلام می جنگند و من در اینجا هستم و نمی توانم. شما قدر خودتان را بدانید، خداوند به شما عنایت داشته است که شما را مهیا کرده است تا قرآن کریم و اسلام عزیز و میهن اسلامی را حفظ کنید. نظام الهی مقرر کرده است تا شما برای خدمت به اسلام انتخاب شوید و این پیش خدا ثبت است و ملائکه الله و خداوند پشتیبان شماست و دلتان قوی باشد. هر قدمی که برای اسلام بر می دارید قدمی است الهی که خدا برای شما پیش آورده است. شما روی تدبیر و فکر عمل کنید، دیگر نه از کشتن بترسید و نه از کشته شدن. عمده این است که قصدتان خالص باشد که بحمدالله هست. روحیه قوی این جوانان بیست ساله از اموری است که انسان را به تعجب وادار می دارد. مقصد امروز ما این است که این کشور آفت زده، غربزده و سلطنت زده را به اسلام برگردانیم و غرضی غیر از این نداریم. از مسائلی که خواستم تذکر دهم این است که نظم را کاملاً رعایت کنید. شجاعت غیر از تهور است. شجاعت در جنگ حرکتی است قهرمانانه روی نقشه و نظم و حساب و حال آنکه تهور بی حساب و نظم بر دشمن تاختن است. کارها باید روی نظم و قاعده صورت گیرد. تکرار می کنم کار وقتی روی نظم و قاعده و برای خدا بود دیگر خوفی نیست چه کسی کشته شد و چه کسی کشت. انشاءالله شما موید به جندالله باشید و پیش بروید. دیشب وقتی دیدم عراقی ها تعدادی زن را زیر خاک کرده اند پیش خود گفتم ما هر چه فریاد بزنیم و بخواهیم به دنیا بگوئیم که اینها چه می کنند، فایده ندارد. چون مظلوم هستیم و نمی خواهیم زیر بار کسی برویم، باید این فشارها را هم تحمل کنیم، ولی چون برای خدا کار می کنیم دیگر چه باک، هر چه می خواهند علیه ما تبلیغات کنند و هر چه می خواهند ما را بد جلوه دهند. امیرالمومنین علی علیه السلام فرمودند تمام عالم اگر پشت به من کنند، من ابا ندارم. پس وقتی کار برای خدا باشد دیگر چه باک. هرکس برای خدا بیشتر کار کند بیشتر فحش می شنود، کما اینکه شما پاسداران از همه بیشتر توهین شدید. خداوند شما را موفق کند. تاریخ: ۲۸/۱۰/۶۰

## بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر امور خارجه و کارداران سفارتخانه های جمهوری اسلامی ایران

### وظیفه اسلامی ماست تا حیثیت اسلام و کشورمان را حفظ کنیم

بسم الله الرحمن الرحيم از اولی که جمهوری اسلامی تشکیل شد، من درباره سفارتخانه ها و سفرای این نظام، به وزرای امور خارجه هر دولتی که روی کار می آمد تذکر دادم و تاکید می کردم که نمایندگان جمهوری اسلامی در خارج از کشور باید با نظام اسلامی کاملاً تطبیق کنند. اگر افراد و وضع سفارتخانه و کیفیت اداره و برخوردها از سفارتخانه ها با جمهوری اسلامی مطابقت نداشته باشد، نبود سفارتخانه بهتر از بود آن است. اگر سفارتخانه های ما مثل سفارتخانه های زمان محمدرضا باشد دیگر چه توقعی است از اینکه قلم ها و زبان ها چیزی نگویند و ننویسند. آنها چیزهایی را که نیست جعل می کنند، اگر خدای نخواستہ باشد چه؟ لذا وظیفه اسلامی و ملی شما و ماست تا حیثیت اسلام و کشورمان را حفظ کنیم. شما که خارج می روید سعی کنید تا اشخاصی را برگزینید که انحراف نداشته باشند و اگر نمی توانید یکمتر به اصلاح کنید، در فکر اصلاح تدریجی باشید. همه می دانید که مسؤ ولت وزارت خارجه به مناسبت سروکار داشتنش با خارج بسیار سنگین است، لذا سعی کنید به هر مقداری که امکان دارد سفارتخانه هایتان را در مسیر رشد و ترقی و تعالی اسلامی قرار دهید و سعی کنید نشریه ای داشته باشید تا مسائلتان را بیان کنید و به دروغ رادیوها و روزنامه ها تا آنجا که میسر است، جواب دهید.

انشاءالله روزی این جمهوری موافق با خواست خدای تبارک و تعالی گردد. خداوند شما را موفق و موید کند. تاریخ: ۳۰/۱۰/۶۰

## بیانات امام خمینی در جمع ائمه استانبول اصفهان و چهارمحال و بختیاری

تهذیب نفس در راس همه امور است

بسم الله الرحمن الرحيم قبلا باید از آقایان تشکر کنم که در این هوای سرد از راههای دور، خصوصا که بعضی آقایان نقاهت هم دارند، تشریف آورده اند اینجا و امیدوارم که این برکاتی که به واسطه نهضت حاصل شده است که یکی از هم همین رابطه بین آقایان با هم باشد، مستدام باشد و همیشگی انشاءالله. من نکته ای که آقایان هم می دانند لکن تذکر است، ما باید ببینیم که بیشتر صدمه ای که اسلام خورده است از چه خورده است و از چه گروهی و بیشتر چیزی که اسلام به او اهمیت داده است چه امری است تا راه باز بشود برای کوشش ما که در این امری که اهتمام دارد اسلام در آن کوشش کنیم و جلوی آن چیزهایی که بر اسلام وارد شده است، صدماتی که بر اسلام وارد شده است، انشاءالله جلوی آن گرفته بشود. من گمان می کنم که آن چیزی که به اسلام بیشتر از همه چیز ضرر زده است عدم تربیت صحیح است، تحقق پیدا نکردن تهذیب و اخلاق اسلامی است. اگر شما در طول تاریخ اسلام بلکه همه انبیا توجه کنید و البته توجه دارید، آنقدری که اسلام از این اشخاص منحرف و غیر مذهب صدمه خورده است و تمام ادیان صدمه دیده اند، از هیچ چیز دیگر ندیده اند. اصل اساس آن چیزی که به مکتب های توحیدی ضرر رسانده است و مانع شده است از اینکه رشد پیدا کنند، همین غیر مذهب بودن بود، گاهی از طرف اشخاصی که علم دارند و مذهب نیستند و بیشتر هم از طرف اشخاصی که جاهل بودند، که مذهب نبودند. و معلوم نیست که آنقدری که از طرف عالم غیر مذهب اسلام صدمه دیده است، از طرف جاهل غیر مذهب با اینکه عددشان زیاد است صدمه دیده است، از طرف جاهل غیر مذهب با اینکه عددشان زیاد است. تمام مکتب انحرافی را اشخاص دانشمند و ملا ایجاد کردند، چه آن چیزهایی که مذهب سازی بوده است، آنها هم اشخاص عالمی بودند که مذهب درست کردند، مذهب های انحرافی، و چه مکتب های سیاسی که آنها هم از جانب اشخاص دانشمند و عالم بوده است. و آنقدری که به مکتب توحیدی از این سنخ جمعیت که عالم بودند و همه جور علمی هم شاید می دانستند، صدمه خورده است، از هیچ طایفه ای نخورده است. از این طرف قرآن هم که کتاب زنده الهی است، این هم آنقدری که دنبال این بوده است که تهذیب کند مردم را، دنبال چیزهای دیگر نبوده است. اصلا می شود گفت که قرآن برای همین مقصد آمده است، برای اینکه بشر به این مطلب از همه چیز بیشتر احتیاج داشتند. قرآن کتابی است که برای انسان سازی، از تمام مراحل که انسان طی می کند، قرآن در همه مراحلش دعوت دارد و راه دارد و تمام قصه هایی که در قرآن نقل شده است، گاهی هم تکرار شده است، برای این بوده است که مساله اهمیت داشته است و این قصه ها راهنمای مردم بوده است و برای تهذیب بوده است. قرآن کتاب احکام نیست. کلیات را، کلیات احکام را، اصولش را ذکر فرموده است آن. قرآن کتاب دعوت است و کتاب اصلاح یک جامعه است که بعد از اینکه به قرآن اصلاح شد جامعه، به سنت نبی و اخبار وارده از طرف پیغمبر اکرم (ص) به وسیله ائمه هدی و روات، آنها عمل بشود. از این جهت این دو نکته اسباب این می شود که ما توجه به این بکنیم که هم خودمان را تهذیب بکنیم، برای اینکه اهم امور این است نزد اسلام و اگر علم بلا تهذیب باشد ضررش از جهل بدتر است، هم خودمان را تهذیب بکنیم و هم خودمان را متوجه به حق تعالی و احکام حق تعالی بکنیم و هم جامعه را به این راه دعوت کنیم که الحمدلله امروز تقریبا همه مسائل تهذیبی و مسائل اخلاقی قابل دعوت است و هیچ مانعی از این نیست. اگر سابق شما می خواستید که بعضی از

احکام الهی را منتشر کنید یا بعضی از اخلاق فاسده را ذکر نکنید، حتی در یک جای محدود هم نمی توانستید، برای اینکه آنهایی که مخالف شما بودند آنقدر فاسد بودند که شما از هر صفت زشتی که اسم می بردید، آنها به ریش می گرفتند و جلوی شما را می گرفتند و امروز بحمدالله این فرصت برای ما، برای شما آقایان علما، برای همه علمای اسلام در ایران پیش آمده است که راه باز است برای مهذب کردن مردم و دعوت مردم به صلاح. بنابراین، آن چیزی که در راس همه امور است، برای همه ماها اول تهذیب نفس است و در خلال او تهذیب مردم است. اگر انسان خودش مهذب نباشد نمی تواند دیگران را تهذیب کند، حرف اثر ندارد. وقتی که آقایان خودشان را تهذیب کردند، خصوصا ائمه جمعه که سر و کارشان با توده های عظیم مردم است، ائمه جماعت هم هست، اما ائمه جمعه بیشتر الان مورد توجه هستند، آنها باید انشاءالله به مقام عالی تهذیب برسند و مردم را هم دعوت به این مطلب بکنند. تمام آن مسائلی که در اسلام است، حتی مسائل سیاسی اش، مسائل تهذیبی است، برای درست کردن آدم است. ما نباید همه مسائل را حالا دنبال مسائل سیاسی قرار بدهیم، باید همه مسائل را دنبال مسائل اسلامی و خصوصا این وجه تهذیب مردم. شما ملاحظه می فرمایید که لحن قرآن در این باب از همه ابواب دیگر لحنش زیادت و بیشتر تاکید در آن دارد، چندین آیه قسم هست و بعدش (قد افلح من زکیها و قد خاب من دسیها) او به ما می فهماند که اساس مسائلی که همه چیز به آن درست می شود، آن تهذیب است و اساس همه مسائلی که انحرافی است، این عدم تهذیب است و (دسی) در نفس انسان است، (دسی) شیطان است. بنابراین باید ما سرلوحه همه امورمان را این قرار بدهیم.

### شاید هیچ انقلابی مثل انقلاب ایران مورد تهاجم واقع نشده باشد

البته گرفتاری الان برای ما، برای ملت خیلی زیاد است، یعنی شاید در هیچ انقلابی اینطور مثل انقلاب ایران مورد تهاجم واقع نشده باشد، برای اینکه انقلاب های دیگر یا انقلاب های چپی بوده یاراستی بوده. اگر چپی بوده چپی ها تاییدش می کردند، راستی ها مخالفش بودند و اگر بعکس بوده آنها تایید می کردند و آن دسته مخالف بودند. اما انقلاب اسلامی از باب اینکه از اول اسلامی بوده اینطور نبوده است که یک نفر فرض کنید که غریزه یا شرف زده آمده باشد و انقلاب کرده باشد و مردم را دعوت به انقلاب کرده باشد، کودتا کرده باشد. مساله کودتا نبوده است، مساله قیام یک ملت برای اینکه از دست ظلم داخل و خارج به تنگ آمده است. قیام یک ملت است در مقابل همه قدرت ها، مهیا هم باید باشد برای اینکه همه قدرت ها به او تهاجم کنند و هیچ توقع ما نداریم که امریکا با ما سر مصالحه داشته باشد یا شوروی. همه اینها می بینند که اگر این انقلاب در ایران انشاءالله به ثمر برسد و آنطوری که خواست اسلام است تحقق پیدا بکند، ناچار این انقلاب به خارج صادر می شود، هیچ احتیاجی به این نیست که کسی هم برود این کار را بکند البته تکلیف است که دعوت بشود همه جا، اما اگر این انقلاب را مردم دنیا که الان متوجه به آن هستند، هم زورمندها متوجهند که احساس خطر می کنند و هم مظلوم ها متوجهند که شاید این راهی باشد برای نجات، این انقلاب اگر انشاءالله به آن مقصد اعلائی خودش برسد و اسلام در اینجا حکومت داشته باشد و هیچ حیثیت دیگری غیر اسلام نباشد، این خطری است برای قدرت های بزرگ و وابستگان آنها و راه امیدی است برای مستضعفان جهان، همان معنائی که تمام انبیا از صدر عالم تا حالا دنبال او بودند. همه انبیا آمدند و با قلدرها دعوا کردند. البته آنهایی که می خواهند انبیا را قبول نکنند و وابستگان به انبیا را محکوم کنند، آنها می گویند که دین برای این است که مردم را تخدیر کند، اینها تخدیر می کنند و قدرت های بزرگ می چابند. ولی هر کس نگاه کند به سیره انبیا از صدر عالم تا حالا، می بیند که آنی که اطراف انبیا جمع شدند مظلوم ها هستند، آنی که مقابل انبیا بودند قلدرها بودند. ما هیچ نبی ای را سراغ نداریم که با یک قلدری ساخته باشد به ضد ملت خودش و هیچ وصی نبی ای را سراغ نداریم که

ساخته باشد به ضد ملت خودش . این سیره انبیا از صدر عالم تا زمان خاتم همین بوده است که در مقابل این قدرت هائی که ظالم بودند، منتها هر کدام در یک محیطی بودند، از آنجا شروع کردند. حضرت موسی در یک محیطی بوده از آنجا شروع کردند. لکن مقصد این بوده است که ریشه استکبار را از جهان بکنند و مردم مظلوم را از این ظلم هائی که بر ایشان می شود نجات بدهند. از این جهت با شما دو طایفه به شما توجه دارد، یک طایفه مستکبرین و سودجوها و طوایفی که به آنها وابسته هستند، آنها را توقع نداشته باشید که با شما صلح بکنند، آنها نخواهند صلح کرد، آنها همه شان همان برنامه فرعون ها را دارند که سر سازش هیچ ندارند، و یک دسته هم مستضعفین جامعه هستند که اکثریت و یک اکثریت محروم هستند، این دسته هم با شما هستند. هیچ اشکال ندارد که این برنامه شما اگر چنانچه در خارج تحقق پیدا کند، تمام مظلوم های جهان دورش جمع می شوند. حالا مثل !!! زمان های !!! زمان سابقی که انبیا بودند نیست ، برای اینکه انبیا چقدر زحمت بکشند که از یک شهری به شهر دیگر منتقل کنند. خوب ، هیچ وسایل نبود. در مکه باید سیزده سال رسول اکرم باشند و نتوانند مطلب خودشان را به حجاز برسانند، تا برسد به جاهای دیگر بخواهند برسانند. چقدر معطلی دارد. قاصدی باید برود، چند ماه طول می کشد تا برسد به آنجا، از این مسایل . حالا هر مطلبی که اینجا گفته می شود، چند ساعت بعدش در همه دنیا منتشر است ، رادیوها می گویند که چه می کنند. لهذا الان حجت بر ما بیشتر است و اهمیت تبلیغ هم زیادتر، برای اینکه تبلیغ شما در اینجا و تهذیب مردم آن نیست که توی مسجد شما تهذیب دارید، مهذب می کنید مردم را. نخیر، این انعکاس پیدا می کند و رادیو می گوید و خارج هم می رسد. بنابراین ، ما امروز مواجه هستیم با همه قدرت ها که مخالف ما هستند و مظلوم هم هستیم . تمام تبلیغاتی که در تمام جاها هست ، تقریبا تمام جاها، آنهایی که ساکتند، ساکتند، آنهایی که حرف می زنند همه به ضد اسلام و به ضد جمهوری اسلامی صحبت می کنند، آنهایی که یک خرده عاقل ترند می گویند اینها اسلامی نیستند. دل مثلا کارتر یا بگین برای اسلام می سوزد که ما چون اسلامی نیستیم ، آنها متاثرند! (ای وای ! چرا اسلام در ایران تحقق پیدا نمی کند؟! ) آنها هم که از خودمان هستند که یعنی ایرانی هستند، آنهایی که در زمان حکومتشان با اسلام در جنگ بودند، حالا دلسوزی می کنند برای اسلام که این مملکت اسلامی نیست ! تمام هم و غم اینها که در خارج رفتند این است که چون اسلامی نبوده از این جهت ما پشت کردیم به آن . و آنهایی که بی عقل هستند، آنها دیگر این مسایل را طرح نمی کنند، آنها اصلش با اصل تبلیغات اسلام مخالف هستند. بنابراین شما مواجه هستید امروز با تمام تبلیغات مخالف ، یعنی هیچ شاید رادیوئی پیدا نکنید، الا اینکه مگر خیلی نادر باشد، الا اینکه حمله می کند به ایران ، به نهضت ایران ، به حکومت ایران ، به چه و همه هم تقریبا می گویند که ملت مخالف با اینهاست ، کانه چند نفر معمم آمدند بدون اینکه ملتی در کار باشد، ارتش هم که می گویند مخالف با اینهاست ، نه اینکه ملتی باشد، بدون اینکه ارتشی باشد، بدون اینها زمام امور را به دست گرفتند. این ملتی که همه می دانند، نه این است که ما می دانیم ، آنها می دانند مسائل را و می دانند قضیه اینکه ملت چکاره است و چه می کند و با کیست ، اینها را همه می دانند لکن از باب اینکه خوب ، خود تبلیغات یک مساله است ، لاقبل برای خارج یک جوهایی درست می کنند. اینها همه شان دنبال این هستند که این نهضت اسلامی را شکست بدهند که مبادا در ایران درست تحقق پیدا کند و تا آخر دست آنها کوتاه بشود و مبادا از ایران به سایر جاها و منطقه های دیگر سرایت بکند و صدور پیدا بکند که دست قدرت های بزرگ از جهان کوتاه بشود. از این جهت آنها روی این زمینه با شما مخالف هستند. لکن آن چیزی که دل ما و شما و همه را گرم می کند تاییدی است که خدای تبارک و تعالی از ما می کند، ما که خودمان قدرتی نداریم و نداشتیم و نخواهیم داشت ، هر چه هست از اوست ، هر قدرتی که هست از اوست ، منتها اگر ملت ها، اگر دولت با خدا باشند، خدای تبارک و تعالی تاییدشان می کند و اگر چنانچه بر ضد باشند، خدای تبارک و تعالی رهایشان می کند به حال خودشان . بنابراین ما باید کاری بکنیم که در مقابل این

قدرت های بزرگی که در مقابل ما هستند و این تبلیغات بزرگی که الان می شود بر ضد ماها، کاری نکنیم که بهانه دیگر دست آنها ندهیم. یک فرض کنید که امام جمعه اگر خدای نخواست در یک محلی یک خطای جزئی بکند، یک اشتباهی بکند، این مساله کم کم می رسد به دست منافقین و امثال آنها و گروه های چپی، اینها می رسانند آن را به همه جا و همه جا رویش تکیه می کنند و بحث می کنند. ما آن کارهایی که نکردیم و هیچ وقت هم در ایران نخواهیم کرد مثل کشتن بچه و کشتن غیر بالغ و اینها، چقدر اینها دارند تکیه به آنها می کنند که خیر، این حکومت اسلامی دارد بچه ها را چه می کند، بدون محاکمه، بدون بازرسی، همین طوری توی خیابان ها می ریزند و می کشند و امثال اینها. این چیزهایی که همه می دانند که نشده است، دارند برای ما می گویند. آن چیزی که خواص مختلفی دارد که جاهای دیگر ندارد، این، این انقلاب اسلامی ایران است. اولاً اسلامی است، هیچ انگیزه ای غیر اسلام ندارد، یعنی شما از آن اول کشور تا آخر کشور هر جا بروید، مردم فریادشان این است که ما جمهوری اسلام را می خواهیم. ما اسلام را می خواهیم. همین طور هم هست. یکی اینکه این انسجامی که پیدا شده است بین شان، یعنی تمام ملت ما با هم منسجمند، یک عده خیلی هم هستند که خوب، همه جا عده قلیل هست که آنها مخالف با اسلام هستند و الا توده های بزرگ مردم همراهند با شما. این هم یک خصوصیتی است که در این انقلاب است.

### همه مسوولین در سرتاسر کشور از خود مردم هستند

و یک جهت دیگر هم این تحولی است که پیدا شده در همه جا. شما ملاحظه بکنید، شاید، بعضی آقایان یادشان باید باشد، همین در زمان قاجار هم که دیگر این آخری با ضعف زندگی می کردند معذک حکومت هایشان در هر جا حکم یک سلطان داشت، حکم یک پادشاه را داشت، هر کاری می خواست می کرد و بسیاری از جاها را هم اجاره می دادند. این فرض کنید که استانداری که می خواست یک جایی برود، آن والی که می خواست برود فرض کنید والی خراسان بشود، خراسان تیول او بود و آن وزیر بالا و آن فرض کنید که امیر و الا، آن یک وجهی می داد خراسان را می خرید. بنا هم بر این بود که تو برو هر کاری می خواهی بکن، ما گوش نمی دهیم به حرف های مردم. او می رفت آنجا هر کاری دلش می خواست می کرد، مردم را هر طور می خواست عذاب می داد و البته آن پولی که داده است باید در آورد با اضافاتش، پول ها هم در می آمد. الان شما در سرتاسر کشور ملاحظه بکنید از نخست وزیر و رئیس جمهورش بگیریید تا آن پائین ها هر که هست، می بینید که یک مردمی هستند که از خود مردم هستند. رئیس جمهور یک طلبه ای بوده است سابق و بعد هم یک آقای شده است و بعد شده است رئیس جمهور. نه دستگاهی اینها را دارند و نه افکاری اینها را دارد و همین طور همه وزرا. این وزرا گاهی وقت ها جمعیتی می آیند اینجا و مخلوط به هم هستند، آدم تمیز نمی دهد که این پاسدار هست یا وزیر. من حکومت های کوچک را دیده ام که وضعشان چطور بود و با چه وضعی بیرون می آمدند. وقتی بیرون می آمدند، مردم همه صف می کشیدند برایشان تعظیم باید بکنند. با بساط می آمد بیرون یک حکومت فرض کنید که جای کوچکی، اما حالا نخست وزیرش می آید، مردم باشند مثل سایرین. این هم یک مساله ای است که الان در ایران تحقق پیدا کرده است. جاهای دیگر نیست این مسائل که همه مردمی هستند و همه هم با هم هستند و لهذا هم مردم پشتیبان دولتند و هم مردم پشتیبان ارتشند، هم ارتش و دولت با مردم هستند و این یکی از رمزهای بزرگ پیروزی این چیز است.

### فراوانی یکی از نعمت های بزرگی است که ما داریم

و اما اینکه نباید هیچ فرض کنید که اشتباهی باشد، نباید هیچ گرفتاری باشد، خوب، چطور نباید و چطور می توانند. شما فرض کنید که گرانی الان هست، خوب، همه ما می دانیم گرانی هست اما با تمام قوا دارند کوشش می کنند که بتوانند، نمی توانند.



انقلاب واقع شده است ، فراوانی است ، این یکی از نعمت های بزرگی است که ما داریم . شما شاید خیلی هاتان شاید یادتان هست که در همین جنگی که به ما مربوط نبود، جنگ عمومی دوم که به ما مربوط نبود، در ایران دیگر نان پیدا نمی شد. من یادم است که در قم که می رفتند منزل و برمی گشتند، دکان نانوائی هیچ باز نبود، سنگگی اصلش در قم نبود، یک نان هائی ، در تهران که بودیم یک نان هائی درست می کردند که رنگش با رنگ عباى شما شبیه به هم بود، مردم این نان ها را می خوردند آنوقت ، امروز شما می بینید که از حیث ارزاق بحمدالله خدا لطف کرده است و از ارزاق مردم دیگر نگرانی ندارند گرانی هست البته ، اما نمی شود در یک انقلاب هیچ چیز نباشد، لازمه هر انقلاب این است که یک اختلافاتی باشد، یک عرض بکنم که اشرار در اطراف چه بکنند. در هر شاه مردگی که در سابق واقع می شد یکدفعه ایران به هم می خورد، اشرار در اطراف چه بکنند. در هر شاه مردگی که در سابق واقع می شد یکدفعه ایران به هم می خورد، شاه می مرد یکدفعه خان ها سر درمی آوردند و دزدها سر درمی آوردند و به هم شلوغ می شد تا دوباره یک زحمتی کشیده بشود، باز یک آرامش نسبی پیدا بشود، آن هم نسبی . والحمدلله حالا- این مسائل کم است ، نه اینکه نیست ، هست ولی کم است . مردم ، اگر اینهائی که یادشان است جنگ دوم جهانی که به ما هیچ مربوط نبود، ما سر پل بودیم ، سر راه بودیم ، آمدند گرفتند اینجا را و به مجردی که گرفتند، همه چیز نادر شد، دیگر هیچ پیدا نمی شد، حالا بحمدالله پیدا می شود. حالا فرض کنید یک چیزی کم یافت بشود این را نباید ما می بگوئیم که ما چه بکنیم ، مردم بگویند ما چه بکنیم . خوب ، مردم که دیدند این مسائل را، مردم که دیدند این گرفتاری را، مردم که شنیده اند گرفتاری های جاهای دیگر را، خوب ، برای چه شکایت می کنند؟ بحمدالله فراوانی است ، یعنی گرسنگی نیست توی کار، اینطور نیست که مردم نان پیدا نکنند، اینطور نیست که مردم ارزاق را نتوانند پیدا کنند، کمیاب گاهی می شود اما آن هم ارزاق عمومی کمتر کمیاب می شود. یکدفعه می خواهند آقایان که ، آنهائی که توقع دارند و هی شکایت می کنند، یکدفعه از آن حال انقلابی برگردند به یک حال آرامشی که هیچ کسی در هیچ جا به ما کار نداشته باشد، خوب ، مایی که الان مواجه هستیم با تمام قدرت های عالم ، همه از هر طرف به ما فشار می آورند، همه از هر طرف به ما می خواهند ظلم بکنند معذک دولت ایران و ملت ایران اینطور سر پای خودش ایستاده است ، در خودش جنگ است ، یک سال و نیم است که جنگ است ، هر وقت جنگ باشد در یک جایی ، همه جایش به هم می خورد، جنگ است و همه جا آرامش است ، مناطق جنگی هم بحمدالله با قدرت دارند پیش می روند، توقع این نباید مردم بکنند، آقایان به مردم نصیحت کنند که توقع اینکه یکدفعه همه گرفتاری ها رفع بشود، یکدفعه شما در کدام حکومت از صدر اسلام تا حالا، حکومت رسول الله را بگیرد و حکومت امیرالمومنین سلام الله علیه را و بعدش هم که دست های آنهائی بودند که فروختند، خوب ، ملاحظه کنید که در همان زمان حضرت امیر همچو نبود که همه اینهائی که می روند اطراف و از طرف چیز، همه شان یک مردم سیری باشند، اصلش بسیاریشان کارهای خلاف هم می کردند، افرادی باعث ناراحتی ، حضرت امیر هم چیز می کردند، حضرت امیر هم اقدام می کرد چیز می نوشت به آنها، در صورتی که آنوقت آرامش بود در همه جا، الا- زمان حضرت امیر، البته از داخل خیلی خراب بود. در هر صورت من گمان می کنم که ما اگر چنانچه راجع به این گرفتاری های جزئی که داریم و آن گرفتاری های بزرگ بحمدالله رفع شده است ، آنقدر کارها شده است برای این مردم ، اگر راجع به این گرفتاری های جزئی که هست و لازمه یک انقلابی هست و باید هم دنبالش بروند و همیشه هم گفته می شود که دنبالش بروید، اگر راجع به اینها، خوب ، اینها ناشکری بکنند، یک وقت خدای نخواستہ عنایت خدا برگردد از ما. ما باید شکر نعمت های خدا را بکنیم . شما در سرتاسر ایران الان یک مشروب فروشی دیگر نمی بینید. خوب ، باید چه بشود؟ یک دانه از آن خانه هائی که بود شما می دانید، همه تان شنیدید البته که در سرتاسر شهر، ما همدان که بودیم می گفتند مشروب فروشی در همدان بیشتر از نانوائی است ، بیشتر از کتابفروشی است ، تهران بدتر از آنجا، الان شما سرتاسر ایران وقتی بیانی بینی یک همچو کارهای خلاف نیست . این

کارهای خلاف آقایان که مضر به حال اسلام بود و آنطور راهی که آنها داشتند پیش می رفتند که خجالت دارد که انسان اسمش را ببرد که آنها می خواستند چه بکنند، می خواستند چه بساطی درست بکنند و بحمدالله دست آنها کوتاه شد و مملکت الان یک مملکت نیمه اسلامی است. البته گرفتاری هست از باب اینکه نمی شود این گرفتاری ها یکدفعه رفع بشود. باید مردم را هدایت کنید و انشاءالله مسوولین هم با شما موافقت می کنند، شما هم با مسوولین موافقت می کنید در ساختن مملکت و در ساختن مردم. و مردم هم باید توجه بکنند به اینکه دولت دنبال این هست که بسازد و آنطوری که گزارش داده می شود از جهاد سازندگی و از سایر کارهایی که تاکنون شده است، در ظرف آن پنجاه سال به قدر این دو سال با همه این گرفتاری هائی که دولت داشته است، نشده است. آمار وقتی داده می شود، خوب، آمار داده می شود، وقتی آمار را می دهند راجع به ساختمان مدرسه، در تمام دوره آنها به اندازه این دوره، شاید این دوره نصف تمام آن دوره ها باشد، چیز درست کرده باشند، مدرسه درست کرده باشند. چقدر حمام، چقدر مسجد، چقدر راه کشیدند، چقدر کار کردند. خوب، کارهایی است که شده، ما نباید هی انگشت بگذاریم روی آن که نشده است. خوب، یک قدری هم اظهار تشکر از این که شده است باید بکنیم، یک قدری هم مردم را آگاه کنیم به اینکه در انقلاب فراوانی نعمت بودن ولو گران است گرانی سرسام آور هم است لکن بودن این نعمت در بین مردم، این یکی از نعمت های بزرگ خداست که در انقلابات دیگر این حرف ها نیست در کار. الان هم در بعضی از جاهائی که یک انقلابی شده است، از عدم ارزاق و از نبودن اینهاست، ناله می کند. بنابراین ما نباید توقع داشته باشیم که همه مسائل درست بشود و تمام افرادی که دارند کار می کنند، در دولت هستند، تمامشان یک آدم های مهذب باشند. نیست همچو چیزی، نمی شود یک همچو چیزی. ما نداریم الان کسانی که بروند همه جا و مردم را دعوت کنند. حوزه ها مجهز نیستند، برای این کارها نبودند، از باب اینکه همه چیز از دست آنها خارج بود، حتی تبلیغ نمی توانستند درست بکنند، از این جهت نمی توانستند این کار را... الان ما کمبود داریم نسبت به روحانیت، کمبود داریم نسبت به مبلغ، کمبود داریم نسبت به این مسائل و باید به تدریج درست بشود. مایوس نشوید و انشاءالله با خدا هستیم و خدا با ما هست. ما می خواهیم که مملکت را اسلامی اش کنیم به همه معانی، همه شما آرزویان هم همین است که این مملکت اسلامی بشود و همه احکام اسلام در آن جاری بشود و یک همچو آرزویی که ما داریم، خداوند ما را تایید می کند انشاءالله. انشاءالله خداوند همه شما را تایید کند، موفق باشید، مویذ باشید و مردم را هدایت کنید، مشکلات را طوری کنید که مردم خیال نکنند که ما الان مشکلاتی داریم که دیگر قابل حل نیست. نه، مشکلاتی هست، البته هست اما دنبالش هستند و قابل حل است، انشاءالله حل می شود همه. والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته تاریخ: ۲/۱۱/۶۰

### فرمان امام خمینی به آیت الله مهدوی کنی

بسم الله الرحمن الرحيم جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدرضا مهدوی کنی دامت افاضاته جنابعالی را به عضویت ستاد انقلاب فرهنگی منصوب می نمایم. امید است با همکاری و همفکری با اعضاء محترم این ستاد و نیز افراد صاحب نظر متعهد و اساتید و دانشجویان محترم و مسوول، در هر چه سریعتر بازگشائی دانشگاه های کشور کوشش نمائید. انشاءالله ملت شریف ایران در آینده ای نزدیک شاهد فعالیت علمی دانشگاهی در سراسر ایران باشند. توفیق جنابعالی و سایر اعضاء محترم و همه افرادی که در این زمینه کوشش می نمایند را از خداوند متعال خواستارم. والسلام علیکم روح الله الموسوی الخمینی تاریخ: ۲/۱۱/۶۰ بسم الله الرحمن الرحيم جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاج شیخ احمد احمدی دامت افاضاته جنابعالی را به عضویت ستاد انقلاب فرهنگی منصوب می نمایم. امید است با همکاری و همفکری با اعضاء محترم این ستاد و نیز افراد صاحب نظر متعهد و اساتید و دانشجویان محترم و مسوول، در هر چه سریعتر بازگشائی دانشگاه های کشور



کوشش نمائید. انشاءالله ملت شریف ایران در آینده ای نزدیک شاهد فعالیت علمی دانشگاهی در سراسر ایران باشند. توفیق جنابعالی و سایر اعضا محترم و همه افرادی که در این زمینه کوشش می نمایند را از خداوند متعال خواستارم. والسلام علیکم وروح الله الموسوی الخمینی تاریخ: ۴/۱۱/۶۰

**بیانات امام خمینی در جمع اساتید، اعضای هیات مدیره و دانشجویان مدرسه عالی علوم تربیتی و قضائی قم، مسؤلان ستاد مرکزی جهاد سازندگی، فرماندهان سپاه پاسداران، گروهی از مسؤلان جمعیت هلال احمر، طلاب و اقشار مردم کاشان و اندیشمک**

**چیزهایی که بر ضد این نهضت است به دست خود ملت از سر راه برداشته می شود**

بسم الله الرحمن الرحيم من باید تشکر کنم از آقایانی که در این سرما و زحمت تشریف آوردند اینجا و اینجا را مفتخر کردند به وجود شریف خودشان، هم از بانوان و دوشیزگان قم و هم از علمای اعلام حوزه علمیه و هم از پاسداران و هم از جهاد سازندگی و دیگران و آقایان طلاب کاشان. انشاءالله خداوند همه ما و شما را موفق کند که به اسلام و خواست اسلام تا آخرین نفس پایدار باشیم و از هیچ توطئه یا تهدیدی خوف نداشته باشیم. ما چند جور گرفتاری داریم، یک جور گرفتاری های داخلی که همه می دانید از جهت جنگ و از جهت فسادهایی که گروه های فاسد می کنند و از جهت کمبودهایی که داریم، اینها به نظر می آید که خیلی اسباب این نشود که ما عقب نشینی کنیم. ما و شما آقایان و همه ملت که همه با هم هستند، گرفتاری های داخلی را حل می کنند و امروز یک گرفتاری غیرقابل حلی ما نداریم. البته کمبودهایی داریم از قبیل کمبود قاضی، کمبود مبلغ که این به عهده علمای حوزه علمیه قم و سایر حوزه هاست که با کمال کوشش در این مطلب پافشاری کنند و وجود قاضی امروز خیلی محل احتیاج است و چند هزار قاضی ما لازم داریم، ایران لازم دارد و آن باید به همت والای علماء بلاد و مدرسین محترم حوزه علمیه قم ایدهم الله تعالی این کمبود ولو به دراز مدت، اما نه خیلی دراز مدت، این کمبود انشاءالله حل بشود و حل می شود. و همین طور تربیت مبلغین، مبلغین امروز خیلی مورد احتیاج است. در شهرها، در روستاها، در مناطق جنگی و همه جا، در کارخانه ها، همه جا مبلغ مورد احتیاج است و کمبود داریم. بسیاری از اوقات می آیند اینجا و شکایت دارند از اینکه نداریم مبلغ. باید باز حوزه علمیه خصوصا حوزه های علمیه همه جا خصوصا حوزه علمیه قم همت کنند که این نقیصه را هم انشاءالله رفع کنند و مساله ای نیست و خواهد رفع شد. جنگ هم یک مساله ای بود که انسان خیال می کرد که یک هائله ای است برای ما و یک مساله ای است بسیار مهم لکن معلوم شد که منافعش بیشتر از ضررهایش بود. آن انسجامی که در اثر جنگ، بین قشرها پیدا شد و آن معنای روحانی و معنوی ای که در خود سربازان عزیز از ارتش و ژاندارمری و سپاه پاسداران به نمایش گذاشته شد و آن روح تعاونی که در همه ملت از زن و مرد در سرتاسر کشور تحقق پیدا کرد، به دنیا فهماند که این مساله ای که در ایران است با همه مسائل جد است. اینجا از باب اینکه اصل نهضت را خود ملت کرد و به ثمر رساندنش هم به دست خود ملت شد، چیزهایی که برضد این نهضت و برضد این انقلاب است، باز به دست خود ملت از سر راه برداشته می شود و انشاءالله این هم به زودی حل خواهد شد. مساله گرانی و مساله احتکار و اینها هم کرارا گفته شده است به اینکه اینهایی که گرانی فروشی می کنند، اینهایی که احتکار می کنند، اینها انصاف داشته باشند که این ملتی که با خون خودش و با زحمت خودش شما را به از آن اختناق بیرون آورد و مساله آن ناامنی به صورت قانونی را از بین برد، هیچ انصاف نیست که شما با این ملت و این !!! با این مستضعفین اینطور کنید. می دانید که گرانی و احتکار تلخی اش به ذائقه مستضعفین و عامه مردم محروم است، مشکل برای اینهاست و الا- آنهايي که بالانشین اند و از طبقات

مستکبر هستند و بالانشین ، آنها برایشان این امور خیلی مطرح نیست ، هم ذخیره ها دارند و هم اموال زیاد، هر قیمتی هم باشد می تواند تهیه کنند، این مستضعفین هستند که بار این زحمت به دوش آنهاست و بار انقلاب هم به دوش قوی محترم آنها بود و هست و امیدواریم که این مساله هم حل بشود، با انصاف فروشندگان و ثروتمندان و با توجه اولیاء امور. این مسائل داخلی یک مسائلی است که ولو به دراز مدت حل می شود. بحمدالله جهاد سازندگی به طوری که آقا خواندند و ریز این فعالیت ها را دادند، بسیار انسان را دلخوش می کند و امیدوارم که فعالیت بیشتر از این بشود و به روستاها، به مستضعفین ، به محرومینی که در طول تاریخ محروم بودند، به اینها بیشتر رسیدگی بشود و می شود. و من تشکر می کنم از اینهمه زحمت ها و امیدوارم که از این به بعد هم آقای نوری که در این جرگه وارد شده اند، با هدایت هائی که می کنند و زحمت هائی که می کشند و با زحمت های سایر برادرهای محترم مشکل هم هر چه باشد، انشاءالله حل بشود. مشکل های داخلی ما یک قسم مشکلات هست که به دست خودمان باید حل بشود و همه ملت باید در این باب کوشش کنند، آنهایی که کار می توانند بکنند کار بکنند، زراعت می توانند بکنند زراعت بکنند و این مشکل را، مشکل اقتصادی را با دست خود ملت انشاءالله حل بشود و ملت ما به خود کفائی انشاءالله برسد.

### دانشگاه را باید با جدیت باز کنند و به طور حتمی اسلامی اش کنند

مشکل دانشگاه هم حل شده است و می شود. من از بعضی روزنامه ها گله باید بکنم که گاهی در تیتراهایشان یک مطلبی که از یک راه می خواهد برود، منحرفش می کنند به راه دیگر. ما می گوئیم دانشگاه ها باید باز بشود و در خلال باز شدن زحمت کشیده بشود از جناح خود دانشگاهی ها و از جناح روحانیون و جناح های دیگری خدمت کنند تا اینکه دانشگاه ها به آن تربیت اسلامی برسند. می بینیم که گاهی وقت ها در روزنامه ها می گویند که دانشگاه ها تا اصلاح نشود، نباید باز بشود، گاهی هم گردن من می گذارند این حرف را. من از آنها گله دارم که من می گویم که دانشگاه چون اصلاحش طولانی است باید باز بشود، نه اینکه صبر کنند تا آن آخر. و یک مطلبی هم به شورای فرهنگی انقلاب عرض می کنم که از قراری که بعضی از آقایان گفتند، ایراد زیاد می گیرند، یک مساله ، مساله این است که اشخاصی که فاسد هستند و می خواهند افساد بکنند در دانشگاه ، حرفی نیست که اینها باید در دانشگاه راه پیدا نکنند، آنهایی که دانشگاه را سنگر کرده بودند و اطاق جنگ درست کرده بودند و این مفاسد را ایجاد می کردند، آنها را باید شناسائی کنند و کنار بگذارند، اما یک دسته جوان هستند از دخترها، از پسرها که اینها گاهی در سابق یک ابتلائاتی به معصیت هایی داشتند و بعد توبه کردند، اینها را نباید آقایان بگویند که شما در فلان وقت یک کار خلافی کردید و حالا دیگر باید محروم باشید از دانشگاه . خیر، در توبه باز است . خدای تبارک و تعالی در توبه را باز گذاشته است برای همه معاصی ، البته مفسدها نباید باشند لکن اشخاصی که توبه کردند، اشخاصی که قبلا افسادی نکرده بودند لکن یک مثلا خلافی کرده بودند، چه دخترها و چه پسرها، و حالا- پشیمان شدند، اینها را ما باید با آغوش باز بپذیریم و توبه آنها پیش خدای تبارک و تعالی مقبول است و اینها هم راه پیدا کنند به دانشگاه . و این جوان ها را مایوس نکنید، این جوان ها ذخیره این ملت هستند. انحرافی اگر بوده است فی الجمله ، آنها هم که توبه کردند. بنابراین دانشگاه را باید با جدیت باز کنند و با جدیت دنبال این بروند که به طور حتمی اسلامی اش کنند و تربیت های اسلامی در آن باشد.

### آنچه بر سر مسلمین آمد، از این قدرت های بزرگ است

یک گرفتاری هم ما راجع به مسلمین داریم . و این گرفتاری که راجع به کشورهای اسلامی است ، این باید به دست خود کشورهای اسلامی حل بشود. این را همه می دانند و همه می دانید که آنچه که بر سر مسلمین آمده است ، از این

قدرت های بزرگ است و آنچه که باید این مشکلات را حل بکند، وحدت کلمه مسلمین است. این مسلمینی که باید همه دولت هایشان و ملت هایشان دست به دست هم بدهند و مهاجمین به اسلام را، صهیونیسم را که مهاجم به اسلام است و دشمن سرسخت اسلام است و در صدد این است که یکی بعد از دیگری کشورهایی را از شماها بگیرد، به جای اینکه همه با هم متحد بشوید و این جرثومه فساد و سرطان را از بلاد مسلمین بیرون کنید و پاک کنید، با هم می نشینید یا صحبت می کنید، یا صحبتی می کنید که به نفع آنهاست. همه هم و غم بعضی از این کشورها این شده است که در ایران اسلام را می خواهند پیاده کنند. ایرانی که از اول فریاد زده است که ما باید فلسطین را، قدس را آزاد کنیم، هر روزی برایش یک نغمه ای می سازند و هر روزی یک بساطی درست می کنند که ایران با مثلا اسرائیل بست و بند دارد. چه داعی دارید که شما که از اسرائیل اینطور توهین می بینید، اینطور اهانت می کنید، اینطور حیثیت شما را پایمال می کند، بلندهای جولان را!!! در!!! غصب می خواهد بکند و می گوید من اعتنا به هیچ قدرتی ندارم، یک همچو جرثومه فساد را شما باید با اتفاق خودتان از بین بردارید. اگر از بین بر ندارید، این یک ماده سرطانی است که سرایت می کند به جاهای دیگر، اکتفا به جولان نمی کند، رای آنها این است که اسرائیل از همه نژادها بالاتر است و از فرات تا نیل هم مال اوست و همه این جاها باید برگردد به اسرائیل و شما نشستید سر یک امور جزئی، و!!! یک!!! سر یک امور خیلی ناچیز با هم دعوا می کنید و همه همتان را این قرار دادید که نبادا ایران یک وقتی یک حرفی بزند. ایران که همه ارگان هایش فریاد می زند که ما نظری نداریم به دولت های دیگری و ملت ها دیگری، الا اینکه با آنها متحد بشویم و فساد را از منطقه بیرون کنیم، دشمنی با ایران را می کنند. این چرا باید اینطور بشود؟ باید توجه بکنند سران قوم، توجه بکنند روشنفکران قوم، توجه بکنند علمای بلاد، توجه بکنند علمای کشور همه جا، توجه بکنند به این اینکه دشمن کی هست و دوست کیست و باید دشمن را بیرون کرد و با دوست دست اتحاد داد. این گرفتاری با دست همه مسلمین باید حل بشود و تا اتحاد بین همه مسلمین نشود، این گرفتاری ها هست، این یک گرفتاری عمومی است برای همه مسلمین، یک گرفتاری هم گرفتاری برای همه جهان است، همه مستضعفان جهان، این گرفتاری به اضافه همه گرفتاری ها زیر سر آمریکا و شوروی است. اگر امریکا پشتیبانی از اسرائیل نمی کرد، اسرائیل می توانست فلسطین را غصب کند؟ می توانست ادعا کند که جولان مال ماست و آن را برای خودشان ثبت کند؟ اگر امریکا نبود و این قدرت شیطانی نبود، اینهمه فساد در بلاد مسلمین حاصل می شد؟ این همه خونریزی هایی که در بلاد مسلمین می شود با تحریکات امریکا است. امریکا و آنهایی که با او هستند، اینطورند و از این طرف شوروی هم همانطور. دنیا اگر بخواهد از شر فساد آسوده بشود، باید همه مستضعفین دست به هم بزنند و قدرت های اینها را محدود کنند در حکومت های خودشان. اسرائیل می آید جولان را برای خودش قرار می دهد و ملحق می کند به سایر ملک های غصبی اش، آنوقت این سازمان هایی که خود، ساخته خود نیستند و از ملت نیستند، بلکه چند تا دولت بزرگ اینها را درست کرده اند و یک وقت می بینی که همه بساطی درست می کنند، یک صورتی درست می کنند، با هم چه می کنند و یک دسته زیاده تری رای به آن طرف می دهند و بعد هم امریکا می آید و تو می کنی. این از آن حکومت جنگل بدتر است. حکومت جنگل باز جنگلی است، حکومت جنگل حکومت قلدری است لکن اینها حکومت می کنند و بدتر از جنگل عمل می کنند و به خورد ملت می خواهند بدهند که سازمان حقوق بشر ما داریم، سازمان ملل متحد داریم. همان معنایی که در جنگل باید حاصل شود بدتر از آن را در امریکا و شوروی می کنند و بعد سازمان بین المللی هم می آید یک مانوری می دهد و یک بساطی درست می کند، رای هم یک عده برخلاف می دهند، همه هم برخلاف می دهند لکن همه هم می دانند که این رای برخلاف، اثری ندارد. وقتی همه اینها می دانند رای برخلاف، اثر ندارد برای اینکه امریکا ایستاده و با یک نه تمام می شود، این کار لغوی نیست که اینها می کنند؟ کی را می خواهند بازی بدهند؟

اصل اساس این را خود اینها درست کرده اند، اساس این سازمان ها ساخته خود اینهاست . اگر ساخته خود اینها نبود، به چه مناسبت باید یک کشوری یا چند تا کشور قلدرحق و تو داشته باشند؟ این را هم از اول خودشان درست کرده اند و این را هم درست کرده اند برای بازی دادن ملت های کوچک ، مستضعفین جهان . بدتر از این جنایت و بدتر از این وحشیگری در عالم نیست . حکومت های جنگل باز یک فطرتی دارند، روی آن فطرتشان هم باز ظلمشان را بالسویه می کنند، اما این سازمان ها و آنهایی که با دست آنها، با دست جنایتکار آنها این سازمان ها درست شده است ، آنها تمام حیثیت و انسانیت بشر را از بین می برند با اسم اینکه ما طرفدار حقوق بشر هستیم . طرفدار حقوق بشر که آنهمه جنایت در عالم دارد واقع می شود با دست این دو تا قدرت و هیچ کلمه ای نمی گویند یا اگر بگویند، به شوخی شبیه تر از جدی است ، آنوقت راجع به ایران آن مسائل را می گویند، باز هم توقع این را دارند که ایران گوش کند به حرف آنها. ایران دیگر راه اسلامی را پیش گرفته و همه این سازمان هایی که هستند، اینها را نوکر ابرقدرت ها می داند. بالاخره !!! اگر بنا !!! اگر بخواهد بشر، مستضعفین عالم اگر بخواهند یک زندگی شرافتمندانه انسانی داشته باشند، باید همه مستضعفین جهان به هم دست بدهند و قدرت این قدرتمندانی که حق و تو دارند، اینها را باید محدود کنند. خداوند انشاءالله دنیا را از شر این ابرقدرت ها نجات بدهد. و ملت های اسلامی را از شر شیطان داخلی خودشان نجات بدهد. و ملت ما را هر چه بیشتر منسجم کند. و علما و مدرسین و روشنفکران ما را همانطوری که خدمت تاکنون کرده اند، توفیق خدمت عنایت کند. والسلام علیکم و رحمہ اللہ و برکاته تاریخ : ۱۰/۱۱/۶۰

## **بیانات امام خمینی در دیدار وزیر ارشاد اسلامی و سرپرستان هیأت های اعزامی به خارج کشور**

### **جمهوری اسلامی از رژیم های مظلوم جهان است**

بسم الله الرحمن الرحيم آقایان می دانند و محتاج به توضیح نیست که جمهوری اسلامی از رژیم های مظلوم جهان است . هر چه دروغ می خواهند می گویند، بعضی از رادیوها هر چند روز یک بار شیوه دروغ پراکنی شان را عوض می کنند. وقتی از فحش و ناسزا خسته شدند و یا احتمال دادند که شنونده هایشان خسته شده اند، شروع می کنند به جعل نامه و همه مضمون ها یکی است . حتی یک رادیو که مقایسه بین انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلابات را بنماید نداریم . ما می خواهیم فقط مقایسه کنند، نه اینکه بیش از آنچه هست بگویند. جمهوری اسلامی پس از پیروزی به تمام افراد گروه ها فرصت داد تا آزادانه هر عملی را می خواهند انجام دهند و هر روزنامه ای که خواستند منتشر کنند، ولی دیدید که اینها چگونه عمل کردند. اینها با اسلحه به جان مردم افتادند و رسماً علیه اسلام قیام کردند. امروز تبلیغات می کنند که تنها صدی شش و یا صدی ده از مردم طرفدار جمهوری اسلامی می باشند. تمام آمال و آرزوهایشان شمال بود و معتقد بودند که شمال صددرصد با جمهوری اسلامی مخالفند. از طرف دیگر تمام نیروهایشان را از همه جا جمع کردند و به شهر آمل وحشیانه و غافلگیرانه حمله کردند به امید اینکه مردم هم که با آنها هستند، پس آمل را می شود فتح کرد و از آنجا شهرهای دیگر را، ولی متوجه شدید که چه شد. مردم چنان با آنان به مبارزه برخاستند توی دهن آنان زدند که نتوانستند حتی برای چند ساعت مقاومت کنند. مخالفت مردم مهم است . ما باید از شهر آمل و مردم فداکار آن تشکر کنیم . با کمال تاسف عده ای شهید شدند، ولی با شهادت خود به آنان ثابت کردند که در جایی که تمام آرزویتان و اعتمادتان به آنجا بود، دیدید مردم دلیر و مسلمان آمل چه بر روزتان آوردند؟ حالا شما قم و یا تهران چگونه می خواهید بیایید. رسانه های گروهی دشمن ما از این موضوع گذشتند و هیچ نگفتند. اینجا که به نفع ما بود هیچ نمی گویند. ولی آنجا که به ضرر ما باشد هر چه دلشان بخواهد رویش می گذارند و می گویند. پس ما باید این موضوع را احساس کنیم که چون می خواهیم آزاد باشیم ،

کشورهائی که در جهان موثرند با ما مخالفند. به همین جهت خودمان باید در فکر خودمان باشیم، یعنی نباید بنشینیم تا بینیم دشمنان ما چگونه می گویند و یا تعریف می کنند یا نمی کنند و یا مطالب را درست می گویند یا نه. باید راه بیفتیم و انقلاب خودمان را به دنیا بشناسانیم. الان فرصت خوبی است، امیدوارم به امید خدا موفق شوید و بدانید که مردم با ما هستند. ما همانگونه که خود قیام کردیم و نشستیم تا قدرتی به کمک ما بیاید، حالا هم نباید انتظار داشته باشیم تا دیگران به نفع ما تبلیغ کنند، والا همه می دانند که در انقلابات دیگر گاهی میلیون ها نفر آدم کشته شده است و نمی گذاشتند کسی نفس بکشد. همین حالا در کدام یک از کشورهای جهان است که قیام مسلحانه را تحمل کنند. آنها به محض احتمال، دستگیر می کنند. وقتی پای براندازی رژیم در کار است، وقتی پایمال کردن خون شهدا در کار است، که دیگر نمی شود ساکت بود. جمهوری اسلامی تنها به کسانی که کسی را کشته اند و یا کارهائی کرده اند که در اسلام حکمش اعدام است، جزای عادلانه داده است. این جزا برای حفظ جامعه مفید است. اینها غده های سرطانی هستند که برای صحت جامعه باید بیرون آورده شوند. آنهائی هم که زندان هستند تحت تربیت قرار گرفته اند و همیشه سفارش اینها را کرده ام. شما خارج که می روید این صحبت ها هست، از اسلام دفاع کنید. بالاخره ما باید کلاه خودمان را خودمان نگه داریم و مطمئن باشیم که کسی نمی آید حفظمان کند. وزارت ارشاد باید فعال شود. شما آقایان از فرصت استفاده کنید و به مردم جهان مطالب را برسانید. مردم خیلی چیزها را نمی دانند. مصاحبه کنید، در میان جمعیت بروید، سخنرانی کنید. باید توجه داشت که فقط سالی یک بار سفر نکرد، بلکه هر فرصتی پیش آمد از این نوع سفرها نمود. امیدوارم با موفقیت مراجعت کنید. والسلام علیکم و رحمہ اللہ و برکاته تاریخ: ۱۲/۱۱/۶۰

### پیام تقدیر امام خمینی به پزشکان و پرستاران و کارکنان

بسم الله الرحمن الرحيم سالروز پیروزی ملت عزیز ایران بر هم میهنان محترم مبارک و بر مجروحان و آسیب دیدگان جنگ مبارک تر. قلم و بیان قاصرتر از آن است که بتوان از این فداکاران تشکر کرد. باید از دکترهای محترم و پرستاران و کارکنان عزیز بیمارستان ها که فداکاران اسلام و کشور را با گشاده رویی و مهر برادری و خواهری پذیرایی می کنند و به کمک قشری از ارزشمندترین قشرها بپا خاسته اند تقدیر و تشکر کنم. خدمت به همه بیماران محترم خصوصا فداکارانی که در راه هدف مقدس فداکاری کرده اند ارزشی است که با موازین طبیعی و مادی نتوان ارزیابی نمود. از خداوند تبارک و تعالی برای آنان که در خدمت بیماران و فداکاران در راه هدف مقدس کوشش شبانه روزی می نمایند طلب سعادت و رحمت می نمایم. امید است از این نعمت و رحمتی که خداوند تعالی نصیب آنان فرموده است هر چه بیشتر بهره برداری نموده و بر حجم خدمت بر این فداکاران ارزشمند و سایر بیماران که برادران و خواهران آنانند با لطافت و مهر و عطوفت بیفزایند. از خداوند تعالی پیروزی برای اسلام و صحت و سلامت برای آسیب دیدگان و بیماران و رحمت برای شهیدان خواستارم. والسلام علی عبادالله الصالحین روح الله الموسوی الخمينی تاریخ: ۱۴/۱۱/۶۰

### بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه استان خوزستان

#### وقتی انقلاب از متن مردم باشد نمی شود آن را شکست داد

بسم الله الرحمن الرحيم متقابلا ولادت با سعادت حضرت عسکری سلام الله علیه را خدمت آقایان تبریک عرض می کنم و همین طور سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی را و از خدای تبارک و تعالی می خواهم که ما را برای پیشبرد و اجرای احکام اسلام هدایت

فرماید. آنچه که احساس می شود این است که اسلام شناسان و مدعیان جامعه شناسی نه از اسلام اطلاعی دارند و نه از جامعه شناسی. شما می بینید که اشخاص و گروه هایی که مدعی این مسائلند، چون از اسلام و قدرت اسلام و از وضع جامعه اسلامی اطلاعی ندارند گمان می کردند که این انقلاب در همان روزها و ماه های اول نتواند خودش را نگه دارد و از داخل خودش و خارج منهدم می شود. آنها نمی دانند که وقتی انقلاب مردمی باشد، آن هم با ایده اسلامی، با انقلاباتی که گروهی و یا اشخاص می کنند، با هم فرق های زیاد دارد. در انقلاب های مردمی، همه مردم بر اثر فشارهایی که در سالیان دراز دیده اند، کم کم برای نجات خود و کشورشان انقلاب می کنند که در انقلاب ما روحانیون و خطبا در بیداری مردم نقش اساسی داشتند. وقتی انقلاب از متن مردم باشد نمی شود با گروهی یا دسته ای و یا حتی لشکرهایی آن را شکست داد. مثلاً امریکا و یا یک قدرت بزرگ دیگر می تواند ایران را اشغال کند، ولی نمی تواند انقلاب را شکست دهد چنانکه در افغانستان، شوروی با شکست روبرو شد و به نظر می رسد که پشیمان است. آمریکا می تواند با هواپیماهایش شهرهای ما را بمباران کند، ولی وقتی وارد ایران شد چه؟ مردم آنها را با چنگ و دندان از بین می برند. آنانی که خیال کردند می توانند انقلاب ما را شکست دهند، از باب این است که نه اسلام را شناخته اند و نه مردم ایران را. ما می بینیم در خوزستان و مکان هایی که در آنجا جنگ است، مردم چگونه مقاومت می کنند. من وقتی نماز جمعه بعضی از شهرهای خوزستان را مثل آبادان و اهواز و دزفول می بینم پیش خود مباحثات می کنم که بحمدالله اسلام چنین مناطقی را داراست، مناطقی که هر آن احتمال بمباران دارد، جماعتش با آن قدرت تشکیل می گردد و امام جماعتش با آن قدرت صحبت می کند. جمعه های شهرهای جنگی غیر از جمعه تهران و قم و سایر بلاد است، جمعه های این شهرها به ایران روحیه می دهد. صدام که از راه دور شما را زیر گلوله می گیرد و یا بمباران می کند خود دلیل واضحی است بر ضعف و زوال عدم قدرت نظامیش. و مضحک اینکه مساله جنگ را با اینکه دنیا می داند که چگونه است، حسین اردنی می خواهد وارد جنگ رسمی شود، او می خواهد انتحار کند. این هم از باب این است که آنها نه اسلام را شناخته اند، نه مردم ایران را و نه تعهد مردم را نسبت به اسلام و ایران. اینان خیال می کنند که مردم ما مثل خودشانند. نمی دانند که اگر یک روز سر نیزه را از روی سر مردمشان بردارند از بین می روند به خلاف ایران. ایران قدرت های بزرگ را بیرون راند و قدرتش از روز اول هم بیشتر شده است. نمونه ای را که شما ذکر کردید، هر روز من می بینم. پیرزن و پیرمردهایی هستند که می آیند که پسرهایشان شهید شده اند، ولی با این وصف می آیند و گریه می کنند که اجازه دهید برویم جنگ. من به آنها می گویم که شما هم مثل من پیرمرد هستید و نمی توانید بجنگید. می گویند می رویم و یک کاری می کنیم. این است روحیه مردم ما. به وصیت نامه جوانان نگاه کنید، این وصیت نامه ها انسان را می لرزاند و بیدار می کند. بحمدالله ایران یک کشور نمونه است. امیدوارم مردم با هدایت روحانیون همانگونه که هستند باز هم قدرتش را حفظ کنند تا انشاءالله احکام اسلام پیاده شود. البته می دانید که نهضت و انقلاب برای پیاده کردن احکام اسلام است. ما مقصد دیگری غیر از این نداشتیم. آخر شما که نمی خواستید قدرت کسب کنید، بلکه می خواستید قرآن را احیا کنید و بحمدالله در شرف پیاده شدن است. البته گرفتاری ها و کمبودهایی هست، چه می شود کرد، می دانید در حال جنگیم، انشاءالله بر طرف می شود. گفتید مبلغ کم دارید و به همین خاطر حوزه تشکیل داده اید، بسیار مفید است. ما امروز احتیاج به مبلغ داریم. روحانیون حوزه علمیه قم و سایر حوزه ها به سایر شهرها می روند ولی باز هم کم است. حوزه های شهرها پشوانه حوزه های اصلی است. من کرارا به همه تاکید کرده ام که درس های حوزه ها باید به همان وجه سنتی خودش محفوظ باشد. فقه باید همان فقهی باشد که در بین ما هست. اگر از فقه سنتی منحرف بشویم فقه از بین می رود. باید به همان صورت و قدرتی که مشایخ ما از ابتدا تا به حال فقه را حفظ کرده اند، حفظ کنید. امیدوارم آقایان موفق باشند. باز هم از اینکه اینجا تشریف آورده اید تشکر می کنم. خداوند همه شما را



موفق کند و اسلام را تا ظهور حضرت امام زمان سلام الله عليه به پیش ببرد. والسلام عليكم ورحمة الله تاريخ: ۱۵/۱۱/۶۰

## بیانات امام خمینی در جمع گروهی از جانبازان انقلاب اسلامی و سرپرست بنیاد شهیدانقلاب اسلامی

### ملت ایران امروز ثابت کردند که ملتی هستند زنده و متعهد به عقاید خودشان

بسم الله الرحمن الرحيم من تشکر می کنم از شما برادران و عزیزان که به حال نقاهاست اینجا آمدید که هم موجبات تاسف من را زیادتر کنید و هم موجبات سرافرازی من . شما عزیزان و بستگان شما و شهدا و بازماندگان شهدا، سند در دست دارید. وجود شما سند دو امر است : یکی سند جنایت امریکا و صدام وابسته امریکا و یکی سند بسیار گویای شجاعت و شجاعت شماست . شما تعهد خودتان را ثابت کردید. شما ثابت کرده اید و سند دارید به اینکه متعهد به اسلام و قرآن کریم و ملت اسلام هستید. شما رهبران این نهضت هستید و ما از قافله عقب ماندیم . من با کمال صداقت اعتراف می کنم به اینکه ما سندی بر ادعائی اگر بکنیم ، نداریم و شما عزیزان بدون ادعا، بدون توقع مدح و ثنا و بدون توقع پاداش ، تعهد خودتان را به اسلام و قرآن کریم ثابت کردید. شما و شهیدان این ملت و بستگان شما و بازماندگان شهدا در محضر خدا با یک سند ثبت شده وارد می شوید و ما همچو سندی را نداریم . سعادت مال شماست و مال بستگان شما و مال شهدا و مال بازماندگان شهداست . صدام با این جنایت ثابت کرد که مقدار تعهدش بر امریکا چقدر است و مقدار طرفداریش از غرب چقدر است و شما هم ثابت کردید به اینکه تا چه اندازه این شخص جنایتکار است . جنایتکاری که برای رسیدن ارباب هایش به مطامع خودشان هم ملت ایران و هم ملت عراق را می خواهد به تباهی بکشد. و شما ثابت کردید که امثال صدام و حسین برادر صدام ، حسین اردنی چنین عرضه ای ندارند. آنها که با سرنیزه می خواهند حکومت کنند و با سرنیزه در جبهه ها ارتش بفرستند، آنها عرضه این را که با یک ملتی که با شجاعت خود و تعهد خود به اسلام و روی گشاده به طرف مرگ می رود، به طرف شهادت می رود، تا مرز شهادت می رود، نمی توانند مقابله کنند. صدام خودش را با دست خودش برای حماقتی که داشت به هلاکت رساند و حالا نوبت حسین اردنی است . اینها در کشورهای خودشان و در بین ملت خودشان رسوا هستند و داوطلبی که حسین ادعا کرده است از قراری که بعضی اشخاص مطلع می گویند قضیه داوطلبی نیست ، بله ، خودش تنها داوطلب است ، اما او به جبهه ها نمی رود و ترسو تر از آن است که وارد بشود در جبهه ها. او در همان محل خودش می نشیند و یک دسته ای را با سرنیزه به عنوان داوطلب می فرستد به هلاکت برسند. ملت ایران امروز همه ثابت کردند به دنیا که ملتی هستند زنده ، ملتی هستند متعهد به عقاید خودشان و در راه عقیده شهید شدند یا تا مرز شهادت رفتند و ما هر روز شاهد اشخاصی هستیم که از ما می خواهند که دعا کنیم به شهادت برسند و دعا می کنیم که به پیروزی برسند. مشکلات انقلابات زیاد است و انقلاب ما به حسب قاعده ، به حسب موازین طبیعی و مادی باید نسبت به مشکلات انقلاب دیگر، صد چندان باشد. برای اینکه ما یک ملتی بودیم تحت ستم در طول شاهنشاهی و بخصوص در طول پنجاه سال سلطنت کثیف خاندان پهلوی و ما هیچ یار و یابوری جز خدای تعالی نداشتیم و ما و ملت ، ملت عزیز ما خود قیام کرد و نهضت کرد و همه قدرت ها را عقب زد. نهضت ها و انقلاب های دیگر در مقابلش اگر یک قدرتی ایستاده بود، یک قدرت دیگر هم پشتیبان داشت ، ما خود ایستادیم و از هیچ کشوری پشتیبانی ما نشد و ما اتکال به غیر خدا، به کشوری پیدا نکردیم و این قدرت معنوی و الهی است که در همه پیدا شده است و در شما جوانان عزیزی که الان در اینجا حاضر هستید، با سند جنایت امریکا، قدرت روحی خودتان از حسین و صدام بیشتر است . آنها به قدرت مادی اتکال دارند و شما به قدرت الهی اتکال دارید. کشور ما و ملت عزیز با اینکه هیچ کس و هیچ کشوری از او حمایت نظامی نکرد و در دست خودش هم هیچ چیزی که بتواند مقابله کند با قدرت

شیطانی محمدرضا نداشت الا ایمان راسخ به مکتب، قیام کرد و در ۲۲ بهمن نظام فاسد شاهنشاهی را شکست و نظام مترقی اسلامی را بر پا کرد. و همه برای خدا، و داد و فریادها از سرتاسر کشور فریاد الهی بود، ندای حق بود از حلقوم شما و خداوند وعده نصرت به شما داده است لکن باقی باشید به آن تعهداتتان. شماها وفا کنید به عهد خدا، خداوند وفا می کند به عهد شما. شماها نصرت بدهید به دین خدا و خداوند نصرت می دهد به شما. نصرت خدا در این سه سال واضح و روشن بود. هر توطئه ای بر ضد شما و جمهوری شما بپاشد خدای تبارک و تعالی یا با دست شما یا با دست دیگران آن توطئه ها را خنثی کرد و از حالا به بعد هم دلخوش باشید، دلگرم باشید که شمایی که با این سند، با این سند گویا، با این سند صریح در مقابل خدا هستید و شهدای شما با آن سند در محضر خدای تبارک و تعالی هستند، خداوند شما را نصرت می کند و توطئه ها را خنثی می فرماید. من تکرار باید بکنم وقتی که امثال شما قدرتمندان روحی را می بینم با این روحیه بزرگ و با این عظمت روح خجالت می کشم که خودم را یک انسان متعهد بدانم. من از خدای تبارک و تعالی برای شهدا رحمت و برای شما سعادت و سلامت، برای متعلقان و بازماندگان همه، عزت و سعادت و سلامت خواستارم. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته تاریخ: ۱۹/۱۱/۶۰

## **بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس جمهور، وزراء، رئیس و نمایندگان مجلس شورایی اسلامی، پرسنل ارتش و گروهی از اقشار مختلف مردم**

### **هیچ وقت قدرت های بزرگ مواجه با ملت ها نمی شوند**

بسم الله الرحمن الرحيم من سالروز پیروزی انقلاب اسلام و دهه فجر را به همه ملت و همه مستضعفین جهان و شما آقایان که اسوه حسنه این ملت هستید تبریک عرض می کنم و از خداوند تعالی توفیق همه را برای خدمت به بندگان خدا و ادامه پیروزی از خداوند توانا می خواهم. اساس ادامه یک پیروزی و ادامه یک انقلاب در یک امری است که به نظر می آید در راس امور واقع است و او اینکه دولت، مجلس و کسانی که در ارتش هستند و سپاه و همه اینها از طبقه متوسط و مادون متوسط باشند. اساس سلطه ای که بر کشورها و بر کشور ما از طرف غیر واقع شده است، افراد مرفه و کسانی که سرمایه های بزرگ داشته اند یا قدرت برای حفظ خودش و حیثیت خودش در دست داشته است. مادامی که مجلس و ارگان های دولتی و همه اینها و مردم از این طبقه متوسط و مادون متوسط تشکیل بشود امکان ندارد که یک دولت بزرگی، یک قدرت بزرگی به هم بزند اوضاع را. همیشه این قدرت های بزرگ در هر کشوری یک نفر را با او تفاهم می کردند که این یک نفر برای خودش و برای قدرتمندی خودش و برای سرمایه خودش فعالیت می کرد، او را می دیدند و ملت را می چاپیدند و به اصطلاح کد خدا را می دیدند و ده را می چاپیدند. هیچ وقت قدرت های بزرگ مواجه با ملت ها، اگر شدند نتوانستند کار خودشان را انجام بدهند و مواجه هم نشدند. هر وقت که می خواستند یک دولتی را یا یک سلطنتی را یا یک ریاست جمهوری را که بر وفق مرام آنها عمل نمی کرده از بین بردارند، در مقابل او یک قدرت دیگری می تراشیدند و با آن قدرت این قدرت را از بین می بردند. کار به دست ملت نبوده است و کار به دست طبقه متوسط و مادون متوسط نبوده است. اینکه این عمل را آنها انجام می دادند یک نکته روحی دارد و آن این است که انسان در باطن خودش و فطرت خودش تناهی ندارد، آمالش، آمالش غیر متناهی است، وقوف نمی کند آمال انسان و وقتی که اینطور است اگر انسان اسیر همین آمال غیرموقوف بشود و ببیند که یک ابرقدرتی این آمال او را و آن خواست های مادی او را و آن قدرت او را و سلطه او را بر ملت خودش حفظ کند، او دیگر در بند این نیست که برای ملت کار بکند. برای اینکه از طبقه مرفه است و از طبقه



قدرتمند است و قدرتمندی هم و همین طور حب مال و جاه هم حدی ندارد، مرزی ندارد. آن برای حفظ قدرت خودش و پشتوانه ای که دارد، برای این حفظ قدرت با ملت آن می کند که همه حیثیت ملت و گنجینه های ملت را در دسترس او قرار بدهد، یک سهم ناچیزی هم برای خودش بگیرد. الان شما ملاحظه می کنید که قدرت هائی در دنیا هست از حیث مال که اگر چنانچه اموالشان را تقسیم بکنند به این ۳۶ میلیون جمعیتی که ما داریم، اگر یک نفر از آنها اموالشان را تقسیم بکند، تمام افراد این ۳۶ میلیون مرفه می شوند و از طبقه به اصطلاح خودشان بالا می شوند. یک نفر از آنها اینطور است لکن همان آدمی که دارائی او به این اندازه بود، از این آدمی که درویش سر محله است حرصش به دنیا بیشتر بود، حرصش به مال بیشتر بود و بیشتر می خواست جمع بکند. هر چه مال اضافه بشود حرص انسان اضافه می شود، هر چه قدرت اضافه بشود حرص انسان به قدرت اضافه می شود و اگر مهذب نباشد انسان، آن قدرت را برای خودش به کارگیرد، وقتی برای خودش به کار گرفت دولت های بزرگی که هستند، ابرقدرت هائی که هستند یک همچو آدم قدرتمندی را پیدا می کنند و این آدم قدرتمند را به او بال و پر می دهند و این را به مقام می رسانند تا اینکه ملت را استضعاف کند و ذخایر ملت را بچاپد. شما ملاحظه وضع این پنجاه سال، یک قدری بیشتر را هم بکنید که انتخاب کردند خارجی ها و بعد هم این مطلب را خودشان گفتند که رضاخان را انتخاب کردند و به او قدرت دادند و قدرت آنطور دادند که تمام این ملت را به استضعاف کشانید و حکومت جبار خودش را بر اینها قرار داد و مردم را از همه چیز ساقط کرد و یک نفر بود. آنها آن یک نفر را دمش را می دیدند و کارهایشان را انجام می دادند و بعد از او هم محمدرضا را گذاشتند با آنهمه افرادی که اطراف او بودند و همه شان از آنها بودند که طبقه بسیار مرفه و خوشگذران و بالا بالاها به اصطلاح آنها. باید ما متوجه باشیم، ملت ما متوجه باشند که وقتی که مجلسشان یک مجلسی است که از طبقه متوسط است و توی این مجلس آن دوله ها و سلطنه ها و سلطنتی ها را نداریم و در دولت هم آنطور دولت هائی که افراد مرفه سرمایه دار کذا باشند نداریم، در ارتش هم آن افراد سپهبد و کذائی که املاک بی اندازه داشتند و آپارتمان های چندین طبقه داشتند نداریم، این مملکت محفوظ می ماند. آن روزی که هر یک از شماها را ملت دید که از مرتبه متوسط می غلطید به طرف مرفه و دنبال این هستید که یا قدرت پیدا بکنید یا تمکن پیدا کنید، مردم باید توجه داشته باشند و اینطور افرادی که به تدریج ممکن است یک وقتی خدای نخواستہ پیدا بشود، آنها را سر جای خودشان بنشانند. اگر ملت می خواهد که این پیروزی تا آخر برسد و به منتهای پیروزی که آمال همه است برسد، باید مواظب آنهائی که دولت را تشکیل می دهند، آن که رئیس جمهور است، آن که مجلس هست، مجلسی هست، همه اینها را توجه بکنند که مبادا یک وقتی از طبقه متوسط به طبقه بالا و به اصطلاح خودشان مرفه به آن طبقه برسد. بدانید که اگر دولت اینطور باشد و اگر ملت اینطور باشد و اگر چنانچه مجلس و امثال اینها اینطور باشد، اگر یک قدرتی بخواهد هجمه کند به اینجا، مواجه با سی میلیون جمعیت هست و نخواهد توانست، نمی تواند آنوقت پیدا کند یک کسی که قدرتمند باشد و آن قدرتمند را وادار کند که ملت را به استضعاف بکشند و بچاپند ملت را برای آنها، تاریخ همین طور بوده. مادامی که این ملت ها !!! از یک !!! در بینشان افرادی پیدا نشده است که به آن مرتبه برسد در بین آنها که قدرت مالی یا قدرت دیگرش زیاد بشود و به مردم حکومت کند، نمی توانند آنها این ملت ها را از بین ببرند و حکومت بر آنها کنند. و بالاخره یک وقت یک ابرقدرتی مواجه با یک نفر، دو نفر، صد نفر، پانصد نفر هست که آنها را سیر می کند و آنها به جان مردم می افتند و خودش هم کنار می نشیند و حکومت بالاتر را خودش دارد، حکومت پائین تر را به این آدمی که، یا این آدم هائی که در این کشور هستند واگذار می کند. اساس استضعاف ملت ها از خودشان و از قدرتمندان بین خودشان بوده و شما شکر کنید که یک همچو مجلسی دارید که از طبقه مرفه توی آن هیچ نیست. آن طبقه ای که اگر مالش را تقسیم کند بین ملت ما، ملت ما ثروتمند می شوند، ندارید حالا، در دولت هم ندارید یک همچو ثروتمندانی و یک همچو قدرتمندانی، ندارد دولت یک همچو قدرتی،

رئیس جمهور یک همچو قدرتی که بتواند یک چیز انحرافی را به ملت تحمیل کند، یک همچو مجلسی نداریم که بتواند یا بخواهد یک امر انحرافی را تصویب کند و دولت هم مجری او باشد. مادامی که این حد متوسط محفوظ است این جمهوری محفوظ است و امکان مقابله نیست مابین قدرت های بزرگ با همچو دولتی. بخواهند کودتا کنند با کی کودتا کنند؟ بخواهند از خارج وارد کنند، مواجه با کی می شوند؟ مواجه با یک ملتی می شوند که همه شان از این طبقه ای هستند که این نهضت را به پیش بردند و با آن قدرت و با آن عظمت به پیش بردند. اینها مطالعه امور را می کنند و اقدام می کنند. آنها الان در صدد اینند که در بین خود این مردم یک بساطی درست کنند و اختلافاتی درست کنند و بلکه میان اختلافات یک نفر پیدا بکنند که این، آن نفری که پیداست، در یک طرف واقع بشود و این هم به او قدرت بدهند، تا آنکه کم کم با قدرت داخلی، این کشور کم کم ضعیف بشود و مردم روحیه شان ضعیف بشود و بعد تقدیم کنند به آنها. تا کشور ما این مقام را دارد که بحمدالله از آن طبقه مرفه بالایی که امور را در دست گرفته اند مبری هست و امور کشور ما به دست امثال شماها و امور کشور ما به دست امثال این رئیس جمهورها و رئیس مجلس ها و نخست وزیرها و وزرا و وکلا هست، شما مطمئن باشید که نخواهد توانست یک قدرت خارجی این پیروزی را از بین ببرد.

### همه توجه بکنند که خدمتگزار جمهوری اسلامی هستند

و آن روزی که دیدید و دیدند که انحراف در مجلس پیدا شد، انحراف از حیث قدرت طلبی و از حیث مال طلبی، در کشور در وزیرها پیدا شد، در رئیس جمهور پیدا شد، آن روز بدانند که علامت اینکه شکست بخوریم، خودنمایی کرده. از آنوقت باید جلوی این را بگیرند. رئیس جمهوری که بخواهد سلطنت کند به این مملکت، خود مردم باید جلوی این را بگیرند. مجلسی که بخواهد قدرتمندی نشان بدهد و آن مسائلی که سابق و آن افرادی که سابق در مجلس بودند آن کارها را بکنند، خود مردم باید جلوی این را بگیرند. اگر مردم بخواهند که اسلام را حفظ کنند، جمهوری اسلامی را حفظ کنند، دولت و مجلس و رئیس جمهور و اینها را حفظشان کنند یعنی حفظ کنند، از اینکه خدای نخواسته یک وقت قدمی از آن ور بردارند. این شیطان است که در انسان هست و ممکن است که هر کس را منحرف کند و لازم است که انسان خودش را مہذب کند. شمائی که می خواهید خدمت به این مردم بکنید و دولت که می خواهد خدمت به این مردم بکند و رئیس جمهور و امثال اینها که می خواهند خدمت به این مردم بکنند، توجه بکنند که خدمتگزارند، در دل خودشان این مطلب را ایمان بیاورند به آن که ما خدمت می خواهیم به این مردم بکنیم. ما در جمهوری اسلامی داریم زندگی می کنیم، جمهوری اسلامی که در اسلام مثل رسول اکرم، مثل امیرالمومنین سلام الله علیهما بر آن حکومت کرده اند، می خواهیم یک همچو حکومتی باشد، یک همچو حکومتی که کفش وصله خورده خودش را می گوید از این ریاست ها پیش من ارزشش بیشتر است، یا ریاست ها ارزشش کمتر از این است. شما باید در روحیه تان این مطلب را حفظ کنید و مردم هم باید مواظب شما باشند و مواظب همه اینها باشند و هر یک از ما و شما و همه خواستیم که از آن راهی که اسلام داشته است. از اول راهی که داشته است و از آن طریقه ای که انبیا داشته اند ما بخواهیم عبور کنیم، آن روز نمونه شکست پیروزی اسلام پیدا می شود و تا یک همچو مساله ای پیدا نشده پیروزی در جای خودش شک نکنید که هست، البته برای خدا باید باشد. شما برای خدا در این مجلس حالا- آمدید، وقتی مجلس اینطور است که یک امتیازی نیست که حالا- وقتی شما رفتید توی بازار، مردم کنار بروند که رئیس مجلس آمد یا وکیل مجلس آمد، نخست وزیرش هم اینطور است، اینجور نیست که وقتی که توی مردم برود، مردم فرق بگذارند با هم و همه اینها اینطور هستند، وقتی یک همچو مطلبی را دارید احساس می کنید که امتیاز دنیائی ندارید، این را باید شکر کنید و در شکرانه این نعمت خدمت به خلق بکنید و خدمت به احکام اسلام بکنید و برای اینهایی که اولیاء

ما هستند، این پائین شهری ها و این پابرهنه ها به اصطلاح شما، اینها ولی نعمت ماها هستند. اگر اینها نبودند، ما یا در تبعید بودیم یا در حبس بودیم یا در انزوا اینها بودند که همه ما را از این مسائل نجات دادند و همه ما را آوردند و نشانند به جایی، به خیال خودمان جایی است این. باید ملتفت باشید که آقا شما همان آدمی هستید که توی حبس بودید و شما همان آدمی هستی که در تبعید بودی و شما همان آدمی هستی که در انزوا بودی. این مردمند که آمدند ما را آوردند بیرون از همه اینها و ما اگر تا آخر عمرمان به اینها خدمت کنیم، نمی توانیم از عهده خدمت اینها برآئیم. خداوند به ما توفیق بدهد که ما یک خدمتگزاری برای اینها باشیم و به این نعمت موفق بشویم. شما امروز هم که ملاحظه می کنید اینهایی که در جبهه الان دارند جانفشانی می کنند، اینها از کدام طبقه هستند. شما اگر پیدا کردید در تمام اینها یک نفری که مال آن اشخاصی باشد که دارای سرمایه بزرگ هستند، آن اشخاصی باشد که در سابق دارای قدرت هائی بودند، اگر یک نفر از آنها پیدا کردید، این محتاج به این است که از ما مژدگانی بگیرید، ولی می دانم که پیدا نمی کنید. از همین جمعیت اند، الان هم اینهایی که جانشان را دستشان گرفتند و شما را حفاظت می کنند و آنهایی که در بین شهرها و در بین روستاها حفظ می کنند شما و مردم را همین طبقه هستند. این طبقه اند که به ما الان منت دارند و از اول منت داشتند، همین ها بودند که هیچ توقعی هم ندارند، هیچ وقت هم نمی آیند توقع کنند. شما باید توجه به این معنا بکنید که ما را اینها آورده اند و وکیل کرده اند، آورده اند و وزیر کرده اند، رئیس جمهور کرده اند، اینها ولی نعمت ما هستند و ما باید ولی نعمت خودمان را از آن قدردانی کنیم و خدمت کنیم به او و همین ها هستند که الان هم حفظ این کشور را می کنند و حفظ نظام این کشور را می کنند. شما آقایان نمی توانید که بروید توی کوچه ها و عرض بکنم که خیابانها و آنجا را اداره کنید، شما یک شان دیگری دارید، یک شغل دیگری در خدمت دارید، آنها هم یک شغل دیگری دارند، اما شغل آنها آنطور است که شما را هم حفظ می کنند. و من امیدوارم که این روحیه در این ملت باقی باشد و با این روحیه که سربازهای ما دارند و پاسدارهای ما دارند و آنهایی که حفاظت این کشور را می کنند، این روحیه را دارند که روحیه بسیار ارزشمندی است و شهادت طلبی است و خود را به حلقوم مرگ انداختن برای نجات اسلام و نجات کشور. خداوند این روحیه را به همه عنایت کند و مادامی که این روحیه هست و آن مساله ای که قبلا عرض کردم هست، مطمئن باشید که این کشور بیمه است و هرگز نخواهد آسیب دید. خداوند انشاءالله به همه شما، به همه ما توفیق خدمت به خلق و عبادت خدا که خدمت به خلق هم از بزرگترین عبادت های الهی است عنایت فرماید و شر کسانی که می خواهند این کشور را و مسلمین را باز برگردانند به حال انزوا یا به حال تحت سلطه بودن، آنها را هم یا اصلاح و یا اعدام فرماید. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته تاریخ: ۱۹/۱۱/۶۰

### بیانات امام خمینی در جمع پرسنل نیروی هوائی ارتش جمهوری اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم من این دهه مبارکه فجر را و سالروز پیروزی انقلاب و سالروز ۱۹ بهمن را بر همه ملت و به همه مستضعفان جهان و بر شما عزیزان که حاضر در اینجا هستید، تبریک عرض می کنم و امیدوارم که مجاهدات ارزنده شما در پیشگاه خدای تبارک و تعالی ثبت و مورد عنایت باریتعالی و ولی بزرگ امام زمان باشد. من افتخار می کنم که این ملت، ملتی است که علاقه مند به اسلام و با علاقه مندی به اسلام این نهضت را پیاورد و این نهضت را به پیش می برد و شما عزیزان مورد افتخار هستید و ما هستیم که شما این افتخار را برای ارتش و برای قوای نظامی در دنیا ثبت و در پیش خدای تبارک و تعالی ثبت کردید. کاری که شما عزیزان در این روزها، در روز نوزدهم انجام دادید از حیث معنویت بزرگترین کارها و با ارزش های دنیائی هم بزرگترین ارزش ها بود. آن روزی که باز پیروزی به آنجا نرسیده بود که مورد اطمینان باشد و شما در معرض خطر بزرگ بودید، از جان گذشته و به اسلام پیوستید و از سپاه اسلام شدید. خداوند این افتخار را برای شما حفظ کند و شما را در دو جهان سعادتمند

فرماید و آنچه که باید به شما عرض کنم این است که تا شما تعهد خودتان را به اسلام حفظ کردید و روابط خودتان را با همه قشرهای ملت برادرانه کردید. این انقلاب محفوظ خواهد ماند و شما با برادران خودتان که افراد عزیز این ملت هستید، همدوش برای پیشبرد این انقلاب به پیش خواهید رفت و احکام اسلام را انشاءالله تعالی در همه جا، در همه ایران اجرا خواهید فرمود. این الگویی باشد برای همه ملت ها و مستضعفان جهان که انشاءالله اسلام در همه جا حیات پیدا کند و شما انشاءالله این سعادت جاوید را همراه داشته باشید. بحمدالله امروز در بین ارتش، در بین همه نیروهای ارتشی و در بین همه ارگان های دولتی همه افراد بحمدالله متکی به اسلام و متکی به خدای تبارک و تعالی هستند و اگر خدای نخواستہ در بین آنها یک نادری پیدا بشود، یک فرد منحرفی پیدا بشود، قهرا با استقامت ملت، با استقامت شما عزیزان آن هم استقامت پیدا می کند و شما دلگرم باشید به اینکه اتکاء به خدا دارید و آن کس که اتکاء به خدا دارد منصور است. خداوند وعده نصرت به شما داده است مادامی که شما هم نصرت خدا را بکنید و نصرت خدا و نصرت دین خدا نصرت بندگان مومن خداست. شما به این عهد باقی باشید و خدای تبارک و تعالی عهد خود را عمل خواهد کرد. من از خدای تبارک و تعالی سلامت و سعادت همه ملت و خصوصا قوای نظامی و انتظامی و بالخصوص شما جوانان عزیز را که برای ارتش افتخار ایجاد کردید از خدای تبارک و تعالی مسئلت می کنم. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته ۳۶ تاریخ: ۲۱/۱۱/۶۰

## **بیانات امام خمینی در جمع میهمانان خارجی و خانواده های شهدای لبنان، دانشجویان خارجی شرکت کننده در اولین مجمع بین المللی حرکت اسلامی دانشجویی و حافظان و قاریان قرآن**

### **قرآن و اسلام مهجور و مظلومند**

بسم الله الرحمن الرحيم من از عموم آقایانی که از کشورهای مختلف آمدند و از نزدیک وضع ایران را تا اندازه ای مشاهده کردند و باز احساس این معنا را کردند که جمهوری اسلامی در دنیا مظلوم است، از آنها به طور عموم تشکر کنم و خصوصا از این اطفال عزیزی که از لبنان آمده اند و وارث شهدایی و بازماندگان آنها بخصوص تشکر می کنم و از خداوند تعالی سعادت و سلامت همه را خواستار و امیدوارم که این جمهوری اسلامی به همانطوری که در ایران تحقق پیدا کرد، در همه کشورهای اسلامی تحقق پیدا بکند. البته من از همه گروه ها نمی توانم علیحده تشکر کنم لکن فرایی هم هستند که از آنها هم باید تشکر کنم و اولیای شهدایی هم هستند که از آنها هم باید تشکر کنم و اولیای شهدایی هم هستند که از آنها هم باید تشکر کنم و بالجمله از همه آقایان تشکر می کنم. من امروز در حضور نمایندگان محترم کشورهای اسلامی یا غیر اسلامی باید مطلبی را به عرض برسانم. از پیغمبر اکرم (ص) منقول است که اسلام در ابتدا مظلوم بود و بعد هم مظلوم خواهد بود. من می خواهم مظلومیت اسلام را امروز برای شما آقایان عرض کنم. در قرآن شریف هم می بینیم که پیغمبر اکرم شکایت کرده است به خدای تبارک و تعالی که (ان قومی اتخذوا هذا القرآن مَجْهَرًا) از مهجور بودن قرآن در نزد قومش و در امتش شکایت فرموده است. من این مهجوریت و مظلومیت را امروز در حضور شما آقایان محترم عرض می کنم که ببینید چه وضعی اسلام و مسلمین دارند. قرآن و اسلام مهجور و مظلومند برای اینک که مهجوریت قرآن و مهجوریت اسلام به این است که مسائل مهم قرآنی و مسائل مهم اسلامی یا بکلی مهجور است و یا برخلاف آنها بسیاری از دولت های اسلامی قیام کردند. از مسائل مهم سیاسی قرآن دعوت به وحدت و منع از اختلاف است، با تعبیرهای مختلفی که در قرآن کریم هست، منع تنازع بین مسلمین و سران مسلمین است که نکته اش را هم فرموده است که (لاتنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم) ما بررسی کنیم به اینکه آیا این دو اصل مهمی که دو اصل سیاسی مهم اسلامی است، در بین مسلمین چه وضعی دارد، آیا مسلمین اعتنائی کرده اند به این دو اصل؟ و آیا تبعیتی کرده اند از این دو اصل مهمی

که اگر اطاعت از آن بکنند، تمام مشکلات مسلمین حل می شود و اگر اطاعت نکنند فشل می شوند و رنگ و بویشان از بین می رود؟

### خدای تبارک و تعالی برای هیچ یک از کفار سلطه بر مسلمین قرار نداده است

مسلمین دو طایفه هستند، یک طایفه ملت های اسلامی است ، توده های مردمی است و یک دسته آنهایی هستند که حکومت بر این توده ها می کنند و سردمدار کشورهای خودشان هستند. ما بررسی کنیم از این سردمداران و این دولت هایی که در اسلام هر کدام در یک کشوری حکومت می کنند و همه هم مدعی اسلام هستند و مدعی تبعیت از کتاب الله ، بینیم که اینها آیا به این اصل سیاسی مهم کتاب الله عمل کرده اند یا پشت کردند و مخالفت . از آن طرف باز یک اصل دیگری هست که باز از اصول مهم است که مسلمین نباید تحت سلطه کفار باشند. خدای تبارک و تعالی برای هیچ یک از کفار سلطه بر مسلمین قرار نداده است و نباید مسلمین این سلطه کفار را قبول بکنند. این اصولی که از امور سیاسی است که قرآن کریم طرح کرده است و مسلمین را به آن دعوت کرده است ، ما الان می بینیم که در کشورهای اسلامی سران کشورهای اسلامی یا با هم در نزاع واقع شده اند و منازعات سیاسی ، منازعات تبلیغاتی می کنند و یا با هم تفاهم و اتحاد ندارند. بین کشورهای اسلامی اتحاد می بینیم که نیست ، تنازع هم هست ، گاهی تنازع مسلحانه و گاهی و بسیاری از اوقات تنازع تبلیغاتی و سیاسی و در اثر این تنازع ها فشل شده اند. قرآن کریم اخبار کرده است به اینکه اگر تنازع کنید، فشل می شوید. شما آثار فشل را در مسلمین مشاهده می کنید، آثار فشل را در کشورهای عربی مشاهده می کنید. فشل شدن از این بدتر چه که کشورهای پهناور اسلامی با همه قدرتی که از حیث سیاسی ، از حیث نظامی ، از حیث ذخایر دارند، در مقابل اسرائیل همه فشل هستند؟ شما فشل را چه می دانید؟ جز این است که نتواند یک دولتی یا یک ملتی کاری که باید انجام بدهد، کاری که باید برای حفظ نظام خودش انجام بدهد، نتواند انجام بدهد؟ دشمنی که حمله بر اسلام کرده است و حمله بر بلاد مسلمین کرده است و هر روز توسعه را زیاد می کند و قانع به یک کشور هم برای خودش نیست ، مسلمین در مقابل او فشل هستند. شما ملاحظه کنید این کودک هائی که از لبنان و جنوب لبنان آمده اند و این کودک هائی که وارث شهدای اسلام هستند، ما در مقابل اینها چه جواب داریم ؟ وجدان زنده انسان در مقابل این کودک هایی که با دل های کوچک خودشان اینجا آمده اند و از اسلام می خواهند پشتیبانی کنند و در محل های خودشان مورد ظلم و تعدی اسرائیل هستند، مسلمان ها در مقابل اینها چه جواب دارند؟ در حدیث شریف رسول اکرم (ص) هست که اگر مسلمی فریاد بزند (یا للمسلین) و اجابت نکنند از او، مسلم نیستند آنها و من از اینجا فریاد می کنم : یا للمسلین ! ای مسلمان های جهان ! ای دولت های مدعی اسلام ! ای ملت های مسلمان جهان ! به داد اسلام برسید. به داد مظلومینی که در فشار قدرت های بزرگ هستند برسید. به داد این بچه های کوچکی که مادرها و پدرهای خودشان را از دست داده اند برسید. به داد این کشورهای هائی که مورد هجوم ابرقدرت ها واقع شده اند برسید، به داد خودتان برسید، به داد ملت های خودتان برسید. ای مسلمان های جهان ! قدرت های بزرگ دارند با حيله گری هایی که دارند و یا تبلیغاتی که دارند، و با کسانى که وابسته به آنهاست ، در داخل کشورهای اسلامی بر همه چیز اسلام سلطه پیدا می کنند و پیدا کرده اند. اسلام را دریابید ای مسلمان های جهان ! ای اشخاصی که از همه کشورها، از بسیاری از کشورها به ایران آمده اید و وضع ایران را از نزدیک ملاحظه می کنید و بعضی از شماها یا همه رفته اند و اوضاع غرب و جنوب ایران را ملاحظه کرده اند و آن چیزهائی را که به دست آمریکا و به دست وابسته آمریکا صدام است ملاحظه کردید، به دنیا برسانید. اگر از افغانستان اطلاع ندارید، علمای افغانستان و بسیاری از محترمین افغانستان اینجا هستند، در ایران هستند، از آنها سوال کنید که به افغانستان چه می گذرد. ای مسلمین ! به داد اسلام برسید. ابرقدرت با اسلام مخالفند،



ابرقدرت ها اسلام را نمی خواهند باشد برای اینکه مشاهده می کنند که در زیر پرچم اسلام اگر یک میلیارد جمعیت بشوند، برای آنها در دنیا زندگی کردن دیگر مشکل می شود و دست جنایتکار همه آنها قطع می شود. چه شده است مسلمین را و چه شده است سران مسلمین را که همه حیثیت و آبروی خودشان را نثار آمریکا کرده اند؟ چه شده است اینها را که خزاین بزرگ اسلامی را که مال ملت های پابرنه ضعیف است به آمریکا تقدیم می کنند آمریکا در مقابل این تقدیم از اسرائیل طرفداری می کند و می گوید که اسرائیل را ما به اینها می فروشیم؟ چه شده است مسلمین را؟ چرا باید مسلمین اینطور باشند؟ چرا باید دستگاه های تبلیغات مسلمین بر ضد یک دسته از مسلمین که می خواهند خودشان را نجات بدهند از سلطه های خارجی و از دزدهای بین المللی، این تبلیغات به ضد همین طایفه هستند؟ چه شده است که جبهه بندی می کنند در مقابل ایران؟ مگر ایران چه کرده است؟ چه شده است که بعضی از روحانیون درباری، ایران را تکفیر می کنند؟ قرآن تصریح می کند که اگر کسی ادعای اسلام کرد، او را مسلم بدانید، از او قبول کنید، او را رد نکنید. اینها از اسلام چه خبر دارند؟ ما فریاد می کنیم که ما مسلم هستیم و می خواهیم قرآن کریم و دستورات رسول اکرم را در این کشور پیاده کنیم و ما از بیشتر از بیست سال مخالفت خودمان را با اسرائیل و با امریکا اعلام کرده ایم و باز این نویسندگان مجلات، روزنامه ها و این گویندگان رادیوها ما را متهم می کنند که با اسرائیل دوستی داریم. ما با اسرائیل دوستی داریم یا آنهایی که می بینند و مشاهده می کنند که اسرائیل با مسلمین دارد چه می کند؟ اسرائیل لبنان را به چه حالت کشانده است؟ و اسرائیل با سوریه چه دارد می کند؟ و بلندی های جولان را به کشور خودش متصل کرده است و آمالش بیشتر از اینهاست؟ لکن شما می گوئید که ما او را می خواهیم بشناسیم. ما دوستی داریم با او که بیش از بیست سال است فریاد کرده ایم که اجتماع کنید و این غده سرطانی را از بین مسلمین بیرون کنید، بیت المقدس را از او بگیرید، کشورهای اسلامی را از این غده سرطانی آزاد کنید؟ یا شما که اسرائیل را می خواهید با حيله هائی بشناسید و یک کشور در مقابل اسلام و هوادار یک همچو کشوری باشید که ظلمش بر همه جهانیان واضح است؟ و شما جرات دارید در مقابل خدا ایستاده اید و دشمن خدا و دشمن سرسخت مسلمین را می خواهید سلطه به او بدهید و خواهید آرامش به او بدهید و می خواهید بشناسید؟ شما اسرائیل را بشناسید، او شما را نمی شناسد و شما ایستادید و نشستید تا اسرائیل بر همه شما خدا نخواستہ حکومت کند. ای ملت های مسلم! ای ملت های مظلوم همه کشورهای اسلامی! ای ملت های عزیزی که در تحت سلطه اشخاصی واقع شدید که ذخایر شما را تقدیم امریکا می کنند و شما خودتان با زحمت و ذلت زندگی می کنید! بیدار بشوید، برخیزید از جا. ای مستضعفین جهان! برخیزید و در مقابل ابرقدرت ها بایستید که اگر ایستادید، اینها هیچ کاری نمی توانند بکنند. شما دیدید که ملت مسلم ایران با هم متحد شدند و با هم قیام کردند و با دست خالی بدون اسلحه در مقابل آن قدرت های عظیم شیطانی محمدرضا و آن قدرت های ابرقدرت ها که پشت سر او صف بندی کرده بودند، آنها همه را به کنار زدند و این دولت فاسد را و این سلطنت غیر قانونی فاسد را با قدرت ایمان خودشان و با بانگ الله اکبر از صحنه بیرون کردند و به جهنم فرستادند و به جای او دولت اسلامی، دولتی که الان در ایران مشاهده می کنید، یک دولت اسلامی است، یک دولتی است که طرفدار ضعف است، طرفدار مستضعفین جهان است، یک همچو دولتی را بپا کردند، با اینکه نه قدرت مالی و نه قدرت بدنی و نه قدرت نظامی داشتند لکن قدرت ایمانی داشتند. خدای تبارک و تعالی اگر شما او را نصرت کنید شما را نصرت می کند (ان تنصروا الله ینصرکم و ینصرتکم و ینصرتکم و ینصرتکم) اگر خدا را نصرت بکنید، نصرت خدا به نصرت دین اوست، به نصرت بندگان اوست، به نصرت مظلومین است. شما اگر بایستید در مقابل ظالم ها و داد مظلومین را از آنها بخواهید، بایستید در مقابل ابرقدرت ها که به شما می خواهند حکومت کنند، از آن طرف دنیا، از امریکا، از آن طرف عالم می آید و می خواهد به ما حکومت کند و ما و شما و همه را تحت قدرت خودش قرار بدهد و ذخایر ما را هم از

بین برد و مع الاسف دولت ها هم با او موافقت می کنند بیشتر از آنها. پس اسلام امروز مظلوم است و قرآن مهجور است. احکام قرآن مهجور است به اینکه در ماذنه ها اذان می گوئید و نماز می خوانید و اکثر احکام سیاسی اسلام را اعتنا به آن ندارید، از مهجوریت بیرون نمی رود قرآن. البته قرائت قرآن و حاضر بودن قرآن در تمام شوون زندگی انسان از امور لازم است لکن کافی نیست. قرآن باید در تمام شوون زندگی ما حاضر باشد. قرآن وقتی می فرماید (واعتصموا بحبل الله جمیعا و لاتفرقوا) می فرماید (ولاتنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم) اینطور احکام مترقی سیاسی که اگر به آن عمل بشود سیادت عالم مال شماست. این قرآن را مهجور کردیم همه و اعتنا نکردیم به این مسائل. باید قرآن در همه شئون وارد بشود. قرائت قرآن باید بشود. قرآن، ذکر همه باید در همه جا باشد. در همه شئون انسانی اسلام باید قرآن وارد بشود لکن بعضش باشد و بعضی نباشد، اشکال است. اشکال در موارد دیگر نیست. در احکام سیاسی، دستور قتال می دهد با کسانی که با مسلمین مقاتله می کنند و امروز اسرائیل در مقابل مسلمین ایستاده و مقاتله می کند، امریکا در مقابل مسلمین ایستاده و مقاتله می کند، صدام مزدور امریکا در مقابل مسلمین ایستاده است و مقاتله می کند. خدا دستور داده است به اینکه با این اشخاصی که بر ضد مسلمین، بر ضد طایفه ای از مسلمین قیام کرده اند، با آنها مقاتله کنید. صدام مدعی است که من صلح طلبم و زمین از ما، سرتاسر کشور در طرف جنوب و غرب را غصب کرده و می گوید من صلح طلبم. به این معنا اسرائیل هم صلح طلب است، بلندی های جولان را غصب کرده است، به طایفه ای از مسلمین تجاوز کرده است، آن هم می تواند بگوید من صلح طلبم. امریکا هم می گوید من صلح طلبم. همه ابرقدرت ها می گویند ما می خواهیم صلح در عالم باشد، لکن تمام جنگ های عالم زیر سر آنهاست. صدام صلح طلب است لکن تجاوز کرده است به یک کشور اسلامی شما همه ببینید که او با یک کشور اسلامی چه کرده است این نانجیب. مطرح ایران تنها نیست، مطرح دنیا است. آن مطرح است مسلمین دنیا هستند، آن که مطرح است اسلام است. ما اگر همه هم از بین برویم اسلام باید باقی باشد. اولیاء خدا جان خودشان را فدای اسلام کردند، پیغمبر اسلام از همه کس بیشتر در باب اسلام زحمت کشید و رنج دید و ما داریم رنج های پیغمبر اسلام را به باد فنا می دهیم. و من امیدوارم که شما آقایان که از بلاد مختلف تشریف آوردید در اینجا. صدای مظلومانه این ملت را به همه جا برسانید و به آنها بفهمانید که اینجا یک کشور وحشتناکی که یک صورت مشوه تبلیغات امریکائی و صهیونیستی برایش درست کرده اند، نیست. با این وقت کم و با این محاصره های همه جانبه ای که ما داریم، در این مدت کم آنقدری که دولت برای مستمندان و برای مستضعفان عمل کرده است، در طول مدت پنجاه سال سلطه امریکا نشده است، آنقدری که برای آنها آب تهیه کرده اند، زمین تهیه کرده اند، لوله کشی کرده اند، اسفالت کرده اند، آنقدری که اینجا عمل شده است، جاهای دیگر در طول پنجاه سال آنها نکرده بودند، معذک اینجا را متهم می کنند که خیر می خواهند یک کشوری را به باد بدهند. شماها انشاءالله امیدوارم که با سلامت و سعادت به اوطان خودتان برگردید و مسائل اسلام را ولو اینکه قدرت های بزرگ نمی گذارند در رسانه های گروهی منتشر بشود، لکن شماها با مصاحبه ها، با تماس ها بگوئید به آنها، بفهمانید به آنها که ایران صلح طلب است، ایران الان هم می گوید که صدام برود بیرون از اینجا و یک دستگامی بین المللی بیاید و رسیدگی کند به جرم او و به جنایات او. ما با دولت عراق، با ملت عراق جنگی نداشتیم، آنها به ما حمله آوردند، یعنی دولت عراق حمله آورد، لکن تو دهنی خورد و بحمدالله در دنیا شکست خورد، شکستی که با موافقت اردن و مغرب و امریکا نمی تواند شکست خودش را رفع کند. من از خدای تبارک و تعالی سلامت و سعادت همه مسلمین و قدرت اسلام را و سعادت و سلامت شما دوستان، برادران عزیز را و سلامت و سعادت این اطفال مظلوم را که انسان را متأثر می کند دیدن آنها، می خواهم و شهدای همه را از خدای تبارک و تعالی می خواهم که رحمت کند و با شهدای صدر اسلام محشور فرماید.

والسلام علیکم ورحمة الله تاریخ: ۲۱/۱۱/۶۰

## پیام امام خمینی در آستانه چهارمین سال پیروزی انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم در آستانه چهارمین سال پیروزی انقلاب اسلامی ایران اگر نگاهی به نخستین سال نهضت تا پیروزی و نخستین روزهای پیروزی تا امروز بکنیم و نشیب و فرازها و تحولات چندین ساله خصوصا سال پیروزی را با دقت از نظر بگذرانیم و افکار طبقات مختلف و گروه های متعدد را سنجش نمائیم، به برداشت های ارزشمند و نتایج بسیار سودمندی می رسیم که برای نسل حاضر و نسل های آینده درس هائی انسان ساز می باشد و شاید تاریخ نویسان و جامعه شناس و سیره نویسان روشنفکر و متعهد، برای نسل های آینده عمیقا به این کار سودمند برخیزند. ما اگر با یک نظر سطحی از نخستین روزهای نهضت تا پیروزی و از پیروزی تاکنون به کردار طبقات مختلف و گروه ها نگرسته و ارزیابی کنیم، می توانیم تا حدودی مدعیان پرتوقع و فداکاران بی توقع را به طور اجمال از هم جدا کنیم. قشرهائی که انقلاب را با فداکاری بی دریغ و جان نثاری سخاوتمندانه، بی هیچ چشمداشتی به پیروزی رسانده و از پیروزی تاکنون برای دفاع از انقلاب و رفع مشکلات از پای ننشسته اند و تاکنون با آنکه سنگینی انقلاب به دوش آنان بوده است توقع نام و نشان و مقامی نداشته و ندارند، اینان توده های میلیونی و محرومان جامعه هستند که خدایشان قدرت و سعادت دهد. و در مقابل قشرها و گروه هائی هستند که یا به هیچ وجه دخالت در نهضت و پیروزی نداشته اند یا به کارشکنی برای حفظ رژیم سابق یا برگرداندن آن رژیم یا رژیمی غیراسلامی، توطئه ها و فعالیت می کردند و می کنند و یا کسانی و گروه هائی بودند و هستند که از انقلاب مردمی و خون جوانان ارزشمند ما برای رسیدن به قدرت شیطانی خویش پلی ساخته و از اسم اسلام برای مقاصد شوم خویش استفاده می کردند و قشرهای دیگری هستند هر یک یا پیوسته به مکتب های انحرافی یا با ایده های انحرافی که در خارج و داخل به فعالیت مذبحخانه یا بچگانه خود را سرگرم و دلخوش می نمایند. اینان از اسلام و قدرت معنوی آن و از جامعه ایرانی و قدرت ایمان آنان یا هیچ نمی دانند یا به طور سطحی از آنها گذر کرده اند. امروز ما مفتخر هستیم به توده های عظیم متعهد به اسلام عزیز و جوانان غیرتمند و رزمنده که از اول انقلاب شجاعانه قیام کرده اند و ندای حق را اجابت کردند و گروه کثیری از آنان به لقاءالله که آمالشان بود، رسیده و گروه عزیز دیگر که سلامت خود یا اعضاء گرانقدر خود را در راه اسلام و هدف از دست داده اند و با چهره های بشاش و نورانی با آنان مواجه هستیم و نیز مفتخریم که مادران دلیری که عزیز از دست داده اند و پدران عزیزی که جوانانشان شهید شده اند آنچنان با ما برخورد می کنند که گویی عروسی عزیزان و جوانانشان را جشن می گیرند و اینجانب هر وقت با این عزیزان معظم برخورد می کنم یا وصیت نامه انسان ساز شهیدی را می بینم احساس حقارت و زبونی می کنم. اینان سند ایمان و تعهدشان را به اسلام در دست دارند و قبور شهدا و اجساد و ابدان معلولان، زبان گویائی است که به عظمت روح جاوید آنان شهادت می دهد و شکایتی اگر دارند از آن است که به فیض شهادت نرسیده اند و یا در حالی که به ثواب شهادت رسیده اند، می نالند که چرا نمی توانند برای دفاع به جبهه ها برگردند، و فریاد جنگ جنگ تا پیروزی را سر می دهند. امریکا و سرسپردگانش باید به خود آیند و از توطئه ها دست بردارند که ایران دیگر جای تاخت و تاز آنان نیست و امید آن است که دولت های پیرو امریکا که خزائن گران و سرمایه ملت ها را با روی گشاده در پای امریکا نثار می کنند و در راه تقرب به آن چپاولگر، با اسلام و جمهوری اسلامی به جنگ تسلیحاتی و تبلیغاتی بر می خیزند از خواب گران بیدار شده و با ملت های خود همصدا شوند و از زیر ننگ وابستگی خارج شوند. این دولت وابسته مگر ندیدند که کاخ سفید با کمال بی اعتنائی اعلام کرد که به خاطر آنان و نفت آنان از منافع اسرائیل نمی گذرد؟ و مگر متوجه نشدند که امریکا با اعمال و تو و تهدید سازمان ها بی اعتنائی خود را به آنان ثابت نمود؟ اکنون که کشور ما دهه فجر و سالروز استقلال و آزادی خود را از چنگال ابرجنایتکاران جشن می گیرد و امید است به همین زودی جشن سقوط حکومت بعثی عراق



را بگیریم ، اینجانب سالروز پیروزی اسلام و کشور و دهه مبارک فجر را به ملت محترم و خصوص شهدا و مجروحین و معلولین و بازماندگان و متعلقان آنان تبریک عرض کنم . پیروزی ها و سرافرازی ها و افتخارات ملت ، مرهون فداکاری این عزیزان و همزمان آنان است . این فداکاران نشان های افتخار بر بازوی ملت و جبین امتند تاریخ مجاهدات آنان را ضبط و ملائکه الله در دفاتر ملکوتی ثبت می نمایند. خداوند تبارک و تعالی از رحم سرشار خود، شهیدان را برخوردار و آسیب دیدگان و بازماندگان شهدا و خاندان این عزیزان را سلامت و سعادت ابدی عنایت فرماید. سلام بر ملت مبارز و درود بر شهیدان و رزمندگان آسیب دیده و افتخار و سعادت و پیروزی برای مجاهدین اسلام در جبهه های دفاع از حق . روح الله الموسوی الخمینی تاریخ : ۲۲/۱۱/۶۰

### پیام امام خمینی به مناسبت سومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم بحمدالله تعالی سه سال از پیروزی انقلاب اسلامی سپری شد و در آستان سال چهارم هستیم با پیشگویی های قشرهای غیر آشنا به اسلام و مردم دلیر ایران ، باید جمهوری اسلامی بیش از دو سال از شکست خود را پشت سر گذاشته باشد. خواب های شیرینی که مخالفان داخلی و پشتوانه های خارجی آنان دیده بودند و رویاهای امید بخشی که کاخ های طلایی برایشان بنا نموده بود، یکی پس از دیگری با همت والای ملت عظیم الشان و جوانان برومند اسلام فرو ریخت . این کوردلان که از نصرت خداوند غافل بوده و وعده های الهی را نمی توانند باور کنند و انقلاب اسلامی را چون سایر انقلابات بلکه ناچیزتر می دانستند و با دید مادی و محاسبات غلط به این پدیده الهی می نگرند و از ارزش انسانی و حجم قدرت ایمان و تحولی که به خواست خداوند قادر در ملت انقلابی ایران پیدا شده خبری ندارند و ارزش ها را با دیدهای مادی خود خلاصه در سلطه جویی و استضعاف ملت های زیر ستم می کنند، ناچار گرفتاری های پس از انقلاب ایران و توطئه های همه جانبه قدرت بزرگ و کوچک ، آنان را به این نتیجه رسانده بود که جمهوری اسلامی پس از چند ماه سرنگون خواهد شد و امریکا با عوامل داخلی خود بر اریکه قدرت خواهد نشست و درست این انگیزه بود که گروهک های داخلی و عوامل جهانخواران خارجی مثل صدام را به مقابله با اسلام و جمهوری اسلامی برانگیخت تا خود و هواداران بازیخورده خود و ارتش بی اطلاع خود را به دامی مبتلا کنند که راه مفتری جز تسلیم یا تباهی نداشته باشند. و از صدام بی خبرتر و وابسته تر حسین اردنی است که پس از تجربه برادر جنایتکارش از خواب خرگوشی برنخاسته و داوطلب جنگ با اسلام و قرآن کریم شده و پیشقدم برای نام نویسی در این جنایت و خیانت بر ملت و ارتش خود گردیده است غافل از آنکه علاوه بر آنکه ملت اردن مسلمان است و هرگز با اسلام به جنگ برنخواهد خاست و در این اسم نویسی توفیقی پیدا نخواهد کرد، سرنوشت او همان سرنوشت شاه مخلوع با آن قدرت بزرگ شیطانی و پشتیبانی قدرت های بزرگ و کوچک خواهد بود چنانچه سرنوشت صدام به خواست خداوند قادر همان است . اینان نمی دانند قیام یک ملت منسجم از مرد و زن ، کوچک و بزرگ یعنی چه و نمی دانند ملتی که برای خدا و نصرت احکام آسمانی او و نجات مظلومان و محرومان قیام نموده است ، نصرت خداوند قادر را با خود دارد. من به حسب وظیفه اسلامی و انسانی او را نصیحت می کنم که گول وعده های شیطان بزرگ را نخورد و خود را با جنود خداوند قهار درگیر نسازد و به جای چنین حرکت سفیهانه غیر اسلامی ارتش خود را برای نجات بیت المقدس مجهز کند که نفع خود و ملت عرب و اسلام در آن است ، والا- بازی کردن با آتش و مقابله با قدرت اسلام عواقبی دردناک دارد و ملت و دولت ایران نمی خواهند که به کشورهای اسلام صدمه و ضرری وارد شود بلکه می خواهند همه به برادری در مقابل دشمنان اسلام خصوصا اسرائیل دشمن سرسخت اسلام و اعراب ایستاده و آنان و چپاولگران جهانخوار را از سلطه بر کشورهای اسلامی و مسلمانان و مستضعفان جهان باز دارند و دست چپاولگران و ستمکاران را قطع کنند. اکنون در آغاز

چهارمین سال پیروزی اسلام در کشور عزیزمان لازم است تذکراتی هر چند تکراری عرض کنم . (فان الذکری تنفع المومنین) : ۱ !!! نصرت حق تعالی از کشور اسلامی ما و هر کشور اسلامی مشروط است به نصرت دادن کشور و کشورها به دین مبین اسلام و احکام مترقی آن که نصرت مظلومان و محرومان جامعه را نیز در بردارد و ما اگر حق را نصرت ننمائیم نباید در انتظار نصر خدا باشیم . و از این جمله است اجراء عدالت اسلامی در تمام دستگاههای قضایی و اجرایی در سراسر کشور و از این جمله مهمات ، رسیدگی سریع به پرونده های زندانیان و خصوصا آنان که جرمشان مادون جرم گروهک های مفسدین و ملحدین اغتشاش گر است . رسیدگی به پرونده کسانی که به عللی تعویق افتاده است اولویت دارد، چنانچه رسیدگی به دادگاه های قضایی و دادستانی ها از اولویت خاص برخوردار است و امیدوارم کیفیت برخورد ادارات و دستگاه های اجرایی با مردم به گونه ای باشد که احتیاج به رسیدگی نداشته باشد. ۲ !!! تقویت و توسعه تبلیغات خصوصا در خارج از کشور از اهم امور است و کشور ما در این چند سال تقریبا فاقد آن بوده است . ما در مقابل همه بوق های تبلیغاتی جهانخواران در خارج که اسلام عزیز، آنان را به وحشت انداخته است فاقد تبلیغات صحیح هستیم ، سفارتخانه های ما عمل مثبتی انجام نداده اند و وزارت ارشاد قطع نظر از تلاش های اخیرش تاکنون نتوانسته این امر مهم و حیاتی را توسعه دهد و کشور اسلامی ما مظلومانه مورد هجوم رسانه های گروهی و دستگاه های دروغ پراکنی واقع شده است و لازم است دولت به مقدار قدرت و توانایی این نقیصه را رفع کند و برای رساندن صدای مظلومان به جهان در توسعه شبکه های رادیویی جدید نمایند تا ملت ها هر چند مختصر، از آنچه بر ما گذشته است و می گذرد مطلع شوند و گروه هایی برای روشننگری و تبلیغ در فرصت های مناسب به کشورها اعزام که صدای مظلومیت ملت و جرایم قدرتمندان ستمگر را به اطلاع ملت ها و مظلومان جهان برسانند و به آنان بفهمانند که مخالفان جمهوری اسلامی ایران همانگونه که از اقوال و اعمالشان به خوبی ظاهر می شود مخالفت اصلی و هدفی شان با اسلام است و اسلام هر جا برود اینان مخالفت می نمایند. ۳ !!! ملت ایران پس از انقلاب مواجه با اشکالات و گرفتاری هایی که لازمه اجتناب ناپذیر هر انقلابی است می باشند و باید بدانند که این انقلاب چون مردمی و اسلامی است ، از همه انقلاب های جهان پرثمرتر و کم ضایعه تر است و مردم انقلابی ما باید بدانند که برای حفظ اسلام و انقلاب و نگهبانی از ثمرات آن و پاس خون شهیدان لازم است از خود بردباری انقلابی نشان دهند و به تبلیغات غرض آلود دشمنان انقلاب و اسلام که با تمام وجود کوشش می کنند تا مردم را از انقلاب و جمهوری اسلامی نگران و دلسرد کنند گوش فرادهند و باید بدانند که اکثر کسانی که علیه انقلاب سمپاشی می کنند از طبقاتی هستند که جلو استفاده های نامشروع آنان گرفته شده است و یا از عیاشی ها و هرزه گری ها باز مانده اند، و الا طبقه محروم که اکثریت قاطع را تشکیل می دهند وفادار به اسلام و جمهوری اسلامی می باشند. البته هدف بزرگ دارای اشکالات و گرفتاری های بزرگ نیز هست . طبقات محروم و زجر کشیده انقلاب به اندازه پیامبران عظیم الشان و پیغمبر بزرگ اسلام در طول زندگی خصوصا سیزده سال قبل از هجرت رنج و زحمت متحمل نشده اند ولی چون هدف بزرگ بود با روی گشاده تحمل کردند و هدف انقلاب ما همان هدف پیامبر عظیم الشان است . با صبر و تحمل انقلابی به پیش تا گسترش عدل الهی و اسلام عزیز. ۴ !!! از جمله کمبودهای چشمگیر که پس از انقلاب ناگهان با آن مواجه شده و هستیم ، کمبود قاضی شرع و مبلغ اسلامی است . امروز هزاران قاضی و مبلغ مورد حاجت است که باید با همت اکابر و علما و مدرسین و فضلاء حوزه ها در سراسر کشور خصوصا قم ، مشهد و شهرستان های بزرگ تربیت شوند. از گوشه و کنار کشور قاضی می خواهند و مبلغ و هر روز احتیاجات روز افزون می شود. حوزه های علمیه باید با صرف وقت برای این امر بسیار مهم کوشش خستگی ناپذیر نموده و بپاخیزند. البته در قم به همت فضلا و مدرسین محترم این امر شروع شده است لکن چون حجم کار بسیار زیاد است لازم است حوزه ها تعلیماتشان را افزایش دهند که انشاءالله این کمبودها تا چند سال دیگر رفع شود. ۵ !!! یکی از امور مهمی که مورد توجه بزرگان و

علماء حوزه علمیه قم بوده است لکن عمل مثبتی درباره آن انجام نگرفته ایجاد نظم و انضباط در حوزه هاست که لازم است از حوزه علمیه قم شروع شود و به طور جدی و اساسی عمل شود. البته این امر برای حفظ حوزه ها از ورود عناصر منحرف از حیث عقاید و اخلاق و اعمال از اهم وظایف شرعی است که به عهده همه خصوصا فضلا و علما و مدرسین می باشد و با همکاری جدی همگان و تایید مراجع معظم می تواند جامه عمل پوشد. در این زمان که حوزه های علمیه و روحانیون معظم در پیشبرد مقاصد اسلام و تحکیم جمهوری اسلامی نقش بسیار موثری دارند، شک نیست که قدرتمندان و قدرت طلبان بیکار ننشسته اند بلکه در تلاشند تا این قدرت فعال را تضعیف کنند و این امر برای آنان میسر نیست مگر با رخنه کردن عناصر فاسد در حوزه ها که از داخل موجبات تباهی و از کار افتادن این پدیده الهی را فراهم آورده و خدای نخواستہ به تدریج و در دراز مدت ملت را از آنها مایوس و رویگردان کنند و همه می دانیم که اگر خدای نخواستہ حوزه ها از عهده تربیت فقها و علما و خطبای موجه و مورد علاقه مردم برنیایند و حوزه ها به طور هرج و مرج و بدون برنامه صحیح و ضابطه اسلامی عقلایی اداره شوند، باید همه منتظر فاجعه شکست جمهوری اسلامی و اسلام بزرگ باشیم و اگر اکنون با همت همگان از سرچشمه فساد جلوگیری نشود، فردا و فرداها دیر است و بسا باشد که به جایی رسد که از قدرت همه خارج شود. مقایسه امروز حوزه ها با قبل از انقلاب که روحانیون به واسطه تبلیغات و فشارها و کج فهمی ها از سیاست و نظر در امور کشور منعزل و برکنار بودند، بسیار نابجا و غلط است. گرچه ممکن است بعضی کج فهم ها با این امر حیاتی مخالف بوده و با تز (نظم در بی نظمی است) با توهمات شیطانی دست به گریبان باشند، لکن اینان در اقلیت هستند و قشرهای عظیم روحانیون متفکر و متوجه به مسائل و پیشامدها در این فکر هستند و بالاخره همانطور که پاکسازی و تصفیه در همه ارگان های دولتی اعم از کشوری و لشکری لازم است، در حوزه ها و دانشگاه ها که همگام با حوزه ها هستند و هر دو از ویژگی خاصی برخوردارند تصفیه و پاکسازی مهمتر است و با تصفیه این دو پایگاه اسلامی و ملی، محتوای جمهوری اسلامی به رشد و ترقی خود ادامه خواهد داد و با انحراف این دو، انقلاب و جمهوری از مسیر اصلی خود منحرف خواهد شد. ۶!!! چنانچه اینجانب و مسؤ ولین جمهوری اسلامی مکررا اعلام نموده ایم ملت و دولت جمهوری اسلامی ایران تسلیم احکام مقدس قرآن و اسلامند و به حکم قرآن مجید خود را برادر ایمانی تمام ملت اسلامی و کشورهای مختلف از حیث فرهنگ و جغرافیا می دانند و صلح جویی و زندگانی مسالمت آمیز را با تمام دولت ها و ملت ها طالب می باشند و تا دولتی به حریم کشور آنان تجاوز نکند و متعهد به احکام اسلام باشد آن را برادر خود می دانند و از کشورها و ملتها می خواهند که با هم متحد و یکصدا در مقابل تجاوزگران، هرکس باشد قیام کنند و خود را از چنگ جهانخواران نجات دهند و نیز به حکم اسلام از تجاوز به حقوق و حدود خود دفاع کرده و تجاوزگر را تاءدیب نمایند و در این صورت است که هیچ قدرتی به فضل خداوند متعال نمی تواند آنان را از این دفاع مقدس باز دارد. و به دولت ها نصیحت می کنم که دست از کینه توزی و زور آزمایی بردارند و با ملت و دولت ایران دست برادری دهند تا به اتفاق، اسرائیل غاصب را از کشورهای اسلامی و زمین های مغضوب بیرون رانیم و نژادپرستی و زبان سالاری را که در اسلام محکوم و مردود است کنار زنند تا سعادت دارین را در آغوش گیرند و هیچ قدرتی نتواند با آنان مقابله کند. ۷!!! سال گذشته برای ملت ایران سال پرخسارتی بود و شخصیت های بزرگ و متعهدی را چه لشکری و چه کشوری در تهران و تبریز و شیراز و سایر نقاط کشور از دست داد و همه را سوگمند کرد. گرچه دشمنان اسلام و جمهوری اسلامی گمان می کردند با ترور وحشیانه به اسلام و جمهوری شکست وارد شده و روحیه مردم تضعیف می شود و در اداره و پیشرفت امور کسی جایگزین آنان نمی شود لکن همه دیدند و دشمنان کور دل فهمیدند که این حساب ها غلط از کار در آمد. این حسابگران داخل و خارج با همه پرمدعایی، انقلاب اسلامی را که از دل پاک یک ملت سرچشمه گرفته بود و با جان مردم و ایمان و عقیدت آنان آمیخته بود نشناخته بودند، گویی شهوت طبیعی حیوانی و شیطانی چشم

و گوش آنان را بسته و از معنویات کور و کرشان نموده است. ملتی که عشق شهادت در دل زن و مرد و کوچک و بزرگش جوش می زند و برای شهادت، هر یک بر دیگری سبقت می گیرد و از شهوات حیوانی و دنیایی گریزان بوده و عالم غیب و رفیق اعلی را باور کرده است، با این خسارات، هر چند بزرگ باشد از صحنه خارج نمی شود و همه دیدیم که هر شهادتی، برای ملت رشید ما رشدی چشمگیر به ارمغان آورده، به طوری که شهادت های پی در پی جمهوری اسلامی را آنچنان بیمه کرد که از آسیب دهر مصون گردید و شهادت هر یک از عزیزان سند رسوائی گروهک های ملحد و منافق شد و شکست حتمی آنان را تسریع کرد و اکنون به خواست خداوند متعال، جمهوری اسلامی ایران از قدرتی برخوردار است که سابقه نداشته است و امید است که دست قدرتمند الهی پشتیبان این ملت مظلوم غارت شده و ستمدیده و پشتیبان قوای مسلح نظامی و مردمی در جبهه های نبرد علیه باطل باشد و رحمت حق تعالی بر شهیدان راه حق در طول تاریخ و از ۱۵ خرداد تا کنون و سلامت و سعادت نصیب معلولان و مجروحان و ستمدیدگان و آوارگان و بازماندگان شهدا باد. ۸!!! مراتب تشکر و سپاس خود را متواضعانه تقدیم ملت بزرگوار متعهد ایران نموده و از خداوند تبارک و تعالی تشکر می کنم که در عصر حاضر که عصر حکومت شیطان بر زمین است چنین ملت آگاه رشید جان نثاری در راه عقیدت و ایمان و عاشق لقاءالله و مجاهد فی سبیل الله به این کشور طاغوت زده و غارت شده عنایت فرموده که با مجاهدات خویش بدون تکیه بر قدرت های چپ و راست بر طاغوتیان غلبه نموده است و دست آنان را از کشور عزیز و مخازن آن کوتاه کرده و منحرفان و منافقان را منزوی نموده یا از کشور رانده است. و از درگاه خداوند متعال عاجزانه خواستار است که آنان را در صراط مستقیم اعانت فرموده و در مقابل پیشامدها و مشکلات اجتناب ناپذیر دنباله انقلاب، استقامت عطا فرماید. و ملت عزیز بدانند که استقامت آنچنان اهمیت ویژه دارد که از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که فرمود سوره هود مرا پیر کرد که فرموده است تو و پیروانت استقامت کن. ما و شما که افتخار پیروی آن حضرت و ادعای آن را داریم، باید در حفظ دین مقدس و اسلام عزیز و جمهوری اسلامی استقامت کنیم و مشکلات را با استقبال و استقامت انقلابی رفع نمائیم. خداوند یاور و پناه شما عزیزان باشد و به شما صبر انقلابی مرحمت فرماید که در مشکلات ناتوان نشوید و دید انقلابی دهد که تحت تاثیر جوسازان خدانشناس و متکبران بی اعتناء به اسلام و انقلاب اسلامی واقع نشوید و از شایعه سازان مخالف مصالح عمومی انقلاب پیروی ننموده و به مقابله با آنان برخیزند. ۹!!! در خاتمه، سالروز پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی را به مسلمانان جهان و ملت معظم ایران و مستضعفان سراسر عالم تبریک عرض می کنم. مبارک باد بر همه پیروزی اسلام و پیروزی جنود حق بر جنود ابلیس و مبارک باد پیروزی های جبهه های دفاع از اسلام و حق بر ملت و خصوصاً قوای مسلح نظامی، انتظامی و مردمی اینجانب به شکرانه این نعمت های بزرگ و به احترام دهه فجر و بیست و دوم بهمن سالروز پیروزی ملت عظیم الشان، از جناب حجت الاسلام آقای موسوی رئیس محترم دیوانعالی کشور می خواهم تا به عموم دادستان ها و قضات محترم ابلاغ کنند که علاوه بر اسامی تهیه شده برای آزادی، در اسرع وقت ممکن و حداکثر تا دو ماه به پرونده ها رسیدگی نموده و لیست اسامی زندانیانی که به حسب شرع مقدس عفوشان مانعی ندارد تهیه و نزد اینجانب بفرستند. لازم است مسؤولین امور در تهیه این لیست سختگیری نمایند و هر چه بیشتر کوشش نمایند تا زندانیان به مردم عزیز ما ملحق شده و همگام با آنان راه انقلاب اسلامی را بپیمایند. مقتضی است تاکید کنند تا در این امر مسامحه نشود و همانطور که قبلاً تذکر دادم دادستانی ها و محاکم قضایی موظفند در اسرع وقت ممکن به پرونده هائی که به عللی رسیدگی به آن به تعویق افتاده است رسیدگی نموده و آنها را در اولویت قرار دهند. از خداوند متعال نصرت اسلام و مسلمین را خواستارم. والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته روح الله الموسوی الخمينی تاریخ: ۲۸/۱۱/۶۰

**انتصاب حجت الاسلام معادیخواه به عنوان هماهنگ کننده و تبلیغات خارج از کشور**

بسم الله الرحمن الرحيم جناب حجت الاسلام آقای معادیخواه وزیر محترم ارشاد اسلامی با تشکر از زحمات شما و سایر گروه ها و افرادی که در بزرگداشت سالروز انقلاب اسلامی متحمل زحماتی شده اند و با توجه به آنکه تبلیغات خارج از کشور با آن همه تبلیغات مسموم علیه اسلام از اهمیت ویژه برخوردار است و نظر به آنکه هماهنگی و منسجم بودن آن موجب تاثیر بیشتری خواهد بود، جنابعالی را به عنوان هماهنگ کننده تبلیغات خارج کشور تعیین نمودم تا با تایید خداوند متعال و همکاری تمام افراد و نهادها و ارگان ها و سازمان ها که در این زمینه فعالیت دارند، به این امر حیاتی ادامه داده و جدا جلوبی نظمی ها و تک روی ها گرفته شود تا از سمپاشی ها و تبلیغات دروغین دستگاه های شایعه ساز و دروغ پرداز به مقدار توان جلوگیری شود و جمهوری اسلامی و انگیزه های انقلاب ایران را به همان نحو که هست معرفی نمایند. از خداوند متعال توفیق جنابعالی و همگان را خواستارم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته روح الله الموسوی الخمینی تاریخ: ۳/۱۲/۶۰

## بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس جمهور، رئیس مجلس، رئیس دیوانعالی کشور و نخست وزیر

### تاکید در مورد عفو محبوسین

بسم الله الرحمن الرحيم من امروز می خواهم تاکید کنم در این امر که راجع به این محبوسین (البته به استثناء آنهایی که ما به حسب امر خدا نمی توانیم عفو کنیم) باز تاکید کنم که زودتر این قضیه تمام بشود و آقای موسوی به همه جا، همه شهرستان ها سفارش کنند که زودتر این کار را انجام بدهند و رسیدگی زودتر بشود تا انشاءالله برای عید جدید یک عده چشمگیری از اینها واگر می شود، همه آنهایی که می شود، آنها را عفو کرد. حالا- گناه دارند، یک گناهی است که قابل عفو است، انحراف دارند انحرافی است که قابل عفو است، تهیه کنند و برای عید جدید که می آید بفرستند تا انشاءالله اینها عفو بشوند. و من سفارش می کنم به این اشخاصی که از این گروه ها بازی خورده اند اینها یک مقایسه ای بین حکومت حالا و حکومت سابق بکنند و ما بین مردم در حالا- و مردم در سابق بکنند و بین خدمت هایی که این دولت در این مدت کم با آن گرفتاری های فوق العاده ای که همه کشورها و تقریبا همه ابرقدرت ها برخلاف این دولت و ملت توطئه می کنند، مقایسه کنند و بعد ببینند واقعا راهشان چه راهی است راه برای راهی که آنها دارند، می خواهند چه بکنند و راهی که منافقان و برادرهای آنها دارند، اینها می خواهند چه بکنند و من از خدای تبارک و تعالی می خواهم که هدایت کند این جوان ها را، این دخترها را، این پسرها را که در دام اینها دیگر نیفتند یا از دام اینها انشاءالله خارج بشوند.

### تقدیر از رزمندگان

و باید تقدیر کنم از ارتش و سپاه و ژاندارمری و سایر قوای مسلح و مردمی که بحمدالله با قدرت پیشروی دارند می کنند و در همین (چزابه) هم کارهایی انجام داده اند و انشاءالله انجام می دهند و امیدوارم که به فتح آخری نزدیک باشیم. و فتح ما آنوقتی است که عراق و ایران و سایر کشورهای اسلامی همه مرفه باشند و همه بتوانند زندگی آسوده و بی قدرت قدرتمندان و بدون سلطه آنها به زندگی خودشان ادامه بدهند. و چیزی که در این چند روز مراجعه شده است زیاد به اینجاها و احمد، به من هی کرارا گفته اند که زیاد مراجعه شده است، من دو روز پیش از این که رادیو را گوش می کردم، دیدم که رادیوی خارجی گفت که فلان گفته است که خمینی در حال مرگ است. من یاد یک قصه افتادم و آن اینکه یک نفر بود که می خواست اظهار قدرت و پهلوانی بکند. در یک جلسه ای گفت که من آنم که چه کردم، چه کردم. کارهایش را شمرد و منجمله گفت من آنم که فلان آدم، فلان پهلوان را در فلان جا کشتم و چه کردم. آن آدم حاضر بود، گفت که آن کسی



که شما کشتید حرف های شما را دارد می شنود! من یاد این افتادم که آن کسی که این آقا گفته است که در حال مرگ است ، حرف های ایشان را شنیده و به این سبک مغزی خندیده است . من انشاءالله امیدوارم که آنها هم که در خارج هستند دیگر برگردند، ول کنند این مسائل را، می دانند که پیشروی نمی کنند، می دانند که با این ملت نمی شود طرف شد. خوب ، هی ادعا می کنید که ملت با ماست ، خوب اگر ملت با ماست بیائید با ملت همکاری بکنید، با دولت همکاری بکنید، نه اینکه بروید کنار بنشینید و هی دسته دسته درست کنید و هر کدام به دیگری هم فحش بدهد. من از خدای تبارک و تعالی سلامت همه آقایان را و سلامت این ملت را و سلامت این آسیب دیدگان را می خواهم و امیدوارم که ، از ملت هم تشکر می کنم به اینکه الحمدلله در صحنه حاضرند و تا در صحنه حاضرند این کشور آسیب نخواهد دید ولو هر چه حالا فساد بکنند، هر چه کارهای خلاف بکنند. خداوند همه تان را حفظ کند. والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته تاریخ : ۴/۱۲/۶۰

### نامه کودکان روستای معدن فیروزه نیشابور به محضر امام خمینی

بسم الله الرحمن الرحيم امیدواریم که سلام گرم ما بپذیرید و وجودتان از هر گونه بیماری و ناراحتی دور باشد. ما می خواستیم همانطور که در کتاب تعلیمات دینی و اخلاق کلاس پنجم بود. نامه ای به شما بنویسم و مانند امام محمد تقی (ع) که فرماندار سیستان را نصیحت کرده بود، شما را نصیحت کنیم . اما متوجه شدیم که این کار، اشتباه بزرگی است که گناه دارد چون شما خود شخصی بزرگ و باتقوا و پرهیزکارید و در برابر قدرتهای شرق و غرب ایستادگی نموده اید و با قدرتهای شیطانی در حال مبارزه هستید، در حالی که ما کودکانی هستیم که شاید حتی دست چپ و راست مان را از یکدیگر تشخیص ندهیم پس چگونه خود را راضی کنیم که شما را نصیحت نمائیم . از این نظر فقط تصمیم گرفتیم که نامه ای برای شما بنویسیم و ضمن عرض سلامی گرم و با محبت ، از خداوند بزرگ بخواهیم و دعا کنیم که شما را در پناه خود در کلیه کارها موفق و پیروز نگه دارد و هر چه زودتر سربازان اسلام را بر نیروهای صدام و کافران بعثی پیروزی عطا فرماید. آمین یا رب العالمین . خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار. نماینده کلاس پنجم (الف) سید ابوالفضل مرزانی پاسخ امام خمینی فرزندان عزیز خوبم چه خوب بود که نصیحتی را که در نظر داشتید، می نوشتید. ما همه محتاج به نصیحت هستیم و نصیحت شما عزیزان ، بی غرضانه و از روی صفای قلب است . اکنون به عنوان پدر پیری شما عزیزان را نصیحت می کنم که در تحصیل علم و فراگرفتن دانش و اخلاق و کردار نیکو کوشا باشید که افراد متعهد و سودمندی برای اسلام بزرگ و میهن عزیزتان باشید. خداوند یار و نگهدارتان باشد. روح الله الموسوی الخمینی تاریخ : ۹/۱۲/۶۰

### تلگرام تسلیت امام خمینی به آیت الله طاهری

بسم الله الرحمن الرحيم انالله وانا اليه راجعون جناب مستطاب حجت الاسلام آقای طاهری امام جمعه محترم اصفهان دامت افاضاته خبر تاثر انگیز شهادت فرزند برومند جنابعالی گرچه موجب تاثر و تأسف است ، لکن چه کسی اولی از سلاله پاک و مطهر رسول اکرم (ص) در شهادت در راه هدف و اسلام عزیز؟ و چه کسی اولی از شما فرزند برومند سید شهیدان صلوات الله و سلامه علیه و از خاندان محترمتان در صبر و ایثار در راه خداوند متعال ؟ و چه کسی اولی در پاسداری و مقاومت برای اقامه عدالت اسلامی از ملت عظیم الشان ایران ؟ و چه کسی اولی از دست زدن به این جنایات و به شهادت رساندن فرزندان قرآن و سلاله طیبه شهدای بزرگوار کربلا از صدام و صدامیان ، یادگار جنایتکاران صدر اسلام ؟ ما در راه اسلام ، این هدف مقدس از شهادت نور چشمانمان هراس نداریم و سند ما پدران و مادران شهدای عزیزمان است که آنچنان با گشاده روئی و شجاعت معنوی از شهادت عزیزانشان استقبال می کنند که انسان را به یاد حضرت علی ابن الحسین ، امام سجاد و عمه بزرگوارش

زینب کبری، فرزند علی ابن ابیطالب سلام الله علیهم می اندازد. اینجانب این شهادت و شهادت سایر فرزندان اسلام را در جبهه ها و پشت جبهه ها به حضرت بقیه الله ارواحنا المقدمه الفداء و به جنابعالی و سایر بازماندگان شهدا تسلیت می دهم و از خداوند متعال برای شهید عزیزتان و سایر شهدا مغفرت و رحمت و برای بازماندگان عزت و صبر و سلامت می طلبم. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته روح الله الموسوی الخمینی تاریخ: ۱۰/۱۲/۶۰

## بیانات امام خمینی در دیدار با سرپرست، گروهی از مسؤ ولان و پاسداران کمیته های انقلاب اسلامی تهران

### شما عزیزان اسلام را زنده و ایران را بیمه کردید

بسم الله الرحمن الرحیم من وقتی که مواجه می شوم با این صورت ها و چهره های اسلامی و وقتی که شور و شغف شما جوانان، عزیزان را می بینم نشاط برای من حاصل می شود. شما عزیزان اسلام را زنده کردید و شما عزیزان ایران را بیمه کردید و این جوانان کمیته که از روز اول انقلاب در پیروزی انقلاب نقش بزرگ داشتند، در ادامه انقلاب هم این نقش را دارند و امیدوارم که این نقش را به خلف های خودشان و به فرزندان خودشان بیاموزند تا اینکه در طول تاریخ ایران همین طور که الان اسلامی است و مثل شما جوانانی که نظیر آن را ما نمی توانیم در تاریخ پیدا بکنیم، اولاد عزیز شما هم مثل شما بار بیابند و حفظ کنند کشور خودشان را و حفظ کنند اسلام عزیز را. اسلام در قرن های زیاد مظلوم بود. برای اینکه آن چیزی که اسلام می خواست در پرده بود و آن چیزی که برنامه اسلام بود هیچ وقت پیاده نشد و گفته نشد و ملت ها را بی خبر گذاشتند از اسلام و جنایتکاران تاریخ کوشش کردند که اسلام را در حجاب نگه دارند و نگذارند این مکتب آزادیبخش را، این مکتب استقلال بخش را، این مکتبی که با ستمکاران در ستیز و با مستمندان برادر است، نگذاشتند که معرفی بشود و من امیدوارم که در این زمان که ما هستیم توفیق پیدا بکنیم، همه عزیزان ما توفیق پیدا بکنند و همه مبلغان اسلامی توفیق پیدا بکنند که این پرده هایی که قدرتمندان به روی اسلام کشیده اند و حقایق اسلام را در ستره نگه داشتند، با دست علمای اسلام، مبلغان اسلام و همه جوان هایی که مشغول خدمت هستند عرضه بشود. قدرت اسلام یک امری بود که انکار داشتند، قدرت ها، حکومت ها، حکومت هایی که روی کار می آمدند، چه آنهایی که مخالف با اسلام بودند، چه آنهایی که مخالف نبودند، اسلام را در یک حجابی نگه داشتند یا عامدا یا از روی جهل. قدرت اسلام بر عالم و در بین طوایف مختلف عالم در حجاب بود و یک نمونه ای از او در زمان ما و در ایران وطن ما، یک زمینه مختصری، یک نمونه مختصری از او پیدا شد. این نمونه این بود که ثابت کرد اسلام به اینکه جوانان ما مهیا هستند از برای جانفشانی در راه اسلام و همانطوری که اسلام می خواهد که در مقابل کفر و زندقه و در مقابل ستم و ستمکاران ایستادگی بکنند، مردانه ایستادند و ایثار کردند و جانفشانی کردند و این مطلب را به ثبت رساندند. دنیا هر چه بخواهد انکار کند این حقیقت را و این واقعیت را و هر چه مبلغ های فاسد رژیم های فاسد و قدرت های فاسد بخواهند این جمهوری اسلامی و این ارزش هایی که در جمهوری اسلامی هست و این ارزش هایی که در امت اسلامی در ایران هست بخواهند پایمال کنند و ستره به روی او قرار بدهند، نخواهد شد. شما جوانان عزیز اثبات کردید که می توانید در مقابل تمام قدرت ها ایستادگی کنید و می توانید کشور خودتان را حفظ کنید. آنهایی که انحراف داشتند و دارند، خیال می کردند که اگر چنانچه رژیم شاهنشاهی از بین برود، اسلام و ایران و همه جهاتی که در ایران هست از بین خواهد رفت و ایران تجزیه خواهد شد به دو قدرت، غافل از اینکه اسلام و ملت اسلامی اگر هوشیار باشد و اگر توجه به مسائل داشته باشد، می تواند در مقابل همه قدرت بایستد، می تواند منحرفین را به جای خودشان بنشانند و می تواند اداره کشور را بهتر از زمان هایی که ظلم و ستم بر این کشور احاطه داشت بکند. شما جوانان از روز اول ثابت کردید تعهد خودتان

را به خدای تبارک و تعالی و به دیانت اسلام و بر همان امر باقی هستید و امید است که تا آخر باقی باشید و فرزندان شما و سلف شما هم با همین ایده باقی باشند و ایران و اسلام را بیمه کنند برای همیشه. شما ثابت کردید که هر چه را بخواهید می‌توانید ایجاد کنید. شما یک معجزه‌ای در دنیا به ظهور رساندید که آن معجزه قدرت الهی در بشر بود. شما در مقابل تمام قدرت‌هایی که می‌خواستند ایران را و ایرانی را ببلعند و می‌خواستند ذخایر شما را غارت کنند، ایستادید و مقابله کردید و پیروز شدید.

### پیروزی بزرگ این است که انسان بر نفس خودش پیروز باشد

شما پیروزید برای اینکه خدا با شماست. شما پیروزید برای اینکه اسلام پشتیبان شماست. شما پیروزید برای اینکه ایمان دارید. شما پیروزید برای اینکه شهادت را در آغوش می‌گیرید و آنهایی که از شهادت و از مردن می‌ترسند، آنها شکست خورده‌اند اگر چنانچه هم لشکر عظیم داشته باشند. شما بر نفس خودتان پیروز شدید. شما جوانان در پشت جبهه و در بین کشور و برادران شما در جبهه، بر نفس خودتان غلبه کردید و زندگی را زندگی ابدی دانستید و این زندگی حیوانی طبیعی را ناچیز شمردید. شما الان پیروز هستید و پیروزی شما مادامی که این قدرت نفسانی در شماست، مادامی که این ایده الهی در شماست، پیروزید چه شکست بخورید به حسب صورت و به حسب عوامل مادی و چه پیشرفت بکنید. پیروزی بزرگ این است که انسان بر نفس خودش پیروز باشد و بر شیطان خودش غلبه کند و شماها بحمدالله اینطور که جانفشانی در راه خدا می‌کنید، غلبه کردید بر شیطان خودتان. و من امروز باید از شما تشکر کنم که شما از این ملت پشتیبانی کردید و فعالیت شما به ملت آرامش داد. ملت باید از شما جوانان در سرتاسر کشور که نگهبان امنیت داخلی هستید و از آن جوانان که نگهبان کشور هستند در جبهه‌ها، تشکر کند و خدای تبارک و تعالی از شما تقدیر می‌کند. آنچه اهمیت دارد این است که انسان عملش پیش خدا مقبول باشد و من می‌بینم که بسیاری از این جوانان عزیز هستند که هیچ باکی از شهادت ندارند بلکه شاید همه اینطور باشند. من از خدای تبارک و تعالی سلامت شما و عزت و عظمت اسلام و مسلمین و آرامش همه کشورهای اسلامی را می‌خواهم و به شما عزیزان که نصیحت پدرانه، یک نصیحت برادرانه می‌کنم و آن اینکه راه خودتان را ادامه دهید و همانطور که شما موجب سرافرازی ایران شدید با اخلاق خوب، با اعمال خوب، با برخورد خوب با هموطنان خودتان، این معنی را، سرافرازی را برای خودتان در پیشگاه خدای تبارک و تعالی هم اثبات کنید. پیروزی مهم است، لکن ادامه پیروزی مشکل است و مهمتر. شما بحمدالله امروز جوانانی هستید که به این کشور آرامش دادید و می‌دهید و این مطلب را ادامه دهید با روی گشاده برای مردم و با ایمان قوی که از ایمان قوی این اخلاق صحیح و رفتار صحیح پیدا خواهد شد و من امیدوارم که شماها نسلا بعد از نسل، این ایده را داشته باشید و ایمان را حفظ کنید و به سلف خودتان یاد دهید که ایران انشاءالله پیروز باشد تا آخر. و من امیدوارم که کشورهای دیگر اسلامی که خودشان را در قید و بند طبیعت قرار داده‌اند، هر کدام اینطور قید و بند را دارند، این قید و بندها را بگسلانند و با برادران ایرانی خودشان در این جهاد اکبر همقدم باشند تا در جهاد با ابرقدرت‌ها هم پیروز شوند. و من از خدای تبارک و تعالی می‌خواهم که این دولت‌هایی که در کشورهای اسلامی حکومت می‌کنند، آنها را بیدار کند و اینطور ذخایر خودشان را در طبق اخلاص نگذارند برای قدرت‌ها و با روی گشاده ذخایر ملت فقیر خودشان را به قدرت‌های بزرگ تقدیم نکنند و توجه کنند به اینکه امروز تکلیف این است که همانطور که ایران قیام کرد و پیروز شد و دیدید که نتوانستند قدرت‌ها با او مقابله کنند شماها هم، دولت‌ها هم، ملت‌ها هم، با ایران همقدم باشند تا اینکه انشاءالله اساس ظلم از بشر برچیده شود و پرچم اسلام در تمام کشورها به اهتزاز در آید. من از شما آقایان و از علمایی که در بین شما مشغول هدایت هستند و از آقای کنی تشکر می‌کنم و امیدوارم که علمای بلاد و علمای اسلام راجع به مسائل اسلامی هدایت کنند



همیشه شماها را و مادامی که اینها در بین شما هستند، امیدوارم که اعوجاجی حاصل نشود، لکن هر یک از شما ضامن نفس خودش هست و باید از هواهای نفسانی جلوگیری کند که مبادا خدای نخواستہ این وجهه خوبی که شما دارید و این توجهی که به شما شده است، سست بشود. جوان هایی که در بین شما هستند اگر خدای نخواستہ یک وقت تندی دارند، آنها را نصیحت کنید و همه ما محتاج به نصیحت هستیم که در امور اسلامی با روش اسلامی رفتار کنیم و با اخلاق اسلامی با مردم برخورددار کنیم. خداوند همه تان را حفظ کند. والسلام علیکم ورحمة الله تاریخ: ۱۱/۱۲/۶۰

## بیانات امام خمینی در جمع قضات و حاکم شرع دادگاه های انقلاب اسلامی مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم امروز مسؤ ولیت آقایان قضات شرع بسیار سنگین است چون هم باید حیثیت اسلام را حفظ کنند و از طرفی باید حیثیت روحانیت را در نظر بگیرند. دشمنان اسلام با اشاعه دروغ و با بزرگ جلوه دادن نقاط ضعف شما تلاش می کنند حیثیت روحانیت را لکه دار کنند تا از نفوذی که روحانیت در پیشبرد اسلام دارد کاسته شود و آنها بتوانند اسلام را از بین ببرند و به مقاصد شوم خود برسند. امروز مسؤ ولیت آقایان قضات از صدر اسلام هم مهمتر است، چون در صدر اسلام به قضات شرع نسبت به رعایت حقوق مردم سفارش می شد، اما امروز علاوه بر آن، حیثیت و کیان روحانیت هم مطرح است که شما باید در رفتار و اعمال خود کاملاً دقت و مواظبت داشته باشید. البته شما صد در صد هم اسلامی عمل کنید، دشمنان اسلام دست از دروغ و اعتراض بر نخواهند داشت، چون آنها به اسلام و انقلاب عقیده ندارند. باید کاری کنید که آنها مصداق معینی از نقاط ضعف شما نداشته باشند... امام امت همچنین ضمن آرزوی موفقیت برای مسولان، نسبت به ارشاد زندانیان تاکید فرمودند تا در جهت ارشاد و هدایت زندانیان تلاش بیشتری به عمل آید. تاریخ: ۱۷/۱۲/۶۰

## بیانات امام خمینی در جمع اعضای تیم های فوتبال منتخب تهران

### من خودم ورزشکار نیستم اما ورزشکارها را دوست دارم

بسم الله الرحمن الرحيم من خودم ورزشکار نیستم اما ورزشکارها را دوست دارم. (احب الصالحین و لست منهم) از خدای تبارک و تعالی خواهانم که شما جوانان را که ذخیره این کشور هستید و مایه امید ملت و اسلام هستید هر چه بیشتر موفق کند که در همه ابعاد انسانی ورزش کنید. یک بعدش آن بعدی است که شما متخصص در آن هستید و امید است که بعدها دیگری هم که انسان دارد و انسانیت دارد در شما رشد کند. ورزشکارها همیشه اینطور بودند که یک روح سالمی داشتند، از باب اینکه توجه به شهوات نداشتند، توجه به لذات نداشتند، توجه به یک فعالیت جسمی داشتند که عقل سالم در بدن سالم است. شما اگر دقت کنید در حال جوان ها و طبقات جامعه می بینید که آنهایی که در عیش و عشرت می گذرانند، حقیقتاً عیش و عشرت نیست. بدن ها افسرده، روح ها پژمرده و کسالت سرتاپای آنها را گرفته است. اگر دو ساعت عشرت می کنند، بیست و دو ساعت در ناراحتی آن هستند و آنهایی که اهل خدا هستند، توجه به خدا دارند، ورزش جسمی می کنند و ورزش روحی، آنها در تمام مدت، اشخاصی هستند که پژمردگی در آنها نیست، افسردگی در آنها نیست و این نعمتی است از خدای تبارک و تعالی که خداوند نصیب همه بکند انشاءالله.

یکی از وجوه صدور اسلام، شما جوانانید

شما نمونه باشید در کشورهای دیگر که شماها از جمهوری اسلامی هستید. ما امروز احتیاج به این داریم که اسلام را در هر جا تقویت کنیم و در هر جا پیاده کنیم و در مملکت خودمان اسلام را به جاهای دیگر به آن معنایی که در مملکت الان حاصل شده است صادر کنیم. یکی از وجه صدورش همین شما جوان ها هستید که در سایر کشورها می روید و جمعیت های زیادی به تماشای شما می آیند، به تماشای قدرت های شما می آیند. باید طوری بکنید که این جمعیت های زیاد را دعوت کنید عملاً به اسلام. در اعمالتان، در رفتارتان، در کردارتان طوری باشد که نمونه باشید برای جمهوری اسلامی و جمهوری اسلامی با شما به جاهای دیگر هم انشاءالله برود. همه موفق و موید باشید و ادامه بدهید به کارتتان و همانطوری که آقا خواندند و گفتند، همانطوری که در ورزشکاری دارید قدم بر می دارید، برای ملت تان هم قدم بردارید و این هم برای ملت است، لکن امروز احتیاجات زیادی ملت دارد، پشت جبهه ها، در خود جبهه ها و شما بازوان قدرتمند این جامعه هستید. و ما در بین دولت های مرتجع و دولت هایی که مردم را می خواهند چپاول کنند، ما در بین دولت ها منزوی هستیم برای اینکه آنها همه بر ضد ما هستند، لکن بین ملت ها اینطور نیست. ملت ها باحقدند، ملت ها با چیزهایی هستند که، ارزش هایی هستند که ارزش های انسانی است. این دولت ها هستند که بسیاری از آنها از این ارزش های انسانی هیچ اطلاعی ندارند. شماها هم با ملت ها وقتی که آنها می روید با ملت ها تماس دارید و ملت ها به تماشای شما می آیند، همانطوری که عرضه می دارید ارزش های بدنی خودتان را، قدرت های بدنی خودتان را، برای ایران ارزش قائل می شوید و ارزش ایران را به آنها نمایش می دهید، ارزش های اخلاقی، ارزش های اعمالی، ارزش های عقیدتی، اینها هم توسط خود شما انشاءالله در آنها منتشر بشود و در این ایران هم که هستید به خدمت این جامعه باشید. جامعه ما احتیاج به جوان ها دارد و خدمت جوان ها. اسلام امروز احتیاج دارد به اینکه این جوان ها که در اینجا هستند و زورمند هستند، قدرتمند هستند و قدرت خوبی هم دارند، اینها همه کوشش کنند تا این کشور از شر مفسدین نجات پیدا کند. خداوند همه شما را موفق و موید و منصور کند و برای ما نگهدارد شما را. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته تاریخ: ۱۷/۱۲/۶۰

## **بیانات امام خمینی در دیدار با مدیر عامل و کارکنان گسترش شبکه رادیویی و تلویزیونی سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی**

### **شما جوانان موفق شدید که باورهای غلط را بشکنید**

بسم الله الرحمن الرحيم من قدم شما جوانانی که برای اسلام، برای کشور خودتان کوشش می کنید گرامی می دارم. این نکته را من سابق هم گفته بودم که تبلیغات دامنه دار مخالفین با بشر، مخالفین با اصلاح بشر، اینها کوشش کرده بودند که در همه جاهایی که می خواهند تحت سلطه خودشان درآورند، طوری کنند که باور بیاورند به اهالی آنجا که ما خودمان هیچ نیستیم و هر چه هست ما باید از آن طرف های مرز، از امریکا، از روسیه بیاوریم. و یکی از علل عقب ماندگی این کشورها همین بود که اصلاً افکار خودشان را نمی گذاشتند که اینها به راه بیندازند و تبلیغات طوری شده بود که می ترسیدند اصلاً وارد یک عملی بشوند. و خداوند تبارک و تعالی به ما منت گذاشت که این جمهوری اسلامی را موفق شدید شما جوانان اینجا متحقق کنید و موفق شدید که از این باور غلطی که در بین کشور ما معروف شده بود، این باور غلط بشکنید. شما مگر چه چیزتان از سایر بشر کمتر است، بشر همه جا یک جنس است و یک نوع است و یکی است. و اینجا اگر بهتر نباشد از آنها بدتر نیست، لکن نگذاشتند که این بهترها و این مغزهای متفکر به کار بیفتند. آن مغز متفکرهایی که از ایران فرار کردند، آنها بودند که تفکرشان را برای آنها داشتند، برای خارجی ها به کار می انداختند و اگر چنانچه یک نفر متفکری که وطن خودش را

می خواهد، اسلام را می خواهد کشور خودش را می خواهد، این معنا ندارد که فرار کند. کجا فرار کند؟ و لهذا بهتر این بود که این مغزهایی که برای خارجه و برای امریکا و برای شوروی در ایران کار می کردند، اینها بروند و مغزهای متفکری که برای خود کشور عمل می کنند، آنها باشند. و بحمدالله در این دو سه ساله شماها اثبات کردید، جوان های ما اثبات کردند که می توانند خودشان عمل بکنند و شما مطمئن باشید که در دراز مدت شما همه کار می توانید بکنید. و امیدوارم که مغزها را به کار بیندازید و آن خوف هایی که ایجاد کرده بودند در کشور ما، آن را هم کنار بگذارید و با شجاعت وارد بشوید و کار خودتان را انجام بدهید. همانطوری که با شجاعت ابرقدرت ها را خارج کردید با شجاعت در فرهنگ خودتان کار بکنید و در کارهای خودتان، خودتان عمل بکنید و اتکاء خودتان را هر روز به کم خارج بکنید و یک وقتی برسد که هیچ اتکاء به خارج ما نداشته باشیم، همه چیز خودمان را خودمان تهیه کنیم، انشاءالله. و یکی از امور دیگری هم که باز من گفته ام این است که ما را جوری بار آورده بودند که یا باید فرنگی مآب باشیم یا هیچی. یک نفر جوان، یک نفر خانم اگر سرتاپایش فرنگی مآب است، این معلوم می شود خیلی عالیمقام است و اگر چنانچه مثل سایر مسلمان ها است، این خیلی عقب افتاده است. عقب افتادگی و جلو رفتن را به این می دانستند که فرنگی مآب باشد، یعنی فرض کنید فرم لباسش چه جور باشد، فرم کفشش چه جور باشد، یا مثلا هر چه که از خارج می آید صرف بکنند. مصرفی بار آوردند ما را، برای همین جهت ما را مصرفی بار آورده اند. امثال تقی زاده که در این ایران یک وقتی قدرت داشته اند، تقی زاده گفته بود که ما باید سرتاپامان انگلیسی باشد یا فرنگی باشد و باید اینطور باشیم تا اینکه آدم بشویم. آدم بودن را به کلاه و کفش و لباس و بزک و امثال ذلک می دانستند. و آن چیزی که تعلیمات انبیا بود که انسان را با تقوا، قدرت تقوا، قدرت انسانیت، با علم، با عمل، آنها را اینطور می دانستند، میزان انسانیت را تقوا و علم می دانستند، اینها به جوری کرده بودند که بین ماها اینطور بین خودشان اینجور نیست، بین ماها اینطور جلوه داده بودند که آدم اگر بخواهد پیشرفته باشد زبان و حرف وقتی می زند به حرف خود مادریش نزند، وقتی صحبت می کند در هر چند کلمه، دو سه تا کلمه انگلیسی هم باشد، دو سه تا کلمه فرض کنید که اروپایی هم باشد. این تمام اینها چیزهایی بود که به ما تزریق کرده بودند، خائن های داخلی زیادتیر و الهام هم می گرفتند از خان های آن آن خائن های خارجی و ما را اینطور داشتند بزرگ می کردند. اگر یک مدت دیگری این ایران خدای نخواست به دست این رژیم فاسد باقی مانده بود، ما دیگر هیچ باید باشیم، از بین تمام رفته باشیم.

### کشور مال خودمان است و خودمان باید اداره اش کنیم

خداوند به ما منت گذاشت که اسلام را و ایران را به ما برگرداند و ما خودمان انشاءالله الان کار خودمان را انجام می دهیم و باید بدانیم که باید فکرمان این باشد که ما خودمان می خواهیم کار بکنیم اصلا فکر اینطور باید برگردد که مملکت، مملکت خودمان است، خودمان هم باید آبادش کنیم. کشاورز باید همین فکر را داشته باشد، آنهایی که در کارخانه ها عمل می کنند باید همین فکر را داشته باشند، آنهایی که در موارد صنعتی و اینها کار می کنند باید کارشان همین، فکرشان این باشد که کشور مال خودمان است، وقتی مال خودمان است، معنا ندارد که یکی دیگر بیاید اداره اش کند، باید خودمان اداره اش کنیم. آنجور نباشد که سر هر کارخانه ای باید کسان دیگری بیایند و بیایند که نگذارند اینجا پیشرفت کند. آمدن، برای این بود که کارها را آنها تکفل کنند، پادوئی را به اینها بدهند. شما، ایرانی ها بیش از اینکه پادو باشند، بیش از اینکه در یک اداره ای پادو باشند، در یک جایی که صنعت است کاری به آن نداشته باشند. اینها برای این جهت می آمدند اینجا و حالا- بحمدالله گور خودشان را گم کردند و رفتند و شما خودتان هستید و خودتان و پشتیبان شما خداست. انشاءالله خداوند به همه شما سلامت بدهد و تشکر می کنم از شما که رادیو تلویزیون را راه انداختید. و ما باید تبلیغاتمان زیاد

باشد و پوششش !!! چیزمان !!! رادیومان ، تلویزیونمان زیاد بشود تا بتوانیم مطالب خودمان را به عالم برسانیم . حالا همه مطالبی که ما داریم ، همه چیزهایی که داریم اصلا نمی گذارند به جایی برسد. بله اگر یک چیز خلافی یک ذره وارد بشود، آنوقت رادیوها ببینید چه خواهند کرد. در هر صورت خدا همه شما را حفظ کند و موفق باشید و من هم آنقدری که سهم خودم است ، دعا کردن به شماست و دعا می کنم شما را. سلامت باشید انشاءالله . والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته تاریخ : ۱۸/۱۲/۶۰

### پیام امام خمینی به مناسبت رحلت آیت الله ربانی شیرازی

بسم الله الرحمن الرحيم انالله وانا اليه راجعون با کمال تاسف رحلت غم انگیز حجت الاسلام والمسلمین مجاهد عزیز آقای ربانی شیرازی را به اسلام و اولیای معظم اسلام بویژه حضرت بقیه الله ارواحنا فداه و به ملت شریف و حوزه های علمیه و اهالی محترم فارس و بازماندگان این فقید سعید تسلیت عرض می کنم . در طول تاریخ ، مدعیان فضیلت و مجاهدت و شجاعت و تعهد به حق و دین بسیار بوده اند و هستند، لکن صاحبان فضائل و مجاهده و تعهد به حق و حقیقت در اقلیت اند و تنها در سختی ها و گرفتاری ها و حقوقی ها در مقابل قدرت های شیطانی است که مدعیان لاف زن از متعهدان بی سر و صدا و خالصان فداکار از مغشوشان ریاکار متمایز می شوند. مرحوم مجاهد سعید ارزشمند، ربانی شیرازی که اکنون در جوار حق آرمیده و ما از برکات وجودش محروم شدیم از این اقلیت بود. او در طول زندگانی شرافتمندانه خود، چه قبل از انقلاب و چه بعد از آن در مقابل باطل و باطل ها ایستاد و از خود نرمش نشان نداد. او در حبس ها و زجرها و ناملایمات با قامت راست انسان های متعهد ایستادگی کرد و تسلیم نشد. او که خدایش رحمت کند و به جوار قرب حضرتش بپذیرد، با روحی ملایم در مقابل دوستان و مومنان و مقاوم در برابر دشمنان خلق به لقاءالله پیوست و ما عقب ماندگان که احتیاج به این مردان حق داریم ، از آن کمال و جمال محرومیم . از خداوند متعال توفیق خدمت برای همگان سعادت و صبر در این مصیبت برای دوستان و بازماندگان ایشان را خواستارم . روح الله الموسوی الخمینی تاریخ : ۱۸/۱۲/۶۰

### بیانات امام خمینی در جمع رزمندگان ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

### بیانات امام خمینی در جمع رزمندگان ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم اولیاء ما نشان دادند که در مقابل مستکبران گاهی با تبلیغ و گاهی با اسلحه باید ایستاد من هم وفات و شهادت بانوی بزرگ اسلام را بر همه مسلمین و بر شما برادران عزیز ارتشی ، سپاهی و بسیج و بر حضرت بقیه الله ارواحنا فداه تسلیت عرض می کنم . این خانه کوچک فاطمه سلام الله علیها و این افرادی که در آن خانه تربیت شدند که به حسب عدد، چهار پنج نفر بودند و به حسب واقع ، تمام قدرت حق تعالی را تجلی دادند، خدمت هایی کردند که ما را و شما را همه بشر را به اعجاب در آورده است . خطبه فاطمه زهرا سلام الله علیها در مقابل حکومت و قیام امیرالمومنین و صبر امیرالمومنین در مدت بیست و چند سال و در عین حال کمک کاری به حکومت موجود و بعد هم فداکاری در راه اسلام و فداکاری دو فرزند عزیزش امام مجتبی که یک خدمت بسیار بزرگ و دولت جابر اموی را با آن خدمت رسوا فرمود و خدمت بزرگ برادر ارجمندش حضرت سیدالشهدا، چیزهایی بود که همه می دانید و می دانیم و با اینکه عده کم و اسباب و ابزار جنگ پیش آنها کم بود، لکن روح الهی و روح ایمان آنها را آنطور کرد که بر همه ستمکاران عصر خودشان غلبه پیدا کردند و

اسلام را زنده کردند و برای ما و شما برادرهای عزیز الگو شدند که ما از کمی عده و کمی عده و کمی ابزار جنگ در مقابل تمام قدرت هایی که امروز با ما به جنگ برخاسته اند، مقاومت کنیم و همانطوری که اولیاء ما علیهم السلام نشان دادند که در مقابل مستکبران گاهی با تبلیغ و گاهی با اسلحه باید ایستاد و مستکبران را باید به جای خودشان نشانند، ما هم الگوی آنها را، تبعیت از آنها را می پذیریم . و شما جوان ها نشان دادید که در این میدان های نبرد بین حق و باطل با اینکه آنها از ابزار جنگی فراوان و از افراد هم همین طور و از مصر و اردن و آنجاها هم مستقیماً به آنها کمک می شد و از سایر کشورها هم کمک مالی و کمک اسلحه و همه اینها می شد، معذک یک جمعیت کمی به حسب عدد، و قوی و شوکت مندی به حسب روح در مقابل همه ایستادند و شکست دادند آنها را.

### پیروزی را شمشیر نمی آورد، پیروزی را خون می آورد

برادرها! این ایمان را حفظ کنید، این قدرت الهی را حفظ کنید و این تعهد خودتان را به اسلام و به ملت حفظ کنید و به پیش بروید. صدام به حسب آن مثلی که گفته شده است که یک دیوانه سنگ را در چاه می اندازد و پنجاه عاقل یا بیشتر نمی توانند بیرون بیاورند، این یک دیوانه ای بود که یک اقدامی کرد و یک سنگی را در چاه انداخت و موجب زحمت ملت خودش ، ملت ما و سایر ملت ها گردید که حالا دست به دامن دولت ها شده است تا آنها بیایند و وساطت کنند و میانجیگری کنند که او را نجات بدهند. او دیگر قابل نجات نیست و ما هم یک قدم عقب نخواهیم نشست . مصالحه با جنایتکار و سازش با جنایتکاران ، این یک جنایتی است بر مردم متعهد و یک جنایتی است بر اسلام . ما حرفمان از روز اول تا حالا و بعدها معلوم است . ما جنایتکار را که در کشورمان هست ، می گوئیم باید برود. مسلمان ها هم موظفند به حسب شرع مطهر به اینکه بیایند و اینها را بیرون کنند. شارع مطهر فرموده اند که در قرآن کریم که اگر یک طایفه ای بر طایفه دیگر از مسلمین بخواهند طغیان کنند و تجاوز، بر همه مسلمین واجب است که این جنایتکار و طاغی و یاغی را با او جنگ بکنند و اگر برگشت به اطاعت خدا، آنوقت بنشینند با او صحبت بکنند. ما حزب بعث را جنایتکارانی می دانیم که در حال صلح و جنگ در جنایتند. در طول حکومتشان در عراق در حال جنگ نبودند، لکن جنایت آنها بر اسلام ، بر مسلمین ، بر ملت عراق ، بر مراجع عظام عراق و بر علماء اسلام هر روز واقع می شد و بعد هم آن دیوانگی را که در فطرت آنها بود و طغیانگری را که خمیره ذاتی صدام است ، آن دیوانگی را عمل کرد و عقلای اسلام و عقلای جهان دست به هم دادند که این سنگ را از چاه بیرون بیاورند لکن کار این دیوانه آنطور است که نمی شود این سنگ را بیرون آورد مگر با اسلحه و قوت ایمان ، شما ثابت کردید که می توانید در مقابل قدرت ها بایستید و شما میدان های نبردها در تاریخ ضبط خواهد شد. اگر امروز همه قدرتمندان و همه یاهو سرایان تبلیغاتی به ضد شما و به ضد جمهوری اسلامی قلمفرسایی می کنند با سخنرانی یا توطئه لکن نمی توانند روی حق پرده پوشی کنند. شما بحقید، همانطوری که امام سیدالشهدا بحق بود و با عده قلیلی مقابله کرد و در عین حالی که به شهادت رسید و فرزندان او هم به شهادت رسیدند، لکن اسلام را زنده کرد و یزید و بنی امیه را رسوا کرد. شما هم شیعیان همان حضرت هستید، شما هم در این نبردهای بزرگی مثل نبرد آبادان و مثل تنگه چزابه و مثل بستان کاری کردید که اعجاز بود، اعجاز بود از باب اینکه یک جمعیت کم با عده و عده کم و با ایمان بزرگ این اعجاز را آفریدند و صدام که این کار غلط را به تخیلاتی که کرده بود انجام داد، الان پشیمان شده است و به همه دولت ها برای کمک دست دراز کرده است و از همه کشورها کمک خواسته است و همه هم ، تقریباً اکثر قریب به اتفاق هم به او کمک می کنند و همه کمک هایی را که آنها کرده اند نتوانسته اند یک ایمانی برای او بفرستند، برای اینکه در خودشان هم نبود. اشتباهشان در همین است که خیال می کنند زیادی جمعیت و زیادی اسلحه کار انجام می دهد و نمی دانند که آن چیزی که کار را انجام می دهد

بازوی قوی افراد است. افراد کم با بازوان قوی و قلب مطمئن و قلب متوجه به خدای تبارک و تعالی و عشق به شهادت و عشق به لقاءالله، اینهاست که پیروزی می آورد. پیروزی را شمشیر نمی آورد پیروزی را خون می آورد. پیروزی را افراد و جمعیت های زیاد نمی آورد پیروزی را افراد و جمعیت های زیاد نمی آورد پیروزی را قدرت ایمان می آورد (ما اکثر الضجیح و اقل الحجیح) حاجی خیلی می رود به مکه، لکن آن که حج الهی را بجا می آورد، آن کم است. و سپاه پاسدار و بسیج و همه اینها، ارتشی و اینها. آن اقلیتی هستند در جنگ و آن اقلیتی هستند در نبرد که (کم من فته قلیله غلبت فته کثیره باذن الله).

### شما در تمام جهات معنوی و مادی پیروز هستید و پیروزی شما پشوانه پیروزی مستضعفین جهان است

فرق است مابین ایده شماها و دشمن های شما. آنها برای قدرتمندی، برای نمایش قدرت، برای شیطان، با اسلام به جنگ برخاستند و شما برای خدا و برای رضای او و برای قوت دادن به اسلام و پیاده کردن احکام اسلام به دفاع برخاستید. شما مدافع از انسان های مظلوم در طول تاریخ هستید. مدافعات شما از اسلام و پیروزی شما انحصار به پیروزی در میدان ندارد. شما در تمام ابعاد پیروز هستید و شما در تمام جهات معنوی و مادی پیروز هستید و شما در طول تاریخ پیروز هستید و پیروزی شما پشوانه پیروزی مستضعفین جهان است در طول تاریخ. شمایی که با آغوش باز و با روی گشاده به طرف الله و به طرف لقاءالله و به طرف شهادت می روید پیروز هستید، چه در میدان جنگ پیروز بشوید و می شوید و چه خدای نخواسته شکست بخورید و نخواهید خورد. شما آن چیزی را که همراه دارید دشمنان شما ضد او را همراه دارند شما رضای خدا را همراه دارید و آنها سخط خدا را. شما ایمان را همراه دارید و آنها طرفداری از کفر را. شما آرامش قلبی دارید و در این جنگ با آرامش، با خاطر آسوده، با این ایده که اگر شهید بشوم پیروزم و اگر پیروز بشوم هم پیروزم، شما این را دارید و آنها از مرگ فرار می کنند. بین این دو طایفه بسیار فرق است، آن که مرگ را در آغوش می گیرد برای اینکه شهادت است، برای اینکه از اسلام است، برای اینکه دفاع از حق است و آن که از مرگ فرار می کند برای اینکه برای طعمه جنگ می کند. فرق است مابین ملتی که داوطلب برای شهادت هست و برای پیروزی هست و من امیدوارم که داوطلب ها بیشتر بروند و اسم بنویسند و خواهند رفت با آنهایی که، بین اینها و آنهایی که با سرنیزه به جنگ می آیند، اگر اقدام نکنند از پشت کشته خواهند شد، آنهایی که با اسم داوطلب، با فشار و زور و با هزار جور اذیت و ادا به جنگ می شوند، آنهایی که ملت هایشان به آنها پشت کرده است. بین شما که ملت پشتیبان شماست و نگهبان از شماست و به همین جهت خدای تبارک و تعالی نگهبان شماست و پشتیبان شماست با آن که برای شیطان می خواهد جنگ بکنند، برای شیطان نفس می خواهد جنگ بکنند فرق است مابین اینها، فرق است مابین انقلاب اسلامی ایران با انقلاب های دنیا. انقلاب های دنیا بی استثنا برای ایمان نیست، برای خدا نیست، انقلاب ایران برای خداست و از اول هم فریاد خدا بوده است، الله اکبر بوده است و تا آخر هم همین است. این بدبخت هائی که از ایران فرار کرده اند یا در خارج بوده اند و به تبع طمع های پوچ شیطانی نشسته اند و صحبت می کنند و دروغپردازی می کنند و یکی از دروغ های بزرگشان که در رادیوها هر شب شاید باشد و همین دیشب دو مرتبه یا سه مرتبه بود اینکه ایران از اسرائیل!!! چیز می آورد!!! ابزار جنگ می آورد و می خورد. ایرانی که بیست سال است با اسرائیل در جنگ است، اسرائیل را می کوبد و به حسب حکم شرعش با اسرائیل نمی تواند هیچ تناسبی داشته باشد و نخواهد داشت. چند مرتبه همین دیشب بود که از کی گفته است، چی گفته است، کی گفته است، که اینها از اسرائیل چیز می خورند و آنها هم که در خارج نشسته اند و فکر این را می کنند که بیایند ایران بعد از اینکه شما جوان ها جانبازی خودتان را کردید ایران را تسلیم یک دسته اشخاص منحرف کنند، اینها هم افکارشان مثل افکار همان صدام است. صدام هم پیش خودش فکر کرد و این فکر را هم تقویت کردند شیطان های بزرگ در او که توبه ایرانی که الان به هم خورده است و هرج و مرج است و ارتشی ندارد و چیزی ندارد حمله کن و



اسم خودت را مثل اسم سعد وقاص کن و خودت را بگو فاتح قادسیه . غافل از اینکه اینجا بچه های نارسشان هم ، بچه های کوچکشان هم در مقابل او ایستاده اند و تا هستند نمی توانند اینها یک همچو کارهایی را انجام بدهند. شما برادرها با قدرت ایمانی و با قدرت اسلامی این پیروزی ها را به دست آوردید خصوصا با این پیروزی اخیر تنگه جزابه به آنها فهمانید که افکارتان غلط بوده است و آرزوهایتان برباد است . و من همانطوری که گفتید دعا کنم ، من همیشه به شما دعا می کنم ، من دعاگوی شما هستم و من شما را دوست می دارم . شما برادران من هستید، فرزندان من هستید و من در محضر خدای تبارک و تعالی به این پیروزی های شما که پیروزی هایی است که با تعهد اسلامی ، برای اسلام است و من افتخار می کنم ، مباحثات می کنم به درگاه خدا که یک همچو در یک همچو مقطع از زمان واقع شدم که جوانان ما اینطور هستند. در یک مقطع از زمان واقع شدیم که دست آنهایی که به واسطه تبعیت از آمریکا جوان های ما را به فساد می کشاندند و با همه قدرت ، همه تبلیغات و با درست کردن مراکز فحشا، مراکز قمار، مراکز خماری و جلسه های فاسد، جوان های ما را می خواستند به فساد بکشند و خدای تبارک و تعالی به داد ما رسید، به داد کشور ما رسید، به داد ملت ما رسید و شما جوان ها را بسیج کرد، بسیج الهی شما را کرد که حفظ کنید این کشور را و دست رد به سینه تمام شیاطین و قدرتمندان بزنید و شما پیروز هستید. خداوند انشاءالله شما را همانطور که در اینجا پیروز کرده است بعدها هم پیروز کند، خداوند شما را پیروز کند بر شیطان باطنی و شما را بر نفس خودتان پیروز کند تا انشاءالله وقتی که به محضر خدا رفتید با نشانه های افتخارآمیز در خدمت او بروید. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته تاریخ : ۱۹/۱۲/۶۰

## بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه استان مازندران و دشت گرگان

### ما ماموریم که مردم را ارشاد نمائیم و به خیر و صلاح دعوت کنیم

بسم الله الرحمن الرحیم من از آقایان تشکر می کنم که تشریف آوردند و از نزدیک خدمتشان رسیدم . مطالبی را که می خواهم به شما تذکر دهم این است که شما توده های میلیونی مردم را می بینید که چقدر خوبند و من با جرات می توانم عرض کنم که در طول تاریخ چنین وضعی پیش نیامده است . امروز ایران سی و چند میلیون نفری به استثنای یک اقلیت بسیار کم ، متحول شده اند و همه به فکر این هستند که اسلام تحقق پیدا کند و در حل مشکلاتی که برای دولت پیش می آید، پیشقدم هستند. امروز که داوطلبین برای رفتن به جبهه ها اینگونه با آغوش باز شهادت را پذیرا هستند، حتی زمان رسول الله (ص) و امیرالمومنین سلام الله علیه به این شکل نبوده است . در قرآن آمده است وقتی پیامبر اکرم افراد را دعوت به جنگ می کرده است ، آنها به بهانه هایی نظیر اینکه امروز نه ، فردا، یا اینکه امروز گرم است یا سرد، اطاعت نمی کردند. از حضرت امیر هم در کوفه آنطور که باید اطاعت نمی کردند. اگر همراهی این توده های محروم نبود، حکومت نمی توانست برقرار باشد و ارتش می توانست این جنگ را آنطور که حالا به پیروزی رسانده اند، برسانند و این موجب تشکر از همه است . آنچه ما باید به آن توجه زیاد داشته باشیم ، این است که در این انقلاب حفظ حیثیت روحانیت بسته به وجود آقایان است . ملاحظه می کنید که از هر طرف به ما حمله می کنند خصوصا به روحانیون . ما باید به فکر باشیم که بهانه ای به دست دشمنان ندهیم . شما مردم را ارشاد کنید. اگر در منطقه شما خلافتی پیش آمد به دولت و مراجع قانونی ارجاع دهید. شما آقایان باید تبلیغاتی را که دشمنان علیه ما می کنند، در نماز جمعه و جماعت جبران کنید و به مردم اطمینان دهید که امروز دولت و کسانی که در راس امور هستند کوشش می کنند امور را اصلاح نمایند و مسائل اقتصادی را حل کنند. ما همانگونه که ماموریم ، باید مردم را ارشاد کنیم و به خیر و صلاح دعوت نمائیم . ایران امروز بحمدالله با همه گرفتاری هایی که قدرت ها برایش بوجود آورده اند، همچنان راه



خود را می رود. از خدای تبارک و تعالی توفیق همه آقایان را می خواهم. آنچه وظیفه من است اینکه به شما آقایان و همه ملت دعا کنم، که انشاءالله به این وظیفه عمل خواهم کرد. تاریخ: ۲۱/۱۲/۶۰

### فرمان امام خمین به آیت الله مهدوی کنی

بسم الله الرحمن الرحيم جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدرضا مهدوی کنی دامت افاضاته طبق اصل ۹۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی که به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها شورائی تشکیل می شود و انتخاب اعضای فقهای آن شورا بر طبق شرایط تعیین شده به عهده اینجانب می باشد، بدین وسیله جنابعالی را به عنوان یکی از شش فقیه به عضویت شورای نگهبان منصوب می نمایم. از خدای تعالی موفقیت هر چه بیشتر شما را امیدوارم. روح الله الموسوی الخمينی تاریخ: ۲۳/۱۲/۶۰ پاسخ: امام خمینی به تلگرام آیت الله العظمی مرعشی نجفی بسمه تعالی حضرت آیت الله آقای مرعشی نجفی دامت برکاته تلگراف تسلیت آن حضرت به مناسبت ضایعه ناگوار رحلت مرحوم حجت الاسلام والمسلمین آقای ربانی شیرازی قدس سره و اصل و موجب تشکر گردید. از خدای تعالی علو درجه برای آن مرحوم و صبر و اجر جهت بازماندگان ایشان مسئلت داشته و طول عمر و سلامت جنابعالی را خواستارم. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته روح الله الموسوی الخمينی تاریخ: ۲۴/۱۲/۶۰

### بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پرسنل هوانیروز، کارکنان، کارداران و سرکنسولان جدید وزارت امور خارجه، اعضای خانواده های شهدای حادثه آمل، گروهی از کارکنان وزارت دفاع و مربیان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

#### آنها حربه ایران را که ایمان، توحید و اسلام است نمی شناسند و ناییدات غیبی را منکر هستند

بسم الله الرحمن الرحيم من از شما جوان های برومند از هر طبقه که هستید، از نظامیان و کارمندان وزارت خارجه و بازماندگان شهدای آمل تشکر می کنم و سلامت و سعادت همه را از خدای تبارک و تعالی مسئلت می نمایم. اشتباهی که همه این گروه های مخالف با ایران و اسلام دارند این است که چون یک حکومت اسلامی و یک رژیم که تمام اجزاء او منسجم باشد و یک دولتی که از مردم و ارتشی که از مردم باشد نبوده است، یا اگر بوده است همان در صدر اسلام یک مدت کوتاهی بوده و بعدش نبوده است، لهذا اینها آشنایی ندارند با یک همچو طرز حکومت. اینها همیشه در ذهنشان از حکومت ها مثل حکومت هیتلر و رضاخان و دیگر اشخاص غیر انسانی و غیر اسلامی و غیر مکتبی در ذهنشان هست و مقایسه می کنند مابین حکومت هائی که در تمام دنیا هستند با حکومتی که در ایران هست و نفهمیدند که این طرز حکومت غیر آن طرزهاست، و لهذا به فکر ناقص خودشان در این کشور کودتا امکان دارد و به فکر ناقص خودشان خرابکاری ها در این کشور برای تضعیف روحیه ملت تاثیر دارد یا حمله نظامی در مقابل این کشور و این ملت فایده دارد. اینها حتی آنهایی که از خود ایران بودند و در ایران هم در زمان انقلاب بودند نشناختند ایران را و نشناختند قدرت ایمان را و نشناختند اسلام را. اینها اعتقاد داشتند که کشور ایران به واسطه انقلابی که شده است، ارتشش در هم ریخته و مردمش متفرق و سر و سامان ندارد این کشور و اگر یک قدرتی در مقابل او بایستد، در ظرف چند روز می تواند که ایران را قبضه کند. این اشتباهات برای همین است که ادعا می کنند ما اسلام را می شناسیم و نشناختند، ادعا می کنند که ما جامعه ها را می شناسیم و نشناختند و نکته اش هم همین بود که عرض کردم که یک جامعه مثل جامعه امروز ایران سابقه نداشته یا سابقه ای که آنها مطلع بر آن شده باشند، نداشته

و لهذا هر يك از اينها كه با آن جهالتی كه دارند و عدم دید سیاسی و شناخت از اسلام و جامعه ما دارند، در يك گوشه ای با هم جمع می شوند و می خواهند توطئه كنند، به خیال خودشان می خواهند كه یا ایران را برگردانند به حال سلطنتی، كه يك طایفه زیادشان این خیال را دارند، یا ایران را از جمهوری اسلامی اش برگردانند به جمهوری دموکراتیک، كه آنها هم يك دسته هستند و روی هم رفته اینها اسلام را نمی خواهند، حتی آنهایی كه ادعای اسلام می كنند هم حكومت اسلامی را به این وضعی كه در ایران هست، نمی خواهند. آنها نمی خواهند كه دولشان يك دولتی باشد كه با مردم آمیخته است و ارتششان يك ارتشی باشد كه در دامن ملت است و ملت در دامن او. آنها می خواهند كه يك رژیم باشد كه یکی در آن بالا باشد و حكومت كند با يك اقلیت و همه مردم هم خاضع باشند، آن هم خاضعی كه با سرنیزه خاضع باشند. شما اگر خیال كنید كه در سرتاسر دنیا حكومتی باشد كه سرنیزه را بردارد و بتواند به جای خودش بنشیند، نداریم همچو حكومتی، یعنی خود ملت ها و خود مردم توده های میلیونی با حكومت ها موافق نیستند و یا تا كتون ندیدند يك حكومتی كه وقتی كه جنگ بشود همه مردم جنگجو هستند، وقتی كه محاصره اقتصادی بشود افكار همه مردم توجه به این پیدا می كند كه ما باید خودكفا باشیم و متخصصین ما مشغول می شوند و افكار خودشان را به راه می اندازند و قدرت خودشان را به راه می اندازند و ایران را مستغنی می كنند از خارج و من به شما اطمینان می دهم كه اگر تا يك مدتی ما در این فشارها باشیم، ایران بیشتر ثبات پیدا می كند و مغزهای متفكر مکتبی ایران بیشتر به كار می افتد و ایران را !!! از !!! خودكفا می كند. آنها حتی كارمندان دولت را، كاركنان در كشور، آنهایی كه در كارخانه ها كار می كنند و كارگرانی كه در مزارع مشغول زراعت هستند، در يك رژیم اسلامی نشناختند، آنها مقایسه كردند اینجا را یا به بعضی كشورهای غربی یا به بعضی كشورهای شرقی و روی آن دید است كه تا اینجا وارد می شوند. آن حربه ای كه در دست ایران است، پیش آنها نیست و آنها نمی شناسند آن حربه را، آن حربه ایمان است، حربه توحید است، حربه اسلام است، حربه قرآن مجید است كه در تحت بیرق يك همچو اسلام و قرآن و توحید همه مجتمع هستند و آنها تاییدات غیبی الهی را منكر هستند، نمی توانند بفهمند، اینها نمی توانند چشمشان را باز كنند و ببینند كه در هر گوشه از ایران يك امور خارق العاده واقع می شود كه با دست عادی بشر نمی تواند واقع بشود. آنها در طبس آمدند و گمان كردند كه می توانند نیرو پیاده كنند و می توانند بیایند و به بهانه خارج كردن گروگان ها ایران را قبضه كنند و خدای تبارك و تعالی شن ها و بادها را فرستاد و آنها را شكست داد. اینها نمی توانند بفهمند و نخواهند توانست بفهمند كه سربازهای ایران از نظامی و پاسدار و سایر قوای مسلح با ایمان است كه دارند پیش می روند. تمام قدرت ها يك طرف ایستادند و يك قدرت ایمان هم در مقابل آنها يك طرف و قدرت ایمان بر آنها غلبه كرد و غلبه می كند. اینها جامعه ای كه اسلام در او وجود پیدا کرده است و پیاده شده است، این جامعه را ندیدند تا بفهمند، در كتاب ها هم همچو جامعه ای را نخوانده اند تا بفهمند، افكار کوتاه آنها هم نمی رسد به این امر كه بتوانند بفهمند جامعه اسلامی یعنی چه. در تاریخ، در عین حالی كه خوانده اند كه عده های بسیار كم و ارتش بسیار كم اسلام بر دولت های طاغوت بسیار قدرتمند مثل ایران سابق و مثل روم غلبه كردند و این غلبه، غلبه ایمان بود، آنها را آنطور غربی ها غرزه كردند و تبلیغات برضد اسلام و برضد ایمان و برضد انبیا كردند كه غفلت كردند از ایمان و اسلام و روی آن غفلت مشغول اینطور خرابكاری ها هستند. اگر این عده ای كه در جنگل بودند، اسلام را فهمیده بودند، حمله به آمل نمی كردند. این حمله در عین حالی كه برای ما تاسف انگیز بود و عده ای از برادرهای ما را از دست ما گرفت لکن فهماند به این دسته های غیر انسانی كه اینطور نیست كه شما خیال می كنید كه اگر يك صدایی بلند كنید مردم با شما هستند. چطور يك مردم مسلمانی كه دل بسته اند به اسلام و دل بسته اند به قرآن و شهادت را برای خودشان افتخار می دانند و هر كس شهیدی دارد برای خانمان خودش يك افتخاری می داند و هست، چطور امكان دارد كه چند تا دزد سرگردنه و چند تا اشخاصی كه هیچ از قرآن و اسلام اطلاع ندارند و هیچ

ایمان ندارند، بیایند و یک شهر مومن را بخواهند به هم بزنند؟ این معنا واضح شد که مساله آنطور نیست که اینها فکر کردند. صدام یا آنهایی که صدام را وادار کرده بودند به اینکه به ایران حمله کند، نشناخته بودند ایران را، نشناخته بودند قدرت اسلام را، نشناخته بودند قدرت ایمان را و حمله کردند و به این دام افتادند و حالا دارند دست و پا می زنند که از این دام بیرون بروند و نمی توانند بیرون بروند.

### به حکم قرآن تجاوزگر باغی است و باید با او قتال کرد

تبلیغات زیادی که شما می دانید در همه بوق های تبلیغاتی هست، اخیرا دیگر به اینجا رسیده اند که از این راه تبلیغ کنند که صدام صلح طلب است و ایران قبول نمی کند ایران که گوید ما از آن راهی که داریم عقب نمی نشینیم، ببیند چه راهی را او می گوید، ایران چه می گوید، در عین حالی که می دانند باز هم نخست وزیر ما، رئیس جمهور ما، رئیس مجلس ما، وزیر خارجه ما، همه اینها تکرار می کنند که بیایند اشخاص ببینند که ما چه می گوئیم، آیا ما صلح طلب نیستیم؟ صدام صلح طلب است؟! اگر یک دزدی آمد در خانه یک انسانی و اثاث او را یک مقداری غارت کرد و خانه او را گرفت و به آتش زد بعض اثاث او را، بعد بگوید که مردم بیایید ما را صلح بدهید، صلح بدهند که توی دزد یک قدری از خانه را داشته باشی و صاحبخانه هم یک قدری؟ توی دزد این ضررهایی که زدی، نادیده بگیرند؟ توی دزد این شرارت هایی را که کردی، نادیده بگیرند؟ اگر نادیده نگیرند، صلح طلب نیستند؟ اگر صلح به این معنا می گویند که ما کشوری که به آن حمله شده است، تجاوز شده است، دزدها آمده اند و مقداری از منزل ما را، مقداری از خانه های ما را غارت کردند، آتش زدند، خراب کردند و جوان های ما را کشته اند، حالا می گویند ما سرجای خودمان هستیم، بیایید ای دنیا ببینید که ما صلح طلبیم، بیایید صلح بکنیم، خوب، ما هستیم در اینجا، آنجایی که با تجاوز آمدیم و گرفتیم، آنجا هستیم، لکن بیایید ما را صلح بدهید، این صلح را کدام انسان می تواند بپذیرد؟ این اسمش صلح هست اصلش؟ ایران که می گوید که تا از خانه ما بیرون نروید و تا جرم هایی که کردید، معلوم نشود که شما مجرم هستید و تا ضررهایی که به ایران زدید، جبران نشود و حکم به جبران نشود، صلح معنا ندارد، برای اینکه صلح بدون اینها یعنی یک مقدار از خاک ما دست آنها باشد و بعد بگویند گرفتیم این را و مال خودمان، این ضررهایی که به ایران وارد شده است که ضررهای انسانی اش بسیار با اهمیت و ضررهای مادی اش هم همین طور، این ضررها را زدیم، حالا بیایید صلح کنیم، یک مقداری از خاک ایران مال ما باشد و حدش را بیاوریم این ور آبادان مثلا، "حدش را قرار بدهیم خونین شهر. این صلح است؟! ما می گوئیم که، به همه کشورهای اسلامی و همه کشورهای اسلامی، تمام کشورهای عرب و غیر عرب ما می گوئیم که ما حکم را قرآن قرار می دهیم، قرآن کتاب آسمانی مسلمین است، طایفه یا طایفه دیگری ندارد، ما حکم را قرآن قرار می دهیم، ما یک آیه ای از قرآن کریم را حکم قرار می دهیم و عقلای عالم، اشخاصی که می خواهند صلح بدهند ما را، با همین یک آیه عمل بکنند و ما قبول داریم. صدام هم که می گوئید و خودش اقرار می کند که من مسلمان هستم، در عین حالی که ما بعید می دانیم، این قرآن است، سایر کشورهای اسلامی هم که می گویند که ما، ملت ها قرآن را قبول دارند، حتما دولت ها هم می گویند ما به قرآن اعتقاد داریم، بیایند بنشینند نماینده بفرستند. ما قرآن کریم را باز می کنیم، سوره حجرات را باز می کنیم و یک آیه از آیات سوره حجرات را برایشان می خوانیم، می گوئیم بیایید با این عمل کنید. در آن آیه این است که اگر دو طایفه ای از مومنین با هم جنگ کردند، شما صلحشان بدهید و اگر یک طایفه ای از اینها تجاوز به طایفه دیگر کرد، همه تان مکلفید که با او قتال کنید، جنگ کنید تا اینکه به اطاعت خدا برگردد. وقتی به اطاعت خدا برگشت، صلح کنید به عدالت، به قسط. ما می گوئیم به دنیا که بیایید ببینید که ما در خاک عراقیم یا عراق در خاک ماست؟ اگر ما در خاک عراقیم، شما با ما جنگ کنید و اگر عراق در خاک ماست، به

حسب قرآن کریم تجاوز کرده ، و فته باغیه است و فته باغیه را باید با او قتال کنید. ما از قتال شما هم گذشتیم و امیدی به این نداریم ، لاقل محکوم کنید. اگر به قرآن عمل نمی کنید که قتال کنید و او را با سرنیزه بیرون کنید از کشور اسلامی ، لاقل محکوم کنید او را و اگر محکوم هم نمی کنید لاقل بی صدا باشید، بی طرف باشید. چه شده اینها را که نه به قرآن اعتنا دارند و نه به حکم عقل اعتنا دارند و نه مسائل بین المللی ، به هیچی اعتنا ندارند، هر روز یک شایعه درست می کنند، هر روز می گویند بحرین را بنا بود ایران ، می خواست بحرین را چه بکند. یک طیاره از یک جا عبور می کند یک جایی دیگر ساقط می شود، شایعه درست می کنند که اسرائیل داشت همراهی می کرد و اسنادش موجود است . این کدام اسناد؟ یک کشوری که بیست و چند سال است با اسرائیل مخالفت کرده ، دست اسرائیل را از نفتش کوتاه کرده ، روابط بکلی قطع است و او را غاصب می داند و مسلمین را دعوت به اتحاد می کند که این را باید بیرون بکنید و او به ریش مسلمین دارد می خندد و امریکای فاسد هم همین طور، باز این مسلمین از اسرائیل دست برداشتند و می خواهند با او مصالحه کنند بعضی از آنها به تبع امر امریکا و همه تبلیغات خودشان را متمرکز کردند به ضد ایران ، یک دفعه از خودشان نمی پرسند که آخر قضیه چیست . اینقدر سرسپردگی به امریکا، اینقدر سرسپردگی و ترس ، ذخایر خودتان را تقدیم امریکا می کنید و از او هم با او هم روابط دارید و از او هم عذر می خواهید و خوش خدمتی و خوش رقصی هم می کنید. ما با اینکه ملت ضعیف هستیم و به حسب افراد، افراد ما حدود سی و پنج میلیون یا چهل میلیون است و ابزار جنگی ما یک ابزار محدودی است بسیارش هم غارتگرها در وقتی که انقلاب بود، غارت کردند و قایم کردند، حالا به روی خود همین ملت می کشند، ما با همه این گرفتاری ها که داریم ، در مقابل همه کشورهای که می خواهند تعدی بکنند ایستادیم ، در مقابل همه قدرت هائی که با ما می خواهند مخالفت کنند و با اسلام می خواهند مخالفت کنند، ایستاده ایم و مع الاسف این دولت های اسلامی بسیاریشان به جای اینکه با اسرائیل جنگ کنند، به جای اینکه دست اتحاد به ایران بدهند که اسرائیل را دفن کنند، اسرائیلی که به همه چیز مسلمین طمع دوخته است ، اسرائیلی که برنامه اش این است که از نیل تا فرات مال اوست ، این اسرائیلی که مکه و مدینه مکرمه را از خودش می داند و می خواهد دست درازی کند، مع الاسف این حکومت ها به او کار ندارند بلکه می خواهند بشناسند او را و همه تبلیغات خودشان را و همه هم و غم خودشان را به اسلام و به حکومت اسلامی ایران متمرکز کرده اند. تا گفته می شود که ما از این حدودی که داریم و چیزی که از اول گفته ایم ، هیچ قدمی کنار نمی گذاریم ، فوراً می بینید که یک جا می گوید که دیگر صلح امکان ندارد برای اینکه ایران سر صلح ندارد. مگر آن حدودی که ما گفتیم چیست ؟ جز این است که باید بیرون برود تا ما بنشینیم با او صلح کنیم ؟ ما قرآن می گوئیم ، ما حکم قرآن را می گوئیم که همه مسلمین باید به این جنگ کنند تا این بیرون برود. اگر بعد از جنگ سر فرود آورد به احکام اسلام ، آنوقت بنشینند صلح کنند، آن هم صلح به قسط و عدل . مسلمین بیایند ببینند، بابا بی خود صرف وقت در تبلیغات نکنند و حسن قضیه این است که تبلیغات اینقدر اختلاف دارد و اینقدر اعوجاج دارد و اینقدر خلاف ضروری است که دیگر هر کس بشنود، هم ، اگر راست هم اینها بگویند، می گویند دروغ است . این بوق های تبلیغاتی که هر روز یک چیز می گویند و هر روز یک مطلب واضح الفساد را می گویند، طوری اینها حیثیت خودشان را از دست داده اند که هر که بشنود که رادیوی کذایی چه گفت ، می گوید رادیو دروغ می گوید. رادیویی که می گوید که زن و مرد ایران دیگر برگشته اند از حکومت اسلام ، از این حکومت پشت کردند، یا نقل می کند از بعض اشخاص فاسدی که به واسطه فسادش نتوانسته است در ایران بماند و فرار کرده ، نقل می کنند که اینها جوان ها و زن های آبستن و بچه ها و اینها را در خیابان ها هر روز می کشند، در عین حالی که خود این تروریست ها دارند این کارها را می کنند، این کارها را انجام می دهند و بعد می گویند ایرانی ها این کار را می کنند. بله ایرانی است ، اما کدام ایرانی ؟ آن ایرانی که به اسم مجاهد خلق بر ضد خلق ، با اسم فدایی خلق

بر ضد خلق قیام کرده است ، آن هم ایرانی است لکن انسان نیست .

### اصل وارد شدن در حزب برای ارتش ، سپاه پاسداران و قوای انتظامی و نظامی جایز نیست

برادرها! ما باید خودمان ، خودمان را حفظ کنیم ، نباید ما منتظر این باشیم که قدرت های خارجی به ما کمک کنند، ما از کمک آنها گذشتیم . مرا به خیر تو امید نیست ، شر مرسان . شر هم بخواهند برسانند ما با آنها مقابله می کنیم . ما باید کلاه خودمان را خودمان حفظ کنیم و حفظ این به این است که ارتشی و سایر قوای نظامی و انتظامی ، پاسدار، اینهایی که عشایری هستند، اینهایی که قدرت های نظامی و انتظامی هستند، با هم یکصدا باشند، اختلاف در بین نباشد. و من عرض می کنم به همه این قوا و به فرماندهان این قوا که این افراد در هیچ یک از احزاب سیاسی ، در هیچ یک از گروه ها وارد نشوند. اگر ارتش یا سپاه پاسدار یا سایر قوای مسلحه در حزب وارد بشود، آن روز باید فاتحه آن ارتش را خواند. در حزب وارد نشوید، در گروه ها وارد نشوید. اصلا تکلیف الهی شرعی همه شما این است که یا بروید حزب یا بیائید ارتش باشید. مختارید، از ارتش کناره گیری کنید بروید در حزب ، میل خودتان است اما هم ارتش و هم حزب ، معنایش این است که ارتشی باید از ارتشی اش دست بردارد، بازی های سیاسی باید توی ارتش هم وارد بشود. در هر گروهی که وارد هستید باید از آن گروه جدا بشوید، ولو یک گروهی است که بسیار مردم خوبی هم هستند، ولو یک حزب است که بسیار حزب خوبی هست ، لکن اصل حزب وارد شدن برای ارتش ، برای سپاه پاسداران ، برای قوای نظامی و انتظامی وارد شدن جایز نیست ، به فساد می کشد اینها را. و من عرض می کنم که کسانی که در راس ارتش هستند و کسانی که در راس سپاه پاسداران هستند موظف هستند که ارتش را و سپاه را و سایر قوای مسلح را از احزاب کنار بزنند و اگر کسی در حزب هست ، باید او را از ارتش بگویند یا در آنجا یا در اینجا، و همین طور سپاه پاسداران و همین طور سایر قوای مسلح باید وارد در جهات سیاسی نشوند تا انسجام پیدا بشود. اگر وارد بشوید، بالاخره به هم خواهید زد خودتان را و بالاخره در مقابل هم خواهید ایستاد و نظام را به هم خواهید زد و اسلام را تضعیف خواهید کرد. تکلیف همه شما این است که با هم باشید بدون اینکه در یک حزب یا در گروهی وارد شده باشید، هر گروهی می خواهد باشد. گروه فاسد که انشاءالله وارد نمی شوید، گروه های بسیار خوب هم وارد نشوید، باید شما مستقل ، بدون اینکه پیوند به یک گروهی داشته باشید مستقل باشید و از حزب الله تعالی شانه . همه افراد ایران موظفند که با هم باشند. اگر احزاب هستند، خودشان را با سایر افراد کشور هماهنگ کنند، افراد کشور هم خودشان را با آنها برادر بدانند. گروه های مختلفی که اسلامی هستند، این گروه های اسلامی هم نباید دخالت در امور ارتش بکنند و نباید در آنجا افراد داشته باشند، تا بتوانید یک عضو صالح و یک ارتش و سپاه پاسداران منسجم و صالح و قدرتمند باشید. ورود سیاست در ارتش شکست ارتش است . این را باید بدانید و شرعا جایز نیست . و من امر می کنم به شما که یا در ارتش یا در حزب . دوم ندارد که بخواهید هم ارتشی باشید، هم حزبی ، نمی شود، یا مثل سایر مردم هر طوری هستید.

### به صدام می گویم که یک راه برای تو سراغ دارم و آن راه انتحار است

و من به همه کسانی که با این جمهوری اسلامی مخالفت می کنند، نصیحت می کنم که بس است دیگر، قدرت های خودتان را سنجیدید فهمیدید که نمی شود با یک قدرت اسلامی در افتاد، خودتان را سنجیدید، فهمیدید نمی شود، حالا که فهمیدید نمی شود، چرا لجاجت می کنید؟ دست بردارید بروید مشغول یک کار دیگری بشوید و به صدام هم می گویم که من یک راه برای تو سراغ دارم و آن راه انتحار است ، همانطوری که هیتلر بعد از آنکه به شکست رسید خودش را کشت ، تو هم اگر مردی و مثل هیتلری خودت را بکش .

## اگر بخواهید یک ملت قوی و آزاد باشید، از تشریفات یک قدری بکاهید

برادرها! خواهرها! عرض کردم که ما باید خودمان، خودمان را نگه داریم. باید طمع را از همه جا برید، به خدا متوجه شد. تاکنون هم هر چه شما پیروزی داشتید برای این است که اتکال به قدرت الهی و قدرت خودتان که از قدرت الهی است این اتکال را دارید و یکی از نصیحت هایی که چون نزدیک سال نواست می خواهم به همه ملت این نصیحت را بکنم این است که ما در حالی که جنگزده هستیم، در حالی که اینهمه آواره داریم، اینهمه بیمار داریم، اینهمه معلول در بیمارستان ها داریم و شما هر یکی تان بعضی همسایه هاتان شهید دادند، شما باید یک قدری راجع به مراسم عید کوتاه بیایید. شما همه این قشرهایی که برای اسلام الان دارند زحمت می کشند و شهید دادند و بازماندگان شهید هستند یا در بیمارستان هستند، اینها را عائله خودتان حساب کنید، مقداری که می خواهید تشریفات زاید را عمل بکنید، نکنید و بروید از اینها دلجوئی کنید. ایام نوروز، ایام عید نوروز بروید در این مریضخانه ها، بروید احوال اینها را، اینهایی که آواره شدند، اینهایی که در جنگ آواره شدند، اینهایی که از خارج بیرونشان کردند و گرفتار هستند، به اینها سرکشی کنید و آن تشریفات زمان سابق را تخفیف بدهید. اگر بخواهید یک ملت قوی آزاد باشید، از تشریفات یک قدری بکاهید، عید را در بین دوستان خودتان، ملت خودتان، مجروحان خودتان، معلولان خودتان و جنگزدگان خودتان و آوارگان خودتان، از هر جا هست، اینها همه از شما هست، این عید را در بین آنها با هم عید کنید. یک قدری از خودتان بکاهید و بیفزائید برای آنکه به آنها سرکشی کنید و آنها را احترام کنید. اینها بزرگند، اینها عالیترتبه اند، اینها شهید داده اند، اینها معلول داده اند، معلول هستند و اینها امتحان داده اند و مادرهای اینها امتحان داده است که شهید می دهد و افتخار می کند و می گوید باز هم دارم، بیایید ببرید. ما در مقابل اینها سرافکننده هستیم، ما در مقابل اینها شرمسار هستیم و ما باید با اینها یک جوری رفتار کنیم که عید برای آنها هم باشد. و شما وقتی عید دارید که اخلاق عیدی داشته باشید، اخلاق تازه. و من امیدوارم که به این امر ملت ما سرتاسر همه جا عمل کنند و رضای خدای تبارک و تعالی را در این امر به دست بیاورند. از خدای تبارک و تعالی سلامت و سعادت و پیروزی این ملت را مستدعی هستم و همه سعادت مند و پیروز باشید. والسلام علیکم و رحمه الله تاریخ: ۲۵/۱۲/۶۰

## بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر ارشاد اسلامی، اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی و ستاد برگزاری مراسم دهه فجر

### سلاح تبلیغات، برنده تر از کاربرد سلاح در میدان های جنگ است

بسم الله الرحمن الرحيم ما باید در همه امور هماهنگی را حفظ نمائیم، مخصوصا هماهنگی در تبلیغات که از اهم امور است باید بیشتر حفظ شود. باید سعی کنید و وحدت و هماهنگی را به صورتی حفظ نمائید که هرگونه تبلیغات سوء را از بین ببرید. می دانید که سلاح تبلیغات، برنده تر از کاربرد سلاح در میدان های جنگ است، باید از اسلحه تبلیغات آنها بیشتر ترسید و متاسفانه ما در این زمینه ضعیف هستیم. ما باید روحیه خود را تقویت کرده و با تمام وجود این را بپذیریم که می توانیم روی پای خودمان بایستیم. این خیلی مهم است که متخصصین ما اتکاء به تخصص خود کردند. شما ببینید که محمدرضا چه ضربه ای به روحیه پزشکان ما زده، او با طبیبان به گونه ای برخورد کرده بود که مثلا برای یک عمل جزئی باید روانه خارج شده، این خود نقشه ای بود برای تضعیف روحیه متخصصین ما تا خیال کنند در تمام زمینه ها عقب افتاده هستند. ما امروز باید مصمم باشیم تا در تمام رشته ها جلو بیفتیم. شما که قسمتی از تبلیغات دستتان است، باید در این زمینه کوشش کنید تا مردم باور کنند



چیزی از ساین کم ندارند. هر چند رادیوهای بیگانه در دست دشمن است ولی مردم می دانند که آنها دروغ می گویند. شما با اتکاء به خداوند قوی باشید. هر موضوعی را باید از نو ساخت و آنقدر دنبال کرد تا تداوم پیدا کند. درست است که شما تازه روی کار آمده اید اما این معنا را در نظر بگیرید که می خواهید برای خدا کار کنید، نه مقام و منصب. ما می خواهیم کشورمان از هر جهت مستقل باشد پس باید برای رضای خدا دنبال این کار را بگیریم تا نه تنها کشورمان، بلکه تمام مردم جهان را مستقل کنیم. امیدوارم با هماهنگی و نظم در تبلیغات تمام دسیسه های دشمن خنثی شود. دشمن حمله نظامی نمی کند زیرا می داند از حمله نظامی کاری ساخته نیست. آنها می خواستند از داخل خود ما ضربه ای بزنند ولی دیدند نشد و نمی توانند، با این وجود دست از تبلیغات برنداشتند، می خواهند به وسیله تبلیغات سوء، اتحاد ما را از بین ببرند. پس شما هر چه می توانید بیشتر هماهنگ شوید، همه یک هدف را دنبال کنید. امیدوارم در کارهایتان موفق باشید و بتوانید به مردم خدمت کنید. والسلام علیکم ورحمة الله. تاریخ: ۲۷/۱۲/۶۰

## بیانات امام خمینی در جمع گروهی از مسؤلان و کارکنان واحد سیاسی و اخبار صدای سیمای جمهوری اسلامی

### امروز نقش رادیو تلویزیون از همه دستگاه ها بالاتر است

بسم الله الرحمن الرحيم من از شما خواهران و برادران که در صدا و سیمای جمهوری اسلامی کار می کنید و زحمت می کشید، تشکر می کنم و برای شما دعا می کنم. شما می دانید که از اولی که این صدا و سیمای ایران وجود پیدا کرد، آنچه که از شاید گفت از همه چیزها بیشتر صدمه وارد کرد به هم حیثیت این ملت و هم در وابسته کردن این ملت به قدرت های بزرگ، این دستگاه ها بود. این دستگاه ها در زمان این پسر بدتر از پدر مخصوصا خیانت هائی کرد به ایران از حیث تبلیغ جهات فساد. شما می دانید که اگر یک مطلبی را در رادیو و تلویزیون گفته بشود و پخش بشود، چه نقشی دارد در سرتاسر کشور بلکه در سرتاسر جاهائی که این صدا به آنجا می رسد و این سیمای. در عهد آنها قبل از انقلاب، اینها و همه مطبوعات و همه گویندگان الا نادر، در خدمت قدرت های خارجی بودند و هر عملی را که انجام می دادند، آن بود که آنها می خواستند و هر فسادی که آنها می خواستند در ایران راه بیندازند یکی از عواملش تبلیغاتی بود که در صدا و سیمای شد. ترویج فساد از همه طرف در مطبوعات و در رادیو تلویزیون، نشان دادن فیلم های مفتضح برای تباهی طبقه جوان، مصرفی بار آوردن ملت در تبلیغ کالاهای مصرفی خارجی، همه اینها و بسیاری از چیزهای دیگر که در خدمت غرب و شرق بود، از راه تلویزیون و رادیو، یکی از راه های بزرگشان برای تبلیغ این امور این بود و اگر خدای نخواست این تا چندین سال دیگر دوام پیدا می کرد، ما باید فاتحه ایران را بخوانیم و الان شما توجه کنید به دستگاهی که سالهای طولانی در خدمت غرب و شرق بوده و مسائل آنها را پخش می کرده و عواملی بودند برای تباه کردن جوان های ما، و شما تازه وارد شدید و می خواهید که این را متحول کنید، کار ارزنده و مشکلی است. شما الان می دانید که این دستگاه در همه جای کشور، در روستاها و شهرها و همه جا، بچه و بزرگ از این استفاده می کنند، این فرق دارد با آن مطبوعات دیگر، مطبوعات دیگر عکس هایش مال همه است لکن محتوایش چون سواد ندارند نمی توانند بخوانند. اما فیلمی که شما نشان بدهید، اگر فیلم سازنده باشد، این در سرتاسر کشور سازندگی دارد. و اگر یک فیلم خدای نخواست انحرافی باشد، در سرتاسر کشور نقش دارد. شما این را مثل سایر رسانه های گروهی حساب نکنید، این یک وضعیت خاصی دارد که این بچه های دو سه ساله، سه چهار ساله به این نگاه می کنند و از این در روح آنها اثر گذاشته می شود تا پیرمردها، تحت تاثیر همه واقع می شوند و این یک دستگاهی است که در خدمتگزاری می تواند بهترین دستگاه ها باشد و در خیانت می تواند بالاترین خیانت را بکند. از تمام دستگاه های تبلیغاتی الان، امروز نقش رادیو



تلویزیون از همه دستگاه‌ها بالاتر است. اگر این اصلاح بشود، یک کشور را می‌تواند اصلاح کند و اگر خدای نخواستہ انحراف در این باشد، یک کشور را می‌تواند منحرف کند. اینهایی که سواد ندارند، خوب، فیلم‌ها را تماشا می‌کنند، حرف‌ها را هم می‌شنوند، آنها هم که سواد دارند خوب هست، اینطور نیست که این مخصوص به یک دسته‌ای باشد. بچه‌های کوچولو می‌نشینند و این عروسک‌هایی که آنجا چه می‌شود مثلاً تماشا می‌کنند و فیلم‌ها را تماشا می‌کنند، اگر انحراف در اینها باشد، آنها را از همان بچگی منحرف می‌کند. این از مدرسه‌ها بالاتر است، این مدرسه عمومی سرتاسری کشور است و صدایی که در اینجا بلند می‌شود، همه کشور و تا آنجایی که موج آن می‌رود، این صدا می‌رود و نقشی که در اینجا نقش می‌بندد، صورتی که در اینجا و سیمایی که در اینجا نشان داده می‌شود، در همه کشور، در واقع هر جا که این پوشش دارد، می‌رود و لهذا مسؤ‌ولیت این، یک مسؤ‌ولیت بسیار بزرگی است و خدمت در اینجا هم یک خدمت ارزنده بسیار بزرگی است. شما هم بار مسؤ‌ولیت به دوستان هست و هم ارزش خدمت. ارزش خدمت هست که اگر شما در خدمت این ملت باشید و در خدمت اسلام باشید، می‌توانید یک نقشی داشته باشید که آن مسائلی که در طول زمان‌های طولانی، در زمان آمدن این دو دستگاه در ایران و معوج کردن اذهان همه افرادی که در این نظر داشتند و حالا هم دارند، شما می‌توانید که، می‌خواهید که آنها را متحول کنید به یک معنای دیگری، این مساله زحمت دارد.

### نباید رادیو تلویزیون به طور هرج و مرج اداره بشود

یک وقت می‌بینید که در این دستگاه یک کلمه گفته می‌شود، یک جمله گفته می‌شود و یک بازار به هم می‌خورد. اینهایی که می‌گویم، شکایت شده که یک آدم غیر مسوول می‌آید یک جمله می‌گوید و این جمله تکان دهنده است نسبت به بازارگانها، نسبت به جاهای دیگر. نباید این دستگاه به طور هرج و مرج اداره بشود. این دستگاه در زیر نظر هر سه قوه است از باب اینکه اهمیت داشته. دستگاهی که تمام قوایی که در ایران هست در او نظر دارند و در او نمایندہ دارند، این دستگاه نباید اینطور باشد که هر کس هر چه دلش می‌خواهد در آنجا بگوید، افراد غیر مسوول یک وقت واقع بشوند آنجا مصاحبه بکنند، در مصاحباتشان یک وقت مسائل اعوجاجی باشد. یک جمله ممکن است که شما را به وضعی مبتلا کند که نتوانید یک سال جبران‌ش کنید. این باید به طوری منظم باشد، تحت نظر اشخاصی که آشنایی دارند به مسائل سیاسی، آشنایی دارند به مسائل اجتماعی، آشنایی دارند به وضع خود کشور، باید در تحت نظر آنها پخش بشود. اگر بنا باشد که هر که هر چه دلش می‌خواهد بیاید توی رادیو، توی تلویزیون بگوید، این هم پخش بشود در همه جا یک وقت مردم گوش کنند و ببینند دولت می‌خواهد چه بکند، در صورتی که آنطور نیست. دولتی که می‌خواهد خدمت بکند به این مردم، می‌خواهد همه چیز را به وضع خودش حفظ بکند، این را یک وقت می‌بینید که یک نفر آدم می‌آید، حالا یا آن آدم، آدم فاسدی است و خودش را جازده است که این خیلی احتمال است و یا آدم بی‌اطلاع است، نمی‌داند چیست حساب، سیاست سرش نمی‌شود، از اجتماع اطلاع ندارد، از وضع تحول ایران اطلاع ندارد، می‌آید یک کلمه‌ای می‌گوید، یک جمله‌ای می‌گوید، یک مصاحبه‌ای می‌کند و آشوب‌پا می‌کند، یعنی ایران را می‌برد طرف یک امور غیر مطلوب. و لهذا همانطوری که شاید در همه دنیا اینطور باشد که این دستگاه تحت کنترل یک اشخاص مطلع از مسائل، عمیق در مسائل، که اگر یک چیزی می‌خواهد پخش بشود، در نظر آنها باشد، آنها ببینند و بگویند این کلمه صحیح است یا صحیح نیست، این جمله درست است یا نیست. شما ببینید الان وقتی که می‌خواهند یکی از این مقامات عالیرتبه به اصطلاح خودشان صحبت بکنند، اینها نمی‌آیند بایستند صحبت کنند، اینها می‌نویسند. این برای این است که یک نطقی که او می‌کند، در سرتاسر عالم منتشر می‌شود آن، اگر یک کلمه این ور و آن ور باشد، یک جمله برخلاف مصالح خودشان باشد، خوب، غائله‌پا می‌کند.

این دستگاه‌ها اینطور نیست که در آنجاها، در ممالکی که مترقی هستند به اصطلاح، در آنجاها همین طور باشد که هر که بخواهد، هر چه بگوید درش. همه کنترل می‌شود، اشخاص مختلف می‌بینند، اشخاص که تخصصی در این امور دارند مطالعه می‌کنند، می‌بینند، الفاظ را این‌ور آن‌ور می‌کنند، جملات را ببینند که چه جوری است. باید شما کوشش کنید که یک وقت خدای نخواستہ شمایی که می‌خواهید خدمت بکنید، شمائی که آماده‌اید برای اینکه شب و روز خدمت برای کشور خودتان بکنید و الان فرصت به دست شما داده شده است که شما می‌توانید خدمت بکنید، یک وقت می‌بینید که یک نفر آدم نفوذ کرده در آنجا و در یک جای حساس، آنوقت می‌آید یک کاری می‌کند، یک عملی انجام می‌دهد یا یک فیلمی که آنها مطلع هستند، کارشناس می‌خواهد این فیلم‌ها. این فیلم‌ها ممکن است یک نتایجی بدهد که نتایج را اشخاص عادی نتوانند درست بفهمند. کارشناس‌ها در آن فکر کنند، تامل کنند تا اینکه یک فیلم صحیحی باشد که مناسب با جمهوری اسلامی و با مصالح اسلام، با مصالح کشور خودتان باشد. شما بدانید که تمام قدرت‌های عالم الان توجه به این معنا دارند و چشم‌هایشان را دوخته‌اند که این طمع‌های که از دستشان رفته برگردانند. کم چیزی نبوده، اینها ایران را از جهات مختلف می‌خواستند وابسته به خودشان بکنند، وابسته هم بود. الان هم اینها دست بردار نیستند به این زودی‌ها که ما خیال کنیم که ما حالا از آنها گرفتیم. حالا که گرفتیم آنها فهمیدند که یک همچو مصیبتی بر ایشان واقع شده، آنها نمی‌نشینند همین طوری که بیاید هر چه بشود. الان از همه جاها توجه دارند و به همه چیزهایی که در ایران هست توجه دارند و یکی از اموری که توجه زیاد برای آن هست، همین صدا و سیماست، برای اینکه خوب معلوم است که این از همه دستگاه‌ها حساستر است. در دنیا هیچ ما نداریم چیزی که به اندازه اینها حساس باشد و به اندازه اینها بتواند به همه جا برود، هیچ دیگر همچو چیزی ندارد. و لهذا روی این خیلی حساب می‌شود و شیاطین خیلی حساب می‌کنند روی این و اشخاص مختلفی با ایده‌های مختلف ممکن است بخواهند بیایند وارد بشوند و شما را بازی بدهند. انسان غیب که نمی‌داند، خوب می‌آید ظواهرش درست می‌کند و اینها افراد مختلف از همه جنس دارند. آدمی که بیست سال خودش ملی است، ملی خودش را معرفی می‌کند، خوب، این بختیار را شما دیدید، این بختیار بیست سال شاید بیشتر، اینها به ملی، چه، چه، چه و خودش را جا زده بودند، بعد معلوم شد یکی از مهره‌های آنهاست، الان هم برای آنها دارد کار می‌کند. و همین طور دارند از همه قسم‌ها، آنها از همه قسم دارند و به عبارتی دیگر در همه چیز که در ایران هست، اصلش هست، جلبش هم هست و ما باید خیلی متوجه باشیم خصوصاً یک همچو دستگاه بسیار موثر و بسیار سودمند در موقع خودش و ضررمند در مواقع دیگر، این دستگاه همه به آن توجه دارند و شما باید به تمام معنا در آن توجه داشته باشید که یک وقت یک فردی نباشد، یک وقت یک فیلمی نباشد، یک وقت فیلمی را به صورتی که خیلی خوب است مثلاً، "داده بشود و بعد وضع را دگرگون بکند. می‌توانند با یک فیلمی یک وضعی را برگردانند، می‌توانند با یک قولی یک مصیبتی ایجاد کنند. بنابراین، آن چیزی که بر شما هست، یکی افراد است که افراد باید شناسایی بشود، باید معلوم بشود، سوابقشان معلوم بشود. من از اولی که پیروزی انقلاب پیش آمد، این آقایانی که می‌آمدند اینجا راجع به این صحبت‌ها می‌شد، این مطلب را به همه‌شان تذکر می‌دادم که باید اینطور باشد. ما الان مبتلا هستیم به گروه‌هایی که آنها قبل از ما مشغول بودند به این امور، قبل از اینکه ما وارد در این امور بشویم، آنها قبل از این مشغول بودند و نقشه داشتند و ما مبتلا هستیم به آنها. الان به این بعضی از این احزابی که در ایران هستند، بعضی از این گروه‌هایی که در ایران هستند، اینها قبل از ما خودشان نقشه‌ها داشتند و کارها داشتند. حالا ما می‌فهمیم که این حزب و این دسته منافقین چه سابقه‌ها خودشان داشتند و چه کارها می‌خواستند انجام بدهند، در حبس چه کارها می‌خواستند انجام بدهند و قبل از آن چه کارها و بعد از آن چه کارها و الان هم دست بردار نیستند اینها، ولو نمی‌توانند یک کاری بکنند، لکن کافی است که یکی دوفرشان خودشان را وارد بکنند، یک وقت ببینید که یک انحرافی حاصل شد و از اینها انحراف حاصل شده

است. و لهذا افرادی که در موارد حساس اینجا خصوصا واقع می شوند، افرادی باشند که سوابقشان معلوم باشد اینها چکاره بودند در آنوقت، چه کرده اند اینها، خانواده اینها چه خانواده ای هست، چکاره بودند در آنوقت، کارهایی که در سابق کرده اند روی چه زمینه ها بوده است، اینها را بخواهید شما. واقعا یک دستگامی باشد که این دستگاه در خدمت خود کشورتان باشد و بخواهد نجات بدهد این کشور را از آن گرفتاری هایی که در طول تاریخ و خصوصا در این پنجاه سال اخیر ما داشتیم و شما داشتید. می خواهید نجات بدهید این ملت را، باید طوری بکنید که افرادی که آنجاهایی که حساس است، بسیار زیاد باید مطالعه کنید رویش و در سایر جاها هم همین طور. علی ای حال یک توجه خاصی در اینجا لازم است که باید بشود و افراد کارشناسی لازم دارید که همه چیزها را، پیچ و مهره های همه امور را بتوانند یک عده از، یک عده ای کارشناس که درست مطالعه کنند و بفهمند، هم در فیلم ها و هم در گفتارها و هم در مصاحبه ها، همه اینها باید اینطور باشد تا اینکه انشاءالله موفق بشوید، و مطمئن باشید که موفق هستید.

### ما می خواهیم مسائل الهی و مقاصد الهی در ایران جایگزین باطل ها بشود

و عمده این است که یک کشوری که شما از دهن چند تا اژدها بیرونش آوردید، اینها، طرفین، همه شان اژدها هستند، یکی شان بدتر یکی شان بدتر از او بدتر، والا همه در بدی مثل هم هستند و شما الان آنها را، کشور خودتان را، این ملت نجات داده و حالا هر گوشه ایش دست یک دسته ای افتاده است که باید درس کار کند. و مطمئن باشید شمایی که می خواهید، مایی که می خواهیم آن مسائل الهی و آن مقاصد الهی و مقاصد حق در ایران جایگزین آن باطل ها بشود، خداوند با ما همراهی می کند. وقتی که ما یک همچو پشتوانه ای داریم و ملت ما الان می بینید که شما خیال می کنید مساله عادی است که یک ملت سرتاسرش، یک مطلب را بگوید، این مساله عادی نیست، یک مساله غیبی است این که سرتاسر کشور یک وقتی آدم ببیند که هر جا هر صدایی بلند می شود، آن چیزی که در بندر عباس واقع می شود، در آخر آذربایجان هم واقع می شود همان مطلب، کی می تواند یک همچو کاری را انجام بدهد، چه دستگامی می تواند، آن دستگاه های بزرگ خارجی وقتی بخواهند یک چیزی را راه بیندازند، یک میتینگ می خواهند راه بیندازند، هزار جور زحمت دارد، باز هم نمی توانند آنطوری که دلشان می خواهد. شما یک کلمه می گوئید، یک وقت می بینید سرتاسر کشور همه با هم همصدا هستند. این یک دست غیبی است همراه ما و این را حفظش کنید. حفظ به این است که خدمت را خالص کنید برای خدای تبارک و تعالی عقل اقتضا می کند انسان زحمت که می کشد این زحمت را برای خلق بکشد، همان زحمت را برای خالق هم بکشد، نتیجه اش هم در دنیا همان است. شما در اینجا کار می کنید، زحمت می کشید، قصدتان هر چه هست، آن مقداری که باید به شما مثلا از حیثیت برسد می رسد، حالا عقل اقتضا می کند که خوب، ما وقتی که اینطور است، چرا برای خدا نباشد، ما برای خدا هم کار بکنیم، هر مقصدی که داریم بهتر به ما می رسد، برای غیر خدا هم کار بکنیم، به ما می رسد، لکن برای ما ضررهای معنوی دارد. چرا انسان همه مسایل را، معنویات را نگیرد تا مادیات هم دنبالش بیاید؟ مادیات هست، اما معنویات را وقتی شما گرفتید مادیات هم دنبالش می آید، لازم نیست شما برای او زحمت بکشید. شما برای معنویات، برای کشورتان، برای رها کردن کشورتان از ظلم و جوری که کشیده اند، این ملت کشیده است از این اشخاصی که در اینجا حکومت کرده اند و به اینها ظلم کرده اند یا قدرت هایی که آلاتشان در اینجا بوده است و کارهایی کرده اند، شما برای نجات این ملت کار بکنید، خداوند به شما هم در دنیا همه چیز می دهد و هم در آخرت انشاءالله. و امیدوارم خداوند شما را موفق کند که انشاءالله این دستگاه را یک دستگاه به تمام معنا اسلامی که هر جا کلید باز می شود، انسان بفهمد که این با سایر جاها فرق دارد، این یک جور دیگری است. خدا حفظتان

کند انشاءالله، موفق تان کند. تاریخ: ۱/۱/۶۱

## پیام رادیو تلویزیون امام خمینی به مناسبت فرارسیدن سال نو

بسم الله الرحمن الرحيم انشاءالله این عید سعید و این سال نو بر همه مسلمین و ملت شریف ایران، بر خواهران، بر برادران مبارک و مسعود باشد. مبارک باشد عید بر تمام کسانی که در این سال در راه، در سال جلو تمام توان خودشان را در صرف برای پیشرفت اسلام کردند و امیدوارم که آن دعائی که در اول سال در حال تحویل خوانده می شود (یا مقلب القلوب و الابصار یا مدبر اللیل و النهار یا محول الحول و الاحوال حول حالنا الی احسن الحال) برای ملت ما در آن سال تحقق پیدا کرده است و برای این سال بالاتر از آن تحقق پیدا کند. تمام قلوب و تمام ابصار و بصیرت ها در دست خدای تبارک تعالی و ید قدرت اوست. اوست که تدبیر می کند جهان را، لیل و النهار را و اوست که قلوب را متحول می کند و بصیرت ها را روشن می کند و اوست که حالات انسان را متحول می کند و ما آن را در ملت عزیز خودمان، در زن و مرد، در کوچک و بزرگ یافتیم. این تقلیب قلوب که قلب ها از آمال دنیوی و از چیزهایی که در طبیعت است بریده بشود و به حق تعالی پیوسته بشود و بصیرت ها روشن بشود و صلاح و فساد خودشان را به وسیله بصیرت بفهمند، در ملت ما بحمدالله تا حدود چشمگیری حاصل شده است و من امیدوارم که در این سال جدید به اعلا-مرتبت خودش برسد. این قلب هایی که قبل از انقلاب توجه به دنیا داشت، توجه به آمال دنیوی داشت و از غیب کمتر توجه داشت به غیب، و از غیب کمتر جلوه ای در او حاصل می شد، ما امروز می بینیم که این جلوه ها حاصل شده است و این شوق و شعف ها به لقاءالله برای آنها حاصل شده است و دست عنایت خدای تبارک و تعالی به سر این ملت کشیده شده است و ایمان آنها را تقویت فرموده است که یکی از علائم ظهور بقیه الله ارواحنا فداه است. بی انگیزه نیست که در یک مدتی که در طول مدت شاهنشاهی ستمشاهی و در این پنجاه سالی که پنجاه سال سیاه بود برای این ملت، متحول بشود به یک قلبی که روشنی او از آفتاب روشنتر و یک بصیرتی که نور او برای ملک و ملکوت روشنائی می دهد و یک تحول معجزه آسایی که در تمام قشرهای ملت تحقق پیدا کرده است. مبارک باشد این روز جدید و این سال نو بر همه کسانی که قدرت و ایمانشان به رشد رسیده است و امید است به حد اعلائی رشد برسد، و نثار کردن خون پیش آنها با شجاعت و با تصمیم عزم، یک چیز تازه ای است و یک چیزی است تحقق پیدا کرده است. ایثار در این ملت به حد رشد رسیده است و انشاءالله در آتیه خواهد رسید و من امیدوارم که این سال مثل سال سابق و مثل همیشه سالی باشد که هم مبارک باشد و هم تمام ارگان های دولتی بر طبق قوانین اسلامی عمل کنند و مشکلات را به قدرت ایمان و پشتیبانی ملت یکی را بعد از دیگری از بین ببرند. ما اگر چه مشکلات زیاد داریم، لیکن در برابر آن مشکلات یک قدرت انسانی عجیب و یک قدرت خداوندی در دنبالش و در پشتیبانی از او ما داریم و ما که خدای تبارک و تعالی را پشتیبان خود می دانیم و مقصد ملت ما آزادی از چنگال دشمنان اسلام است و مقصد و مقصود ما استقلال کشور اسلامی است، به طوری که هیچ یک از قدرت های عالم نتواند آسیبی به آن برسانند و ما برای خاطر خدای تبارک و تعالی این نهضت را و این ادامه نهضت را دنبال کردیم و ملت ما بحمدالله با رشد ایمان و با قدرت الهی این انقلاب را به پیش می برد و من امیدوارم که در این سال آتیه بهتر از سال های قبل در امور ملت باشیم و باشید و راه را برای خدا بهتر طی کنید و صراط مستقیم انسانیت را بیشتر طی کنید و به مقصود که رسیدن به مقامی است که خدای تبارک و تعالی برای مومنین و برای عارفان خودش وعده داده است ما برسیم و دست همه قدرت ها از کشور ما انشاءالله کوتاه شود و کوتاه شده است و ما بحمدالله به مقامی رسیده ایم که دیگر با این وضعی که کشور ما دارد، با این وضعی که جوانان ما دارند، با این تعهدی که بانوان ما دارند، با این تعهدی که کشور ما تمام افرادش دارد، ما در

مقابل هیچ مشکلی انشاءالله ضعیف نخواهیم شد و بحمدالله تاکنون هم هر سال از سال دیگر بهتر بود و بهتر خواهد شد و من امیدوارم که با ناگواری هائی که بر ما وارد شد لیکن ایمانی که در ما و در شما و در همه ملت ما حاصل شد جبران را بکند و امیدواریم که این انقلاب یک انقلاب جهانی بشود و مقدمه برای ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا له الفدا باشد. من تبریک می گویم بر همه مومنین ، بر همه مستضعفین جهان ، بر همه مسلمین جهان و از همه مسلمین می خواهم که با قدرت و قوت در راه اسلام قدم بردارند و اسلام را پشتیبانی کنند تا اینکه انشاءالله دشمنان اسلام ، آنهایی که نمی توانند اسلام را ببینند مقصور بشوند و منزوی . والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته تاریخ : ۱/۱/۶۱

## **بیانات امام خمینی در دیدار با نخست وزیر هیئت دولت ، رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی ، اعضای شورای نگهبان و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ، گروهی از مسؤولین لشکری و کشوری و اقشار مختلف مردم**

### **ملتی که تحت پرچم اسلامی ادامه حیات می دهد، با این توطئه آسیب نمی بیند**

بسم الله الرحمن الرحیم متقابلا- حلول سال جدید را بر شما آقایان که خلاصه یک ملت مظلوم و یک ملت فداکار هستید (تبریک) عرض می کنم و به همه ملت و ملت های جهان و مسلمین جهان و مستضعفین جهان تبریک عرض می کنم . و من امیدوارم که این سال طلیعه پیروزی های بسیار باشد که بزرگترین آنها پیروزی معنوی است . من یک کلمه راجع به بعدهائی که در سال گذشته تحقق یافت و آقایان از بعدهای مختلفش صحبت کرده اند، من هم مختصرا یک کلمه عرض کنم و آن اینکه سال گذشته سال آزمایش قدرت ها، آزمایش قلم ها، آزمایش زبان ها و آزمایش فعالیت های ضد انقلاب بود، ضد انقلاب به معنای وسیع که از خارج و داخل ، دولت های ابرقدرت و وابستگان به آنها و در داخل گروه های مختلف روی هم رفته آزمایش کرده اند و ما هم آزمایش کردیم ، هم قدرت ها را و هم تبلیغات خارجی و داخلی را. اگر چنانچه جمهوری اسلامی ایران شبیه به جمهوری های دیگر یا رژیم های دیگر بود، ما باید با اینهمه تبلیغات دامنه دار همه گروهائی که از خارج و داخل هستند و توطئه های داخل و خارج ، باید ما فاتحه جمهوری اسلامی را بخوانیم ، لکن آزمایش ها برای ما و برای خود آزمایشگران روشن کرد، گرچه آنها به روی خودشان نمی آورند لکن مطلب روشن شد که یک ملت نظیر ملت ایران که در تحت پرچم اسلام می خواهد ادامه حیات بدهد، با این توطئه ها، با این قدرت ها و با این شیطنت های قدرت ها و تفاله آنها در داخل و خارج آسیب نمی بیند. این یک مطلب ادعائی نیست ، این یک مطلب عینی است ، مطلب ملموس است . از اول می گفتند که این جمهوری اسلامی ، دو سه ماه ، یکی دو سه ماه بیشتر نمی تواند تاب بیاورد، بعد صدام را وادار کردند که او هم به خیال خودش یکی دو هفته بیشتر لازم نبود تا اینکه ایران را قبضه کند و بعد هم این اشخاصی که در کمین نشسته بودند که ملت زحمت بکشد و آنها ربحش را ببرند، آنها هم در خیال این بودند که ملت را گول بزنند و با خودشان همراه کنند و کشور را برگردانند به حال وابستگی به آمریکا یا احيانا شوروی ، همه آزمایش ها را کردند، آزمایش نظامی کردند، آزمایش توطئه های داخلی و انفجارات و امثال اینها همه آزمایش شد و ما می بینیم که امروز ملت ایران از سال سابق و از سابق تر، منسجم تر است و ما به خودمان وعده می دهیم که با خواست خدای تبارک و تعالی این انسجام هر چه بیشتر حاصل بشود و گروه هائی که بازی خورده اند یا به طمع طعمه بودند آنها هم پیوندند به این ملت و برای کشور خودشان فعالیت کنند.

### **مقایسه دستگاه های اجرائی جمهوری اسلامی با زمان سابق**



من امروز یک مقایسه عبوری می کنم بین دستگاه های ایران و همه چیزهایی که در ایران هستند بالفعل و آنهایی که در زمان سابق بودند، برای جواب از آن اشخاصی که می گویند که آن زمان ، زمان شاه بهتر از حالا- بود و برای آن اشخاصی که می گویند کاشکی اسم اسلام روی این جمهوری نبود و برای آن اشخاصی که به خیال خودشان برای اسلام اشک تمساح می ریزند و من می دانم که باطن قلبشان چه است . در یک کشور، متصدیان آن کشور و کسانی که دولتمردان این کشور هستند و در تشکیل یک دولت دخالت دارند، ارگان های مختلف است و من مقایسه می کنم . از رئیس جمهور شروع می کنم ، این آقایانی که می گویند که زمان شاه بهتر بود، آقای خامنه ای را می گویند از شاه ظالم تر است !! آقای خامنه ای را می گویند که اموال این ملت را در داخل و خارج دارد می چابد و بیشتر از زمان شاه ایشان دارد می چابد!! این مساله را می گویند! می توانند مقایسه کنند مابین رئیس جمهور فعلی ما و رئیس جمهور قبل از ایشان با روسای جمهور تمام دنیا و با سلاطینی که به مال و جان مردم آنطور تعدی می کنند؟ مقایسه می شود کرد؟! من برای آنهایی که چشم و گوششان را هوای نفس بسته و مرض های داخلی خودشان را نمی توانند ببینند این مطلب را می گویم ، اگر می گویند اینطور است خوب ، اعلام کنند. املاک و عرض بکنم که کاخ ها و ویلاها و امثال اینها را اعلام کنند که ایشان اینقدر تهیه کرده است یا مشغول است . بعد می آئیم سراغ مجلس ، افرادی که در مجلس هستند از رئیس مجلس ، آقای هاشمی با سایر افرادی که در مجلس هستند، این را مقایسه بکنید با مجلس سابق ، حتی بهترین ارگانی که در آنوقت بود و دولتی که در آنوقت بوده و مجلسی که در آنوقت بود و مقایسه کنید با مجلس زمان رضاخان و محمدرضا خان . کدام یک از روسای مجلس بهتر از رئیس مجلس حالا هستند و کدام یک از افراد کاندیدای مردم ، بهتر هستند؟ بله ، در طول مشروطیت افراد بسیار ارزنده ای در مجلس بودند اما در این پنجاه سال اخیر یک نفر هم آدمی که بشود به او گفت این نماینده ملت است سراغ نداریم . بعد از اینکه آن مجلسی که مرحوم مدرس در آن بود، به مجرد اینکه مجلس تمام شد، فرستادند ایشان را گرفتند و بردند و با آن زجرها شهید کردند، شما دیگر سراغ دارید یک مجلسی که واقعا مال ملت باشد و مردم خودشان به طور آزاد انتخاب کرده باشند؟ اگر سراغ دارید خوب ، لازم نیست حالا- بگوئید (ما می ترسیم عمومی بگوئیم )، خوب ، خصوصی بگوئید امضا محفوظ. می آئیم سراغ شورای نگهبان ، در تمام دوره مشروطیت جز آن اول که یک صورتی برایش بود، دیگر شورای نگهبان ما نداشتیم . خوب ، این شورای نگهبانی که نداشتیم شما می گوئید که حالا مثل آنوقت است ، برای اینکه حالا- هم شورای نگهبان نداریم ما؟ یا اگر داریم یک مردمی هستند نظیر مردم آنوقت و نظیر دست در کاران آنوقت؟! آنجا هم که نمی توانید بگوئید، برای اینکه نبود شورای نگهبان ، می گوئید بودن شورای نگهبان از نفس این مجلس است و نفس این جمهوریت است که زمان شاه که آن نبود، بهتر بود. اگر می گوئید، آن را هم باز بنویسید. می آئیم سراغ دولت ، من می توانم ادعا بکنم که از آنوقتی که در دنیا دولت تحقق پیدا کرده ، تا حالا- دولتی مثل دولت ما نبود. اگر آنوقت ها در مجلس افرادی نادری بودند که کارهای مجلس را می خواستند تصحیح بکنند، لکن در دولت ها آنقدری که من سراغ دارم دولتی که روی هم رفته مثل این دولت باشد ما نداریم ، نداشتیم یا ملک ها و سلطنه ها و کذا بودند که آنها خوبانشان آن بود که غارتگری را چندان اشکال بر آن نداشتند. من یک دفعه که نخست وزیر، آخری ، در اواخر دکترا امینی بود آمد آنجا، به او گفتم که چطور شده است که یک نفر که مثل سایر مردم است ، چیزی ندارد، وقتی که وارد می شود در دولت بعد از چند وقت چیزدار می شود؟ این از کجا آمده ؟ چطور شده اینطور است ؟ خوب ، جوابی نداشت که بدهد، جواب هم نمی داد، لابد حالا دارد جواب می دهد!! می آئیم سراغ قوه قضائیه و کیفیت قضا، شما در چه زمانی سراغ دارید که یک همچو افرادی شورای قضائی را تحقق بدهد؟ اگر اطلاع دارید و ما اطلاع نداریم ، خوب ، آن را هم تذکر بدهید که قضاوت در زمان محمدرضا، در زمان رضاشاه از حالا بهتر بود، قضاوت آنوقت از قضاوت حالا بهتر بودند. قضاوت آنوقت را من می خواهم

صحبتی بکنم از آنها ولی شماها می دانید که وضع چه جوری بود و چه اشخاصی بر مال و جان این کشور حکومت می کردند، قضاوت می کردند. حالا- این شورای قضائی که از علما تحقق پیدا کرده است شما می گوئید این شورای قضائی از قدرت های قضائی سابق بهتر بود؟ و با همه نقیصه ای که ما داریم و این نقیصه را هم نمی توانیم با این زودی از بین ببریم معذکک قضاء فعلی و قدرت قضاء فعلی اصلا طرف نسبت با سابق نیست، اگر می گوئید هست اطلاع بدهید. رئیس دیوانعالی کشور را در سابق و حالا پهلوی هم بگذارید، دادستان ها را با دادستان فعلی و همین طور. اینکه می گوئید زمان محمدرضا بهتر از این بود، من دادم، اینها که چیزهایی است که هست. خوب، می آئیم سراغ ارتش، ارتش زمان محمدرضا بهتر از این ارتشی که هست الان و دارد جانفشانی می کند و دارد در جبهه ها خون خودش را می دهد و می خواهد دفاع کند از کشور خودش، شما اگر سراغ دارید یکی از این ارتشی ها حالا، یکی از کارهایی که آن سپهدها و بالاتر و پائین ترها می کردند، اگر پیدا کردید یک نفر در بین اینها که این کارها را می کند، معرفی کنید، لکن نمی توانید معرفی کنید. شما شهربانی حالا را بدتر از شهربانی زمان سابق می دانید؟ شماها یادتان رفته است که رئیس شهربانی در همان قم با بزرگتر عالم شما چه می کرد و به شما چقدر اعتنا داشت؟ شما یادتان رفته است که یک حکومتی که می آمد در قم و مرکز تشیع با شماها چه می کرد؟ چه جور رفتار می کرد؟ و در هر جا. حالا، شهربانی حالا از شهربانی زمان محمدرضا بدتر است؟! مثل پاسدارها ما داریم در زمان محمدرضا و در سابق بر او و در طول تاریخ، یک همچو پاسدارهایی ما داریم؟ اگر داریم اطلاع بدهید.

### اگر این جمهوری اسلامی و روسای آن از بین بروند به جایش مامور از آمریکا می آید

عمده این است که آقایان یا بی اطلاعند و وارد در مسائل نبوده اند، یک مسجدی رفته اند و یک درسی هم گفته اند و دیگر جهات دیگر را به آنها نگفته اند، یا مطلعند لکن می خواهند بگویند. شمائی که می گوئید زمان رضاشاه بهتر از حالا بود، در زمان رضاشاه شما چه وضعی داشتید؟ نه شما، مرحوم شیخ ما رضوان الله علیه چه حالی داشت؟ در یک قضیه ای که شاید قضیه کشف حجاب بود، مرحوم شیخ رحمه الله، مرحوم آقا شیخ عبدالکریم رضوان الله علیه یک کاغذی به رضاشاه نوشت و راجع به این معنا تذکری داد، جواب نداد، نخست وزیر گفت به عرض اعلیحضرت رسید، ایشان گفتند شما خوب است که مشغول کار خودتان باشید. یک دانه پاسبان اگر می آمد در این شهر مذهبی که چقدر جمعیت مذهبی و چقدر اهل علم داشت می آمد، هر کاری با هر یک از شما می کرد احدی صحبت نمی کرد. شهربانی حالا مثل شهربانی زمان رضاشاه است، محمدرضا شاه است؟! چرا باید ما قدر نعمت خدا را ندانیم؟ من از آقایان می پرسم بسیار خوب، تمام اینها همه شان یک اعوجاجاتی دارند شما اگر اینها خدای نخواسته از بین بروند، حکومت را می دهند دست شما؟ می آیند می گویند آقای فلان بیائید شما حکومت کنید؟ اگر این جمهوری اسلامی شکست بخورد، به جای آن یک جمهوری بهتر از این جمهوری می آید؟ سراغ دارید که یک افرادی باشند که بعد از اینکه اینها از بین رفتند آنها بیایند اداره کنند؟ شما می دانید که چشم ها دوخته شده بود که چه اشخاصی بیایند و در اینجا حکومت کنند که بدتر از زمان محمدرضا می شد؟ شما می دانید که اگر این جمهوری از بین برود، این مجلس از بین برود، این رئیس جمهور از بین برود به جای او یک ماموری از آمریکا می آید. ممکن است خیلی هم مقدس ماب باشد، مثل مقدس ماب رئیس شهربانی قم در زمان مرحوم آقای بروجردی، خیلی هم مقدس ماب باشد، لکن کشور شما را از بین ببرد و آنطور به اسلام سیلی بزند که تا ابد نتواند سرش را بالا کند. می توانید فکر کنید که دارید چه می کنید؟ می شود یک شب بنشینید خودتان فکر کنید که تضعیف این ملت و این دولت و این مجلس و امثال اینها چه لطمه ای بر اسلام ممکن است بزند؟



## شما کدام ملت را سراغ دارید که با اینهمه زجر و گرفتاری اینطور مستقیم ایستاده باشد

من مدعی هستم که مثل ملت ایران و مجلس ایران و دولت ایران و رئیس جمهور ایران و شورای قضائی ایران و شورای نگهبانی ایران و اینها همه و ملت ایران از صدر تاریخ عالم تا حالا نبوده . بهترین عصرها در اسلام ، عصر رسول اکرم است . در عصر رسول اکرم آنوقت که مکه بودند حکومتی در کار نبود، آنوقتی که مدینه آمدند و باب حکومت باز شد، شما می دانید که همین مقدس ماب های مکه و مدینه و همین افرادی که اظهار ارادت می کردند، با پیغمبر چه می کردند؟ شما می دانید که قرآن می گوید این را، خوانده اید این را؟ که اگر به آنها می فرمود که جنگ بروید نمی رفتند، اگر می رفتند با بهانه بر می گشتند؟ شما مثل این پاسدارهایی که اشک می ریزند برای اینکه بروند به جبهه و شهید بشوند کجا سراغ دارید؟ بگوئید. صدر اسلام از یک عده معدود انگشت شماری که بگذرید، دیگر اینها قابل مقایسه با این پاسدارهای ما، با این قوای انتظامی و نظامی ما نیستند. شما کدام ملت را سراغ دارید که با اینهمه گرفتاری و رنج ، با اینهمه شهید دادن و خون دادن و با اینهمه زجر و ناکامی اینطور مستقیم ایستاده باشند؟ آن عراق و کوفه و آنها در صدر اسلام و آن مکه و مدینه در صدر اسلام ، صدر نورانی اسلام ، پیغمبر در زمان خودش غریب تر و مظلوم تر بود از حالا، اطاعتش را نمی کردند، نزدیکانشان هم اطاعتش را نمی کردند. امیرالمومنین سلام الله علیه در صدر اسلام مظلومتر از هر حاکمی در هر وقت بود، آنقدر اذیتش می کردند. همان مقدس ها ایستادند مقابلش ، گفتند باید قرآن را بالای نیزه کرد، اگر چنانچه قبول نکنی ، چه خواهیم کرد. مجبورش کردند به اینکه قبول کند، بعد هم تکفیرش کردند، گفتند توبه کن ، تو کافر شده ای . این حال صدر اسلام ، بعد هم که حکومت افتاد دست بنی امیه و بنی عباس و اینها چه جور بود وضع ، بعد هم که افتاد دست دیگران . کدام زمان را شما سراغ دارید که مثل حالا باشد؟ چرا نعمت خدا را شکر نمی کنید؟ چرا از خدا تشکر نمی کنید که در عصری واقع شده اید که یک همچو ملت دارید؟ در عصری واقع شده اید که یک همچو مجلس دارید، یک همچو دولت دارید، یک همچو رئیس جمهور دارید، یک همچو پاسدار دارید. آقا چرا چشمتان را هم گذاشته اید و دلتان را باز کرده اید برای عقده ها و اینطور انتقاد می کنید؟ ما از شما همراهی نمی خواهیم اما شما تکلیف خدایی را چه می کنید؟ چرا باید با این دولتی که مظلوم است ، همه دنیا، همه کشورها تقریبا به او حمله کرده اند، کارشکنی برایش کرده اند، شما دوستان هم کارشکنی می کنید؟ شما می دانید که کارشکنی های شما هم تاثیر خیلی ندارد، لکن من متاسفم از روحیه ای که در بعضی از آنها هست و همین طور بعضی قشرهایی که می گویند که ما اسلام راستین می خواهیم ، اسلام راستین . مردیکه می گوید ما اسلام راستین می خواهیم ، نه آن اسلامی که می گوید دست دزد را باید برید. قرآن اسلام راستین نیست؟! اگر این دولت برود، یک همچو اشخاصی می آیند روی کار. اگر این جمهوری اسلامی از بین برود، اسلام آنچنان منزوی خواهد شد که تا آخر ابد، مگر در زمان حضور حضرت ، نتواند سرش را بلند کند. لابد شما هم می گوئید که باید ما یک دولت کافر ظالمی پیش بیاوریم تا ظلم زیاد بشود، تا حضرت ظهور کند! خوب ، یک طریقه ای است . شما خیال می کنید نیست همچو افرادی ، یک همچو افرادی هستند که معنا ندارد حکومت باشد، یک حکومت عدل اصلا نباید باشد، باید جلوی او را گرفت تا حضرت تشریف بیاورند.

## همه یک مقصد داریم و آن تحقق اسلام است

من امیدوارم که خدای تبارک و تعالی عنایت کند به همه این ملت ، به اشخاصی که مخالف هستند با جمهوری اسلامی و اشخاصی که مخالف هستند با اسلام عنایت کند و آنها را به راه صحیح هدایت بفرماید. من امیدوارم که در این سالی که وارد شده ایم به مبارکی و میمنت ، یک سالی باشد که ما و همه ملت دست به هم بدهند و این خرابی ها را بسازند و من امیدوارم که

این جوان ها، این بچه ها، این بچه های کم سنی که بازی خوردند، آنها هم بیچاره ها به خیال اینکه اسلام راستین به خیال خودشان می خواهد پیاده بشود و این جمهوری نمی گذارد این کار بشود، یادشان دادند، چشم و گوششان را بستند تا بدون اینکه توجه به مسائل بکنند وارد کارهایی بشوند، امیدواریم که آنها هم بیدار بشوند و با ملت همدوش و همصدا باشند. و من امیدوارم که تمام کسانی که دست به کار هستند در دولت، با هم دست به هم بدهند، با هم دوست باشند، افرادی که در مجلس هستند همه با هم رفیق باشند، همه یک مقصد دارید، همه می خواهید که اسلام تحقق پیدا بکند، چرا پس با هم ما دلخوری داشته باشیم.

### برادر باشید که مخاصمه کار اهل جهنم است

را دری از اموری است که هم قرآن کریم فرموده است که در این عالم برادرند و هم فرموده است که در بهشت برادر هستند و در سریرها در روبروی هم می نشینند و برادرند. من امیدوارم که این آثار حالا تحقق پیدا کند تا منعکس بشود در آنجا و می دانیم که هر چه در اینجا باشد صورت غیبی اش در آنجا به ما می رسد. ما گرفتار اعمال خودمان هستیم در آن عالم، از خارج به ما چیزی نمی دهند. ما هستیم که بنا می کنیم اساس آن عالم را. اینهمه اعمال شماسه که به شما رد می شود (انها هی اعمالکم ترد علیکم. فمن یعمل مثقال ذره خیرا یره) نه اینکه ثوابش را می برد، خودش را می بیند (و من یعمل مثقال ذره شرا یره) خود شر را می بیند، خود آن عمل را در آنجا می بیند. کارهای ما، عقاید ما، اخلاق ما تمام اینها در آنجا منعکس است و من امیدوارم که برادری را در اینجا مستحکم کنیم تا در آنجا منعکس بشود و برادر باشیم. مخاصمه مال اهل جهنم است. (خصام اهل النار) یکی از مصیبت هائی که اهل جهنم به آن مبتلا هستند همین خصامی است که با هم دارند. جنگ و نزاعی است که با هم دارند، به هم می پزند مثل سگ و یکی از کرامت هائی که اهل بهشت دارند آن، برادری و دوستی و محبت است و این باید از اینجا تهیه بشود. چرا ما با برادرهای ایمانی مان، با برادرهایی که همه صالحند، خوبند، می خواهند خدمت بکنند، چرا مخالف باشیم؟ فرضا رای یک کسی با رای دیگری در یک جهتی مخالف است، اختلاف آرا در بین فقها هم الی ماشاءالله است. و من امیدوارم که انعکاس این دولت و مجلس و قوای ثلاثه ای که هست و همه ارتشی ها، انعکاس برادریشان در بهشت باشد و در بهشت همه با هم برادر و در سریرها روبروی یکدیگر نشسته باشند و خداوند توفیق بدهد به همه ما.

### دست به دست هم بدهید و نقیصه ها را رفع کنید

و من امیدوارم که این سال، سال خوب باشد، سال سازندگی باشد. گرچه همه سال ها خوب بود، سازنده بود. سال هائی که گذشت، همه اش سازنده بود و همه اش انسان ساز بود، از امتحانات بیرون آمدند اشخاص و اشخاصی که نتوانستند از امتحان بیرون بیایند منزل شدند و من امیدوارم که در این سال حتی آنهایی هم که مخالفند با جمهوری اسلامی، یک قدری تحمل کنند، تعمق کنند، ببینند که اگر این جمهوری نباشد ما باید یا در حلقوم آمریکا یا در حلقوم شوروی فرو برویم، چاره جز این نیست. به حال اسلام رحم کنند، به حال جمهوری اسلامی رحم کنند. همه چیزش بهتر از همه دوره ها بوده است. البته نقیصه زیاد است، دست به هم بدهند، نقیصه ها را رفع کنند. خداوند انشاءالله به همه شما سلامت و سعادت عنایت کند و این سال جدید را بر همه مبارک فرماید. والسلام علیکم ورحمة الله تاریخ: ۲/۱/۶۱

### پیام امام خمینی به ملت مسلمان و رزمندگان غرور آفرین اسلام در خصوص عملیات ظفرمند

بسم الله الرحمن الرحيم ان تنصروا الله ينصركم و يثبت اقدامكم اخبار غرور آفرين جبهه های نبرد عليه قواى شيطاني را يكي پس از ديگرى دريافت نمودم . قلم قاصر است كه احساسات خويش را ابراز كنم . به قواى مسلح اسلامى كه خدايشان نصرت آخرين را نصيب فرمايد، تبريك عرض مي كنم . مبارك باد بر شما عزيزان افتخار آفرين پيروزي بزرگى را كه با يارى ملائكه الله و نصرت ملكوت اعلى نصيب اسلام و كشور عزيز ايران ، كشور بقيه الله الاعظم ارواحنا له الفدا نموديد. رحمت واسعه خداوند بر آن مادران و پدرانى كه شما شجاعان نبرد در ميدان كارزار و مجاهدان با نفس در شب هاى نورانى را در دامن پاكشان تربيت نمودند. مژده باد به شما جوانان برومند در تحصيل رضاي پروردگار كه از بالاترين سنگر هاى روحانى و جسمانى ظاهرى و باطنى پيروزيد. مبارك باد بر بقيه الله ارواحنا له الفداء وجود چنين رزمندگان ارزشمند و مجاهدان فى سبيل الله كه آبروى اسلام را حفظ و ملت ايران را روسپيد و مجاهدان راه خدا را سرفراز نموديد. ملت بزرگ ايران و فرزندان اسلام به شما سلحشوران افتخار مى كنند. آفرين بر شما كه ميهن خود را بر بال ملائكه الله نشانديد و در ميان ملل جهان سرفراز نموديد. مبارك باد بر ملت چنين جوانان رزمنده اى و بر شما چنين ملت قدرداني كه به مجرد فتح و پيروزي توسط رزمندگان به دعا و شادى برخاستيد. اينجانب از دور دست و بازوى قدرتمند شما را كه دست خداوند بالاي آن است بوسم و بر اين بوسه افتخار مى كنم . شما دين خود را به اسلام عزيز و ميهن شريف ادا كرديد و طمع ابرقدرت ها و مزدوران آنان را از كشور خود بريديد و سخاوتمندانه در راه شرف و عزت اسلام جهاد كرديد. (ياليتى كنت معكم فافوز فوزا) عظيما درود بر فرماندهان بزرگوار و رزمندگان و بر همه مجاهدان راه عظمت كشور و اسلام ، و نفرت و لعنت بر منافقان و منحرفانى كه مى خواستند يكي از انبارهاى مهمات چنين مجاهدانى را به آتش بكشند، و غضب و سخط خداوند بر آن خداشناسانى كه با كمك به صدام علقى مى خواستند او را نجات دهند، و شكر بى پايان خداوندى را كه توانستيد با شكست مفتضحانه ، نيروهاى كفر را در بارگاه قادر متعال بى آبرو و در پيشگاه ملت هاى مسلمان منفور نماييد. من از خداوند تعالى نصرت نهائى شما عزيزان و شكست مخالفان حق را خواستارم . درود بر شما و رحمت خدا بر شهيدان راه حق و شهداى جبهه نبرد حق عليه باطل و سلام بر عبادالله الصالحين . روح الله الموسوى الخمينى تاريخ : ۱۰/۱/۶۱

### پاسخ امام خمينى به پيام فرماندهان نظامى به مناسبت عمليات ظفرمند فتح المبين

بسم الله الرحمن الرحيم ان الله يحب الذين يقاتلون فى سبيله صفا كانهم بنيان مرصوص تيمسار ظهيرنژاد رئيس ستاد مشترك ارتش جمهورى اسلامى ، سركار سرهنگ صياد شيرازى فرمانده نيروى زمينى ارتش جمهورى اسلامى ايران ، جناب آقاى محسن رضائى فرمانده كل سپاه پاسداران انقلاب اسلامى ايران ، سركار سرهنگ معين پور فرمانده نيروى هوائى ارتش جمهورى اسلامى ايران پيام آرامش بخش و افتخارآمیزتان پيرو پيروزي هاى بزرگ سلحشوران ظفرمند عمليات فتح المبين واصل و موجب سرفرازي گرديد. گرچه اين شجاعت ها و فداكارى ها و پيروزي هاى عظيم كم سابقه يا بى سابقه در بعد نظامى و ميدان نبرد از طرف نيروهاى مسلح عظيم القدر جمهورى اسلامى ، آنچنان افتخارآفرين و اعجاب آميز است كه با مقياس هاى عادى و معيارهاى نظامى و جنگى نتوان ارزش پر عظمت و غرورآفرين آن را با الفاظ محدود و عبارات معدود، و شجاعت و حمله برق آساي سلحشوران ايران بزرگ را به ذهن آورد و با قلم و بيان اظهار كرد، گرچه اين شكل پيروزي ها و سلحشورى ها در باب خود بى نظير يا كم نظير است ، گرچه اين نحو تاختن بر نيروهاى زمينى و هوائى دشمنانى كه تا بن دندان با سلاح هاى سنگين و سبك مدرن غربى و شرقى مسلح بودند، در جنگ هاى جهان نمونه است كه در ظرف كمتر از يك هفته آنچنان مات

شوند که هر چه دارند بگذارند و فرار نمایند و یا تسلیم شوند به صورتی که قوای مسلح ما تاکنون نتوانند اسیران و کشتگان و غنائم را بشمار آورند، و گرچه تمام این امور برخلاف عادت بصورتی معجزه آسا تحقق یافت، لکن آنچه انسان را در مقابل رزمندگان جبهه ها و پشتیبانان آنان در میدان رزم مثل جهاد سازندگی و هم فیلمبرداران جان بر کف عزیز و پزشکان و پرستاران متعهد و الامقام و خبرنگاران جسور و مردمان میلیونی پشت جبهه به خضوع و اداری می کند، بعد معنوی آن است که با هیچ معیاری نمی توان سنجید و با هیچ میزانی نمی توان عظمت آن را دریافت. ما عقب ماندگان و حیرت زدگان و آن سالکان و چله نشینان و آن عالمان و نکته سنجان و آن متفکران و اسلام شناسان و آن روشنفکران و قلم داران و آن فیلسوفان و جهان بینان و آن جامعه شناسان و انسان یابان و آن همه و همه، با چه معیار این معما را حل و این مساله را تحلیل می کنند که از جامعه مسمومی که در هر گوشه آن عفونت رژیم ستمشاهی فضا را مسموم نموده بود، بازار و مغازه هایش مسموم، خیابان ها و گردشگاه هایش مسموم، تفریحگاه ها و سینماهایش مسموم، مطبوعات و رسانه های گروهی هایش مفتضح و مسموم، وزارتخانه ها و اداراتش مسموم، مجلس شورا و دادسراها و دادگاه هایش مسموم، مراکز تعلیم و تربیتش از کودکان تا دانشگاهش مسموم و بدتر از مسموم و فضای حاکم بر سرتاسر کشور مسموم، که هر یک برای مسموم نمودن جوانان و به فساد کشاندن آنان عاملی فعال بود و نونهالان و تازه جوانان ما در یک چنین محیطی به جوانی و رشد رسیده بودند که به حسب موازین و عادت باید سرشار از مسمومیت و فساد اخلاق و عقیدت باشند که اگر معلم و مربی اخلاق و مهذب نفوس بخواهد تنها یکی از آنها را با صرف سال های طولانی متحول گرداند میسر نگردد، چگونه در ظرف سال های معدود از بطن این جامعه و انقلاب که خود نیز اگر معیارهای عادی را حساب کنیم باید کمک به فساد کند، یک همچو جوانان سرشار از معرفت الله و سراپا عاشق لقاءالله و با تمام وجود داوطلب برای شهادت جان نثار برای اسلام که پیران هشتاد ساله سالکان کهنسال به جلوه ای از آن نرسیده اند، بسازد؟ جز دست غیبی و دستگیری الهی و تصرف ربوبی، با چه میزان و معیار می توان تحلیل این معما کرد؟ اینجانب هر وقت با یکی از چهره ها روبرو می شوم و عشق او را به شهادت در بیان و چهره نورانیش مشاهده می کنم احساس شرمساری و حقارت می کنم و هر وقت در تلویزیون، مجالس و محافل این عزیزان که خود را برای حمله به دشمن خدا مهیا می کنند و مناجات راز و نیازهای این عاشقان خدا و فانیان راه حق را در آستانه هجوم به دشمن می نگریم که با مرگ دست به گریبان هستند و از شوق عشق در پوست نمی گنجند، خود را ملامت می کنم و بر حال خویش تاسف می خورم. اکنون ملت ما دریافته است که (کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا). مجالس حال و دعای اینان شب عاشوراهای اصحاب سیدالشهدا را در دل زنده می کند. جوانان عزیزم و فرماندهان محترم! شما توقع نداشته باشید که من بتوانم از عهده ثنای شما و شکر عمل شما برآیم. شما را همان بس که محبوب خدای تعالی هستید و خدای شما فرموده که شما را که چون سدی محکم و بنیانی مرصوص در مقابل دشمنان خدا و برای رضای او ایستاده اید دوست می دارد و این است جزای شما و این است عاقبت عمل شما. پس، از این مرحله بگذردم و از گروه هائی که از جهات مختلف در جبهه ها با آن حال جنگ و نزدیکی خطر، شما را کمک کرده و می کنند و در خدمت شما بوده و هستند باید تشکر کنم. خدایتان یار و مددکار و رحمت حق بر شهدای عزیزتان و خاندان محترمشان که با شجاعت و شهامت به شهادت فرزندان و نزدیکانشان افتخار می کنند، خود را و فرزندان خود را از اسلام و برای اسلام می دانند. سلام خدا و بزرگان دین بر شهدا و خاندانشان و بر رزمندگان در راه اسلام و ایران. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته روح الله الموسوی الخمینی تاریخ: ۱۲/۱/۶۱

**پیام امام خمینی به مناسبت سومین سالگرد رسمیت یافتن جمهوری اسلامی ایران**

بسم الله الرحمن الرحيم در آغاز چهارمین سال رسمیت جمهوری اسلامی حمد و ثنای بی پایان خداوند متعال را که با نصرت خود و جنود غیبی، رزمندگان سلحشور و متعهد ایران را در دو بعد معنوی و ظاهری پیروز و با سرافرازی هر چه تمامتر به جانی رساند که معجزه عصر به دست مبارک و توانای آنان به صورتی آشکار، تحقق پیدا کرد و لشکرهای مجهز به جهازهای مدرن قدرت های شیطانی در فاصله ای اندک شکست مفتضحانه خورده یا تسلیم شدند و یا فرار نمودند و یا کشته شدند. ۱۲ فروردین سال ۶۱ درخشندگی دیگری در تاریخ ایران دارد. درخشندگی پرتو نور خدا، درخشندگی حمایت و عنایت خاص پروردگار جهان بر ملت ستمدیده و غارت زده ایران. کسی که این حمایت و اعجاز را نبیند خفاشی است که نور خورشید جهان افروز را نتواند دید. با تمام اسباب اطمینان و سکون خاطر در دشمن و تمام اسباب وحشت و خوف در رزمندگان ایران، کدام سبب، اطمینان و سکینه را در اینان ایجاد و رعب و وحشت را در آنان متحقق کرد؟ آنها برخوردار از پشتیبانی ابرقدرت ها بویژه شیطان بزرگ، آمریکا بودند و می باشند. اکثر قدرتمندان منطقه به آنها انواع سلاح را از اطراف جهان می رساندند و میلیاردها دلار در اختیار آنها می گذاشتند و به پشتیبانی از آنان از فرستادن ارتش هم دریغ نداشتند و تمام رسانه های گروهی موثر در خدمتشان بود و هست و ما در محاصره اقتصادی و در حال انقلاب و در هم ریختگی و مواجه با توطئه های جانفرسای داخلی و خارجی. آنها غافلگیرانه به ما هجوم آوردند و از دریا و زمین و هوا به ما حمله کردند و مقدار زیادی از کشور ما را تصرف نمودند و به خرابی و قتل و غارت شهرهای ما و ملت مظلوم ما پرداختند که این نیز از اسباب بزرگ برای رعب و وحشت ما و آرامش و سکون برای مهاجمین به کشور ما بود. آیا آنچه خداوند تعالی می فرماید: (وقذف فی قلوبهم الرعب فریقا تفلتون و تاسرون فریقا)، مصداق ظاهرش در فتح مبین متحقق نیست؟ آیا آیه (هو الذی انزل السکینه فی قلوب المومنین) مصداق ظاهرش رزمندگان این جبهه نیست؟ مگر آنچه در صدر اسلام واقع شد و موجب فتح لشکر اسلام گردید جز اینها بود؟ آیا در ظرف یک هفته آنچه تاکنون شمارش شده است بیش از پانزده هزار اسیر و هزاران مقتول و هزاران مجروح و آنهمه غنایم جنگی امری عادی است؟ آیا فوج فوج تسلیم در مقابل عده ای غیر معادل با خصم امری عادی و طبیعی است؟ بارالها! جوانان رزمنده ایران فتح را از تو می دانند و به قدرت خویش مغرور نیستند و اگر غرور و سرافرازی هست برای آن است که مورد عنایت و حمایت ذات مقدس تو هستند. تو طمانینه و سکینه را در دل آنان نازل فرمودی و رعب و وحشت را در قلوب دشمنان آنان که دشمنان اسلامند انداختی. خداوند! هر چه هست از توست و امید آن داریم که این عنایت و حمایت را ادامه دهی تا پیروزی نهائی و پس از آن نیز تا آنگاه که دشمنان تو و اسلام در نبرد با جنودالله و حزب الله هستند و تا استقرار حکومت الله. اینک بعضی تذکرات که ملت و دولت و ارتش و سپاه و بسیج و دیگر قوای مسلح به آنها توجه دارند عرض می کنم: ۱!!! همه باید بدانیم که تمام امور و از آن جمله فتح و نصر به دست خداوند متعال است. (و ما النصر الا من عندالله العزیز الحکیم). باید توجه داشته باشیم که در این فتح مبین و سایر فتوحات، غرور به قدرت خویش پیدا نکنیم و شیطان نفس بر ما غلبه نکند، که غرور موجب سردی و سستی می شود و در جنگ لازم است قوای مسلح تا آخرین نقطه و تا پیروزی نهائی دارای آمادگی لازم بوده و از نیرنگ و خطر دشمن در هیچ حال غافل نباشند، بویژه دشمنی که تمام قدرت های شیطانی برای حفظ او کوشش دارند و خود، خوب می داند که شکست برای او نابودی است. رزمندگان معظم در مرزها، سنگرها و پایگاه های خود را محکم کنند و لحظه ای از هجوم دشمن غفلت نورزند که لحظات پیروزی بسیار حساس است. با یاد خداوند منان و دل بستگی به نصرت او آماده و مجهز باشید و دشمن را حقیر و بیچاره نشمرید. خدایتان نصرت نهائی را عنایت فرماید. ۲!!! از اینکه بوق های تبلیغاتی دروغپرداز و شایعه ساز که در خدمت ابر جنایتکارانند از پیروزی های رزمندگان شجاع ما نامی نمی برند و در سکوت مرگبار فرو رفته اند و گاهی از پیشروی های صدامیان شکست خورده و ناتوان در شوش و دزفول سخن می گویند، ناراحت نباشید. بحمدالله تعالی نخواهند توانست بر این پیروزی ها که چون خورشید عالمتاب می

درخشد سرپوش نهند، چنانچه اخیرا که رسوائی سکوت به حد اعلی رسید مجبور شدند مختصرا "خبرها را با حالتی متزلزل بیان کنند. شما رزمندگان عزیز و شجاع که با ذکر خداوند متعال و ندای الله اکبر به پیش می روید و به دشمن می تازید از بوق های قدرت های سیلی خورده چشمداشت انعکاس صحیح پیروزی های خدا داده را ندارید و نباید داشته باشید. شما چون ماه نورافشانی کنید و آنان بوق مخالف بزنند. شما برای عقیده، جهاد و دفاع می کنید و از خداوند چشمداشت رحمت دارید و بگذارید تا تبلیغات استعماری از آنان از خدا بیخبر که برای دنیا و شیطان به جنگ با اسلام برخاسته اند پشتیبانی نمایند. پیروز باشید و سرافراز و به خدای قادر اعتماد کنید و به پیش بروید (والعاقبه للمتقين). !!!۳

هر چند جنگ و دفاع از حق و میهن، زحمت ها و خسارت ها دارد و جوانان پر ارزش را از ما گرفت و جنگزدگان مظلومی را آواره و بی خانمان کرد، لکن به خواست خدای منان محتوای پر عظمت و شکوهمندی داشت. این جنگ تحمیلی، شکوه و عظمت ایمان و اسلام را در پهناور جهان منتشر نمود و ایران بزرگ که می رفت با خیانت های خاندان پهلوی و بستگان آنان یک کشور وابسته و مصرفی و یک ملت مرده و سر به زیر برای ضربه خوردن و ستم پذیرفتن معرفی شود، ناگهان با یک جهش بی سابقه و یک انقلاب الهی در جنگ غافلگیرانه با توطئه جهانخواران ستم پیشه و مزدوران بی فرهنگ و پشتیبانی آشکار و نهان ابرقدرت ها آنچنان پیروزمندانه و شجاعانه بر پیکر پلید صدامیان و آمریکائیان منطقه تاخت و آنچنان اسطوره های شیطانی را یکی پس از دیگری در هم شکست که گوئی دست مبارک علی ابن ابیطالب سلام الله علیه در روز خندق از آستین پر عظمت لشکریان ما بیرون آمده است و در مبارزه تمامی اسلام در مقابل تمامی کفر ظفرمندانه و سرافراز با قامتی به بلندی ابدیت استوار ایستاده است. امروز ایران در جهان پیش دوست و دشمن به نام یک کشور مکتبی مقاوم در مقابل قدرت های بزرگ مطرح است، حتی آنان که از روی جهل و نادانی و یا حسد و عقده های درونی با این جمهوری و این جوانان پرتوان به دشمنی برخاسته اند در باطن و سیر ذاتشان با اعجاب و بزرگی به آن می نگرند و از پیروزی های آن خون دل می خورند. !!!۴ گر چه می دانم مکتبی بودن و تعهد به اسلام راستین اقتضاء می کند تا رزمندگان اسلام با اسراء جنگی و پناهندگان با عطوفت و فتوت، به گونه ای اسلامی رفتار کنند که بحمدالله می کنند، هر چند صدام و صدامیان برخلاف اینان رفتارشان غیر انسانی و سبعانه باشد، لکن تذکر و تاکید سودمند است. باید جوانان ما و کسانی که عهده دار نگهداری اسیران و پناهندگان هستند طعم شیرین رحمت و بزرگواری اسلام را به آنان بچشانند و با آنان آنگونه رفتار کنند که مولای آنها و پیشوای عظیم الشانان با بدترین خلق خدا و جنایتکارترین انسان ها این ملجم لعنت الله علیه رفتار فرمود، تا اسیران که ضربه روحی خورده اند احساس آرامش و جبران در حکومت اسلامی نمایند و پس از آزادی در سلک مبلغین اسلام و احیانا فداکاران آن در آیند که این خود خدمت پر ارزشی به اسلام و جمهوری اسلام است و چه بسا که این اسیران و پناهندگان با اجبار و تهدید به مرگ خود و خانواده هایشان به جبهه ها فرستاده شده باشند، چنانچه بعضی از آنها این ادعا را دارند. و گمان نکنید آن خوی جنایتکاری و سبعیتی که در امثال صدام است در اینان باشد و چه نیکوست که جوانان عزیز و نگهبانان این بازیخوردگان از یک موجود صدامی یا در خدمت جنایت، یک انسان اسلامی و در خدمت مکتب مقدس قرآن بسازند، و بدانند که (من احیا نفسا فکانما احیا الناس جمیعا) و هدایت از بزرگترین مظاهر احیاء است. !!!۵

امروز دنیا، حتی کوردلان هم می دانند که ایران از موضع قدرت که موهبت الهی است صحبت می کند. امروز ایران به آن حرفی که از روز اول گفته است پای بند است. ما با هیچ کشوری، چه اسلامی و چه غیر اسلامی سر جنگ نداریم و طالب صلح و صفا برای همه هستیم و تاکنون نیز به دفاع که برای هر کس فریضه ای است الهی و حقی است انسانی برخاسته ایم و هرگز قصد تجاوز به کشورهای دیگر را نداریم و می خواهیم کشورهای اسلامی در کنار هم با تعهد اسلامی به دفاع از حقوق مسلمین و کشورهای اسلامی در مقابل متجاوزان و متجاسران مانند اسرائیل تجاوزگر بایستند. و اگر این



آرزوی دیرینه ملت و دولت ایران جامه عمل بپوشد هیچ قدرتی هر چند هم بزرگ نمی تواند به کشورهای اسلامی یا یکی از آنها تجاوز کند یا اعمال قدرت و زور نماید. و ما صلاح تمام کشورها بویژه کشورهای مجاور و منطقه را در آن می دانیم که برای ارضاء شهوت بلند پروازی و ماجراجویی صدام و منفعت طلبی و سلطه جوئی قدرت هائی که او را به دام و مهلکه انداخته اند خود را به تباهی و هلاکت دنیوی و عذاب الیم اخروی مبتلا نکنند و با کشوری که با همه مسلمانان جهان خواهد دست برادری دهد و اخوتی که خداوند عطا فرموده است به رسمیت بشناسد و جامه عمل پوشد به طور مسالمت آمیز رفتار نمایند و از حرکت جنون آمیز صدام عفلقی و عاقبت امر آن عبرت بگیرند و بدانند که اگر خدای نخواستہ قدرت به دست صدام جاه طلب بیفتد، با آنان کمتر از اسرائیل عمل نخواهد کرد و آن روز پشیمان خواهند شد که گرفتار اسرائیل دوم یا بدتر از او شوند. پس سزاوار است که این نصیحت اسلامی را بپذیرند و با آتش بازی نکنند و سزاوارتر آنکه با ملت پیاخته مظلوم در اراضی اشغالی فلسطین همصدا شده و از تظاهرات و قیام آنان در مقابل ستم های اسرائیل پشتیبانی عملی کنند تا همانگونه که ایران با تظاهرات و انقلاب اسلامی رژیم ستمشاهی را ساقط نمود آنان نیز بر این دیو آدمخوار و غاصب ملحد غلبه کنند. و امید است که مظلومان مراکز اشغالی به تظاهرات و اعمال ضد صهیونیستی خویش ادامه دهند تا پیروزی را به دست آورند. از خداوند متعال، تعالی اسلام و هواداران آن را خواستار و سرنگونی پرچم های شیطانی را امیدوارم. روح الله الموسوی الخمینی تاریخ: ۱۴/۱/۶۱

## **بیانات امام خمینی در دیدار با دبیر کل، مسؤ ولان و اعضای دفاتر حزب جمهوری اسلامی در سراسر کشور و اعضای انجمن اسلامی کارکنان بانک های تهران**

### **راس همه خطاها همین خودخواهی هاست**

بسم الله الرحمن الرحيم من امیدوارم که این سال جدید و سالروز جمهوری اسلامی به همه ملت ایران و ملت های مستضعف جهان و به شما آقایانی که در اینجا مجتمع هستید مبارک باشد و قشر مستضعف انشاءالله پیروز باشد و مستکبران جهان در سراسیمه سقوط باشند. و از شما آقایان که اعضای حزب جمهوری اسلامی و چه اعضای بانک و چه اعضای آن کسانی که در بانک ها و در سایر جاها به عنوان جمعیت اسلامی کار می کنند، من تشکر کنم و امیدوارم که همه ما و همه شما و همه ملت ما هر چه بیشتر رو به اسلام و تحقق اسلام و انگیزه های الهی پیش برویم و این انگیزه های الهی و اسلامی در همه نقاط جهان متحقق بشود. آن چیزی که دنیا را تهدید می کند، سلاح ها و سرنیزه ها و موشک ها و امثال این نیست. آن چیزی که دارد این سیاره ما را در سراسیمی انحطاط قرار می دهد، انحراف اخلاقی است. اگر انحراف اخلاقی نباشد هیچ یک از این سلاح های جنگی به حال بشر ضرر ندارد آن چیزی که دارد این انسان ها را و این کشورها را رو به هلاکت و رو به انحطاط می کشاند، این انحطاطهایی است که در سران کشورها و در دست به کارهای این حکومت ها از انحطاط اخلاقی دارد تحقق پیدا می کند و همه بشر را دارد سوق می دهد به سراسیمه انحطاط و نمی دانیم که عاقبت امر این بشر چه خواهد شد. شما ملاحظه بفرمائید که این سلاح های بزرگ مدرن که الان در دست ابرقدرت هاست، این سلاح ها در چه امری از امور به کار می رود؟ آیا برای خیر بشر است؟ برای تامین صلح است چنانچه مدعی هستند؟ یا برای هلاکت بشر و برای خودخواهی هائی که این سران دارند؟ اینکه در روایات ما هست که (حب الدنيا راس کل خطیئه) این یک واقعیتی است و اساس حب دنیا هم ریشه حب دنیا هم حب نفس است که آن هم حب دنیا است. تمام فسادهایی که در بشریت پیدا شده است از اولی که بشریت تحقق پیدا کرده است تاکنون و تا آخر، منشاش همین حب نفس است. از حب نفس است که حب به جاه، حب به سلطنت،



حب به مقام حب به مال و حب به همه انگیزه های شهوانی پیدا می شود و انبیا اساس کارشان این بوده است که این حب نفس را تا آن مقدار که ممکن است سرکوب کنند و نفس ها را مهار کنند و انبیا هم آنطوری که می خواستند موفق نشدند و تا آخر هم نتوانستند آنطوری که دلخواه آنهاست تحقق پیدا بکنند. و در حکومت عدل بقیه الله هم عدالت جاری می شود، لکن حب های نفسانی در بسیاری از قشرها باقی است و همان حب های نفسانی است که بعضی روایات هست که حضرت مهدی سلام الله علیه را تکفیر می کنند. حقیقتا راس همه خطاها، خطیئت ها همین خودخواهی هاست و تا این خودخواهی ها در بشر هست، این جنگ ها و این فسادها و این ظلم ها و ستمگری ها هست و انبیا اینکه دنبال این بودند که یک حکومت عدلی در دنیا متحقق کنند، برای این است که حکومت عدل اگر باشد، حکومتی باشد با انگیزه الهی، با انگیزه اخلاق و ارزش های معنوی انسانی، یک همچو حکومتی اگر تحقق پیدا بکند، جامعه را مهار می کند و تا حد زیادی اصلاح می کند و اگر حکومت ها به دست جباران باشد به دست منحرفان باشد، به دست اشخاصی باشد که ارزش ها را در آمال نفسانی خودشان می دانند، ارزش های انسانی را هم گمان می کنند که همین سلطه جوئی ها و شهوات است، تا این حکومت ها برقرار هستند بشریت رو به انحطاط است و اگر آمال انبیا در یک کشوری تحقق پیدا بکند آن ولو بعض آمال انبیا، آن کشور رو به اصلاح می رود. شما مقایسه بکنید این جمهوری اسلامی را در زمان ما، مقایسه بکنید این سران جمهوری اسلامی در کشور ما و این حزب جمهوری اسلامی در کشور ما، مقایسه بکنید با هر کشوری را که می خواهید انتخاب کنید. شما هر کشوری را که انتخاب کنید، من گمان نمی کنم که رویهمرفته مثل این کشور ایران اینطور که ملت به حسب نوع و حکومت و مجلس و روسائی که هستند و در کارها دخالت می کنند و اداره می کنند کشور را شما گمان ندارم که نظیری برایش پیدا بکنید. من نمی خواهم بگویم که ما نقیصه نداریم، الی ماشاءالله نقیصه داریم و الی ماشاءالله ما هواهای نفسانی داریم لکن به مقایسه ما می خواهیم حساب کنیم، نه اینکه صددرصد جمهوری اسلامی الان آن خطی را که انبیا می خواستند، طی کنند، یا حزب جمهوری اسلامی یا سایر نهادهائی که در کشور هست، ما هیچ یکمان مدعی نیستیم که تمام اینها صددرصد تمام است، لکن مدعی این هستیم که یک نسیم روحانی از جانب خدای تبارک و تعالی به این کشور وزیده است، یک بارقه الهی به این کشور تاییده است و به واسطه همین نسیم روح بخشی که با عنایت حق تعالی در این کشور وزیده است، این کشور را رو به اسلام و آمال انبیا دارد سوق می دهد، ولو اینکه در بسیاری از جاهایش اشتباهات هست و بسیاری از اشخاص ناباب هم در گروه ها وارد شده اند، لکن ما رویهمرفته مطلب را در هر جامعه ای باید حساب بکنیم. در یک جامعه ما نمی توانیم بگوئیم که افراد همه شان سالمند، در تمام دوره دنیا زمان انبیا و بالاترین زمانی که بشر یک راسی داشته است مثل انبیا و در اسلام مثل رسول اکرم، معذک وقتی که حساب می کنند، حساب جامعه را باید بکنند نه حساب افراد را. ببینیم جامعه، جامعه رو به اصلاح و صلاح هست یا جامعه رو به سوی انحطاط هست. من نمی خواهم بگویم که جوامع بشری و افرادی که در سایر جوامع زندگی می کنند، آنها منحطاند، لکن می خواهم عرض کنم تشکیلات را که بهتر می توانیم به آن اطلاع پیدا بکنیم، وقتی حساب بکنیم تشکیلاتی که در ایران هست، بدون اینکه در نظر یک عصبیتی در کار باشد، این تشکیلات از تشکیلاتی که در سایر کشورها هست بهتر است. این تشکیلات رو به اسلام دارد می رود و این تشکیلات می خواهد که آمال انبیا را متحقق کند و در سایر تشکیلات لاقبل ما سراغ نداریم که اینطور باشد. آنهائی را که اطلاع داریم، ولو فردی، افرادی در آن پیدا بشود که صالح باشد، لکن تشکیلات رویهمرفته وقتی حساب می کنیم، تشکیلات رو به انحطاط است. ما از بعضی موارد محدود و جزئی می توانیم که مسائل را تا یک حدودی به دست بیاوریم. شما ملاحظه بکنید که از وقتی که این جمهوری اسلامی تحقق پیدا کرده است، کشورهائی که با این جمهوری اسلامی مخالفت کرده اند چه وضعیتی داشته اند تا بفهمیم که انحطاط اخلاقی تا چه اندازه در بشر هست.

این جمهوری اسلامی از اول که نهضت اسلامی این مردم تحقق پیدا کرد و کم کم انقلاب تحقق پیدا کرد، از همان اول فریاد این جمعیت ها و گروه ها در هر جا که بودند فریاد این بود که با الله اکبر پیش می رفتند، خدا و ذکر خدا در فریادهای آنها بود و تا حالا هم و از اول تا حالا در این بین ما هم ، این ذکرهاى الهی و یاد خدا در این کشور زنده است و این اسلام خواهی و اخلاق اسلامی خواهی در این بشر زنده است . لکن کدام کشور است ، الا نادر که ما را مسلمان بداند حتی . ما هر چه فریاد بزنیم که ما اسلام را می خواهیم ، بسیاری از این کشورهاست که می گویند که اینها زرتشتی هستند مثلا، "گبر هستند، آتش پرست اند، این جز انحطاط اخلاقی در دستگاه های دولتی ولو در بسیاری از کشورهاست ؟ ما از روز اول و اشخاصی که توجه به این مسائل دنیائی ، آن چیزی که بر دنیا می گذرد، داشته اند، از اول با اسرائیل مخالف بوده ایم . بیشتر از بیست سال است که صحبت های ما همیشه راجع به این بود که اسرائیل نباید که یک کشور مستقلی باشد و باید این ظالم را از این دنیا برداشت ، خطر دارد، خطرناک است . لکن تا حالا هم همین کشورهایی که می گویند ما مسلمان هستیم و اسلامی هستیم ، تا حالا هم ما را با اسرائیل همدست می دانند! ما که از اول آمریکا را ظالم می دانستیم و ستمگر می دانستیم و کشور خودمان را در دامن او به واسطه خیانت حکومت سابق اینجا، در دامن او می دیدیم هست ، مخالفت کردیم با او، مردم قیام کردند و مرگ بر آمریکا گفتند و عمل هم کردند و آن لانه جاسوسی را هم گرفتند و عذرشان را خوب خواستند، همه رفتند سراغ کارشان ، تا امروز همه به ما گفته می شود که اینها با آمریکا همدستند! کانه آمریکا و ما هر دو با هم همدست هستیم که با آمریکا مجادله کنیم ! این جز انحطاط اخلاقی است که در این سران کشورها، بسیاری از کشورها رو به سراشیبی دارند می روند؟ صدام را وادار کردند که به این کشور اسلامی حمله کند و از زمین و هوا و دریا حمله کرد به ما و بعضی از اشخاصی که آنوقت سردمدار بودند خیانت کردند به این کشور و در عین حالی که اطلاع داشتند، چیزی نگفتند. لکن همین صدامی که حمله کرد به کشور ما، با اسم اسلامی و اینکه با گبرها می خواهم مبارزه کنم ، با این اسم خودش را آرایش می داد، و این جز یک انحطاط اخلاقی کثیف هست ؟ و آنهایی که از اول تا حالا به صدام اسلحه دادند، پول دادند و ارتش برایش فرستادند، اینها همه می گویند ما مسلمان هستیم و طریقه ما طریقه اسلام است . با کی اینها دارند مبارزه می کنند؟ با آن جمعیتی که از بچه و بزرگشان ، از مرد و زنشان ، از حکومت تا مجلس و تا هر جا که انسان ملاحظه می کند و آنها هم می دانند، همه هر چه دارند هی فریاد اسلام را می زنند. آنهایی که می گویند ما مسلم هستیم و مسلمان هستیم و طریقه اسلام را داریم ، آنها در رادیوهایشان ، در تبلیغاتشان ، در تلویزیونشان و در نطق هایشان و در سایر چیزها وقتی که ملاحظه کنید می بینید که همان آثاری است که زمان شاهنشاهی در اینجا بود، همان وضع است و حالا- ما این بنگاه های تبلیغاتی مان ، این مطبوعاتمان و این رادیو و تلویزیونمان و این ارگانهایی که هستند و این قوای ثلاثه ای که هستند، اینها وقتی که صحبت می کنند یا رادیو از آن پخش می شود امور، اکثرا پخش اسلام و احکام اسلام نیست ؟ کجای دنیا شما سراغ دارید که در رادیویش درس فقه باشد، در رادیویش درس فلسفه الهی باشد؟ و کجا سراغ دارید که رادیو اکثر وقتش را در تبلیغات اسلامی دارد صرف می کند، و همین طور رادیو تلویزیون ؟ و کدام حزب را سراغ دارید که سران آن حزب مثل سران حزب جمهوری اسلامی باشد؟ البته من افراد را نمی شناسم لکن سران را می شناسم و چیزی که آنها تصدیق بکنند ما هم تصدیق می کنیم . من نمی خواهم بگویم که در حزب جمهوری اسلامی افرادی خودشان را وارد نکردند یا افرادی هم نیستند که اشتباهاتی داشته باشند یا تعمداتی ، لکن رویهمرفته را ما باید حساب بکنیم که رویهمرفته وقتی که حساب بکنیم این حزب را با حزب های دیگری مثلا با حزب توده یا احزابی که در زمان محمدرضا بود، سران آنها با سران اینها، افراد آنها با افراد اینها، طرز عمل آنها با طرز عمل اینها مقایسه بکنیم و

انصاف داشته باشیم می بینیم که این وجهه ، وجهه انسانی و اسلامی است و آنها به حسب نوع اینطور نیستند.

### اسلحه های ما در راه تحقق آرمان های اسلامی و الهی دارد به کار می رود

اینکه مخالفت می کنند با سران اینها، با خود اینها، با سایر ارگان هائی که در ایران الان هست ، این مخالفت جز این است که مخالفت با اخلاق انسانی و ارزش های انسانی است ؟ اسلحه دست سپاه پاسداران ما و همین طور ارتش ما هست ، دست صدامی ها هم هست ، دست اردنی ها یعنی حکومت هست و دست آمریکا و شوروی هم هست ، همه اینها اسلحه دارند، ما اسلحه های کوچک داریم آنها اسلحه های بزرگ دارند، این اسلحه ها وقتی به کار می رود خود اسلحه فی نفسه اشکالی ندارد، چیزی نیست ، خود شمشیر فی نفسه چیزی نیست ، شمشیر حضرت علی ابن ابیطالب با شمشیر ابن ملجم یک شمشیر، یک جور بودند، شاید شمشیر او تیزتر هم بود لکن او که این شمشیر را به کار می برد، این میزان است . آنکه یک ضربت را با عبادت ثقلین مساوی می داند و افضل ، با آن ضربتی که همین موجودی که یک ضربتش افضل از عبادت ثقلین است به خاک و خون می کشد، آن میزان است ، آن که ضربت ها را وارد می کند میزان است . از اول این جنگ تحمیلی ، ما بینیم که سپاهیان ما و ارتش ما اسلحه های خودشان را در چه کار به کار بردند، در چه جهت به کار بردند و امریکا و آلهائی که دنبال یعنی صدام را وادار کردند به این امر، آنها در چه کار. وقتی ملاحظه می کنیم می بینیم که طیاره های آنها دزفول و آبادان را، اهواز و اندیمشک را، امثال اینها را می کوبد و آن مردم را کوبیده است و آنجاها را خراب کرده است و الان یک خرابه ای بعد از اینکه بروند، یک خرابه ای دست کشور ما هست ، و اسلحه های ما دفاع از این ملت ضعیف است به کار می رود، در راهی که خدا فرموده است ، اسلحه های ایران الان غیر آن که دست منحرفین است ، آن که به حسب توده های مردم میزان است ، به حسب اجتماع میزان است ، این اسلحه ها در راه تحقق آرمان های اسلامی و الهی دارد به کار می رود و آن اسلحه ها در راه تخریب و براندازی اسلام دارد در کار می رود. اینکه من عرض می کنم که دنیا تهدید به فنا، از راه سرایشی در اخلاق دارد حرکت می کند، برای این است که این دو طایفه ای که یک طایفه حمله کردند و زن و بچه مردم را آواره کردند و همین طور زن و بچه مردم را از عراق هم آواره کردند و کشور ما را آنطور خراب کردند که ما سال ها باید زحمت بکشیم تا برش گردانیم به حال اول ، می بینیم که کشورهای مختلفی با یک همچو ستمگر و یک همچو خبیثی دارند کمک می کنند، اسلحه می فرستند و همه چیز، هم افراد می فرستند، تبلیغات می کنند، اکثرا وقت صرف می شود برای اینکه این جمهوری اسلامی را از بین ببرند. از قراری که در این نوشته ها یا در گفته ها بود، رئیس جمهور آمریکا گفته است که این جنگ را دیگر باید به هم یک کاری بکنیم از بین برود، برای اینکه این جنگ دیگر به نفع آمریکا نیست ، شما ببینید این چه اقراری است که یک نفر آدم ، رئیس جمهور یک کشور ابرقدرت به اصطلاح ، همچو اقرار می کند که جنگ تا حالا- به نفع آمریکا بوده است ، برای اینکه جنگ برای به هم زدن این جمهوری اسلامی بوده است ، حالا- که می بینیم نمی شود این کار و ممکن است که جمهوری اسلامی رشد زیاد بکند و سایر کشورهای مسلمان هم بیدار بشوند، پس حالا یک خطری است برای آمریکا، دیگر به نفع آمریکا نیست . حالا تقاضا کرده است از همه اشخاصی که دست اندرکارند که بیایند و این جنگ را به یک طوری به صلح برگردانند. و ما که از اول می گفتیم که ما جنگ با کسی نداریم ، ما با همه عالم می خواهیم صلح داشته باشیم ، ما اختلافی با کسی نداریم ، ما می خواهیم برویم کشورگیری کنیم ، ما دفاع می کنیم ، دفاعی که اسلام به ما دستور داده ، ما تابع اسلام هستیم ، هر چه فرموده است عمل می کنیم ، اگر فرموده بود که دفاع هم نکنید، ما هم می نشستیم و کاری نمی کردیم ، فرموده دفاع بکنید، باید بکنیم ، آنها هجوم کردند و ما دفاع . به جای اینکه اینهایی که می گویند ما مسلمان هستیم ، این کشورهائی که می گویند ما اساس کارمان بر اسلام است ، اینها به یک آیه ای از قرآن

عمل می کردند، ما همه قبول داشتیم که اگر یک طایفه ای بغی کردند و طغیان کردند و به طایفه ای دیگر از مسلمین چه کردند، همه باید با او جنگ کنند تا او برگردد به حکم خدا وقتی برگشت آنوقت بنشینند اصلاح کنند. ما همان حرف اولی که گفتیم، همان حرف اول را همه زدیم. در مجلس صحبت شده همان بوده، رئیس جمهور صحبت کردند همان بوده، نخست وزیر صحبت کردند همان بوده، رئیس مجلس صحبت کردند همان بود. حرف ما یک حرف منطقی صحیح انسانی است. یک کسی که تجاوز کرده به ما و اینهمه خسارات به ما وارد کرده است و در کشور ما هست الان هم، خوب، حرف صحیح ما این است که خوب، از کشور ما برو. متعدی آن است که توی کشور دیگری است و شما اگر چنانچه از این جوامع بین المللی که ما می شناختیم شان (یعنی تا حدودی) بخواهید دعوت کنید که بنشینند و ببینید متجاوز کی است، مطمئن باشید که اگر از یک کشورهای صالح (اگر باشد) نخوانید اشخاص را برای رسیدگی، آنها قبلا شما را محکوم کرده اند، قبلا آنها ما را متجاوز شاید محسوب کرده باشند و اینها همان انحطاطی است که من عرض می کنم. رو به انحطاط اخلاقی ما هستیم و ما باید چه بکنیم و اسلام باید چه بکند با اینکه با این اخلاقی که دیگر به افتضاح کشیده شده است، با این وضعی که دیگر آن روزی که اینها شکست خوردند و رفتند بیرون و زدند ایرانی ها آنها را بیرون کردند، آن روز هم باز هی گفته می شود که صدام افراد خودش را خواسته است دیگر! بعد از اینکه واضح شده این مساله در همه جا، از خارج آمدند دیدند و گفتند که مساله چی بوده، حالا هم باز آنجا را نمی خواهند به رو بیاورند که شکست خورده، می گوید که ایشان خواستند افرادش را، لابد صلح جویی بوده این! اینها همه علائم این است که دنیا رو به سراشیبی است، یعنی این قشرهایی که دارند دنیا را اداره می کنند اینها رو به سراشیبی هستند و ملت ها باید متوجه به این معنا باشند که ملت ها را اینها نکشانند همراه خودشان رو به سراشیبی. ملت عراق باید متوجه این معنا باشد که اگر چنانچه صدام در عراق باقی بماند آنها رو به فساد می کشد، جوان ها رو به فساد می کشد و خدا می داند که آنقدر لطمه ای که بر عراق وارد شده است، از این حزب کافر عقلی و بر جوان های آنها وارد شده است، چه صدمات اخلاقی بوده که وارد شده است. آن که انسان را و کشورها را تهدید می کند این انحرافات اخلاقی است که تهدید می کند، و الا سلاح فی نفسه که چه اشکال دارد.

### **باید ملتفت باشید که اشخاصی که در بین شما هست انحراف نداشته باشند**

یعنی ما از مساله بگذریم، یک چند کلمه ای با آقایانی که در اینجا تشریف دارند عرض کنیم. من اطمینان به این آقایانی که می شناسم شان که در راس این حزب بودند و سابق هم بعضی دیگری که بودند، اینها را ما با آنها بودیم و می شناسیم، لکن این آقایان چند نفر هستند و احاطه به تمام کشور و حزب جمهوری اسلامی در تمام کشور را ندارند. باید اشخاصی که در هر جا هستند و متکفل این امر هستند و اشخاص صالح هستند، با کمال دقت و با کمال وسوسه ملاحظه کنند که افرادی که خدای نخواستہ انحراف دارد و افرادی که می خواهند خودشان را وارد کنند در این چیزهایی که به نفع اسلام است و منحرفش کنند، مبادا باشد در آنها. حتی یک فردشان هم خطر دارد به اندازه خودش. جمعیت زیادی اند الان که در حزب هستند، باید توجه کرد به اینکه آنهایی که در راس هستند، خیلی درباره آنها، یعنی در هر جا هستند، در راس به طور مطلق نه، رده بالا را نمی گویم، آنهایی که در جاهای دیگر هستند و اداره می کنند حزب جمهوری اسلامی را باید توجه کنند که در همان مرکز اداریش و تبلیغاتی اش و چیزهای دیگری که دارند مبادا یک نفر از اشخاص منحرف با یک صورت بسیار مثلاً اسلامی، وارد نشود. توجه به سوابقشان بکنند، به لواحقشان، به خانواده هاشان و به کارهایی که می کنند، توجه بکنند. یک وقت انسان می بیند که یک چیزی بسیار خوب است لکن آمدند و منحرفش کردند و لااقل بدنامش کردند. اینها الان به همین قدر کافی اند که یک چیزی که مورد توجه مردم هست بدنامش کنند. اینها در صدد این هستند که هر چه ما داریم بدنام بشود دولت را،

مجلس را و جمهوری اسلامی را و حزب جمهوری را. باید ما توجه بکنیم به اینکه راهی که خدا پیش پای ما گذاشته است و ما می خواهیم همان راه را برویم، اشخاصی نیایند وارد بشوند و راه را منحرف کنند. این شیطان از روز اول خدای تبارک و تعالی را اگر ملاحظه فرمودید تهدید کرده که من بنده های تو را، می نشینم و منحرف می کنم. این تهدیدی است از طرف شیطان به خدا. اینها اینطور هستند که تا آن آخرین نفسشان وقتی نرسیدند به آنی که باید برسند، تا آن آخرین نفسشان لااقل اگر دست شان نمی رسد که بکشند اینها را، بدانند اینها را و این چه بهتر که وارد بشوند در این جمعیت هایی که به اسم اسلام دارند کار می کنند مثل انجمن های اسلامی که در همه جا هست. این انجمن های اسلامی، خود انجمن اسلامی یک چیز خوبی است، مطلوبی است و افرادش هم انشاءالله اکثرا خوبند، لکن باید توجه داشته باشد این انجمن ها که افرادی که در این انجمن وارد می شوند، اینها چکاره هستند و وارد می شوند. یک وقت شما می بینید که انجمن اسلامی منحرف شده است و بدنام شده است. اگر چند جا یک خلاف هایی را انجام بدهند تعمدی، و بخواهند بدنام کنند این انجمن های اسلامی را، یک وقت می بینید در سطح کشور انجمن های اسلامی را می گویند اشخاص مخالفی هستند اینها. باید خود اشخاصی که تماس دارند با افراد، در هر جا که هستند خودشان باید دنبال این مطلب بروند که اصلاح کنند قضیه را و افراد با شناسائی، با شناسائی بروند. اگر فرض کنید یک انجمن اسلامی باشد که بیاید و کم کم بخواهد یک جایی که هست آنجا را به هم بزند، اداره ای را حیثیت اداریش را به هم بزند، بدانید این انجمن اسلامی نیست. انجمن اسلامی باید ناظر به امور باشد و معین هر جا که هست باشد. اگر چنانچه انجمن اسلامی مثلا در بانک که هست بخواهد افراد صالح را می بگوید چطور است و بیرون کند و افراد ناصالح وارد بکنند، این انجمن اسلامی نیست. باید ملتفت باشید که اشخاصی که در بین شما هست انحراف نداشته باشند که به واسطه انحراف شما را به انحراف بکشند یا لااقل بدنام کنند و بالاخره ما هر چیزی که در این مملکت الان داریم، چه مجلس و چه دولت و چه حزب و چه بانک و چه سایر ارگان هایی که داریم باید ما کوشش کنیم که اینها بخورد به جمهوری اسلامی. خوب، ما ادعا کردیم که ما جمهوری اسلامی را می خواهیم، همه ملت هم موافقند با این، جمهوری اسلامی می خواهیم، آنهایی که مخالفند معدودی هستند، خوب، ما که می گوئیم که نظام جمهوری اسلامی را در ایران ما متحقق کردیم، آنوقت اگر خدای نخواستہ بیایند مجلس ببینند که مجلس را بعضی آوردند خراب دارند می کنند، بروند دولت، دولت هم ببینند همین طور است، همین طور یک وقت بشود شیر بی دم و شکم، ما باید کوشش کنیم که اینها را تا آن اندازه ای که قدرت داریم به همین چیزی که اسلام می خواهد مبدل کنیم. بانک های ما باید توجه به این معنا داشته باشند که بانک، بانک اسلامی است امروز، نه بانک زمان رضاشاه و محمدرضا شاه. بانک ها باید فکر این مطلب باشند که مسائل خودشان را با اسلام تطبیق بدهند و همه جا اینطور باید باشد. ما از رویهمرفته جامعه مان هیچ نگرانی نداریم. رویهمرفته جامعه ما یک جامعه اسلامی است و دارد رو به اسلام می رود، اما از این خصوصیات و افراد نادر که گاهی وقت ها اشخاص بسیار خطرناکی هستند، از اینها نگرانی هست که مبادا در هر جا که اینها بتوانند، وارد بشوند و با ورود خودشان انحراف ایجاد بکنند و ما نباید سهل انگاری کنیم که خوب، یک نفر آمده است فرض کنید در این محل، و خرابکارها دیگران نیستند. نه، یک نفر فاسد یک وقت می بینید که یک انجمنی را فاسد می کند و یک کشوری را رو به فساد می کشاند، ما باید توجه به این مسائل داشته باشیم. این حدود الهی که خدای تبارک و تعالی قرار داده و یک فرد اگر در داخل منزلش هم یک کاری بکند که بیرون منعکس بشود او را تعقیب و مجازات می کنند، برای اینکه اینهایی که اینطور فسادها را در یک مملکتی می کنند ولو توی خانه ای این کار را می کنند این کم کم سرایت می کند و جامعه را رو به فساد می برد. خدای رحمان و رحیمی که با همه بندگانش رحمت دارد و می خواهد همه بندگانش به سلامت و سعادت باشند، به حسب تشریح اینطور فرموده است. آنوقت یک نفر آدمی که بیاید در خیابان و شمشیرش را بکشد،



چاقویش را بکشد و بخواهد مردم را تهدید کند، بگویند که این را باید بکشید، این برای این نیست که این یک آدم یک همچو کاری کرده، یک دشمنی با این آدم است، این برای این است که اگر این را رها کنند یک کشور کم کم کشیده می شود به فساد. فساد یک فرد، دو فرد، چهار فرد، این ور، آن ور، اگر منحصر به خودشان بود حرفی نبود اما فساد سرایت می کند، اخلاق فاسد سرایت می کند به همه، کم کم می بیند یک وقت یک کشور فاسد شد. اسلام از اول جلوییش را خواسته بگیرد، گفته این کسی که این فساد را کرده باید با او اینجور رفتار کنید تا از اول نگذارد رشد پیدا کند این فساد. شما هم باید، موظفید، در بانک موظفند، در انجمن های اسلامی موظفند، جمهوری اسلامی و حزب جمهوری اسلامی موظف است و دولت و همه موظفند به اینکه نگذارند، یک مورد هم فساد وقتی واقع شد اغماض نکنند، همان یک مورد را تعقیب کنند و همین یک مورد را از بین ببرند تا سرایت نکند، یک وقت یک جمهوری به فساد کشیده بشود یا لاقبل به اینطور کشیده بشود که بدنام بشود در دنیا. به اندازه کافی ما اشخاصی که، مبلغینی که بخواهند این جمهوری اسلامی را به بدنامی بکشند به قدر کافی در دنیا ما داریم. خودمان نباید یک کاری بکنیم که کمک بشود، به قدر کافی دنیا با ما دارد مخالفت می کند. ولی شما اگر خودتان را حفظ بکنید و اگر اخلاق اسلامی در خودتان نفوذ بکند و همه توجه به این مسائل داشته باشید که از اخلاق اسلامی یکی از امور مهمش قضیه تفرقه نداشتن و مجتمع بودن است، همه با هم بودن است و تا حالا هم ما هر چه پیشرفت کرده ایم از این معنا بوده. تاکنون این جمهوری اسلامی از اولی که انقلاب پیدا شده، چه در آنجائی که قطع ریشه های فساد را کردند و از بین بردند تا آنجائی که در امور کشور کارسازی کردند، بازسازی کردند، در اثر این وحدتی بوده است که اینها داشتند که یکی از اخلاق اسلامی است.

### مادامی که برادری را حفظ کنیم، در امان هستیم

این برادری یکی از اموری است که در قرآن کریم همه ما را برادر خواندند، مسلمان ها را، مومنین را، و برادرها باید با حسن نیت و برادری مجتمع باشند و بحمدالله تعالی هستند. ما باید این نعمت الهی که خدا این هم نعمت حساب کرده، این نعمت، بزرگ ترین نعمت است، این نعمت الهی را ما باید حفظش کنیم. مادامی که این نعمت الهی را ما حفظ کردیم، در امان هستیم از همه شیاطین و آن روزی که ما این نعمت را خدای نخواستہ از دست بدهیم، آن روز است که خلل وارد می شود به کشور ما. و من امیدوارم که به همین نحوی که الان دارد پیش می رود و جمهوری اسلامی دارد پیش می رود و همه کسانی که در ایران یک کاری انجام می دهند، یک فکری را دارند، همه با هم هستند و موافق با هم هستند و تاکنون هم بحمدالله هر چه توطئه بوده است در اثر همین بیداری که ملت ما دارند و بیداری که دولت ما دارد و سایرین دارند همه خنثی شده است و انشاءالله از این به بعد هم خنثی خواهد شد. خداوند انشاءالله به همه شما، به همه کشور، کشورهای اسلامی، به همه ملت های مسلمان، آگاهی به مقداری که بتوانند به اسلام برگردند و بتوانند خدمت کنند به نوع بشر، انشاءالله توفیقش را عنایت بفرماید و امیدوارم که این جمهوری اسلامی انشاءالله برسد به مقامی که خودش را برساند به زمان ظهور امام زمان سلام الله علیه. و انشاءالله خداوند ما را در اخلاق خوش، در رفتار خوش، در کردار خوش یاری کند و هواهای نفسانی ما را انشاءالله با عنایت خودش و قدرت خودش سرکوب کند. والسلام علیکم ورحمة الله تاریخ: ۱۵/۱/۶۱

### پاسخ امام خمینی به پیام اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان ایرانی در اروپا

### اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان در اروپا



بسم الله الرحمن الرحيم السلام عليكم ورحمه الله وبركاته خواهران و برادران عزیز و متعهد! مرقوم شریف واصل ، توفیق و سلامت و سعادت شما جوانان محترم را از خداوند متعال خواستار است . سه سال از آغاز جمهوری اسلامی و تدفین ستمشاهی دو هزار و پانصد ساله می گذرد و این طفل نوزاد با مواجه بودن با توطئه ها و خرابکاری ها و جنایت ها و خیانت های عناصر داخلی و قدرت های بزرگ شیطانی و دولت های سرسپرده منطقه و غیر منطقه ره صد ساله رفته و با دست قدرت مطلقه الهی ، انقلاب شکوهمند ملت مظلوم و تحت ستم و شکنجه ایران تمام موانع را از سر راه برداشته و توطئه ها را خنثی نموده است . با اینکه اکثر بوق تبلیغاتی و مطبوعات در خدمت مخالفین اسلام و جمهوری اسلامی هستند و در طول مدت انقلاب و بویژه در سال های اخیر با تمام شیوه برای کوییدن این رژیم نوپا از هیچ تهمت و دروغ و ناسزا و شایعه پراکنی کوتاهی نکرده اند و شاید در مقابل این دشمنان مقتدر هر رژیمی بود در هم ریخته و ساقط شده بود، ولی انقلاب اسلامی به طور معجزه آسائی به راه خود ادامه می دهد و بسیاری از مسلمانان و مستضعفان جهان را بیدار نموده است و امید آن است که یک انقلاب عمیق عمومی در سراسر جهان در مقابل جهانخواران ضد بشریت تحقق یابد. انقلاب ایران با قدرت به پیش می رود و هر روز انسجام و استحکامش فزونی می یابد و مخالفانش با شکست مواجه می شوند. نکته مهم پس از فضل خداوند متعال که پشت و پناه مظلومان است ، خصوصا آنان که برای رفع ظلم و کوتاه کردن دست جنایتکاران بین المللی فداکاری می کنند و جوان می دهند، مردمی بودن این انقلاب است و بزرگترین نقش آن ایمان راسخ به خدای بزرگ و به پیروزی است . و شما عزیزان که نقش مهمی در خنثی نمودن تبلیغات دروغین و تهمت های بی پایه را بر عهده دارید با اعتماد به فضل و یاری خداوند متعال به راه خود ادامه دهید و چون مقصد اقامه عدل و قسط است ، از پیشامدها نهراسید. خواهران و برادران من ! مشکلات زیاد شما را در آن محیط احساس می کنم ، چنانچه شما هم مشکلات ما را حس می کنید، لکن هر دو می دانیم که راه ما حق است و همه در مقابل باطل ایستاده ایم و با صبر و استقامت ، حق بر باطل پیروز است و خداوند وعده پیروزی را داده است و امیدوارم که زمان آن نزدیک باشد. ما کوشش داریم که تبلیغات خود را گسترش داده و نیز با همه گرفتاری ها در این امر مهم به فعالیت برخیزیم و همه ما و شما که دارای یک مقصد و ایده هستیم ، باید برای رسیدن به آن تمام توان خویش را به کار بریم و خوب است که این نکته را تذکر دهم ، تبلیغات بسیار عظیم دشمنان ما چون با اختلاف زیاد و تناقض گوئی انجام گرفته و می گیرد، گمان نمی کنم تاثیر چشمگیری داشته باشد (والامر الی الله ) چنانکه دیدیم و دیدید که پیروزی عظیمی که رزمندگان شجاع و متعهد ما در هفته قبل در فتح مبین به دست آوردند که همه جهان آن را با تمام کوشش تاکنون نتوانسته اند عرضه کنند و نیز اسلحه و مهماتی که از دشمن به غنیمت گرفته شده و آنچه از آنان منهدم گردید، به قدری زیاد است که مدتی وقت لازم دارد تا شمارش نموده و یا جمع آوری نمایند و همچنین عدد کشته شدگان فریب خورده باز به طور کامل به دست نیامده و اسیران و پناهندگان به قدری زیادند که تخلیه آنان به مرکز هنوز میسر نشده و بیش از چهارده هزار نفر تاکنون به تهران فرستاده شده است و آنچنان شکست آشکاری به دشمن وارد کرده اند که در تاریخ جنگ ها بی نظیر و کم نظیر بوده است ، با همه اینها و رانده شدن دشمن تا مرز عراق ، بوق های تبلیغاتی بزرگ جهان تا مدتی از آن یا ذکری نکردند و یا از پیروزی صدامیان داد سخن دادند، تا آنکه رسوائی آنان برملا شد و پس از آمدن خبرنگاران ، مقداری از پیروزی مخابره شد. با این وصف رسانه ها با موزیکری به زبان در آمدند و ضمن انعکاس بعضی ابعاد آن ، از فرمان صدام برای عقب نشینی به انگیزه آرایش جدید سخن به میان آوردند و اینجانب گمان می کنم این رسوائی مفتضحانه که برای رسانه های گروهی دشمنان انسانیت در این جنگ بویژه در چند جبهه از قبیل آبادان و بستان و از همه مهمتر در فتح المبین بیار آمد، برای ملت ایران یکی از پیروزی هاست . و مساله دیگری که باید برای شما تذکر دهم این است که شما برادران و خواهران اگر گفتار و کردار گروهک های منحرف بویژه

گروه منافقین را بررسی نمائید، متوجه می شوید که آنها از زمانی که با عده ای از علمای اعلام مثل حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای منتظری و دیگر دوستان زندان بوده اند، تا وقتی که ملت پیروز شد و به برکت مجاهدات ملت شجاع نجات پیدا کردند و نیز در طول این سه سال با چه چهره مختلف و کردار و اقوال متضاد با ملت شریف مواجه بوده و هستند. با یک بررسی کوتاه می توانید از عقاید التقاطی آنان، بلکه عقاید متضاد با اصول اسلامی و رفتار و کردار گوناگون منافق گونه آنان، اگر تاکنون آگاه نشده اید، آگاه شوید. ما از نزدیک مشاهده نموده و می نمائیم که این مدعیان اسلام، با عقاید و اصول اسلامی مخالفند و این مدعیان مجاهدت برای خلق، چه جنایاتی که مرتکب نشده اند، از قیام مسلحانه و کشتار مردم بی گناه کوچه و بازار تا آتش سوزی ها و انفجارها و ترورها که اکثرا کودکان و زنان و مردان مستمند و مظلوم طعمه جنایات غیر انسانی آنان بوده اند و اکنون نیز ادامه دارد و از ابتدای پیروزی انقلاب اینان در صدد به دست گرفتن قدرت بوده اند و از پادگان ها و کلانتری ها بیت المال مسلمین را، از مهمات تا انواع سلاح های کوچک و بزرگ به غارت برده و با دزدی از بانک ها که و ده ها جنایت در سرتاسر کشور، خانه های تیمی تدارک دیده و با قیمت های زیاد اجاره کرده و مراکز خیانت به ملت را هر چه بیشتر تقویت نمودند، که بحمدالله تعالی با قوای مسلح و پشتیبانی ملت اکثر آنها کشف شده است. و از هر چیز جنایت بارتر، گول زدن دختران و پسران کم سال ناآگاه و به فساد کشاندن آنها و همچنین وادار نمودنشان به ترور و آتش سوزی است که به خواست خداوند، بسیاری از آنان از فریبکاری همدستان خود مطلع شده و توبه نموده اند. برادران و خواهران محترم! این تذکرات برای آن است که از جوانان و دوستان کم اطلاع خود جلوگیری نمائید که با این گرگان در لباس آدم و جنایتکاران با اسم اسلام راستین، معاشرت ننموده و کوچکترین تماسی نگیرند. اینان که از امپریالیزم انتقاد سرسختانه منافق گونه می کردند، اکنون معلوم شد که چهره واقعی آنان چه چهره کریهی است و امروز به خوبی روشن است که اینان به دامان امپریالیست ها پناهنده و با کمک آنان به توطئه علیه جمهوری اسلامی برخاسته اند و با شایعه سازی و دروغپردازی می خواهند جوانان معصوم را به دام بکشند و با استفاده از خون مظلومان و گول خوردگان، اوامر اربابانشان را اجرا کنند. شما دوستان، به حسب وجدان و شرع مطهر موظفید هر قدر می توانید جرایم ایشان را فاش کنید و نگذارید جوانان که ذخایر ملت اند در دام آنان افتند. و شما بدانید که اگر ما در تحت لوای اسلام و پرچم توحید باشیم، از آسیب دشمنان مصون خواهیم بود. امروز چون گذشته همه بدبختی های مسلمانان از تفرقه و عدم اجتماع در زیر پرچم پرافتخار اسلام است. پیروز باشید و خداوند یارتان باد. والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته روح الله الموسوی الخمینی تاریخ ۲۱/۱/۶۱ :

## **بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان عشایر کشور، گروهی از کارکنان سازمان های صدا و سیما و خبرگزاری جمهوری اسلامی، شرکت توانیر، جمعیت تهلال احمر، اعضای جهاد سازندگی و خانواده های شهدا**

### **رژیم سابق گروه هائی را که احتمال می داد در مقابل ابرقدرت بایستند، سرکوب می کرد**

بسم الله الرحمن الرحیم این گروه های مختلفی که امروز تشریف آوردند و ما از نزدیک خدمتشان رسیدیم که همه در ارتباط با این جنگ و در خدمت در جبهه بوده اند، از همه آنها من تشکر می کنم و امیدوارم که همه آنها موفق باشند و همانطور که تاکنون دین خودشان را به اسلام و کشور خودشان ادا کردند، این خدمت را ادامه بدهند تا انشاءالله کشورشان، کشور عزیزشان به استقلال تام و آزادی کامل برسد و اشرار را در این کشور از بین ببرند و انشاءالله همه موفق باشند. من به مناسبت اینکه از عشایر محترم کشور عددی اینجا تشریف دارند و از رادیو و تلویزیون هم عددی هستند، بعضی از مسائلی

که در رژیم سابق، در این پنجاه سال با برنامه ریزی مسلم تحقق پیدا کرده است، عرض می‌کنم، گرچه همه آنها را نمی‌شود. و من امیدوارم که تاریخ نویسان ما و آنهایی که اهل مطالعه هستند این پنجاه سال را تحت نظر قرار بدهند و ببینند که در این پنجاه سال این پدر و پسر چه به روز این کشور آوردند. ما یک بررسی کوتاه از این ارگان‌هایی که در این کشور می‌توانستند منشا اثری باشند و گروه‌هایی که ممکن بود در مقابل قدرت‌های بزرگ بایستند، ما یک بررسی مختصر گذرانی می‌کنیم ببینیم که اینها در همه این گروه‌ها و در همه این ارگان‌ها چطور با این کشور بازی کردند و چطور خدمت خودشان را به ابرقدرت‌ها اثبات کردند. در یک کشور، ما یک نظری به مراکز سیاسی آن کشور باید بکنیم و یک نظری به مراکز اقتصادی کشور و اجتماعی کشور و یک نظری به قدرت نظامی کشور و یک نظری به گروه‌های تبلیغاتی و مطبوعاتی کشور و یک نظری به گروه‌هایی که می‌توانستند برای این کشور یک قدرت باشند، مثل عشایر، ببینیم که در طول این پنجاه و چند سال اینها با آن قدرت‌هایی که ممکن بود در مقابل ابرقدرت‌ها بایستند چه کردند. رضاخان که آمد اول با یک صورت ظاهر اسلامی آمد و کم‌کم قدرت را به دست گرفت و به حسب آن چیزی که انگلستان تصویب کرد، او را آنها آوردند، آنوقت قدرت مال آنها بود و این مامور بود به اینکه این کشور را آن مقداری که امکان دارد در مقابل قدرت‌های بزرگ ایستادگی بکند، آن ارگان‌ها را در هم بشکند با اختلاف رویه‌ها. دنبال این هم پسرش که به نظر من خبیث‌تر از پدر بود همان معنا را دنبال کرد با یک وضع دیگری. اول هدفی که رضاخان در نظر گرفت، کوبیدن روحانیون بود به اسم اینکه می‌خواهم اصلاح بکنم. تمام کارهایشان از اول تا آخر به اسم اصلاح و به اسم ترقی دادن کشور. اجانب، قدرت‌های بزرگ که مطالعات زیادی در این کشور دارند ملاحظه کردند که یکی از گروه‌هایی که می‌تواند مردم را بسیج کند در مقابل قدرت‌های خارجی، روحانیت است. ابتدا شروع کردند با اینها دست و پنجه نرم کردن، یعنی اینها را کوبیدن. اگر شما هم مطبوعات آنوقت را و رسانه‌های گروهی آنوقت را و نویسندگان و گویندگان آنوقت را در نظر بگیرید، یا آن مقداری که از آنها باقی مانده است مطالعه کنید، می‌بینید که تمام رسانه‌های گروهی و تمام مطبوعات کشور و رادیو، سینما و تئاتر و تمام اینهایی که در یک کشوری می‌تواند کار صحیحی بکند همه آنها در خدمت اجانب و در خدمت این رژیم فاسد، به ضدیت با روحانیت برخاسته‌اند. خود او مامورین را وادار می‌کرد به اینکه آنها را در هر جا هستند، سرکوب کنند با اسماء مختلف و این مطبوعات، این رسانه‌های گروهی، اینها هم در بی‌آبرو کردن اینها و جدا کردن ملت از آنها کوشش داشتند. این خودش یک تاریخ طولانی است و کسانی که درست نظر بکنند به تاریخ پنجاه سال، می‌توانند بفهمند که قضیه چه بود، و دنبال آن هم در شکستن اسلام و شکستن قدرت اسلام کوشش‌های فراوان کردند و همه گروه‌هایی که نویسنده بودند و انحراف داشتند، گوینده بودند و انحراف داشتند و رسانه‌های گروهی، همه در خدمت آنها با خود اسلام مخالفت کردند. در روزنامه‌هایشان من خودم دیدم که به پیغمبر اسلام سب کردند. این یک دسته، که احتمال می‌دادند که اینها بتوانند مردم را بسیج کنند در مقابل منافع اجانب و ابرقدرت‌ها. یک جای دیگری هم که به طور دیگر با آن مبارزه کردند، دانشگاه‌ها بود. دانشگاه‌ها هم اگر چنانچه یک دانشگاه‌های اسلامی ملی بود، کسانی که از آنها بیرون می‌آمدند توانستند در مجلس بروند و دولت تشکیل بدهند و امثال اینها و نگذارند نفوذ اجانب در این کشور زیاد بشود. اینجا را هم به یک وضع دیگری کوبیدند، یعنی خود دانشگاه‌ها را نریختند و تعطیل بکنند، برای اینها برنامه‌هایی گذاشتند، معلم‌هایی درست کردند، استادهایی درست کردند که آنها در خدمت آنان بودند و دانشگاه را یک دانشگاه وابسته به خارج و وابسته به انگلستان در یک وقت و به آمریکا در آخر، اینطور درست بکنند که افرادی که از اینها بیایند، الا- کمی از آنها، در خدمت اجانب باشند. این هم یک باب مفصلی است که محتاج به بحث زیاد است که دانشگاه ما را به صورتی درآوردند که فرآورده‌های این دانشگاه، آنهایی که از دانشگاه خارج

می شدند و به خارج می رفتند و از خارج سوغات می آوردند، تمامش در خدمت آنها باشد، آنها اینطور میل داشتند. البته در بین اینها بعضی هم بودند که اینطور نبودند اما در یک اقلیت ناچیز واقع بودند. این هم مراکز تعلیم ما. مجلس هم یکی از مراکز بود که مرکز سیاست یک کشور، قانونگذاری یک کشور، مجلس را هم با فشار و با طرح های مختلف از اشخاصی فراهم کردند. اشخاصی را در مجلس آوردند که همه در خدمت آنها باشند، الاقلیلی از آنها، الا کمی از آنها، که کم کم این کم را هم از بین بردند و اخیرا من دیگر سراغ ندارم که یک نفر و کیلی که در مجلس های اخیر بود، بعد از آنکه امثال مدرس را از بین بردند، من دیگر سراغ ندارم که یک کسی آنطوری که اسلام می خواهد، باشد. مجلس را هم قبضه کرد، یعنی مجلس را هم به خدمت اجانب وا داشتند. تبع او دولت هم اینطور می شود، دولتی که این مجلس تعیین بکند و با دستور این شاه و شاه نما عمل بکند، مجلس هم افرادی را بر سر کار می آورد که همه در خدمت آنها باشند و رادیو و تلویزیون و دستگاه های تبلیغاتی تمام در خدمت آنها یکسر بودند. هر کس روزنامه های آنوقت را بخواند یا اگر نوارهایی از آنوقت باقی بود بشنود، می فهمد که نقشه این بود که یا در خدمت دولت های اجانب باشند و اخیرا خصوصا در خدمت آمریکا و یا یک افرادی باشند که بی تفاوت باشند. این مراکزی که برای عیش و عشرت جوان ها تهیه کردند و این مغازه های زیادی که برای فروش عروسک ها و فرآورده های خارجی که بوجود آوردند و این دکان های مشروب فروشی، اینها به یک طبع خودش واقع نشده، اینها روی یک برنامه بود که آنقدری که می تواند در دانشگاه ها جوان ها را از بین ببرند و به خط آنها بکنند، آنقدری که در آنجا نمی شود، یعنی مراکز فحشا، بی تفاوتشان کنند و راجع به کشور خودشان بی تفاوت باشند، هر کاری می خواهند بکنند، بکنند، آنها کاری نداشته باشند. عشرتکده باشد، سینمای موافق میل و شهوات جوان ها باشد، دیگر این مملکت هر چه بر آن بگذرد، گذشته است. ذخایرش را دارند می برند، برده اند. نفتش را دارند می خورند، خورده اند و امثال ذلك.

### رضاخان عشایر را بکلی می خواست از بین ببرد و بسیار هم موفق شد

و یک چیز دیگر هم ارتش بود. ارتشی که ده ها هزار نفر از خارج مستشار برایش می آید و آقابالاسر برایش می آید، نمی تواند یک ارتشی باشد که برای کشور خودش مفید باشد. او برای کشور دیگری مفید است، در خدمت دیگری است. این هم یک باب مفصلی است که دانشمندان باید مطالعه کنند و بنویسند مسائل آنوقت را. این هم راجع به ارتشش بود. راجع به عشایر، یکی از چیزهایی که آنها احتمال می دادند که یک وقت این عشایری که به دیانت اسلام اعتقاد دارند و می خواهند که اسلام تحقق داشته باشد، احتمال می دادند که اینها برخلاف آنها قیام بکنند، عشایر بودند. رضاخان عشایر را بکلی می خواست از بین ببرد و بسیار هم موفق شد در از بین بردن، یک افرادی از آنها را تربیت کنند که عشایر را اینها به طریقی که آنها می خواهند، استعمالشان کنند که بسیاری از آنها در خارج بودند و در ایران بودند و انحراف داشتند. آنها مامور این بودند که عشایر را منحرف کنند و تضعیف کنند روحیه آنها را. همه اینها دست به دست هم داد و این کشور را اینطور که می بینید کرد.

### شما در هر مرکزی پا بگذارید، پای اجانب را در آنجا می بینید

از این طرف کارخانه ها و مزرعه ها و کشتزارهای ما، با اسم اصلاحات بکلی مساله کشاورزی را از بین بردند. ایرانی که اگر کشاورزی سر جای خودش درست عمل بکند باید میلیون ها تن صادر بکند، امروز نشسته است و دستش طرف دیگران دراز است که گندم بدهید. این هم از کارهایی بود، از جنایاتی بود که رژیم برای این مملکت پیش آورد. کارخانه ها هم بالا سرش افرادی بودند که نمی گذاشتند که اشخاصی که در آنجا از خود ایرانی ها هستند، در آنجا یاد

بگیرند مطالب را. کارشناس های خارجی آمدند کارهای کلیدی را در دست گرفتند و مردمی که آنجا بودند پادوی آنها بودند. شما در هر مرکزی که پا بگذارید، در هر جایی که پا بگذارید، پای اجانب را در آنجا می بینید، یعنی سابقا اینجور بود بحمدالله امروز اینجور نیست. اگر یک کسی وارد می شد در این مملکت و بازار می رفت، پای اجانب بود. اگر آدمی فهیمی بود، می دید چه قضیه است. اگر بازار می رفت، می دید که پای آنها آنجا هست، بازار را می خواهند فاسد کنند. اگر در دانشگاه ها رفت، می دید پای آنها در آنجا بیشتر از جاهای دیگر هست می خواهند آنجا را معوج کنند. اگر در ارتش می رفت، پای آنها را در آنجا می دید و اگر در کارخانه ها می رفت، پای آنها را می دید و اگر در مجلس هم می رفت، در دولت و هر جا می رفت، پای آنها در آنجا بود. همه جا نفوذ داشتند و این کشور را با تمام قدرت کشاندند به طرف غرب اخیرا یا به طرف شرق، و کشور ما را یک کشور وابسته شکست خورده که اگر چند سال دیگر دست آنها بود، غیر قابل اصلاح بود. خدای تبارک و تعالی بر همه ما، بر همه ملت ما و بر مسلمین منت گذاشت و عنایت کرد، الطاف خودش را در این کشور عنایت کرد، جلوه داد و این کشور را سرتاپایش را بیدار کرد. با اینکه این مسائل که من عرض می کنم، شاید اکثر مردم نسبت به آن بی تفاوت بودند و توجهی نداشتند، لکن یک مطلب را همه یکدفعه متوجه شدند که آمریکا می خواهد ما را از بین ببرد. این مطلبی بود که سرتاپای این کشور توجه به آن کرد به اینکه آمریکا می خواهد ما را مستعمره خودش بکند و تمام حیثیت ما را، حیثیت اسلامی ما را، حیثیت ملی ما را و ذخایر ما را می خواهد از بین ببرد. این یک مطلبی بود که در سرتاپای این کشور منعکس شد و مردم باورشان شد و باورکردنی هم بود برای اینکه همه چیز را می دیدند. این روحیه ای که در این کشور پیدا شد، به عنایت خدا پیدا شد. این را هیچ کس نمی تواند ادعا کند که من این کار را کرده ام. امکان نداشت که بشر بتواند، از بچه که تازه زبان در آورده تا پیرمردی که در بیمارستان خوابیده و دم مرگش هست، این کشور را اینطور توجه بدهد به اینکه ما می خواهیم مسلمان بشویم و ما می خواهیم مملکت مان مملکتی آزاد باشد، مستقل باشد، اسلامی باشد، این یک دست غیبی، یک عنایت غیبی بود که به سر این کشور انعکاس پیدا کرد، کشیده شد و این کشور را بیدارش کرد. و امروز این کشور ما بحمدالله تعالی طوری است که هر جا بروی توجه به اسلام هست. شما در هر جا، در عشایر بروی، عشایر از این زیر بارهای سنگین که رژیم سابق به آنها تحمیل کرد، بیرون آمده اند، متوجه به اسلام شده اند. بروید در دهات دور افتاده این کشور، هر جا شما بروید، می بینید که بچه و بزرگشان از اینکه استقلال و آزادی را ما می خواهیم، می گویند و از آمریکا انتقاد می کنند و از اجانب انتقاد می کنند.

### **منحرفین بدانند با کشوری که مردمش عشق به فداکاری دارند نمی توان مبارزه کرد**

این اشخاص منحرفی که در داخل و خارج شیطنت هائی می خواهند بکنند، اینها بسیار ابله هستند. اینها عقلشان را از دست داده اند و حب مقام و جاه اینها را اصلا نایینا کرده، بصیرتشان را از آنها گرفته، اینها نمی دانند در یک کشوری که وضعش اینطوری است، همه مردمش فریاد می زنند و به جنگ می روند و عشق به فداکاری دارند، در یک همچو کشوری نمی شود از این کارها کرد، نمی شود با این کشور مبارزه کرد، نمی شود در این کشور کودتا کرد. کشوری که همه قوای نظامیش دنبال شهادت دارند می روند و همه قوای نظامی و انتظامی، پاسدار مسلحش و همه عشایری که آنها هم در جنگ ها وارد می شوند، همه دارند با روی گشاده طرف شهادت می روند، با یک همچو کشوری نمی شود با یک گروه چند صد نفری یا بیشتر یا کمتر معارضه بکنند. اینها اشتباهشان همه اش این است که نه قدرت اسلام را اینها می توانند بفهمند و نه ملت خودشان را شناخته اند. از این جهت خارج و داخل توطئه های بچگانه، توطئه های ابلهانه ای به خیال خودشان درست می کنند. در هر رشته ای که می خواهند توطئه بکنند، نمی دانند که چشم های بینای این کشور به همه کارهای اینها از صبح تا آخرشان نظارت

دارد. نمی فهمند این مسائل را اینها، از این جهت خودشان را به مهلکه می اندازند. بچه های عزیز ما را می خواهند گول بزنند. این بچه های ما، جوان ها، دختر و پسر که از اینها گول خورده اند، مطالعه کنند ببینند که اینها چه وضعی دارند و مملکت ما چه وضعی دارد، دولت چه وضعی دارد و آنها چه وضعی دارند، آنها به کجا پناه بردند و دولت چه می گوید در مقابل آنها. من امیدوارم که انشاءالله این روحیه قوی که در این کشور هست، این روحیه اسلامی و توحیدی که در این کشور هست، باقی باشد. این کشور را ما به صاحب اصلی او امام زمان سلام الله علیه تحویل بدهیم. انشاءالله به خدمت ایشان، همه، انشاءالله همه برسیم و کشور را و ملت را تسلیم ایشان بکنیم، خداوند انشاءالله همه شما را و همه ما را و همه ملت را و همه مسلمین را موفق کند که به تکالیف اسلامی مان عمل بکنیم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته تاریخ: ۲۴/۱/۶۱

## بیانات امام خمینی در دیدار با دادستان کل انقلاب اسلامی و ائمه جمعه استان های آذربایجان غربی و شرقی

### شما در تمام دنیا یک حکومت و یک مردم و یک روحانیت مثل ایران پیدا نمی کنید

بسم الله الرحمن الرحيم من قبلا باید از آقایان تشکر کنم که زحمت کشیدند و از راه های دور تشریف آوردند اینجا و من خدمت شان رسیدم و این را من کرارا گفته ام که یکی از برکات این انقلاب همین است که ما محروم بودیم از فیض زیارت آقایان در طول عمر، مگر آنهایی که مثلا در قم بودند چه آنها را ما آقایانی که بعید بودند، ما محروم بودیم و حالا بحمدالله هر چند وقت یک دفعه از علمای بلاد تشریف می آورند و ما را سرفراز می کنند و از همه تشکر می کنم و از خدای تبارک و تعالی تشکر می کنم که این توفیق برای بنده حاصل شد و امیدوارم که همه مان موفق بشویم در اینکه این راهی که ابتدایش است و موانع بحمدالله اکثرا برداشته شده است، ما بتوانیم ادامه بدهیم. و من الان می توانم خدمت شما این ادعا را بکنم که عجالتا در عصر ما (تا برسیم به عصرهای سابق) در این عصری که ما الان هستیم شما در تمام دنیا یک حکومت و یک مردم و یک روحانیت مثل ایران پیدا نمی کنید. این را من به طور اطمینان عرض می کنم. شما ملاحظه کردید سابق هم در ایران چه جور بود وضع، وضع حکومت ها در هر بلادی چه بود. بنده در جوانی خوب، آن حکومت های زمان قاجار را دیدم بعد هم حکومت زمان اینها را، یک حکومت در یک بلدی که می آمد مالک جان و مال مردم کانه بود و مردم در مقابل او باید هیچ حرف نزنند. من خودم مشاهده کردم که حکومتی که در مال ولایت ثلاث ها بود، در مرکزش گلپایگان بود و آمده بود خمین (من بچه بودم) یک آدم بسیار متدین بود، بسیار آدم خوبی بود، حالا چه بهانه ای این مرد خبیث پیدا کرد، توی اطاقش رفته بودند نشسته بودند، کشیدندش آوردندش توی حیاط بستندش به چوب و به کف پایش چوب زدند بعد هم آن فراش خبیثی که همراهش بود (من توی دالان وقتی داشت می رفت دیدم) با چک به پشت گردنش زد تا بردند، حالا چی از او گرفتند آن را دیگر من نمی دانم. وضع حکومت ها اینطور بود، وضع آن بالاتر از حکومت ها هم که شما می دانید، خودتان که ادراک کردید زمان رضاشاه چه بود، حالا چه بود. و شما نمی توانید الان پیدا کنید یک رئیس جمهوری در تمام روسای جمهور مثل این رئیس جمهوری که ما داریم که روحانی باشد و واقعا روحانی باشد، واقعا علاقه مند به روحانیت باشد، یا یک دولتی که مردم همراهش باشند.

### این تحول الهی را که در کشور ایجاد شده حفظش کنید

شما می بینید در این جنگی که واقع شده است این مردم چطور فداکاری دارند می کنند، این جوان ها و این مادرها و این پدرها



چطور دارند فداکاری می کنند و اینهایی که پشت جبهه هستند از همه صنف ، از آقایان روحانیین گرفته تا مردم دیگر. این تحول یک تحول الهی است ، هیچ نمی شود غیر از این حساب کرد. این یک بارقه ء الهی است که دمیده است به این کشور و این کشور را اینطوری زنده کرده است و تا این بارقه هست هیچ ترس از آسیب نداریم . خدا نکند که یک وقتی ما اسباب این بشویم که خدای تبارک و تعالی این عنایت را بردارد، دستش را از روی سرما بردارد. ما باید به تمام معنا متوجه این باشیم که حفظ کنیم این عنایت خدا را، این چیزی که به ما عنایت کرده ما باید حفظش کنیم . و من از همه آقایان که همه از خودمان هستند می خواهم درخواست کنم که هر جا که تشریف دارید، هم با مردم و هم با کسانی که از طرف دولت می آیند آنجا، با هم همفکری کنید و کارها را با معاونت هم با فکر هم پیش ببرید. خدای نخواستہ یک وقت فرض کنید !!! یک خطائی از یک فرض کنید که اجزای دولتی حاصل می شود نصیحتش کنند، چه کنند، یا اگر نصیحت را قبول کرد به مرکز اطلاع بدهند که این آدم چطور است .

### علت مخالفت دشمنان ترس از اسلام است

در هر صورت من از همه شما آقایان ، امیدوارم که به این جمهوری که الان همه قلم ها و قدم های خارجی تقریباً برضد اوست ، کمی ما داریم از حکومت های خارج ، کمی هستند که مخالفت نداشته باشند، همه مخالفت دارند، همه ، در صدد این هستند که این اسلام را که اینجا آمده ، نباشد. با صراحت یک فرض کنید آدم مسلمان ، یک حاکم مسلمان ادعای اسلام می کند، می گوید که هر جا صحبت اسلام بشود ما از بین می بریمش . خوب ، حکومت مصر این را گفت هر جا کلمه اسلام در کار باشد ما این را از بین می بریم برای اینکه این درست نیست . الان همه اینهایی که با شماها مخالفند برای این است که شما می خواهید یک حکومت اسلامی باشد، اینها مخالفند. برای این هم مخالف هستند، به اینکه اگر یک حکومت اسلامی در یک کشوری باشد نمی توانند به طور هرج و مرج دارائی آن کشور را ابرقدرت ها ببرند. تا اسلام تضعیف نشود، روحانیت تضعیف نشود، از بین نرود، نمی توانند اینها کارهایشان را بکنند و لهذا از اولی که رضاخان آمد به سرکار تا آخر، از اول تا آخر در صدد این بودند که اسلام را تضعیف کنند با هر ترتیبی که می توانند، احکامش را یکی بعد از دیگری تضعیف کنند و روحانیت را هم که خادم اسلام است این را هم تضعیف کنند و از بین ببرند و دیدید که رضاخان چه کرد با روحانیت و پسرش هم همین طور، هر کدام به یک راهی و این برای همین معناست که می خواهند این اسلام نباشد در اینجا، تا آنها افسارشان باز باشد، هر کاری دلشان می خواهد بکنند و از اسلام اینها می ترسند. از هیچ چیز نمی ترسند الا از اسلام و اگر چنانچه کسی باشد که با آنها کاری نداشته باشد البته آنها هم کاری با او ندارند. همانطوری که از قراری که گفته اند انگلیسی ها که آمده بودند به عراق ، کسی بالای مناره اذان می گفت ، گفت این چه می گوید، گفتند این اذان می گوید، گفت به امپراطوری انگلستان که لطمه ای نمی زند، گفت نه ، گفت هر چه می خواهد بگوید. میزان ، لطمه نزدن به امپراطوری هاست ، آنوقت به انگلستان حالا به آمریکا. انسان این معناست .

### مادامی که مردم مهیا و در صحنه اند دشمن قادر به کاری نیست

و من کرارا این را گفته ام که آذربایجان یک خصوصیت خاصی دارد در ایران ، یک همسایه ای دارد که خصوصیت خاصی دارد آذربایجان و آذربایجان همیشه یک سدی بوده است در مقابل این کارهایی که می خواسته بشود و حالا انشاءالله بیشتر باید باشد، یعنی علمای آذربایجان مردم را همین طوری مهیا نگه دارند، برای اینکه تا مردم در صحنه اند و مهیا هستند اینها ولو زور هم دارند، نمی کنند کاری . آن روزی که در بین مردم یک اختلافی پیدا بشود، بین مردم و حکومت اختلاف پیدا بشود، بین

خود روحانیون خدای نخواستہ یک وقت اختلاف پیدا بشود، آن روز است که ممکن است آنها یک وقتی دخالت بکنند. مادامی که همه مردم با هم هستند، روحانیت هست در صحنه و مردم هم هستند در صحنه، حکومت هم با!!! مردمی است، اسلامی است، آنها نمی توانند کاری بکنند، قدرت دارند اما عقل هم دارند، نمی توانند کاری بکنند. آنوقت اینها می توانند کار بکنند که از داخل ما را بپوسانند. اگر از داخل ما را با تبلیغات، با کارهای اعوجاجی از داخل یک کاری کردند، آنوقت می توانند، و ما باید حفظ کنیم. واقعا ما اگر چنانچه اسلام را می خواهیم که بحمدالله می خواهید، همه می خواهید اسلام را، اگر اسلام را می خواهیم باید این جمهوری را حفظ کنیم و اینکه از دهن بعضی ها در می آید که این از زمان شاه هم بدتر است، خوب معلوم است این از دهان آمریکا می خواهد دربیاید، از دهان اینها در می آید. آنها خودشان ابتدائاً نمی گویند، از این راه می گویند. ما باید حفظ کنیم این جمهوری را، ما باید این نعمتی که خدا به ما داده است حفظ بکنیم. شما می دانید که آن روزی که اینها بودند روحانیت اصلا منسی بود، داشتند کنارش می زدند که بپرندش از بین، اگر اینها یک مدتی مانده بودند بکلی از بین می بردند، خدا خواست که رفتند اینها و حالا بحمدالله روحانیت کارهای خودش را دارد اینجا می دهد.

### همه چیز در راه شدن است و احتیاج به همراهی ملت دارد

این نماز جمعه ای که در همه جا هست شما ببینید چه برکتی است این نماز جمعه. واقعا انسان اگر بگوید که اگر نبود الا این نماز جمعه (تقریباً مردم را مهیا می کند، مردم را بیدار می کند این نماز جمعه) و اگر نبود این، برای ما خیلی کار شده بود و بحمدالله همه چیز الان هست و همه چیز در راه شدن است و ما البته نباید توقع داشته باشیم که یک حکومتی که همه با آن مخالفند همه با آن از خارج مخالفند با آن این یکدفعه بتواند، یک مملکت که خرابه بود و اینطور با آنهمه فساد دست ما دادند، با آنهمه فسادهایی که شما می دانید که چه فسادهایی، بازارش چه بود، خیابانش چه بود، تا برسد به عشرتکده ها و تا برسد به جاهای دیگر چه خبر بود، یکدفعه بتواند حکومت این را منقلب کند به یک بهشت برین، خوب، نمی شود، هیچ وقت هم نشده تا حالا، هیچ وقت هم نخواهد شد. بنابراین همراهی می خواهد که این حکومت را همراهی کنند تا بتوانند کار را انجام بدهد و ما مطمئنیم که این اجزایی که الان مجلس هست، حکومت هست، قوه قضائیه هست، چیز انقلابی هست، همه اینها، اینها همه می خواهند برای خدا کار کنند، برای اسلام می خواهند کار بکنند منتها به اندازه قدرتشان می خواهند کار بکنند، زاید بر قدرت نمی توانند کاری بکنند. یا فرض کنید که ما به اندازه قضاوت در تمام کشور افراد نداریم، از باب اینکه ما از اول مجهز برای این کار نبودیم، ما سال ها، یعنی از اول تا حالا دست ما نبوده است قضاوت، دست دیگران بوده، حالا که آمده ما افراد نداریم که شرایط را داشته باشد. این افراد هم افرادی هستند که خوب، تا حتی الامکان بهتر از این است که شارب الخمری بیاید قاضی بشود. شما وضع دادگستری را نمی دانید چه خبر بوده است، ما هم درست الان نمی دانیم که وضع دادگستری چه خبر بود، شاید از همه جاها فساد دادگستری بیشتر بوده، حالا-بخواهیم این دادگستری را یکدفعه متحولش کنند به یک دادگستری اسلامی، افراد لازم دارد، کار لازم دارد و باید با تدریج، کمک، کمک می خواهد، یعنی ملت، روحانیت خصوصاً در باب قضاوت روحانیت باید خیلی کمک بکند والحمدلله مشغول هم هستند برای اینکه تهیه بکنند. من از خدای تبارک و تعالی سلامت و سعادت همه آقایان را می خواهم. والسلام علیکم ورحمة الله تاریخ: ۲۵/۱/۶۱

### پیام امام خمینی به مناسبت روز زن

بسم الله الرحمن الرحيم مبارک باد بر ملت عظیم الشان ایران بویژه زنان بزرگوار روز مبارک زن، روز شرافتمند عنصر

تابناکی که زیر بنای فضیلت های انسانی و ارزش های والای خلیفه الله در جهان است . و مبارکتر و پربهتر انتخاب بسیار والای روز بیستم جمادی الثانی است ، روز پرافتخار ولادت زنی که از معجزات تاریخ و افتخارات عالم وجود است ، زنی که در حجره کوچک و خانه ای محقر انسان هائی تربیت کرد که نورشان از بسیط خاک تا آن سوی افلاک و از عالم ملک تا آن سوی ملکوت اعلی می درخشد. صلوات و سلام خداوند تعالی بر این حجره محقری که جلوه گاه نور عظمت الهی و پرورشگاه زبندگان اولاد آدم است . نقش زنان در عالم از ویژگی های خاصی برخوردار است . صلاح و فساد یک جامعه از صلاح و فساد زنان در آن جامعه سرچشمه می گیرد. زن ، یکتا موجودی است که می تواند از دامن خود افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتشان یک جامعه ، بلکه جامعه ها به استقامت و ارزش والای انسانی کشیده شوند، می تواند بعکس آن باشد. بدون شک آنچه در این پنجاه سال روزگار سیاه ایران به دست این رژیم سیه روی به ملت عزیز ایران بویژه بانوان مظلوم آن گذشت با طرح و نقشه از پیش حساب شده ابرجنایتکاران جهان بوده است . رضاخان و فرزند جنایتکارش با فکر علیلشان به چنان جنایات عمیقی دست زدند که در طول تاریخ این کشور، بی نظیر و یا کم نظیر بوده است . ابرجنایتکاران که ادامه حیات خویش را در اسارت ملت ها بویژه ملت های اسلامی می دانند در این سده های اخیر که راهشان به کشورهای اسلامی نفت خیز و ثروتمند باز شد دریافتند که تنها قشر مذهبی است که می تواند خار راهی در راه استعمار و استثمار آنان باشد و دیدند که حکم نیم سطره یک مرجع مذهبی مورد علاقه مردم دارای چنان قدرتی است که دولت انگلستان و دربار قدرتمند قاجار را به زانو درآورد و نیز دریافتند که زنان در آن نهضت نقش اساسی داشتند و متوجه شدند که در مشروطه و پس از آن نیز زنان بویژه قشر متوسط محروم آنان هستند که می توانند با قیام خود، مردان را به میدان بکشند و احساس کردند که تا این عوامل به قوت خودباقی هستند نقشه های آنان نقش بر آب است و لازم دیدند برای دست یافتن به این کشورها و مخازن سرشار آنها پایه های مذهب و رهبری مذهبی قشرهای مذهبی سست شود و از همان زمان ها به فکر این نقشه و عملی نمودن آن افتادند و توفیق هائی هم به دست آوردند تا آنکه رضاخان را برای این خدمت یافته و او را به قدرت رساندند و او با این سه عامل به پیکار سرسختانه پرداخت و کسانی که آن زمان را به یاد دارند می دانند این خائن تبهکار با دستیاری عمال بی وطنش با اینان چه کردند و برای پیروزی هر چه سریعتر نقشه هایشان چه راه هائی را برای انحرافی و مصرفی نمودن و به فساد کشاندن بانوان مظلوم در پیش گرفتند. کافی است نسل حاضر که آن روزگار سیاه را درک نکرده اند به کتاب ها، شعرها، نوشته ها، نمایشنامه ها، تصنیف ها، روزنامه ها، مجله ها و مراکز فحشا و قمارخانه ها و شرابفروشی ها و سینماها که همه یادگار آن عصر بودند بنگرند و یا از آنان که دیده اند پرسند و نیز سوال کنند که نسبت به زن ، این قشر انسان پرور و آموزگار، چه ظلم ها و خیانت هائی در ظاهر فریبنده ای به اسم زن مترقی روا داشتند. شک نیست که توده های زنان مذهبی ، خصوصا محرومان جامعه مقاومت نمودند ولی برای استعمارگران خائن در بسیاری از قشرهای مرفه و عشرت طلب توفیق حاصل شد و اینان بازار را برای اربابان گرم کردند و اکنون نیز که با عنایت خداوند متعال و فعالیت ملت عظیم الشان بویژه بانوان و زنان شیر دل دست ستمکاران کوتاه شده است ، هنوز اقلیتی ناچیز به کارهای جاهلانه خود ادامه می دهند و امید است انشاءالله تعالی آنان هم از حیل های شیاطین بزرگ و کوچک آگاه شده و از دم فریب آنان برهند. ما باید امروز که روز زن است و به حقیقت در ایران عزیز روز زن است ، به زنان خویش افتخار نمائیم . چه افتخاری بالاتر از این که زنان بزرگوار ما در مقابل رژیم ستمکار سابق و پس از سرکوبی آن ، در مقابل ابرقدرت ها و وابستگان آنان در صف اول ایستادگی و مقاومتی از خود نشان دادند که در هیچ عصری چنین مقاومتی و چنین شجاعتی از مردان ثبت نشده است . مقاومت و فداکاری این زنان بزرگ در جنگ تحمیلی آنقدر اعجاب آمیز است که قلم و بیان از ذکر آن عاجز بلکه شرمسار است . اینجانب در طول این جنگ ، صحنه هائی از مادران و خواهران و همسران عزیز از دست داده دیده ام که گمان ندارم در غیر

این انقلاب نظیری داشته باشد و آنچه برای من یک خاطره فراموش نشدنی است، با اینکه تمام صحنه‌ها چنین است، ازدواج یک دختر جوان با یک پاسدار عزیز است که در جنگ هر دو دست خود را از دست داده و از هر دو چشم آسیب دیده بود. آن دختر شجاع با روحی بزرگ و سرشار از صفا و صمیمیت گفت حال که نتوانستم به جبهه بروم، بگذار با این ازدواج دین خود را به انقلاب و به دینم ادا کرده باشم. عظمت روحانی این صحنه و ارزش انسانی و نغمه‌های الهی آنان را نویسندگان، شاعران، گویندگان، نقاشان، هنرپیشگان، عارفان، فیلسوفان، فقیهان و هر کس را که شماها فرض کنید، نمی‌تواند بیان و یا ترسیم کنند، و فداکاری و خداجویی و معنویت این دختر بزرگ را هیچ کس نمی‌تواند با معیارهای رایج ارزیابی کند. و این روز مبارک، روز این زن و این زن هاست که خدایشان برای اسلام و ایران عظمت آن پایدار نماید. و هم اکنون یک نصیحت مخلصانه و پدران به بانوانی که جوانند و همسرانشان به لقاءالله پیوسته اند می‌نمایم که از ازدواج، این سنت ارزنده الهی سرباز نزنند و با ازدواج خود یادگارهایی چون خود، مقاوم و ارزنده به جای گذارند و به وسوسه بعضی اشخاص بی‌توجه به صلاح‌ها و فسادها گوش فرادهند. و نیز به پاسداران و سربازان و جوانان عزیز تذکر می‌دهم که ازدواج با این بانوان را غنیمت شمرده و با انتخاب همسرانی چنین ارزنده به زندگی شرافتمندانه خویش ادامه دهند. خداوند تعالی یار و مددکارتان باد. درود و سلام بی‌پایان بر زن و زن‌ها، این عناصر ارزنده و مقاوم. مبارک باد بر همه روز ارزشمند زن. خداوند پشتیبان این کشور عزیز باشد و یار و یاور همه. روح الله الموسوی الخمینی تاریخ: ۲۵/۱/۶۱

### پیام امام خمینی به مناسبت مردم فلسطین در سرزمین‌های اشغالی

بسم الله الرحمن الرحيم مساله قدس یک مساله شخصی نیست و یک مساله مخصوص به یک کشور و یا یک مساله مخصوص به مسلمین جهان در عصر حاضر نیست، بلکه حادثه‌ای است برای موحدین جهان و مومنان اعصار گذشته و حال و آینده، از روزی که مسجد الاقصی پی‌ریزی شد تا آنگاه که این سیاره در نظام هستی در گردش است. و چه دردناک است برای مسلمانان جهان در عصر حاضر که با داشتن آنهمه امکانات مادی و معنوی، در مرئی و منظر آنان به پیشگاه خداوند متعال و رسولان عالیقدرش اینچنین جسارت واقع شود، آن هم از یک مشت اوباش جنایتکار. و چه ننگ است برای دولت‌های اسلامی که با در دست داشتن شریان حیاتی ابرقدرت‌های جهان بنشینند و تماشاگر باشند که آمریکا ابرجنایتکار تاریخ، یک عنصر فاسد بی‌ارزش را در مقابل آنان علم کند و با عده‌ای ناچیز عبادتگاه مقدس و قبله‌گاه اول آنان را از آنان غصب نموده و با کمال وقاحت در مقابل همه آنان قدرت نمائی کند. و چه شرم آور است سکوت در مقابل این فاجعه بزرگ تاریخ و چه زیبا بود که بلندگوهای مسجد اقصی از همان روز که اسرائیل این عنصر خبیث دست به کار این جنایت عظیم شده بود به صدا در می‌آمدند. اکنون که مسلمانان انقلابی و شجاع فلسطین با همتی عالی و با آوای الهی از معراجگاه رسول ختمی صلی الله علیه و آله و سلم خروش برآورده و مسلمانان را به قیام و وحدت دعوت نموده‌اند و در مقابل کفر جهانی نهضت نموده‌اند، با کدام عذر در مقابل خداوند قادر و وجدان بیدار انسانی می‌توان در این امر اسلامی بی‌تفاوت بود؟ اکنون که خون جوانان عزیز فلسطین دیوارهای مسجد قدس را رنگین کرده است و در مقابل مطالبه حق مشروعشان از مشتی دغلباز با مسلسل جواب شنیده‌اند، برای مسلمانان غیرتمند عار نیست که به ندای مظلومانه آنان جواب ندهند و همدردی خود را با آنان اظهار نکنند؟ باشد که فریاد همدردی آنان دولت‌ها را بیدار کند که از قدرت عظیم اسلامی استفاده کرده و دست آمریکای جهانخوار، این جنایتکار تاریخ را که از آن طرف دریاها به پشتیبانی ستمگران، دست پلید اسرائیلیان را می‌فشارد قطع کنند و خود و ملت‌های مظلوم جهان را نجات دهند. امید است خداوند منان بر بشر منت عطا فرموده و وعده قرآنی خود را هر چه زودتر انجام فرماید و مستضعفان جهان را بر مستکبران غلبه دهد. درود بر قدس

و بر مسجد اقصی . درود بر ملت های بپاخاسته در مقابل اسرائیل جنایتکار و درود بر مسلمانان و مستضعفان جهان . روح

الله الموسوی الخمینی تاریخ : ۲۸/۱/۶۱

## بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دلاوران سپاه اسلام و دانشجویان مسلمان ایرانمقیم خارج

کشور

### شما جوانان از این اخلاص و ایثار، جمهوری اسلامی را بیمه کردید

بسم الله الرحمن الرحيم من این میلاد بزرگ را متقابلاً میلاد حضرت فاطمه سلام الله علیها را به همه آقایان که در اینجا تشریف دارند و به همه ملت و همه ملت مستضعف تبریک عرض می کنم و از همه آقایانی که دو سه گروه اند ظاهراً در اینجا تشریف دارند، چه آنهایی که از خارج کشور آمده اند و چه شما آقایانی که در داخل بودید، تشکر می کنم . من عرض می کنم که شما رزمندگان متوقع نباشید که از مثل من یا هر کس که از سنخ بشر است ، از شما تقدیر کند، نمی تواند تقدیر کند. خداوند تعالی مشتری شماست . شما آنچه که داشتید، بزرگترین موونه ای که داشتید و آن جان بود و روح ، در راه خدا داده اید، چه آنهایی که شهید شدند و به لقاءالله انشاءالله رسیدند و چه شما که حاضر برای شهادتید، عمده این حضور است . شما دو مطلب را متحقق کردید که با این دو مطلب کسی که از سنخ بشر جز آن که از اولیاء خدا باشد و الهام از خدا گرفته باشد نمی تواند تقدیر شما را بکند. یکی بزرگتر سرمایه خودتان که آن حیات است ، در طبق اخلاص گذاشتید و دیگری اینکه این هدیه را با اخلاص در طبق اخلاص تان گذاشتید. عمده این اخلاصی است که در شما جوانان ظاهر است . شما از این اخلاص و ایثار، جمهوری اسلامی را بیمه کردید. فتح هایی که نصیب شما شده است ، خصوصاً در فتح مبین ، گرچه با هیچ معیاری نمی توان آن را سنجید و با هیچ زبانی نمی توان از آن توصیف کرد، لکن آنچه که بالاتر از همه آنهاست این صداقت شما و این اخلاص شما در بارگاه حق تعالی است . آنچه که در نزد خدا ارزشش از همه بالاتر است ، این ایثار از روی اخلاص است همان که خدای تبارک و تعالی در سوره (هل اتی ) اهل بیت عصمت را به آن توصیف می کند که : (ویطمعون الطعام علی حبه )... طعام چیزی نیست ، آن هم یک قرص نان جو، آنچه اهمیت دارد (علی حبه ) هست . آنچه در پیشگاه حق تعالی ارزش دارد و هیچ بشری نمی تواند آن را توصیف کند، این اخلاص و محبتی است که شما دارید. شما جان خودتان را فدا می کنید و بسیار اشخاص هم هستند که در راه های انحرافی باز هم این کار را می کنند. صورت عمل ، یک صورت است لکن معنی دو تا و محتوا دوتااست . میزان محتوای عمل است ، نه صورت عمل . شمشیر علی ابن ابیطالب سلام الله علیه و فرود آوردن شمشیر و به دشمن آن شمشیر را ضربه زدن و او را کشتن ، این امری است که در همه جا واقع می شود و بسیاری از اشخاص این اعمال را کرده اند و می کنند. ارزش به اینها نیست ، ارزش به آن است که در قلب علی ابن ابیطالب چه گذشته است و مرتبه اخلاص او چه اندازه بوده است . آن مرتبه اخلاص است که یک ضربت را با عبادت ثقلین ، عبادت جن و انس مقابل کرده است . شما این اخلاص تان و این شهادت طلبی و این ایثارتان برای خداست که ارزش به شما داده است و این ارزش را هیچ معیاری نمی تواند اندازه گیری کند. عزیزان من ! حفظ کنید این نعمت را. خداوند به شما یک همچو نعمتی داده است که شما را با عنایت ذاتی خودش ، با دست غیبی خودش متحول کرده است به یک انسان های خالص برای خود و انسان هایی که جان و هر چه دارند، در راه خدا ایثار می کنند. (ان الله اشتری من المومنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة ) این جنتی که مشتری به شما عطا می کند، با جنتی که دیگران برای آنها تحقق پیدا می کند، فرق دارد. امیدوارم که این جنت ، جنت لقاء باشد. امیدوارم که مشتری شما، شما را در حضور خود پذیرایی کند. اولیاء

خدا در آن عالم هم که هستند، به غیر خدا سرگرم نیستند. نعمت های بهشت را از آن می گذرند و متوجه به لقاء حق تعالی هستند و شما که جان نثاری دارید می کنید و ایثار می کنید و با ایده شهادت به میدان های جنگ می روید و از اسلام دفاع می کنید و از مکتب دفاع می کنید و کشورهایی را که طمع به این کشور دوخته اند مایوس می کنید همه اینها ارزشمند و بسیار ارزشمند است، لکن آن اخلاص و محبت شما و آن ایثار در راه خدا بالاترین ارزش است برای شما. آن ایثار و اخلاص است که حتی در ترازوی عالم غیب هم نمی شود که سنجش بشود. آن پیش خدای تبارک و تعالی سنجش می شود و ما مفتخریم که در یک همچو برهه از زمان واقع شدیم که مثل شما عزیزان در آنجا و در آن زمان و در آن مکان واقع شدید و ما از هوایی تنفس می کنیم که شما از آن هوا تنفس می کنید. شما ایثار کنید و شما اخلاص مندید، شما بر نفس خود پیروز شدید و ما عقب ماندیم. شما احتمال این معنی را ندهید که تفنگ و ژ ۳ و مسلسل شما پیروز شده است. مقابل شما بالاتر از این را هم داشتند، شما اندک داشتید و آنها بسیار، لکن آنچه که شما را پیروز کرد و پیروز می کند، آن ایمان شماست و آن اخلاص شماست که در شما هست و در آنها نیست. شما برای خدا در میدان ها وارد می شوید و آنها برای شیطان. آنها حزب شیطانند و شما حزب خدا. آنچه شما را در دو جبهه پیروز کرد و پیروز کرده و می کند انشاءالله (جبهه باطنی و نفسانی و جبهه جنگ با گروه شیطانی) آن اخلاص و ایمان شماست که شما را پیروز می کند. شما شیعه همان هستید که می فرمود اگر همه عالم در مقابل من بایستند، تنها در مقابل می ایستم. آن ایمان است که او را آنطور در مقابل همه چیز می ایستاند. آن اخلاص اوست، آن روحانیت و معنویت اوست و شما هم شیعه او هستید. امیدوارم که از روحانیت او و از علمی که خدای تبارک و تعالی به او عنایت کرده است و نفخات الهی که در روح مبارک او دمیده شده است، به شما و همه ما نصیبی داده بشود. برادران! شما پیروزید و شهدای شما پیروزند، ملت شما پیروز است. شما یک ملتی دارید که در تمام دنیا مثل آن ملت پیدا نمی شود و ملت یک شمائی دارد که در تمام مثل شما پیدا نمی شود. آنها که داوطلب برای جنگ هستند، داوطلبی شان برای شیطان است. آنها هم داوطلب می شوند، شما هم داوطلب هستید و لکن فرق هست مابین داوطلبی و ایثار شما با داوطلبی و ایثار منحرفین. آنها برای برای رسیدن به دنیا و رسیدن به آمال و شهوات نفسانی وارد می شوند در میدان ها و شما برای شهادت و برای رسیدن به لقاءالله وارد می شوید. شما پیروزید، چه شهید بشوید و چه انشاءالله پیروزی ظاهری هم حاصل بشود. شما به نفس خودتان پیروز شدید، به شیطان باطنی خودتان پیروز شدید، و سوسه های شیطانی را از بین بردید و دل خودتان را برای خدا صاف کردید و به میدان ها با دل صاف و نیت خالص و عزم مصمم و رسیدن به پیروزی نهائی می روید و پیروزی نهائی از آن شماست. خداوند همه شما و همه رزمندگان را و همه قوای مسلح را پیروز کند و خداوند شما را در دو جبهه باطن و ظاهر به پیروزی نهائی برساند و خداوند انشاءالله این کشور را از شر شرق و غرب حفظ بفرماید. خداوند همه شما را به عنایت خودش غریق رحمت های غیبیه خود بفرماید. والسلام علیکم و

رحمه الله و برکاته تاریخ: ۲۹/۱/۶۱

### پیام امام خمینی به مناسبت روز ارتش

بسم الله الرحمن الرحيم گرچه روز ارتش در جمهوری اسلامی از روز مردم جدا نیست، بحمدالله تعالی ارتش آنچنان مردمی است و در خدمت مردم است و مردم آنچنان با ارتش منسجم و پیوند ناگسستنی دارند که هر دو یک واحد را تشکیل می دهند و روز ارتش روز مردم است، لکن انتخاب یک روز برای ارتش به منظور تجلیل بیشتر و تقدیر سزاوارتر و نمودار تکریم از چهره سلحشور و رزمنده آنان است. ملت عظیم الشان ایران روز ۲۹ فروردین را به عنوان روز مبارک ارتش به آنان تبریک می گویند. امسال با سپاس بی حد به درگاه خداوند تعالی با پیروزی های بزرگی که ارتش و سایر قوای مسلح



نصیب ملت ایران نمودند و با افتخار جاویدی که در فتوحات، بویژه فتح مبین برای کشور اسلامی آفریدند تریک ها بیشتر و جدی تر و توام با سزاواری است. جاوید باد قوای مسلح و ارتش و سرافراز باد کشور بقیه الله اعظم ارواحالمقدمه الفداء که اینچنین سربازان متعهد و فداکاری دارد. در این جنگ تحمیلی و دفاع از حق، ارتش ایران و دیگر قوای مسلح بر جهانیان ثابت کردند که مجاهدین در راه هدف و اسلام عزیز و میهن معظم از یک قدرت غیبی مافوق طبیعت و برتر از محاسبات کاخ نشینان ستمگر برخوردارند که با ارزیابی کوردلان خدانشناس نمی توان سنجید و با معیارهای الحادی درست نخواهد شد. با کدامین سنجش ها و معیارها می توان فتح مبین را تحلیل کرد و با کدام معادلات می توان ارزیابی نمود نبرد نابرابری که یک طرف آن قدرت شیطانی مجهز به تمام ابزار جنگی سبک و سنگین و برخوردار از پشتیبانی بی دریغ ابرقدرت ها و اکثر دولت های منطقه که با دست باز و روی گشاده تمام امکانات خویش را در اختیار آن قرار داده اند و تمام بوق های تبلیغاتی جهان نیز از آن پشتیبانی نموده اند و همه جهات تقویت در آن موجود بوده است و طرف دیگر قوای مسلحی که ولادت او پس از انقلاب و پیروزی آن بود و ارتشش تازه از زیر سلطه مستشاران امریکائی و فرماندهان ستمشاهی نجات پیدا کرده و از رژیم طاغوتی به رژیم اسلامی انسانی انتقال یافته اند و سپاه پاسدارانش و بسیجش از متن ملت برخاسته و تازه تفنگ به دست گرفته و دانشگاه های نظامی آنچنان ندیده اند و از ابزار جنگی کامل برخوردار نبوده و تمام اسباب ظاهری ضعف در آنان موجود بوده است و تنها ایمان به خداوند و عشق به شهادت در راه اسلام و روح ایثار و فداکاری، ابزار نبرد نابرابر اینان بود و در ظرف قریب به یک هفته آنچنان قوای عظیم شیطانی را در هم کوبید و آنچنان طومار ارتش مجهز برخوردار از آرایش را در هم پیچید که فوج قوای دشمن با همه تجهیزات تسلیم یا فراری و یا مقتول گردیدند. کدام روشنفکران تحلیل گر و دانشگاه جنگ رفتگان متفکر این پیروزی معجزه آسا را توجیه می کنند؟ اگر ارتش و سایر قوای مسلح از نصرت معنوی الهی برخوردار نبودند پس این امر خارق العاده چگونه تحقق یافت؟ آری فرق بسیار است بین جوانانی که شب را با مناجات و قرائت قرآن و نماز و نیایش بسر می برند و حمله را با ذکر خدا و الله اکبر شروع می کنند با آنانکه شب را با معصیت خدا و روز را در جنگ با خدا آغاز می کنند. فرق است میان آن سنگرها که کتاب خدا و نهج البلاغه و کتاب های دعا در آن است با آن سنگرها که بنا به گفته فاتحان، ابزار قمار و شراب و مسکرات و بدتر از آن در آنها یافت می شود. و فرق است میان آنان که با اعتقاد به اینکه صاحب الزمان روحی فداه فرمانده آنهاست و جنگ می کنند و آنان که صدام عقلی ابرجنایتکار فرمانده آنان است. و فرق است میان آنان که خود را برادر ملت مسلمان عراق می دانند و هرگز به خود اجازه نمی دهند که به شهرها یا روستاهای برادران خود تجاوز کنند با آنان که هر روز به هر شهر و دهکده (هر چند عرب نشین) که بتوانند آتش گشوده و با دعوی جنگ برای عربیت، کودکان و زنان و پیرمردان بیگناه را قتل عام می کنند. فرق است میان آنان که با اسرای جنگی خویش که در حال جنگ با آنان به اسیری درآمده اند چون برادران خویش رفتار می کنند با آنان که با اسرائیلی که از ایران گرفته اند و اکثر آنها مردم عرب روستاها یا شهر بوده و در جنگ دخالت نداشته آنچنان دژخیمانه رفتار می کنند که از ترس رسوائی بیشتر اکنون نیز نتوانند خویشاوندان و نزدیکان آنان را برای ملاقات بپذیرند. ما بحمدالله تعالی امروز ارتشی داریم که با سرافرازی و قامتی استوار در جهان می درخشد. امسال ملت ایران با چنان سرافرازی و افتخار، روز ارتش را می گذرانند که در سال های پیش بی سابقه بوده است و ارتش با چنان درخشندگی در مقابل دشمنان ایستادگی می کند که در تاریخ حیاتش کم نظیر و یا بی نظیر بوده است و امید است که هر سال از سال پیش افتخار آفرین تر گردد. و در اینجا از بعضی تذکرات هر چند بدان توجه داشته باشید نگذرم: ۱!!! از عنایات غیبی الهی غافل نباشید و تمام قوای نظامی و انتظامی و قوای مسلح از هر ارگانی که هستید سعی کنید این عنایات الهی را برای خودتان و برای ملت حفظ کنید و راه آن این است که به تعهد خویش عمل کرده و در پیشگاه حق تعالی برای اسلام و جمهوری اسلامی تا حد توانائی فداکاری نمائید و برای رضای

خداوند تعالی، نه هواهای نفسانی و شیطانی، برای دفاع از اسلام و میهن خودتان در صحنه حاضر باشید و مبادا پیروزی‌ها شما را مغرور کند و از کمک‌های غیبی غافل نماید که غرور و غفلت انسان را به تباهی می‌کشد و بی‌تردید از قدرت نظامی می‌کاهد. و پس از اتکال به خداوند به قدرت خود که از اوست اعتماد و اتکال داشته باشید. ۲!!! می‌دانید که پیروزی در اثر انسجام تمام قوای مسلح با نقشه واحد و فکر واحد نصیب شما شد. باید این انسجام و این وحدت حفظ شود که تزلزل در این امر الهی از بزرگترین اسباب فشل و خدای ناخواسته شکست است و اگر کسی یا خطی در صدد ایجاد تفرقه باشد بی‌درنگ به فرماندهان خبر دهید تا جلوگیری کنند. تمام قوای مسلح در جمهوری اسلامی برای مقصد واحد و هدف معین کوشش می‌کنند و همه باید به منزله دست واحد علیه مخالفان و معاندان با اسلام و جمهوری اسلامی باشند. و بدانید که تا این وحدت و انسجام و این هدف عالی اسلامی پابرجاست کشور شما آسیب نخواهد دید. به برادران ارتش و پاسدار و ژاندارمری و شهربانی و بسیج و گروه‌های مسلح مردمی توصیه می‌کنم خود را چنانچه قرآن کریم امر فرموده با هم برادر بدانید و در جبهه‌ها و در پشت جبهه‌ها چون برادران هم‌خط و هم‌فکر و هم‌صدا باشید که در این صورت می‌توانید از نیروهای معنوی و غیبی الهی برخوردار باشید و بر تمام مشکلات غلبه کنید. انشاءالله تعالی موفق و پیروز باشید. خداوند یار و نگهدار شما. ۳!!! از امور مهمی که باید تمام نیروهای مسلح از آن پیروی کنند و اغماض از آن به هیچ وجه نمی‌توان کرد و باز هم تذکر داده‌ام آن است که هیچ یک از افراد نیروهای مسلح چه رده‌های بالا یا پائین در حزب و گروهی با هر اسم و عنوان نباید وارد شوند، هر چند آن حزب و گروه صددرصد اسلامی و به جمهوری اسلامی وفادار باشند. و هر کس در یک حزب و گروه وارد شد باید از ارتش و سپاه و سایر قوای انتظامی و نظامی و قوای مسلح خارج شود. و فرماندهان و مسوولان موظف هستند که هر کس در یکی از احزاب یا گروه‌های سیاسی یا دینی وارد شد به او تذکر دهند که از حزب و یا گروه‌ها و یا سازمان خارج شود و اگر تخلف کرد او را از ارتش یا دیگر قوای مسلح اخراج کنند و همه افراد موظفند چنین اشخاصی را به فرماندهان معرفی نمایند. و باید توجه داشته باشند که ورود قوای مسلح در احزاب و گروه‌ها و سازمان‌ها پایه قوای مسلح را متزلزل خواهد کرد و غفلت از این امر موجب پیگرد خواهد بود. ۴!!! همه می‌دانیم که ارتش و سایر قوای مسلح از پشتیبانی بی‌دریغ ملت در سراسر کشور آنچنان برخوردارند که در طول تاریخ بی‌ظنیر یا بسیار کم‌ظنیر است. گمان ندارم کسی بتواند ادعا کند که ملتی جز ملت عظیم الشان ایران از کوچک و بزرگ و زن و مرد سراسر کشور اینگونه پشتیبان قوای مسلح خود باشند و ایثارگر و داوطلب به جبهه‌های جنگ برای فداکاری و شهادت سبقت گیرند و گمان ندارم هیچ معیاری جز عقیدت به مکتب و ایثار در راه خدا و هدف معنوی قادر به حل این معما باشد. اینجانب به ارتش عزیز و سایر عزیزان نصیحت می‌کنم که قدر این نعمت الهی را بدانید و با تمام قوا بکوشید که این حضور عمومی ملت را در صحنه و این پشتیبانی بزرگ را حفظ نمائید، و راه آن استقامت و پایداری در راه هدف و فداکاری برای اسلام عزیز و ایران و جمهوری اسلامی است. مادام که شماها در حفاظت میهن خودتان و اسلام و جمهوری اسلامی با اتحاد و انسجام کامل در صحنه باشید، از توطئه‌های دشمنان اسلام برای براندازی جمهوری اسلامی نهراسید و چون سدی آهنین در مقابل آنان بایستید و با سرافرازی بر مهاجمین تبهکار بتازید و آنان را در هم کوبید. ملت بزرگ یکدل و یکجهت پشتیبان شماست و دست عنایت حق تعالی و پرتو قدرت لایزال او بر سر شماست. پیروز باشید و با قدرت به پیش بروید و دشمنان خدا را از کشور خود برانید و دست تباہکاران داخل و خارج را قطع کنید و از خداوند قادر استعانت نمائید. ۵!!! ملت ایثارگر ایران عزیزان بسیاری در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها از دست داده و تحمل رنج‌ها و سختی بسیاری نموده و از دشمنان قسم خورده و دوست نمایانی خیانتکار و تبه‌روزگار، دغلبازی‌های زیادی دیده‌اند لکن در مقابل در پیشگاه خداوند متعال سرافراز و روسفید و در جهان نمونه و الگو و در نزد نسل آینده ماجور و سربلند است. از خداوند تعالی برای ملت سعادت ابدی و برای رزمندگان در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها

استقامت و پایداری و برای شهدای بزرگوار از اول نهضت تاکنون و پس از این رحمت و مغفرت و برای آسیب دیدگان عافیت و سلامت و برای بازماندگان و ستمدیدگان صبر و شهامت و برای ارتش و دیگر قوای مسلح شجاعت و اخلاص و مروت و برای جمهوری اسلامی بقا و برای گردانندگان آن حسن تدبیر و سیاست و برای مخالفان جاهل و بی غرض آن بیداری و انصاف و برای غرضمندان و دشمنان آن خذلان و ذلت و برای مسلمانان جهان همبستگی و وحدت و برای کشورهای اسلامی استقلال و عظمت و برای سران آنها خروج از قید خودخواهی و سرپیچی از تبعیت بیگانگان و برای همگان شناخت اسلام عزیز و عظمت و قدرت آن را خواستارم. بار الها! ارتشیان و سایر رزمندگان اسلام را بر کفر جهانی هر چند فرونتر پیروز فرما و توفیق خدمت و اخلاص به همه ما عنایت فرما. سلام بر ارتشیان محترم و درود بر سپاهیان و دیگر قوای مسلح. روح الله الموسوی الخمینی تاریخ: ۸/۲/۶۱

## **بیانات امام خمینی در جمع مسؤلان و نویسندگان دایره انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی**

### **شهدا را قلم ها می سازند و قلم ها هستند که شهید پرورند**

بسم الله الرحمن الرحيم ابتدا باید از شما آقایان و سپاه پاسداران تشکر کنم که به حسب غالب افراد، متعهد و برای اسلام و جمهوری اسلامی خدمت می کنند. خداوند آنان را تقویت و شهدای آنان را با شهدای صدر اسلام محشور کند و بازماندگان آنان که همه هستند را تایید کند تا جمهوری اسلامی که همه قدرت ها بر علیه آن قد علم کرده اند را به منزل برساند. اهمیت انتشارات، مثل اهمیت خون هائی است که در جبهه ها ریخته می شود. و (مداد العلماء افضل من دماء الشهداء دماء شهدا) اگر چه بسیار ارزشمند و سازنده است، لکن قلم ها بیشتر می توانند سازنده باشند و اصولاً شهدا را قلم ها می سازند و قلم ها هستند که شهید پرورند. از این روست که شما باید به ارزش کار خود توجه داشته باشید و بدانید هر عملی که ارزشش بیشتر باشد، مسوولیتش سنگین تر است. شما که در گروه فرهنگی سپاه هستید، باید کاری کنید که نشریات شما مفید باشد. انتشارات رژیم سابق، عاملی قوی در جهت به فساد و تباهی کشاندن نسل جوان دختر و پسر بود که شما باید آن را جبران کنید و باید در نشریات سپاه فصلی را به نصیحت خود پاسداران اختصاص دهید تا کار شما، هم نسبت به افراد سپاه پاسداران سازنده باشد و هم تبلیغات برای دیگران.

### **ما که خواهیم روی پای خودمان بایستیم باید مردم را به استقامت و حضور در صحنه دعوت کنیم**

امروز که اکثر رادیوهای بیگانه و منشورات خارجی با جدیت تمام کوشش می کنند تا خبرهای خوب ما را بد جلوه دهند، ما باید تبلیغات خود را گسترش دهیم و به زبان های دیگر از قبیل عربی و انگلیسی مسائل خود را به سایر نقاط دنیا برسانیم. این خدمتی را که شما در این زمان می کنید می توانم بگویم ارزنده تر است از خدمت هائی که در طول تاریخ برای اسلام شده است، چون کسانی که در سابق بودند، همچو دشمنانی که ما داریم، نداشتند. افراد آن زمان فقط با روم و ایران سر و کار داشتند و اینک سر و کار ما با همه دنیا است. امروز از آن طرف دریاها در اینجا دخالت می کنند، قصد دارند در امور همه کشورها دخالت کنند و ما که می خواهیم روی پای خودمان بایستیم باید مردم را به استقامت و حضور در صحنه دعوت نمائیم. شما، جوانان را به خیر و صلاح دعوت کنید و چنانچه اشکالی دیدید جلوگیری کنید که به جای دیگر سرایت نکند. چه بسا اشخاصی باشند که بخواهند در بین شما وارد شوند و کارهای خلافی انجام دهند. آنچه در کارهای تبلیغ خیلی مهم است و کرارا

تذکر داده ام اینکه باید افرادی را که با آنها آشنا هستید در این امر مهم وارد کنید و همانطور که گفتید حوزه علمیه نظارت نماید تا دچار مشکل و اشتباه نشوید. من هم به همه شما دعا می کنم و از خداوند می خواهم همه شما را موفق و محفوظ فرماید و این جمهوری اسلامی و ملت را که برای خدا قیام کرده است به پیش ببرد تا به زمان ظهور حضرت ولی عصر سلام الله علیه متصل گردد. والسلام علیکم ورحمه الله تاریخ: ۱۱/۲/۶۱

## بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر کار و امور اجتماعی و گروهی از کارگران خانات مختلف

### یک (روز) شما کارگرها به یک (عمر) سرمایه دارها و کارفرماها و کذا و کذاها ارزش دارد

بسم الله الرحمن الرحيم من این روز مبارک کارگر را بر شما و همه کارگرانی که در طول تاریخ رفته اند و خواهند آمد، تبریک عرض می کنم. مبارک باد بر شما قشر عزیز عامل ارزش های بزرگ انسانی، و مبارک باد بر شما و بر همه ملت ما این روز مبارک که بحمدالله امروز کشور ما طوری است که روز کارگر، روز همه است و روز ارتش روز همه است و روز زن، روز همه است و همه با هم منسجمند و یک واحد الهی را متحقق کرده اند. آن وحدتی را که خدای تبارک و تعالی امر فرموده اند، بحمدالله در قشرهای ملت مسلمان ایران متحقق شده است و اگر یک اقلیت ناچیزی هم باشد، در این اکثریت مستهلک است. من نمی دانم که راجع به کار و کارگر از چه بعدی با شما سخن بگویم، همه ابعادش که در ذهن من است یا بیشترش در ذهن من است، نمی توانم در یک جلسه محدود عرض کنم، ناچارم که بعضی از ابعادش را در اینجا خدمت شما عزیزان عرض کنم و مطالبی را که عرض می کنم، شما به وجدان خودتان عرضه کنید و اگر پذیرفتید، من متشکر می شوم و من می خواهم که با وجدان پاک خودتان ارزیابی کنید و بدانید که شما چه وضعی در کشورتان دارید و کارگران چه وضعی در کشورهای دیگر دارند. من یک جهت نازل کارگری را ابتدائاً عرضه می کنم و آن این است که شما توجه کنید به گروه کارگران، اعم از شما کارگرانی که در کارخانه ها و در صنعت ها هستید و زحمت می کشید و آن گروه هایی که در مزارع زحمت می کشند و بالاخره گروه فعال زحمتکش که امروز روز شماست و البته روز همه است. شما یک توجهی به این مطلب نکنید که این گروه های کارگر نشاط خودشان و جهات همان مادیت را، شما ملاحظه کنید، ببینید که این گروه کارگر از سلامت بدن و از سلامت روح بیشتر برخوردارند یا آن گروه هایی که به اصطلاح کارفرما هستند؟ و آن سرمایه دارهایی که کار نمی کنند و کنار نشسته اند و با بیکاری عمر خودشان را می گذرانند؟ شما به وجدان خودتان رجوع کنید، اگر یک همچو مجلسی که الان نمونه ای از کارگر است که بحمدالله امروز اینجا تشریف آورده اند، اگر این مجلس در کنارش یک مجلس دیگری بود از سرمایه دارها و بیکارها و آنهایی که نشسته اند خانه و می خورند و می خوابند، اگر یک کسی از خارج بیاید و چهره های شما را ببیند، بازوان شما را ببیند، سینه های فراخ شما را ببیند، بشاشت چهره های شما را ببیند و آهنگ صوت های شما را بشنود و بعد نظر بکند به آن مجلسی که آن عده کارفرما و سرمایه دار و بیکار و هرزه گرد نشسته اند، می بیند که اینها یک جوان های سالم، سرنشاط و آنها یا چرت می زنند و یا خمیازه می کشند و یا از درد دل و پهلو و سر خودشان می نالند. و این، برای این است که کسانی که کارگر نیستند به آن معنای عامش، اینها اینطور نیست که شما گمان کنید یک روزگار خوشی دارند، شما توجه به این معنا شاید بسیاریتان نداشته باشید که روزگار تلخی که بر سرمای دارها و کارفرماها و دارای کذا و کذاها، خان ها و فئودال ها و امثال اینها می گذرد، آن روزهای سخت چقدر برای آنها ناگواری دارد و یک روز شما به یک عمر آنها ارزش دارد. آنها برای خاطر بیکاری و پرخوری و خواب و هرزه روی پناه می برند به تریاک، افیون، منقل و یا هروئین و

یا مراکز فحشا، برای اینکه نمی‌توانند تحمل آن چیزهایی که در نفسشان می‌گذرد و آن ناراحتی‌هایی که دارند نمی‌توانند بکنند و من آنقدری که اطلاع دارم و در جوانی دیدم، اکثر این خان‌ها و فئودال‌ها به وافور پناه برده بودند، آنهایی که تدین‌شان دیگر خیلی نیست، آنها به مشروبات و به هرئین و به امثال این چیزها یا به مراکز فحشا و دنبال مراکز فحشا، آنطور زحمت‌هایی که دارد و آنطور مرض‌هایی که هست و آنطور گرفتاری‌هایی که هست، شما کارگرها بحمدالله ندیدید و امید است که نبینید. شما قدر این کارگری را بدانید که این کارگری، هم مزاج شما را سالم نگه می‌دارد و اگر چنانچه انسان بیکار بیفتد، آن فعالیت‌هایی که در بدنش و در سلول‌های بدنش باید بشود، آنها هم از کار می‌افتند و کسانی که فعالیت دارند، به اندازه‌ای که فعالیت دارند، آنها هم به کار می‌افتند و جبران می‌کنند نقیصه‌ها را و شما می‌بینید که در یک گروه زیاد از کارگرها یکی دو نفر بشود پیدا بکنید که اینها مریض باشند و افسرده باشند و اینها همه الحمدالله سرحالند و خیال می‌کنند که آنها آسوده‌اند، این، خیالی است که آنها می‌کنند، در صورتی که آنها، آن طبقه به اصطلاح خودشان بالا و به حسب واقع پائین، آنها اینقدر افسردگی‌ها و گرفتاری‌ها را دارند که به حساب نمی‌آید. این یک مساله‌ای است که باید شما خودتان بعد فکرش را بکنید و مطالعه کنید در بین خودتان، جوان‌های خودتان را مقایسه کنید با آنهایی که بیکار می‌گذرانند و به هرزه‌داری و به هرزه‌گری عمر خودشان را می‌گذرانند و آن ارزشی که شما دارید، شما برادران دارید و آن ارزشی که اسلام به شما داده است، از پیغمبر اکرم شنیده‌اید که نقل شده است که کف دست یک کارگر را، یعنی همان محلی که کار درش تاثیر کرده و پنبه بسته، آنجا را بوسید و این، یک نشان ارزش است برای کارگر در طول تاریخ. پیغمبر اسلام که اولین فرد انسان‌هاست و بزرگترین انسان کامل است، نسبت به کارگر اینطور تواضع بکند و کف دست او را که علامت کار است ببوسد، این نکته دارد که کف دست را بوسیده، نه پشت دست را. کف دست آثار کار درش هست، می‌خواهد ارزش کار را به عالمیان اعلام کند، به مسلمین اعلام کند که ارزش کار این است که آنجائی که کارگر که کار کرده است، در اثر کار یک نشانه‌ای پیدا کرده من آنجا را می‌بوسم که ملت‌های اسلامی و بشر ارزش این کارگر را بدانند.

### امروز شما کارگرها با کار خودتان یک کشور را نجات می‌دهید از وابستگی

و من امروز عرض می‌کنم که کارگر امروز، با کارگر آنوقت بسیار فرق دارد. آنوقت در آن محیطی که رسول خدا صلی‌الله علیه و آله و سلم زندگی می‌فرمودند و سایر جاهائی که مردم دیگر هم زندگی می‌کردند، خصوصاً حجاز که پیغمبر اکرم تشریف داشتند، آنجا روابط با سایر کشورها یا هیچ نبود، یا اگر بود بسیار کم و اگر چنانچه کمبودی برای یک شهر پیدا می‌شد، آن کمبود از شهرهای دیگر باید جبران بشود، احتیاج به همان، هم کشوری‌های خودشان داشتند و رفع نقیصه را اگر یک وقتی نمی‌توانست در خود یک شهری بکند، از یک شهر دیگری انجام این کار را می‌دادند. این وابستگی‌هایی که امروز در دنیا هست و این زندگی که محیط دنیا را و وضع دنیا را با سابق جدا کرده است و اینطور روابط زیادی که امروز وقتی شما اینجا یک صحبت بکنید، قبل از اینکه به فرض کنید که بیرون اینجا برسد، آمریکا هم از آن مطلع می‌شود و وابستگی‌هایی که دنیا به هم دارد و وابستگی‌هایی که کشورها به کشورهای بزرگ سرمایه‌داری یا کمونیستی دارد، آنوقت در زمان رسول خدا نبوده است. ارزش کار در آنوقت همین مقدار بوده است که خود کار شریف است و خود کار برای انسان و روحيات انسان مفید است و کار، اثرش هم علاوه بر اینکه برای خود انسان و مزاج انسان مفید است و در روح انسان هم تاثیر دارد برای یک شهری هم فایده دارد، اما دیگر مطرح نبود که اگر کار نکنم وابسته به آمریکا می‌شوم یا وابسته به شوروی، این مساله آنوقت مطرح نبود. امروز ارزش کار شما به همان اندازه است که دنیا پیشرفت کرده، همان معنائی که در دنیا،



پیشرفت هائی که در دنیا شده است و اگر کارگر به آنطوری که باید کار کند، کار نکند، وابستگی هائی که در یک کشوری، در یک محیطی می شود غیر از آن وابستگی هائی است که در سنین سابق، در قرون سابق بوده، در زمان رسول الله بوده است. امروز شما با کار خودتان می توانید که یک ارزشی ایجاد کنید که اصلش آنوقت مطرح نبوده است. با کار خودتان می توانید که این وابستگی هائی که در طول تاریخ، از آنوقتی که شرق و غرب به اینجا راه پیدا کردند و در طول سلطنت منحوس پهلوی پیدا کرده این کشور که می دانید همه چیزهایش وابسته شده است و همه افرادش را اینها وابسته کرده بودند و همه گروه ها را وابسته کرده بودند، امروز اگر شما کار بکنید و فعال در کار کردن باشید، ارزش این است که علاوه بر آن ارزش های معنوی و مادی که برای شخص خود شما دارد، علاوه بر این یک کشور را شما نجات می دهید از وابستگی. ما تا کی باید وابسته به امریکا، وابسته به شوروی باشیم؟ بالاخره باید یک عمل داشته باشد. ما باید ادراک این معنا را بکنیم که ما که در هر جا کار می کنیم، در امر کشاورزی کار می کنیم، در امر صنعت و در کارخانه ها کار می کنیم، باید خودمان به خودمان تلقین کنیم که ما مستقیم و ما باید مستقل باشیم و ما نباید دستمان را به دیگری دراز کنیم برای اموری که کشورمان محتاج است. ارزش کار شما امروز ارزش یک امری است که نمی شود مقایسه اش کرد با زمان های سابق. رسول الله در آن محیط، ممکن است که توجه، لابد توجه به همه محیطها داشته است، در آن محیط دست کارگر را آنطور که نقل می کنند، کف دست کارگر و محل کار را بوسیده تا ارزش کار را در تاریخ عرضه کنند و ما مفتخریم و شما و همه مفتخرند به اینکه یک همچو نشانی پیغمبر اکرم به شما داده، یا در بعضی روایات فرموده اند که قطره عرقی که از بدن کارگر می آید مثل قطره خونی است که از شهدای در راه خدا می آید. چقدر این ارزش دارد. آنهایی که الان در جبهه ها جنگ می کنند و در جبهه بحمدالله پیروزمندان جنگ می کنند و اخیرا هم پیروزی بزرگی به دست آوردند و امید است پیروزی نهائی را به دست بیاورند انشاءالله، این چقدر ارزش دارد، عرق شما هم که در کارخانه ها می ریزد، همان ارزش را دارد، برای اینکه شما هم برای احیاء یک کشور، برای وابسته نبودن یک کشور به خارج، برای استقلال کشور اسلامی زحمت می کشید، آنها هم برای دفاع از یک کشور اسلامی، دفاع از اسلام زحمت می کشند. آنها کارگرند مثل شما و شما مجاهدید مثل آنها و این یک نعمت بزرگی است که نصیب کارگرها در قشر وسیع و شما عزیزان که در کارخانه ها و در مواردی که صنعت در آنجا حکمفرماست، کار می کنید. و باید توجه کنید که نگذاشتند شما، آن اشخاصی که خائن بودند به این کشور، آن اشخاصی که وابستگی داشتند به کشورهای ابرقدرت، آنها کوشش کردند که شما نتوانید آن چیزهایی که کشورتان احتیاج دارد، بسازید. اگر نبود در طول تاریخ، در این سده های آخری که خارجی های به اینجا راه پیدا کردند، و نبود خیانت هائی که حکومت های ما بر ما کردند، شما هم امروز، الان از همان صنعت های پیشرفته می توانستید تحقق بدهید و امروز هم باید در این فکر باشید. تا در این فکر نباشید، نمی توانید کشور خودتان را و نسل های آینده را نجات بدهید. باید به این فکر باشید که خودتان قادر بر این هستید که آن چیزهایی که در خارج درست می کنند و شما احتیاج به آن دارید و کشور شما احتیاج به آن دارد، خودتان درست کنید.

## **دو بلوک سرمایه داری و کمونیستی کارگر را ابزار قرار داده اند برای منافع خودشان**

و من یک نکته دیگری هم به شما عرض می کنم که توجه کنید که اینهایی که از کارگرها پشتیبانی می خواهند بکنند و آنهایی که می خواهند کشور را به سوی غرب بکشند به اسم شرق و خود کشورهای کمونیستی و سرمایه داری، این دو بلوک سرمایه داری و کمونیستی، نسبت به کارگر چه جور هستند و اسلام نسبت به کارگر چه جور است. اول شخص اسلام را من عرض کردم، اول شخص اسلام، مصدع اسلام بود و شارع اسلام از قبل خدای تبارک و تعالی، رفتار او با کارگر، آن بود



که عرض کردم که کف دست کارگر را با تواضع بوسید و این نشان کارگری را بوسید و برای کارگران افتخار ایجاد کرد. ارزش انسانی را توجه داشت که کارگر، کارگر آن روز استقلال داشت و هر چه کارکرد برای خودش بود و استقلال داشت و ارزش داشت و آن ارزش را، محل ارزش را بوسید پیغمبر اکرم و اعلام کرد ارزش کارگر را و دوم شخص اسلام علی ابن ابیطالب سلام الله علیه ایشان خودش یک کارگر بوده یعنی قنات حفر می کرده، می رفته است قنات می کنده است آب بیرون می آورده، لکن برای خودش نه، بعد از آنکه بیرون می آمده وقف می کرده برای مستمندان، برای آنها. یک نفر کارگر بوده است که برای اعاشه خودش هم کار می کرده و در عین حالی که آنطور قنات ها را (چندین قنات از ایشان هست) کنده با دست خودش و همان روز (به حسب نقل) همان روزی که بیعت به امامت کردند برای او، به خلافت، وقتی بیعت تمام شد، همان روز بیل و کلنگ خودش را برداشت دنبال کار... این دو نفر شخص اول اسلام که کارشان باید سرمشق باشد برای همه ما. شما مقایسه کنید این احترامی که کارگر در اسلام به واسطه عمل این دو بزرگمرد تحقق پیدا کرده و این ارزشی که به شما داده است که خودش هم در عرض شما آمده است. و این فقط علی ابن ابیطالب سلام الله علیه نیست، حضرت صادق، حضرت باقر، آنها هم، از آنها نقل کرده اند که در یک محلی که داشتند، می رفتند کار می کردند. به حضرت صادق بعضی می گفتند آقا (حضرت صادق شغلش خیلی بود. شغل معنویش زیاد بود و کار تبلیغاتی و کار تعلیماتی اش زیاد بود، معذک خودش تشریف می برد به حسب این نقل و در آن جایی که داشت کار می کرد) به او عرض کردند که خوب، این را به ما واگذار کن. فرمود من میل دارم که کاری که می خواهم برای خودم بکنم، حرارت آفتاب را در بدن خودم حس کنم. این، چقدر ارزش می دهد که یک نفر که در زمان خودش شخص اول بود و دارای آن مقامات بود، خودش کار می کند و تعلیم می دهد که ارزش کار چی است. شما در بلوک کمونیستی سران اینها را ببینید، ادعاها و شعارها زیاد است، در طول زمان اینها شعار داده اند و ادعا کرده اند، لکن وقتی که می بینید که خود آنها وضعشان چه جوری است، سلو کشان با کارگر چی است، به کارگر چه نظری دارند، چه جور نگاه می کنند، سرمایه داری هم ملاحظه کنید آنها چه می کنند، هر دو اینها کارگر را آلت استفاده خودشان قرار داده اند. این هر دو بلوک اینها را، آن به یک وضعی، آن به وضع دیگر آلت قرار داده اند و ابزار قرار داده اند برای منافع خودشان و برای چی. در کشورهای کمونیستی اصل برای کارگر (من نمی توانم که نسبت به کارگر این تعبیر را بکنم) اینها را مثل یک حیوان کارگر را فرض کردند که هیچ نباید داشته باشند، فقط خوراک به شما می دهند، شما باید کار کنید خوراک بگیرید، آنوقت که کاری ازشان نمی آید، پردازشان می کنند و به رای بعضی شان باید ریختشان به دریا. آن دسته دیگر هم شما را بازی داده اند کارگرها را بازی داده اند و از راه دیگر می چابند آنها را.

### صلاح و فساد این کشور امروز به دست خود ملت است

اسلام برای کارگر ارزش قائل است، برای کارگر و کار ارج قائل است و احترام قائل است، یعنی همانطوری که یک شخص عالم، یک شخص مجاهد را توصیف می کند، شخص کارگر، زارع، هر کارگری را، می گوید همه شان مثل همند، مثل شانه ای که این رده هائی که دارد، همه هم قد هستند، مثل هم هستند، آن شانه های آنوقت اینطور بودند، اینها همین طور همه برابر هستند. در قرآن کریم هم تصریح می کند که امتیازها به این مسائلی که سرمایه داشتن، قدرت داشتن نمی دانم و امثال اینها نیست، ارزش ها و بزرگی ها به تقواست، به ارزش انسانی است. ارزش انسانی را این دو بلوک اصلاً فراموش کرده اند، توجه به اینکه اینها انسانند مثل خود ما هستند. آنوقتی که استالین متولد شده، با یک رعیت دیگری، یک رعیتی فرقی با هم نداشتند، بعدا او به قدرت رسیده آنطور عمل کرده و این بیچاره ها تحت ستم، اینطور

باید عمل کنند برای آنها. یا آن بلوک سرمایه داری هم همین طور ارزش برای انسان ها قائل نیستند، آنها ارزش برای قدرت خودشان قائلند، هر کشوری که تحت قدرت آنها باشد به او کمک می کنند. الان اگر یک گرایش بکند این کشور اسلامی به یک طرف از اینها، برایش سرشار، همه کاری می کنند، لکن ارزش انسانی و ارزش اسلامی اقتضاء می کند که به هیچ یک از آنها گرایش پیدا نکند. هر مملکتی که از آنها بخواهد استقلال داشته باشد، جدا بشود مثل کشور ما، گرفتار اینها می شود. الان کشور شما گرفتار این دو بلوک هستند، هر کدام به یک راهی، به یک طوری و تمام این فسادهایی که واقع می شود در این کشور از این گروهک های فاسد و تمام تبلیغاتی که خود این گروه ها در خارج می کنند، اینها همه برای خاطر این است که دستور از آنها گرفتند. آن روزی که کشور ایران خدای نخواستہ، خدا نیاورد آن روز را به گرایش پیدا کند به آمریکا، خواهید دید که تمام اینهایی که در !!! چیز هستند !!! پاریس جمع شده اند و اسباب زحمت ایرانی ها را خیال می کنند می توانند فراهم کنند، همه قلم هایشان بر می گردد و ثناگو می شود، از این طرف هم همین طور، ما می خواهیم مستقل باشیم، ما می خواهیم که آمریکا در طول زمان، قبلاً انگلستان و بعد آمریکا، در طول سلطنت این دو مرد فاسد به سرما آمده است، تمام ارزش های انسانی را می خواستند از ما بگیرند و جوان های ما را به فساد بکشند و جوان های ما را به مراکز فساد بکشند و انسانیت را از آنها بگیرند، اینها، می خواهیم ما که دیگر تحت آن سلطه نباشیم و خودمان یک انسان مستقل باشیم. شما کوشش کنید، صلاح و فساد این کشور امروز به دست خود ملت است. شماها هم یک عضو بسیار مهمی در این کشور هستید و بسیار موثری برای رفع وابستگی کشورتان به خارج، کشاورزان هم یک عضو بزرگ این کشورند برای رفع وابستگی این کشور به خارج. شما دو بازوی بزرگ این کشور کوشش کنید که ما در کشاورزی محتاج به اینکه به دیگران مراجعه کنیم و از دیگر جاها بیاوریم نباشیم و در امور صنعتی هم نباشیم. و بدانید که از حالا که شروع کنید می توانید این عمل را بکنید، منتها کشاورزها زودتر می رسند به آنجا و شما یک قدری دیرتر، منتها ارزش عمل شما بسیار زیاد است و کارهای شما فنی است. خیال نکنید که فقط آنها می توانند که این کارها را بکنند، آنطوری که تبلیغاتشان تاکنون در گوش ما خوانده شده است که ما باید وابسته باشیم. ما نباید وابسته باشیم، ما باید مستقل باشیم، ما باید هر مقداری که خودمان کار می کنیم به همان مقدار اکتفا کنیم، در صدد باشیم که خود را به آن حدی برسانیم که از کشور ما هم ارزاق و گندم و جو و امثال اینها صادر بشود و این کشور بسیار مستعد برای این معناست، و هم کوشش کنیم که دیگران به ما محتاج باشند در امور صنعتی و می توانیم، و می توانید و می توانیم. ما فرضاً هم نتوانیم، ما فرض می گیریم که خیر، نمی توانیم، اما کوشش خودمان که یک عبادتی است، یک کار ارزشمندی است، ما کوشش خودمان را می کنیم. من کرارا این مطلب را گفتم که ما صد در صد اینطور نیست که کار می کنیم که پیروز بشویم، البته میل داریم، اما اینطور نیست که حتم داریم که ما پیروز می شویم. نه، اما در عین حالی که حتم به پیروزی نداریم، تکلیف خودمان را عمل می کنیم، ما یک انسان هستیم، شما انسان هستید و ارزشمند هستید، شما می خواهید ارزش خودتان را حفظ کنید، شما می خواهید که به شما فرض کنید که عروسک ها را بیاورند بفروشند، یا شما را به مراکز فحشا بکشانند و ارزشتان را از بین ببرند و شکمتان را سیر کنند. شما می خواهید ارزشتان را حفظ کنید و دنبال آن ارزش که در مرکز اعلاء واقع شده است، کشور خودتان را هم نجات بدهید. ما و شما و همه دوستان و همه کشاورزان و همه کارگران و همه ملت ایران توجه به این داشته باشند که این ارزشی که خدای تبارک و تعالی نصیب شما کرد و این استقلالی که نصیب شما کرد و این امری که الان در تمام دنیا شما مطرحید، هر چه می خواهند این قلم های فاسد از شماها تکذیب کنند، از ایران تکذیب کنند، هر چه می خواهند از دادگاه ها تکذیب کنند، از دولت تکذیب کنند، لکن دنیا فهمیده است که شما ارزش دارید و دنیا فهمیده است که شما یک ملتی هستید که نظیر شما در طول تاریخ تا حالا نبوده است.

## همه آثاری که از آقای مطهری هست، بی استثنا خوب است

و من امیدوارم که ملت های دیگر هم به تبعیت از شما و به تبعیت از اسلام عزیز نظیر شما بشوند، استقلال خودشان را و آزادی خودشان را به دست بیاورند. خداوند همه شما را انشاءالله صحت و سلامت بدهد. و چون روز مطابق است، منطبق است با سالروز وفات مرحوم مطهری رحمه الله، من باید یک کلمه هم از آن به شما عرض کنم. مرحوم آقای مطهری یک فرد بود، جنبه های مختلف در او جمع شده بود و خدمتی که به نسل جوان و دیگران مرحوم مطهری کرده است، کم کسی کرده است. آثاری که از او هست، بی استثنا همه آثارش خوب است و من کس دیگری را سراغ ندارم که بتوانم بگویم بی استثنا آثارش خوب است. ایشان بی استثنا آثارش خوب است، انسان ساز است، برای کشور خدمت کرده، در آن حال خفقان خدمت های بزرگ کرده است این مرد عالیقدر. خداوند به حق رسول اکرم او را با رسول اکرم محشور بفرماید و خداوند همه شهدای ما را انشاءالله رحمت بفرماید و خداوند جنگنده های ما را که الان در صدد پیروزی آخری هستند و انشاءالله تحقق پیدا می کند، آنها را، پیروزی آخری را نصیب به آنها فرماید و خداوند شما کارگران عزیز را و همه کارگران را انشاءالله اجر شهدا عنایت کند. والسلام علیکم و رحمه الله تاریخ: ۲۰/۲/۶۱

## فرمان امام خمینی به حجت الاسلام قرائتی

بسم الله الرحمن الرحيم جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محسن قرائتی دامت افاضاته نظر به اهمیت امر سوادآموزی و گسترش فرهنگ و معارف اسلام و با توجه به تجربیاتی که در این باره دارید، جنابعالی را به سمت نماینده خود در سازمان نهضت سوادآموزی تعیین می نمایم. امید است با هماهنگی هر چه بیشتر با مسوولان محترم این سازمان و وزارت آموزش و پرورش مسؤ ولت سنگین خویش را بهتر انجام دهید. بدیهی است که کمک و مساعدت دست اندرکاران امر نهضت و وزارت آموزش و پرورش و استفاده از تمامی امکانات موجود، پیروزی شما را بر عفریت بیسوادی که یکی از میراث های شوم نظام طاغوتی است سریع تر می نماید. از خدای تعالی موفقیت شما را در این راه مسئلت دارم. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته روح الله الموسوی الخمینی تاریخ: ۲۰/۲/۶۱

## بیانات امام خمینی در جمع اعضای اصلی واحد اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم امروز هر چه می بینید امور غیر عادی است. تمام کارهایی که در داخل شهرها و در جبهه ها می شود از اموری است که خداوند متعال بر ما منت گذاشته است. شما ببینید چگونه لشکریان کفر با آن سلاح ها و آنهمه افراد از تعداد اندک ما شکست می خورند. این همان نصر به واسطه رعب است که خدا در دل دشمنان ما رعب ایجاد کرده است. در صدر اسلام لشکریان کفر در مقابل مسلمانان چنان می ترسیدند که با همه تجهیزاتشان خودشان را یا تسلیم می کردند و یا فرار می نمودند. امروز هم در ایران وضع چنین شده است که هر کجا حرف پاسدار می شود، دشمنان ما، چه منافقین و چه صدامیان شدیداً می ترسند. آنها هم که در خارج نشسته اند از پاسداران ما در ایران می ترسند. در اینجا لازم است شما را به یک نکته نصیحت کنم و آن این است که اتحاد و انسجامتان را حفظ کنید. شما باید بدانید که هر اختلاف و نزاعی شروع شود، از باطن خود انسان است و هر اتحاد و انسجامی که حاصل شود، از خداست. امیدوارم قوی باشید و به پیش روید. مطمئن باشید که پیروزید. والسلام علیکم تاریخ: ۲۱/۲/۶۱

## پاسخ امام خمینی به تلگرام آیت الله العظمی مرعشی نجفی

بسم الله الرحمن الرحيم حضرت آیت الله آقای نجفی دامت برکاته !!! قم پس از اهداء سلام و تحیت ، تلگراف شریف مبنی بر تبریک پیروزی های بزرگ رزمندگان اسلام موجب تشکر گردید. اینجانب متقابلا پیروزی غرور آفرین رزمندگان اسلام را به جنابعالی و جمیع علاقه مندان به اسلام و قرآن کریم تبریک عرض می کنم . اسلام از اول ظهورش گرفتار دشمنان خودخواه و سرکشانی عنان گسیخته بوده است و بحمدالله با عنایات خداوند متعال و نصرت های غیبی ، راه خود را به پیش می برد. حمله گستاخانه رژیم کافر بعث عراق که با تحریک ابرقدرت ها خصوصا امریکای جهانخوار انجام گرفت و با انگیزه خدمت به دشمنان اسلام و بشریت بود، از طلوعه آن پیش بینی می شد که با شکست مفتضحانه روبرو خواهد شد و بدبختی و نفرت و ذلت برای دشمنان خدای تعالی به بار خواهد آورد و عظمت و سربلندی برای اسلام و مسلمانان خواهد آفرید. این پیروزی و دیگر پیروزی ها مرهون عنایات غیبی خداوند متعال و پشتیبانی بقیه الله اروحنا له الفدا و ادعیه خالصه صاحب نفسان و بزرگان است و این روحیه معجزه آسای سلحشوران قوای مسلح از ارتش و سپاه و بسیج و سایر قوای نظامی و انتظامی و مردمی در جبهه ها و ملت عظیم الشان ایران در پشت جبهه ها که از نوادر تاریخ است ، مرهون خلوص نیت آنان و ایمان سرشار و عزم استوارشان است . خداوند این روحیه انسانی !!! الهی را هر چه افزونتر فرماید. از جنابعالی و از سایر مراجع عظام و علمای اعلام امید دعای خیر برای پیروزی نهایی اسلام بر کفر را دارم . والسلام علیکم و رحمه الله روح الله الموسوی الخمینی تاریخ : ۲۶/۲/۶۱

## **بیانات امام خمینی در جمع اعضای شورای عالی تبلیغات اسلامی ، ائمه جماعات قم و غرب تهران و کارکنان دفتر مرکزی سازمان تبلیغات اسلامی**

### **هیچ انقلابی تاکنون به اندازه انقلاب اسلامی مورد هجوم تبلیغاتی و تسلیحاتی واقع نشده است**

بسم الله الرحمن الرحيم بحمدالله این مجلس ، مجلس علماست ، مجلس دانشمندان متعهد است و ما موفق شدیم به زیارت آقایان و امیدواریم که همه توفیق پیدا کنیم در خدمت به اسلام . مساله تبلیغات از صدر اسلام تا ابد یکی از اموری است که اسلام بر آن پافشاری کرده است و در این زمان که ما هستیم یک اولویت خاصی دارد همه می دانیم که هیچ انقلابی تاکنون به اندازه انقلاب اسلامی مورد هجوم تبلیغاتی و تسلیحاتی واقع نشده است . انقلاب هائی که در دنیا واقع شده است یا گرایش به راست داشته اند، راستی ها با او موافقت می کرده اند و اگر مخالفتی بوده است ، از چپی ها بوده است ، یا گرایش به چپ داشته اند، بعکس بوده است . لکن اسلام چون نه شرقی و نه غربی است و صراط مستقیم است ، جمهوری اسلامی هم با همان برداشت از اسلام متحقق شده است و امروز چون نه چپی است ، چپی ها با او مخالفند و نه راستی است ، راستی ها با او مخالفند و ملاحظه می فرمائید که تمام رسانه های دنیا به استثنای کمی از آنها و تمام رسانه های بزرگ دنیا الان یا با صراحت و یا با تلویح با این جمهوری اسلامی و اسلام مخالفت می کنند و در هر شب و روز ساعات بسیار را برای سرکوبی جمهوری اسلامی صرف می کنند و از آن طرف اشخاصی امثال صدام را که من از اول گفتم که این آدم ، آنوقت هم که ما در نجف اشرف مشرف بودیم ، آن را یک مرد خطرناکی معرفی می کردند و یک جنون عجیبی در این آدم هست که برای خودخواهی خودش حاضر است که تمام ملت های دنیا را به خاک و خون بکشد، اینها را وادار کرده اند که با ما مخالفت کنند و حمله کنند و امروز هم که به خواست خدای تبارک و تعالی و تاییدات او جبهه جنگ دارد، تکلیفش کنند و حمله کنند و امروز هم که به خواست خدای تبارک و تعالی و تاییدات او جبهه جنگ دارد تکلیفش معین می شود و سقوط صدام و انشاءالله حزب بعث نزدیک می شود، رسانه های گروهی که نمی توانند منکر این بشوند که پیشرفت هائی ایران کرده است ، معدلکک از راه های

دیگری مشغول سمپاشی شده اند. از این راه که اگر این جمهوری موفق بشود و غلبه پیدا کند بر عراق، بر رژیم عراق، آیا با منطقه چه خواهد کرد، آیا با شیخ نشینان حکومت های منطقه چه خواهد کرد. این حرف ها الان رایج شده است و در رسانه های گروهی گفته می شود و تمامش برای این است که آنها را وادار کنند به یک کاری در مقابل ایران، در مقابل جمهوری اسلامی. و ما امروز برای خاطر اینکه در تاریخ مساله بماند، عرض می کنم که دولت ایران و ملت ایران با همه ملت ها و با همه دستگاه هائی که انحراف ندارند، مخالفت ندارد و از اول هم اعلام کرده است که ما به زمین های دیگران هیچ نظری نداریم و پیش ما اصلش زمین و طبیعت و مادیت اینقدرها نیست که به ازای او با مسلمانان جهان به جنگ برخیزیم. این یک برنامه ای است که مخالفین اسلام دارند و سرکشان دنیا و ارباب های آنها دارند که باید سرکوبی کرد تمام مستضعفان جهان را تا به قدرت رسید و به نوائی رسید و اسلام یک همچو امری را که محکوم می کند و ما که تابع اسلام هستیم و ملت ما که ملتی است، تعهد دارد به تبعیت از احکام اسلام، هرگز مخالفت با احکام اسلام نمی کند و ما اعلام می کنیم که این حکومت هائی که در منطقه هستند یا خارج منطقه هستند توجه داشته باشند که آنها را دارند وادار می کنند که خودشان را به هلاکت بیندازند برای خاطر امریکا یا بلوک دیگر. ما به اینها مکرر تنبه داده ایم که شما آلت دست ابرقدرت ها هستید و از شما استفاده می کنند، به شما استفاده نمی دهند. شمائی را که امروز دارند تحریک می کنند که اگر با صدام همراهی نکنید، چه و چه خواهد شد و ایران با شما چه ها خواهد کرد، اینها می خواهند که شما آلت دست آنها را داشته باشید و به منافع آنها با صدام همراهی کنید و به همان تله ای که صدام افتاد، شما هم بیفتید و شما بدانید که اگر صدام نجات پیدا کند و قدرت به دست بگیرد، آدمی نیست که قدرشناسی از امثال شما بکند، آدمی است که جنون بزرگ بینی خودش را دارد و با این جنون با شما که با او هم همراهی کردید به جنگ برمی خیزد و شما را اگر قدرت داشته باشد، تباه خواهد کرد. و من و دولت ایران و ملت ایران اعلام می کنیم که شما اگر چنانچه با صدام همراهی نکنید و اگر چنانچه بطور اسلامی با ما رفتار کنید و به برنامه های قرآن کریم با ما رفتار کنید و با ملتها رفتار کنید، دولت ایران و ملت ایران با شما برادر است و از شما حمایت خواهد کرد. لکن اگر چنانچه خدای نخواستہ انحرافی عمل کنید و خودتان را به این دام بیندازید، مطمئن باشید که شما از صدام قدرتمندتر نیستید و آنهائی که مثل دولت مصر می خواهند به او کمک کنند، آنها هم تجربه کنند ببینند که چه خواهد شد و من نصیحت شان می کنم که این تجربه را نکنند و جوان های بیگناه مردم را به تباہی نکشند و جوان ها را نیاورند در یک میدانی که عاقبتش برای آنها هلاکت است.

### ما امروز موظفیم که تبلیغات را هر چه بیشتر تقویت کنیم

و اما در یک همچو محیطی که تمام رسانه های گروهی به ضد اسلام واقعا و به ضد جمهوری اسلامی تبلیغات می کنند، امروز تبلیغات یک ویژگی خاص دارد و بر همه لازم است که تبلیغات کنند. تبلیغات داخلی برای اینکه مبدا خدای نخواستہ مردم تحت تاثیر تبلیغات سوء ابرقدرت ها واقع بشوند و بالاتر از او تبلیغات در خارج باید بشود. ما تبلیغاتمان در خارج بسیار ناقص است و اشخاصی که از خارج می آیند اینجا و با من ملاقات می کنند، همه از این مطلب شکایت دارند که در خارج تبلیغات کم است. البته وزارت خارجه و ارشاد اخیرا یک طرح هائی دارند و انشاءالله موفق خواهند شد، لکن باید ما تبلیغاتمان زیاد بشود که لااقل ما بتوانیم به ملت ها حالی کنیم که این تبلیغاتی که اینها بر ضد اسلام و بر ضد مسلمین و بر ضد جمهوری اسلامی می کنند، اینها تمام غلط است و شما دیدید که وقتی خبرنگارها از اطراف می آیند و می بینند، آنهائی که انصاف دارند اعلام می کنند و همین چند روز پیش از این یکی از آنها اعلام کرد که کلیه چیزهائی که ارتش ایران اعلام کرده است صحیح است، لکن رسانه های گروهی دست بردار نیستند. آنها اگر یک قدم فرض کنید که صدامی ها پیش بیایند، او را قلمداد می کنند که کجا را

گرفتند، کجا چه شد، محاصره کردند ارتش ایران را و اگر چنانچه ایران پیش ببرد، حتی الامکان ذکر نمی کنند، آنوقتی که خیلی رسوائی در می آورد ذکر کمی می کنند و می روند دنبال اینکه آیا چه خواهد شد، ای وای که اگر اسلام پیروز بشود چه خواهد شد. و ما امروز موظفیم که تبلیغات را هر چه بیشتر تقویت کنیم و دولت و وزارت ارشاد موظف است که تبلیغات را در خارج تقویت کند و همه آقایانی که از اول شانسان تبلیغ بوده است، انبیا شانسان تبلیغ بوده است، اولیاء خدا شانسان تبلیغ بوده است، همه آقایان علمایی که هستند، اینها همه مبلغین اسلام هستند. باید خطباء عظام ما که مبلغین اسلامند، علمای اعلام ما، طلاب عزیز ما و قشرهای دیگر که در تبلیغات دخالت دارند و مشغول این عمل شریف هستند، باید به سرعت خودشان زیادی بدهند و تبلیغات خودشان را تسریع کنند، البته روی یک موازینی و روی یک نظامی و روی یک سازمانی که آنطور البته بهتر خواهد بود و من هم که وظیفه ام دعا کردن به شماست و از اول هم دعاگوی شما بودم، من هم امیدوارم که موفق بشوم به وظیفه خودم عمل کنم.

### اینهایی که شب ها به دعا و مناجات بر می خیزند در جنگ ها پیروز خواهند شد

و یک کلمه هم راجع به ارتش و راجع به سپاه و راجع به پیروزی های آنها عرض کنم. امروز بحمدالله در جبهه های ما جوان هایی هستند از ارتشی، از سپاهی، از بسیج، از مردمی که هر کس آنجا رفته است و آمده است با من ملاقات کرده است، می گوید آنها به ما دل می دهند و شجاعت می دهند. ما می رویم که آنها را تشجیع کنیم، می بینیم که نه، ما تحت تاثیر آنها واقع می شویم و حقیقتاً یک امری است که خدای تبارک و تعالی عنایت خاصش را به اینها کرده است. اینهایی که شب ها به دعا برمی خیزند و به مناجات برمی خیزند، البته در جنگ ها پیروز خواهند شد. و مطمئن باشند که این نفس های آخری که صدام و صدامیان و طرفداران آنها دارند می کشند، اینها آن نفس هائی است که محتضر می کشد و امیدوارم که اسلام در همه جا چهره نورانی خودش را نمایش بدهد و خداوند تبارک و تعالی نصرت بدهد به آنها و قوت بدهد به آنها و ملت هم در دنباله آنها هستند و آنها را تایید می کنند و آنها را پشتیبانی می کنند و مبلغین هم آنها را پشتیبانی می کنند. آنها با قلب پاک خودشان و بازوهای بزرگ خودشان و قوی خودشان به کار خودشان ادامه بدهند که انشاءالله نصرت نزدیک است. (و ما !!! النصر الا من عندالله) ما از خدا می خواهیم که به ما کمک بدهد و این نصرت را نصیب ارتش ما و ملت ما بکند و همه انشاءالله موفق بشوند که این نور اسلام را در همه جا پرتوافکن باشند و ما امیدواریم که شما آقایان هم موفق و موید باشید و همانطوری که در روایات ما هست که از قم علم به جاهای دیگر منتشر می شود، بحمدالله مدت هائی است که این معنا تحقق پیدا کرده است و امروز امیدواریم که به همت علمای قم و مدرسین بزرگ قم و خطبای قم این مساله زیادتر بشود و امروز بحمدالله همه ایران قم است و همه علما هستند و همه دانشمندان و همه اشخاصی هستند که اسلام از آنها بهره می گیرد و به آنها پشتیبانی می کند. خداوند تمام ما را از فداکاران اسلام قرار بدهد و از فداکاران به امام زمان سلام الله علیه که آثار رحمت خدا و آثار حمایت این بزرگوار در جبهه ها برای اشخاص ظاهر شده است و می شود انشاءالله. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته تاریخ: ۲/۳/۶۱

### پاسخ امام خمینی به پیشنهاد حجت الاسلام واعظ طبسی در مورد بازسازی هویزه

بسم الله الرحمن الرحيم خدمت حجت الاسلام آقای واعظ طبسی تولیت محترم آستان مقدس رضوی دامت افاضاته پس از اهدای تحیت و سلام، مرقوم شریف با پیشنهاد مسرت بخش واصل گردید. اگر هویزه مظلوم با دست جنایتکار صدام این دشمن سرسخت اسلام و تشیع، به صورت ویرانه ای درآمد و آن جایگاه پروانه های شمع ولایت در کشور ثامن الائمه علیه و علی آبائه صلوات و تحیات چون جایگاه جعدان گردید و مسلمانان عرب مظلوم آن شهر خون و شهادت، از صغیر و کبیر و



مرد و زن از آتش بیداد این کافر کیش مدعی دوستی عرب سوخت، چه کس اولی از تولیت آستان مطهر و خدمتگزار مرقد نورانی حضرتش، در ترمیم خرابی‌ها و بنای شهر دوستان معظم او است و کدام مقام والاتر از مقام ولایت آن سرور در نوازش دوستان عزیز او. باشد که خیرخواهان و دوستان محترم آن مقام مقدس اقتدا به مولای خود نموده و در راه بازسازی خوزستان و دیگر خرابه‌های یادگار این ابر جنایتکار قرن همت گمارند. و من از نکته‌ای بس لازم نمی‌توانم صرفنظر کنم و آن درآمد عظیم سرشاری که شهر می‌سازد و در مدت تولیت جنابعالی آنهمه خدمت نموده است و مقایسه آن با غارتگری‌های دودمان پهلوی که این ثروت عظیم را در راه شهوات و لذات خویش به کار بردند. و چه روسیاهند آنان که از آن رژیم حمایت کرده و می‌کنند. توفیق جنابعالی را در خدمت به آستان مقدس مولا خواستار و خدای را شکر که در عصر ما مثل جنابعالی به این سمت مقدس راه یافته و به جای ظلمت، نور و به جای خیانت، امانت جایگزین گردیده است. والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته روح الله الموسوی الخمینی تاریخ: ۳/۳/۶۱

### پیام امام خمینی به مناسبت فتح خرمشهر

بسم الله الرحمن الرحيم با تشکر از تلگرافاتی که در فتح خرمشهر به اینجانب شده است، سپاس بی حد بر خداوند قادر که کشور اسلامی و رزمندگان متعهد و فداکار آن را مورد عنایت و حمایت خویش قرار داد و نصر بزرگ خود را نصیب ما فرمود. اینجانب با یقین به آنکه (ما النصر الا من عند الله) از فرزندان اسلام و قوای سلحشور مسلح که دست قدرت حق از آستین آنان بیرون آمد و کشور بقیه الله الاعظم اروحنا لمقدمه الفدا را از چنگ گمراگان آدمخوار که آلت هائی در دست ابرقدرتان خصوصا آمریکای جهانخوارند، بیرون آورد و ندای الله اکبر را در خرمشهر عزیز طنین انداز کرد و پرچم پر افتخار لاله الا الله را بر فراز آن شهر خرم که با دست پلید خیانتکاران قرن به خون کشیده شده و خونین شهر نام گرفت، تشکر می‌کنم. و آنان فوق تشکر امثال من هستند، آنان به یقین مورد تقدیر ناجی بشریت و بر پا کننده عدل الهی در سراسر گیتی روحی لثراب مقدمه الفدا می‌باشند، آنان به آرام (ما رمیت اذ رمیت و لکن الله رمی) مفتخرند. مبارک باد و هزاران بار مبارک باد بر شما عزیزان و نور چشمان اسلام این فتح و نصر عظیم که با توفیق الهی و ضایعات کم و غنائم بی پایان و هزاران اسیر گمراه و مقتولین و آسیب دیدگان بدبخت که با فریب و فشار صدام تکرینی این ابر جنایتکار دهر به تباهی کشیده شده اند، سرافرازانه برای اسلام و میهن عزیز افتخار ابدی به هدیه آوردید و مبارک باد بر فرماندهان قدرتمند که فرماندهان چنین فداکارانی هستند که ستاره درخشانده پیروزی‌های آنان بر تارک تاریخ تا نفع صور نورافشانی خواهد کرد. و مبارک باد بر ملت عظیم الشان ایران اینچنین فرزندان سلحشور و جان برکفی که نام آنان و کشورشان را جاویدان کردند. و مبارک باد بر اسلام بزرگ این متابعانی که در دو جبهه جنگ با دشمن باطنی و دشمنان ظاهری پیروزمندانه و سرافراز امتحان خویش را دادند و برای اسلام سرافرازی آفریدند. و همان‌ای فرزندان قرآن کریم و نیروهای ارتش و سپاهی و بسیج و ژاندارمری و شهربانی و کمیته‌ها و عشایر و نیروهای مردمی داوطلب و ملت عزیز! هشیار باشید که پیروزی‌ها هر چند عظیم و حیرت‌انگیز است شما را از یاد خداوند که نصر و فتح در دست اوست غافل نکند و غرور و فتح شما را به خود جلب نکند، که این آفتی بزرگ و دامی خطرناک است که با وسوسه شیطان به سراغ آدم می‌آید و برای اولاد آدم تباهی می‌آورد. و من با آنکه به همه شما اطمینان تعهد به اسلام دارم، لکن از تذکر که برای مومنان نفع دارد، باید غفلت نکنم، چنانچه از نصیحت به حکومت‌های همجوار و منطقه دریغ ندارم و آنان می‌دانند امروز با فتح خرمشهر مظلوم، دولت و ملت پیروزمند ما از موضع قدرت سخن می‌گویند و من به پیروی از آنان به شما اطمینان می‌دهم که اگر از اطاعت بی‌چون و چرای آمریکا و بستگان آن دست بردارید و با ما به حکم اسلام و قرآن کریم رفتار کنید، از ما جز خیر و پشتیبانی نخواهید دید. و شما بدانید آنقدر که ابرقدرت‌ها از

صدام، این نوکر چشم و گوش بسته پشتیبانی کردند از شماها که قدرت های کوچک و حکومت های ضعیف هستید، پشتیبانی نمی کنند و شما عاقبت این جنایتکار و همقطار جنایتکارش شاه مخلوع را به عیان دیده اید. قدرت های بزرگ بیش از آنچه از شما استفاده نمایند از شما طرفداری نمی کنند و شماها را برای منافع خویش به هلاکت می کشند و من نصیحت برادرانه به شما می کنم که کاری نکنید که قرآن کریم برای برخورد با شما تکلیف نماید و ما به حکم خدا با شما رفتار کنیم و یقین بدانید که امثال حسنی مبارک مصری و حسین اردنی و دیگر هم جنایتکاران آنان برای شما نفعی ندارند و دین و دنیای شما را تباه می کنند و اگر با تشمت های خود بخواهید طرح کمپ دیوید یا فهد را که مرده اند، زنده کنید، که ما خطر بزرگ برای کشورهای اسلامی خصوصا حرمین شریفین می دانیم، اسلام به ما اجازه سکوت نمی دهد. و اینجانب در پیشگاه مقدس خداوند تکلیف الهی خود را اداء نمودم. اکنون دست تضرع و دعا به سوی خالق یکتا بلند کرده و به قوای مسلح اسلام و فداکاران قرآن کریم و میهن عزیز ایران دعا می کنم و سلامت و سعادت و پیروزی آنان را خواستار هستم. سلام و درود بی پایان بر فرماندهان متعهد قوای مسلح و بر رزمندگان فداکار و بر ملت دلیر ایران عزیز و سرشار از شادی ها. والسلام علی عبادالله الصالحین روح الله الموسوی الخمینی تاریخ: ۴/۳/۶۱

### بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه استان کرمان

بسم الله الرحمن الرحيم از آقایانی که زحمت کشیده و اینجا آمده اند تشکر کرده و دعاگوی همه می باشم. و همچنین از اهالی و علمای کرمان و ائمه جماعت آن استان که خداوند همه آنان را حفظ فرماید تشکر می کنم. بار دیگر این نکته را تذکر می دهم که سعی کنید وحدت را حفظ نمائید، وحدت بین خودتان، وحدت بین خودتان و مسوولین و وحدت بین خودتان و مردم. شما می بینید که تمام سعی منافقین و مفسدین خارج و داخل بر این است که بین مردم شکاف ایجاد نمایند و این خود بهترین دلیل است که ما باید وحدتمان را حفظ کنیم. این پیروزی عظیم و بزرگی که رزمندگان ما به دست آورده اند و وابسته به قدرت های بزرگ را از سرزمین خودمان بیرون کردند، از حفظ وحدت است. امروز تمامی رسانه های گروهی سعی می کنند یا پیروزی ما را منعکس نکنند و یا اگر می کنند، بلافاصله با داد و بیداد خطر این پیروزی را در منطقه گوشزد نمایند و فریاد می دارند که اگر ایران پیروز شود با منطقه چه می کند، با کشورهای خلیج چه خواهد کرد. آنچه مردم را مجتمع می کند همین ائمه جماعت و جمعه هاست. شما در کرمان و دیگران در سایر شهرها سعی کنید مسائل خودتان را مطرح کنید و با یکدیگر تفاهم داشته باشید، مردم هم که در صحنه حاضر و ناظرند، دیگر هیچ ترسی نیست. امروز همکاری و همیاری مردم بیسابقه است. ما هر روز شاهد زنانی هستیم که ماحصل عمرشان، یک تکه طلا را می آورند و در راه خدا و جنگ انفاق می کنند. از طرف دیگر یکی از آقایان به من گفت که در جبهه نوجوان دوازده سیزده ساله ای دیده است که دستش قطع شده و بلافاصله دست قطع شده خود را گرفته و رفته است به سوی میدان جنگ، خوب توجه کنید در چنین موقعیتی تکلیف ما چیست؟ خیلی روشن است که تکلیف همگی ما خیلی سنگین است. اگر خدای ناخواسته اشتباهی کنیم آنها که منافعشان در خطر است آن را در داخل و خارج بزرگ می کنند و علیه ما تبلیغات می کنند. سعی کنید مطالعه کنید که در خطبه هایتان چه می خواهید بگوئید. امیدوارم اسلام به دست شما منتشر شود تا مقدمه ای شود برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف. امیدوارم موفق و موید باشید. والسلام علیکم تاریخ: ۶/۳/۶۱

### پیام امام خمینی به مناسبت سالروز میلاد امام حسین (ع) و روز پاسدار

بسم الله الرحمن الرحيم طلوع آفتاب سوم شعبان که سالروز طلوع شمس معنویت و پاسدار اسلام و مجدد حیات قرآن کریم

و نجاتبخش امت خاتم صلی الله علیه و آله و سلم از شب تاریک به عصر ظلمانی حکومت جائزانه یزیدیان که می رفت تا قلم سرخ بر چهره نورانی اسلام کشد و زحمات طاقت فرسای پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و مسلمانان صدر اسلام و خون شهداء فداکار را به طاق نسیان سپارد و به هدر دهد، بر همه مسلمانان جهان و شیعیان خط سرخ امامت و ملت فداکار در صحنه ایران بزرگ و رزمندگان در راه هدف مقدس و خصوص سپاه پاسداران عزیز که این روز عظیم الشان را برای خود انتخاب نموده اند مبارک باد. و امروز که نوید پیروزی حق را بر باطل و جنودالله را بر جنود شیطان، با پیروزی های بزرگ پی در پی خصوصا بیت المقدس که از شاهکارهای عظیم کم نظیر جنگ ها بوده است، می دهد، مبارک تر و پر برکت تر است. سپاه پاسداران که رکنی بزرگ در پیروزی انقلاب اسلامی است با اقتدا به مولای خود سید مظلومان علیه الصلوه والسلام، نجاتبخش ملت ایران و اسلام عزیز از شب های تاریک و ظلمانی ستمشاهی بوده و در پاسداری از انقلاب و هدف های آن عاملی موثر و رکنی رکین بوده و هست. سپاه در جبهه های دفاع مقدس از اسلام و میهن اسلامی، با وحدت و انسجام کامل با ارتش معظم و بسیج عزیز و ژاندارمری و عشایر مکرم و سایر قوای نظامی و انتظامی و مردمی، چون صفی آهنین و بنیانی مرصوص پاسداری نموده و دشمنان اسلام و بشریت را از میدان های نبرد مفتضحانه رانده است و برای خود و اسلام و میهن معظم ایران افتخارهایی آفریده است که تاریخ فراموش نخواهد کرد و حضرت بقیه الله ارواحنا لثراب مقدمه الفدا از نظر مبارک نخواهد برد و پروردگار جل و اعلا- بر خدمتگزاران به اسلام و میهن اسلامی که این رزمندگان بحمدالله تعالی از آنانند، رحمت و برکت خود را دریغ نخواهد فرمود. ای عزیزانی که مجالس ذکر و دعا و مناجات شما در شب ها چون شب عاشورا به ملکوتیان نورافشانی می کند و چون ستاره ای درخشان در جبهه ها می درخشد و روزتان چون روز عاشورا در مقابل یزیدیان استقامت می نماید! قدر این شب های معنوی و عرفانی و این روزهای سلحشوری و افتخار آمیز را بدانید که خدای بزرگ شما را برای نصرت خویش انتخاب فرموده و امثال ما را لایق این خوان نعمت و رحمت معنویت و فداکاری ندانسته است. صدام خائن امروز بهتر فهمیده است که از این دامی که برای او گسترده اند نجات نخواهد یافت و او و حزب کافر بعث عراق جز سرنگونی و هلاکت سرنوشتی ندارند و از این رو با آنهمه رجزخوانی و ادعای پوچ سرداری قادسیه و کوبیدن طبل میان تهی انقلابی بودن و با اسرائیل دشمنی آشتی ناپذیر داشتن، امروز به دامان حکومت سرسپرده آمریکا یار و همقطار اسرائیل پناه برده و دست ذلت و در یوزگی به جانب دشمنان عرب و اسلام دراز کرده است که نخست او را از این مهلکه مرگبار که خود برای خود تهیه دیده نجات دهند و سپس اذهان را از دشمن بزرگ اسلام و غاصب سرزمین های آنان منصرف و قرارداد ننگین کمپ دیوید را با برگرداندن حسنی مبارک به جامعه عرب به کرسی نشاند و یا طرح فهد را که برای ملت عرب و بالاتر برای اسلام ننگ آور است اجرا کند. من به دولت های عربی منطقه هشدار می دهم که با تسلیم شدن در مقابل اینگونه طرح ها، علاوه بر قبول اسارت خویش به دست آمریکا و از آن ننگین تر اسرائیل، دشمنی ملت و دولت و قوای مسلح نیرومند ایران را برای همیشه به بار می آورد و اگر امروز به دامن اسلام برنگردید، فردا دیر است. شما را فریبکاری های آمریکا و رجزخوانی های حسنی و حسن و حسین و قابوس که حقا احتیاج به قیم دارند و سفیهانه جوانان کشورهای خود و اسلحه و مهمات ارتش خویش را که باید در راه نجاتشان از چنگال اسرائیل به کار برند و گول زنند، با یک کشور اسلامی که شاه معدوم را با آن قدرت شیطانی و حمایت شیطان های بزرگ و کوچک و صدام جنایتکارتر از شاه معدوم را به جهنم فرستاد، به ستیز برنیانگیزاند. شما به مطبوعات و رسانه های گروهی خود اجازه ندهید که به تبعیت از بوق های ابر جنایتکاران، به سمپاشی و تهمت و افترا نسبت به کشور نظامی که می خواهد با همه مسلمانان و دولت های منطقه با برادری و حسن جوار رفتار کنند مشغول باشند. شما که هر روز شاهدید که رئیس جمهور محترم و دولت و مجلس ایران کرارا شما را نصیحت نموده اند و به دوستی دعوت کرده اند و می خواهند قدرت عظیم اسلامی ایران را برای دفع دشمنانی که به کشورهای شما چشم طمع دوخته اند، در کنار شما

به کار برند و شما و ذخایر شما را از حلقوم جهنمی جهانخواران برای نفع ملت های شریف مظلوم منطقه بیرون کشند. آن روز که اول انقلاب بود و ارتش و سپاه و دیگر قوای مسلح ما آمادگی کافی نداشتند، صدام با همه تجهیزات و خیانت بعضی عناصر دست اندر کار، ناگهان از زمین و هوا و دریا به ایران تاخت و غافلگیرانه قسمت بزرگی از کشور ما را اشغال نمود. نیروهای مومن و جوانان فداکار به مجرد اطلاع راه را بر آنان بستند و عقابان تیز پرواز نیروی هوایی مواضع نظامی سرتاسر عراق را در هم کوبیدند و اگر نبود تعهد اسلامی آنان و خوف هلاکت بیگناهان و خرابی اماکن ملت برادر عراق، که تاکنون نیز دست آنان را همین انگیزه بسته است، چنان درس عبرت آمیزی به حزب کافر بعث می دادند که بعضی از دولت های منحرف منطقه و غیر آن هوای مبارزه با ملتی که شهادت را تحفه آسمانی می دانند، به سر نپوراندند. و اما امروز که با سپاس خداوند متعال و تائیدات غیبی و عشق و ایمان سرشار ملت، قوای مسلح از سپاه پاسداران و ارتش و بسیج و عشایر و نیروهای مردمی و قوای نظامی و انتظامی و کمیته ها و دیگر نیروها به انواع سلاح ها و صلاح ها مجهز و آماده هستند و فریاد شهادت طلبی و جنگ جنگ تا پیروزی آنان فضای ایران بلکه جهان را به هیجان و لرزه در آورده است و از موضع قدرت عظیم، دست پر برکت و قدرتمند خود را برای دوستی و برادری ایمانی پیش تمام مسلمین خصوصاً ملت ها و دولت های منطقه و همسایه دراز کرده و آنان را نصیحت می کنم که صلاح دنیا و آخرت اینان نیست که با خیال خام پشتیبانی از مصر و اردن و دیگر خائنان به ملت های خود و اسلام عزیز هر روز گرد هم آیند و بخواهند توطئه های آمریکای جهانخوار را جامه عمل بپوشانند. دولت مصر و اردن اگر عرضه داشتند و در فکر شرف انسانی و عربی بودند خود را از اسارت رژیم صهیونیستی اسرائیل رهائی می بخشیدند نه آنکه در شناسائی اسرائیل کوشش می کردند و با طرح اسارت بار کمپ دیوید رشته های اسارت و ذلت خویش را محکمتر می نمودند. و آنان که به خیال خام خود برای مقابله با جمهوری اسلامی در باز گرداندن مصر به جامعه عرب کوشش می کنند، سخت در اشتباه هستند و گور خود را با دست خود که دست جنایتکار آمریکاست می کنند. در صورتی که پس از پیروزی نهائی که به خواست خداوند بیش از چند قدمی به آن نمانده است، اگر از کردار غیر اسلامی و غیر عربی خود پشیمان شده و توبه کنند، در این صورت اگر دولتمردان ما هم قبول کنند، معلوم نیست ملت ستمدیده و عزیز از دست داده ما قبول کند و در صورت عدم قبول ملت، هیچ یک از دولتمردان ایران حق و قدرت هیچ گونه کاری را در این زمینه ندارد، زیرا در ایران اسلامی، مردم تصمیم گیران نهائی تمامی مسائلند. پس تا فرصت از دست نرفته و وقت باقی است، به دامان اسلام و ملت های خود برگردند و دست از توطئه ها و سمپاشی ها علیه ایران نیرومند بردارند و با دولت و ملت ایران علیه اسرائیل و دیگر دشمنان اسلام و بشریت همدست و همدستان شوند که اینجانب صلاح دین و دنیای آنان را در این می بینم. اکنون درهای رستگاری به روی آنان باز است و خداوند تعالی رحمه للعالمین است. اکنون به مناسبت روز بزرگ ولادت سراسر افتخار و با سعادت پاسدار عظیم الشان اسلام و قرآن کریم که با خون خود و یاران و عزیزان ارجمندش نعره کفرآمیز یزیدیان را که عربده کشان ندای (لا خبر جاء ولا نزل) را سر می دادند، در حلقوم نحسشان خفه کرد و روز پاسداران عاشق پیشه فداکاری که با خون پاک خود و سایر رزمندگان عزیز، نعره های عربده آسای سردار قادسیه عصر را با یاران تبهکار جنایت پیشه اش در حلقوم کفر ندهایشان شکست، سخنی با این منادیان حق و مبارزان دشمنان حقیقت در میان می گذارم و این تذکری است برای آگاهان: برادران محترم و نور چشمان عزیز! مبدا آفت های پیروزی که در راس آنها غرور است، خدای ناخواسته شما را به دام کشد و از صاحب اصلی نصر که خداوند قادر است اغفالتان نماید، که این حيله ای است شیطانی که دنبال آن علاوه بر از دست رفتن معنویت که اساس پیروزی شما عزیزان است، موجب غفلت از حيله های دشمنان نیز می باشد که شکست را همراه دارد. باید شما قوای نیرومند مسلح و ملت عظیم الشان پشتیبان شما از تبلور جلوه قدرت الله در خود هیچ گاه غافل نشوید (و ما النصر الا من عند الله) و (نصر من الله و فتح

قريب ( و (انا فتحنا لك فتحا مينا) شاهد آن است . تمام جمال و جلال و خوبی ها از اوست و به يد قدرت او، و شكست و غرور و سرکشی از شيطان نفس است که باید به خداوند متعال از آن پناه برد. برادران ! از اسرای جنگ که در دست شمايند، هر چند گناهکارند دلجویی کنید و با آنان رفتار اسلامی !!! انسانی داشته باشید و آسیب دیدگان عراقی را به اسرع وقت به بیمارستان ها بفرستید تا تحت معالجه قرار گیرند و دکترها و پرستارهای بیمارستان ها که کوشش های ارزنده آنان چه در جبهه ها و چه در بیمارستان ها بر مردم شريف ما پوشیده نیست و باعث تشکر بسیار است ، با آنان چون نزدیکان و برادران خود رفتار نمایند و تلخی آسیب و اسارت را با رفتار اسلامی خود از ذائقه آنان کاهش دهند. در اینجا لازم می دانم از روحانیون در جبهه ها و جهاد سازندگی و وزارت دفاع و تمامی کسانی که در دفاع از میهن اسلامی نقش داشته اند تشکر نمایم . یکی دیگر از اموری که باید تمام قوای مسلح و خصوصا آنان که در شهرها سر و کارشان با مردم بیشتر است ، مثل سپاه پاسداران و بسیج و کمیته ها و شهربانی توجه کنند، رفتار نیکو و انسانی آنان است با مردم ، بویژه مستضعفان . مردمی که از جمهوری اسلامی و رزمندگان جبهه ها با تمام توان پشتیبانی می کنند، سپاه و سایرین باید قلوب آنان را جلب و رضای خداوند را به دست آورند و ملت عزیز نیز قدر این فداکاران را که شب و روز خود را برای حراست از اسلام و کشور و حفاظت آنان صرف می کنند، بدانند و از آنان قدردانی نمایند. و اینجانب با ناتوانی خود دعاگوی همه هستم و از خداوند سعادت همه را خواهان و برای شهدای عزیز رحمت و علو درجات و برای بازماندگان آنان صبر و سلامت و برای آسیب دیدگان که نور چشمان ما هستند، سلامت کامل و سعادت و برای رزمندگان پیروزی نهائی و برای اسلام عظمت و قدرت و برای جمهوری اسلامی دوام را خواستارم . و در آخر از ملت ایران متواضعانه تشکر می کنم که با تمام توان مشکلات جنگ را که امری است اجتناب ناپذیر با کمال گشاده روئی تحمل نموده اند، بلکه اینانند که به متصدیان امور دلداری می دهند و با تقدیم عزیزان خود به اسلام در پشت جبهه ها نیز حاضر و با کمک های بسیار ارزنده خود از فداکاران و دولت خدمتگزار خویش پشتیبانی نموده و اسلام بزرگ و میهن عزیز خویش را در جهان سرفراز کردند و الحق اگر این روحیه بزرگ اسلامی انسانی ملت نبود، دولت در همان قدم های اول به بن بست می رسید. و ما بحمدالله تعالی با این ملت حاضر در جمیع صحنه ها و دولت با تمام توان و قدرت خدمتگزار به اسلام و جمهوری اسلامی و ارتش و سپاه و بسیج و دیگر فداکاران شجاع سلحشور که دژهای محکم دشمن را که قریب دو سال در ساختن و استحکام و مجهز نمودن آنها به تمام تجهیزات جنگی کوشش ها نمودند، با یورش دلاورانه و تایید الهی در هم کوبیده و ارتش آرایش یافته و مجهز به جمیع سلاح های بزرگ و کوچک مدرن ساخت آمریکا و شوروی و فرانسه را نیرومند مسلح در هم پیچید به صورتی که عده ای از آنان را وادار به فرار و عده بیشماری از آن مفسدان را کشته و زخمی و عده بسیاری را به اسارت درآوردند و با دل مطمئن به الطاف الهی و قدرت معنوی و سپاهیگری آنان ، آخر جنگ را که نزدیک است نظاره می کنیم و خدای عزوجل را بر نعمت های سرشار او سپاس می گزاریم . درود خدا و رسولش بر شهدا و معلولین جنگ تحمیلی عراق علیه ایران . سلام خدا بر پدران و مادران و همسران و تمامی بازماندگان شهداء افتخارآفرین اسلام و ایران عزیز. سلام و درود ملت ایران بر آسیب دیدگان جنگ . مرگ و نفرین بر ابرقدرتان ، بخصوص آمریکای جنایتکار که اکثر فتنه های منطقه به دست کثیف او تحقق می یابد. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته روح الله الموسوی الخمينی تاریخ : ۸/۳/۶۱

## بیانات امام خمینی در جمع اعضای ستاد بسیج اقتصادی

### ایران امروز به عنوان یک ایران بزرگ و نیرومند مطرح است

بسم الله الرحمن الرحيم کسانی که سنشان اقتضا می کند و زمان های گذشته را به یاد دارند، می دانند که چگونه جنگ شد و به



کشور ما وارد شدند و عواقب جنگ چه بود و چه چیزهائی را به دنبال داشت . در جنگ دوم جهانی ما هیچ قدرتی نداشتیم و دیگران به کشور ما وارد شدند و من به یاد دارم که بر ملت چه گذشت . من باب نمونه ، در آن موقع وسائل اولیه زندگی پیدا نمی شد و اگر هم بود فاسد بود. شما اگر زندگی امروز مردم را نسبت به گذشته مقایسه کنید خواهید فهمید که بر خلاف گذشته امروز نایابی نیست بلکه گرانی است . مهم این است که امروز همه ، همه چیز را بر روی ما بسته اند و این خود، نعمتی برای ما بوده است . وقتی همه درها بسته شد و فکرها باز، می بینید که فعالیت ها آغاز شد و همه جا کانون فعالیت است . مردم همچنان در کنار دولت ایستاده اند و هیچ گاه دولت را تنها نگذاشته اند و می بینید قریب دو سال است که جنگ را به خوبی به پیش می برند. فتح خرمشهر یک مساله عادی نبود. اینکه پانزده الی بیست هزار نفر به صف ، برای اسارت بیایند و تسلیم شوند، مساله عادی نیست ، بلکه مافوق طبیعت است . ایران امروز به عنوان یک ایران بزرگ و نیرومند مطرح است و در همه جا بر سر زبان هاست ، صدام می گوید ما پیروزمندانه عقب نشینی کردیم !! قصه نادر را شنیده اید که وقتی شکست خورد و به سردارها گفت : بنویسید ما شکست خوردیم . میرزا مهدی خان نوشت : چشم زخمی به ارتش ما وارد آمد. وقتی که نوشته را به دست نادر دادند، آن را پرت کرد آن طرف و گفت : بنویس با ما چه کردند. او این قدرت را داشت که بگوید ما شکست خوردیم . اینها اگر قدرت جبران داشتند به شکست خود اعتراف می کردند ولی شکست آنها همیشگی و تا ابد است . از طرفی آمریکا تشر می زند که ما منافع داریم . بلی ، شما منافع دارید ولی ما از دستتان گرفته ایم . شما از آن طرف دنیا می خواهید دخالت کنید. مگر دخالت چگونه است ؟ دخالت شما این است که صدام و منافقین را فرستاده اید. معنای دخالت این نیست که ریگان خودش بیاید. شما آقایان قدر این ملت را بدانید و کوشش کنید رضایت آنها را که با ما و شما همراهی کردند حاصل کنید. من از شما که مشغول خدمت به اسلام و مسلمین هستم تشکر می کنم و امیدوارم در کارتان موفق باشید. تاریخ : ۹/۳/۶۱

## بیانات امام خمینی در جمع گروهی از کارکنان صنعت نفت

### با اعتصابات شما رژیم سابق و اربابان آنان فلج گردیدند

بسم الله الرحمن الرحيم شما عزیزانی که امروز اینجا تشریف دارید، کسانی هستید که اولاً مورد هدف جنایتکاران بیشتر از همه هستید و ثانیاً برای خدمت به اسلام و میهن عزیز اسلامی موثرترین ارگان ها هستید. من به شما تبریک می گویم که شما جوانانی هستید که با کوشش شما این انقلاب پیروز شد و شما مردان سلحشوری هستید که با اعتصابات شما رژیم سابق و اربابان آنها فلج گردیدند. مبارک باد بر شما این پیروزی و این قدرت . و باید به شما بعضی از نکات را عرض کنم : اینکه در این پیروزی بزرگی که نصیب ایران شده است و بحمدالله قدم های آخر را طی می کند و دشمنان اسلام و میهن شما نفس های آخر را می کشند، می بینید که قدرت های بزرگ به وحشت افتادند و گاهی ما را تهدید می کنند، شما را تهدید می کنند و گاهی منطقه را بر ضد ما و ملت ما و شما می خواهند بسیج کنند، این برای این است که آنها از این قدرت اسلامی و از این وحدتی که در ایران پیدا شده است و انسجامی که در تمام گروه های این ملت پیدا شده است خوف دارند. بالاتر ارگانی که هدف جنایتکاران است ، قضیه نفت است و قضیه کارمندان و کارفرمایان نفت است . شما باید توجه بکنید که حفظ این کشور و حفظ اسلام در این ناحیه بسته به تعهد شما به اسلام و میهن خودتان است . و جنایتکاران و منافقان و منحرفان ، حيله ای که دارند، در راس همه حيله ها نفوذ در بین شماست و منحرف کردن شماها در راس برنامه های آنهاست و من امید این را دارم که شما همانطور که تاکنون در مقابل همه ایستاده اید و کارمندان و کارفرمایان و تمام اشخاص که در این محلی



که شریان حیات یک ملت است به کار ادامه می دهید، از حیل‌های اینها غافل نباشید. بدانید که هر روزی که در بین شما، حیل‌گران و افسون‌سازان و ساحران آمدند و خواستند یک مطلبی ایجاد کنند، یک خلافتی ایجاد کنند، بدانید آن روز است که می‌خواهند شما را تحت سیطره دشمنان اسلام قرار بدهند و اسیر آنها بکنند.

### خدمتگزار ملت و اسلام باشید تا بزرگی بکنید بر همه دولت‌های قدرتمند

اینکه دولت آمریکا در اینوقت از زمان می‌گوید که ما دوستانی داریم در منطقه و منافع داریم، باید دید که او چی می‌گوید، دوستان آنها کی هستند و کی بودند و منافع آنها در این منطقه چی هست و چی بود و چی خواهد بود. آنها دوستانی دارند و دوستان، آنقدر دوستی دارند که علاوه بر اینکه مزدور بی‌مزد هستند، مزدور مزدبده هستند. آنهایی که منافع کشور خودشان را، سرمایه‌های انسان‌های مظلوم را به پای قدرتمندان می‌ریزند و منافع آنها را تامین می‌کنند، مراد از منافع اینطور منافع است، منفعی که شریان حیات آنها را در صورتی که قطع بشود، قطع می‌کند. و دوستان آنها دوستانی هستند که اگر آنها کنار بروند، حیات آنها را هم سلب می‌کند. و ما به همه کشورهای که همسایه ما هستند، اسلامی هستند، به دولتمردان آنها که به خیال خودشان اسلامی هستند، تذکر می‌دهیم که مقصود آمریکا از اینکه ما دوستانی داریم و منافع داریم و دنبال او و دوستان منافع خودشان را به واسطه اسلام و ایران اسلامی در خطر می‌بینند، آن منافع، همان منابع سرشار کشورهای اسلامی است و همان منابع زیرزمینی در کشورهای اسلامی و مناطق مهم برای آنها هست و آن دوستان شماها هستید که بعضی شما هست که برای آنها خدمت می‌کنید و در اداء این خدمت، ذخایر خودتان را هم تقدیم می‌کنید. ملت ایران، دولت ایران و همه ارگان‌های ایران می‌خواهند شما را از این بار ذلت که برای شما پیش آورده اند که منافع شما و چیزهایی که باید برای ملت‌های شما و برای تعمیر کشور شما صرف بشود، به رایگان می‌خواهند ببرند و شما را دارند اغفال می‌کنند و به خیال خودشان خیال دارند که شماها را در این مهلکه ای که صدام گرفتار شد، گرفتار کنند که شاید بتوانند از این گرفتاری که به برکت اسلام برای آنها پیدا شده است، از آن نجات پیدا کنند. ملت‌ها می‌دانند که اسلام برای آنها از هر چیز عزیزتر و سودمندتر، هم برای دنیای آنهاست و هم برای آخرت آنها. دولت‌ها باید این تنبیه را داشته باشند، ملت‌ها می‌دانند، ملت‌ها که سالیان دراز تحت شکنجه بودند، شکنجه‌های روحی، شکنجه‌های جسمی، ملت‌هایی که در فقر و مسکنت غوطه می‌خورند و زره‌های آنها را و طلای سیاه آنها را در حلقوم دیگران می‌ریزند، ادراک می‌کنند که موافقت با جمهوری اسلامی، بیرون کردن قدرت‌های اجنبی و سلطه‌های کفار است و برچیدن بساط آنهاست. دولت‌ها باید متذکر باشند و دولت‌ها توجه بکنند به رژیم فعلی ایران، ببینند که آیا آنها برایشان با وضعی که دارند بهتر است یا اگر وضع تغییر بکند و بشود مثل ایران؟ توجه بکنند به اینکه ایران امروز، دولت و ملت و مجلس و تمام ارتش و سپاه پاسداران و همه، یک ارگان هستند و همه پشتیبان هم هستند. دولت اگر گرفتاری پیدا بکند، همین ملتند که رفع گرفتاری می‌کنند. اگر در سرحدات ما جنگ، جنگ تحمیلی پیدا شد، همین ملت و همین کارکنان نفت و سایر ارگان‌ها هستند که پشتیبانی می‌کنند. همانطوری که سابق شیرهای نفت را بستند و پیروز شدند، امروز هم باز می‌کنند و باز کردند و پیروزند. و برای دولت اگر مشکلی پیدا بشود، همین جوانان و همین ملت، زن و مرد، بچه و بزرگ است که در رفع اشکالات کوشش می‌کند. شما دولت‌های خارج از ایران می‌بینید که آنقدر مشکلات برای ما، ابرقدرت‌ها پیش آوردند و ما را محاصره اقتصادی کردند و کمک همین ملت، آن توطئه‌ها را خنثی کرد. اگر شما این وضع را پیدا بکنید، ملت شما با شما مثل ملت ایران با دولت ایران باشد و تمام قدرت‌های شما جمع بشود، متمرکز بشود و در مقابل قدرت‌ها بایستد و آقائی کنید نه نوکری، خدمتگزار ملت و اسلام باشید تا بزرگی بکنید بر همه دولت‌های قدرتمند، آن بهتر است یا اینکه قطع رابطه بکنید با ملت‌های خودتان و داع بگوئید با اسلام و مخالفت کنید با یک

جمهوری که اسلامی است و می خواهد آزاد و مستقل باشد؟ و مخالفت با اینها بکنید و ذلیل باشید در تحت سلطه قدرتمندان که وقتی مطلبی پیش می آید که مخالف با منافع آنهاست اعلام می کنند که دوستانی داریم و منافی داریم؟ آمریکا چه منافی می تواند در اینجا داشته باشد جز منابع زرخیز شما؟ و چه دوستانی می تواند اینجا داشته باشد جز آنهایی که به عنوان دوستی خدمتگزار هستند؟ آمریکا دوست نمی خواهد، آمریکا خدمتگزار می خواهد، آمریکا خدمتگزارانی می خواهد که منافع ملت شان را تقدیم بکنند و در عین ذلت را به خودشان بار بیاورند تحمل کنند. ما، ملت ما و دولت ما ایستاده ایم و در مقابل هر سلطه جوئی ایستاده ایم و تا آنوقت که توان داریم مخالفت می کنیم. و من امیدوارم که این عنایاتی که خدای تبارک و تعالی با این ملت خدمتگزار به اسلام دارد، مستدام باشد و این خدمتی که تمام ملت ما برای اسلام و میهن اسلامی می کند مستدام باشد. و اگر همچو مطلبی انشاءالله مستدام باشد، آسیب نخواهد دید، قدرت های بزرگ را با تمام کیدهای شیطانی رسوا خواهد کرد.

### ما از اول انقلاب تاکنون هر چه دیدیم معجزات بوده است

ما از اول انقلاب و بعد از پیروزی تاکنون هر چه دیدیم معجزات بوده است. شما ملاحظه بفرمائید که در این اختلافی که، نهضتی که ایران پیدا کرد و مقابل رژیم شاهنشاهی با آنهمه یال و کویال و با آنهمه کسانی که قدرتمند بودند و دولت های قدرتمند و پشتیبانی آنها، کدام قدرت توانست یک همچو رژیم دو هزار و پانصد ساله با همه ابزار جنگی و آلات، سلاح های مدرن، از این کشور بیرون کند و شکست بدهد؟ و کدام قدرت است که امروز در جبهه های جنگ در مقابل اینهمه تجهیزات، پیروزی حاصل می کند؟ و کدام قدرت بزرگ است که در دل اینها آنطور رعب و ترس می افکند که فوج خود را تسلیم می کنند؟ در صورتی که آنها در پناهگاه هائی که با همه جور تجهیزات مجهز بود زندگی می کردند و برادران شما و ما باژ!!! ۳ و امثال اینها در بیابان، از بیابان هجوم می کردند. آنچه آنها را آنطور مرعوب کرد که یکباره سلاح ها را زمین گذاشتند و تقدیم کردند و هر کدام می توانستند خودشان را به شط انداختند و یا هلاک شدند یا با شنا خارج شدند و هر کدام نمی توانستند اسیر شدند و تسلیم شدند.

### بیدار باشید که اگر اختلافی پیدا بشود اسارت شما عود می کند

برادران من! توجه کنید که شما چه کردید و باید چه ماموریت الهی را انجام بدهید. توجه کنید که شما شریان های ابرقدرت ها و غرب و شرق را در دست دارید و دشمن های شما هدف اصلی شان شما هست که دست شما و دست قدرتمند شما آنها را به عقب زد. و توجه کنید به کید آنها و توطئه های آنها که هر روز در کار هست. کارمندان نفت و تمام کارگران این طلای سیاه بدانند که آنها مقصد هستند و آنهایی که می خواهند این کشور را به شکست بدهند، یکی از کارهایشان همان است که در آنجا یک ایجاد اختلاف بکنند. بیدار باشید که اگر خدای نخواستہ در آنجا یک اختلافی پیدا بشود، اسارت شما عود می کند. ما و شما و همه ملت ما آن روز در تحت سلطه قدرت های بزرگ به وسیله این رژیم فاسد بودیم، کارفرمایان تمام جاها آنها بودند و ماها را مثل یک عمده حساب می کردند. دست برومند شما و قدرت ایمانی شما آنها را به جای خود نشانده و به جهنم فرستاد و شما امروز خودتان بحمدالله قدرت در دست دارید و خودتان تمام رشته ها را در دست دارید و با همه توطئه هائی که آنها کردند، همه را خود شماها خنثی کردید و همین تحریم اقتصادی برای شما یک تحفه آسمانی بود که فکرهای متفکران ما را به راه انداخت و بحمدالله رو به خود کفائی می روند. من دیگر کوتاه می کنم و دعا می کنم که شما به خداوند تبارک و تعالی، این قدرت اسلامی را حفظ کند و خداوند تبارک و تعالی هشیاری شما را حفظ کند و خداوند تعالی دشمن های ملت ما را

از بین ببرد و کیدهای آنها را خنثی کند و سعادت و سلامت و عزت و عظمت نصیب شما دوستان و ملت های اسلامی باشد.  
والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته تاریخ : ۱۱/۳/۶۱

## بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان مجلس شورای اسلامی ، اعضای شورای عالی قضائی ، قضات شرع و دادستان های دادگاه های انقلاب اسلامی

### هر قدمی که انقلاب به پیش می گذارد مسؤ ولت متعهدین به اسلام افزون می شود

بسم الله الرحمن الرحيم با تشکر از آقایان نمایندگان محترم مجلس و آقایان شورای قضائی و قضات محترم اسلامی و دادستان های محترم که با تشریف آوردنشان خدمتشان رسیدیم و تبریک پیروزی های اسلام به همه آقایان و همه ملت و همه مستضعفان جهان ، چند کلمه ای راجع به تکالیف فعلی خودمان و بعد هم چند کلمه ای راجع به اوضاعی که الان در دنیا می گذرد عرض کنم . البته مطلبی را که رئیس محترم مجلس فرمودند، من الان نمی توانم به طور شایسته صحبتی در آن باب بکنم . من امروز یک کلیاتی عرض می کنم و انشاءالله در فرصت دیگر امید است که مسائل و مشکلات حل بشود. در عین حالی که ایشان فرمودند مشکلات داریم و من هم معتقدم به اینکه مشکلات فراوان داریم ، لکن چون درصدد رفع مشکلات هستیم ، هم مجلس محترم که بحمدالله یک اجتماع الهی است و هم شورای قضائی و قضات و دادستان های محترم که تمام متعهد و خدمتگزار هستند و هم دولت و مراتب اجرائی ، الان همه درصدد رفع مشکلات هستند و این مژده رفع مشکلات را می دهد. تا شروع نشده است به رفع مشکلات و طرح هایی که برای رفع مشکلات است ، مشکلات خیلی بزرگ نمایش پیدا می کند، لکن بعد از اینکه تصمیم گرفته شد و شروع شد به کار، امید است که با همین شروع ، رو به رفع مشکلات بگذاریم و انشاءالله با سرعت این مشکلات بر طرف بشود. آنچه من در این جلسه محترم باید عرض کنم این است که هر قدمی که انقلاب به پیش می گذارد، به همان اندازه مسؤ ولت همه آقایان و همه کسانی که در امور این نهضت اسلامی ، چه دولت و چه دیگران ، دخالت دارند، افزون می شود. یک وقت است که اول انقلاب است و مشکلات انقلاب در کار است و هرج و مرج هایی که در هر انقلاب اجتناب ناپذیر است ، آنجا عذر موجه است . یک وقت هم هست که باز مفسدین و منافقین و منحرفین دستشان باز است و به کارهای جنایتکاری خودشان ادامه می دهند و جنگ است و حال جنگ است ، آنوقت هم یک مقداری معذور هستند. اما بحمدالله این مسائل که خار راه آقایان است ، حل شده باید ما حساب کنیم . هم قضیه جنگ به خواست خدای تبارک و تعالی در شرف حل است و هم این منحرفین و وابستگان به قدرت ها رو به فنا هستند. از این جهت ما، آقایانی که در مجلس شورای اسلامی هستند و مهمترین مقام رادارا هستند و چه شورای قضائی و قوه قضائیه که از اهمیت بسیار برخوردار است و هم دولت که مجری قوانین است ، قوانین اسلام است ، امروز مسوول هستیم . یعنی از من طلبه تا شما آقایان و تا دولت و قوه قضائیه و قضات محترم و دادستان های محترم همه جا و ائمه جماعات و جمعات و مراجع عظام اسلام و طلاب علوم دینی و متفکرانی که متعهد به اسلام هستند، همه در این وقت مسؤ ولت بزرگی به عهده داریم . یعنی خدای تبارک و تعالی الان از ما عذر را کم می پذیرد یا نمی پذیرد. الان ما نمی توانیم بگوئیم که حال انقلاب است و حال انقلاب کاری از دستمان بر نمی آید، و نمی توانیم بگوئیم که جنگ آنطور در ایران است که دست همه را بسته است ، و نمی توانیم بگوئیم که این گروهک ها آنطور فعالیت دارند که اذهان ما را به خودشان متوجه کرده اند. اینها مسائلی است که یا حل شده است یا نزدیک به حل است . از این جهت ما الان هم مجلس باید قدم های بلندتری بردارد و لویحی که عرضه می شود یا خودش قوانین می خواهد بگذرانند، هر چه بیشتر سرعت بدهد و اسلامی بودنش صددرصد باشد. اگر یک قانون ، یک

پیشنهاد، یک لایحه در آن یک نکته غیر اسلامی باشد، این در نظر اسلام و خدای تبارک و تعالی مردود است. باید ما همه کوشش کنیم به اینکه همانطور که جمهوری اسلامی را با کوشش این مردم و جمعیت های میلیونی اسلامی، این جمهوری اسلامی را به پیروزی رساندند و همه ما مرهون زحمات و فداکاری های آنها هستیم و خداوند همه را سلامت بدارد و به همه شهدای ما رحمت و سعادت نصیب کند، ما همه مرهون آنها هستیم و ما آن مقصدی را که آنها داشتند موظفیم که دنبال کنیم. مقصد آنها در شعارهای آنها از اول انقلاب تا حالا و انشاءالله بعدها هم شعارها محفوظ است، منعکس است. آنها استقلال می خواهند، آزادی می خواهند و جمهوری اسلامی می خواهند. جمهوری ای که باید اساسش بر احکام اسلام باشد و جمهوری ای باشد که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امام زمان روحی له الفدا بپذیرد. اگر یک خدشه در احکام اسلام واقع بشود، نه پیغمبر می پذیرد و نه امامان ما. کوشش باید بکنیم به اینکه در عین حالی که باید سریع قدم های بلند را برداریم و در عین حال، تمام قدم ها باید اسلامی باشد و رو به اسلام باشد و نمی توانیم اگر یک مطلبی را در مجلس بگذرانیم و خدای نخواستہ متخلف باشد از اسلام، نمی توانید شما عذر برای خودتان پیدا بکنید. و اگر یک قدم، قضات محترم و شورای قضائی خدای نخواستہ بر خلاف آنچه مقرر است بردارند، آن هم معذور نیست و مواخذ است. و اگر چنانچه ائمه جمعه و ائمه جماعت و کسانی که در این جمهوری اسلامی از روحانیون مشغول یک کاری هستند، اگر خدای نخواستہ یک قدمی، یک کلامی برخلاف مصالح اسلام بردارند، معاقب هستند. همه معاقب هستیم و همه مسوول هستیم، (کلکم راع و کلکم مسئول) ما باید کوشش کنیم که رو به اسلام برویم و اسلام را هر چه زودتر، قوانین اسلام را، قوانین قضائی اسلام را، قوانین سیاسی اسلام را هر چه زودتر به طور شایسته در این کشور پیاده کنیم و مطمئن باشید که اگر چنانچه اراده کنید، می توانید و در عین حالی که تاکنون هر چه قوانین در آن رژیم های سابق بوده است، تقریباً بسیاری از قوانین، قوانین جزائی و سیاسی اش که همه در بسیاری از قوانین شان برخلاف مسیر اسلام بوده است، یا متصدیان قضا اشخاصی بودند که بر خلاف موازین اسلام متصدی قضا شدند و در نار هستند. و متصدیان همه امور که مشغول به خدمت هستند، اگر خدای نخواستہ یک خلافتی در کار باشد ولو اشتباه باشد، باید با کمال دقت ملاحظه کنند و مذاقه کنند که مبدا یک مطلبی واقع شود بر خلاف آنچه که باید واقع بشود. و من به همه شما و به همه آقایان دعاگو هستم و آنچه که وظیفه من است که یکی اش دعاگوئی است، امیدوارم دعا کنید که کوتاهی نکنم.

### این عار تا قیامت بر پیشانی شما غیر متعهدا منتقش است

و اما مسائلی که امروز در منطقه و جهان واقع می شود، البته شما همه یا اکثراً می دانید که چه دارد واقع می شود. از امریکا تا انگلستان، تا فرانسه، تا آلمان تا سایر جاها به راه افتاده اند، دستپاچه شده اند و هیاهو می خواهند راه بیندازند که در این وقت چه می شود. این دستجاتی که می خواهند صدام را زنده کنند یا تطهیر کنند، چه در بغداد بروند و غیر متعهدین به اصطلاح مجتمع بشوند و چه نروند، مطلب از اینها گذشته است. این مرده، زنده نخواهد شد. اگر هم بغداد بروید، یک مرده را رئیس خودتان قرار دادید، یک جنایتکار مرده را انتخاب کرده اید. و این عار برای شما غیر متعهدا تا قیامت بر پیشانی تان منتقش است. و اگر گمان کنید که با رفتن بغداد و تعیین صدام به ریاست، یا یکی دیگری که مثل صدام است، شما بتوانید که یک کسی که جنایتش آنقدر زیاد است که نمی توانیم ما به ذکر و قلم، ذکر کنیم آن را، بخواهید تطهیر کنید، او با دریاها عالم هم تطهیر نخواهد شد. و اگر بخواهید علم کنید او را و زنده کنید، این علم خوابید و این نعشش الان موجود است. الان یک نعشی است که دارد حرکت آخر عمرش را می کند. شماها نمی توانید این کار را انجام بدهید. بیخود خودتان را زحمت ندهید و عرض خودتان را نبرید و برای ماها هم زحمت درست نکنید و آنهایی که از آن طرف دریاها آمده اند اینجاها گردش می کنند، آنها هم اگر

بخواهند صدام را زنده کنند، همان حرفی است که به آنها باید گفت و اگر حضرت عیسی سلام الله علیه که مرده ها را زنده می کرد بیاید، این مرده را نمی تواند زنده کند. برای اینکه زنده کردن این، به هدایت است. و خدای تبارک و تعالی به پیغمبر اسلام که اشرف از حضرت عیسی سلام الله علیه است می فرماید: (انک لاتهدی من احببت) حضرت عیسی مرده های طبیعی را زنده می کرد، لکن مرده ای که قلبش مرده است، مرده ای که هستی اش از بین رفته است، حیثیتش از بین رفته است و قادسیه اش به فنا مبدل شده است، حضرت عیسی هم همچو کاری را نه می کند و نه می تواند. بنابراین اینها می خواهند چه بکنند؟ اینهایی که اجتماع می کنند که، یک کنفرانس هائی ایجاد می کنند که کنفرانس غیر متعهدا را، بلکه بتوانند در بغداد تاسیس کنند و ایجاد کنند، اولاً که معلوم نیست که موافقت کنند بسیاری از دولت ها، دولت هائی که توجه به مسائل دارند، دولت هائی که مرعوب آمریکا و دیگر کشورها نیستند، دولت هائی که توجه به حیثیت خودشان دارند و دولت هائی که به اسلام فکر می کنند، اینها با شما موافقت معلوم نیست بکنند، و بخواهید که با عدم موافقت آنها هم، شما باز آن مجلس را تاسیس کنید و آن را رئیس بدانید که در تاریخ ننگی برای خودتان ایجاد می کنید که با دریاها نمی شود این ننگ را شست. و نمی توانید که شما اعاده کنید حیثیت کسی را که از اول نداشت، و اگر داشت، به باد فنا رفت، آدمی که ملاحظه کردید در آن چیزی که نوشته بود به سران نظامی خودش در شهر خونین شهر، خرمشهر، که آنطور سفارش کرده بود که بزنید، بکشید و چه بکنید، تا آخر گلوله، تا آخر نفر، این دید که همان نظامی های او گوش ندادند به او، نتوانستند گوش بدهند، اصلاً مجال قرائت این چیزها را به آنها ندادند و فوج فوج تسلیم شدند. یک همچو آدمی که دنبال این می گوید که امر به عقب نشینی کردیم، (لابد عقب نشینی تاکتیکی!!) این آدم را نمی توانید اعاده حیثیتش را بکنید، حیثیت خودتان را سر این بی حیثیت به باد ندهید. ما نصیحت های خودمان را، ایران نصیحت های خودش را به شماها می کند که شماها یک قدری در خلوت بنشینید و آمریکا و شوروی و دیگر قدرتمندان را از مغزتان شستشو کنید و فکر کنید که ما اگر برویم بغداد، چه جور می توانیم بکنیم. و من اعلام یک خطری هم برای شما می کنم که از صدام بعید نمی دانم و آن اینکه همین صدامی که در حال مردن است یک وقت عده ای از شما را بکشد و گردن ایران بگذارد، برای اینکه شما را وادار کند که مخالفت کنید. خوف این مطلب زیاد است. شما از این جانی خیال نکنید که هیچ کاری بر نمی آید، این جانی، جنایت زیاد از او می آید. و این جنایت به نظر انسان نزدیک است، همانطوری که یک جاهائی را می زند و می گوید ایران زده است و خودش با اسرائیل رفیق و دوست و برادر است و می گوید که اسلحه از اسرائیل می آید و حالا هم ابرقدرت ها و گویندگان آنها با این مانورهای مضحک یکی از این ور می گیرد، یکی از آن ور. یکی می گوید که من به اطلاع آمریکا بدم، آمریکا می گوید من گفتم آنقدر کار نکن و مجلسشان می گوید که چرا این کار را کردی. مطلب را مسلم همه شان می گیرند که ای مردم بدانید که این اسرائیل به ایران اسلحه فرستاده. و همه اینها و خود اسرائیل هم این مطلب را احراز کرده است که اگر اسرائیل انگشتش را به بحر محیط بزند، نجس می شود، چون این را احساس کرده است، می خواهد با اینکه (من کمک کرده ام) ایران را بدنام بکند، از باب اینکه می داند که موافقت او با ایران، بدنام کردن ایران است، خودش هم این را احساس کرده است. برای خدمت به امریکا حیثیت خود را پیش نسل های آینده از بین نبرید در هر صورت این مسائل که الان می گذرد، اینها همه هست و من خوف این را دارم که اگر اینها مجتمع بشوند، در بغداد یا در بین راه، چند نفر از اینها را بزنند و بکشند و گردن ایرانی ها بگذارند و یا در مجلس که مجتمع می شوند، یک وقت خود صدام برای اینکه برود دستش را بشوید، بیرون برود و مجلس را منهدم کنند. درست توجه کنید که مبادا به دام بیفتید، به دام این صدام بیفتید، که این مرد خطرناکی است. و اشخاصی که آخر عمرشان را می گذرانند، جنایتکارانی که آخر عمرشان را می گذرانند، می گویند حالا که من رفتم بگذارید، همه بروند. (اقتلونی و مالکا مرا بکشید که مالک هم کشته بشود. مساله اینطوری است. حالا خودشان بنشینند فکر

بکنند که آیا صدام با این جنازه متعفن، ارزش دارد که شما ارزش هائی به پای او بریزید؟ آمریکا که می گوید من اسرائیل را به هیچ کس نمی فروشم، از شما آنهمه ذخایر می گیرد و می گوید من اسرائیل را به شما نخواهم فروخت، ارزش دارد این آمریکا که شما برای خدمت به او تمام حیثیت خودتان را پیش ملتتان، پیش ملت های عالم، پیش نسل های آینده از بین ببرید؟ من امیدوارم که اینها بیدار بشوند و توجه به مسائل بکنند و خودشان را به هلاکت نیندازند و ما را هم به زحمت نیندازند. خداوند انشاءالله همه مسلمان ها را به وظایف اسلامی خودشان آشنا کند. ما و شما و همه ملت ایران را به وظایف اسلامی خودمان آشنا کند و توفیق عمل به اسلام و پیاده کردن اسلام در همه جا به همه ما مرحمت فرماید. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته بسمه تعالی در پی پیروزی عظیم رزمندگان پرتوان اسلام و آزادی خرمشهر، شهرهای لاله های خونین، مردم عزیز و مهربان و ایثارگر کشورمان و علمای اعلام و ائمه محترم جمعه و جماعات در شهرستان های مختلف با تلگرام های بسیار آمادگی خود را جهت بازسازی مناطق ویران شده اعلام و مراتب ایثار و فداکاری خویش را در این امر مهم و انسانی ابلاغ کردند و به راستی این حضور دائمی و خستگی ناپذیر در صحنه و آمادگی و فداکاری های خالصانه مردم دلیر ما برای هر مسلمانی غرورانگیز و برای جهانیان اعجاب آمیز است و می توان گفت این هم یکی از الطاف الهی و برکات جنگ است که اینچنین مردم را به هم نزدیک و مهربان نموده و در غم و شادی یکدیگر شریک ساخته است. من در برابر اینهمه ایثار و از خودگذشتگی و خلوص، از تشکر و قدردانی عاجز و ناتوانم و خدای بزرگ است که با رحمت و وسعه خود می تواند پاداش شما را داده و قدردانی کند (شکرالله مساعیکم الجمیله). مطلبی که لازم به تذکر است اینکه به خاطر تسریع در کار انشاءالله تعالی، حضرات و اقشار محترمی که آمادگی خود را برای بازسازی اعلام داشته اند، متوجه باشند که هماهنگی خود را با شورای عالی بازسازی مناطق جنگی که تحت نظر دولت جمهوری اسلامی فعالیت می کنند حفظ نموده و کمک های خود را چه از نظر مالی و چه از نظر مصالح و نیروی انسانی با راهنمایی های شورای مزبور به انجام رسانند تا به خواست خدای تعالی هر چه بهتر و سریعتر به هدف مقدس خود رسیده و از هدر رفتن نیروها و ناهماهنگی ها جلوگیری نمایند. در خاتمه از اینکه نمی توانم به یکایک نامه های شما بزرگواران جواب دهم معذرت خواسته، موفقیت همه عزیزان و نابودی هر چه زودتر دشمنان اسلام و انسانیت را از خدای متعال مسئلت دارم. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته روح الله الموسوی الخمینی تاریخ: ۱۳/۳/۶۱

## **بیانات امام خمینی در جمع گروهی از خانواده های شهدا و فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی**

### **یکی از احکامی که مورد توجه خداست وحدت و انسجام همه است**

بسم الله الرحمن الرحیم همانطوری که این برادرها، برادرهای بسیار عزیز مایلند که با من ملاقات کنند، من هم مایلیم که چهره های عزیز و نورانی آنها را ببینم. خوب، لکن مسائل، بعضی اش مهم است و به واسطه مهم بودن آن مسائل، یک مسائل دیگری باید یک قدری تعویق بیفتد و بحمدالله امروز و در این ۱۵ خرداد که نزدیکش هستیم، وضع ایران به طور عموم، وضع قوای مسلح به طور خصوص بسیار فرق دارد با خرداد سال قبل و بحمدالله انسجامی که الان حاصل شده است بین تمام قوای مسلح که کوشش می شد که اینها با هم نباشند و نقشه آمریکائی بود که این اشخاصی که می توانند فعال باشند، مقابل هم قرار داده بشوند، آن مدفون شد و خنثی و آنطوری که من، اشخاصی که رفت و آمد می کنند از روحانیون، دیگران برای من نقل می کنند، اعجاب دارم از این برادری که همه گروه ها با هم دارند



که گاهی گفته می شود که وقتی که انسان وارد می شود آنجا و نمی شناسد، اصلا نمی تواند تمیز بدهد که کدام ارتشی اند، کدام سپاهی اند، کدام بسیجی اند. اینطور با هم مربوط و با هم هستند. و همین معناست که خدای تبارک و تعالی شماها را و همه ما را مورد عنایت قرار داده است و همین نصرت الهی است، نصرت الهی که انسان توجه به احکامش داشته باشد و عمل بکند به احکامش. این نصرت الهی است و یکی از احکامی که مورد توجه است این وحدت و انسجام همه است. و خصوصا قوایی که در فعالیت نظامی هستند، اینها اگر خدای نخواستہ یک وقتی یک اختلافی در خودشان بروز کند همان روز است که آمریکا به مقاصد خودش نزدیک می شود.

### روزی که حیثیت اسلام در میان است باید تمام امیال خویش را فدای میل اسلام کنیم

و لهذا فرضا که شما ملاحظه کنید که، یا آنها ملاحظه کنند که بعضی ها مخالف مثلا میل شان یا موافق چه عمل می کنند، امروز نباید انسان امیال خودش را به نظر بگیرد. یک روزی که گرفتاری اسلام و حیثیت اسلام در میان است و می بینید که همه قدرتمندها و همه تبلیغات بر ضد همه هست و از اول هم بر ضد همه و خصوصا پاسدار عزیز بوده است، باید انسان تمام امیال خودش را فدای میل اسلام، بکند حکم و احکام اسلام بکند. همانطور که شما و همه این رزمندگان ما واقعا یک چهره هائی هستند که انسان از خودش خجالت می کشد که با آنها مواجه بشود. کسانی که جان خودشان را که سرمایه همه چیز است دیگر برای انسان، این را فدا دارند می کنند برای اسلام و ماها این توفیق را نداریم، نمی توانیم، منتها دعا می کنیم به شما. وقتی بنا شد که شما یک همچو تحفه ای را دارید به اسلام تقدیم می کنید، آنوقت اگر فرض کن یک چیزی مخالف میل تان شد، باید با آن مخالف میل، با میل خودتان یک قدری مبارزه کنید. این مبارزه باطنی است که لازم است انسان داشته باشد همیشه و همیشه مواظب باشد. شیطان خرده کاری خیلی دارد، چیزهای مخفی، چیزهایی که انسان نمی تواند ادراک کند و بعد ادراک می کند زیاد دارد و وسوسه های زیاد دارد. باید در مقابلش ایستاد و در مقابلش از هواهای ادراک می کند زیاد دارد و وسوسه های زیاد دارد. باید در مقابلش ایستاد و در مقابلش از هواهای نفسانی جلوگیری کرد. و این وحدت و انسجامی که الان بین شما و سایر برادرانتان در ارتش و بسیج و سایر جاها هست، این را حفظ کنید و همین طور عشایر را که یک قوه ای هستند و علاقمند هستند بحمدالله.

### امروز باید با هم باشید و دشمن مشترک را دفع کنید

و در رژیم سابق، زمان رضاشاه می خواستند این عشایر را از بین ببرند و بسیاری شان را از بین بردند. الان بحمدالله آنها هم یک قدرتی هستند با شما دوست و رفیقند. همه با هم دوست باشید، همه با هم رفیق باشید تا اینکه بتوانید این بار را به منزلش برسانید و مطمئن باشید که تا ایران به این وضعی که فعلا هست، و بحمدالله دارد جلو می رود. خیلی از اشخاصی که بدبین بودند به اسلام و بدبین هم هستند، هی امید این را داشتند که اسلام همین چند ماهی بیشتر، باز مهلت می دادند، یک چند ماه دیگر، یک چند ماه دیگر، یک سال دیگر، و حالا دیدند که سه سال گذشت و رو به انسجام بیشتر و اینجا ثبات بیشتر است. و من امیدوارم که هر چه عمر این طفل زیادتر بشود و عمرش طولانی تر بشود، بر آن فعالیت و بر آن قوه های خودش افزوده بشود و انسجامش هم زیادتر بشود. و این اشخاصی که به امید این نشستہ اند که دوباره ایران برگردد، سلطنت طلب می خواهد دوباره ایران به سلطنت برگردد، دیگران می خواهند یک جمهوری دموکراتیک غیر مذهبی، با تعبیر غیر مذهبی، غیر مذهبی درست بکنند، اینها همه شان به قبرستان خواهند رفت و نمی توانند انشاءالله. و اما شرطش این است که: (ان تنصرواالله ينصرکم) خدای تبارک و تعالی تعلیق کرده، این نصرت خدا دنبال نصرت ماست. ما اگر از خدا نصرت کردیم و برای

خدا، برای دین خدا عمل کردیم، که یکیش همین است که گله‌ها اگر داریم، الان باشد، الان بایگانی کنند گله‌ها را، بعدها که درست شد اگر باز گله‌ای باقی ماند می‌شود انسان یک کاری بکند، اما امروز وقت اینکه من از یک کسی اوقاتم تلخ باشد، یک چیزی بگویم که یک وقت خدای نخواستہ برای او مضر باشد، یا شما یک چیزی بگویند، یا ارتشی‌ها یک چیزی بگویند این امروز نباید مطرح بشود. همه باید تمام با هم باشید و یک دشمن مشترک آمده است و باید اول دشمن مشترک را دفعش کنید، بعد که دشمن مشترک دفع شد، خوب، گله‌ها بعدها امید است که حل بشود، اگر هم حل نشد، آسان است آن بعدها. حالا من هم دعا می‌کنم به شما و امیدوارم که همین حیثیتی که دارید الان، بحمدالله شما الان در بین همه دنیا، الان ایران، اگر همه رسانه‌ها را ملاحظه کنید، ایران مطرح است همه جا، در همه دنیا مطرح است ایران و همه از این جنبش ایرانی و اسلامی وحشت دارند. با اینکه ملت‌های اسلامی و دولت اسلامی، ملت‌ها که وحشت ندارند دولت‌های اسلامی هم نباید وحشت داشته باشند، برای اینکه ایران بنا ندارد به اینکه دولت‌های اسلامی را کنار بگذارد، چی بشود، امید دارد اسلام موفق بشود، آنها هم خودشان را با اسلام تطبیق کنند. همه ما با آنها موافق هستیم و دشمن مشترک ما که امروز اسرائیل و آمریکا و امثال اینهاست که می‌خواهند حیثیت ما را از بین ببرند و ما را تحت ستم دوباره قرار بدهند، این دشمن مشترک را دفع بکنید، بعد که دفع کردید دشمن مشترک را، آنوقت دیگر هر کسی در محل خودش برای خودش حکومت هست و برای چی. انشاءالله که موفق باشید و موید، و من دعا می‌کنم به شما و دعا کنید که من غافل نشوم از این دعاگوئی. انشاءالله خداوند همه تان را حفظ کند و در پناه امام زمان سلام الله علیه به عنایت حق تعالی از عنایت حق تعالی برخوردار باشید. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته تاریخ: ۱۴/۳/۶۱

## پیام امام خمینی به شرکت کنندگان در اردوی عشایری واحد بسیج مستضعفین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم سلام بر عشایر دلیر ایران. سلام بر سلحشوران غیوری که در طول تاریخ اسلامی ایران پیوسته بر سر مرزها و در حاشیه کویرها و در دل کوه‌ها و در پهنه‌های صحراها و در هر نقطه عشایری دیگر از این کشور عزیز و پهناور پیوسته سرسخت‌ترین مدافعان اسلام و میهن اسلامی را تشکیل داده و راه هرگونه توطئه‌ای را بر دشمنان اسلام بسته‌اید. درود بر شما عزیزانی که احیانا سخت‌ترین شرایط اقلیمی و بیشترین کمبودها و محرومیت‌های زندگی را متحمل شده و دشواری‌ها را بر خود هموار ساخته‌اید، ولی نه تنها آلت دست بیگانگان و افراد خود فروخته و نوکران بی اختیار و فراری از ملت قرار نگرفته‌اید، که همه آنها را از میان خود طرد کرده و بیرون رانده‌اید. درود بر شما شیر مردان و شیر زنانی که با بسیج عشایری و ارسال کمک‌های مالی و همکاری‌های دیگر، چه در خط مقدم جبهه و چه در پشت جبهه، موجبات دلگرمی رزمندگان دلیر ما را فراهم ساخته و پشتوانه محکمی برای جنگجویان و وسیله‌ای برای کشف و خنثی کردن توطئه‌های دشمنان ما گشته‌اید. من از اینجا بر شما عزیزان درود می‌فرستم و دست شما را به گرمی می‌فشارم و امیدوارم همچون گذشته سدی محکم و نفوذناپذیر در برابر دشمنان اسلام و وطن اسلامی خویش باشید و محیط پاک و باصفای عشایری خود را از نفوذ تبلیغات زهرآگین و مسموم ناپاکان و جیره خواران بیگانه پرست سالم نگه دارید و راه هرگونه توطئه‌ای را بر آنها ببندید و با هوشیاری کامل نقشه‌های خائنه‌شان را نقش بر آب کنید. امید است خدای تعالی نیز شما را در پیمودن این راه مقدس یاری کرده و توفیق دهد و شما نیز در تمام مراحل زندگی هیچ‌گاه خدا را از یاد نبرید. در خاتمه از مسوولان محترم مملکتی نیز می‌خواهم که در کنار مسؤولیت‌های سنگین دیگری که دارند، هر چه بیشتر و سریعتر در رفع مشکلات و کمبودهای شما بکوشند و انشاءالله تعالی با پایان گرفتن جنگ و بازسازی مناطق جنگی رسیدگی به وضع شما عزیزان و رفع

نابسامانی های شما را در اولویت قرار دهند. والسلام علیکم ورحمه الله روح الله الموسوی الخمینی تاریخ: ۱۵/۳/۶۱

## پیام امام خمینی به مناسبت سالروز ۱۵ خرداد

بسم الله الرحمن الرحيم با سپاس بی حد به خداوند متعال، امروز به روز ۱۵ خرداد ۶۱ رسیدیم. سالروز خرداد ۴۲ خمیر مایه نهضت مبارک ملت بزرگ ایران و روز بذر انقلاب اسلامی ماست. ملت عزیز باید این خمیر مایه و بذر پر برکت را در عصر عاشورای ۸۳ جستجو کند، عصر عاشورای مصادف با ساعات شهادت نصرت آفرین سید مظلومان سرور شهیدان، عصر عاشورائی که خون طاهر و مطهر ثارالله و ابن ثاره به زمین گرم کربلا ریخت و ریشه انقلابات اسلامی را آبیاری نمود. ملت عظیم الشان در سالروز شوم این فاجعه انفجار آمیزی که مصادف با ۱۵ خرداد ۴۲ بود با الهام از عاشورای آن قیام کوبنده را به بار آورد. اگر عاشورا و گرمی و شور انفجاری آن نبود، معلوم نبود چنین قیامی بدون سابقه و سازماندهی واقع می شد. واقعه عظیم عاشورا از ۶۱ هجری تا خرداد ۶۱ و از آن تا قیام عالمی بقیه الله ارواحالمقدمه الفداء، در هر مقطع انقلاب ساز است. آن روز یزیدیان با دست جنایتکاران گور خود را کردند و تا ابد هلاکت خویش و رژیم ستمگر جنایتکار خویش را به ثبت رساندند، و در ۱۵ خرداد ۴۲ پهلویان و هواداران و سردمداران جنایتکارشان با دست ستمشاهی خود گور خود را کردند و سقوط و ننگ ابدی را برای خویش بجا گذاشتند که ملت عظیم الشان ایران بحمدالله تعالی با قدرت و پیروزی بر گور آتشبار آنان لعنت می فرستد. سالروز ۱۵ خرداد ۶۰، با ۶۱ که اینک شاهد آنیم فرق بسیار دارد. در سال ۶۰ مع الاسف کشور و ملت شریف گرفتاری های زیاد داشت که گرفتاری جنگ تحمیلی و خیانت بعضی عناصر آتش افروز برای بیگانگان و خرابکاری های عناصر فاسد از منافقان تا دیگر گروهک های منحرف تروریست منجر به شهادت عده کثیری از عزیزان متعهد به اسلام و جمهوری اسلام گردید، ولی بحمدالله تعالی در سالروز ۱۵ خرداد ۶۱ رزمندگان قدرتمند ما با فداکاری و عاشقی پیشگی که پشتوانه آنان عنایت حضرت باری تعالی و توجه خاص حضرت بقیه الله روحی لمقدمه الفداء، و پشتیبانی ملت بزرگوار در سراسر کشور است بر جنگ آفرینان پیروز شدند و اکنون قدم های آخر را بر می دارند و صدامیان تبهکار نفس های احتضار را می کشند و بساط مفسدان داخل و گروهک های مزدور با همت پاسداران، کمیته ها و پرسنل شهربانی و بسیج و همکاری ملت عزیز در هم پیچیده شد. در سال ۶۰ با فعالیت زیاد خائنان و وابستگان به آمریکا می رفت تا میان سپاه پاسداران، این جوانان متعهد فداکار با ارتشیان رزمنده عزیز که فداکاری همگان را در جبهه ها مشاهده می کردیم با دست پلید جنایتکارانی سیاست باز و تروریست هائی جنایت پیشه با حيله هائی شیطانی شکاف پیدا شود و خداوند می داند که کشور مظلوم ما با این نقشه شوم به کجا کشیده می شد و به ملت شریف چه ها می گذشت و به سر اسلام چه ها می آمد و به خواست خداوند بزرگ و همت مجلس شورای اسلامی و پشتیبانی ملت شریف در سال ۶۰، در سال ۶۱ سالروز خرداد، این جرثومه های فساد و خیانت و این جنایت پیشگان آمریکائی از صحنه خارج و به قبرستان نسیان سپرده شدند. امروز با سپاس به الطاف خداوند متعال نیروهای مسلح آنچنان از انسجام و وحدت برخوردار هستند که دل های بدخواهان پلید را به وحشت مرگبار افکنده اند و به رغم تبلیغات دروغین رسانه های گروهی دشمنان یاهو سرا، بین قوای مقننه و قضائیه و اجرائیه و بین آنان و ملت آنچنان وحدت کلمه و اخوت ایمانی برقرار است که تاریخ نظیر آن را ندیده و بازگو نموده است. و اینجانب امیدوارم که این بارقه الهی که به برکت اسلام و تعهد به آن برای کشور ایران جلوه کرده است برای همیشه برقرار و پایدار باشد. بگذار دشمنان شکست خورده و بدخواهان منزوی که دستشان از همه چیز کوتاه شده است خود را به این دروغ های مفتضح و آرزوهای بچگانه دلخوش کنند که ایران بر سر قدرت در تب و تاب است و روحانیون بر سر به دست گرفتن زمام امور صف بندی می کنند و ایران پس از فلانی در آتیه نزدیک به اغتشاش کشیده می شود و جمهوری اسلامی به جمهوری غیر مذهبی دموکراتیک مبدل

می شود. و باید بدانند که این آرزوهای به خیال خود طلائی را به گور خواهند برد. و بحمدالله تعالی ایران عزیز به جایی رسیده است که بین همه ارگان ها و گروه ها اخوت ایمانی قرآنی برقرار است و به مرتبه ای از ثبات رسیده است که با مردن اشخاص، هر که باشد، آسیب نخواهد دید. و این رسانه های دروغ ساز گروهی آنچنان مبتلا به خلافگویی و تناقض پراکنی شده اند که شاید به غیر از دوستان خیالپرداز و امیدپرور آنان کسی گوشش به این دروغ ها بدهکار نباشد. ما در زندگی خود در این انقلاب اسلامی چیزهایی دیده ایم و قبل از آن صحنه هائی دیده بودیم باور نکردنی و شگفت انگیز، از دوره افتادن رضاخان در تکایا و شمع روشن کردن تا قرآن طبع نمودن محمدرضا و احرام حج بستن، از عابد و زاهد و مسلمان شدن صدام تا اسلام شناس شدن کارتر و تا به حکم جهاد مسلمانان علیه ایران تهدید کردن بلندگوی بگین و ریگان و شاید اگر زندگی ادامه پیدا کند اینان را در صف های جماعت و محراب عبادت ببینیم. درست در زمانی که جمهوری اسلامی برای حفظ سرزمین های اسلامی و حراست از حرمین شریفین، مسلمانان را به وحدت اسلامی دعوت می کند و یا للمسلمین می گوید، از مرکز وحی برای خنثی نمودن این فریاد پیشنهاد جهاد علیه این دعوت را کرده و به نفع آمریکا دشمن اسلام و اسرائیل که برای گرفتن از فرات تا نیل و سلطه بر حرمین شریفین کوشش می نماید، سینه چاک می زنند. در مدت قریب دو سال که صدام عقلی به کشور اسلامی ایران تجاوز نمود و شهرهای مسلمان عرب ایرانی را خراب، و کوچک و بزرگ آن سامان را با آتش توپ ها، و موشک ها و سایر سلاح ها به قتل رساند، دولت های جهانخوار و بستگان آنان او را محکوم نکردند و سازمان های حقوق بشر و امثال آنان دم فرو بسته بودند، ولی امروز که لاشه نیمه جان صدام و حزب کافر بعث عراق در بغداد نفس های آخر را می کشند همه بوق های تبلیغاتی و رسانه های گروهی جهانخواران و تمام وابستگان به آنان با تبلیغات و رفت و آمدهای پی در پی، صلح طلب شده اند و استمداد از اسرائیل و مصر و اردن می کنند و گاهی آمریکا ایران را تهدید می کند و هنوز نفهمیده است که ایران که برای کوتاه شدن دست آنان با انگیزه شهادت قیام نموده است و جهاد در راه خداوند را به جان و دل می خرد از تهدید امثال او باک ندارد. و اگر مسلمانان جهان از خواب برخیزند و با یاری خداوند دست اتحاد ایمانی به هم دهند هیچ قدرتی نمی تواند آنها را تهدید کند. و مقامات ایرانی آنان را به برادری و اتحاد در هر مقطع دعوت کرده اند. و امید است که به خود آیند و شرافت انسانی و اسلامی خویش را فدای قدرت های شیطانی نکنند و به جای آنکه با جمهوری اسلامی ایران که برای نجات آنان و کشورهای اسلامی حاضر به پشتیبانی از آنان است دست اخوت دهند، به مخالفت برنخیزند و خود را فدای صدام عقلی و اربابانش نکنند. و در غیر این صورت ملت بزرگ و قوای مسلح برومند ایران در هر پیشامدی که به دست خود آنان تحقق پیدا کند خود را در پیشگاه مقدس خداوند بزرگ ملت های اسلامی مسوول نمی داند و ملت ایران نمی تواند در مقابل پیشامدهائی که اسلام یا کشورهای اسلامی را خصوصا مهبط وحی و حرمین شریفین را تهدید می کند بی تفاوت باشد. ملت ایران همچون سایر مسلمانان جهان در مقابل مشکلات و خطرهای که برای اسلام در دست اجراست، در پیشگاه خدای قادر مسوول است و امروز از خطرناکترین امور طرح کمپ دیوید و طرح فهد است که اسرائیل و جنایات او را تحکیم می کند. همه ما بویژه دولت عربستان در مقابل اسلام و قرآن کریم و نسل های آینده مسوول می باشیم. و من خوف آن دارم که خدای نخواسته یک روز ملت ها و دولت های اسلامی به خود آیند که با دست آمریکای جنایتکار اسرائیل به خواست های ظالمانه و جنایتکارانه خود برسند و از مسلمین کاری ساخته نشود. من طرفداری از طرح استقلال اسرائیل و شناسائی او را برای مسلمانان یک فاجعه و برای دولت های اسلامی یک انفجار می دانم و مخالفت با آن را یک فریضه بزرگ اسلام می شمارم و به خداوند بزرگ از این نقشه ها که به دست مسلمان نماها برای اسلام کشیده می شود پناه می برم. ملت بزرگ ایران سالروز ۱۵ خرداد را که یوم الله است زنده نگه می دارد و افتخار قیام ملت را که با مشیت گره کرده و خون طاهر خویش در مقابل ستم شاهی پهلوی ایستاده و پایه استوار انقلاب اسلامی را که

سرنگونی قدرتمندترین جنایتکار منطقه را در پی داشت ریخت ، از یاد نمی برد و الان فداکاری ها و مجاهدات جوانان برومند کشور اسلامی را که پایه گذاری خروج از ظلمات به سوی نور و از حقارت به سوی سرافرازی و از اسارت به سوی استقلال را نمود بزرگ می شمارد و عاشورای فریاد زن (هیئات منالذله ) و ۱۵ خرداد و دیگر ایام الله را که در پی داشت و از نور الهی عاشورا فروغ و از شمس جمال حسینی گرمی و از پرتو هدایت او معرفت به وظیفه و از استقامت او در مقابل باطل استواری فرا گرفت ، ارجمند می دارد. خداوند تعالی این ملت را که از ۱۵ خرداد ۴۲ تا ۲۲ بهمن ۵۷ و از آنوقت تاکنون برای اقامه عدل الهی از هر چه داشته است گذشته است و عزیزان برومند خود را که قامت رشید و بلند آنان چون ابدیت استوار و گرمی خودشان چون عشق به جمال جمیل حق روح افزا بود، به پای دوست به قربانگاه فرستادند، با نور هدایت خود ارشاد و با جلوه قدرت ازلی خود برومند و با بارقه روانبخش خود در احقاق حق و ابطال استوار و پایدار فرماید و این وحدت و صلابت را از آنان سلب نماید. ولا- حول ولا- قوه الا- بالله والسلام علی عبادالله الصالحین روح الله الموسوی الخمینی تاریخ : ۱۵/۳/۶۱

### پاسخ امام خمینی به نامه اعضای هیات مؤسس بنیاد ۱۵ خرداد

بسم الله الرحمن الرحيم این بنیاد پر برکت که در راه جامعه است ، مورد تایید اینجانب است ، چنانچه متصدیان محترم آن مورد وثوق و اطمینان می باشند. انشاءالله در این خدمت ارزنده اسلامی موفق باشند و امید است دولت و ملت شریف از پشتیبانی این بنیاد دریغ نمایند و امید است بنیاد شریف برای روستاهای محروم و دور افتادگان اولویت قائل شوند. خداوند تعالی توفیق خدمت همگان را برای رفاه قشر مظلوم عنایت فرماید. روح الله الموسوی الخمینی تاریخ : ۱۶/۳/۶۱

### بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه استان زنجان

بسم الله الرحمن الرحيم کسی که بخواهد به جنت و لقاءالله برسد باید زحمت را تحمل کند و دلسرد نشود اول باید از آقایان که زحمت کشیده و به اینجا تشریف آورده اند تشکر کنم . چیزی که امروز به آن مبتلا هستیم و ممکن است برای ما پیش آید، قضایائی است که بعد از پیروزی جنگ برای ما ممکن است پیش بیاید. آمریکا معلوم نیست به این زودی طمعش را از این کشور قطع کند. ملت ایران در صدد است به آن وضعی که سابق داشت و به آن اسارت هائی که از همه طرف برای او بود و به آن محرومیت هائی که در سابق داشت و آن خلاف موازین اسلامی که در سابق عمل می شد برنگردد. از این جهت ما باید خودمان را برای مقاومت مهیا کنیم . روحانیون باید این وظیفه را به طور شایسته عمل کنند و مردم را همیشه مهیا نگه دارند. بعضی از مردم شاید ندانند که چه قضیه ای واقع شده است . شخصیت هائی که از خارج می آیند و یا گاهی برای من پیام می فرستند، می گویند شما نمی دانید چه کرده اید و در دنیا چه شده است . حق هم همین است . ما آن کاری را که این ملت در پناه اسلام و امام زمان سلام الله علیه انجام داده است ، عمقش را نمی توانیم بفهمیم ، باید به تدریج فهمید که چه حادثه ای پیش آمده است . لکن تا آن اندازه ای که ما می دانیم و از لحن تمام رسانه های گروهی معلوم است این نیست که دشمنان ضربه خورده اند و اینهمه دروغپردازی ها و شیطنت ها امر عادی نیست . در دنیا جنگ ها، کشتارها و خیلی خرابی ها واقع می شود، اما وقتی که ملاحظه می کنیم ، می بینیم که از آن مسائل کمتر منعکس می شود. اما می بینیم نسبت به مسائلی که به نفع ایران است ، آن را کوچک جلوه می دهند و آنجا که به ضرر ایران است ، بزرگ جلوه اش می دهند. ما باید آن مقاومت و روح اسلامی را حفظ کنیم و آن سختی ها که به خود پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم وقتی که در مکه و مدینه بودند و بر حضرتش گذشته است ، به یاد آوریم . باید فکر کنیم که پیغمبر چه کرده است ، او یک بشر است ، اما وظیفه دارد و خدا به او



امر کرده است که باید استقامت کنی. همانطور که پیغمبر به استقامت و مقاومت مامور است، هر کس که همراه اوست و به او گرویده است ماموریت دارد استقامت کند. (فاستقم کما امرت و من تاب معک) ما باید مردم را روشن کنیم به کاری که کرده اند و سابقه نداشته است. هر انقلابی که شده متکی به قدرتی بوده است، اگر از یک جبهه ضربه می دیده خودش را متکی به جبهه دیگر می کرده است. این کاری که شما و ملت ما کرده اند، نمونه است که در این سده های اخیر به این شکل نبوده است که ملتی بخواهند خودش باشد و به آنچه که دارد بسازد و خودش را به جایی برساند که به دیگران احتیاج نداشته باشد. باید توده های مردم به این کار بزرگی که کرده اند آشنا بشوند. کار بزرگ است، ولی زحمت زیاد دارد. همین دیروز که مردم به خیابان ها ریختند و راهپیمائی کردند، صدام، ایلام را که مردم محرومی در آنجا زندگی می کنند، در حال راهپیمائی بمباران می کند که تاکنون چهل نفر شهید شده اند و دویست نفر مجروح. یک چنین جنایت بزرگی اگر از طرف ایران واقع می شد، می دیدید که رسانه های گروهی خارج چه می کردند، ولی حال که عراق یک چنین جرمی را مرتکب شده است، مساله را به صورت جزئی نقل می کنند و دنبالش می گویند که صدام گفته است این به عنوان تلافی صورت گرفته است که ایران با بصره چه کرده است. صدام دروغی می گوید که عذری پیدا کند و یک چنین جنایتی را مرتکب شود و ما باید منتظر یک چنین جنایاتی باشیم. نباید بگوئیم چرا شده. چرایش معلوم است، شما اسلام را می خواهید و آنها می گویند نباید اسلام را بخواهید. دولت مصر با صراحت می گوید این جمهوری اسلامی نباید باشد و با دولت اسرائیل برای کوبیدن اسلام متحد می شود. مصر و اسرائیل با هم پیمان می بندند که بر ضد ایران به کمک عراق بروند. چرا باید کشورهای اسلامی به این وضع باشند که اسرائیل به لبنان حمله کند و آنها بی تفاوت باشند و برخی از آنها با اسرائیل دوستی داشته باشند؟ ما باید به راه خودمان ادامه دهیم و مقاومت کنیم. ائمه جمعه و جماعت باید به مردم بفهمانند که کاری که کرده اند زحمت دار است و کسی که بخواهد به جنت و لقاء الله برسد باید زحمت را تحمل کند و دلسرد نشود. امروز حفظ این دولت یک واجب شرعی است. من امیدوارم موفق باشید و همه موفق شوید به این جمهوری خدمت کنید و در تایید همه مقامات و تحکیم وحدت بین خودمان و آشنا کردن مردم به وظایف خطیرشان کوشا باشیم و من هم امیدوارم به وظیفه خود که دعاگوئی است، موفق باشم. والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته تاریخ: ۱۷/۳/۶۱

### **پیام امام خمینی به مناسبت حمله رژیم اشغالگر قدس به جنوب لبنان و بمباران ایلام**

بسم الله الرحمن الرحيم انالله و انا الیه راجعون من کلمه مبارکه استرجاع را نه برای جنایات اسرائیل و شهادت و آسیب بسیاری از مسلمانان مظلوم جنوب لبنان عزیز می گویم، گرچه آن هم استرجاع دارد، و نه برای شهرها و روستاهای آن کشور اسلامی که به دست جنایتکار رژیم صهیونیستی کافر اسرائیل، اشغال و خراب شده است، گرچه آن هم استرجاع دارد، و نه برای آواره شدن هزاران خواهران و برادران آن محیط مظلوم اسلامی، گرچه آن هم استرجاع دارد، و نه برای فلسطینی های مظلوم زیر ستم اسرائیل، گرچه آن هم استرجاع دارد، و نه برای شهادت بیش از چهل نفر زن و مرد و کودک شیرخوار ایلام که به دست جنایتکار صدامیان، در حال شعار بر ضد آمریکا و اسرائیل خونخوار، هدف بمب واقع، و آسیب بیش از دویست نفر مسلمان عشایری بی گناه و خرابی مسجد، تکیه، بیمارستان و خانه های مظلومان، گرچه آن استرجاع دارد، بلکه برای بی تفاوتی کشورهای اسلامی یعنی حکومت های آنها استرجاع می کنم و ایکاش فقط بی تفاوتی بود. من استرجاع برای پشتیبانی بسیاری از حکومت ها از اسرائیل و صدام، این دو ولد نامشروع آمریکا می کنم. من و هر مسلمانی در هر جا هست باید استرجاع کنیم برای کمک های مادی و معنوی دولت های کشورهای اسلامی به آمریکا راس جنایتکاران و اسرائیل و بعث عقلی عراق، پیاده کننده منویات شوم آمریکا و صهیونیسم جهانی. هر مسلمان غیرتمند



باید استرجاع کند برای پیشنهاد حکم جهاد با یک کشور مخالف اسرائیل به اتهام دروغین دریافت اسلحه از اسرائیل و کوشش در راه به رسمیت شناختن اسرائیل متجاوز به کشور اسلامی لبنان و به شهادت رساندن هزاران مسلمان بیگناه جنوب آنجا. اسرائیل متجاوز جنایتکار تایید باید شود و آمریکای راس متجاوزین، با ذخایر کشورهای مظلوم مستمند اسلامی، کمک مادی و با کوشش های رسانه های گروهی منطقه اسلامی، کمک سیاسی و معنوی شود و فلسطین و سوریه باید تنها بمانند. صدام صددرصد مخالف اسلام باید در تجاوز به ایران و هلاکت حرث و نسل ناحیه مسلمان عرب نشین و غیره آنان تایید تبلیغاتی و کمک های مادی و نظامی شود و کشور اسلامی ایران که برای احیاء اسلام و قرآن کریم بپا خاسته باید تنها باشد. اینها و مطالب بسیار دیگر، مصائبی برای مسلمانان است که باید دستجمعی استرجاع کنند، اینجانب مصیب های عظیمی را که بر برادران مظلوم بی یار و یاور جنوب لبنان وارد شده است و همچنین مصائب وارده بر مظلومان ایلام و دیگر مناطق جنگزده ایران تسلیم عرض نموده و برای شهدا در طول دفاع های مظلومانه این دو کشور اسلامی رحمت و مغفرت و برای بازماندگان آنان صبر و استقامت از خداوند تعالی مسئلت می نمایم و از خداوند تعالی می خواهم که این دولت های بی توجه به مصالح کشورهای اسلامی و بی اعتنا به احکام قرآن کریم را از خواب غفلت بیدار نماید و دشمنان اسلام و مسلمین را منکوب فرماید. والسلام علی من اتبع الهدی روح الله الموسوی الخمینی تاریخ: ۲۳/۳/۶۱

## بیانات امام خمینی در جمع فرماندهان لشکرها و یگان های مستقل نیروی زمینی و مدیریت ها و معاونت های ارتش جمهوری اسلامی

### اینهمه هیاهو و سر و صدا و مخالفت ابرقدرت ها، حکایت از عمق پیشرفت های نظامی و طبیعی شما می کند

بسم الله الرحمن الرحیم قبلا من تشکر می کنم از اینکه در یک همچو روزی که انشاءالله مفتاح تمام پیروزی هاست، خدمت شما جوانان عزیز و رزمنده رسیدم. آنچه که از خارج همیشه به ما خبر می رسد و آنهایی که می روند اطلاع به ما می دهند و گاهی بعضی شخصیت ها به ما پیام می فرستند که شما عمق این کاری که کردید، خودتان هم نمی دانید. تمام این بررسی های ظاهری و پیشرفت های ظاهری این نیروهای اسلامی است. عمق این پیشرفت های ظاهری هم همانطوری که به ما گفته می شود، پیام می فرستند، برای خودمان هم باز خیلی واضح نیست که جمهوری اسلامی و این نهضتی که در ایران پیدا شده است، در همان عمق طبیعی و مادیش چه دگرگونی ای در همه ارزش ها ایجاد کرده است و شما باید بدانید که ملت ها، حتی آن ملت هائی که الهی هم نیستند، اینها همه شان که جزء مستضعفان جهان هستند و همیشه در تحت سلطه مستکبران بوده اند، امید دوخته اند به این نهضتی که در ایران حاصل شده است و این یک مساله بزرگی است که در همین بعد طبیعی برای رزمندگان ما و برای ملت ما حاصل شده است که عمقش آنقدر زیاد است که همه قدرت های خارجی و همه رسانه های خارجی به ضد این قیام کرده اند. اگر این امر عادی بود نباید اینهمه هیاهو در دنیا راه بیفتد، اینهمه سر و صدا بلند بشود، اینهمه مخالفت بشود. هر چه عمق مخالفت رسانه های گروهی و قدرت های بزرگ زیادت باشد، کشف می کند که عمق پیشرفت های نظامی و طبیعی شما بیشتر است. اگر یک امر عادی بود، نباید اینقدر امریکا دنبالش باشد که این را با هر حيله ای که باشد، در همین جا خفه کند. این یک امر غیر عادی است حاصل شده است و ما در عمق ظاهری این قضیه هم که ملاحظه کنیم، با همین ارزش های ظاهری که مورد بررسی رسانه های گروهی است، مورد بررسی مقامات نظامی دنیاست، این یک عمق زیادی دارد که کم کم دارد برای دنیا ظاهر می شود و تاکنون آن عمق معنوی که در این نهضت و در این ملت حاصل شده است، در خارج کمتر به این توجه شده است. تمام نظرها رفته است روی مسائل نظامی و پیشرفت های نظامی که تصدیق دارند که این

یورش هایی که از طرف این رزمندگان ایرانی حاصل می شود، اینها سابقه ندارد، وضعیتش یک وضع دیگری است غیر اوضاع جنگ های دنیا. اینها همه توجه به همین پیشرفت ها و شکست ها و امثال این دارند. نظر دارند به اینکه ایران با اینکه یک جمعیت محدودی هست، به چهل میلیون بیشتر نمی رسد این جمعیت و تمام قدرت ها هم با آن مخالفت کرده اند و بعد از انقلاب هم هست، که انقلاب خودش یک چیزی است که هر جا که حاصل می شود اوضاع را به هم می زند، نظام را به هم می زند، لکن وقتی ملاحظه کردند که امروز ما در سال چهارم انقلاب واقع هستیم و همه چیزمان بهتر از اول است، یعنی اگر اول یک نقصی در نظام ما داشتیم، نقصی در نیروهای نظامی و انتظامی داشتیم، نقصی در انسجام گروه هائی که همه مسلحند داشتیم، امروز آن نقص رفع شده است. اینها همه روی حساب های مادی حساب شده است، ما عمق این مساله را از جهت معنوی واقعا نمی توانیم ادراک کنیم. یک جمعیتی که در طول تاریخ و خصوصا این رژیم سابق کوشش کردند که این جمعیت را از همه چیز بی خبر نگه دارند، از همه اوضاع دنیا، کوشش کردند که این جوان های ما که باید خدمت بکنند به این کشور، ابتلا پیدا کنند به مواد مخدره، به جاهائی که شهوانی هست. آنهمه مراکز شهوت و آنهمه مراکز فحشا درست کردند و عرضه کردند بر این ملت در طول این ده ها سال اخیر که شدت پیدا کرد و در زمان محمدرضا از همه وقت بیشتر شدت داشت و شما از جهت اخلاقی و فرهنگی ایران باید این معنا را اعتقاد کنید که اگر این انقلاب به داد ایران نرسیده بود، ایران در سرایشی محو و فنا واقع شده بود که اصلا اسمش از تاریخ باید محو بشود. به طوری تبلیغات شده بود که همه چیز ما را می خواستند وابسته کنند به غیر و به ما حالی کنند که شما هیچ کاری ازتان نمی آید، اصلا جنگ معنا هیچ ندارد، شما نمی توانید اصلا جنگ بکنید با هیچ جا اصلا ما در این سه سال، نزدیک به چهار سال، یعنی وارد در چهار سال که شدیم این عمق پیشرفت ظاهری را به دنیا حالی کردیم، به حکومت های بزرگ دنیا به قدرت های بزرگ دنیا. این کاری که شما برادرها و دوستان شما و همقطارهای شما انجام دادند، حالی کردند به آنها که ما در عین حالی که یک جمعیت کمی هستیم، لکن توانائی این را داریم که با هر قدرتی مقابله کنیم.

### **خدا متحول کرد این جمعیت را به یک جمعیت حزب الهی و این را شرق و غرب نمی توانند بفهمند**

لکن آن عمق دومی که اساس مطلب است که عمق معنوی این قضیه باشد. آقا، یک کشوری که سال های طولانی زحمت کشیده اند، یک قشر از روشنفکر با قلم، با تبلیغ، با تعلیم زحمت کشیده اند، یک قشر مطبوعاتی و رسانه های گروهی با همه قدرت زحمت کشیده اند که این کشور را از خودش تهی کنند، یعنی اعتقادشان را گفت اینطور کنند، مغزشان را شستشو کنند و اینها را معتقد کنند به اینکه شما هیچ نیستید، باید تحت لوای یا شرق یا غرب، غرب می گفت تحت لوای غرب، شرق می گفت تحت لوای شرق، باید زندگی کنید والا هیچ کاری از شماها ساخته نیست. و شما یک وارد شد این انقلاب بر یک همچو جمعیتی که لاقط در این پنجاه سال، بیشتر از همیشه تحت اینطور تربیت ها بودند. دانشگاهش اینطور تربیت می کرد و ارتشش را اینطور تربیت می کردند و همین طور همه چیزش را. عمق معنوی این، این است که در مدت کمتر از یک سال باید بگوئیم آنچه آنچنان تحول در این جمعیت حاصل شد و آنچه آنچنان منقلب شد این جمعیت به یک موجود دیگر، آن جمعیت رفاه طلب به یک جمعیت سلحشور و جنگجو، آن جمعیت میان تهی از کارهائی که باید خودش انجام بدهد به یک جمعیت متفکر در امور خودش، و زحمتکش برای کشور خودش و رفتن رو به کفا برای زندگی خودش و اگر به داد این جمعیت خدای تبارک و تعالی نرسیده بود، خدا می داند که مساله فحشا را به کجا رسانده بودند. شما شاید خیلی هایتان مطلع باشید از آن قصه ای که در شیراز اتفاق افتاد و آن بساطی که درست کردند و آن عقدی که واقع شد ما بین یک پسر و یک مرد. اینها دنبال یک همچو چیزی بودند. می خواستند این کشور را به اینجا برسانند. خدا به فریاد این ملت رسید، ملت

مظلوم، و متحول کرد این جمعیت را به یک جمعیت حزب الهی، یک جمعیتی که همه چیزش را دارد برای خدا می دهد. این مساله مهم است، این مساله ای که آن اشخاصی که در صدد تہذیب هستند، در صدد تزکیه نفس هستند، پنجاه سال زحمت می کشند، بعد از زحمت های فراوان پنجاه ساله به یک مقامی می رسند و این جوان ها را خدای تبارک و تعالی آنطور در ظرف یک مدت بسیار کم متحول کرد به یک مقامی که آنهایی که پنجاه سال زحمت کشیده اند نرسیده اند به این مقام، نرسیده اند به آنجا که غیر از خدا اصلا هیچی نخواهند، شهادت را اینطور طالب باشند. اینطور شهادت را در بر بگیرند. این یک مساله مهمی است، ما همیشه باید در نظر داشته باشیم که این مساله، مساله عادی نیست که یک نفر آدم، صد نفر آدم، هزار نفر آدم یا همه بتوانند انجامش بدهند. یک کشور چهل میلیونی که با بی بند و باری می خواستند اینها را بار بیاورند و همه قدرت ها دنبال این معنا بودند و همه تبلیغات و همه گفتار و همه نوشته ها دنبال این بود، یکدفعه متحول بشود به یک کشوری که همه حزب الله هستند و همه آن چیزهایی که شہوی بود و آن چیزهایی که مربوط به شہوات نفسانیه بود، دور ریختند و ایستادند در مقابل قدرت های بزرگ و شکست دادند آنها را، این تحول، تحولی است که شرق و غرب نمی تواند بفهمند، آنها هر چیزی می توانند بفهمند، همین در سطح مادیت اشیا را ارزیابی می کنند که کدام پیروز شد، کدام پیروز نشد، در سطح معنویت اینها نمی توانند اصلا تصور کنند که یک کشور چهل میلیونی چطور متحول شده است به یک چیزی که جوان هایشان را می دهند و گریه می کنند که کاش یکی دیگر هم داشتند. دست و پایشان را از دست داده اند و تاثرشان به این است که من ندارم که باز بروم. و این صحنه های بسیار نورانی که در جبهه ها، شما که هستید، بهتر از ما می دانید که چه صحنه هایی است، وقتی که آقایان می آیند اینجا با من صحبت می کنند، واقعا انسان تعجب می کند از اینکه این چه شد، چه قضیه ای واقع شده است که اینطور تحول حاصل شد؟ البته چون قدرت خداست، تعجبی ندارد، با قدرت خدا واقع شده است و ما امروز و آخر، اول همه جا نصر را باید از خدا بدانیم، نصرت مال اوست، ما چیزی نیستیم، نصرت، نصرتی است که او به ما داده است.

### **تا حالا سابقه ندارد که روحانی و ارتشی و پاسبان و پاسدار در کنار هم باشند و در کنار هم جنگ بکنند**

این قدرتی که الان در ایران هست که همه رویش حساب دارند می کنند، همه کشورها رویش حساب می کنند و بدون جهت بسیاری از کشورها هم ترسیده اند، این یک قدرتی است که خدا داده است، این یک چیزی نیست که ما بتوانیم تحصیلش بکنیم، این چیزی است که خدا به ما عنایت فرموده است بنابراین ما باید روی همین مساله همیشه تکیه بکنیم، روی این مساله که ما خودمان چیزی نیستیم و هر چه هست مبداء غیبی دارد و آن مبداء غیبی است که ما را کمک می کند، آقا، شوخی نیست که یک جمعیت کثیری با زحمت هایی یک دژی برای خودشان، به آن دژهای محکم درست بکنند و در پناه آن دژ باشند و یک جمعیت کمی از بیابان به آنها حمله بکنند و تسلیم بشوند آنها، تسلیم برای این است که می ترسند، ترس را که در آنها ایجاد کرده است؟ ما که جمعیت مان به اندازه آنها نبود، ما که در بیابان بودیم و در معرض اینکه آسیب بینیم و آنها در پناهگاه ها بودند و در دژهایی که درست کرده بودند و این خوف را هم نداشتند، این یک خوفی بود که خدای تبارک و تعالی در قرآن هم از آن اطلاع داده است که در صدر اسلام خدا یک قسم از چیزهایی که پیروز می کرد کشور اسلامی را، همین بود که رعب در دل مقابلین آنها القا می فرمود. ما مرهون این رحمت های بزرگ الهی هستیم و در عین حال مرهون این ملت هستیم که اینطور همه با هم کمک می کنند. سابقه اصلا ندارد، از اول تاریخ تا حالا سابقه ندارد که روحانی و ارتشی و پاسبان و پاسدار و امثال اینها در کنار هم باشند و در کنار هم جنگ بکنند اصلا این سابقه ای ندارد. هیچ جا، نه حالا سابقه دارد، بعدها هم معلوم نیست که، مگر به برکت اسلام جای دیگر پیدا کند یک همچو چیزی که همه شان با هم باشند. و این صحنه هایی

که در سنگرها که اینها همه با هم هستند برای من نقل می کنند، واقعا صحنه هائی است که اعجاز آمیز است و قدر این صحنه ها را بدانید. و اما بعضی مسائلی که ما الان در پیش داریم ، شما می دانید که ما از اولی که این جنگ شروع شد تا حالا، چه آن روزی که صدام کوس قادسیه برای خودش می زد و چه امروز که دیگر اسمی از او نیست و رفته است آنجائی که خدا می داند، ما مسائلمان مسائلی بوده است که یکی بوده ، آن هم برای این است که یک مسائلی که ما گفتیم ، یک چیزی نبوده که می خواستیم تحمیل کنیم ، یک چیزی بوده است که وقتی عرضه کنیم به همه عقلائی دنیا و همه جنگنده های دنیا عرضه کنیم به آنها، از ما می پذیرند. ما از اول می گفتیم که شما ریختید در منزل ما، در شهرهای ما، در کشورها ما، حمله کردید و غافلگیرانه وارد شدید در کشور ما و آن همه خرابی کردید و آن هم جرم کردید و آنهمه کشتار کردید، باید بروید بیرون . یکی از شرایط ما این است که بروید بیرون . این را چه انسانی می تواند بگوید که این شرط، یک شرط تحمیلی است ؟ خوب ، دزد آمده در خانه ما و اثاث ما را برداشته و جمع کرده می گوید حالا- بیا صلح کنیم ، اینها مال من . خوب همین است دیگر، اینها دزدانهائی بودند که ریختند به این کشور و هر چه هم بود در این شهرها برده اند، هر چه مردم مال داشتند، اگر یک مقدارش را توانستند خود اینها حمل کنند از محلشان ، کرده اند، اگر نه ، آنها برده اند و از بین برده اند و آنهمه خرابی کرده اند و خرابی هائی که در هیچ جا متعارف نیست (مغول هم که به این حمله کرده ، اینطور نبوده است که وقتی یک شهری را می گیرد تا آخر خرابش کند) شهرهای ما را اینطور کرده اند اینها. خوب ما می گوئیم که شما وارد شدید به ما و اینهمه جرم کردید، حالا- می گوئید که بیایید با هم صلح کنیم ، صلح کنیم یعنی خوزستان مال شما، یعنی آنقدری که شما گرفتید مال شما. نه ، هیچ وقت ، هیچ کس نمی پذیرد. ما می گوئیم شما بدون قید و شرط باید بیرون بروید، اگر هم بیرون نروید بیرونتان می کنیم ، بهتر هم برای خودتان همین است که بیخود این جوان های بیچاره را به زور نیاورید و به کشتن بدهید، خودتان بروید بیرون . این یک مساله ای است که همه عقلائی دنیا می پسندند از ما که کسی آمده است منزل شما و خرابکاری کرده ، حالا به او می گوئید بروید بیرون . اگر می خواهید یک تفاهمی بشود، باید بروید بیرون .

### ما اگر صلح بکنیم ، معنایش تشویق کردن این جانی است

مساله دوم ، مساله خسارت هائی که وارد کردند، قضیه جبران خسارت یک جهت مادی دارد، یک جهت سیاسی و معنوی . جهت مادیش گرچه خیلی زیاد است برای ما، اینطوری که همه شهرها را خراب کرده اند و هر چه ما داشتیم ، به هم زده اند و البته جوان های ما هر دانه ایش ارزش همه لشگر آنها را داشت و از دست ما گرفته شدند اینها. ارزش مادی قضیه خیلی زیاد نیست ، عمده ارزش معنوی است و ارزش سیاسی مساله ، اگر بنا باشد که یک کسی بیاید، هر چه جرم دارد بکند و هر چه دستش می رسد جنایت وارد کند و بعد بگوید که خوب حالا دیگر صلح می کنیم ، !!! من می رویم بیرون !!! من می روم بیرون . بسیار خوب ، صلح می کنیم خوب ، این جنایتی که کردی چی ؟ اگر ما این مطلب را اغماض کنیم ، نه از باب این است که یک مساله مثلا مادی را اغماض کردیم ، یک مساله معنوی را ما اغماض کردیم ، یعنی یک ستمگر و یک گروه ظالم را ما تشویق کرده ایم به اینکه باز بکنید. فردا هم باز دوباره برگردند و همین بساط را در آورند بعد هم بگویند که آقا بسیار خوب ، باز صلح می کنیم . هی خلاف کنند و هی بگویند صلح می کنیم . این باید جلوی گرفته بشود، در دنیا باید اینطور تعدیاتی که واقع می شود، جلوی گرفته بشود. یکی از مواردی که باید، جهتی که باید به او جلوگیری بشود این است که خسارت هایی که وارد شده باید بدهید. الان می گوئید که ما، دروغی هم می گویند البته ، که ما بیرون می رویم و قبول می کنیم فلان ، خوب ، بسیار خوب ، الان بروند بیرون و همین حالا کارشناس ها هم بیایند و جریمه های اینها را ارزیابی کنند که چقدر بوده ، یک گروه دیگر هم بیایند و ارزیابی کنند که کی مجرم است . ما اگر مجرم را امروز رهاش کنیم ، امروزی که ما قدرت داریم ، ما

آن روزی هم که صدام آن کوس کذا را می زد، مسائلمان همین بود، امروز هم که قدرت دست ماست و صدامی در کار نیست، امروز هم همان حرف ها را ما می زنیم و آن حرف این است که مجرم باید معلوم بشود کی است، اگر ما مجرم هستیم، دنیا به ما هر چه می خواهد بگوید و اگر آنها مجرم هستند، باید همانطور حکومت بشود، به طور عدالت حکومت بشود. ما عدالت را می خواهیم، ما هیچ وقت طالب جنگ از اول نبودیم. اگر چنانچه عراق به ما حمله نکرده بود، ما دفاع نمی کردیم. اما دفاع ما کردیم، ما جنگ نکردیم تا حالا. در عین حالی که رزمندگان ما و فرماندهان ارتش و سپاه به ما گفتند اجازه بدهید ما وارد بشویم در آنجا و با آنها چه بکنیم، خوب ما هم، ما می خواهیم دفاع بکنیم، دفاع که یک مساله عقلی است، یک مساله ای است که حتی حیوانات هم اصلا وقتی بخواهند حمله کنند دفاع می کنند. دفاع یک مساله طبیعی است، ما همیشه دفاع کرده ایم تا حالا، هیچ وقت جنگ نکرده ایم. ما که می گوئیم که ما جنگجو نیستیم مثل شماها، ما صحیح می گوئیم و شاهد داریم و آن، این است که از ما دفاع است، شمائی که می گوئید ما صلح طلبیم، می خواهید که صلح طلبی شما مثل صلح طلبی اسرائیل است تا حالا، اسرائیل هم حالا می گوید بیائید صلح کنیم. یعنی چه؟ یعنی وارد شده است و شهرهای لبنان را گرفته است و حالا- می گوید که ما، بیائید حالا- دیگر آتش بس کنیم. آن روز آتش بس است که با مشت بزنند اسرائیل را بیرونش کنند از شهرهای خودشان و آنوقت بگویند که بسیار خوب، حالا آتش بس، بنشینید مجرم را بفهمیم کی است. آنوقت هم صلح همین طوری نباید بشود، مجرم باید معلوم بشود کی است. اسرائیل بیاید هر چه جرم دارد بکند، بعد بگوید که خوب، ما دیگر کاری نداریم، شما بروید سراغ کارتان، اینجا هم که ما گرفتیم مال خودمان، معنی آتش بس این است؟ همان آتش بس صدامی است، این آتش بسی است که اسرائیلی هم دارد چیز می کند، یعنی همه چیزمان را دادیم، حالا- بس. بسم الله تشریف بیاورید حالا- دیگر با هم چون، صورت هم را ببوسیم و اینهایی را هم که بردید، مال شما باشد. آتش بسی هم که اینها الان دارند اظهار می کنند، همان وقت هم که آتش بس کنند، سه ساعت بعدش آبادان را تیرباران می کنند و آدم می کشند، در صورتی که آبادان جنگجو نیست، آبادان یک جمعیتی دارند مشغول کسب خودشان هستند. اینها می گویند که اینها کردند و ما کردیم، کی؟ کدام وقت اینها به این شهرهای شما کاری کردند؟ اینها هم با شما جنگ دارند شما هم با اینها جنگ دارید. شمایی که می گوئید آتش بس، بسیار خوب، می گوئید که چون اینها به ما چی کردند، ما هم کردیم، اینها به شهر شما کردند یا به شما؟ شما باید تلافی به خود اینها بکنید، شما تلافی به آبادان می کنید، همان کارهایی که از اول به آبادان می کردید، حالا هم همان کارها را دارید می کنید و این آتش بس نیست. ما همان شرایطی که از اول گفتیم، حالا هم همان شرایط را می گوئیم، که یکی بیرون رفتن تمام این ارتشی های عراق و این جنگنده های عراق از کشور ما بدون قید و شرط، هیچ قید و شرطی در کار نیست. حالا که می گویند ما بیرون می رویم، !!! ایشان !!! اینها می گویند بیایند، ما بیرون می رویم که شما بیاید رد بشوید، لکن به شرط اینکه صلح باشد تمام بشود مساله، یعنی به شرط اینکه ما هر چه ضرر به شما زدیم، هر چه جنایت کردیم هیچ. این مضحک است واقعا، یک جمعیتی می خواهند بیایند کمک کنند شما را، شما می گوئید حالا- که می خواهید کمک بکنید، پس دست بردارید از این ادعاهائی که دارید، شما مجرم را دیگر لازم نیست بشناسید، بیاید صلح بکنیم با هم، لازم نیست که اینهمه جرمه ها که وارد شده است به شما، تلافی بشود. این معنای آتش بس نیست، این معنای صلح نیست. ما همان مطلبی را که از اول گفتیم، همه دولتمردان ما همان مطلب را می گویند. باید بی قید و شرط اینها بیرون بروند، بیرونشان می کنیم بی قید و شرط و اگر زیادتر بمانند برای خودشان ضرر زیادتر دارد، هر چه بمانند، ضررش برای آنها زیاد است و باید تمام چیزهایی که به ما وارد کرده اند، ما حالا مقدارش را نمی دانیم، کارشناس باید بیاید بگردد مقدارش را معلوم کند که چقدر مقدارش است، آن هم باید تحقق پیدا کند و باید مجرم هم معلوم بشود که کی هست. و ما بعد معنوی این کار را داریم. ما اگر عراق دست



بردارد، این حزب بعث از عراق و برود گم شود سراغ کارش و مردم عراق خودشان ، این مردم مظلوم خودشان برای خودشان حکومت تعیین کنند، یک شاهی از آنها نمی خواهیم برای اینکه آن بعد معنوی دیگر نیست در کار و آن مجرم رفت ، تمام شد. آن بعد معنوی نیست در کار دیگر، ما بعد معنوی قضیه را باید چیز بکنیم . ما مسوول این جوان ها هستیم ، ما مسوول این ارتش هستیم ، ما مسوول این زن ها و مردهایی که بچه هایش و جوانش را از دست داده اند، هستیم . مگر ما می توانیم که بی قید و شرط بگوئیم که بیائید صلح بکنیم ، چون ما می خواهیم برویم کمک شما بکنیم ؟ این مسلک اسلام نیست که ما بخواهیم کمک آنها بکنیم و یک رشوه هم بدهیم . بله ، بعضی حکومت ها اینطوری هستند، نفت هایشان را می دهند و التماسشان هم می کنند، این حکومت ، اسلامی نیست اینطور. ما آن چیزهایی که از اول گفته ایم ، تا حالا سرش هستیم ، یک قدم اینطرف و آنطرف نیست در کار، نمی خواهیم که تحمیل کنیم ، یک چیز غیر عقلی و غیر عقلایی بگوئیم و نمی خواهیم از آن چیزی که هر عقلی می پذیرد، عقب بنشینیم ، آن هم به واسطه آن بعد معنوی که دارد، به واسطه اینکه آدم جانی را نباید در جنایتش تشویق کرد. ما اگر صلح بکنیم . معنایش تشویق کردن این جانی است به جنایتش . ما صلح می خواهیم ، خیلی هم می خواهیم اما صلح بی قید و شرط. معنایش این است که شما همین جا که هستید باشید، یا خیر، بروید بیرون ، لکن دیگر باقیش هر چه هست شده است دیگر، هر چه می خواهد بشود شده است ، نخیر، این به حیثیت اسلام ضرر می زند اینطور اغماض و حق ندارد کسی اینطور اغماض کند. البته راه دادن برای رفتن به سوریه برای طرف شدن با آنها یک مساله ای نیست که شما به ما منت داشته باشید، ما به شما منت داریم اگر روی قواعد عادی باشد، البته چون یک تکلیف الهی است ، به هیچ کس هم منت نداریم ، اما نباید شما از ما یک چیزی بگیری که می خواهیم بیائیم کمکتان . شمائی که می گوئید که ما با اسرائیل مخالف هستیم و می دانم که دروغ شما می گوئید که شرط اینکه شما بیائید از اینجا رد بشوید این است که صلح بشود و هر چی که ما کردیم دیگر هیچ ، این معنی صلح است ! این معنی راه دادن است ! شما معلق می کنید راه دادن را به چیزی که نشود. دنیا باید این را بداند که ما حاضریم صلح کنیم ، حاضریم پیش برویم در آنجا، لکن در عرض اینکه اینها دارند کنار می روند و یکی از شرایط را می گویند، ما خودمان می پذیریم در عرض این دو گروه بیایند. در همین پانزده روزی که اینها بنا دارند، فرض کنید که دروغ نمی گویند، می خواهند بروند، در عرض این بیاید یک گروه مورد توجه همه ، بین المللی ، بیاید رسیدگی کند به این جرم هائی که اینها کرده اند، به این خسارت هائی که به شهرهای ما وارد شده ، به روستاهای ما وارد شده ، البته یک خسارت هائی به ما وارد شده است که قابل جبران نیست و آن جوان های ماست ، این دیگر قابل جبران نیست ، اینها آنطرف باید در آن پیشگاه خدا باید اینها رسیدگی بشود. در عرض اینکه شما می گوئید ما کنار می رویم و بیائید ما دیگر راه می دهیم به شما، در عرض اینکه شما کنار می روید یک گروه بیایند رسیدگی کنند به اینکه جنایات را چقدر بوده ، چقدر ضرر زده اید شما به ایران و یک گروه هم توافق کنید بیاید که رسیدگی کند به اینکه مجرم کی است ، اینها وقتی حاصل شد، اما راه دادن شما به ما برای رفتن آنجا، شما باید یک چیزی هم دستی بدهید که ما می خواهیم برویم با دشمن های شما جنگ بکنیم ، اگر شما راست می گوئید که با اسرائیل مخالف هستید و نمی خواهید با این بهانه یک کلاهی سر ما بگذارید و خیال می کنید که ایران توجه به این مسائل ندارد و کسانی که در راس امور هستند، توجه به این مسائل ندارند، شما اگر نمی خواهید که یک توطئه ای داشته باشید و یک کار خلافی بکنید، خوب ، راه بدهید ما برویم .

**اگر راست می گوئید که با اسرائیل مخالفید، باید از ما خواهش کنید که به شما کمک کرده و جلو این را بگیریم**

راجع به مسائلی که ما از اول گفتیم همان مسائل هست . حالا- ما قبول می کنیم از شما که بیائید بروید بیرون ، قبول ، بسم الله تشریف ببرید اما نه اینکه بیرون ، تمام شد قضیه ، این یکی از چیزهایی است که ما می خواستیم ،



دوتای دیگرش مانده است که بعد معنوی آن در نظر ماست ، بعد سیاسی آن در نظر ماست نه بعد مادی آن ، تا اینکه بگوئید که غمض عین کنید، طلبی دارید از ما نگیرید. شما مگر ما می توانیم که صرف نظر کنیم از یک چیزی که جانی را به جنایت خودش تشویق می کند؟ ما باید جانی را در دنیا رسوا کنیم و جرمی که کرده است ، از او بگیریم تا این امور لااقل محدود بشود اگر از بین می رود لااقل محدود بشود. اینطور نشود که هر کسی افسار گسیخته بریزد شهرهای دیگران را از بین برد و اموال مردم را غارت کند و آتش بزند و بعد هم بگوید خوب ، بسیار خوب ، حالا دیگر صلح می کنیم . این صلح نیست ، این معنایش این است که نخیر شما باید باج به ما بدهید تا ما با شما صلح کنیم و این امروز آن روزی نیست که شما این حرف ها را می زنید، شما دیگر این حرف ها را باید کنار بگذارید، شما دیگر قدرتی ندارید که بتوانید یک همچو مسائلی را بگوئید و شما خیال کنید که دیگران به شما تقویت می کنند، آن دیگران هم مثل شما می مانند. شما که مال خودتان بود، اینطور از کار درآمد، یک جمعیت کمی اینطور خرمشهر را گرفت ، آنها که از خارج اجیر شما می خواهند بشوند، آنها برای شما می خواهند کار بکنند، برای خودشان می خواهند کار بکنند، آنها با یک فوت از بین می روند. بنابراین ، مساله این است که ما امروز که در اینجا مبتلا هستیم به یک همچو حزبی و در آنجا مبتلا هستیم به یک همچو رژیم فاسد، رژیم اسرائیل ، ما در هر دو جبهه حاضریم به اینکه جنگ بکنیم . اینجا که از خودمان است و جنگ می کنیم ، آنجا هم از خود ما هست . ما حاضریم ، لکن راه دادن به ما برای رفتن ، باید یک چیزی ما به شما بدهیم که شما راه بدهید، باید ما مجرم را دیگر کار نداشته باشیم ، باید بنشینیم صلح کنیم دیگر با هم ، دست گردن به هم بیندازیم که اینهمه آمدی جرم کردی ، برای اینکه حالا می خواهی به من همراهی کنی ، بیا به من یک چیزی هم به ما بده تا همراهی کنیم ! نه ، این مساله غیر عقلانی است و هرگز نخواهد شد. مساله راه دادن یک چیزی است که شما باید التماس کنید که ما بیائیم برویم سراغ آن کار را بکنیم . ما داوطلب هستیم . شما باید از ما خواهش کنید که آقا بیائید با ما کمک کنید تا ما برویم جلوی این را بگیریم اگر راست می گوئید که با اسرائیل مخالفید و اگر مساله این نیست با اسرائیل مخالف نیستید و می خواهید ما نرویم آنجا، شرط را اینطور قرار می دهید که حالا- بدون همه قیدی مصالحه کنیم ، آنوقت شما تشریف بیاورید ببرید، آن هم تشریف بیاورید حرفی است تا به صورت واقعی من امیدوارم که انشاءالله همانطوری که شما در جبهه های جنگ پیروز شدید و پیروز هستید و امیدوارم که همیشه پیروز باشید، همینطور در معنویات هم که مهم است ، که این مادیات تابع آن معنویات است ، این معنویات هر چه قوی بشود، شما قویتر خواهید شد. یک نفر آدم با ایمان می تواند با هزاران نفر بی ایمان مقابله کند و شما در این عرض مدتی که جنگ کرده اید، دیده اید که مساله اینطوری است که ایمان وقتی که در میدان می آید، همه چیز را از بین می برد، مقابله هر چه هست ، از بین می برد. انشاءالله خداوند ایمان همه ما را زیاد کند و شما را در این دو قطب معنویت و مادیت تقویت کند و اسلام را انشاءالله از شر همه قدرتمندان نجات بدهد و این تحولی که در ایران هست ، انشاءالله باقی باشد و تا ظهور امام زمان این ملت بتواند این کشور را به طور شایسته تحویل ایشان بدهد انشاءالله . والسلام علیکم ورحمة الله تاریخ : ۲۳/۳/۶۱

**بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان نهضت های آزادیبخش جهان !!! فرمانده ، مدیران و سرپرستان  
دوایر سیاسی !!! ایدئولوژیک و پرسنل نیروی دریائی !!! وزیر، مدیران و کارکنان وزارت  
ارشاد اسلامی**

**امروز، ابتلای اسلام سکوت دول منطقه در قبال جنایات اسرائیل است**

بسم الله الرحمن الرحيم قبلای باید از آقایانی که در اینجا حاضر هستند، از نیروی دریائی و از وزارت ارشاد و از مهمانان عزیزی که از خارج آمده اند، تشکر کنم . من امیدوارم که خدای تبارک و تعالی بر این ملت های ضعیف عنایت کند و دست ستمکاران را قطع

کند انشاءالله . ابتلای اسلام ، امروز این است که گوش هائی که باید به مسائل ، به مشکلات مسلمین گوش بدهند، کر شده اند و زبان هائی که باید برای مصالح مسلمین به کار بیفتند، لال شده اند و چشم هائی که باید مصیبت هائی که بر مسلمین وارد می شود ملاحظه کنند، کور شده اند. ما با این لال ها و کرها و کورها چه بگوئیم ؟ آیا این دولت های منطقه مساله لبنان را یک فاجعه نمی دانند؟ یک فاجعه برای اسلام نمی دانند؟ یک فاجعه برای مسلمین جهان نمی دانند؟ آیا حمله اسرائیل به لبنان و کشتار بی حد فاجعه نیست ؟ برای اسلام فاجعه نیست برای مسلمان ها فاجعه نیست ؟ آیا تصریح به اینکه این عمل با صوابدید امریکا واقع شده است ، در گوش اینها وارد نمی شود؟ اگر کر نیستند چرا این فریاد و ناله عزیزان ما را در لبنان نمی شنوند؟ و اگر کور نیستند، چرا این کشته هائی که هر روز دارد در لبنان و ایران روی هم می ریزد و جوان های عزیزی که ما در جبهه ها و زن ها و بچه ها و مردهای پیر که در خارج جبهه ها و در شهرها به هلاکت می رسند، نمی بینند؟ اگر می بینند و فاجعه می دانند، چرا صحبتی در کار نیست ؟ اگر علاقه به کیان اسلام ، علاقه به قرآن کریم ، علاقه به حرمین شریفین دارند، چرا امروز که دارد این معالم دینی زیر پا گذاشته می شود و تهدید می کند اسلام و قرآن و حرمین شریفین را، صحبتی نمی کنند؟ چرا باز کمک می کنند؟ چه شده است اینها را که در حضور آنها این مصائب واقع می شود و در محضر همه اینطور جنایت ها واقع می شود و علاوه بر اینکه سکوت کرده اند، تایید می کنند. باز هم قرار داد کمپ دیوید را می خواهند تایید کنند، باز هم طرح فهد را می خواهند تایید کنند، باز هم اسرائیل را می خواهند بشناسند. این فاجعه ها را باید ما با کی در میان بگذاریم ؟ با دولت هائی که چشم و گوششان را بسته اند و بدون اراده تسلیم امریکا شده اند؟ با ملت های مظلومی که تحت فشار این دولت ها دارند جان می دهند؟

### تا ملت ها آگاهی و انسجام پیدا نکنند محکوم به حکومت های فاسدند

باید با ملت ها در میان گذاشت ، همانطوری که در ایران ، ملت ایران بود که فاجعه ای که برای اسلام به دست امریکا و سرسپردگان او که رژیم منحوس پهلوی است ، پیش می آمد، همین جوان های ایران بودند و همین ملت ایران بود و همین ارتش ایران بود و همین نیروهای دریائی و هوائی و زمینی ایران بود و همین سپاه پاسداران ایران بود و همین جوان های بسیج و عشایر ایران بود که با هم وظیفه فهمیدند، بیدار شدند و با هم مشت ها را گره کردند و با مشت ، تانک ها را از صحنه بیرون کردند. تا ملت ها یک همچو بیداری پیدا نکنند و تا ملت ها یک همچو انسجامی پیدا نکنند، باید بدانند که محکوم به حکومت های فاسد و محکوم به امریکای جنایتکار و سایر ابرقدرت ها هستند. با داشتن آنهمه ذخائر، آنهمه امکانات که اگر یک هفته نفت خودشان را به روی این جنایتکارها ببندند تمام مسائل حل خواهد شد، معذکک می گویند که ما این کار را نمی کنیم . این مصیبت ها را ما به کجا باید عرض کنیم جز به ساحت مقدس خدای تبارک و تعالی ؟ ما شکایت از این حکومت ها را به کجا ببریم جز به ساحت مقدس خدای تبارک و تعالی ؟ ما چطور شکایت کنیم از آنهائی که ایران را که ایستاده است و می خواهد در مقابل همه قدرت ها بایستد و اسلام را محقق کند در دنیا، در مقابل این ، طرح جهاد می دهند و اسرائیل که به جنگ با اسلام برخاسته است و با صراحت می گوید که از نیل تا فرات مال من است و حرمین شریفین را از خود می داند، سکوت کرده اند. ما این دردها را کجا ببریم ، این مصیبت ها را پیش کی طرح کنیم ؟ این سکوت های مرگبار را، سکوت هائی که تایید می کند جنایتکاران را، این سکوت هائی که تشویق می کند ستمکاران را، باید به کی عرضه کنیم و از کی بخواهیم که عنایت کند و این سکوت ها را بشکنند؟ جمعیت تان کم است ؟ ثروتان کم است ؟ نفتتان ناچیز است ؟ زمین هایتان کم است ؟ مراکز مهمی که در سوق الجیشی بسیار معتبر است ، شما دستتان نیست ؟ همه امکانات هست ، لکن یک چیز نیست و آن ایمان است . ایمان نیست .

## آنچه که ملت ما را پیروز کرد ایمان به خدا و عشق به شهادت بود

ملت ایران هیچ نداشت و ایمان داشت و ایمان او را بر همه قدرت ها غلبه داد و مسلمان های همه کشورها، دولت هاشان همه چیز دارند لکن ایمان ندارند، آنچه که کشور ما را، ملت ما را پیروز کرد، ایمان به خدا و عشق به شهادت بود، عشق به شهادت در مقابل کفر، در مقابل نفاق، برای حفظ اسلام، برای حفظ قرآن کریم. این مهمان های عزیز ما که آمده اند، اینها حامل پیام ایران باشند به ملت ها که خودتان باید به فکر باشید، ننشینید تا برای شما دست نشاندهگان امریکا کار کنند. آنها در این گرفتاری که ایران دارد، برای باغ وحش خودشان شتر می خرند! این مصیبت را ما کجا ببریم؟ چهارده تا شتر برای باغ وحش فلان سلطان منطقه از خارج می خرند و با طیاره ها می خواهند ببرند به آن محل. اینها دارند همه چیز ما را می برند و آنها شتر می خرند! من نمی دانم که این گوش ها کی باز می شود. با نفع صور باید باز بشود؟ و این چشم ها کی بینا می شود و این زبان ها کی گویا می شود؟ (صم بکم عمی فهم لایعقلون). همه اش سر لایعقلون است، (صم بکم عمی) هم دنبال (لایعقلون) است.

## دولت عراق، اسرائیل را بهانه قرار داده برای فرار از چنگال عدل الهی

ما بحمدالله در جبهه داخل پیروز هستیم و رزمندگان ما از همه طبقاتی که بودند، چه نیروی دریائی که امروز بعضی از آنها در اینجا تشریف دارند و خدا حفظشان کند و چه نیروی زمینی و چه نیروی هوائی و چه سایر قوای مسلح مثل سپاه پاسداران و دیگران، در صحنه اند و ایستاده اند در مقابل هر پیشامدی. کشور ما که سرمایه های بزرگ خود که عبارت از جوان هاشان باشد، در طبق اخلاص گذاشته اند و برای اسلام. برای دین خدای تبارک و تعالی جهاد می کنند، برای هر پیشامدی که برای مسلمین می شود، اینها در صحنه اند، مضحک این است که دولت ما پیشنهاد می کند که راه بدهید ما برویم با دشمن های شما جنگ بکنیم و این را یکی از شرایط قرار می دهد، برای اینکه مایوس از شماست و شما باید شرط قرار بدهید و آنها می گویند که باید از هر چیزی که ما کردیم بگذرید تا راهتان بدهیم، آن هم چه راه دادنی. اینها مصیبت نیست که بر اسلام وارد است که یک جمعیت فداکار می خواهند بروند با دشمن عرب، با دشمن اسلام، با دشمن حرمین شریفین، با دشمن همه منطقه جنگ بکنند، (خودشان که نشستند و بی تفاوت هستند، بلکه موافق هستند با آنها) از ما رشوه می خواهند که راه به آنها بدهید که اینها بروند آنجا، برای آنها جنگ بکنند؟ مثل یک نفر غریق که دارد در دریا غرق می شود و یکی می رود نجاتش بدهد می گوید چه به من می دهی تا اجازه بدهم مرا نجات بدهی. اینها، دولت عراق قضیه اسرائیل را بهانه قرار داده برای اینکه از چنگال انتقام و عدالت الهی فرار کند. بهانه قرار داده است که بگوید شما اگر بخواهید ما اجازه بدهیم بروید و ما غریق ها را نجات بدهید، باید از جنایاتی که به شما کردیم صرف نظر کنید و یک دولت، دو تا دولت، صلح باشند و متصل باشند که وارد بشوند و از آنجا بروند سراغ نجات ما. این غیر از این است که (صم بکم عمی فهم لایعقلون)؟ مگر دولت ایران آنوقتی که شهابه خیال خودتان قدرت داشتید، غیر از این حرفی می زند که حالا می گوید؟ این همان را می گوید. دو تا مطلب دیگری که بزرگان این کشور عنوان کردند و شرط قرار دادند، این از باب این است که از شما مایوس هستند، می گویند شرط صلح، شرط صلح این باشد که راه بدهید تا برویم. آن شرطی را که شما باید با ما بکنید، بگوئید ما به شرطی صلح می کنیم که شما بیائید از اینجا بروید. این، غیر از این است که تعقل ندارند و چشم و گوش آنها را هواهای نفسانی بسته است؟

## ایران برای همه کشورها حجت است

دولتمردان ما که می گویند این بیچاره هائی که از عراق بیرون کردید و فرستادید به اینجا و ما با آغوش باز آنها را پذیرائی می کنیم . اینها وطنشان آنجاست ، یکی از شرایط ما این است که آنها را راه بدهید، این یک شرط غیر معقول است ؟ یک شرطی است زائد بر آن که ما از اول گفتیم راه دادن اهالی یک کشور در محل خودشان و اجازه دادن اینکه آوارگان از آنجا که به زور بیرونشان کردید، برگردند به جای خودشان ، این یک چیزی است که ما یک شرط زیادی کردیم؟! نه ، این امری است طبیعی ، دنبال آن شرایط ماست ، ما اضافه نکردیم . آتش بسی که صدام می گوید، آتش بسی که دنبالش آتش می گشاید. راهی که صدام می خواهد به ما بدهد، راهی است که نجات خودش را در آن راه می یابد، نه راه می خواهد برای اسرائیل بدهد. این ، طرفین قضیه را ملاحظه کرده است ، اگر ما قبول کنیم ، پس مصالحه واقع شده است و صدامی ها نجات پیدا کردند و اگر قبول نکنیم ، پس معلوم می شود که ما نمی خواهیم جهاد کنیم ، نمی خواهیم با اسرائیل جنگ کنیم . ما به آنها می گوئیم که ما قبول داریم ، شما کنار بروید و کارشناس ها بیایند ببینند که شما چه کردید در این کشور، چه جرم هائی را مرتکب شدید و کارشناس ها بیایند ببینند که کی این جنایت را مرتکب شده است . لکن ما جنایات را غمض عین کنیم ، برای اینکه می خواهیم برای شما کار کنیم ، اینها از عجایبی است که در تاریخ باز می ماند، از عجایبی است که تاریخ ضبط می کند که ایران می خواست برای نجات عرب ، که اسرائیل بخصوص با عرب مخالف است و برای نجات حرمین شریفین و برای نجات کشورهای اسلامی که همه در تهدید اسرائیل هستند و برای مقابله با این سرطان فاسد می خواست برود و دولت ها از او رشوه می خواستند. اینها مسائلی است که در تاریخ ثبت می شود و ننگ هایی است که بر پیشانی این اشخاص ثبت خواهد شد. تا کشورهای اسلامی ، ملت های اسلامی ، آن معنایی که در ایران پیدا شد، الگوی خودشان قرار ندهند و تا خودشان به خیابان ها نریزند و بخواهند از دولت های خودشان که با اسرائیل باید روبرو بشوید، گمان نکنید که این کر و کورها به تعقل برسند. ملت ها باید بایستند و بخواهند از ارتش های منطقه خودشان و از دولت های منطقه خودشان که بیایند و با این فلسطینی ها و با این سوری ها که مورد ظلم واقع شده اند، کمک کنند تا این غده سرطانی از بین برود. و اگر آنها هم تماشاگر باشند که ببینند چه می شود، آنها هم بی تفاوت باشند و عذر این باشد که دولت ها باید این کار را بکنند، اگر اینطور باشد، آنها هم در محضر خدا جواب صحیح ندارند. ایران حجت است بر همه کشورها. خدای تبارک و تعالی ممکن است که در آخرت ، ایران را حجت قرار بدهد بر آنتهایی که به ظلم ساخته اند و تسلیم ظالم شده اند و قیام نکرده اند. اگر اعتقاد به خدا و معاد دارند، جواب باید تهیه کنند برای خدای تبارک و تعالی . آن روز دیگر امریکا و اسرائیل نمی توانند به دادتان برسند. و اگر به این معانی اعتقاد ندارند، جواب برای ملت های مظلوم دنیا باید تهیه کنند، جواب نسل های آتیه که خدای نخواستہ با این روشی که اینها دارند، آنها در دام خواهند افتاد، جواب باید تهیه کنند. اگر ارزش های ایمانی را هیچ حساب می کنند، ارزش های نظامی خودشان را، ارزش های ملی خودشان را، ارزش های انسانی را در نظر بگیرند و برای چهار روز حکومت کردن ، زیر بار ذلت نروند، آن هم ذلت در تحت چکمه اسرائیل . مسلمان ها باید از جا برخیزند، باید قیام کنند. خدا فرموده است : (انما اعظکم بواحدہ ان تقوموا لله متنی و فرادی). نگوئید تنها هستیم ، تنهایی هم باید قیام بکنیم ، اجتماعی هم باید قیام کنیم ، با هم باید قیام کنیم . همه موظفیم به اینکه برای خدا قیامت کنیم و برای حفظ کشورهای اسلامی قیام کنیم ، در مقابل این دو غده سرطانی که یکی حزب فاسد بعث عراق است و یکی اسرائیل و هر دو سر منشا امریکا است . اگر کشورهای اسلامی با هم قیام کنند اسرائیل بکلی از بین خواهد رفت عذر نیست پیش خدای تبارک و تعالی ، نه ما معذوریم و نه شما. عذر نیست که ما نداشتیم چیزی ، همه چیز دارید. عذر نیست که ما قدرت نداریم ، همه قدرتمندتر هستید. وقتی روی هم بایستید، روی هم دست برادری با هم بدهید، یک قدرت بزرگ جهانی را شما می توانید تحقق بدهید. عذر نیست که ما اسلحه نداریم ، سلاحی که شما دارید دنیا ندارد و او سلاح نفت است . دنیا به سلاح شما

احتیاج دارد، رگ حیات دنیا است. این سلاحی که خدای تبارک و تعالی به اختیار شما گذاشته است، برای خدای تبارک و تعالی از او استفاده کنید. این قدرتی که خدای تبارک و تعالی در بازوان شما گذاشته است، برای خدای تبارک و تعالی به کار بگیرید. خداوند انشاءالله بیدار کند این دولت ها را، خداوند انشاءالله هشیار کند این جمعیت های فراوانی که در عین حالی که همه چیز دارند، تحت فشار ظلم هستند. من امیدوارم که همانطوری که ایران تاکنون آمده است و دست ستمکارها را کوتاه کرده است و خود رو به یک تمدن خواهد رفت و ایران را یک ایران آزاد و مستقل قرار داده است، این آزادی و استقلال و این حضور جمعی، تا آخر باقی بماند. من امیدوارم که ملت های این کشورهای اسلامی به این مسائل توجه کنند و نشینند تا اینکه وقت بگذرد. امروز، روزی است که اگر با هم قیام کنند، اسرائیل بکلی از بین خواهد رفت. من امیدوارم که این دولت هائی که در عین حالی که اسرائیل با صراحت می گوید که (من باید همه اینجاها را بگیرم) و اینجاها را ملک خودش می داند و شاهدیم که قدم قدم دارد پیش می رود، این دولت ها بیدار بشوند و با این ماده سرطانی که خطرش برای همه منطقه و برای اسلام است، قیام کنند و با حرف و صحبت و شوخی و مزاح مسائل را نگذرانند. من امیدوارم که این دولت ها آنقدری که به باغ وحش خودشان اهمیت می دهند، به اسلام اهمیت بدهند. خداوند انشاءالله این قدرت هائی که برای اسلام کار می کنند پیروز کند و خداوند انشاءالله شما جوان های عزیزی که از اول انقلاب تا حالا- و از حالا- به بعد هم در صحنه حاضرید و برای اسلام کار می کنید، شما را تایید کند. امیدوارم که خداوند تمام مسلمین جهان را تایید کند و از زیر بار ستم قدرت های بزرگ خارج شوند. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته تاریخ: ۲۵/۳/۶۱

### بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر کشور، و فرمانداران سراسر کشور

#### امید است اداره شما عبادتگاه و خدمت های شما عبادت باشد

بسم الله الرحمن الرحيم اولاً باید از شما دوستان و عزیزان تشکر کنم، از راه های دور آمدید و ملاقات حاصل شد و من عذر این معنا را که بتوانم امروز بحث طولانی بکنم، امید است بپذیرید. و لهذا من اکتفا می کنم به اینکه به شماها دعا کنم. من از خدای تبارک و تعالی مسئلت می کنم که تمام کشور ایران، هر جایی که شما دوستان هستید و در هر شغلی که عزیزان ما اشتغال دارند، محلشان مهبط الهی باشد یعنی کارها برای خدا، برای خدمت به بندگان خدا، برای خدمت به اسلام باشد که این از بزرگترین عبادات است، خدمت به خلق خدا و خدمت به اسلام. امید است که در هر جا شما هستید، اداره شما و پست های شما مبدل بشوند به یک عبادتگاه و خدمت های شما همه عبادت باشد. و من امیدوارم که در مقابل آن رژیم سابق، جاهائی که مامورین بودند، مرکز معصیت بود، امروز شما با تعهد به اسلام و با تعهد به احکام اسلام و با تعهد به جمهوری اسلامی، در خدمت بندگان خدا و مستضعفین باشید و بیشتر از همه طبقات ضعیف را ملاحظه کنید و این خود یک عبادت بزرگ است برای شما و من امیدوارم که شما به این عبادت موفق باشید و غنیمت بدانید اینکه در یک رژیمی واقع شدید، در یک حکومتی واقع شدید که آن شغلی که سابق معصیت بود، امروز عبادت است و آن اتاقی که سابق در آن معصیت واقع می شد، امروز با خدمت به خلق خدا عبادتگاه است. و خداوند این عبادتگاه را برای شما حفظ کند و شما را موفق کند که به این عبادت بزرگ که خدمت به جمهوری اسلامی و خدمت به مردم است بیشتر موفق بشوید. و خداوند انشاءالله در جبهه های نبرد، اسلام را بر ضد کفر در هر جا هستند، در ایران، در لبنان، در فلسطین و جاهای دیگر پیروز کند. انشاءالله کسانی که ظلم به این ملت ها می کنند، ستم به این مردم می کنند و برخلاف اسلام عمل می کنند، خداوند تبارک و تعالی آنها را ادب کند. و امیدوارم که شما هر چه بیشتر موفق بشوید به اینکه برای این مردم مستمند کار بکنید و اجر آن را از

خدای تبارک و تعالی بخواهید. خداوند به همه شما توفیق بدهد. والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته تاریخ: ۲۷/۳/۶۱

### پیام امام خمینی به مناسبت سالروز تاسیس جهاد سازندگی

بسم الله الرحمن الرحیم ۲۷ خرداد، روز تاسیس جهاد سازندگی را به عموم ملت انقلابی و شریف ایران و به همه تلاشگران متعهد و مومن در راه تحقق آرمان های ملت مسلمان ایران تبریک می گویم، روزی که با تاسیس این ارگان عظیم، انقلاب اسلامی ما توانست به دورافتاده ترین مناطق کشور راه یابد و رسالت تاریخی و اسلامی خود را با تمام کارشکنی ها به اقصی نقاط کشور برساند. به راستی فرزندان اسلام، خواهران و برادران ایثارگر، با عضویت در این نهاد انقلابی، با فداکاری بی نظیر خود در میان دشوارترین شرایط زندگی و سخت ترین مناطق جغرافیائی کشور توانستند در مدتی کوتاه، اینهمه آثار زنده و ارزنده را در تمام ابعاد برای مردم ستمدیده ایران به ارمغان آورند. کم نیستند جهادگرانی که در راه بهبود زندگی مردم محروم و مستضعف ما شهید و یا معلول گردیده اند و کم نیستند خواهران و برادرانی که در بدترین شرایط، دست به اقدامات فرهنگی و عمرانی زدند و به بدترین شکل به دست گروهکهای از خدا بی خبر و منافقان دنیاپرست شهید گردیدند، چرا که این از خدا بی خبران خوب فهمیدند که این جوانان جهادگرند که بذر انقلاب را در دل هر روستائی می کارند و با آبادانی مناطق محروم است که هر روستائی و شهری محروم، سربازی می شود پاسدار انقلاب اصیل اسلامی خویش، چرا که آمریکا و ایادی مزدبگیرش خوب به این نتیجه رسیده اند با جهاد مقدس فرزندان اسلام است که نهال انقلاب اسلامی در روستاها و شهرهای دور افتاده این آب و خاک به گل می نشیند و تنها به همین دلیل است که هر جهادگری را مانند رزمنده ای در میدان نبرد می دانند که از انقلاب و اسلام و ایران دفاع می نماید. نقش جهاد سازندگی در جنگ، کمتر از نیروهای نظامی نبوده و نیست و این اقراری است مکرر از سوی فرماندهان ارتشی و سپاهی ما که اگر جهاد نبود پیروزی با این سرعت به دست نمی آمد. باید اعتراف کرد که اینان بزرگترین آبرو را به انقلاب اسلامی خود داده اند و با تعهد به اسلام و ایمان به خدای تعالی در این راه بهترین نمونه و الگویی برای همه جوانان مسلمان و متعهد اسلامی گردیدند. امروز در گوشه و کنار کشور و در میان دورافتاده ترین روستاهای محروم و بد آب و هوا که قدم بگذارید با ایثارگران جهاد سازندگی مواجه می شوید که خیلی زودتر از شما خود را بدانجا رسانده اند و با نداشتن امکانات لازم، با هر وسیله ای که در اختیار داشته و دارند، با تمام وجود در از بین بردن کمبودها و مشکلات و بیماری ها و نارسائی های مردم کوشش می نمایند و در بسیاری از موارد برای ایجاد وسائل رفاهی از ایثار جان خود دریغ نکردند. من هر گاه از نزدیک با جوانان پرشور و پرتحرک جهاد سازندگی مواجه می شوم و یا در وسایل ارتباط جمعی آثار ارزنده فرهنگی و عمرانی آنان را شنیده و یا می بینم، از دل برای موفقیت و سربلندی آنان دعا می کنم. آفرین بر شما که اینگونه به اسلام و انقلاب اسلامی آبرو دادید. درود بر شما که برای تحقق آرمان های ملت مسلمان و انقلابی ایران و برای پیاده کردن برنامه های اسلام عاشقانه به استقبال شهادت شتافته اید و علیرغم تبلیغات واهی دشمنان، اختلاف زبان و لباس مانع تلاش فردی و جمعی شما در این راه نگردیده است و هم اکنون مشاهده می کنید که چگونه با لباس های محلی و زبان های قومی دست در دست یکدیگر در این گردهمایی مهم شرکت جسته اید. امیدوارم همانگونه که در راه سازندگی کشور تمام نیروهای مادی و معنوی خود را به کار بسته اید، از سازندگی خود و دیگران نیز که مقدم بر همه سازندگی هاست غفلت نکنید و همانگونه که بارها یادآوری کرده ام سازندگی روح را بر سازندگی جسم مقدم دارید تا به خواست خدای تعالی با نیروی ایمان، کارها به بهترین و سریعترین وجه پیش رود و هر چه زودتر با کمک خداوند و یکدیگر این کشور را به خودکفائی و آبادی کامل برسانیم، انشاءالله تعالی.

والسلام علیکم ورحمه الله روح الله الموسوی الخمینی تاریخ: ۲۹/۳/۶۱



## فرمان امام خمینی به حجت الاسلام زنجانی

بسم الله الرحمن الرحيم جناب حجت الاسلام آقای سید میرآقا زنجانی دامت افاضاته بر حسب درخواست اهالی محترم و علماء اعلام شهرستان زنجان ایدهم الله تعالی ، جنابعالی را به سمت امام جمعه این شهر منصوب می نمایم که انشاءالله تعالی ضمن برگزاری این فریضه بزرگ الهی مردم را به وظایف مهم اسلامی و انقلابی دیگری که دارند، آشنا سازید و از تفرقه و اختلاف برحذر دارید. امید است اهالی محترم نیز فرصت را مغتنم شمرده در انجام هر چه باشکوهتر این نماز وحدتبخش کوشا باشند. والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته تاریخ : ۲۹/۳/۶۱

### بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس و مسؤلان شهربانی جمهوری اسلامی ، آگاهی و دادستانی

بسم الله الرحمن الرحيم وضع پلیس در دنیا و در رژیم سابق این بود که همه در خدمت قدرتمندان بودند و نقشه آنهایی که می خواستند در کشورها سلطه پیدا کنند و نمی توانستند که همه مردم را تحت نظارت قرار دهند این بود که نفر یا افراد مقتدری را بر سر همه بگمارند، مثل رضاخان که یک آدم قلدری بود و به اسم نجات ایران وارد شد و همه قدرت ها را در دست گرفت و در اختیار انگلیس قرار داد. پلیس در دنیا در خدمت مردم و بیچاره ها نیست ، در دنبال قلدرهاست و اینکه می بینید همه قدرت ها نسبت به ایران بد شده اند و هر موضوع کوچکی را بزرگ و هر امر بزرگی را کوچک می کنند، به خاطر این است که پلیس و ارتش امروز ما غیر از همه کشورهاست . پلیس با مردم مختلط است . الان پلیس با سایر ارگان ها با هم و همه در خدمت مکتبی هستند که سال ها کوییده شده است . خدا خواست که این کشور را نجات داد و این هم یک نعمتی بود که همه متوجه این مسائل بشوند. اینکه می گویم دنیا چیزهای کوچک خود را بزرگ و آنچه مربوط به ماست با بی توجهی از آن می گذرد، همین قضیه موزه عباسی بود که آنقدری که من مطلع هستم ، راجع به آن اصلا چیزی ذکر نکردند. در حالی که این موضوع یکی از مسائل مهم پلیسی بود که اگر یک کشور دوست آنها صد مرتبه کمتر این کار را انجام می داد آنها بزرگ می کردند. اینها از ایران ترسیده اند، نه از افراد، بلکه از این انسجام و اینکه پلیس و ارتش و دولت در خدمت مردم هستند و مردم پشتیبان آنها می باشند که اگر برای یک پلیس در خیابان گرفتاری پیدا شود مردم در رفع آن همکاری می کنند. این مطلب را باید همیشه در ذهن داشته باشید و به پرسنل خود تذکر دهید که هنوز دست ها در کار است و آنها غافل نشسته اند. آنها یک چیزی را از دست داده اند که آن چیز منشا است که همه چیز را از دست آنها بگیرد. و این مساله از منطقه هم گذشته و به خود آنها رسیده است . این به خاطر آن است که همه در خدمت اسلام هستند و پلیس هم در خدمت اسلام است . همین کارهای شما عبادت است و شما در مقابل خداوند تعالی برای کشف این مساله ارزش دارید، چون شما به کشوری آبرو می دهید که برای خدا قیام کرد. و من باید از این کشفی که کردید تشکر کنم که زحمت کشیدید و ماه ها روی آن کار کردید. والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته تاریخ : ۳۰/۳/۶۱

### بیانات امام خمینی در جمع گروهی از علماء، ائمه جماعات و روحانیون و وعاظ قم و تهران

#### این مجالس عزا یک سازماندهی سرتاسری کشورهای اسلامی است

بسم الله الرحمن الرحيم قبلا- باید تشکر کنم از آقایان روحانیون و آقایان خطبا که از تهران و از قراری که گفته اند، از قم تشریف آورده اند و خدمتشان رسیدیم و امیدوارم که همه موفق به خدمت به اسلام و مسلمین باشند. مطالب زیاد است ، لکن یک مطلب راجع به آقایان خطبا و علما عرض می کنم و یک مطلب هم راجع به مسائل روز که ابتلاء به آن داریم . آن مطلبی را

که راجع به آقایان خطبا عرض می‌کنم این است که عمق این کاری را که شما دارید و عمق ارزش مجلس های عزاداری ، کم معلوم شده است و شاید پیش بعضی هیچ معلوم نشده است . اینکه در روایات ما برای یک قطره اشک برای مظلوم کربلا آنقدر ارزش قائلند، حتی برای تباک (به صورت گریه در آمدن ) ارزش قائلند، نه از باب این است که سید مظلومان احتیاج به این کار دارد و نه این است که فقط برای ثواب بردن شما و مسلمین شما باشد، گرچه همه ثواب ها هست ، لکن چرا این ثواب را برای این مجالس عزا آنقدر عظیم قرار داده شده است و چرا خداوند تبارک و تعالی برای اشک و حتی یک قطره اشک و حتی تباک ، آنقدر ثواب داده است ؟ کم کم این مساله از دید سیاسی اش معلوم می شود و انشاءالله بعدها بیشتر معلوم می شود، اینکه برای عزاداری ، برای مجالس عزا، برای نوحه خوانی ، برای اینها اینهمه ثواب داده شده است ، علاوه بر آن امور عبادت و روحانیت ، یک مساله مهم سیاسی در کار بوده است . آن روزی که این روایات صادر شده است ، روزی بوده است که این فرقه ناجیه مبتلا بودند به حکومت اموی و بیشتر عباسی ، و یک جمعیت بسیار کمی ، یک اقلیت کمی در مقابل قدرت های بزرگ . در آنوقت برای سازمان دادن به فعالیت سیاسی این اقلیت ، یک راهی درست کردند که این راه ، خودش سازمانده است و آن ، نقل از منابع وحی ، به اینکه برای این مجالس اینقدر عظمت هست و برای این اشک ها، آنقدر در حول و بر این اشک ها و عزاداری ها، شیعیان با اقلیت آنوقت اجتماع می کردند و شاید بسیاری از آنها هم نمی دانستند مطلب چه هست ، ولی مطلب ، سازماندهی به یک گروه اقلیت در مقابل آن اکثریت ها. و در طول تاریخ ، این مجالس عزا که یک سازماندهی سرتاسری کشورها هست ، کشورهای اسلامی هست و در ایران که مهد تشیع و اسلام و شیعه هست ، در مقابل حکومت هائی که پیش می آمدند و بنای بر این داشتند که اساس اسلام را از بین ببرند، اساس روحانیت را از بین ببرند، آن چیزی که در مقابل آنها، آنها را می ترساند، این مجالس عزا و این دستجات بود. در دفعه اول که مرا از قم گرفتند و بردند، در بین راه این بعضی از این مامورینی که بودند در آن اتومبیل من ، می گفت که ما آمدیم سراغ شما، از این چادرهائی که در قم بود می ترسیدیم که مبادا اینها مطلع بشوند و ما نتوانیم انجام وظیفه کنیم . اینها که هیچ ، قدرت های بزرگ از این چادرها می ترسند، قدرت های بزرگ از این سازمانی که بدون اینکه دست واحدی در کار باشد که آنها را مجتمع کند، خود به خود ملت را به هم جوشانده اند در سراسر یک کشور، کشور پهناور، در ایام عاشورا و در دو ماه محرم و صفر و در ماه مبارک ، این مجالس است که مردم را دور هم جمع کرده است . و اگر یک مطلبی بخواهد برای اسلام خدمتی بکند و شخصی بخواهد که مطلبی را بگوید، سرتاسر کشور به واسطه همین گویندگان و خطبا و ائمه جمعه و جماعت یکدفعه منتشر می شود و اجتماع مردم در تحت این بیرق الهی ، این بیرق حسینی ، اسباب این می شود که سازمان داده شده باشد. اگر قدرت های بزرگ در منطقه های خودشان بخواهند که یک اجتماعی ایجاد کنند، با فعالیت های زیادی که شاید چند روز یا چند دهه می کنند، در یک شهری ، یک عده فرض کنید صد هزار نفری ، پنجاه هزار نفری ، با خرج های زیاد و زحمت های زیاد مجتمع می شوند و به قول آن کسی که می خواهد صحبت کند، گوش می دهند لکن شما می بینید که برای خاطر همین مجالسی که مردم را به هم پیوند داده است ، این مجالس عزائی که مردم را به هم جوش داده است ، به مجرد اینکه یک مطلبی پیش می آید، در یک شهر نه ، در سرتاسر کشور، تمام قشرهای مردم و عزاداران حضرت سیدالشهدا مجتمع می شوند و احتیاج به اینکه زیاد زحمت کشیده بشود و تبلیغات بشود، ندارد. با یک کلمه ، وقتی مردم بینند که این کلمه از حلقوم سیدالشهدا. سلام الله علیه بیرون می آید، همه با هم مجتمع می شوند. اینکه بعضی از ائمه (شاید امام باقر بوده ، من الان خوب یادم نیست . می فرماید که برای من یک نفر نوحه سرا در منا بگذارید که آنجا برای من گریه بکند و عزا بگیرد، نه این است که حضرت باقر سلام الله علیه احتیاج به این داشته است و نه اینکه برای او شخصا فایده ای داشته است ، لکن جنبه سیاسی این را بینید، در منا آنوقت که از همه اقطار عالم آدم می آید آنجا، یک کسی بنشیند یا اشخاصی نوحه سرائی کنند برای امام باقر و جنایت کسانی

که با او مخالفت کردند و او را مثلاً به شهادت رساندند، ذکر کند و این مساله موجی باشد در همه دنیا این مجالس عزا را دست کم گرفتند.

### هیچ قدرتی نمی توانست ۱۵ خرداد را بیافریند، مگر قدرت خون سیدالشهدا(ع)

شاید غریزه ها به ما می گویند که ملت گریه و شاید خودی ها نمی توانند تحمل کنند که یک قطره اشک مقابل چقدر ثواب است، یک مجلس عزا چقدر ثواب دارد، نتواند هضم کنند و نتوانند هضم کنند آن چیزهایی که برای ادعیه ذکر شده است و آن ثواب هائی که برای دو سطر دعا ذکر شده است، نمی توانند این را ادراک کنند و هضم کنند. جهت سیاسی این دعاها و این توجه به خدا و توجه همه مردم را به یک نکته، این است، این است که یک ملت را بسیج می کند برای یک مقصد اسلامی. مجلس عزانه برای این است که گریه بکنند برای سیدالشهدا و اجر ببرند، البته این هم هست. و دیگران را اجر اخروی نصیب کند، بلکه مهم، آن جنبه سیاسی است که ائمه ما در صدر اسلام نقشه اش را کشیده اند که تا آخر باشد و آن، این اجتماع تحت یک بیرق، اجتماع تحت یک ایده، و هیچ چیز نمی تواند این کار را به مقداری که عزای حضرت سیدالشهدا در او تاثیر دارد، تاثیر بکند. شما گمان نکنید که اگر این مجالس عزا نبود و اگر این دستجات سینه زنی و نوحه سرائی نبود، ۱۵ خرداد پیش می آمد. هیچ قدرتی نمی توانست ۱۵ خرداد را آنطور کند، مگر قدرت خون سیدالشهدا، و هیچ قدرتی نمی تواند این ملتی که از همه جوانب به او هجوم شده است و از همه قدرت های بزرگ برای او توطئه چیده اند، این توطئه ها را خنثی کند، الا همین مجالس عزا. در این مجالس عزا و سوگواری و نوحه سرائی برای سید مظلومان و اظهار مظلومیت یک کسی که برای خدا و برای رضای او جان خودش و دوستان و اولاد خودش را فدا کرده است، اینطور ساخته جوانانی را که می روند در جبهه ها و شهادت را می خواهند و افتخار به شهادت می کنند و اگر شهادت نصیب شان نشود متاثر می شوند، و آنطور مادران را می سازد که جوان های خودشان را از دست می دهند و باز می گویند باز هم یکی دو تا داریم. این مجالس عزای سیدالشهداست و مجالس دعا و دعای کمیل و سایر ادعیه است که می سازد این جمعیت را اینطور و اساس را اسلام از اول بنا کرده است، به طوری که با همین ایده و با همین برنامه به پیش برود و اگر چنانچه واقعا بفهمند و بفهمانند که مساله چه هست و این عزاداری برای چه هست و این گریه برای چه اینقدر ارج پیدا کرده و اجر پیش خدا دارد، آنوقت ما را ملت گریه می گویند، ما را ملت حماسه می خوانند. اگر بفهمند آنها که حضرت سجاد سلام الله علیه که همه چیزش را در کربلا از دست داد و در یک حکومتی بود که قدرت بر همه چیز داشت، این ادعیه ای که از او باقی مانده است چه کرده است و چطور می تواند تجهیز بکنند، به ما نمی گفتند که ادعیه برای چیست. اگر روشنفکران ما فهمیده باشند که این مجالس و این دعاها و این ذکرها و این مجالس مصیبت جنبه سیاسی و اجتماعی اش چیست، نمی گویند که برای چه این کار را بکنیم. تمام روشنفکرها و تمام غریزه ها و تمام قدرتمندها اگر جمع بشوند نمی توانند یک ۱۵ خرداد را ایجاد کنند، آنچه این قدرت را دارد این است که در تحت لوای او همه مجتمعند. ما که داد می زنیم که ما اسلام را می خواهیم و جمهوری اسلامی را می خواهیم، برای اینکه در جمهوری اسلامی به نام اینکه اسلامی است و برای خداست، همه ملت مجتمع هستند و ما دیدیم که برای خاطر همین جمهوری اسلامی بودند و برای خاطر همین که برای خدا قیام کردند، این جمهوری اسلامی برخوردار از چه قدرتی از ملت و از سایر کشورها هم برخوردار شده است.

### ما ملتی هستیم که با همین گریه ها قدرت ۲۵۰۰ ساله را از بین بردیم

ملت ما قدر این مجالس را بدانند، مجالسی است که زنده نگه می دارد ملت ها را، در ایام عاشورا زیاد و زیاده تر و در سایر ایام هم غیر این ایام متبرکه، هفته هاست و جنبش های اینطوری هست. اگر بعد سیاسی اینها را اینها بفهمند، همان غریزه ها هم

مجلس پیا می کنند و عزاداری می کنند، اگر چنانچه ملت را بخواهند و کشور خودشان را بخواهند. من امیدوارم که هر چه بیشتر و هر چه بهتر این مجالس برپا باشد. و از خطبای بزرگ تا آن نوحه خوان در این تاثیر دارد. آن که ایستاده پای منبر چند شعر می گوید و چند شعر می خواند، با آن که در منبر است و خطیب است، اینها هر دو در این مساله تاثیر دارند، تاثیر طبیعی دارند، گرچه خود بعضی اشخاص هم ندانند دارند چه می کنند، من حیث لایشعر. تقریباً ما به این مرتبه رسیده ایم که ملت ما یکدفعه یک انقلابی کرد و یک انفجاری درش حاصل شد که نظیر آن در هیچ جا نبود. یک ملتی که همه چیزش وابسته بود و این رژیم سابق همه چیز این را از دست داده بود و همه شرافت انسانی این کشور را از دست داده بود و همه چیز ما را وابسته کرده بود، یکدفعه یک انفجاری حاصل شد که نظیر آن در هیچ جا نبود. یک ملتی که همه چیزش وابسته بود و این رژیم سابق همه چیز این را از دست داده بود و همه شرافت انسانی این کشور را از دست داده بود و همه چیز ما را وابسته کرده بود، یکدفعه یک انفجاری حاصل شد که این انفجار در برکت همین مجالسی که همه کشور را، همه مردم را دور هم جمع می کرد و همه به یک نقطه نظر می کردند. این مساله را باید آقایان خطبا و ائمه جماعت و ائمه جمعه، درست بیشتر از آنقدری که من می دانم، برای مردم تشریح کنند، تا اینکه گمان نکنند که ما یک ملت گریه هستیم. ما یک ملتی هستیم که با همین گریه ها یک قدرت دو هزار و پانصد ساله را از بین بردیم. از باب اینکه تذکر به آقایان و مومنین نفع دارد، دو سه تا جمله هم اینطوری عرض می کنم و آن اینکه همه آقایانی که در هر جای از این کشور هستند و صدای من را می شنوند، چه از طبقه علما و ائمه جماعات و جمعه و چه از طبقه خطبا که آنها هم از علما هستند و کسانی که در بلاد (از روحانیون) متصدی این امور هستند، توجه به این معنا داشته باشند که امروز آبروی جمهوری اسلامی به دست شما بسته است. اگر خدای نخواستہ یک دخالت های بیخود و بیجا، یک کارهایی که از روحانیون صحیح نیست، انجام بدهید، این جمهوری اسلامی لکه دار می شود، دولت باید به قدرت خودش باقی باشد و امروز دولت، دولت اسلامی است و بر همه ماها فریضه است که از این دولت اسلامی پشتیبانی بکنیم. مامورینی که از دولت می آید، در همه جا، مامورین دولت اسلامی است. اگر خدای نخواستہ از یک مامور که من حیث اینکه درست اطلاع بر مسائل ندارد یا اشتباه می کند، یک مطلبی که بر خلاف ذائقه شماست یا بر خلاف مسائل اسلامی است، از او صادر بشود، مقابله نکنید، تضعیف نکنید، او را نصیحت کنید. اگر چنانچه نصیحت را گوش نکرد، به مصادر امور مراجعه کنید. ائمه جمعه بلاد نصب و عزل نکنند و کسانی که در بین ارتش یا سایر ارگان ها انجمن های اسلامی دارند، اینها دخالت های غیر چیزهایی که بر عهده آنها نیست نکنند. ارشاد بکنند دولت را، ارشاد بکنند مامورین دولت را و همه کسانی که در پیش آنها هست، آنها را ارشاد بکنند. و اگر چنانچه کسی هم به گوش به ارشاد نداد، به مصادر اموری که مسؤل ولایت دارند مراجعه کنند، حل خواهد شد. برای حفظ حیثیت اسلام که شماها پاسدار آن هستید و حفظ حیثیت جمهوری اسلامی که شماها نگهبانان آن هستید، از کارهایی که نباید انجام بدهید و از کارهایی که دخالت در امور اجرائی است که با کسی دیگری است که انجام بدهد، مستقیماً عمل نکنید، ارشاد بکنید همه را، نظر ارشادی داشته باشید. اگر یک مطلب اشتباهی از یک استاندار واقع شد یا از یک فرماندار، در منابع نبرید این را و آبروی او را بریزید، این امری است که خدا راضی نیست، به او بگوئید در خلوت و با او تفاهم کنید و از او بخواهید که رویه را تغییر بدهد. اگر نداد، به مصادر امور مراجعه کنید. مستقیماً بخواهید این کار را بکنید، حیثیت جمهوری اسلامی و حیثیت اسلام در دنیا لکه دار می شود و شما حافظ این حیثیت هستید و فریضه است برای همه ما حفظ حیثیت این جمهوری اسلامی. شما می بینید که امروز همه قلم ها و همه زبان ها از ابرقدرت ها یا دولت های مرتبط به آنها، بر ضد این جمهوری اسلامی تجهیز شدند و همه با یک رویه خاصی عمل دارند می کنند، ما دیگر بهانه دست آنها ندهیم. و من این یک کلمه را عرض بکنم، شاید قبلاً هم عرض کرده باشم، و آن اینکه من از اول که در این مسائل بودیم و کم کم آثار پیروزی داشت پیدا می شد، در مصاحبه هایی که کردم، چه با

کسانی که از خارج آمدند، حتی در نجف و در پاریس و چه در حرف هائی که خودم زدم، این کلمه را گفته ام که روحانیون شغل شان یک شغل بالاتر از این مسائل اجرایی است و اگر چنانچه اسلام پیروز بشود، روحانیون می روند سراغ شغل های خودشان، لکن وقتی که ما آمدیم و وارد در معرکه شدیم دیدیم که اگر روحانیون را بگوئیم که بروید سراغ مسجدها، این کشور به حلقوم آمریکا یا شوروی می رود. ما تجربه کردیم و دیدیم که اشخاصی که در راس واقع شدند و از روحانیون نبودند، در عین حالی که بعضی شان هم متدین بودند، از باب اینکه آن راهی که ما می خواستیم برویم و آن راهی که مستقل باشیم و با نان و جو خودمان بسازیم و زیر فرمان قدرت های بزرگ نباشیم، آن راه، با سلیقه آنها موافق نبود. و لهذا چون آنجا دیدیم که ما نمی توانیم در همه جا یک افرادی پیدا بکنیم که صددرصد برای آن مقصدی که این ملت ما برای آن، جوان هاشان را دادند و اموالشان را دادند، نمی توانیم پیدا بکنیم، ما تن دادیم به اینکه رئیس جمهورمان از علما باشد و گاهی رئیس فرض کنید که نخست وزیرمان هم همین طور. و در جاهای دیگر هم که قبلا گفته بودیم، بنا نداریم اینطور باشد و الان هم عرض می کنم هر روزی که ما فهمیدیم که این کشور را یک دسته از این افرادی که روحانی نیستند، به آنطور که خدای تبارک و تعالی فرموده است، اداره می کنند، آقای خامنه ای تشریف می برند سراغ شغل روحانی بزرگ خودشان و نظارت بر امور و سایر آقایان هم همین طور. ما اینطور نیست که هر جا یک کلمه ای گفتیم و دیدیم مصالح اسلام، حالا ما آمدیم دیدیم اینجوری نیست، اشتباه کرده بودیم، بگوئیم ما سر اشتباه خودمان باقی هستیم. ما هر روزی فهمیدیم که این کلمه ای که امروز گفتیم اشتباه بوده و ما قاعده اش این است که یک جور دیگر عمل بکنیم، اعلام می کنیم که آقا این را ما اشتباه کردیم، باید اینجوری بکنیم. ما دنبال مصالح هستیم، نه دنبال پیشرفت حرف خودمان. (به من مهلت بدهید که عرایضم را به آقایان بکنم). بنابر این مساله یک چیزی نیست که آقایان به ما بگویند شما آن روز اینجوری گفتید. راست است، ما آن روز خیال می کردیم که در این قشرهای تحصیل کرده و متدین و صاحب افکار، افرادی هستند که بتوانند این مملکت را به آنجوری که خدا می خواهد، ببرند، آنطور اداره کنند، وقتی دیدیم که نه، ما اشتباه کردیم، آمدند بعضی شان خودشان را به ما جا زدند، ما هم که غیب نمی دانیم، و بعضی شان هم خوب بودند لکن رایشان با رای ما مخالف بود، ما از حرفی که در مصاحبه ها گفتیم، عدول کردیم و موقتا تا آنوقتی که این کشور را به غیر روحانی می تواند اداره کند، آقایان روحانیون به ارشاد خودشان و به مقام خودشان برگردند و محول می کنند دستگاه های اجرائی را به کسانی که برای اسلام دارند کار می کنند و تا مساله اینطور است که ابهام پیش ما هست، احتمال هست. اگر در یک میلیون احتمال، یک احتمال ما بدهیم که حیثیت اسلام با بودن فلان آدم یا فلان قشر در خطر است، ما ماموریم که جلویش را بگیریم، تا آنقدری که می توانیم. هر چه می خواهند به ما بگویند، بگویند که کشور ملایان، حکومت آخوندیسم و از این حرف هائی که می زنند، و البته این هم یک حربه ای است برای اینکه ما را از میدان به در کنند. ما نه، از میدان بیرون نمی رویم. خوب، این مقدار از حرف ها بود که با آقایان عرض کردیم و امیدوارم که در ماه مبارک رمضان، این ماه بزرگ، هم دعا کنند به این جمهوری اسلامی و هم هدایت کنند مردم را که مردم در صحنه باقی باشند.

### ما باید از راه شکست عراق دنبال لبنان برویم

مردم گمان نکنند که ما دیگر پیروز شدیم و احتیاج به وجود آنها نیست. احتیاج به وجود آنها هست و همیشه هست. دولت تنهائی نمی تواند همه امور را اداره کند، ملت را باید همراه داشته باشد. ما هم جنگ مان تمام نشده، الان در حال جنگ هستیم و تا در حال جنگ هستیم جوان های ما باید به جبهه ها کمک کنند. همانطوری که تا حالا جوان های عزیز ما در جبهه ها رفتند و بسیاری از آنها به لقاءالله و فیض شهادت رسیدند، امروز هم ما احتیاج به آنها داریم، توطئه ها رو به رشد است



. مساله ای که باید در این جنبه ای که مربوط به روز است عرض کنم ، این است که بعد از آنکه این قدرت های بزرگ و خصوصا آمریکا در همه توطئه ها فلج شد و شکست خورد و می بیند که این جنگی هم که او برای ما پیا کرده است ، این هم دارد به آخر می رسد انشاءالله ، یک توطئه دیگری عمیق تر اجرا کرده است که در این توطئه ، ما هم یک قدری بازی خوردیم و آن این است که یک نکته ای که پیش ما خیلی بزرگ است و ما نسبت به آن حساسیت زیاد داریم ، آن غائله را پیش آورد تا اینکه ملت ما را از آن مطلبی که در کشور خودش می گذرد و از آن جنگی که در خودش می گذرد، غافل کند، قضیه هجوم اسرائیل به لبنان . آمریکا می دانست که ما و ملت ما نسبت به لبنان حساسیت داریم و نسبت به اسرائیل هم از آن طرف حساسیت داریم ، این دام را آمریکا درست کرد، یعنی آن نوکر خودش را فرستاد به اینکه حمله کند به لبنان و آنهمه خسارات وارد کند و آنهمه جنایات . و ما می دانیم که اگر میلیون ها جمعیت را از بین ببرند و یک مطلبی برای آمریکا حاصل بشود و یک نفعی برسد، می گوید همه بروند از بین . این را ما از ابرقدرت ها شناخته ایم . آنها در فکر این نیستند که در لبنان به زن و بچه مردم و به بلاد این مستمندان و بیچارگان چه می گذرد، آنها دنبال این هستند که صدام را در این طرف سر جای خودش نگه دارند و ایران که در نظر آنها خیلی اهمیتش بیشتر از لبنان و جاهای دیگری است ، برای آنها محفوظ بماند. آمریکا می بیند که ما هم مرز با شوروی هستیم ، آن هم در طول صدها کیلومتر و آن چیزی که آمریکا را به وحشت می اندازد، آن شوروی است و آن می ترسد از اینکه اگر چنانچه صدام از بین برود، شوروی بتواند در اینجاها یک غلطی بکند، لکن ما می دانیم که نمی تواند، بعد از اینکه ملت اینطور که هست و در صحنه هست ، باشد، هیچ کس نمی تواند. علاوه بر آن ، می بیند که اگر چنانچه جنگ عراق پیش ببرد ایران ، و عراق را، جنگش را به نفع خودش شکست بدهد عراق را، عراق به ایران متصل می شود، یعنی ملت عراق ، ملت مظلوم عراق از زیر چنگال این حزب ستمگر، خودش را اخراج می کند و متصل می کند به ملت ایران و یک حکومتی خودش تاسیس می کند موافق میل خودش ، اسلامی . و اگر ایران و عراق به هم پیوند پیدا کنند، و اتصال پیدا کنند، سایر این کشورهای کوچولویی که در منطقه هست ، آنها هم به اینها می پیوندند و آمریکا از این منطقه زرخیز که برای او حاضر است هزاران لشکر خودش را از بین ببرد و هزاران مردم را از بین ببرد، محروم خواهد شد. این نقشه این است که بگین را وادار کند به اینکه تو حمله کن به لبنان ، لبنان که تو حمله کردی ، ایران حساسیت نسبت به او دارد و همه قوایش را متمرکز می کند در اینکه تو را از بین ببرد و اگر ایران از جنگ عراق غافل بماند، عراق کار خودش را انجام می دهد و ایران در اینجا هم نمی تواند کاری بکند. نقشه این است . باید همه ملت ما و همه دولتمردان ما توجه به این معنا داشته باشند که در عین حال که ما لبنان را با ایران از حیث مصالح و مفاسد جدا نمی دانیم ، لکن باید کاری بکنیم که نتوانیم هم لبنان را و هم ایران را نجات بدهیم ، از این کار اجتناب کنیم . اگر امروز تمام نظرها متوجه به لبنان بشود و تمام قدرت ها و گویندگان از لبنان بگویند و تمام نویسندگان از لبنان بگویند، این ، توفیقی است برای آمریکا که ایران جنگ خودش را فراموش کرد، و هم عراق را از دست می دهد و هم لبنان را، نه می تواند در عراق کاری بکند و نه می تواند در لبنان . ما راه مان این است که باید از راه شکست عراق دنبال لبنان برویم ، نه مستقلا. شما ملاحظه کنید اخیرا تمام رسانه های گروهی ، تمامش ، آنچه که من دیده ام ، رسانه های گروهی راجع به جنگ عراق و ایران دیگر صحبتی نمی کنند، شاید یک کلمه بگویند، همه رفتند سراغ لبنان ، همه رادیوهائی که قبل از این حمله این مرد، این نامرد به لبنان آغاز شد، تمام حرف هایشان ایران بود و جنگ عراق ، وقتی نقشه آمریکا اینطور شد که ایران را از جنگ عراق منصرف کنید و برش گردانید به آن جایی که حساسیت دارد و آن ، راجع به لبنان است ، از آن روز، این رادیوها و گویندگان خارجی راجع به ایران و این حرف ها چیزی نمی گویند. شما بدانید که این چیزی که از عراق در چند روز پیش ، از آن مجلس عراق صادر شد که ما بلاد ایران را خالی می کنیم ، این یک مساله توطئه است . نه اینکه می خواهند خالی کنند، اینها می خواهند تخدیر کنند ما را، و جوان



های ما را از جبهه منصرف کنند و داوطلبانی که باید وقتی اعلام می کنند که ما، ده هزار جمعیت، بیست هزار جمعیت می خواهیم، صد هزار می روند اسم نویسی کنند، سردشان کنند که نروند. وقتی نرفتند، عراق در این مساله ممکن است خدای نخواستہ پیروز از کار در بیاید. اگر عراق پیروز شد، مطمئن باشید که شما در لبنان هم هیچ کاری نمی توانید بکنید. باید ما این نقشه ای که آمریکا کشیده است برای ما، خنثی کنیم، یعنی همه گویندگان ما در سرتاسر کشور و همه ائمه جماعت ما در سرتاسر کشور، این مساله را بگویند که ما باید از راهی که شکست عراق است، به لبنان برویم. عراق را نگذاریم سرجای خودش بایستد و جمع کند قدرت خودش را و دیگران هم به او کمک کنند و مرزهای خودش را قوی کند و بعد هم یک حمله ناگهانی به ما بکند، باز برگردد به آن چیزهایی که از اول بود. غفلت از این، انتحار است. همه گویندگان موظفند، چه ائمه جمعه و چه ائمه جماعت و چه خطبا و همه نویسندگان موظفند که این توطئه را افشا کنند و ذکر کنند و مردم را از توجه به جبهه جنگ خودمان غافل نکنند و بیدار کنند. ما می خواهیم که قدس را نجات بدهیم، لکن بدون نجات کشور عراق از این حزب منحوس نمی توانیم. ما لبنان را از خود می دانیم، لکن مقدمه اینکه لبنان را ما نجات بدهیم این است که عراق را نجات بدهیم. ما مقدمه را رها نکنیم و بی ربط برویم سراغ ذی المقدمه و همه چیز خودمان را صرف کنیم در آن و عراق برای خودش محکم کند جای خودش را. من نمی دانم دیشب این اعلامیه ای که، اطلاعیه ای که صدام داده است و طولانی، خیلی طولانی است، آقایان ملاحظه کردند، اگر ملاحظه نکردند، دنبال کنند، پیدایش کنند. به نظر من می آید که این را نوشتند و آنهایی که نقشه در دستشان است، نوشتند و دادند دست صدام که او بخواند. و من آنطوری که از حال صدام در نظرم است این است که حال صدام این نیست که بتواند تفکر کند یا بتواند یک چیزی بنویسد. او این چیزها را از دست داده است. شما نمی دانید که چقدر هذیان در این گفتار است. اگر یک آدمی بود که به قدر یک جوان کلاس اول ادراک داشت، این را نمی خواند، این چیزی که برایش نوشتند، نمی خواند. نمی دانید چقدر از پیروزی های خودش نقل کرده، چقدر از شجاعت های لشکر خودش که در همه جبهه ها پیروز شدند، چقدر ذکر کرده است. این را بخوانید و بخندید. می گوید که ما این عقب نشینی مان پیروزی بزرگی است برای ملت عراق، ما ملت عراق را نجات دادیم از این کشور، مثلاً کی؟ از این کشور اسلامی، اینها ریختند در کشور ما و جنگ شروع کردند و ما جلو آنها را گرفتیم و عقب زدیم آنها را و بردیم تا آبادان و اهواز! یک آدمی که عقلش تا یک اندازه یک جوانی سر جا باشد، آنهمه از اول، آنهمه صحبت ها کرده و اشتلم ها خوانده و برای خودش سرداری کذا را نقشه چینی کرد و آن روز هم بازیش داده بودند، امروز هم برایش نوشته اند یک ورقه ای مثل یک ورقه هائی که می نویسند دست یک بچه می دهند بخواند، مفادش را خودش نمی داند چه است، لکن دیگران می فهمند. من میل دارم که آقایان پیدا کنند این را، کسانی که این اطلاعیه مطول را که یک ساعت بیشتر وقت من را صرف خودش کرد، مطالعه کنند، ببینند که این مرد چی دارد می گوید، اول چی می گفت، حالا چی می گوید. می گوید ما برای اثبات اینکه صلح طلبیم، صلح جو هستیم همه لشکر خودمان را امر می کنیم که از خاک ایران تا ده روز دیگر بیرون بروند. اگر راست می گوید این مطلب را، بسیار خوب، این یکی از مسائلی که ما داشتیم، حاصل، ولی چند تا مطلب دیگر داریم باید حاصل بشود، تا حاصل نشود ما در حال جنگ هستیم. یکی اینکه اینهمه خساراتی که به ما وارد گردید که خودش نوشته، این را اقرار کرده که خساراتی که بر ایران وارد شد، قابل شمارش نیست (شبهه به این تعبیر) و از یک طرف هم می گوید که ما هزاران اسیر گرفتیم و نمی فهمد این را که فردا باید جواب این را بدهد که تو هزاران اسیر گرفتی بیا تحویل بده. ما که می گوئیم هزاران اسیر گرفتیم، همه این اشخاصی که، نویسندگان و مخبرین که از خارج آمدند، بردیم نشانمان دادیم که بابا اینها در این شهر، اینها هستند، در شهرهای دیگر هم آنجا، آنجا، آنجا. در تلویزیون هم نشان دادیم یک مقدارش را البته و ما می گوئیم داریم این مقدار و هر وقت بخوایم تحویل بدهیم، تحویل می دهیم. اما

این آدمی که توجه به مسائل سیاسی ندارد، می گوید که خساراتی که به ایران وارد شده است قابل شمارش نیست، نمی شود ارزیابی کرد. فردا از تو می گیرند اینها را. ما از الان هم اعلام می کنیم که ما نه هیچ روزی جنگجو بودیم به این معنا که حمله کنیم به یک کشوری اسلامی، برای اینکه کشور اسلامی، ما همه کشورهای اسلامی را از خودمان می دانیم، بنای بر این نداشتیم که در یک کشوری دخالت کنیم و تا حالا هم دخالت نکرده ایم، و نه تاکنون ارتش ما، سپاه پاسداران ما به کشور عراق حمله کرده اند، از اول شما بودید که حمله کردید و همه دنیا می دانند این را. برای کی این حرف را می زنی، برای دلخوشی خودت این حرف را می زنی، چرا اینی که نوشتند، یک دفعه دیگر مطالعه نکردید؟ به یک کسی بگوئید بخواند که و بفهماند که این چه چیزی نوشته در اینجا. کی باور می کند در دنیا که ارتش ایران حمله کرده بعضی شهرهای آنها را گرفته، آنها آمده اند حالا دفاع کرده اند و عقب نشانده اند اینها را تا آوردند به خوزستان و حالا هم پیروزمندانه این شهرها را رها می کنند و می روند؟! بسیار خوب، تو بمیر و بدم، پیروزمندانه بیرون برو و بعد هم این چیزهایی را که ما از عراق می خواهیم یعنی از دولت عراق و این خساراتی را که شما می گوئید به شمارش نمی آید، از شما که به طور معقول مطالبه می کنیم و اگر ندادید، ما در حال جنگ هستیم، به طور اجبار از شما می گیریم. و بعد هم، و بعد هم باید به حسب وجدان دنیا و به حسب دستورات الهی، باید آن کسی که اینقدر جنایت وارد کرده است به کشور خودش و کشور ما، باید این مشخص بشود. باید اشخاص بیاند، اشخاصی که طرفین قبول دارند، بیاند بنشینند و ببینند که ما حمله کردیم به عراق یا او حمله کرده است. خرابی هائی که آنها وارد کرده اند، ببینند و بروند در شهرهای آنها هم ببینند، خرابی از ایران چه شده. ممکن است یکدفعه اشتباهی واقع شده باشد و بخواهند یک جای دیگر را بزنند، اشتباهی یک جایی را هم زده باشند، اما هر روز، الان که اینها می گویند که ما یک طرفه آتش بس دادیم، هر روز از آبادان تنها بیست نفر، سی نفر زخمی و چند نفر شهید می شوند. این قضیه آتش بس آنهاست، مثل آتش بس بگین که آتش بس می کند و دنبالش اینطور جنایات می کند.

### آن روزی که آمریکا و شوروی در کار نباشند، دنیا از این گرفتاری ها بیرون می آید

دنیا مبتلاست به یک همچو اشخاصی، دنیا مبتلاست به اینطور مغزهای پوک متفرعن که همه چیز را فدای یک روز سلطه خود می کنند. و چه وقت باید این دنیا از این گرفتاری بیرون بیاید؟ آن روزی که آمریکا در کار نباشد و آن روزی که شوروی در کار نباشد. و امیدوارم که خدای تبارک و تعالی با همه شماها و با همه ما و با همه ملت ما و عنایت داشته باشد و آن عنایاتی که از اول داشته است و ما خود هیچ بودیم و همه چیز را او به ما داد، این عنایات محفوظ باشد و در این ماه مبارک رمضان همه آقایان دست به دعا بلند کنند و به این جمهوری اسلامی و به لبنان و به فلسطین و به محرومان و مستضعفان دنیا دعا کنند. والسلام علیکم و رحمہ اللہ و برکاته تاریخ: ۶/۴/۶۱

### پیام امام خمینی به مناسبت سالروز فاجعه ۷ تیر

بسم الله الرحمن الرحيم انالله و انا اليه راجعون با فرارسیدن سالروز هفتم تیر، خاطره قبل از آن فاجعه و پس از آن تجدید شد. قبل از آن، هجوم های ددمنشانه بازیگران آمریکائی به فرزندان راستین اسلام و انقلاب و نهادهائی که اینان برای مقصدی الهی در آنها فعالیت می کردند، از مجلس شورای اسلامی و دولت اسلامی و قوه قضائیه و دادگاه های انقلاب و شورای نگهبان و همه نهادهای اسلامی تا شخصیت های عزیزی که از قبل از انقلاب تا پیروزی آن در صحنه بوده و به خدمت و فداکاری ادامه می دادند و هر چه شخصیت ها برای انقلاب اسلامی عزیز مفیدتر و ارزشمندتر بودند، سنگینی توطئه

برای شکستن شخصیت آنان افزونتر و دامنه تهمت ها و افتراها وسیع تر بود. آن کوردلان دلباخته به آمریکا و سر از پا نشاخته در راه رسیدن به هدف های شیطانی ، به گمان آنکه توطئه آنان کارگر شده و با برداشتن این عزیزان متعهد از سر راه خود، ملت مسلمان و متعهد به سوی آنان روی آورده و مقاصد طاغوتی آنان به ثمر می رسد و با انگیزه آنکه پس از آن شهیدان ، همه چیز به هم می ریزد و شاهد پیروزی خود و اربابان جهانخوار خویش را در آغوش می گیرند، دست به این جنایت بزرگ زدند و در لحظاتی دردناک هفتاد و چند نفر مومن متعهد و فرزندان برومند اسلام را که هر یک با فداکاری خود نخلی پربار بود، از دست ملت گرفتند که ناگهان صحنه های عظیم شورانگیز و انفجارات بزرگ آدم ساز، از آن فاجعه رخ داد، چنانکه در یک شب که مزدوران آمریکائی همه چیز را به هم ریخته و آشفته و جمهوری اسلامی را سرکوب شده پنداشتند و ملت عزیز را به سوی خود و پشتیبان خود می اندیشیدند، چهره نورانی اسلامی از ورای چهره های نورانی حزب الله جلوه نمود و تمام قصرهای تخیلی و آمال شیطانی آنان فرو ریخت . این سیه روزان ، انفجاری ایجاد کردند که نور خدا را خاموش نمایند و خداوند قادر به دست مبارک حزب الله انفجاری در واکنش آن ایجاد فرمود، که انقلاب اسلامی و همه نهادهای آن چون سدی آهنی و صفی مرصوص از آسیب دهر مصون ماند. (یریدون ان یطفئوا نور الله بافواههم و یا بی الله ان یتم نوره ولو کره الکافرون).

مگر شهدای بزرگوار هفتم تیر در مجاهدات سرسختانه خود و فداکاری بی دریغ در راه هدف چه می خواستند جز پیروزی انقلاب و سرنگونی پرچم شیطانی کفر و نفاق و جز افتادن ماسک ریا و تزویر چهره های کریه و ددمشانه به صورت خلقی و اسلامی ؟ چه بسا اگر این شهادت های دلخراش واقع نمی شد، آنان با همان خوی شیطانی و با ظاهری فریبنده در صحنه بازی های سیاسی باقی می ماندند و بی امان ضربه های خویش را به انقلاب و فرزندان راستین آن وارد می کردند و برای اسلام و مسلمانان مظلوم سنگ راه می شدند و با ضربه نهائی آمریکا و دیگر ابرقدرت ها جمهوری را شکست می دادند یا لااقل پیروزی را به عقب رانده و راه را طولانی می کردند، ولی این فاجعه غمناک و شهادت های پی در پی به پیروزی اسلام انقلابی سرعت بخشید. سپاس فراوان به درگاه خداوند متعال که با عنایات خاصه خود این کشور بقیه الله اروحنا لمقدمه الفدا و این ملت حزب الله را در تمام زمینه ها و مراحل به پیروزی و یا آستانه پیروزی رساند و قدرت جمهوری اسلامی و ارگان های او روز به روز افزایش یافته است . امروز ملت عزیز ایران که نادانان گمان می کردند با جنایات غیر انسانی خویش و به شهادت رساندن شخصیات ارزنده آن از صحنه خارج می شوند و رمز حضور آنان را نمی توانستند و نمی توانند ادراک کنند، همچنان با قدرت الهی خود به پیش می روند و ما امیدواریم که با شکست توطئه اخیر آمریکا برای حفظ صدام و حزب غفلقی ، قوای شجاع ما با شکست نهائی دولت عراق ، راه را برای تاختن به سوی بیت المقدس باز نمایند، چنانچه امید است ما شاهد بی تفاوتی کشورهای منطقه که با هجوم اسرائیل و قتل و غارت اخیر آن در کشور اسلامی لبنان همه چیز آنان در خطر تباهی است نباشیم . ملت های مسلمان بدانند که با این سکوت مرگبار بعضی از دولت های منطقه و این تسلیم بی چون و چرای آنان در مقابل آمریکا و اسرائیل ، امروز لبنان عزیز در حلقوم این جهانخوار و تفاله او فرو می رود و فردای نزدیک کشورهای عزیز دیگر. و اگر امروز دولت های منطقه با سلاح نفت و سلاح گرم در مقابل این جنایتکاران بایستند، مساله اسرائیل و پس از آن آمریکا و هر قدرتمند چپاولگر دیگر حل می شود. ما تاسف شدید خود را از اینکه بعضی از دولت های اسلامی دست خود را به سوی آمریکا که جنایتکار اصیل و توطئه گر دست اول است دراز کرده اند و از گرگ آدم در، نجات خود را می خواهند، ابراز می داریم و شدیداً آن را محکوم می کنیم . و ملت سلحشور و دولت انقلابی ایران اگر مساله جنگ عراق و توطئه برای اغفال ما از آنچه به آن مبتلا هستیم و نقشه برای شکست ما در دو جبهه نبود، به گونه ای دیگر عمل می کرد. و ما برای چندمین بار به دولت های اسلامی ، خصوصاً دولت های منطقه روی آورده و از آنان می خواهیم و قاطعانه به آنان تذکر می دهیم که برای حفظ شرف و جان و ناموس و مال ملت های اسلامی بپاخیزند و با ما و دولت

سوریه و فلسطینی ها متحد شده و در صف واحد از عزت و شرف اسلام و عرب دفاع کنند و برای همیشه دست این جنایتکاران را از کشورهای زرخیز خود قطع نمایند و فرصت را از دست ندهند که فردا دیر است. اینجانب از پیشگاه مقدس حق جل و علی عظمت برای اسلام و مسلمین و بیداری برای دولت های اسلامی و عزت و شرف برای کشورهای اسلامی و رحمت برای شهدای اسلام در طول تاریخ خصوصا شهدای هفتم تیر و صبر و شکیبائی برای ملت ایران و بازماندگان شهدا خواستارم و هر چند برای همه شهدا و بویژه شهدای ۷ تیر عظمت و بزرگواری قائلم و لکن شناخت من از شهید مظلوم بهشتی و ابعاد گوناگون او و شهید محمد منتظری و مجاهدات ارزشمند او بیشتر است و نمی توان تاسف شدید خویش را در فقدان آنان پنهان کرد. انالله و انا الیه راجعون والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته روح الله الموسوی الخمینی تاریخ: ۱۱/۴/۶۱

### پیام امام خمینی به مناسبت شهادت آیت الله صدوقی

بسم الله الرحمن الرحیم انالله و انا الیه راجعون طبع یک انقلاب، فداکاری است. لازمه یک انقلاب، شهادت و مهیا بودن برای شهادت است. قربانی شدن و قربانی دادن در راه انقلاب و پیروزی آن اجتناب ناپذیر است بویژه انقلابی که برای خداست و برای دین او، برای نجات مستضعفان است و برای قطع امید جهانخواران و مستکبران. ما در هر جمعه و در هر جماعت و در هر محفل اسلامی و در هر گردهمایی برای یاری الله در انتظار قربانی هستیم و در انتظار شهادت. قربانی برای یک انقلاب بزرگ نشانه یک پیروزی و نزدیک شدن به هدف است. بی جهت نیست که درباره سید شهیدان جهان، منقول است که هر چه یاران بزرگوارش از دست می رفتند و هر چه به ظهر عاشورا نزدیکتر می شد رنگ مبارکش افروخته تر و ابتهاجش زیادتر می شد، هر شهیدی که می داد یک قدم به پیروزی نزدیکتر می شد. مقصد، عقیده است و جهاد در راه آن و پیروزی انقلاب، نه زندگی و دنیا و رنگ و بوی ننگین آن. این شهادت هاست که به ملت ما وعده پیروزی نهایی می دهد. مگر اسلام از شهادت هفتاد و دو تن برگزیدگان خدا در حکومت جبار بنی امیه خسارت دید و انقلاب عظیم ایران از شهادت هفتاد و چند تن در یک لحظه و هزاران جوانان بزرگوار عاشق خدا و شهادت خسارت دید که ما خوف خسارت در شهادت عالمی بزرگوار و بزرگی متعهد و فداکار داشته باشیم. مگر فقهای ارجمنند و ائمه جمعه و جماعت والا مقام که در صف مقدم انقلاب بودند و هستند نباید در صف مقدم شهدا و جانبازان در راه دوست باشند. چه کسی اولی به شهادت است در زمانی که کفر بنی امیه اسلام را تهدید می کرد، از فرزند معصوم پیامبر اسلام و فرزندان و اصحاب او و چه کسی اولی به شهادت است در عصری که استکبار جهانی و فرزندان خلف آن در داخل و خارج، اسلام عزیز را تهدید می کنند، از امثال شهید بزرگوار ما و فقیه متعهد و فداکار اسلام شهید صدوقی عزیز رضوان الله علیه، شهید بزرگی که در تمام صحنه های انقلاب حضور داشت و یار و مددکار گرفتاران و مستمندان بود و وقت عزیزش صرف در راه پیروزی اسلام و رفع مشکلات انقلاب می شد و برای خدمت به خلق و انقلاب سر از پا نمی شناخت. هر جا زلزله می شد شهید صدوقی برای ترمیم خرابی ها آنقدر که توان داشت حاضر، هر جا که سیل می آمد او بود که در صف مقدم برای دستگیری خلق خدا حاضر بود. در جبهه ها او و دوستان او و امثال او بودند که هر چند یک دفعه سرکشی کرده و آرامش قلب خلق الله بودند. این مدعیان خدمت به خلق و قیام برای خلق که در بیغوله ها خزیده و در حال انقلاب به چپاول اسلحه و مهمات بیت المال خلق فعالیت شبانه روزی نمودند، اینک که خداوند تعالی چهره کریه شان را آشکار کرد و دستشان را از مال و جان خلق الله کوتاه نمود، چنین خدمتگزارانی را از این خلق می گیرند و چون دزدان از سوراخ درآمده و غافلگیرانه اینگونه مردان فداکار برای ملت و توده های محروم را از محرومین می ستانند و آن را به حساب قدرت خویش می آورند و فتحی بزرگ برای خود و اربابان خود می دانند و با تمام رسوایی باز خود را برای حکومت این ملت اسلامی مهیا می کنند. غافل از آنکه هر شهادتی ملت را به هدف بزرگ نزدیکتر می کند، و آنان را در

پیشگاه حق و خلق رسواتر و بی آبروتر. ما در عین حال که از شهادت و فقدان این بزرگان خدمتگزار به اسلام و محرومین در سوگیم، از نزدیک شدن به هدف اعلا که قطرات خون این شهیدان آن را نوید می دهند، دلگرم و خرسندیم. آنچه پیش ما مطرح است هدف بزرگ و شخصیت های این بزرگمردان شهید است که بحمدالله هدف نزدیک و شخصیت های اینان بارزتر و بزرگتر می شود. اینجانب دوستی عزیز که بیش از سی سال با او آشنا و روحیات عظیمش را از نزدیک درک کردم از دست دادم و اسلام خدمتگزاری متعهد را و ایران فقیهی فداکار و استان یزد سرپرستی دانشمند را از دست داد و در ازاء آن به هدف نهایی که آمال این شهیدان است نزدیک شد. من به پیشگاه مقدس بقیه الله الاعظم روحی فدا و ملت عزیز و اسلام عزیزتر تبریک و تسلیت عرض می کنم و از خداوند تعالی برای شهید عظیم رحمت و مغفرت و برای ملت بزرگ بویژه یزد متعهد صبر و اجر و برای خاندان محترم این بزرگوار خصوصاً فرزند برومند عزیزش صبر جمیل و اجر جلیل خواهانم. از خداوند متعال پیروزی اسلام و سرنگونی کفر را خواستارم. روح الله الموسوی الخمینی تاریخ: ۱۲/۴/۶۱

### پاسخ امام خمینی به نامه اعضای شورایعالی تبلیغات اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم خدمت اعضای محترم شورایعالی تبلیغات اسلامی ایده‌م الله تعالی گزارش خدمات شورای مذکور را ملاحظه نمودم. از همکاری با حوزه علمیه قم و تشکیلات منسجم و هماهنگی که با مقامات ذیربط بوجود آورده اید تقدیر و تشکر می کنم. همه می دانیم در این موقع حساس که جمهوری اسلامی و اسلام عزیز مورد تهاجم تبلیغاتی رسانه های گروهی مرتبط با قدرت های بزرگ و وابستگان آنان قرار گرفته است و آنان در باطل خود آن فعالیت ها و تبلیغات وسیع را به راه انداخته اند، ما و شما و همه طرفداران اسلام برای حق خود باید به این حربه برنده روز، مجهز باشیم و چهره واقعی اسلام و جمهوری اسلامی را در داخل و بیشتر در خارج، در معرض شناخت همگان در آوریم و این وظیفه الهی و انسانی بر عهده ماست و در این زمینه تذکراتی را لازم می دانم !!!۱ با تشکر عمیق از علما و فضایی محترم حوزه علمیه قم که در هر گرفتاری وظیفه الهی خود را انجام داده اند و در نقاط مختلف کشور بویژه در جبهه های جنگ تحمیلی و مناطق دور افتاده محروم و مراکز کارگری حضور یافته و شایستگی خویش و حوزه های دینی و علمی را به ثبوت رساندند، لکن نظر به حساسیت موقع و موقعیت آنان در اولویت دادن به امور تبلیغی به نظر می رسد که فعالیت چشمگیرتر و دقت بیشتری برای این امر حیاتی اختصاص دهند و علاوه بر اوقات تعطیل، در ایام اشتغال نیز بخشی از اوقات شریف خود را در این امر صرف نمایند و با انتخاب افراد شایسته به طور متناوب نگذارند این پست حساس خالی بشود. از خداوند تعالی توفیق همگان را خواستارم. !!!۲ لازم است نهادهای دولتی و ارگان های انقلابی و ذیربط در این وظیفه الهی با شورای مذکور همکاری جدی نمایند. !!!۳ بدیهی است که تبلیغات خارج از کشور از ویژگی خاص و اهمیت مخصوصی برخوردار است و چون وزارت ارشاد عهده دار این امر است لازم است شورایعالی تبلیغات در جذب و آموزش نیروهای صالح و افرادشایسته برای اعزام به خارج از کشور و برای مقصد نشر فرهنگ اسلامی به وزارت ارشاد کمک و همکاری نمایند و با هماهنگی کامل این وظیفه الهی را عمل نمایند. امید است خداوند قادر از عنایت خاص خود همگان را برخوردار فرماید. روح الله الموسوی الخمینی تاریخ: ۱۴/۴/۶۱

### پاسخ امام خمینی به تلگرام تسلیت آیت الله العظمی مرعشی نجفی

بسم الله الرحمن الرحيم حضرت آیت الله آقای مرعشی نجفی دامت برکاته تلگرام محترم در تسلیت شهادت شهید محراب و فرزند اسلام حجت الاسلام والمسلمین مرحوم شهید صدوقی موجب تشکر گردید. اینجانب متقابلاً به جنابعالی و عموم ملت عزیز و حوزه های علمیه تسلیت عرض و از خداوند متعال رحمت برای این سرباز فداکار اسلام که عمری در خدمت به حوزه های علمیه



و خدمت به محرومان گذراند و به دست منافقین انتقامجو که کارهایشان خلاصه در ضربه زدن به اسلام و طبقه محروم ملت است، مسئلت می نمایم. در طول پیروزی انقلاب از اعمال وحشیانه منحرفان وابسته به امریکا ظاهر می شود که دشمنی با طبقه علما و روحانیون متعهد در راس برنامه هاست و شهادت هر یک از این عزیزان مشیت آنان را که مدعی طرفداری ملت از آنان است باز نموده. از خداوند تعالی عظمت اسلام و مسلمین را خواستار و از جنابعالی امید دعای خیر برای نظام جمهوری اسلامی را دارم. والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته روح الله الموسوی الخمینی تاریخ: ۱۵/۴/۶۱

### فرمان امام خمینی به آیت الله خاتمی

بسم الله الرحمن الرحيم جناب مستطاب حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج آقا روح الله خاتمی دامت افاضاته به دنبال شهادت جانگداز سومین شهید محراب صدوقی عزیز و اتفاق نظر علمای بزرگ یزد و محبوبیت در نزد اهالی محترم، جنابعالی را که موصوف به علم و تقوا می باشید به سمت نماینده و امام جمعه یزد منصوب می نمایم. انشاءالله ضمن انجام این فریضه بزرگ مردم را به کلیه وظایف خود در رابطه با اسلام عزیز و مسلمین و انقلاب خونین و مستحکم ملت شریف ایران آشنا فرمائید. انشاءالله جنابعالی در تمشیت امور و رسیدگی به احتیاجات مردم قاطعانه عمل می نمائید. امید است اهالی محترم و متدین یزد عموماً و حضرات علمای اعلام خصوصاً و نهادهای انقلابی فرصت را مغتنم شمرده همکاری های لازمه را در انجام هر چه باشکوهتر نماز وحدت آفرین و دشمن شکن جمعه با جنابعالی داشته باشند. موفقیت همگان را از خداوند متعال مسئلت دارم. والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته روح الله الموسوی الخمینی تاریخ: ۲۳/۴/۶۱

### پیام امام خمینی به ملت مسلمان عراق به مناسبت آغاز عملیات پیروزمندانۀ رمضان

بسم الله الرحمن الرحيم ملت مظلوم در بند عراق! عزیزان زجر دیده و شکنجه کشیده محترم بین النهرین! اکنون که برادران مجاهد شما در دفاع از میهن خود و دفع حملات دشمن اسلام مجبور شدند به خاک عراق بیایند تا به خواست خداوند متعال ملت ستمدیده عراق را از شر حزبی که در طول سلطه غیر مشروعش بر کشور اسلامی، آنچنان ضربه ها به این ملت شریف وارد کرده که قابل شمارش نیست نجات دهند چه علمای بزرگی مثل مرجع عظیم الشان آیت الله حکیم قدس سره از جور و ستم و فشارهای غیر انسانی این حزب کافر در منزل خود منزوی و با دل خون به جوار رحمت حق رخت بر بستند و مثل شهید مظلوم، عالم آگاه آیت الله صدر و خواهر بزرگوارش که در تحت شکنجه دژخیمان صدام عقلی جان خودشان را فدا کردند و چه جوانان عزیز و برومند عراق که در حبس و شکنجه بسر برده و بالاخره به دست این حزب به لقاءالله شتافتند و اکنون که قریب دو سال است که به جمهوری اسلامی به جرم اسلامی بودنش حمله کرده اند و روی مغول را سفید کرده اند، هزاران جوان عراقی و ایرانی را که سرمایه های ملت خویش بودند فدای هواهای نفسانی خودشان نمودند که شما بهتر جنایات این حزب و صدام، این ابرجنایتکار را می دانید بپاخیزید و با برادران صمیمی خود دست اخوت اسلامی دهید و این حکومت ستمگر را از صحنه خارج کنید و خود با تضمین خود، حکومت اسلامی دلخواه را تشکیل دهید. ملت عزیز عراق! اکنون که برادران شما با فداکاری جان بر کف برای حفظ میهن خود و نجات برادران عزیز در بند خود به سوی شما آمده اند، قیام کنید و با الهام از اسلام بزرگ بر دشمنان اسلام بتازید که برادران عزیز شما و ملت شریف ایران از پشت جبهه ها به جبهه می آیند و با کمک شما عزیزان و برادران ایمانی این غده های سرطانی را از قلب یک کشور اسلامی بیرون ریخته و ملت شریف عراق را بر سرنوشت خود حاکم می گردانند. ای اهالی غیور بصره! به استقبال برادران مومن خود بیایید و دست ستمکار عقلی های کافر را از بلاد خود کوتاه کنید. ای اهالی محترم اعتبار مقدسه! ای جوانان غیور که در هر فرصت بر



این ناپاکان تاخته اید! فرصتی را که خداوند به شما عنایت نموده، غنیمت شمیرید و مردانه قیام کنید و سرنوشت خویش را به دست گیرید. ای ارتشیان گرفتار حزب کافری که برای هواهای نفسانی خویش جوانان شما را به قربانگاه فرستادند! برادران ما برای نجات شما آمده اند و با فداکاری و توکل به خدای تعالی این رژیم کافر و ستمگر را به جهنم می فرستند. شما عزیزان در بند پیاخیزید و خود و میهن خود را با کمک برادران ایرانی خود نجات دهید و نگذارید مقدرات کشورتان در امریکا طرح ریزی شود. و شما ای برادران و جوانان ایرانی! به کمک برادران رزمنده خود بشتابید که این لحظه از، حساسترین لحظات سرنوشت ساز است، یا پیروزی اسلام بر کفر علفقیان و یا خدای نخواستہ اگر غفلتی و یا اهمالی شود شکست اسلام و ننگ ملت برای همیشه، و هیات که شما جوانان غیور زیر بار ذلت بروید. پس تکلیف اسلامی و میهنی شما اقتضا دارد که به سوی جبهه ها جوانمردانه هجوم آورید و بکوشید تا جامه ذلت نپوشید و بدانید که روحیه ارتش عراق بکلی از دست رفته است و اسلام امروز احتیاج به شما جوانان برومند دارد. به سوی نبرد با کفر بشتابید و برادران عراقی خود را نجات دهید و برادران جان بر کف رزمنده جمهوری اسلامی را کمک کنید که فردا دیر است. از خداوند متعال نصرت اسلام و مسلمین را خواستارم. روح الله الموسوی الخمینی تاریخ: ۲۵/۴/۶۱

### پیام امام خمینی به مناسبت روز جهانی قدس

بسم الله الرحمن الرحيم انالله و انالیه راجعون در سالروز قدس سال ۱۳۶۱ غم انگیزترین و دردناکترین روزها را می گذرانیم و اسفناکترین و مصیبت بارترین ایام را پشت سر می گذاریم، نه فقط غم و درد برای شهدای بی پناه و بیگناه لبنان مظلوم و نه فقط اسف و مصیبت از حمله دامنه دار اسرائیل جانی با بمب های خوشه ای و آتش زا به ساکنین عرب و مسلمانان بیروت که موجب شهادت و آسیب هزاران پیر و جوان و زن و مرد و کودک بیگناه بی پناه شده است و نه برای نقشه های شوم آمریکای ابرجنایتکار و نه برای هدم اساس اسلام در ایران و سایر کشورها و نه برای کمک های مادی و معنوی مصر و اردن و دیگر همقطاران شان به دو جنایتکار افسار گسیخته (بگین) و (صدام)، که اینان خوی درندگی و جنایتکاری دارند و زندگی و حیات مادی آنان بستگی به تجاوز به حقوق ملت ها و مستضعفان جهان دارد و تحت ستم قراردادن و سرکوبی ملت های مظلوم از افتخارات آنان است و نه برای تجاوز بیرحمانه صدام علفقی و حزب بعث عراق به کشور اسلامی ایران و کشتار هزاران کودک، پیرزن و پیرمرد و به ویرانه بدل کردن شهرهای آباد و سرسبز عرب نشین و فارس نشین ایران، که این حزب مشرک نمی تواند اسلام را تحمل کند و برنامه آن براندازی اسلام و هواداران آن است، مصیبت و تاسف و غم و درد برای ابتلاء مسلمانان به این حکومت های خود فروخته و دلباخته به ابرقدرت آمریکا و چشم بسته به فرمان دشمنان اسلام و مسلمانان است. اینان برای مخالفت با جمهوری اسلامی و کمک های نظامی و تسلیحاتی و مادی و معنوی به صدام که اسلام را دشمن خود می داند عذرهایی می تراشیدند و مساله فارس و عرب را برخلاف دستورات اسلام و قرآن مجید پیش می آوردند و در بوق های تبلیغاتی و مطبوعات در خدمت ابرقدرت ها پشتیبانی اسرائیل از ایران را با دروغ شاخدار بهانه می کردند. امروز که اسرائیل به یک کشور مسلمان عربی حمله نموده و مسلمانان را به خاک و خون می کشد، چه عذری در خفقان مرگبار خود دارند؟ چه عذری در پیشگاه خدای قهار و ملت های اسلامی در کمک به اسرائیل و ارباب جنایتکارش دارند؟ چه عذری در تعقیب پیشنهاد ذلت بار (کمپ دیوید) و (طرح فهد) دارند؟ چه عذری در سازش با این جانان با لذات و خوانخواران حرفه ای دارند؟ آیا آمریکا با آمریکای سابق که ما را به دروغ متهم به سازش با آن می کردند فرق کرده است؟ و یا اسرائیل با اسرائیلی که به بهانه دروغین دادن اسلحه به جمهوری اسلامی به کمک صدام شتافتند و به دشمنی با ما برای نجات حزب بعث علفقی یقه پاره می کردند، تفاوت کرده است؟ بارالها! مسلمانان منطقه گرفتار یک چنین حکمفرمایانی هستند چنانچه

مولای آنان علی ابن ابیطالب گرفتار منافقانی ظاهرالصلاح بود و به دست آنان در مثل این ایام به لقاء تو شتافت و از گرفتاری ها نجات پیدا کرد. بارالها! امروز اسلام گرفتار منافقانی جنایتکارتر از نهروانی هاست که با نام اسلام آن را می کوبند و با دشمنان اسلام به اسم اسلام و در حقیقت برای چپاول اموال ملت های مظلوم و محروم و دربند کشیدن آزادگان ملت ها سازش می کنند. خداوندا! این دولتمردان نادان بار ذلت اسرائیل را به دوش می کشند که چند روزی بر ملت های مسلمان حکومت کنند. خداوندا! این حکومت های نادان با داشتن همه امکانات برای پیروزی بر ابرقدرت ها، به جنایات آمریکا و اسرائیل صحنه می گذارند و برای تحکیم پایه های کفر شب و روز خود را نمی فهمند. بارالها! این خلق مسلمان و مظلوم را از چنگال آنان نجات ده. اما اکنون چه باید کرد؟ آیا راهپیمائی و فریادها و بیکراری ها از دست دشمنان اسلام و مستضعفان جهان کافی است؟ یا آنکه این وسیله است، نه هدف. گرچه دولت منطقه و عمال استعمارگران و ستم پیشگان همین فریادها را نیز تحمل نمی کنند و مطمئن باشید که فریادها را در حلقوم ستم زدگان و محرومان خفه می کنند. هم آنان که از هم اکنون از فریاد مظلومانی که در هر سال یک مرتبه در حول کعبه آمال خود می گردند و ناله و فغان می کنند و در مجمعی که اساسش بر امور سیاسی بنیان گذاشته شده به مخالفت برمی خیزند، خروش و پرخاش مسلمانان برای رهائی قدس، به هر وسیله ای که باشد خفه خواهند کرد. اسلام عزیز و پیامبر عظیم الشانش و شهید محرابش که در شب مبارک قدر برای محرومین به خاک و خون کشیده شد، این شکوه را به کجا سردهند که سلطه گران در بلاد اسلامی می گویند درد و رنج بکشید و ناله نکنید، در زیر شکنجه های آمریکا و اسرائیل پلید و دیگر قدرتمندان خرد شوید و دم در نیاورید. دردها زیاد است لکن چاره چیست؟ ملت ایران به پیروی از قرآن کریم و اسلام بزرگ راه چاره را یافت و رژیم آمریکائی پهلوی را پس از فریادها و اعتصاب ها با مشیت و دندان در مقابل تانک ها و مسلسل ها از پای در آورد و صدام جنایتکار و حزب مشرک او را با ایمان و قیام الله از پای در آورد و صدام بلند پرواز را که لاف سرداری قادسیه می زد به دریوزگی و ذلت کشاند و تمام توطئه ها را با هدایت الهی در نطفه خفه کرد و اکنون نیز از پای نمی نشیند تا آنچه از روز اول به عنوان غرامت و برای تادیب مجرم خواست جامه عمل پوشد و تصمیمات شورای امنیت و سازمان های بی ارزش را جز ورق پاره هائی در خدمت و توکنندگان نمی داند. آنان با همه عربده ها و تبلیغات بی پایه سر تعظیم به پیش صهیونیسم ها فرو آورده و برای تحکیم پایه های حکومت آنان و وابستگانشان چون صدام در آستانه مرگ ننگین به تشکیل جلسه و صدور قطعنامه پرداخته اند و گمان کرده اند دولت متکی به خدا و ملت عظیم ایران بیدی است که از این بادها بلرزد. ملتی که اکنون طعم شیرین شهادت را چشیده است و پیرو مولای خود امیرالمومنین و اولاد عظیم القدر او که شهادت را فوز عظیم می دانسته و در محراب شهادت و میدان نبرد ندای (فزت و رب الکعبه) را سر می دادند از سازمان های نوکر ابرقدرت ها نمی هراسد. ملتی که ابرقدرت آمریکا را از کشور بقیه الله ارواحالمقدمه الفدا، با ذلت و خواری راند و نفت و خزاین خود را از حلقوم آن بیرون کشید، از طببل های توخالی سازمان های ساخته آن نمی ترسد و این ملت و دولت پیرو آن، همانگونه که کرارا اعلام نموده اند، خواست های مشروع خود را از صدام و حزب عفلقی می گیرند و برای احقاق حق مشروع خود به هر اقدامی دست می زنند (بلغ ما بلغ). و اما تکلیف ملت ها در آستان روز قدس و آستان سالروز شهادت بزرگ انسان تاریخ بشریت آن است در اجتماعات و راهپیمائی های خود از دولت های خویش به طور جدی بخواهند که با قدرت نظامی سلاح و نفت در مقابل آمریکا و اسرائیل به مقابله برخیزند و اگر گوش نکردند و اسرائیل جنایتکار را که تمام منطقه حتی حریم شریفین را تهدید می کند و هم اکنون عمق خواسته های او واضح شده است را تایید کردند، با فشار و اعتصابات و تهدید آنان را مجبور به عمل کنند. در حالی که اسلام و اماکن مقدسه آن مورد تهدید به تجاوز قرار گرفته هیچ فرد مسلمانی نمی تواند در مقابل آن بی تفاوت باشد و آنچه در این موقع که اسرائیل تجاوز گسترده به بلاد مسلمین نموده و مسلمانان بیگناه و بی پناه را به

خاک و خون کشیده است دولت های منطقه انجام می دهند جز یک کلام بی محتوا و سازشکارانه نیست و مصیبت بارتر آنکه از دست اسرائیل به آمریکا جنایتکار اصلی پناه می برند و در حقیقت از خوف مار به اژدها روی می آورند و با داشتن ابزار مقابله با آنان حاضر به یک کلمه خشن یا یک تهدید نیستند و با این وضع باید همه حاضر برای محو و نابودی شوند و در طول زندگی خود به هر ذلتی تن در دهند. ایران همانگونه که اعلام کرد جز از راه عراق و برکناری حکومت حزب بعث نمی تواند اقدامی موثر کند و پس از حصول خواسته های مشروع خود داوطلب است که خیلی بیشتر از حال در کنار سایر مسلمانان و بویژه ملت ها و دولت های عربی در نبرد با اسرائیل تشریک مساعی نماید و به عنوان یکی از قدرت های بزرگ مسلمان منطقه با قدرت های دیگر منطقه بسیار کوبنده تر از این زمان در نبرد با اسرائیل همکاری کند. و اگر خدای نخواست اوضاع و احوال کشورهای اسلامی و عربی و حکومت های منطقه به همین منوال باشد که نه تنها سراپا سازش و تسلیم و تایید از دشمن اصلی و وابستگان به اوست، که کمک های مادی و معنوی به آنان می کنند، ایران مجاهد در پیشگاه مقدس خداوند عذر دارد و از ملت های اسلامی منهای دولت ها استمداد می کند که اگر آنان اجابت کردند دست به اقدام موثرتر و جدی تر خواهد زد. من به سران فلسطینی نصیحت می کنم که دست از رفت و آمدهای خودشان برداشته و با اتکاء به خداوند متعال، مردم فلسطین و اسلحه خویش تا حد مرگ با اسرائیل بستیزند چرا که این رفت و آمدها موجب می شود که ملت های مبارز از شما دلسرد شوند. شما اطمینان داشته باشید که نه شرق به درد شما می خورد و نه غرب. با ایمان بر خدا و تکیه بر سلاح با اسرائیل بجنگید و همچون ملت و نیروهای مسلح ایران که بی اتکا به قدرت ها و ابرقدرت ها و با ایمان به خدای تعالی و قدرت لایزال او تا حصول خواسته های مشروع خویش دست از اسلحه بر نمی دارند. خداوندا! از این سستی ها و بی تفاوتی ها و جاه طلبی ها و خودباختگی ها در سراسر جهان به تو پناه می برم. خداوندا! برای نصرت اسلام و مسلمین جهان و مستضعفان دربند مستکبران و برای نصرت نیروهای جمهوری اسلامی بر فریب خوردگان بعثی صدامی از درگاه مقدست استمداد می طلبم. والسلام علی من اتبع الهدی روح الله الموسوی الخمینی تاریخ: ۲۹/۴/۶۱

### پاسخ امام خمینی به نامه فرزند آیت الله صدوقی

بسم الله الرحمن الرحیم جنابعالی که مورد علاقه اهالی محترم یزد و مورد اطمینان هستید، مجازید به همان نحو که شهید سعید بزرگوار ابوی محترمتان صدوقی عزیز قدس سره عمل می نمودند، عمل نمائید و آنچه ایشان در تمام مراحل به شما مراجعه کرده اند و ناقص مانده است، تکمیل کنید. امید است اهالی محترم و ارگان های دولتی در صورت وجود مشکلاتی در رفع آن با شما همکاری نمایند و آنچه مربوط به اینجانب است پس از مراجعه به جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای خاتمی دامت افاضاته و مشورت با ایشان اگر رفع نشد به اینجانب مراجعه نمائید. توفیق و تایید جنابعالی را در خدمت به اسلام و محرومین از خداوند تعالی خواستارم. والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته روح الله الموسوی الخمینی تاریخ: ۳/۵/۶۱

### بیانات امام خمینی در جمع کارکنان اداره مرکزی آستان قدس رضوی، اعضای حزب جمهوری اسلامی مشهد و کارکنان استانداری و پرسنل هوایی استان خراسان

همه قدرت ها در هر جا محتاج به توجه حضرت رضا سلام الله علیه هستند

بسم الله الرحمن الرحيم امروز میهمان های ما بسیار عزیزند، این میهمان های عزیز از جایی می آیند که دل های ملائکه الله به آنجا متوجه است . اصلا مرکز ایران آستان قدس است و ما امیدواریم که همه ما را خداوند از خدمتگزاران آستان قدس رضوی سلام الله علیه قرار بدهد. و شماها چقدر خوشبخت هستید که در آن آستان زندگی می کنید، چه آنهایی که خدمتگزار مستقیم آستانه هستند و چه آنهایی که در آستان مقدس خدمتگزار به ملت و اسلام و جمهوری اسلامی هستند. همه نیروها، همه قدرت ها در هر جا هستند، محتاج به توجه خاص حضرت رضا سلام الله علیه هستند. آستاندار، نیروی هوایی و انجمن های اسلامی و همه اینها جزء کارمندان آن آستان مقدسند. و شما برادرانی که در آستان مقدس مستقیما کار می کنید از خوشبختی بزرگی برخوردارید که شاید خیلی توجه به او نباشد. و من امیدوارم که انشاءالله تعالی به برکت آن آستان مقدس ، جمهوری اسلامی همانطوری که تاکنون پیروزمندان پیش رفته است از این به بعد هم پیش برود و این جمهوری اسلامی باقی باشد با اسلامیت خود تا وقتی که ، زمانی که به حضور بقیه الله این جمهوری مشرف شود و مسائل را در خدمت ایشان حل کند.

### مسجدالنبی مرکز سیاست های اسلامی بوده است و ثقل قدرت اسلامی

ما امروز با بسیاری از مسائل مواجه هستیم که شما آقایان هم می دانید و مسائل ایران امروز پشت پرده نیست ، آشکار است و همه ملت از دولتند و دولت هم از ملت است . دولت و هر چه متعلق به دولت است خدمتگزار ملت است و ملت هم پشتیبان دولت و تا این هماهنگی میان همه قشرها هست ، آسیب نخواهد دید این جمهوری اسلامی . شما می دانید که امروز ما از جهات ظاهری طبیعی تنها هستیم . تقریبا تمام شرق و غرب یا مخالف مستقیم با ما هستند و یا غیر مستقیم . اگر در بین آنها حکومت هائی پیدا بشوند که بیطرف باشند یا احيانا موافق با ما باشند، بسیار معدودند و انگشت شمار. قدرت های بزرگ با اسلام مخالفند، نه آن اسلامی که فقط خلاصه بشود در دعا و مسجد، آن اسلامی که در صدر اسلام همه احتیاجات ملت ها را حل می کرده است و آن اسلامی که در امور سیاسی ملت ها و در امور اجتماعی ملت ها، مستقیما دخالت می کرده است . شما اگر صدر اسلام را ملاحظه کنید می بینید که اسلام از زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم حکومت تشکیل کرده است ، قوای نظامی و انتظامی داشته است ، در سیاست ها دخالت می کرده است و مسجدالنبی مرکز سیاست اسلامی بوده است و ثقل قدرت اسلامی . دست های ناپاک و عقل های ضعیف موجب این شد که بعد از رسول الله و صدر اسلام کم کم مردم را از آن مسائل اصلی که در نظر اسلام بوده است ، منحرف کنند و مردم را متوجه به فقط یک مسائل جزئی بکنند و در مسائل عمومی کلی که کشورهای اسلامی به آن احتیاج دارند، بیطرف باشند و احيانا هم مخالف باشند. این یک نقشه شیطانی بوده است که از زمان بنی امیه و بنی عباس طرح ریزی شده است و بعد از آن هم حکومتی که آمده است تایید این امر را کرده است و اخيرا هم که راه شرق و غرب به دولت های اسلامی باز شد، این امر در اوج خودش قرار گرفت که اسلام ، یک مسائل شخصی بین بنده و خداست و سیاست از اسلام جداست و نباید مسلمانان در سیاست دخالت کنند و نباید روحانیون وارد سیاست بشوند، آنها همان در مسجدها محبوس باشند و همه کارشان این باشد که بروند نماز بخوانند و چند کلمه هم دعا کنند و برگردند منزل . این یک نقشه ای بوده است که از صدر اسلام ریشه دارد و امروز که دولت های شرق و غرب ، قدرت های بزرگ شرق و غرب در مقابل اسلام ایستاده اند، به اوج خود رسیده .

### جمهوری اسلامی بنا دارد استقلال خودش را حفظ کند و آرزو دارد کشورهای اسلامی از خواب گران برخیزند

و بحمدالله ملت ایران یک امر استثنائی است امروز و یک ملت استثنائی که شبیه ندارد. امروز شما نمی توانید یک کشوری

را پیدا بکنید که تمام شعارهایش نه شرقی و نه غربی است. یا از بلوک شرقند به طور رسمی، یا از بلوک غربند به طور رسمی و یا واسطه اند به طور پنهان. همان غیر متعهدها هم باور نکنید که غیر متعهدند، اگر در بین شان پیدا بشود، بسیار نادر است. و ما امروز مواجهیم با شرق و غرب و بلوک شرق و بلوک غرب و همه قدرت هائی که در منطقه ها در سرتاسر دنیا قدرت در دست آنهاست. و ما، یعنی ملت، همانظوری که از اول راه خودش را پیدا کرده است و با مشت خالی، بدون سلاح، لکن با سلاح ایمان و صلاح در مقابل قلدرها ایستاد و ابتدائاً آن رژیم منحوسی که اگر خدای نخواستہ چند سال دیگر باقی می ماند اسلام را بکلی محو می کرد، آن را بیرون کردند و دست همه ابرقدرت ها را از مخازن خودشان قطع کردند و مع الاسف در حالی که باید همه دولت های اسلامی دور این مرکز جمع شوند و به اسلام گرایش پیدا کنند و اسلامی که استقلال را برای آنها به هدیه آورده است و آزادی را، مع کمال الاسف توجه به مسائل ندارند و یا دارند و هواهای نفسانیه نمی گذارد که آنظوری که باید، عمل کنند. امروز تقریباً تمام تبلیغاتی که در رسانه های گروهی و در مطبوعات شرق و غرب هست، تمام آنها بر ضد جمهوری اسلامی یا می نویسند و یا می گویند و نکته هم معلوم است که جمهوری اسلامی بنا دارد بر اینکه استقلال خودش را حفظ کند و دست دیگران را و دست جهانخواران را و آنهایی که وابسته به آنهاست، از کشور خودش قطع کند و آرزو دارد که تمام کشورهای اسلامی، تمام حکومت هائی که بر کشورهای اسلامی سلطه دارند و به اصطلاح حاکم هستند، آرزو دارد جمهوری اسلامی که آنها هم از این خواب گران برخیزند.

### ما بنا نداشتیم و نداریم که به یک کشوری هجوم کنیم

شما ملاحظه کنید یک جمهوری که برای تحقق اسلام و برای پیاده کردن احکام تحقق پیدا کرد و یک ملتی که سرتاسر او الا- بعض گروهک های کثیف، برای اسلام همه چیز خودشان را دارند فدا می کنند، چطور مورد تهاجم بعضی حکومت ها واقع شدند، مثل حکومت عراق، یعنی حکومت غاصب عراق، یعنی حکومت ظالم عراق، یعنی حکومتی که ملت عراق از او متنفرند و با سرنیزه دارد مردم را به جای خودشان می نشاند. شما ببینید که این حکومت فاسد به اسم اینکه شما ملت ایران مجوسی هستید و فارس هستید و این جرمی است که شما فارس هستید و به اسم عربیت و سردار قادسیه بودن هجوم کردند به این کشور. ما و کشور ما هیچ وقت بنا نداشتیم و نداریم که به یک کشوری هجوم کنیم، لکن بعد از آن که به ما هجوم کردند، دفاع، یک امری است که هم شرعاً واجب است بر همه و هم عقلاً. ما حال دفاعی داریم و امروز هم حال دفاعی داریم. بیست و چند ماه این ارتش مزدور عراق در ایران بود و موارد حساس ایران را در دست داشت و آنهمه جنایات کرد که تاریخ اینها را باید ثبت کند و از آن کشورهایی که می گویند ما طرفدار اسلام هستیم و جمعیت های حقوق بشر و سازمان کذا صحبتی نشد، گاهی اگر شد ایران را محکوم می کردند. و امروز که ما باز برای دفاع از کشور خودمان و دفاع از ملت مظلوم خودمان وارد شدیم در عراق، برای اینکه نگذاریم هر روز آبادان و اهواز و آنجاها مورد حمله آنها واقع بشود و مورد توپ های دوربرد آنها و موشک های آنها باشد و می خواهیم اینها را به حدی برسانیم که نتوانند این کار را بکنند و این یک دفاعی است که ما می کنیم، باز تمام مطبوعات و تمام رادیوها یا محکوم می کنند ما را و یا فریاد می زنند که برای منطقه خطر است. تحریک می کنند کشورهای منطقه را. و من و تمام اشخاصی که مسوول هستند (البته من طلبه ای هستم و مسوول نیستم، لکن من موعظه می کنم) تاکنون کرارا ما به این دولت های منطقه تذکر داده ایم که با شما می خواهیم بجنگیم، ما آنطور نیستیم که وقتی زور پیدا کردیم، با قلدری بخواهیم در یک کشور دیگری دخالت کنیم. ما در عین حالی که قدرتمندترین دولت های منطقه هستیم و به برکت اسلام، یک قدرتی این کشور ما و این ملت ما دارد که قدرت های بزرگ هم نمی توانند تعرض به او بکنند، در عین حال ما می خواهیم که با همه این کشورهای اسلامی و خصوصاً اینهایی که در منطقه هستند، در خلیج هستند و در

اطراف خلیج هستند، می خواهیم برادر باشیم ، می خواهیم همه آنها با هم دست به هم بدهیم . و خدای تبارک و تعالی آنقدر مقدورات به این کشورهای اسلامی داده است ، چه از جهات معنوی و چه از جهات مادی ، که اگر بفهمند این حکومت ها و توجه به مسائل پیدا بکنند، قدرتی هستند که در مقابل آنها قدرت دیگری اندک است . شما، کشور شما، کشورهای خلیج و کسان دیگری که در منطقه هستند قدرت مادی دارند، یعنی نفت دارند، آن نفتی که اگر ده روز به روی غرب بسته بشود، همه تسلیم خواهند شد. با همه قدرتی که در دست دارند و دست داریم ، مع الاسف قدرت ایمان نیست در کار. اگر به جای نفت ما ایمان داشتیم ، احتیاج به هیچ چیز نداشتیم . ملت ما ایمان داشت و خدای تبارک و تعالی به او عنایت کرد و او را متحول کرد از آن نقشه هائی که برای او کشیده بودند که اگر مهلت پیدا می کردند تمام جوان های ما را به فساد می کشاندند، خدا به ما ترحم کرد و متحول کرد این جوان ها را که در رژیم سابق برایشان نقشه کشیده بودند که در مراکز فساد عمر خودشان را تباه کنند، امروز در مراکز فعالیت و جنگ و همه چیزهائی که برای کشور مفید است ، مشغول فعالیت هستند. امروز آنچنان سرشار از ایمانند این سپاه پاسداران و این پرسنل ژاندارمری و ارتش و سپاه ، همه ، همه رزمندگان ما چنان سرشار از ایمانند که در مقابل همه چیز ایستاده اند و پایداری می کنند. و ما چقدر به این کشورهای منطقه باید بگوئیم که بابا، ما به شما کار نداریم ، شما بیائید و با ما برادری کنید تا همه با قدرت های بزرگ مقابله کنیم و کشورهای خودمان را نجات بدهیم . شماها خیال می کنید که آلمان ، انگلستان و در راس همه آمریکا صلاح شما را می خواهد؟ شوروی صلاح شما را می خواهد؟ آنها صلاح خودشان را می خواهند، آنها شماها را به بند می کشند تا از شما استفاده کنند. آن روزی که ببینند استفاده نمی توانند بکنند، شما را دور می اندازند و همراهی با شما نمی کنند. شما بیائید امروز که ملت ایران قیام کرده است و می بینید که تا چه اندازه پیشرفت کرده است و همه قدرت ها را اجازه نداده است که دخالت بکنند در کشور خودش ، با اینها همقدم بشوید تا همه با هم ، هرکس در کشور خودش مستقل ، لکن همه با هم در مقابل قدرت هایی که می خواهند ما را از بین ببرند و ما را مستعمره خودشان (ولو مستعمره نو باشد) قرار بدهند، از چنگال آنها نجات پیدا کنیم . شماها تا کی می خواهید اسیر آمریکا باشید و اسیر مستشاران آمریکا؟ شما دیدید که ملت ایران مستشاران آمریکائی را به دور ریخت و خود الان همه چیز خود را دارد اداره می کند و اگر چنانچه مهلت به او داده بشود، آنچنان قدرتی خواهد پیدا کرد که نتواند کسی دخالت در کشورش بکند. و طمع طمعکاران و آدمخواران را از این کشور تا آخر قطع کرده است و می کند انشاءالله. وارد شدن ما در عراق نه برای این بوده است که ما عراق را می خواهیم تصاحب کنیم یا بصره را. ما وطنمان بصره و شام نیست ، ما وطنمان اسلام است ، ما تابع احکام اسلام هستیم . اسلام به ما اجازه نمی دهد که یک کشور مسلمی را ما تحت سلطه قرار بدهیم و ما نخواهیم هیچ وقت ، توجه به این نخواهیم پیدا کرد. شماها چه داعی دارید که دائما دم از این می زنید که ایران خطر است برای ما؟ ایران خطر است برای آمریکا، ایران خطر است برای شوروی ، نه برای شما. ایران رحمت است برای شما. شما بیائید و به ایران دست برادری بدهید تا بفهمید لذت برادری را و بفهمید که زندگی استقلالی در مقابل آنهمه چیزهائی که طمع دارید از خارجی ها، زندگی استقلالی از همه آنها بهتر است . چرا شما با ایران مخالفت می کنید؟ بحمدالله بعضی از کشورهای منطقه به خود آمدند و از آن راهی که داشتند برگشتند. و من امیدوارم که همه کشورهای منطقه و دولت های منطقه به خود بیایند و مطمئن باشند که یک ایران قدرتمند اسلامی برای آنها بهتر است از آمریکا و شوروی . آنها فقط مصالح خودشان را در نظر دارند و اسلام مصالح کشورهای اسلامی و مسلمانان ، همه را، بلکه مصالح بشر را. ما به هیچ کشوری طمع نداریم و به هیچ کشوری حقی نداریم و خدای تبارک و تعالی به ما اجازه نداده است که در هیچ کشوری دخالت بکنیم مگر آنکه مثل دفاع باشد که امروز ما با این دولت فاسد عراق در حال دفاع هستیم . و البته باید ملت ما بدانند که جنگ ما تمام نشده است و آن توطئه ای که دیده بودند که ما را متوجه کنند به لبنان و از این راه به



ما ضربه بزنند، آن هم به خواست خدای تبارک و تعالی فاش شد و ما بنایمان بر این است که اول عراق باید از شر این مفسدین و از شر این غاصبین فارغ بشود و بعد از آن انشاءالله به قدس. تمام کشورهای اسلامی بدانند که ایران ابدا نظری به کشورهای آنها ندارد. ایران برای جمعیت خودش همه چیز دارد و اینطور نیست که یک کشور سرکش باشد که بخواهد همه چیز را در تحت سلطه خود بیاورد. ایران برای خدا قیام کرده است و برای خدا ادامه می دهد و جز دفاع، جنگ ابتدائی با هیچ کس نخواهد کرد.

### هر کدام که امروز به صدام کمک کنید، خیانت به اسلام کرده اید

لکن من باید تذکر بدهم، هشدار بدهم به این بعضی از این کشورها که باز هم کمک کاری می کنند به دشمن اسلام. من هشدار بدهم که توجه داشته باشید برای آتیه خودتان زحمت تولید نکنید. شما هر کدام که امروز به صدام کمک کنید، خیانت به اسلام کرده اید و مجرم هستید پیش اسلام. اگر تا امروز عذری می تراشیدید که ما از عراق می ترسیم، امروز دیگر آن عذر نیست. عراق یعنی حکومت عراق خودش را هم نمی تواند حفظ کند تا چه رسد به اینکه بخواهد به شما تعدی کند. این عذر، منقطع است امروز. و ما اگر ببینیم بعضی دولت ها باز کمک می کنند، کمک نظامی می کنند، کمک مالی می کنند به دولت عراق، آنها را مجرم می شناسیم و انشاءالله با آنها اگر برنگردد معامله مجرم می کنیم و احکام اسلام را درباره آنها جاری می کنیم. و من نصیحت می کنم باز به آنها که دیر نیست و امروز هم برگردید و لااقل کمک نکنید به این مجرم اصلی و به آن مجرم اصلی تر که آمریکا باشد. خداوند انشاءالله همه کشورهای اسلامی را از شر این مفسدین، از شر این ستمکاران و جهانخواران حفظ کند و حکومت های اسلامی را بیدار کند که به وظایف خودشان، به وظایف اسلامی و انسانی خودشان عمل کنند و همه در کنار هم برادر باشند و دست جنایتکاران را از کشورهای خودشان قطع کنند. و خداوند انشاءالله ما را از خدمتگزاران اسلام قرار بدهد. و امیدوارم که با دعای شما که از آستان قدس آمده اید و باز به آنجا انشاءالله با سلامت رجوع می کنید، ما هم بتوانیم به آستان بوسی آن حضرت نائل آئیم. والسلام علیکم ورحمة الله تاریخ: ۱۲/۵/۶۱

### پاسخ امام خمینی به نامه وزیر کشور در مورد کسب تکلیف پیرامون سرپرستی کمیته های انقلاب اسلامی

بسمه تعالی با تشکر از جناب حجت الاسلام آقای مهدوی که با همه توان در خدمت کوشا هستند و با تاسف از استعفای ایشان، جناب حجت الاسلام آقای ناطق نوری را به سرپرستی کمیته های انقلاب اسلامی در سراسر کشور منصوب نمودم. امید است تمام افراد کمیته ها و حضرات روحانیون که در کمیته ها هستند با جناب ایشان همکاری و کمک نمایند. توفیق ایشان را در خدمت به اسلام و مسلمین خواهانم. روح الله الموسوی الخمینی تاریخ: ۱۴/۵/۶۱

### فرمان امام خمینی به حجت الاسلام موسوی خوئینی ها در مورد سرپرستی حجاج بیناالله الحرام

بسم الله الرحمن الرحيم جناب حجت الاسلام آقای سید محمد خوئینی ها دامت افاضاته با فرا رسیدن ایام حج، این فریضه بزرگ عبادی، سیاسی و اجتماعی که در بین عبادات بزرگ از ویژگی های خاص برخوردار است و خداوند تبارک و تعالی مسلمانان جهان را با شرایط خاص دعوت نموده است تا در ضمن بجا آوردن این فریضه بزرگ از اموری که در بلاد مسلمین از جهات اجتماعی و سیاسی می گذرد مطلع شده و اگر گرفتاری هائی دارند با یکدیگر در میان گذاشته و حتی الامکان در رفع آن کوشا باشند و مع الاسف بسیاری از مسلمانان به واسطه کج روی ها و یا کج فهمی های بعضی عناصر و یا دسیسه های بعضی از دست اندرکاران سودجو بعد سیاسی این عبادت شریف را به طاق نسیان سپرده اند، جنابعالی را به سمت نماینده خویش و

سرپرست حجاج محترم ایران منصوب نمودم که با ینش خاص سیاسی که دارید به امور حجاج از ابعاد مختلفه رسیدگی نموده و برای احیاء این سنت بزرگ الهی در خطاب ها و مراسم دینی ، مسلمین را به وحدت کلمه و اتحاد مسیر دعوت نموده و آنان را از آنچه در لبنان عزیز و ایران مجاهد و افغانستان مظلوم ، از ستمکاران و جهانخواران می گذرد مطلع نمائید و حجاج محترم بلاد را به وظایف بزرگ خود در مقابله با چپاولگران بین المللی و تجاوز کاران آشنا نمائید. البته علماء محترمی که در این سفر هستند، چه آنان که با تقاضای اینجانب مشرف شده اند و چه دیگران ، جنابعالی را تایید می فرمایند و حجاج محترم موظفند که به راهنمایی های شما گوش فرا دهند و از خطوطی که برای آنان ترسیم می نمائید اطاعت نموده و تجاوز نمایند تا انشاء الله تعالی این فریضه عظیم با محتوا و ابعاد متعددش بجا آورده شود. بدیهی است که متصدیان امور که به هر مناسب کارشان با این فریضه و حجاج محترم مرتبط است ، برای هماهنگ نمودن کارها موظفند با شما همکاری و از ارشاداتتان استفاده نمایند. امید است حجاج محترم کشورهای اسلامی در وحدت کلمه کوشا و از اخوت ایمانی که خداوند تعالی بین مسلمین امر فرموده است غفلت نمایند و از تفرقه افکنی که کار شیطان و شیاطین انسی است احتراز نمایند. والسلام علی عبادالله الصالحین روح الله الموسوی الخمینی تاریخ : ۱۶/۵/۶۱

## **بیانات امام خمینی در دیدار با مدیرعامل ، معاونین ، مدیران و مسوولان بخش های مختلف سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی**

### **هر قدمی که ما جلو می گذاریم تبلیغات سوء دشمنان زیادتر می شود**

بسم الله الرحمن الرحیم من اول باید تشکر کنم از شما برادرها که در این محل بسیار حساس خدمت می کنید و تقدیر کنم از شما که انشاء الله بعدها هم به همین خدمت به طور شایسته انجام وظیفه کنید. شما خودتان می دانید که این مرکز، مرکز بسیار حساس و مهمی است که اگر یک فیلم ، یک صحبت در محل آنجا بشود و برای جمهوری اسلامی مناسب نباشد، فوراً در همه جا پخش می شود. امروز این رسانه ها طوری هست که همه کس به آن گوش می کند و در خارج هم منعکس تا یک حدودی می شود و مساله بسیار حساس است و شما می دانید که دشمن های اسلام چون منافع شخصی خودشان از بین رفته ، واقعا همه با این دستگاه و همه دستگاه های دولتی و دستگاه های اسلامی مخالفند و ما باید کوشش کنیم که در مقابل اینهمه تبلیغاتی که هر روز دارد می شود، آن هم تبلیغات بسیار بد، که اگر یک نفر عاقل درست نگاه کند می فهمد که این تبلیغات چه جور تبلیغاتی هستند و دروغ بودنش را ما که در این محیط هستیم می دانیم لکن خوب ، ممکن است در جاهایی اشخاصی ، افرادی باشند، بی اطلاع باشند و گمان کنند که واقعا یک همچو مسائلی می گذرد. شما می دانید که الان مسائلی که به جمهوری اسلامی نسبت می دهند از قبیل اینکه کودک ها را می کشند، زن های آبستن را می کشند، اشخاصی که فلج هستند و ناقص الخلقه هستند اینها جلو می فرستند که راه را باز کنند برایشان ، از این قبیل هر روز هست . من با اینکه کم نگاه می کنم این چیزهایی که می آورند، نوشته هایی که می آورند، لکن آن حساس هایش را که نگاه می کنم می بینم که هر روز این مسائل هی دارد زیادتر می شود یعنی هر قدمی که ما جلو می گذاریم ، تبلیغات زیادتر می شود البته در بین همین تبلیغاتی هم که می شود، گاهی از آنها یک مسائلی سر می زند که به نفع ماست و ما رویهمرفته باید حساب این را بکنیم که ما باید خدمتگزار اسلام باشیم .

### **کسی که برای خدا کار می کند در هیچ جهت شکست نمی خورد**

ما باید برای خدا کار بکنیم. کسی که برای خدا کار می کند در هیچ جهت شکست نمی خورد. بر فرض اینکه !!! ما بریزند و یکی از قدرت های بزرگ، مثلا فرض کنید بریزند و همه ایران را از بین ببرند، ما باز شکست نخورده ایم. در تاریخ محفوظ است این فداکاری همه ملت ما، و هر کس بخواهد جلوی این را بگیرد، دیگر نمی تواند. تاریخ ثبت کرده است این امور را. و البته ما باید خیلی به فکر این باشیم که این دستگاهی که مهمترین دستگاه شاید باشد در تبلیغات ما، این دستگاه از حیث سیما و از حیث صدا هر دو اسلامی باشد یعنی کوشش بشود در اینکه هر قدمی که بر می دارید، یک قدمی باشد برای اسلام بردارید تا اینکه کارتان عبادت باشد. از اول که این جمهوری که پیروز شد، من به اشخاصی که متکفل این امور بودند و در راس این قضیه واقع شده بودند، هی این مطلب را سفارش می دادم، لکن بعضی از آنها که بعدها معلوم شد که مردم غیر صحیحی هستند، هی عذر می آوردند که ما مشغولیم و داریم درست می کنیم و نمی شود و چه و کذا. لکن حالا بحمدالله می بینیم که دارد می شود و امیدواریم که به کوشش این آقای محترم، آقای رفسنجانی، برادر آن آقای رفسنجانی، انشاءالله این مسائل درست بشود و این دو تا برادر انشاءالله خدمت خودشان را به اسلام و ایران بکنند. ایشان در تبلیغات و ایشان هم در همه چیزها. و البته فیلم ها، باید کسانی که فیلمسازند، باید معلوم بشود که اینها چکاره اند، چه جور بوده اند، وضع روحی شان، وضع زندگی شان، وضع معاشرت هایشان قبلا چه جور بوده است، آیا تحول حاصل شده برایش، تحول روحی، یا اینکه باز همان ته مانده های سفره شاه هست در قلب هاشان؟ آن کسی که می خواهد فیلم درست کند گاهی وقت فیلم را، خوب، بسیاری ها متوجه نمی شوند چی است، لکن محتوایش رویهمرفته انسان یک وقت می بیند که یا طرف چپ است، یا طرف راست است، یا رو به فساد است. این، باید خیلی دقت بشود. یعنی ما همه موظفیم به اینکه کاری انجام بدهیم که موافق با مقصد جمهوری اسلامی که همان مقاصد اسلامی است باشد و هیچ خوفی از این نداشته باشیم که ما اگر فرض کنید فلان فیلم را درست کنیم، به ما نمی گویند که اینها چه هستند. ما بالاخره در این دنیا الان معرفی شدیم به یک ملت ارتجاعی و یک ملتی که، تقریبا یک هیولائی از جمهوری اسلامی دارند درست می کنند که کسانی که در اینجا نیستند خیال می کنند که الان، الان در تهران یک دسته ای ریخته اند دارند بچه کوچک ها را می کشند و زن ها را چه می کنند.

### آدمکشی و چپاولگری با اسم (اسلام راستین)

این انقلاب، یک خصوصیتی دارد و آن اینکه انقلاب اسلامی است و همه جناح ها با، الا کمی، با این جهت اسلامی اش مخالفند. حتی اشخاصی که در ایران بودند و آن گروه هایی که بودند و اینها، حتی اینها هم از اسم اسلام می ترسند و اگر اسم اسلام را ببرند، اسلام را به یک جور دیگری در پیش خودشان تعبیر می کنند، اسلام راستین اسمش را می گذارند، که ایران اسلام ندارد ما باید بیایم این اسلام راستین را چه بکنیم. آنوقت در ضمن اینکه اسلام راستین را می خواهند چه بکنند، این آدمکشی ها و این بساط را همه را آنها راه می اندازند به اسم اسلام راستین. ما برای ادای وظیفه اسلامی، وجدانی و ملی وارد شدیم در میدان جنگ ما از اول من گفته ام که ما به شرط اینکه پیروز بشویم در میدان نیامده ایم. ما برای ادای یک وظیفه اسلامی، وجدانی، ملی وارد شدیم در این میدان و همه ملت ایران که وارد شده اند در این میدان و الان بحمدالله همه وارد هستند، توجه دارند و فهمیده اند که این گروه های مخالف، یا این قدرت های مخالف، چه دردی دارند. ما می دانیم که آنها دردشان به این چیزها دوا نمی شود و دیگر هم مایوس انشاءالله باید بشوند. و ما انشاءالله امیدواریم که در همه ابعاد این جمهوری پیروز باشیم و جنگ مان هم انشاءالله زودتر تمام بشود. و شما و همه می دانند که ما اهل جنگ نیستیم که بخواهیم برویم یک کشوری را بگیریم، یا کشور گشائی بکنیم. ما دنبال این هستیم که دنیا در صلح و آرامش باشد. اسلام از اول دارای یک همچو مقصدی بوده و خصوصا در بین مومنین، در بین مسلمین، اخوت را سفارش فرموده است، بلکه ایجاد تشریح

فرموده است. ما باید با همه برادر باشیم، با همه، همه مسلمین برادر باشیم و در مقابل کفار بایستیم، نه اینکه ما در مقابل مسلمین بایستیم. خوب، ما ناچاریم الان، دفاع داریم می کنیم. ما تاکنون یک قدم برای جنگ بر نداشته ایم، اینها همه دفاع است. الان هم که ما وارد شدیم در خاک عراق، برای دفاع است، نه برای چیز دیگر. بیایند آنها کارها را انجام بدهند، ما فوراً بر می گردیم. بیایند آنها چیزهایی را که باید انجام بدهند، انجام بدهند ما فوراً بر می گردیم. نه ما بصره را می خواهیم، بصره برادر ماست ما می خواهیم که چه بکنیم. و ما همیشه احتراز داریم از اینکه در بصره یک وقتی خونی بریزد و در سایر شهرهای بغداد، برای اینکه ما، می دانید که آنها با صدام از اول بد بودند. ملت عراق از حالا بد نیست، از اول با این حزب بد بود برای اینکه ملت عراق، اشخاصی که علاقه مند بودند به آنها، آنها را اینها از بین بردند، مثل آقای حکیم که مردم علاقه مند بودند، مرجع شان بود، آنطور با ایشان عمل کردند، ایشان را در خانه تقریباً حبس کردند و ریختند در منزل ایشان در بغداد که رفته بودند برای معالجه، ریختند در منزل، ایشان را تفتیش کردند، در منزل یک مرجعی. و مردم متوجه به این مسائل هستند که اینها از اول با اسلام بد بودند، از اول با مسلمین بد بودند.

### صدام دیگر از بین رفته است

حالا که صدام دیگر از بین رفته است، حالا می شعار اسلام می دهد و شعار صلح دوستی، و می گوید ما هم دفاع کردیم. حالا-ایشان از ما یاد گرفته است که ما می گوئیم ما دفاع، ما واقعیت را می گوئیم، او هم می گوید ما از اول می خواستیم دفاع کنیم از عراق. خوب، کی به شما حمله کرده بود که می خواستید دفاع کنید؟ و (ما پیروز شدیم از باب اینکه نگذاشتیم که مثلاً اینها بریزند همه عراق را بگیرند!!) خوب، حالا ایشان پیروز باشند، اما با پیروزی کنار بروند. همانطوری که با پیروزی عقب نشستند، با پیروزی هم بروند سراغ یک کار دیگری، بروند پاریس با آن دیگران که هستند، با آنها بنشینند و ایشان هم یک دولت عراقی تشکیل بدهند. حالا که ما از همه قسم داریم، ما از شاه گرفته، شاه قانونی تا نخست وزیر قانونی، تا رئیس جمهور قانونی، تا همه چیز قانونی ما الان در خارج داریم، خوب، ایشان هم بروند آنجا قانوناً همه چیز را درست کنند، این مانعی نیست. همیشه توجه داشته باشید که کارهایتان در محضر خداست در هر صورت، همه اینها با ما مخالفند و ما باید به توجه به اسلام، توجه به خدای تبارک و تعالی، اتکال به خدای تبارک و تعالی، فراموش نکردن خدای تبارک و تعالی را مشغول کار باشیم. و شمائی که، برادرانی که در یک همچو مرکز مهمی واقع شدید، همیشه توجه داشته باشید که کارهایتان در محضر خداست. همه کارها، چشم هائی که به هم می خورد در محضر خداست، زبان هائی که گفتگو می کند در محضر خداست و دست هائی که عمل می کند در محضر خداست و فردا ما جواب باید بدهیم. اگر ما جواب را برای آن طرف تهیه کردیم، هیچ باکی از هیچ چیز نداریم، لکن اگر خدای نخواست نتوانستیم جواب درست کنیم برای آن طرف، باید متأسف باشیم و توبه کنیم. من از خدای تبارک و تعالی سلامت و سعادت شما را می خواهم و از زحمت های شما تشکر می کنم و امیدوارم که بیشتر زحمت بکشید، بیشتر برای اسلام کار بکنید. مائی که از خدا هستیم، برای خدا باید صرف کنیم وقت خودمان را، برای خدا باید خودمان را صرف کنیم. انشاءالله همه موفق و موید باشید. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته تاریخ: ۱۷/۵/۶۱

**بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر کشور، فرمانده ژاندارمری، استانداران سراسر کشور و گروهی از مسؤلان و پرسنل دوایر سیاسی!!! ایدئولوژیک ژاندارمری جمهوری اسلامی**

**تمام عالم محضر حق تعالی است**

بسم الله الرحمن الرحيم از اینکه آقایان استاندارها و پرسنل ژاندارمری در اینجا حاضرند و من مواجه با این چهره های مصمم هستم ، قدردانی می کنم . من از زحمات همه آقایان ژاندارمری در همه جا، که الان برای اسلام فداکاری می کنند و همین طور استاندارها که در محلی که هستند خدمت می کنند، تشکر و تقدیر می کنم و برای همه آنها دعا می کنم . من امروز بنا دارم که موعظه کنم شما آقایان را و همه ارگانهائی که در ایران هستند، بلکه همه ملت را. ما همه ، تمام افرادی که در کشور مشغول یک خدمت هستند و همین طور ملت که آن هم بحمدالله مشغول خدمت به این جمهوری اسلامی هستند، ما همه مسوول هستیم (کلکم راع و کلکم مسئول). ما در همه امور، در همه کارهائی که انجام می دهیم ، در اموری که در افکار ما می گذرد، در محضر حق تعالی هستیم ، تمام عالم محضر اوست . خلجان هائی که در قلوب همه می گذرد، در محضر اوست . و ما همه در هر امری که در دست ماست و در هر مسوولیتی که در این کشور به عهده داریم ، مسؤ ولیت بزرگی پیش خدای تبارک و تعالی داریم . تمام افرادی که در جبهه ها به جنگ مشغولند و تمام کسانی که جان خودشان را فدای اسلام می کنند، همه اینها در محضر خدای تبارک و تعالی هستند و اجر هیچ یک از افراد ضایع نخواهد شد. چیزی که برای خداست باقی است . (ما عندکم ینفذ و ما عندالله باق ) هر چیزی که از ما هست ، اینها از بین می رود و آن چیزی که برای خداست و تقدیم به محضر خداست او باقی می ماند.

### امروز آبروی جمهوری اسلامی بسته است به آبروی متصدیان امر

من به همه کسانی که در این کشور الان مشغول یک خدمت هستند عرض می کنم که توجه داشته باشید که آبروی جمهوری اسلامی که آبروی اسلام است ، حفظ کنید. جمهوری اسلامی امروز آبرویش بسته است به آبروی متصدیان امر و هر کس در هر مقامی که هست ، مسؤ ولیت به اندازه حجم آن مقام دارد. حجم مسؤ ولیت به اندازه حجم مقامی است که شخصیت ها دارند یا گروه ها دارند و توجه کنید که مبدا خدای نخواستہ کارهائی از شما، از گروه هائی که در این کشور خدمت می کنند، سر بزند که با جمهوری اسلامی سازش نداشته باشد. باید کارها را تطبیق بدهید با اسلام و با جمهوری اسلامی . اگر فی المثل شما در هر مقامی که هستید، از مقام ریاست جمهور تا بیاید به آنجائی که به مردم عادی منتهی می شود و افرادی که در این دستگاه ها مشغول خدمت هستند، از آن کارمند کوچک و آن کسی که دم در برای پذیرش اشخاص گماشته شده اند تا آن مقام بالایی که باید رسیدگی به امور مسلمین بکنند، همه آنها مسوول هستند. کجروی ها در محضر خداست و راست روی ها هم در محضر اوست . ما باید فکر این باشیم که این کارهائی که به عهده ما قرار داده شده است ، این کارها را طوری انجام بدهیم که مرضی خدای تبارک و تعالی باشد و ما اگر اینجا بتوانیم از مسؤ ولیت مقامات اینجا یک وقت شانه تهی کنیم یا کاری بکنیم که آنها توجه نکنند، ملائکه الله هستند و ثبت می کنند و یک روزی سوال می شود از ما.

### طبق موازین اسلامی خدمت کنید

گاهی می شود که کارهای به ظاهر اسلامی ، لکن با بی توجهی و خلاف اسلام واقع می شود. فی المثل اشخاصی می خواهند خدمت بکنند، پاسدارها می خواهند خدمت بکنند، پلیس می خواهد خدمت بکند و قصدش هم خدمت است ، لکن گاهی در کیفیت عمل ، طوری می شود که معصیت می شود. مثلاً من از این کارهای جزئی ، خرده کاری ها شروع می کنم . مثلاً می خواهند در کمیته ها، در جاهایی که برای بسیج مهیا هستند می خواهند اینها خدمت بکنند، لکن گاهی همین هایی که می خواهند خدمت بکنند، یک کارهایی انجام می دهند که با موازین اسلامی درست در نمی آید، مثل اینکه نصف شب ها شروع می کنند به فریاد و شعار دادن و دعا خواندن و تکبیر گفتن ، در صورتی که همسایه ها هستند و ناراحت می شوند، مریض ها

هستند، معلولین هستند، بیمارستان ها هست و اینها رنج می برند و شما یک چیزی را که می خواهید عبادت باشد، معصیت کبیره می شود. اگر در سحر فرض بکنید یک عده ای بخواهند دعای وحدت بخوانند، خوب می شود در داخل منزل خودشان، در داخل آن محلی که هستند، در آن داخل، خودشان بخوانند، برای خدا می خواهند بخوانند و بلندگو اگر دارند، بلندگو را در داخل بگذارند که صدا بیرون نیاید. گاهی پیش من اشخاصی می آیند و شکایت می کنند که تمام آرامش ما را بعضی از این گروه ها به هم می زنند و حتی ما خواب نداریم. شما می خواهید یک کار عبادی بکنید، می خواهید تظاهر کنید، می خواهید چه بکنید، تبلیغ کنید، دعا بخوانید شما، دعا بین خودتان و خداست. فرضاً بخواهید یک اجتماعی باشد که در آن اجتماع، دعا خوانده بشود، اینجا نباید بلندگوهای بزرگ را، پر قوه را بیرون بگذارند و تمام افرادی که در این محله هستند یا محله های دور هستند، رنج ببرند از این کار. اینها معصیت کبیره است که الان متوجه شدید، دیگر عذر ندارید. اذیت مسلم و آزار مومنین، از بزرگترین گناهان کبیره است. شما می خواهید تبلیغ کنید، در بین خودتان می خواهید بکنید، بکنید، مانعی ندارد. در مراکز خودتان هر چه می خواهید دعا بکنید، هر چه می خواهید تبلیغ کنید، هر چه می خواهید شعار بدهید لکن ملاحظه مردم ضعیف را، مردمی که روز، کار کردند و حالا می خواهند استراحت کنند، این مرضائی که در بیمارستان ها هستند، این معلولینی که از خود شما هستند و در جنگ ها معلول شده اند و حالا می خواهند استراحت کنند، این فریادهای شما نمی گذارد آنها استراحت کنند. این یک امر پائینی است که من عرض کردم، که از اینجا باید رتبه رتبه بالا برود. مثلاً فرض کنید که شما می خواهید، پاسدارهای عزیز و سایر اشخاصی که متصدی این امور هستند، می خواهند یک خانه ای را که فهمیده اند که خانه تیمی است، آنجا را قبضه کنند، البته باید هم بکنند لکن قبلاً باید آنطور بررسی بشود که صد در صد این خانه، خانه تیمی است که خدای نخواسته یک وقت در یک خانه ای به خیال خانه تیمی وارد بشوند به یک عده زن و بچه مردم و تا آمده اند بفهمند چی است، چند تا از بچه هایشان یا خدای نخواسته تلف شده اند یا زخمی شدند. شما کار اسلامی می خواهید بکنید، لکن یک وقت سر از یک کار بسیار جنایت بزرگی سر در می آورد. باید تمام اموری که انجام می دهید متوجه باشید که در محضر خداست و مسؤ ولت شما دارید، مسؤ ولت اینجا هم دارند لکن آن مهمش مسؤ ولت الهی است. یا در فرض بفرمائید که هر یک از این ادارات دولتی که هست، که می خواهند خدمت کنند به مردم، از آن کسی که دم در هست، پیشخدمت هست، تا آنجائی که مثلاً جای رئیس هست، باید توجه داشته باشند که همه خدمتگزار این مردم هستند، همه اجیر این مردم هستند، اجرت از اینها دارند می گیرند برای خدمت و باید با مردم رفتارشان رفتار انسانی، اسلامی باشد. اینطور نباشد که یک کسی حالا احتیاج پیدا کرده که پیش این فرض کنید رئیس برود، از دم در، ناملازم ببیند. خوب، در رژیم سابق این مسائل بود و همه ما مناقشه می کردیم، اگر حالا هم بنا باشد که یک همچو مسائلی باشد، این به آبروی اسلام ضرر می زند. آنوقت می گفتند رژیم شاهنشاهی، حالا- شما یک کار نکرده را در تبلیغاتی که در خارج می شود، بوق می زنند برایش، فرضاً از اینکه یک کاری انجام بدهید، یک کاری خدای نخواسته برخلاف موازین انجام بدهید یا فرض کنید در جبهه ها که بحمدالله همه شماها منسجم و مشغول خدمت هستید، وقتی که اسرا را می گیرید، اسرای مجروح را می گیرید یا اسرای سالم را می گیرید، توجه بکنید که اینها اسیر شما هستند، اینها امروز تحت سلطه شما هستند و شما با اسرا باید رفتارتان رفتار بسیار اسلامی و انسانی باشد که وقتی این اسرا یک وقتی در محال خودشان رفتند، همه برای شما تبلیغ کنند، نه اینکه خدای نخواسته برای یک کار جزیی، اینها دشمن بشوند و وقتی رفتند، در محال خودشان تبلیغ سوء بکنند. اینها مسائلی است که باید تمام جهاتش را ملاحظه کرد. استانداری ها موظفند به اینکه تمام افرادی که در حیطه فرمان آنها هست تحت نظر داشته باشند. تمام این افراد خدمت باید بکنند، خدمتگزار هستند، استاندارها خدمتگزار هستند، خدمت اینها بالاتر است، مسؤ ولت اینها هم بالاتر است، باید اینها خدمت به مردم بکنند و توجه کنند که مبدا یک وقت یک کسی احتیاج به استاندار داشته



باشد نتواند او را ببیند، این همان طاغوت است که نمی گذارد اینطور بشود. اگر بنا باشد که حالا هم باز این تشریفاتی که در آن زمان بود باشد، نمی شود که ما جمهوری را اسلامی حساب کنیم. البته نظام، لازم است و هرج و مرج نیست لکن زیاده روی کردن و مردم را تحت فشار گذاشتن، این یک مساله غیراسلامی است. همه استنادارها موظفند که در این محلی که می روند، نسبت به همه کسانی که زیر دست او هستند، توجه داشته باشد که مبادا یک وقتی بر خلاف موازین اسلامی واقع بشود.

### قاضی بر شفیر جهنم است

و از اینها بالاتر قضات هستند، قاضی هائی که جان و مال و ناموس مردم در قبضه آنها و تحت نظر آنهاست. آنها باید توجه بکنند، دقت بکنند و ملاحظه بکنند که مبادا یک وقت یک مظلومی را آنها به اسم ظالم به حبس بیندازند یا خدای نخواستہ به اعدام. اینها در این دنیا مسؤ ولیت دارد، اگر از زیر بار مسؤ ولیت این دنیا فرار کنید، از زیر بار مسؤ ولیت خدا فرار نمی توانید بکنید. قاضی بر شفیر جهنم است. (علی شفیر النار) او لب جهنم نشسته است. همه چیز مردم دست این قضات است، چه قضات دادگاه های انقلاب و چه قضات دادرهای دادگستری ها. باید توجه بکنند این قضات به اینکه اینها هم خدمتگزار هستند و کارشان بسیار حساس و مسؤ ولیت شان بسیار بزرگ و اگر خدای نخواستہ لغزشی بکنند و جان یک مسلم، مال یک مسلم، ناموس یک مسلم به واسطه خطای آنها، به واسطه خدای نخواستہ تعدد آنها آسیب ببینند، در این دنیا باید محاکمه بشوند و اگر اینجا فرار از محاکمه کردند، در بارگاه حق تعالی هیچ نمی توانند فرار کنند. همه کسانی که در این کشور به خدمت مشغول هستند، اینها باید همه توجه داشته باشند که آبروی اسلام که مظهر بزرگش الان جمهوری اسلامی است و ایرانی ها بحمدالله این اسلام را در اینجا، این رژیم اسلامی را در اینجا پیاده کردند، باید حفظ کنند، آبروی جمهوری اسلامی را حفظ کنند، بهانه دست بهانه جوها که بدون بهانه هم به ما تاخت و تاز می کنند، بهانه دیگر دست آنها ندهند.

### همه مردم موظفند در دفاع از جمهوری اسلامی و نوامیس مسلمین

و باید شما آقایان، تمام قوای نظامی و انتظامی بدانند که ما الان هم در حال جنگ هستیم، جنگ ما تمام نشده است، جنگ ما هست. همیشه بین اسلام و غیراسلام جنگ است. و ما باید توجه بکنیم به اینکه این کاری را که همه ما الان قیام برایش کردیم و آن جمهوری اسلامی است و ابقای جمهوری اسلامی، باید دفاع از آن بکنیم. همه مردم موظفند در دفاع از این جمهوری اسلامی. امروز که در سرحدات ما جنگ است و آنها می گویند ما خارج شدیم از کشور اسلامی بکلی، و گاهی هم از باب نفهمی، اقرار می کنند که نه، ما وارد هستیم در آنجا، به طور کنایه اقرار می کنند، ما الان در آنجا به دفاع مشغولیم و مشغول دفاع از اسلام، دفاع از حیثیت مسلمین، دفاع از نوامیس مسلمین هستیم. و مادامی که در آنجا احتیاج هست بر افراد، تمام افراد، تمام، بی استثنا، آنهایی که می توانند، قدرت دارند، برای آنها لازم است که احتیاج سرحدات را از حیث افراد و از حیث چیزهائی که احتیاج دارد آنجا، در آن تامین کنند. البته یک واجب عینی نیست، یک واجب کفائی است. مادامی که احتیاج هست، بر همه واجب است. اگر یک دسته ای رفتند و کار را انجام دادند یعنی محتاج دیگر نبودند، از دیگران ساقط است ولی مادامی که احتیاج است، به تمام افراد عینا واجب است لکن یک دسته ای اگر کار را انجام دادند، از دیگران ساقط می شود. امروز هم باز احتیاج هست، باز کشور ما محتاج به افراد جانباز، افراد سلحشور، افراد فداکار برای اسلام است و ما الان در همان مرزی که هستیم و در همان مقداری که وارد در خاک عراق شدیم برای دفاع از اسلام و دفاع از مملکت اسلامی، باید ما این کار را به اتمام برسانیم. و مادامی که و مادامی که آنها به شرایط ما عمل نکردند، جنگ ما باقی است. به مجرد اینکه بگویند ما خارج شدیم، پذیرش ندارد، ما باید خودمان بفهمیم که آنها خارج شدند و ما می دانیم که آنها الان هم در کشور

ما هستند و الان هم در بسیاری از جاها ساکن هستند و سنگر دارند و از خارج هم هر روز تقریباً، آبادان را و بعضی شهرهای دیگر را بمباران می کنند. مادامی که وضع اینطوری است و مادامی که آنها به شرایطی که قرار داده شده است و شرایط، همه شرایط عقلانی است، شرایطی است که همه عقلای عالم این شرایط را می پسندند و ما هیچ زورگوئی نداریم و نمی خواهیم تحمیل بکنیم. ما با شرایطمان، شرایطی که از اول گفته شده است و تا حالا هم همان شرایط هست، در آن شرایط پایبند هستیم و مادامی که این شرایط حاصل نشده است، ما در حال جنگ هستیم و ما با کسانی که اشرار هستند نمی توانیم صلح کنیم.

### تذکر به ائمه جمعه و سایر روحانیون

من انشاءالله امیدوارم که شما، خود آقایان و کسانی که، در روحانیونی که، روحانیون محترمی که سر و کار با آقایان دارند، در این اموری که پیش می آید هدایت کنند که مبادا خدای نخواستہ یک جوانی توجه به مسائل نداشته باشد و یک کاری انجام بدهد که با جمهوری اسلامی مناسب نیست. باید روحانیون آنها را تذکر بدهند. و یک تذکر هم به روحانیون هست، به ائمه جمعه و جماعات و روحانیون دیگری که با مردم سر و کار دارند. آنها هم باید توجه بکنند به اینکه این جمهوری اسلامی ربطش به آنها بیشتر از دیگران است و این جمهوری اسلامی اگر از (خدای نخواستہ) یک نفر روحانی صدمه ببیند، بیشتر از دیگران مواخذه دارد. باید آقایان توجه بکنند، در رفتارشان، در کردارشان، در گفتارشان، چیزهایی که مضر به حال جمهوری اسلامی است، نزنند. مسائلی که با جمهوری اسلامی مخالف است و آنها گمان می کنند که نباید هر مساله ای را گفت، نگویند. و باید ما مسائل اسلامی را با طریق اسلام و شکایات را به طریق اسلامی رسیدگی کنیم یعنی قضات رسیدگی کنند و علمای اعلام هم در همه جا که هستند و خصوصاً ائمه جمعه ها که با گروه های زیادی سر و کار دارند، باید توجه بکنند که در رفتارشان همه چیز اسلامی باشد و خدای نخواستہ یک مطلبی که فرض کنید که یک استاندار را در محل خودش تضعیف می کند، یک قوه قضائیه را در محل خودش تضعیف می کند، از اینها احتراز کنند که ما الان محتاج به این هستیم که در کشورمان آرامش باشد. و البته قضات باید رسیدگی کنند به همه امور. و من امیدوارم که همه ما موفق باشیم به خدمت کردن به این ملت های مظلومی که در تحت فشار ستمکاران الان دارند دست و پا می زنند و ملت مظلوم لبنان که الان در زیر پای صهیونیست دارد دست و پا می زند و مع الاسف دادرسی برای آنها نیست و حکومت ها غفلت دارند از مسائل، یا هواهای نفسانی نمی گذارد که آنها به درد این مردم، به داد این برسند. از خدای تبارک و تعالی سلامت و سعادت همه مسلمین دنیا را خواستارم و از خدا می خواهم که قدرت نظامی و انتظامی آنها را هر چه بیشتر قوی کند که در خدمت به اسلام و خدمت به مسلمانان کوشا باشند. انشاءالله همه شما و همه ملت سعادت مند باشند. والسلام علیکم و رحمه الله تاریخ: ۲۵/۵/۶۱

### بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه استان بوشهر

بسم الله الرحمن الرحيم می خواهند بین دو قشر اهل سنت و علمای شیعه اختلاف ایجاد کنند من از تشریف فرمائی آقایانی که از راه دور آمده اند، متشکرم. همانگونه که بارها گفته ام، این هم از برکات این جمهوری است که می توانیم از نزدیک علمای بلاد را ملاقات کنیم و مسائل را با هم در میان گذاریم که امید است این رو به مستدام باشد. مسائلی را که شما اشاره کردید، در طول تاریخ بوده است. طرح مساله جدا بودن سیاست از روحانیت، چیز تازه ای نیست. این مساله در زمان بنی امیه طرح شد و در زمان بنی عباس قوت گرفت. در این زمان های اخیر هم که دست های بیگانه در ممالک باز شد، آنها هم به این مساله دامن زدند به

طوری که مع الاسف بعضی از اشخاص متدین و روحانیون متعهد هم باورشان آمده است که مثلاً اگر یک ملایی در مسائل سیاسی وارد بشود، به او ضربه می خورد. این یکی از نقشه های بزرگ استعمار است که بعضی باور کردند. من امیدوارم ائمه جمعه که در همه جا هستند، چه در مناطق برادران اهل سنت و چه شیعه، به این مساله زیاد توجه کنند که الان هم اشخاصی هستند که قصد اخلال دارند و می خواهند بین این دو قشر اختلاف ایجاد کنند و این یک مصیبتی است برای مسلمین که باز هم گاهی زمزمه می شود، ولی بحمدالله کم شده است و توطئه اخلالگران شکست خورده است. چند روز قبل نامه ای به من نوشتند که در بعضی از مناطق مثل سیستان و باختران افرادی در مجالس مذهبی و در بعضی خطبه ها مسائل تفرقه افکنی را عنوان کرده اند که خود برادران اهل سنت هم به آنها اعتراض کرده و گفته اند حالا وقت این حرف ها نیست. شما نمی دانید که آقایان اهل سنت و علمای شیعه مدت هاست که زحمت می کشند که تفرقه را کنار بگذارند و کسانی که پیغمبرشان و دینشان یکی است، همراه و برادر باشند، لکن افرادی کوشش می کنند که تفرقه ایجاد کنند و شما خوب می دانید که چه کسانی از تفرقه سود می برند. شما به مردم توجه دهید که اینگونه کارها که از این قبیل افراد سر می زند، به نفع مسلمین نیست و آنها خیرخواه ما نیستند. اینگونه کارها و این تفرقه ها خدمت به امپریالیسم و خدمت به دشمن است. شما آقایان به این نماز جمعه اهمیت دهید. این هم از برکات جمهوری اسلامی است که این سنت سیاسی الهی ترویج شود به طوری که تمام خارجی ها متوجه آن شده اند که امیدوارم انشاءالله باقی بماند. شما در رابطه با محرومیت آن مناطق فرمودید، من هم می دانم. رژیم سابق بنایش به این بود که مردم را در محرومیت نگاه دارد. من امیدوارم که این جنگ تمام بشود و دولت هم که مهیاست برای خدمت، خدمتگزار است، خدمت کند. البته نمی دانید که کار، مشکل است لکن با پشتیبانی و موافقت مردم کارها آسان می شود. کما اینکه تا حال هم چنین بوده و مردم پیشقدم شده اند و خرابی های جنگ را که دولت به تنهایی نمی توانست حل کند، حل می کنند. امروز ما باید همه با هم و پشتیبان یکدیگر باشیم. اگر قشری با قشر دیگر مخالفت کند، کم کم زیاد می شود و باعث شکست خواهد بود. من امیدوارم همه بتوانیم تبلیغاتی که بر علیه ماست، خنثی کنیم و وحدت کلمه بین همه ایجاد شود و برادران اهل تسنن و تشیع با هم باشند و همین رویه دنبال شود تا بتوانیم کار کنیم. خداوند همه را توفیق دهد. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته تاریخ: ۳۱/۵/۶۱

## **بیانات امام خمینی در جمع روحانیون کاروان هاجج، پرسنل دادستانی مرکز، دادسراها و دادگاه های انقلاب اسلامی دادستانی ارتش جمهوری اسلامی**

### **امروز توقع ملت از شما آقایان روحانیون بسیار زیاد است**

بسم الله الرحمن الرحيم امروز سر و کار ما با آقایان روحانین است بیشتر، و کسانی که آنها هم صبغه روحانی انشاءالله دارند و در محضر روحانین مشکل است که انسان بتواند همه حرف ها را عرض کند. مسائل بسیار زیاد است، مربوط به آقایان روحانیون به طور عموم و مسائلی مربوط به روحانیونی که با کاروان های حج مشرف می شوند که مخصوص آنهاست، و مسائلی که مربوط به قضات و دادستان های کشور است، و مسائل دیگری که معلوم نیست که ما مجال کنیم دیگر عرض کنیم مگر مختصری. آنکه مربوط به قشر روحانیون است، خود آقایان بهتر می دانند که روحانیون در هر جا که هستند، آن روحانی ای که در راس روحانیت مثلاً واقع است، مثل مراجع، تا آن روحانی ای که در یک روستا، در یک ده مشغول خدمت به اسلام است. امروز توقع ملت، بلکه توقع مستضعفان و ملت های جهان از شما آقایان روحانیون، در هر جا هستید، بسیار زیاد است. و امروز شما غیر از دیروزی است که در سلطه نظام فاسد پهلوی و در تحت ستم ستمکاران جهان بودید. آن روز اگر چنانچه

سکوتی، قصوری بود، می پذیرفتند که آقایان نمی توانند الان مسائلشان را آنطور که هست، مسائل اسلام را آنطور که هست، قدرت ندارند که عمل کنند و به مردم برسانند، ولی امروز این مساله حل شده است و بحمدالله همه آقایان در هر جا که هستند با آزادی می توانند مسائل را طرح کنند و با آزادی می توانند مردم را ارشاد کنند. اگر امروز راجع به هر قضیه ای که برای ملت، قضایای عمومی که برای ملت پیش می آید و خدای نخواستہ روحانیونی که ارتباط با آن مسائل دارند، قصوری بکنند یا اشتباهی بکنند، این اشتباه و قصور دیگر در محضر خدای تبارک و تعالی و در پیشگاه مردم پذیرفته نیست. دیگر ما نمی توانیم بگوئیم که ما چه بکنیم، سازمان امنیت است و ما کاری ازمان نمی آید. ما الان، شما آقایان الان در مسائلی که پیش می آید آزادی که مطالبی که مربوط به اسلام است، مطالبی که انحراف واقع می شود در هر جا، آن مسائل را ارشاد کنید، مردم را ارشاد کنید، کارمندان دولت را ارشاد کنید و مسائل را با خود آنها در پیش بگذارید و انحرافات را رفع کنید. گرفتاری های سابق، همه شما، اکثر شما یک مقداریش را مشاهده کرده است و بعضی شما که سنتان بالاست، از اول تا حالا، تا زمان انقراض این رژیم فاسد، دیده اید که چه کارهایی بوده است و شما با چه اشخاصی مواجه بودید و چه اشخاصی حکومت بر ملت می کرد و حکومت بر این مستضعفین می کرد. ما به شکرانه این معنا که از آن گرفتاری های بسیار عجیب و غریب که در طول تاریخ نظیرش مثل این پنجاه سال اخیر واقع نشد، به شکرانه نجات از او، امروز باید به خدای تبارک و تعالی که ما را از این گرفتاری بزرگ نجات داده است، شکر کنیم و شکر این است که ما الان خدمت کنیم. شکر لفظی باید بکنیم، اما شکر حقیقی آن است که ما در ازای رهایی از این رژیم فاسد که همه چیز ما را به باد فنا داد و می خواست بدهد، اینکه ما امروز کاری بکنیم که خدای تبارک و تعالی از ما راضی باشد.

### **بر تمام کسانی که می توانند یا اجتهادا یا تقلیدا قضاوت کنند واجب است که در قضاوت وارد بشوند**

امر مهم، مساله قضاوت است. از اموری که شاید در کم امری اسلام آنقدر به آن توجه داشته است، مساله قضاوت است و مساله دادرها و دادگاه ها که سر و کارشان با همه چیز مردم است. باید این معنا را من عرض کنم که قضاوت از اموری است که واجب است به طور کفائی، و واجب کفائی قبل از آنکه پیدا بشود به مقدار کفایت، بر آحاد، واجب است. یعنی اگر یک قضاوتی زمین بماند یا یک جایی منحرفین وارد قضاوت بشوند، بر تمام کسانی که می توانند یا اجتهادا یا تقلیدا قضاوت کنند، بر همه اینها واجب است که در قضاوت وارد بشوند و رفع احتیاج را بکنند. ما امروز وقتی که احتمال این معنا را بدهیم، یا اینکه با آقایانی که متصدی امور قضایی و دادگاه هستند صحبت می کنیم، از این معنا که ما کم داریم قاضی، آن مقداری که لازم داریم کم است، و اگر چنانچه در حبس ها از این منحرفین یا محتمل الانحراف ها باشند و نتوانسته اند آنها را رسیدگی کنند، برای کمبود قاضی است. این یک امری است که برای نجات فرض کنید یک عده ای که محتمل است که اینها بیگناه باشند یا گناهشان اندک باشد، واجب است بر همه اشخاصی که از آنها قضاوت می آید در این امر، داوطلب بشوند تا به امر قضا و اداری بشوند و این نقیصه را از بین ببرند. مدرسین محترم حوزه علمیه قم که بحمدالله بسیار فعال هستند، باید این مساله را در حوزه علمیه قم مطرح کنند که امروز اشخاصی که صلاحیت دارند ولو تقلیدا برای قضاوت، این اشخاص اسم نویسی کنند و بیایند در این مواردی که، زندان هایی که اشخاص هستند، تا اینکه حل این قصه بشود که مثلا اشخاصی باید زود کارشان تمام شود و ما نداریم افراد. این یک امر واجبی است یعنی بر همه واجب است، تا آنوقتی که آن مقداری که احتیاج است بر آورده بشود. گاهی وقت ها انسان به واسطه احتیاط، خلاف احتیاط می کند. احتیاط می کند فلان آقا که امر قضا مشکل است و نمی شود رفت و نمی شود کرد، اینطور چیزها، با اینکه واجب کفائی، واجب عینی است اول به همه، وقتی یک عده ای عمل کردند و کفایت حاصل شد، آنوقت از دیگران ساقط می شود، و الا- همه معاقب هستیم. اگر

چنانچه قضا به زمین بماند، احتیاط بر این است که وارد بشوند، یعنی امری است واجب، معلوم الوجوب، این احتیاط می کنند، این عذر نمی تواند باشد. یا اشخاصی مثلا می خواهند ادامه بدهند تحصیلاتشان را و باید هم ادامه بدهند، اما در یک وقتی که یک واجبی به عهده آنها هست، نمی توانند به این امر مستحب بسیار ارزنده مشغول باشند، باید بروند این کار را به اندازه کفایت انجام بدهند که مبادا خدای نخواستہ یک نفر آدم بیگناه به کارش رسیدگی نتوانستند بکنند. باید بیایند آقایان و وارد بشوند و رسیدگی بکنند. و این امر را من امروز به عهده مدرسین قم و علماء مشهد و اصفهان و جاهای دیگری که حوزه های علمیه هست، از آنها این عهده آنها می گذاریم که آنها خودشان به فکر این باشند که افراد را بخواهند و افراد را تشویق کنند، به هر ترتیبی که می توانند، و تعزیر کنند از اینکه یک امر واجب شرعی است، نمی شود یک امر واجب شرعی زمین مانده و من مشغول نماز شب بشوم. وقتی آن واجب شرعی است، اگر مزاحم با هر مستحبی بشود، آن واجب شرعی را باید من عمل کنم. این یک مساله است که لازم است که تذکر داده بشود و آقایان مدرسین هم و علمای اعلام بلاد هم تذکر بدهند و این نقیصه را کم کنند تا اینکه این مشکل حل بشود.

### قضات بر وفق شرع عمل کنند، به قوانین سابق اعتنا نکنند

مساله دیگر، قضیه باز راجع به قضاوت است که باید خیلی توجه بکنند آقایان قضات، آقایان دادستان ها، کسانی که متکفل این امر مهم اسلامی هستند، که مسؤ ولیت این زیاد است و لازم هم هست که شما مسؤ ولیت را به عهده بگیرید. باید وارد شد لکن در یک امر بزرگی است، توجه بکنند که جان و مال و ناموس یک ملت در دست این قضات است و در دست این دادگاه هاست و مسوول این مسائل هستند و باید تا آن مقداری که می توانند، تا آن مقداری که قدرت دارند، توجه بکنند به مصالح عمومی اسلام. نه این که گناهکار است، از او بگذرند، و نه آن که خدای نخواستہ گناهکار نیست، یک وقتی مبتلا بشود. قاضی باید یک آدم قاطعی باشد که در دو طرف قضیه قاطعیت داشته باشد. اگر یک کسی به حسب حکم شرع باید این را کشت، ترحم نکنند، جایز نیست. اگر باید فرض بفرمائید که حبس و تعزیر بشود، تعزیر بکنند و اگر یک کسی خدای نخواستہ یک آدمی است که گناهکار نبوده است، بدون وقفه او را تبرئه کنند و بدون وقفه او را آزاد کنند. قاضی باید اینطور باشد، فکرش اینطور، نه رثوف و مهربان باشد که جنایتکاران را هم به او رافت کند، آن هم جنایتکارهایی که یک نمونه اش را من و شما در چند شب پیش دیدیم و پشت انسان را لرزاند و بسیار نمونه دارد که ما ندیدیم. اینهایی که بعدها معلوم می شود، تا آخر هم که معلوم نمی شود، در بارگاه خدا معلوم می شود، ما کمی اش را دیدیم، یک نمونه اش این بود که چند شب پیش از این دیدید که انسان نمی تواند بفهمد که یک آدم که از اول به فطرت الهی متولد شده است تا این حد جنایتش می رسد. تصور این معناها برای انسان مشکل است. من گمان ندارم که هیچ حیوانی نسبت به حیوان دیگر اینطور بکند. خوب، یک همچو مسائل هست آنوقت اگر چنانچه یک آقای قاضی رافتش بگیرد که امثال اینها را با آنها ملایمت بکند، یعنی نمی گویم که زاید بر آن مقداری که قضاء الهی اجازه می دهد، ابا حتی یک سیلی نباید بزنند. اما آنی که به حسب حکم شرع، حکمش قتل است، مسامحه نکنند. از آن طرف هم طوری باشد که اگر چنانچه یک نفر آدم بیگناه است، حتی مانع بشود از اینکه یک حرف تند به او بزنند. آنها هم که گناهکارند حق نیست به اینکه با آنها معامله غیرانسانی بکنند. آنها مستحق قتلند، باید قتل بشوند، مستحق اعدامند، اعدام باید بکنند، اما زاید بر آن بخواهند کارهایی بکنند، این را بدانند که مسوول هستند. و همین طور متصدیان حبس و زندان ها باید این معنا را توجه داشته باشند، چه اشخاص که در راس هستند و چه اشخاصی که مشغول اجرای عمل هستند، باید این معنا را توجه بکنند که حدود الهی معنایش این نیست که یک کسی که مستحق قتل است ما فحش به او بدهیم، جایز نیست این، یا به او سیلی بزنیم، حق نیست، یعنی قصاص

دارد این . یک نفر آدم جانی که دارند می برند بکشندش ، اگر شما یک سیلی بزنید، او باید حق دارد به شما سیلی را عوض بزند و خلاف شرع کردید. گمان نکنید که حالا که این آدم توی حبس آمده است ، ما باید با او رفتار بد کنیم ، انشاءالله نمی کنید و نباید بکنید. و همین طور قضات محترم شرع ، باید موازین را با دقت ، با کمال دقت موازین را عمل بکنند و خدای نخواستہ یک وقت برخلاف موازین اسلامی واقع نشود. مائی که مدعی هستیم که جمهورییمان جمهوری اسلامی است ، احکام اسلام باید در این جمهوری اجرا بشود. یکی از امور مهم ، قضیه زندان هاست ، یکی از امور مهم ، قضیه دادگاه هاست ، داسرا هاست ، دادگستری هاست . اگر بنا باشد که حالا- هم خدای نخواستہ مثل زمان رژیم سابق ، در دادگستری ها کارهای خلاف شرع بشود، خوب ، ما باید فاتحه این جمهوری را بخوانیم . و این مکرر سفارش شده است که اگر قوانین ندارید، باید بخشنامه کنید که تمام قضات بر وفق شرع عمل کنند، به قوانین سابق اعتنا نکنند. و من حالا هم اعلام می کنم به تمام سرتاسر قضات کشور، کسانی که متصدی قضا هستند، کسانی که در دادگستری هستند، تمام قوانینی که در زمان طاغوت بوده است و برخلاف شرع بوده است ، تمام باید دور ریخته بشود و مسوولیتش به گردن من ، تمام را دور بریزید و به جای او قوانین شرع را عمل بکنید. شورای قضائی !!! باید !!! اگر نکردند این کار را خدای نخواستہ ، حالا بخشنامه کنند به همه سرتاسر کشور، به دادستان ها و به دادگاه ها و به دادگستری ها و به همه اینها امر کنند به اینکه تمام احکامی که به حسب قانون ، قانون فاسدی که گذرانده اند، تمام اینها فاسد است و مگر حالا گاهی پیدا بشود که مطابق شرع باشد، خوب ، آنها را عمل باید بکنند و آن چیزهایی که برخلاف شرع است هیچ کس حق ندارد عمل بکند و هر که عمل بکند، علاوه بر اینکه پیش خدای تبارک و تعالی رو سیاه است و عذر اینکه ما به قانون عمل می کنیم ، غلط است . کدام قانون ؟ قانون مخالف با اسلام ؟ قانون مخالف با شرع ؟ نباید به آن عمل بشود. شما اگر با قانون سابق هم باز عمل بکنید، خوب ، یکی از ماده های متمم قانون اساسی سابق این بود که هیچ قانونی برخلاف شرع ، قانون نیست . منتها پیشتر به آن عمل نشده سابقا به آن عمل نکردند. بناا علیہ آن چیزهایی که به اسم قانون آورده اند و بر خلاف شرع است ، به حسب قانون اساسی زمان سابق هم قانون نیست . شما می توانید آنوقت اگر از شما سوال کردند چرا کردید، بگوئید قانون اساسی سابق هم این را گفته است ، قانون حالا هم که اینطوری است ، و مجرم هست کسی که این عمل را بکند. به هیچ کس نباید اعتنا بکنید، هر کس گفت که این کار خلاف شرع را باید مطابق قانون عمل کنید. توی دهنش بزنید، به هیچ کس اعتنا نکنید. نمی گویم پاشید سیلی به او بزنید، لکن جلویش بایستید و بگوئید که این خلاف شرع است من نمی کنم و نباید هم بکنم . و انشاءالله آقایان هم کرده اند این کار را. و اگر چنانچه اعتنا نشده ، ثانیاً !!! چیز بکنند و !!! متخلفین را دعوت کنند و محاکمه کنند. دادگستری سابق باید متحول بشود به یک دادگستری اسلامی . مجرد اینکه قانون سابق بوده ما باید به آن عمل بکنیم ، به حسب قانون سابق هم نباید به آن عمل کرد، برای اینکه قانون اساسی سابق اساس است . قانون اساسی سابق ، متمم می گوید که هر قانونی برخلاف شرع است ، قانون نیست اصلا. بنابراین ، اینکه می گوئید قانون اینطور می گوید، غلط می کند، قانون نیست این ، این یک قراردادی بوده است که زمان طاغوت ، طاغوت بوده ، بناا علیہ آقایان نباید اعتنا بکنند به این امور و باید بخشنامه بکنند. شورای نگهبان ، شورای قضایی بخشنامه بکنند و همه جا بگویند به اینکه این قوانین سابق که مخالف شرع بوده ، نباید عمل بشود و اگر کسی عمل بکند مجرم است و باید محاکمه بشود به جزای خودش برسد. این هم راجع به این جهت ، و البته مسائل زیادی راجع به مسائل دادگاه و قضا هست لکن دیگر مجال این نیست .

### حقیقت حج اینست که ببینید مستضعفان جهان چطور ند

و راجع به حج و آقایانی که در حج ، در کاروان ها هستند. حقیقت حج این است که شما بروید درد مردم را ببینید،



بینید فقرا چه جورى هستند، شما هم بشويد آنطور، بينيد مستمندان جهان چطورند، شما هم آن رنگ در آئيد. اگر مردم توقع داشته باشند که حالا که ما حج می رویم باید برای ما همچو رفاه حاصل بشود که در منازلمان هم نیست، این حج نمی تواند باشد. آن حجی که خدای تبارک و تعالی بر اشخاص واجب فرموده است این است که بروید آنجا زندگانی مردم را بینید. آنوقت که ما رفتیم، زندگانی آنوقت حجازی ها را یک مقداری دیدیم که حالا حجاج نمی توانند بینند. آنوقت که ما با اتومبیل بین مکه و مدینه می رفتیم، هر جا اتومبیل می ایستاد، هر جا در این بیابان های لم یزرع طولانی، هر جا اتومبیل می ایستاد، از زیر این بته ها و اینها آمدند بیرون، بچه هائی که هیچ لباس نداشتند، زن هائی که لباسشان فقط ساتر بود، مردهائی که وضعشان را انسان نمی تواند بیان بکند، می آمدند و از مردم گدائی می کردند. باید اینها را انسان بیند و بعد توقع بکند به اینکه نخیر، ما باید حالا که حج می رویم و با کاروان می رویم و نمی دانم چی می رویم، حالا باید در آنجا همه چیز برای ما مهیا باشد. خیر، یک قدری باید توجه به این مسائل بکنند. آقایان روحانیون مردم را توجه بدهند به این مسائل که توقعات آنها در سطح بالا نباشد. شما را با طیاره می برند، آنوقت ها که می رفتند، با الاغ می رفتند، چند وقت می رفتند، در بعضی جاها چهارده ماه طول می کشید، چهارده ماه طول می کشید رفت و برگشت حج. حالا شما دو ساعت، سه ساعت سوار می شوید با طیاره با راحتی می روید آنجا. آنوقت که می رفتید، خانه ای تو کار نبود که شما بروید. شما خودتان باید بروید تهیه بکنید و خودتان بروید زحمت بکشید. آن هم آن خانه هائی که بودند و آن وضع و آن کثافتی که در آنوقت بود. حالا خانه برایتان تهیه کرده اند. خوب، شما حاجی هستید، شما مسلمانی هستید که می خواهید به داد مسلمین برسید، به داد مستضعفین جهان برسید. اینقدر بالا نبرید توقعات خودتان را که خدای تبارک و تعالی یک وقت خدای نخواستہ امر بفرماید که اینجور نشود، و نمی شود آنوقت، آنوقت گرفتاری زیاد می شود. باید شما آقایان روحانیون، مردم را تذکر بدهید به اینکه اگر یک کمبودی هست، آقایان که رفتند کارها را کردند، زحمت کشیدند و دارند هم الان می کشند، ولیکن بیشتر از آن قدرت شان که نمی توانند زحمت بکشند. به اندازه وسعشان، به اندازه قدرتش زحمت کشیدند و کار انجام دادند، خانه تهیه کردند با آن سختی هائی که در آنجا هست، لکن نمی توانند بیشتر از این بکنند. اگر یک وقت دیدید یک چیزی کسری دارید، نه اینکه آقایان نخواستہ اند آقایان نتوانسته اند. وقتی نتوانستند چه بکنند؟ بگویند که آقایان حج نیائید برای اینکه ما می توانیم برای شما یک جای بزرگی درست کنیم و نمی دانم یک تفریحگاهی داشته باشیم و چه؟ یا نه، بیائید و یک قدری هم توجه کنید به زحمت هائی که فقرا می کشند.

### مردم هم باید دنبال این امر باشند که مساله حج را یاد بگیرند

در هر صورت این وظیفه علمائی هست که در کاروان ها هستند، یعنی یکی از وظایفشان. یکی از وظایف مهم هم قضیه آشنا کردن مردم است به مسائل حج. بسیار آدم می بیند که حج می روند، زحمت می کشند، لکن مساله حج را نمی دانند، آنجا گرفتار می شوند. بعد که آمدند، بعد از چند سال سوال می کنند که ما اینجور کردیم آیا حجتان درست است یا نه؟ ما اینطور نکردیم، آیا درست است یا درست نیست؟ آیا ما محرم هستیم باز یا نه؟ باید آقایان مردم را جلسه قرار بدهند، جلسه درس قرار بدهند، درس بدهند، مردم را به آداب حج را، واجبات حج را، محرمات حج را، اینها را بگویند. آدابش هم نشد، نشد، اما محرمات و واجبات را به مردم تعلیم کنند و هر روز داشته باشند، مردم هم موظفند که بروند پیش آقایان در این درس ها اگر دارند، بروند آقایان گوش کنند و مسائل حج را یاد بگیرند که بعدها گرفتار نشوند که وقتی که آمدند، من طوافم چه جورى بود، آیا درست است یا نه؟ وقتی مساله را یاد گرفتید، دیگر درست می شود و عیبی پیدا کند. این هم یکی از وظایفی است که همه دارند و روحانیون باید این وظیفه را در آنجا انجام بدهند و مردم باید

دنبال این امر باشند که مساله حج را یاد بگیرند، نه اینکه ما فقط حج برویم و هر چه شد، شد دیگر. نه، این غیر از سایر جاهاست. خوب، انسان زیارت می رود، اگر زیارتش هم چیزی نشد، دیگر اشکالی برایش پیدا نمی شود. اما اینجا اشکال پیدا می شود بعد محرم می ماند، بعد باید دوباره حج برود. از این مسائل مشکل پیش می آید که باید برای خاطر خودتان هم این مسائل را تعقیب کنید که یاد بگیرید و در اشتباه و خطا نیفتید که بعدها اسباب زحمت تان بشود. این هم یکی از مسائل است.

### امور سیاسی که در حج واقع می شود، باید روی نظام باشد

از مسائل دیگری که باز آقایان روحانیون که در کاروان ها هستند، به مردم بگویند که باید این امر، اموری که در آنجا واقع می شود، امور سیاسی ای که در حج واقع می شود، روی نظام باشد. اینکه هر کس خودش بخواند یک کاری بکند، این هرج و مرج همیشه غلط بوده. هر امری باید یک نظم داشته باشد. می خواهند اجتماع کنند برای فلان امر، خوب، یک کسی که متکفل امور حج است باید برنامه بدهد روی آن برنامه عمل نکنند. هر کسی بخواند که در هر گروهی بخواند خودش علیحده روی مذاق خودش که اختلاف هم خیلی هست بین مذاق ها، بخواند هر چی بشود، هم گرفتاری آنجاها پیدا می شود و بدتر از آن، این است که گاهی وقت ها اسباب و هم می شود برای جمهوری اسلامی. نباید کاری بکنند که برای جمهوری اسلامی یک بدنامی پیدا بشود. خوب، مبلغینی که الان در همه جای دنیا تقریباً هستند، برضد ما همه تبلیغات را، برضد جمهوری اسلامی همه تبلیغات را دارند می کنند، دیگر ما خودمان یک کاری نکنیم که یک مطلبی دست آنها بیفتد و هر چی می خواهند به آن باد بکنند و هر چی می خواهند زیادش بکنند. این هم یکی از مسائل لازم است که به هر کسی در کاروانی که هست، بگویند که روی میزانی و روی برنامه باید کارها انجام بگیرد، نه هرج و مرج باشد، هر که هر طوری دلش می خواهد عمل بکند. این هم یک مساله ای است که باید آقایان به آن خیلی توجه بکنند و اشخاصی که حج می روند هم توجه بکنند که خدای نخواستہ حج شان مخلوط به معصیت، یک وقتی نشود. همه اش اسلام باشد و همه اش عبادت باشد. راهپیمائی ها عبادت باشد، نه معصیت، شعارها عبادی باشد، نه معصیتی، جوری باشد که برای خدا باشد. هر که هر کاری دلش می خواهد، به هر که می خواهد بد بگوید، نه، اینطور نیست. باید این مسائل روی یک برنامه صحیحی که از قبل ریخته می شود، این مسائل هم باید توجه به آن بشود.

### در این عصر ما، همه الفاظ محتوای خودشان را از دست داده اند

و از اموری که برای همه ما لازم است، این است که ما یک توجهی به مسائل دنیا بکنیم، ببینیم وضعش چه جوری است. من فکر می کردم که در این عصر ما، همه الفاظ محتوای خودشان را از دست داده اند. ما در یک عصری واقع شده ایم که الفاظ از آن معنی ای که دارند، فرار کرده اند، یک معانی دیگری دنبالش آمده. معنی عدالت را انسان نگاه می کند در دنیا، الان یک جور دیگر است. معنی خلقی بودن را آدم ملاحظه می کند، می بیند یک وضع دیگری دارد. سازمان های امنیت دنیا را انسان وقتی ملاحظه می کند، می بیند که سازمان ناامنی است، نه سازمان امن، اما اسمش سازمان امن است. جمعیت های طرفدار بشر را انسان می کند، می بیند که همین جمعیت طرفدار بشر، طرفدار ظالمند، طرفدار بشر نیستند، طرفدار ظلمه هستند. این کارهایی که، این چیزهایی که در دنیا الان از این قدرت های بزرگ واقع می شود، هیچ کس نیست که از آنها پرسد که چرا. گاهی یک جائی، یک چیزی یک کسی می گویند، اما مساله، مساله ای است که وقتی بنا باشد که سازمان های بزرگ دنیا اختیارش دست چهار پنج نفر باشد، این را نمی شود گفت که این امنیت بشر، سازمان طرفدار بشر نمی دانم سازمان کذا. این اختیارش دست چهار پنج نفر است، این هم مطلب خودش را از دست داده که باید برای همه مردم باشد، چهار

پنج نفر همه چیزها را دارند. هر کاری همه بکنند یک نفر بگویند (نه) تمام می شود. این هم باید از روی حق و توی یک امری است که هیچ آدمی نمی تواند بپذیرد و این مجالس مثلا عمومی دنیا که برای این امور است این را پذیرفته اند. اینکه هیچ آدمی، هیچ انسان نابالغی هم نمی تواند بپذیرد که ما می خواهیم همه دنیا بر عدالت باشند، لکن اختیار دست این دو نفر، این چند نفر باشد! هر جا را اینها می چابند اگر چنانچه مثلا سازمان بین المللی کذا بخواهد جلوی این را بگیرد فوراً تو می کنی، می گویند نه. غلط می کنی این حرف را می زنی. آن یکی می ریزد افغانستان، اگر یک وقت بگویند چرا، می گویند نه. غلط کردی. آن یکی می ریزد به مثلاً- بیروت و امثال ذلک، اگر چنانچه بخواهند در آنجا حرفی بزنند می گویند غلط کردی. الا این اسرائیل در مقابل همه کشورهای اسلامی ایستاده می گویند غلط نکنید. این تاسف ندارد؟ انسان نیستند اینهایی که در راس امور هستند که اسرائیل در مقابلشان ایستاده می گویند فضولی موقوف. آمد و بیروت را گرفت و آنهمه جنایات وارد کرد و سازمان آزادیبخش را به هم زد اوضاعش را و همه را متفرق کرد و بعد هم بدانید که شماهایی که ساکت بودید و در این جنایات مقابله نکردید همین نشستید و یک کلمه ای گفتید، آن هم کلمه ای که با این موافق با آنها بوده، نوبت شما هم می رسد. اسرائیل به خدمت شما هم می آید. تاسف دارد که اسلام آن وضع را دارد و کسانی که ادعای اسلام را می کنند این وضع را دارند. اسلام نسبت به متخلفین، نسبت به متجاوزین آنطور سختگیری می کند و اینهایی که می گویند ما تابع اسلام هستیم تشویق هم می کنند. آمریکا که در راس تمام جنایتکارهاست و همین جنایت این چند وقت بیروت با دست مخفی آمریکا و ظاهر این صهیونیست غلط، این مجرم واقع شد، آمریکا اساس کارش بود. خود آنها هم اقرار کردند به این امر که قضیه، قضیه طرح آمریکائی است. اگر آمریکا نبود، به اسرائیل می گفت غلط نکن برو کنار، می رفت. این آمریکا، این کتکی است که مسلمان ها از آمریکا می خورند، آنوقت آقایان ادعای اسلام می کنند، ادعای طرفداری از مسلمین می کنند، همه چیزشان را تقدیم آمریکا می کنند، عذر هم از آنها می خواهند. این تاسف ندارد برای ملت ها، برای اسلام، برای همه؟! این ملت ها توجه ندارند به اینکه اینها دارند چه می کنند؟! آنها با بیروت و با زن و بچه و فقیر و بیچاره مردم چه کردند و همه کارها را انجام دادند و به هم زدند همه اوضاع را و همه نشستند و تماشا کردند و یک عده هم طرفداری کردند و اگر هم یک کلمه ای گفتند، یک کلمه ای بود، گذشتند و رفتند و همه جنایت ها واقع شد. شما خیال می کنید اسرائیل قانع به این امور است؟ اسرائیل بنایش بر این است که همه مسلمین را از بین ببرد، آمریکا هم بنایش بر این است که اسلام نباشد در کار. اینها برای اینکه جمهوری اسلامی، اسم اسلام را دارد و می خواهد به اسلام عمل می کند، همه با آن مخالفت کردند، مخالفت کردند از حیث تبلیغات، می گویند که ماها آمریکائی هستیم! می گویند که ما اسرائیلی هستیم! مائی که بیست سال بیشتر است، بیست سال حتما بیشتر است فریاد زده ایم که گرفتاری مردم از دست آمریکاست و از اسرائیل، ما اسرائیلی هستیم اما آنهایی که نشستند آنجا و اسرائیل دارد می رود ممالک خودشان را از بین برد، آنها نخیر، همه مخالف اسرائیل هستند! اگر مخالفید، چه کردید؟ چه عملی انجام دادید؟ اینها مصیبت هائی است که ما در یک عصری واقع شده ایم که همه چیز به هم ریخته است آن که می گویند من مسلمانم یک معنای دیگری است از اسلام برداشت می کند. آنی که می گویند اسلام راستین، یک مساله دیگری می خواهد بگویند غیر اسلام. آن که اسلام شناس است یک چیز دیگر را می شناسد غیر اسلام. آن که طرفدار حقوق بشر است یک مساله دیگر را می گویند غیر حقوق بشر. اصلاً الفاظ بکلی از محتوای خودش خالی شده. شما، این را من عرض کردم شما خودتان بروید دنبالش، ببینید کجا یک لفظی از قبیل این الفاظی که متعارف بوده، عدالت، عدالت اجتماعی نمی دانم طرفداری از حقوق بشر است، سازمان امنیت کذا نمی دانم سازمان کذا، شما دنبال بروید، تعقیب کنید، ببینید کدام یک از اینها محتوای خودش را دارد. کدام یک از اینها، آن معنائی که هست، آن معنا اراده از او می شود. (اسلام) وقتی گفته می شود، این

اسلامی که ما می گوئیم اصل نیست ، آن که اسلام راستین می گوید، برخلاف همه مقررات اسلام ، این جنایت را دارد می کند. آن که تروریست است می گوید که ما قوای مسلحه هستیم ، ما قیام مسلحانه کردیم . قیام مسلحانه این است که ما در تلویزیون دیدیم؟! قیام مسلحانه این است که بچه هایی را بکشند و آتش بزنند؟! این قیام مسلحانه است؟! این الفاظ عوض شده ، معلوم می شود قیام مسلحانه عبارت از این است و تروریسم عبارت از یک چیز دیگر است! همه چیز اینطور است . حالا من اصل مطلبش را القاء کردم شما دنبالش بکنید. اگر پیدا کردید در دنیا یک لفظی را که مطابق معنایش الان معنا می شود و عمل می شود، به من هم اطلاع بدهید تا من هم استفاده بکنم ، ولی مطمئن باشید که در قوطی هیچ عطاری این چیزهایی که اینها می گویند نیست و هر چه اینها می گویند، هر چه اینها می کنند، برخلاف آن مسائلی است که می گویند. حرفش را می زنند، عملشان ، کارشان برخلاف اوست . آن که می گوید اسلام ، می گوید اسلام ، اسلام راستین باید باشد، این اسلامی که اینها می گویند اسلام راستین نیست ، آنوقت یک همچو جنایتی را می کنند به اسم اسلام راستین . آن که دم از حقوق بشر می زند، پایمال می کند ممالکی را که بیچاره هستند، ممالکی که زیر پای اینها دارد پامال می شود، و اسمش را می گذارند کذا. آن که می گوید ما برای صلح قیام کردیم و می خواهیم صلح در دنیا باشد، همه جنگ ها را اینها راه می اندازند. توی همین جنگی که ما الان مبتلا به آن هستیم و کشور عراق هم مبتلا به آن هست ، همین را آنها راه انداختند، لکن آقایان این جنگ ها را راه انداخته اند که صلح در دنیا پیدا بشود! همه جا جنگ راه می اندازند که صلح پیدا بشود! شما اگر ملاحظه کنید، اینکه عرض کردم که الفاظ چیز خودش را از دست داده یکی اش هم قضیه نطقی است که چند روز پیش از این ، مصاحبه ای که صدام کرده است در حضور عده زیادی از فرماندهان و اشخاصی که درجه دارند و افسرند، این صحبت ها را باید ببینید، نمی شود نقل کرد، باید دید که او چه می گوید، اینها را اولاً جمع کرده است که نشانه پیروزی بدهد به صاحب منصب هایش برای اینکه پیروز شدند، در ایران پیروز شدند، در عراق هم پیروز هستند، نشان پیروزی می دهد. نشان پیروزی هم محتوای خودش را از دست داده ، اصلاً کلمه پیروزی مفاد خودش را از دست داده است . مردیکه عقبش زدند، توی دهنش زدند، بیرونش کردند، می گوید ما پیروز شدیم! محتوا از دست رفته . در نطقش آنقدر از اسلام تعریف می کند، می گوید شماها در طول تاریخ حالا- من الفاظش را خیلی یادم نیست ، این را باید هرکس برود ببیند به این درجه دارها و این افسرهائی که جمع شدند آنجا، می گوید شما در طول تاریخ نه حالا، برای نسل های آینده و طول تاریخ ثابت کردید که علاقه مند به اسلام هستید، علاقه مند به مردم هستید، با مردم خوش رفتاری کردید! این اگر الفاظ از دست نرفته باشد، محتوایش از دست نرفته باشد، خوب این هم می شود یک آدمی راه برود توی جمعیت و این حرف ها را بزند؟ من این قدرت بیان صدام و جراتش را وقتی شنیدم که اینطوری جرات دارد که صاف ، آن چیزی که برخلاف است ، در حضور جمع ، صاف می گوید و در آن هم تبلیغ می کند، من یاد یک قصه ای افتادم که یک کسی از یک نفر شاعر پرسید که شاعرتر از همه عرب کی است؟ گفت بیا تا من نشانت بدهم . می گویند برد او را در منزل خودش ، دید که یک پیرمردی نشسته و از پستان بز دارد می مکد و خیلی کثیف است ، خیلی چطور است . گفت اینکه می بینی این از پستان این بز می مکد، این پدر من است و این هم برای این از خود پستان مستقیماً می مکد که اگر بدوشد، یک خرده ای از این شیرها می ماند به کاسه و اینقدر این آدم بخیل است ، اشعر، اشعر شعرای عرب آن کسی است که نمی دانم چندین سال است ، سی سال است به این پدر افتخار کرده ، توی عرب با این پدر افتخار، من باید بگویم اخطب خطبای عرب ، صدام است که به این شکست ها، پیروزی می گوید، افتخار می کند. از حرف هائی که تازگی زده است ، این است که اگر ایران بخواهد شهرهای ما را چه بکند و فلان ، ما جزیره خارک را چه خواهیم کرد. معلوم می شود تا حالا- می توانسته بکند و نکرده! خوب ، همه مردم ، همه دنیا تو را می شناسند که تو هر کاری که بتوانی می کنی . اگر اگر یک جنایتی نکنی از باب این است که نمی توانی بکنی . تو اگر می توانستی که جزیره خارک و مراکز اسلامی ما

را بمباران کنی می کردی. اینقدر که حالا می کنی بیشتر از این از دست نمی آید. آن کنار نشسته آید با توپ های دوربرد می زنی، آبادان را هر روز می زنی، هر روز دزفول را می زنی، نمی دانم کجا، این جاها را، هر جا دستتان می رسد. شما نمی توانید انجام بدهید، نه اینکه اگر ما انجام بدهیم، شما انجام می دهید. ما ثابت کردند اینها که ما، آن چیزهای، نورافکن های هوایی را فرستادیم برای بصره، ارتش ما فرستاد برای بصره، خوب اینها می توانستند توپ هم بفرستند، می توانستند گلوله توپ هم، موشک هم می توانستند بفرستند. اینکه فرستادند، برای اینکه آن تربیت این ارتش و این سپاه، غیر تربیت آن چیزی است که سپاه آنها و ارتش آنها دارد. آنها تربیت شان تربیت کفر است و نانجیبی است. اینها تربیت شان تربیت اسلامی است، نمی خواهند این کارها بشود. تو می گوئی من می کنم. نمی توانی بکنی، اگر می توانستی تا حالا کرده بودی. اگر می توانستی همه جزایر، همه جاهائی که ما داشتیم به باد فنا بدهی، همه را تا حالا داده بودی. نتوانستی، تا حالا هر چه توانستی کردی و همه اش هم خیانت بوده و جسارت بوده و همه اش هم خرابی بوده، آن هم خرابی منازل مردم مستضعف و مردم فقیر و مستمند. و مع الاسف همه گروه های دنیا که دستشان قلم است، توی خانه شان نشسته اند می نویسند، می نویسند که ایران نتوانست چه بکند، صدام چه کرد، چه کرد، هی از این مسائل می نویسند. ولی واقع مطلب را که اینها عوض نمی کند، واقع مطلب این است که اگر ایران دستش بسته نبود و اسلام دست ایران را نبسته بود، حالا دیگر شهر بصره که هیچ، شهر بغداد هم برایش چیزی باقی نمانده بود. اما چه کنیم که دست ما بسته است و دست شما باز. شما افسارتان دست شیطان است و او به هر جا که می گوید عمل می کنید، و ما افتخار به احکام اسلام می کنیم. دست ما را بسته است به اینکه نه، نباید هیچ تعدی بکنید، باید موافق اسلام عمل بکنید. من امیدوارم که انشاءالله همه ما، همه بشر هدایت بشوند و این وضعی که الان در بشر هست انشاءالله متحول بشود به یک وضع صحیحی. و انشاءالله خداوند این دولت های اسلامی را بیدار بکند و آنها را به اسلام متوجه بکند. و امیدوارم که ملت ما را پیروز بکند و ارتش و سپاهیان ما را در جبهه ها پیروز بکند و همه ما را در وفق احکام اسلام و در همه امورمان به طور اسلامی به ما توفیق بدهد که عمل بکنیم. والسلام علیکم ورحمة الله تاریخ: ۲/۶/۶۱

### فرمان امام خمینی به حجت الاسلام موسوی

جناب حجت الاسلام آقای حاج سید موسی موسوی دامت افاضاته بسم الله الرحمن الرحيم همانگونه که قبلا ماموریت داشتید تا به مشکلات مذهبی و اجتماعی اهالی محروم و مستضعف منطقه کردستان رسیدگی نموده و در رفع آنها کوشش نمائید، مقتضی است انشاءالله تعالی همان ماموریت را با قاطعیت و تلاش بیشتری پیگیری کرده و با تدبیر و کاردانی خاصی که دارید، در رفع نابسامانی های منطقه که معلول بی توجهی و یا دشمنی رژیم منفور گذشته با خلق کرد و ویرانگری های فرقه های گمراه و خائن و ویرانگر می باشد، سعی کافی را مبذول دارید. امید است ارگان ها، نهادهای دولتی و اهالی محترم آن منطقه ایده‌م الله تعالی با شما همکاری های لازم را بنمایند. از خدای تعالی موفقیت جنابعالی را در این راه مسئلت دارم. والسلام علیکم ورحمة الله روح الله الموسوی الخمينی تاریخ: ۳/۶/۶۱

### فرمان امام خمینی به حجت الاسلام فاکر

جناب حجت الاسلام آقای محمدرضا فاکر دامت افاضاته بسم الله الرحمن الرحيم چون به حسب مقتضیاتی جناب حجت الاسلام آقای طاهری در خارج از کشور مسافرت می کنند، جنابعالی به نمایندگی از طرف اینجانب در غیاب ایشان تمام اموری که در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به ایشان محول بوده عهده دار باشید و مسائل فرهنگی و اسلامی را با جدیتی بیشتر پیگیری نمائید. امید است انشاءالله در این کار موفق باشید. ضروری است اقشار مختلف سپاه از فرماندهان و



سایر پرسنل با جنابعالی همکاری های لازم را بنمایند. والسلام علیکم ورحمة الله روح الله الموسوی الخمینی تاریخ: ۲/۶/۶۱

## بیانات امام خمینی در دیدار با نخست وزیر و اعضای هیأت دولت جمهوری اسلامی

### متصدیان امور، از قشر مرفه نیستند

بسم الله الرحمن الرحيم من یک نکته ای عرض می کنم و این برای این نیست که از دولت یا از ارگان های دیگر تعریف کنم، این یک واقعیتی است که من عرض می کنم و شاید شماها هم مطلع هستید و توجه دارید. یکی از عنایات بزرگی که خدای تبارک و تعالی به جمهوری اسلامی و این نهضت اسلامی عنایت فرموده این است که متصدیان امور، چه آنهایی که در مجلس خدمت می کنند و چه آنهایی که در دولت خدمت می کنند، چه آنهایی که در ارتش هستند، همه اینها از آن قشر مرفه نیستند، از آن قشری که همه توجه شان به این است که برای خودشان مقام درست کنند و برای خودشان کارهایی انجام بدهند ولو برضد خلق باشد. شما اگر توجه کنید به حکومت هائی که در تاریخ بوده است و خصوصا در این پنجاه سال، ملاحظه می کنید که آنهایی که در راس امور بودند، آنها از این ملک ها و سلطنه ها و عرض می کنم که از این سنخ مردم و به اصطلاح از اشراف بودند. وقتی که اشراف (به قول خودشان) و اعیان و متمکنین و یال و کوپال دارها متصدی امور یک کشور شدند، قهرا اینها مردم را به حساب نمی آورند، این یک امر قهری است و در مقابل یک قدرتمند بزرگتر از خودشان خاضعند و در مقابل ضعف و ملت خودشان جابر و ستمگر. شما اگر ملاحظه فرموده باشید، معامله این دولت هائی که ما داشتیم سابق، با مردم مقایسه کنید و معامله شان را با سفارتخانه های خارجی، با سفارتخانه های خارجی، اینها شخصیت خودشان را بکلی (شخصیت هم نداشتند) بکلی از دست می دادند و آن چیزی که در ذهن من است، یکی از سفرا (حالا یا سفیر انگلیس بود، یا یک جای دیگر) آن صدراعظم وقت را پاشد گلویش را گرفت توی اتاق و زد او را به دیوار. در مقابل او آنها سپرانداختند، لکن در مقابل مردم، آنقدر به مردم ظلم می کردند و آنقدر به خیال خودشان به بزرگی و امثال ذلک رفتار می کردند، که همه می دانید. وقتی بنا شد که متصدی یک امور کشوری قشر اشراف (به اصطلاح خودشان) اعیان، مرفه ها و صاحب اموال و نمی دانم پارک و اتوموبیل ها و کذا و کذا، یا آنوقت کالسکه ها و آن حرف ها باشد، این یکی از مصیبت های بزرگی است که در یک ملت هست، سرچشمه همه مصیبت هائی که ملت ها می کشند این است که متصدیان امورشان از قشر مرفه و از اشراف و اعیان (به اصطلاح خودشان) از آنها باشد. و آنها اینطور هستند، اشراف و اعیان اینطور هستند که تمام ارزش ها را به این می دانند که آنجائی که زندگی می کنند بهتر از دیگران باشد، آن رفتاری که مردم با آنها می کنند، رفتار عبید با موالی باشد، تمام افکارشان متوجه به این مسائل است. باید حتما چند تا پارک داشته باشد، چند تا باغ داشته باشد در شمیران، در تهران در کجا، تا اینکه بشود یک نفر آدم عرض می کنم که نخست وزیر یا یک نفر آدم وزیر کذا. و اینها وضع روحی شان، به حسب نوع، وضع روحی شان اینطور بود که چون قدرت را، تمام ارزش ها را به قدرت می دانستند، تمام ارزش ها را به قدرت مالی می دانستند، به قدرت های دیگر می دانستند، در مقابل قدرت بالاتر از خودشان خاضع و عبد بودند، در مقابل ضعفائی که قدرت ندارند، فرمانفرما و حکومت بودند. این وضع طبیعی این است که یک قشر اشراف و اعیان (به اصطلاح خودشان) و مرفه، به یک کشوری حکومت کنند و قابل اجتناب نیست این. وقتی حکومت آنطور شد، دیگر نمی شود این را کسی خیال کند که قابل این است که این با مردم چه جور باشد، از آن ور با دولت خارجی چه جور باشد. مقابل آنها از باب اینکه می دیدند آنها قدرتشان بیشتر است، خاضع بودند. هرچائی که توهم می کردند که به قدرتشان یک قدرت بالاتری یک صدمه ای بزند، مقابل او لنگ می انداختند و همه جور تواضعی می کردند برای اینکه آنجا را به



دست داشته باشند. به مردم هر چه گذشت، گذشت و هر چه خواستند بکنند با مردم. این یکی از الطاف بزرگ خدا بود که حکومت جمهوری اسلامی را و متصدیان امور اسلامی را از قشر مرفه و از آن اشراف و اعیان و سلطنه ها و ملک و اینها قرار نداد. و این اسباب این شد و می شود که وقتی که بنا شد که یک اشخاصی زندگی شان یک زندگی عادی باشد و ارزش را در این زندگی هم ندانند، ارزش را به ارزش انسانی، ارزش اسلامی بدانند، ارزش اخلاقی بدانند، اگر یک حکومتی ارزش هایش اینطور ارزش باشد که ارزش اسلامی باشد، بخواهد خدمت به نوع خودش بکند، خودش را خدمتگزار بداند، اگر دیدش این باشد، قهرا ملت با اوست و قهرا نمی تواند یک قدرت خارجی او را تحت تاثیر قرار بدهد. همیشه قدرت خارجی برای اینکه بر مردم مسلط بشود، این بالاتری ها را می ترساند. آنها هم از باب اینکه تمام توجه شان به این بود که در بین ملت قدرتمند باشند، دارای یال و کوپال باشند، آنها را تسلیم می شد برای اینکه به اینها ظلم بکنند. این وضع طبیعی اینجور حکومت است. و وضع طبیعی حکومتی که از قشر غیر مرفه است، از خود این مردم درست شده است، وضع طبیعی اش این است که با مردم باشد و خدمت بکند و ارزش را، ارزش جاه و مقام نداند.

### ارزش مقامات ما، در خدمتگزاری به مردم است

شما می دانید که در جمهوری اسلامی مقامات آن معنی که در سابق داشت از دست داده، نه رئیس جمهورش و نه نخست وزیرش و نه سایر وزرایش اینطور نیست که خیال بکنند، خودشان خیال بکنند که ما یک مقام بالائی، والا مقام هستیم و ما حضرت اشرف هستیم و نمی دانم کذا. اینجور نیست. آنها می بینند که ارزششان در بین جامعه، در همه جا این است که خدمت بکنند، خدمتگزار باشند، نه ارزش به این است که به مردم حکومت کنند. در جمهوری اسلامی این معنا که هم مقامات آن مقاماتی که سابق تخیل می شد، نیست و هم صاحب اشخاصی که متصدی امور هستند، آن اشخاصی که در یک خانواده اشرافی بزرگ شده باشند و یک زندگی چه کرده باشند و نتوانند بسازند با مردم، نتوانند بسازند با یک زندگی عادی، آنطور هم نیستند. من فیلمی که دیشب از مرحوم رجائی گذاشته بودند و منزلش را نشان می دادند، یک دفعه دیگر هم مثل اینکه دیدم این را، بعضی از اشخاصی که پیش من بودند می گفتند ما رفتیم منزل آقای رجایی، این خوب نشان می داد، آنجا به این اندازه نیست، واقع مطلب اینطور نیست، این یک چیز بزرگی کانه نشان دارد می دهد و حال آنکه ما که رفتیم منزلشان دیدیم نه، مساله اینطور هم نیست. وقتی بنا شد که یک نفر رئیس جمهور شده، یا یک نفر نخست وزیر است، آقا منزلش آنطوری است و وضع مادیش اینطوری است، این دیگر نمی شود که از یک قدرت بزرگی بترسد. برای چه بترسد؟ این را که از او نمی گیرند. آن باید بترسد که می خواهد چپاول کند و می خواهد یک حکومت کذائی بکند، آن باید بترسد، اما رجائی (خدا رحمتش کند) و امثال اینها و باهنر و اینهایی که ما از دست دادیم، که اینطور نبودند که زندگی شان جوری باشد که مبادا یک وقتی از دست ما برود، خاضع بشوند پیش دیگران و برای اینکه زندگی را بیشترش بکنند زورگوئی کنند به مردم. این یک عنایتی است که خدای تبارک و تعالی به این ملت کرد و از خود مردم، از خود این توده ها از بازار نمی دانم از کجاها و خانه ها، افراد منبعث شدند و حکومت تشکیل دادند. وقتی از بازار آمدند و خودشان تشکیل دادند، می دانند که بازار وضعیتش چه جوری است. وقتی که از بین خود مردمی که مرفه نیستند، اینها آمدند و خودشان هم نظیر آنها هستند، اینها به درد دل مردم می توانند برسند. من اینکه عرض می کنم، نمی خواهم از شما تعریف کنم، برای اینکه می ترسم تعریف کنم. این برای این است که تنبه بدهم، تنبه بدهم به اینکه تا وضع اینطوری است، حکومت برقرار است، حکومت اسلامی برقرار است. تا وضع دولت، مجلس نمی دانم ارتش، روسای ارتش، فرماندهان همه جا این وضع است که می بینیم الان و مشاهده می کنیم، شما خوف از اینکه یک آسیبی این جمهوری اسلامی به آن برسد، از این خوف نداشته

باشید. شما هر چه خوف دارید، از خودتان بترسید، از اینکه مبدا خدای نخواستہ مسیر، یک مسیر دیگر بشود و راه، یک راه دیگری باشد و توجه به این چیزی که الان هست، از دست برود و مردمی بودن از دستتان برود. از این بترسید که اگر خدای نخواستہ یک وقت این قضیه پیش آمد و شما از آن مردمی بودن بیرون رفتید و یک وضع دیگری پیدا کردید و خیال کردید حالائی که من نخست وزیرم، حالائی که من رئیس جمهورم. حالائی که من وزیر کذا هستم باید چه و چه و چه باشم، آنوقت بدانید که آسیب می بینید، یعنی آنوقت است که خارجی ها به شما طمع می کنند. آنها می دانند که از چه راه باید یک کشوری را به تباهی بکشانند، آنها می دانند که باید از راه خود حکومت، از راه خود دولت، از راه خود مجلس، از راه خود اینها، این کارها را انجام بدهند، آنها می دانند که ریختن در یک کشور یا نمی دانم چه کردن، با وضعی که اینجور کشورها دارند، این نمی شود. اینها تجربه اش را در افغانستان کردند. در افغانستان با اینکه دولتش با آنهاست و حزب ها و خیلی از حزب ها شاید با آنها باشند، لکن چون یک توده ای دارد، آنجا، توده ای که مسلمانند، متوجهند و مخالف با قدرت ها هستند، چون این هست در آن، موفق نشدند به اینکه آن کاری که می خواستند، بکنند، هر روز هم رو به شکست است. اینها تجربه ها را دارند، می دانند قضیه چه جور است، می دانند که یک ملتی که همه شان در مقابل همه چیزهائی که درشان وارد می شود، ایستادگی کردند و می کنند، ملتی که بچه اینقدریش، دیروز یک بچه ای قد این آقا کوچولو، به حد ده سال و اینها نبود، اینجا گریه می کرد که، گریه می کرد که شما دعا کنید من شهید بشوم. یک ملتی اینطوری، زنش اینطور، مردش اینطور، پیرش اینطور، جوانش اینطور، اینها می دانند با این ملت نمی شود با فشار و زور و سرنیزه رفتار کرد. قهرا آنها می خواهند یک نقشه ای بکشند، حواسشان هم خیلی جمع است و خیلی هم حوصله و صبر دارند. آنها برای پنجاه سال دیگر، برای سی سال دیگر حالا- نقشه درست می کنند، حالا- نقشه می کشند که سی سال دیگر نتیجه بگیرند. یعنی اگر خدای نخواستہ دانشگاه ما یک انحرافی پیدا بکند، بعد از سی سال نتیجه اش را آنها می گیرند. اگر در دانشگاه ما یک اشخاص غیراسلامی امثال اینها وارد بشود، اشخاصی که انحراف دارند وارد بشود، ولو حالا نتوانند کاری بکنند (حالا هم عجله ندارند که کاری بکنند) کم کم همین دانشگاهی ها را تبلیغ می کنند، صحبت می کنند، چه می کنند، چه می کنند، هوا خورشان می کنند، بالاخره هم مقدرات یک مملکت بعد از این دوره با آنهاست. آنها وقتی مقدرات یک دولت را و ملت را در دست گرفتند، با یک انحرافی در دست گرفتند، آنوقت هست که اینها نتیجه می گیرند، با دست خود اینها نتیجه می گیرند. شما باید کوشش کنید همه تان، هر کس در هر وزارتخانه هست باید کوشش کند که اجزاء آن وزارتخانه، افرادی که در آن وزارتخانه هست، وضع روحیش جوری باشد که با مردم بسازد، مردم باز احساس نکنند که در این وزارتخانه هم وقتی ما بخواهیم کارمان را به وزیر بدهیم، باید یک مدتی دم در بایستیم و یک مدتی آن مامور و آن مامور و آن مامور تا برسند ما را به آنجا، آنجا هم پشت در بایستیم. نه، این وضع اگر یک وقت خدای نخواستہ دیدید دارد اینطور می شود، بدانید که دارید رو به تباهی می روید، قدم دارید بر می دارید رو به تباهی. آن روزی شما قوی هستید که این بقال سرمحل و آن مومن توی مسجد و آن کسی که در جاهای بزرگ و اعیان و اشراف فرض کنید هست، برای شما اینطور نباشد که برای او یک کاری بکنید، برای این نکنید. اینها را مقدم بر آنها بدانید، اینهایی که شما را به وزارت رسانده اند، با اینکه وزارت الان یک چیز مهمی نیست پیش شما، اینهایی که قدرتمندها را بیرون کردند، اینهایی که همه آن اشخاصی که مقدرات یک کشور در دستشان بود و ما را و شما را و همه کشور را به تباهی کشیده بودند، آنها را بیرون زدند، اینها را باید ما قدرشان را بدانیم، یعنی نگه شان داریم. برای خدا، برای اسلام، برای حیثیت خودتان، برای حیثیت کشورتان باید این سر و پا برهنه ها را نگه شان دارید. اینهایی که بعد از همین که هر شهیدی شما پیدا می کنید، آنطور برایش تظاهر می کنند، آنطور برایش عرض بکنم به سر و سینه خودشان می زنند، که می بینید نشان می دهند، یک همچو ملتی را باید با همین وضع نگه داشت و آن به دست امثال شماست که اینطور باقی بماند.

اگر یک وقت سرخورده بشوند. از دولت و خیال کنند که دولت دارد برای خودش یک کارهایی انجام می دهد و برای ما نیست و چطور، آنوقت هست که شما هر کدامتان خدای نخواستہ از بین بروید، یک کسی برایتان فاتحه نمی خواند. شما کاری بکنید که بعد از مردنتان هم اینطور وضع مردم باشد با شما، بعد از شهادت هم اگر نصیبتان شد، مردم با شما اینجور باشند. پیش خدا این ارزش دارد. وقتی خدای تبارک و تعالی دید که یک جمعیتی ایستادند و فریاد می زنند، توی سرشان می زنند که رجائی چه ، خدا به رجائی رحم خواهد کرد. اگر خدای نخواستہ هم آن یک اشکالاتی در آن باشد، به همین ، خدا رحم می کند. خوب ، مومن ، چهل تا مومن شهادت بدهند به خوبی یک کسی ، خدا قبول می کند این را، برای اینکه یک آدمی است که چهل نفر مومن این را به خوبی شناخته اند وقتی به خوبی شناختند، خداوند عفو می کند. فرضاً از اینکه یک جمعیت هائی اینطوری بریزند در خیابان و آنطور و به سر و سینه شان بزنند برای آنها، ارزش آقای رجایی ، ارزش آقای باهنر، ارزش آقای بهشتی و ارزش این ائمه جمعه مظلوم ما به این نبود که یک مثلاً- دستگاهی دارد، ارزششان به این بود که خودی بودند، با مردم بودند، برای مردم خدمت می کردند، مردم احساس کرده بودند که اینها برای آنها دارند خدمت می کنند و لهذا آنهمه تبلیغاتی که با دست های فاسد برضد مرحوم بهشتی بالخصوص آنقدر کارها کردند و نسبت به مرحوم رجائی هم ، آن آدم فاسد آنقدر پافشاری کرد و اذیت کرد، مردم اعتنائی هیچ به او نکردند و همانطور با آنها رفتار کردند، مردم همانطور آن تلافی هائی که در آنوقت سر آن مظلوم درآمد، مردم درست کردند، بعد از فوت ایشان آنطور کردند. و همه شما باید وضعیتان یک همچو وضعی باشد و من امیدوارم که همه این وضع را توجه به آن بکنید و حفظش بکنید. بخواهید اسلام حفظ بشود، این وضع را باید حفظ بکنید. بخواهید که ایران حفظ بشود، همین را باید حفظش کنید. بخواهید خودتان محفوظ بمانید، همین را باید حفظ کنید. بالاخره این وضع فعلی که شما دارید باید رو به بهترین بروید، هی بروید سراغ اینکه یکدیگر را اسلامی کنید. اینکه من عرض کردم که باید امور اسلامی باشد، حالا هم عرض می کنم ، این کارهایی که شما می گوئید که می روند جنگل ها را چیز می کنند، اینها کارهای غیر اسلامی است ، من می گویم باید اسلامی باشد. اگر چنانچه یک کسی تخلف کرد از مقررات دولت ، این غیر اسلامی است ، آن هم باید اسلامی بشود. یعنی باید دولت با قدرت ، آن کسی که تخلف می کند از آن چیزهایی که دولت برای حفظ نظام دولت قرار داده است ، آنها را باید با قدرت جلوییش را بگیرد، برای اینکه آن غیر اسلامی است ، من می گویم اسلامی باید بشود. بریدن درخت های کشور را و به تباهی کشیدن جنگل ها را، این غیر اسلامی است ، باید جلوییش گرفته بشود. تخلف از مقررات خیابان ها و رفت و آمدها، این غیر اسلامی است ، باید باید جلوییش را بگیرد. اگر یک کسی اعتنائی به چراغ سرخ نکرد، این غیر اسلامی عمل کرده و این را باید تعقیبش کرد و به دست دادگاه سپردش . حالا هم من عرض می کنم اسلامی که ، اسلام که با نظم مخالف نیست ، اصلاً اسلام می خواهد نظم حفظ بشود، نظام حفظ بشود. کلیه امور مربوط به نظام ، این اسلام است و اگر یک چیزی تخلف از نظام کرد، این برخلاف اسلام است و جلوگیری لازم است .

### **ارزش انسان به این است که توجه کند که چه باید در مقابل خدای تبارک و بندگان خدا بکند**

و من باز هم به آقایان عرض می کنم که توجه بکنید که مقام ، شما را نگیرد. شما یک ارزش انسانی انسان به مقام نیست ، به این نیست که من نخست وزیرم ، من رئیس جمهورم ، من رئیس مجلسم ، من وکیل مجلسم . اینها ارزش نیست . ارزش انسان به این است که توجه بکند که چه باید در مقابل خدای تبارک و بندگان خدای تبارک و تعالی بکند، چه تکلیفی انسان دارد در مقابل خدا و در مقابل بندگان خدا که از خدا هستند. این ارزش است . مادامی که شما این ارزش را حفظ بکنید، ارزش اسلامی و انسانی را حفظ کرده اید. و اگر از این ، انحراف حاصل بشود، شما هم هر مقامی پیدا کنید، در علم بشوید بالاترین علما،

در زهد هم هر چه می شوید، بشوید اما ارزش را از دست داده باشید، شما نه پیش خدا دیگر ارزش دارید، نه پیش خلق خدا. باید فکر این معنا بکنید که خدمت کنید به کشور خدمت کنید به ملت که بعد از خود شما که انشاءالله حالا طولانی باقی می مانید، مثل مرحوم رجائی که مردم اینطور برایش به سر و سینه می زنند، مردم شهادت فعلی و عملی بدهند بر اینکه شما خوبید، تا خدای تبارک و تعالی در محضرش شما را قبول کند برای اینکه آدمی بوده است که یک عده ای شهادت دارند می دهند، عملاً توی سرشان می زنند از رفتن او. این شهادت فعلی است بر اینکه این آدم مقبول است و خدای تبارک و تعالی همین طور قبول می کند و اگر گناهی هم داشته باشید، به همین می گذرد خدای تبارک و تعالی. و من امیدوارم که شما همه تان همین طوری که سیره انبیا بوده است، که سیره انبیا برای این بوده است که در مقابل طاغوت محکم می ایستادند و در مقابل ضعفا و فقرا و مستضعفین و مستمندان فروتن بودند، آنطوری که وقتی عرب وارد می شود در مسجد رسول الله، می گوید کدام یکی تان هستید. در وقتی که رسول الله آنوقت حکومت بود، آنوقت در مدینه بودند، در مدینه تشکیل حکومت بود بساط، لکن وضعش اینطوری بود، از آن طرف در مقابل هیچ قدرتی خاضع نبود برای اینکه او خدا را می دید. کسی که توجه دارد به اینکه قدرت هر چه هست مال خدای تبارک و تعالی است و دیگران هیچ نیستند، این دیگر نمی تواند خاضع بشود در مقابل یک قدرتمندی. شما ملاحظه کرده اید، تاریخ مرحوم مدرس را دیده اید که یک سید خشکیدهء لاغر عرض می کنم لباس کرباسی (که یکی از فحش هائی که آن شاعر به او داده بود، همین بود که تنبان کرباسی پوشیده) یک همچو آدمی در مقابل آن قلدری که هرکس آنوقت را ادراک کرده می داند که زمان رضاشاه غیر زمان محمدرضا شاه بود، آنوقت یک قلدری بود که شاید تاریخ ما کم مطلع بود، در مقابل او همچو ایستاد، در مجلس، در خارج فلان که یک وقت گفته بود سید چه از جان من می خواهی؟ گفته بود که می خواهم تا تو نباشی، می خواهم تو نباشی. این آدم که می آمد (من درس ایشان یک روز رفتم) می آمد در مدرسه سپهسالار که مدرسه شهید مطهری است حالا، درس می گفت، من یک روز رفتم درس ایشان، مثل اینکه هیچ کاری ندارد، فقط طلبه ای است دارد درس می گوید. اینطور قدرت روحی داشت، در صورتی که آنوقت در کوران آن مسائل سیاسی و چیز بود که باید حالا بروند مجلس و آن بساط را درست کند. از آنجا، پیش ما، رفت مجلس، آنوقت هم که می رفت مجلس، یک نفری بود که همه از او حساب می بردند. من مجلس آنوقت را هم دیده ام، کانه مجلس منتظر بود که مدرس بیاید. با اینکه با او بد بودند ولی مجلس کانه احساس نقص می کرد وقتی مدرس نبود. وقتی مدرس می آمد مثل اینکه یک چیز تازه ای واقع شده. این برای چه بود؟ برای اینکه یک آدمی بود که نه به مقام اعتنا می کرد و نه به دارائی و امثال ذلک، هیچ اعتنا نمی کرد، نه مقامی او را جذبش می کرد. ایشان وضعش اینطور بود که (برای من نقل کردند این را که) داشت قلیان خودش را چاق می کرد، خودش اینطور بود، فرمانفرمای آن روز (حالا- که من می گویم فرمانفرما، شما به ذهنتان نمی آید که یعنی چه) فرمانفرمای آن روز وارد شده بود منزلش، گفته بود که به او حضرت والا من قلیان را آبش را می ریزم تو این را، آتش سرخ کن را درست کن، یا بعکس. از اینجا همچو او را کوچک می کرد که دیگر نه، طمع دیگر نمی توانست بکند. وقتی اینطور با او رفتار کرد که بیا این آتش سرخ کن را گردش بده، آن آدمی که همه برایش تعظیم می کردند، همه برایش چه می کردند، این وقتی اینطوری می رسیده، این شخصیت ها را اینطوری از بین می برد که مبادا طمع کند که از ایشان چیزی بخواهد. من بودم آنجا که یک کسی یک چیزی نوشته بود، زمان قدرت رضاشاه، زمانی که آنوقت باز شاه نبود، آنوقت یک قلدر نفهمی بود که هیچ چیز را ابقا نمی کرد، یک کسی آمد گفت من یک چیزی نوشتم برای عدلیه، شما بدهید ببرند پیش حضرت اشرف (یک همچو تعبیر هائی) که ببینند. گفت، رضاخان که باز نمی داند اصلش عدلیه را با (الف) نویسند یا با (ع) می نویسند، من بدهم این را او ببینند؟ نه اینکه این را در غیاب می گفت، در حضورشان هم می گفت. اینجوری بود وضعش. این چه بود؟ برای اینکه

وارسته بود، وابسته به هواهای نفس نبود، عع (اتخذ هوی الله) عع نبود. این، هوای نفسانی خودش را اله خودش قرار نداده بود، این اله خودش را خدا قرار داده بود. این برای مقام و برای جاه و برای وضعیت کذا نمی رفت عمل بکنند، او برای خدا عمل می کرد. کسی که برای خدا عمل می کند، وضع زندگی هم آن است، دیگر از آن وضع بدتر که دیگر نمی شود برایش، برای چه دیگر چه بکنند، از هیچ کس هم نمی ترسید. وقتی که رضا شاه ریخت به مجلس که چیز می کردند، فریاد می زدند آن قلدرهای اطرافش که زنده باد کذا و زنده باد کذا، مدرس رفت ایستاد و گفت که مرده باد کذا، زنده باد خودم. خوب، در مقابل او شما نمی دانید حالا، در مقابل او ایستادن یعنی چه و او ایستاد. این برای این بود که از هواهای نفسانی آزاد بود، وارسته بود، وابسته نبود.

### تمام وابستگی ها وابستگی است که انسان به خودش دارد

تمام وابستگی ها وابستگی ای است که انسان به خودش دارد، تمام وابستگی ها از خود آدم پیدا می شود. وقتی انسان وابسته است، نفسش وابسته است به جهاتی که مال خودش است، به نفسیت خودش، به وضعیت خودش، این تمام وابستگی هائی که در خارج هم برایش پیدا می شود از منشاش اینجاست. وقتی این وابستگی باشد، اگر بخواهند برایش تحمیل کنند، چون این وابستگی هست، تحمیل می کند، قبول می کند. وقتی ببینند یک چیزی با این آمالی که دارد مخالف است، اگر نکنند، یک وقت به هم می خورد، این خاضع خواهد شد. اگر انسان از این وابستگی وارسته شد، آزاد شد از این، این دیگر آزاد است، این دیگر از کسی نمی ترسد، همه قدرت های عالم جمع بشوند، این نمی ترسد، برای اینکه آخرش این است که من از بین می روم، دیگر بالاتر از این که نیست، همانی که الان ملت ما دنبالش دارند می روند که بیائید دعا کنید من شهید بشوم. روزی چند نفر شاید من اینجا بعضی روزها می بینم که می گویند که دعا کنید من شهید بشوم. من می گویم دعا می کنم شما پیروز بشوید انشاءالله. انشاءالله خداوند همه شما را موفق کند، موید کند و همه آن اشخاصی که به شهادت رسیدند و برای این ملت خدمت کردند مثل مرحوم رجائی که این روز، این روزها سالش است، مرحوم باهنر و دیگر اشخاصی که از همین قبیل بودند و رفتند از دست ما و البته ما خیلی ضرر دیدیم، لکن باز همان مساله است. جانشین آنها برای این بود که ملت بود، مردم بودند، اعیان و اشراف نبودند. آنوقت اگر یک نخست وزیر را می کشتند، یک بساطی می شد، شاه مردگی همان و به هم ریختن سرتاسر ایران. اینطور بود، تا شاه مردگی می شد سرتاسر ایران به هم می خورد. حالا- رئیس جمهورش نباشد، خوب، نبود، یکی دیگر بسم الله... همه ایران بهشتی است. خوب، مردم طرحشان این است که بهشتی از خود ماست، یک چیز خارجی نیست، از خارج یک چیزی صادر نکرده ایم، وارد نکرده ایم، از خود ما هست، خود ما یکی مان رفت یکی دیگر می آید. رجائی رفت یکی دیگر می آید، آن هم برود یکی دیگر می آید. هر کدام از ماها و شماها بروند، یکی دیگر می آید. اینجوری است وضع ایران امروز و این وضع را باید ما حفظ کنیم، دعا کنیم که خداوند این وضع را برای ما حفظ کند و با حفظ این، هر یک از ما از بین برویم جا داریم، عوض داریم، می آیند جایش را پر می کنند و اگر اینطور نباشد، یک وقتی به طور سابق بشود، دیگر آنجا جوری است که وقتی یکی رفت به هم می خورد اوضاع. خدا انشاءالله همه شما را حفظ کند و همه ما را موفق کند که به احکام اسلام عمل کنیم و وزارتخانه هایمان را اسلامی کنیم و افراد اگر چنانچه خدای نخواستہ منحرفند، این افراد منحرف را نصیحت کنیم، اگر نمی شود، عوض کنیم و لازم نیست که هر منحرفی اینجا باشد، خوب، برود یک کار دیگری بکند. انشاءالله موفق و موید باشید. تاریخ: ۸/۶/۶۱

پاسخ امام خمینی به تلگرام آیت الله العظمی گلپایگانی



حضرت آیت الله آقای گلپایگانی دامت برکاته!!! قم بسم الله الرحمن الرحيم تلگرام شریف که حاوی بشارت سلامت وجود مبارک بود، موجب تسلی خاطر گردید. خداوند متعال را شکر گزارم که سلامت را به جنابعالی اهدا فرمود تا ملت شریف از برکات وجود محترم برخوردار باشند. امید است از ادعیه خالصه آن حضرت اینجانب و جمهوری اسلامی و متصدیان آن بهره مند گردیم. صحت کامل جنابعالی را از خداوند متعال خواستارم. والسلام علیکم ورحمة الله روح الله الموسوی الخمینی تاریخ:

۹/۶/۶۱

## **بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، فرماندهان سپاه پاسداران، علمای پایه و اورامانات، گروهی از سفرا و کارداران و اعضای اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان ایرانی در هند**

### **اساس این گرفتاری هائی که بشر به آن مبتلاست، حب نفس است**

بسم الله الرحمن الرحيم من هم متقابلا به آقایان تبریک این عید سعید را عرض می کنم و امیدوارم که خداوند این اعیاد را بر مسلمین و بر ملت شریف ایران مبارک فرماید و مستضعفان جهان را بر مستکبران غلبه دهد که آن روز عید بزرگ مبارکی خواهد بود و امیدوارم که حاصل بشود یک همچو روزی. من عرض می کنم که اساس این گرفتاری هائی که بشر به آن مبتلا هست، از زمان آدم صفی الله تا امروز و از امروز تا روز حشر، آنکه بشر به آن مبتلا هست و اساس تمام فسادها و جنگ ها و ظلم ها و تعدی ها و تجاوزها بر آن محور است، اساسش حب نفس است که شعبه هائی از این حب نفس و مظاهری دارد که اگر ملاحظه بفرمائید، این مظاهر که پایه اش حب نفس است، بشر را به تباهی کشیده و می کشد و انبیا هم برای اصلاح این امر آمده اند و مع الاسف آنطوری که آنها می خواستند، موفق نشده اند و گمان ندارم که هیچ کس موفق بشود. یک شعبه از این و یک مظهری از این حب نفس، حب ریاست است، حب جاه است، حب غلبه است. از اول عالم تا حالا از این قدرت های جابر هر چه به مردم رسیده است، از این حب اشتها، ریاست، حب قدرت و از اینها بوده است که اساسش همان حب نفس است، الان هم که ما در یک وضعی باقی هستیم در دنیا که همه می دانید دنیا الان چه خبر است و بر بلاد مسلمان ها چه می گذرد و بر کشورهای مظلوم چه ظلم ها واقع می شود، اساس همه اینها همان حب مسند و ریاست است. حب قدرت است که آمریکا را وادار می کند که این جنایت هایی که در طول تاریخ بیسابقه است، انجام بدهد و حب سلطه و ریاست است که شوروی را برمی انگیزد که اینطور با مردم دنیا و مظلومین دنیا رفتار کند و حب نفس است که کشورهای اسلامی، سران کشورهای اسلامی در مقابل جنایاتی که از این قدرت ها واقع می شود و از وابستگان آنها واقع می شود، بی تفاوتند. اگر چنانچه این حب نفس در این سران کشورهای اسلامی نبود و این حب جاه و قدرت نبود، با این فجایع که واقع شده است، با این ظلم که واقع شده است بر ایران و بدتر از او بر لبنان، نمی نشستند و تماشا کنند. همه ترس از این دارند که این قدرت تخیلی که باید بگویم که هیچ ارزش ندارد، از شان گرفته بشود، از این جهت آنطور خاضع شدند در مقابل امریکا و بدتر از او و فجیع تر از او در مقابل اسرائیل که الان همه جست و خیزهائی که در این، اکثر این کشورهای اسلامی می شود، برای این است که اسرائیل را به رسمیت بشناسند و آن قرار کمپ دیوید را تحکیمش ببخشند. اگر حب این چند روز ریاست، این چند روز سلطه نبود، هر انسانی ادراک این معنا را می کند که مثل اسرائیل بر بلاد مسلمین اینطور رفتار کند و اینطور جسورانه در مقابل همه، همه را تحقیر کند. ننگی بر چهره این کشورهای اسلامی نقش بست که هیچ چیز این ننگ را نمی تواند بزدايد، مگر اینکه توجه بکنند، مگر اینکه منقلب بشوند، متحول بشوند. و ننگی که بر همه این کشورهاست این است که با علم به اینکه دارند خلاف می کنند، به صدام کمک می کنند که صدام، اسلامی که در ایران دارد



پای می گیرد انشاءالله ، این آدم ، این را زایل کند و همه کوشش شان بر این معناست . بعضی تصریح می کنند و بعضی هم خلافش را می گویند و دروغ می گویند. اگر این حب جاه نبود که ارث شیطان است و از اول شیطان برای همین خصیصه ای که داشت ، مطرود شد و چون خودش را از آدم بالاتر می دانست و خودش را نار می دانست و آدم را طین و آن نورانیت آدم را ادراک نکرده بود، موجب این شد که مطرود شد و قسم خورد که همه را مطرود کند، یعنی همه بشر را و الان دارد او موفق می شود در مقابل همه انبیا. این حمله ای که صدام به ایران کرد، خوب ، همه می دانید که برای این بود که سردار قادسیه بشود و آن مسائل و این حمله ای که اسرائیل بر لبنان در مقابل چشم همه مسلمانان منطقه و دولت های منطقه کرد، همه می دانید که برای قدرت طلبی و جاه طلبی و آمریکا هم همین و همه قدرت ها هم همین و این ممکن است که در شما هم پیدا بشود، در ما هم پیدا بشود. شیطان فقط نمی رود سراغ صدام و امریکا و شوروی ، او همه جا هست و مظاهر شیطان که نفس اماره خود ما هست ، پیش همه هست . اگر چنانچه یک وقت دیدید که حب این را دارید که به مردم زور بگوئید، حب این را دارید که مردم پیش شما خاضع باشند، بدانید که از آن حظ شیطانی پیشتان هست و این حظ شیطانی است که پیش قدرتمندها هست و قدرتمندها را آنطور جسور می کند و همین حظ شیطانی پیش آنهاست که خاضع در مقابل این قدرتمندان می شوند، با اینکه امکانات اینکه در جلوی آنها بایستند دارند، این همان حظ شیطانی است ، همان است که شیطان را با آدم درگیر کرد و مطرود شد و حرف خدا نشنید و امر خدا را نشنید و این را نفهمید که اطاعت امر خدا قضیه سجده بر آدم نیست ، سجده بر خداست . مع الاسف در بین این دولت های اسلامی به اصطلاح و سران این دولت های اسلامی به این امر مبتلا هستند. اگر چنانچه این قدم را برداشته بودند که حب این ریاست را کم کرده بودند یا موفق می شدند زایل می کردند، ممکن نبود که بدون تفاوت بنشینند و اینطور بار ذلت بکشند. یک وقت امریکا بر مردم غلبه می کند و شوروی غلبه می کند، یک وقت اسرائیل غلبه می کند، اسرائیل امروز فرمانفرمای این بلاد اسلامی دارد می شود و اگر این بی تفاوتی و این کمک و این طفره زدن برای اینکه بشناسند اسرائیل را به رسمیت ، اگر این به نتیجه برسد، او فرمانفرمای همه شان خواهد شد و همین طور که حالا-تحقیقشان کرد و ذلیلشان کرد در مقابل خودش به امر امریکا، به طرح امریکا، این مطلب توسعه پیدا می کند و در همه جا ریشه می دواند. مکرر این مساله ذکر شده است که اسرائیل قناعت نمی کند به آنجائی که هست ، قدم قدم پیش می رود و هر قدمی که رفت ، هی می گوید ما کاری نداریم ، ما همین هست ، فردا قدم بالاتری بردارد. امروز لبنان است ، فردا خدای نخواستہ سوریه ، پس فردا عراق است و همین طور. و مع الاسف این دولت ها به جای اینکه در مقابل این آدم و این غیر انسان قیام کنند، نهضت کنند، اتفاق حاصل کنند برای جلوگیری ، یک انکار هم نکردند، الان هم جست و خیز می کنند برای اینکه تثبیت کنند مقام او را و این یک ننگی است که در کشورهای اسلامی بر چهره همه است ، بر سران ، بیواسطه و بر مردم کشورها هم که سران را اینطور به جای خودشان گذاشتند که هر کاری می خواهند بکنند و هر ذلتی می خواهند برای اسلام و مسلمین تهیه کنند و جلو اینها را نگرفتند، بر آنها مع الواسطه . ما این مصیبت ها را به کجا باید ببریم ؟ ما را مبتلا کردند به جنگ عراق ، توطئه دیدند که ما برویم سراغ اسرائیل تا عراق تقویت بشود، آنوقت عراق و اسرائیل بیایند سراغ ما. ما این توطئه را فهمیدیم و آقایانی که متوجه امورند، توجه کردند و گفتند راه ما این است که از این راه برویم ، اگر از آن راه ما رفته بودیم ، امروز عراق وضعش با ما غیر از این بود و اسرائیل هم به دنبال او با ما طور دیگری بود. ملت ایران همانطوری که تاکنون عمل کرده است و پیروزی سیاسی اخیر را که پیدا کرده است ، این یک امر خیلی چشمگیری است . صدام با تمام قوا کوشش کرد به اینکه سران کشورهای غیر متعهد را در بغداد جمع کند و این جمهوری اسلامی و این قدرت اسلامی در این گوشه دنیا باعث شد که سران کشورها توجه کنند و دست رد به سینه صدام بزنند، بعد هم با کمال وقاحت می گوید من برای اینکه وحدت اسلامی محفوظ باشد، از او گذشتم ، پس خوب است

وزرای خارجه بیایند اینجا، آنهم هر چه توانست این ور، آن ور زد و به دریوزگی فرستاد افراد را به همه جا، منتهی به این شد که حالا- باز اعلام کرده است که نه، ما برای وحدت مسلمین از این مطلب هم گذشتیم. و من عقیده ام این است که ایشان برای وحدت مسلمین به جهنم برود. آنهایی که اساس اختلاف بین مسلمین را درست می کنند، خوب یکیش هم از آن افراد، همین صدام است که اساس اختلاف است. دولت ایران با هیچ دولتی هیچ وقت جنگ نداشت و مخالفت نداشت، الا با آنهایی که برضدشان می خواهند کاری بکنند. این هجوم ابلهانه صدام به ایران اسباب این شد که دولت های منطقه بسیارشان با ایران یعنی با اسلام به مخالفت برخیزند. آنها هم کم کم خواهند فهمید که صرفه این نیست که با یک همچو ملتی که همه چیزش را در راه اسلام دارد فدا می کند، مخالفت کنند، آنها هم خواهند توجه پیدا کرد، لکن ما هم باید به مسائل یعنی به آن شیطنتهایی که نفس اماره انسان می کند، توجه کنیم، آن ریزه کاری هائی که در انسان ایجاد می کند. چه بسا یک نفر آدم زاهد متقی در طول عمرش به زهد و تقوا و اینها باشد معروف باشد و شیطان یک گوشه ای از دل او را ربوده باشد که همه این اعمال و این زهد و تقوا، همه و همه فاسد بشوند و چه بسا باشد که شما آقایانی که در مجلس تشریف دارید و امیدوارم که موفق باشید، با همه کوششی که می کنید برای اسلام، لکن آن حظ شیطانی از پیش شما نرفته باشد.

### ایمان است که شما را وادار می کند بروید و برای اسلام فداکاری کنید

باید خودتان مراقبت خودتان را بکنید و وادار کنید کسانی از شما مراقبت کنند و چه بسا باشد که این سپاه پاسداران و این سران فرماندهان سپاه پاسداران با همه جدیتی که می کنند برای اینکه به اسلام خدمت بکنند، در باطن قلبشان غیر خود آگاه از این خصیصه های شیطانی باشد که یک وقت ببینند که کارهایی که کرده اند، دست شیطان در آن بوده است. باید همیشه انسان مراقب خودش باشد. می خواهد نماز بخواند، مراقبت کند از نمازش که مبادا دست او در این کار باشد، دست نفس اماره در کار باشد. بخواد پاسداری بکند، متوجه باشد که مبادا دست او در کار باشد و او را به کاری وادار کند که خودش تباہ بشود و جمهوری اسلامی را هم چهره اش را یک طور دیگر نمایش بدهد. شماهایی که دست اندر کار هستید در این جمهوری اسلامی، چه آن آقایان سفرا و کاردارهایی که در خارج می روند و خارج بیشتر توقع هست و چه شما سپاه پاسداران و سایر قوای نظامی و انتظامی که در داخل خدمت می کنید و چه وکلای محترم که در مجلس خدمت می کنند و چه همه، قوه قضائیه، قوه اجرائیه، همه باید از خودشان مراقبت کنند. بدانند آن که آنها را به این قدرت رسانده است که قدرت های بزرگ دنیا حساب برای آنها باز کرده اند و همین مخالفت هائی که هر روز می کنند و توطئه هائی که هر روز این قدرت های بزرگ می کنند، دلیل بر قدرتمندی شماست. اگر شما قدرتمند نبودید که آنها با شما مقابله کردند، چون می بینند که یک قدرتی اینجا هست، شما باید بدانید که این قدرت، قدرت بازوی شما و من و سایر افراد نیست، این یک قدرت الهی است، یک قدرت اسلامی است، یک قدرت ایمان است که این کار را انجام داده. ایمان است که شما را وادار می کند بروید و برای اسلام فداکاری کنید و ایمان است که در جبهه ها این عزیزان ما در جنگ تا حد شهادت حاضر هستند و تا این ایمان را حفظ کردید و تا این تعهد به اسلام را حفظ کردید، هرگز نخواهید آسیب دید. و باید ما توجه کنیم به اینکه ما امروز در حال جنگ هستیم، هم جنگ سیاسی و هم جنگ نظامی. الان ما با تمام این قدرت هائی که در جهان هست و آنهایی که تبع قدرت بزرگ هستند، در حال جنگیم، یعنی آنها به ما حمله می کنند و ما در حال دفاعیم. باز ما آنوقت نرسیده است که بگوئیم خیر، ما خودمان هستیم و مستقیم و همه چیزها تمام شده. خیر، الان جبهه ها محتاج به افراد دارد، در جبهه ها باید افراد بروند، این یک واجب شرعی الهی است منتها واجب کفائی، به همه واجب است، مگر اینکه به اندازه کفایت حاصل شده باشد. هر که می تواند، قدرت دارد، بر او واجب است و اگر چنانچه به اندازه کفایت، به طوری که سران نظامی، از سران پاسداران و سران ارتش و اینها گفتند

دیگر احتیاج نیست، آنوقت از همه ساقط می شود. ما باید این مطلب را درست توجه به آن داشته باشیم که ما در حال جنگیم و در حال دفاع و اگر خدای نخواستہ سستی بکنیم، یک مثل اسرائیلی خدای نخواستہ به ما حمله می کند و ما اگر سستی کنیم، بر ما چیره می شود. ما از حالا باید جلوییش را بگیریم. ما تا هر حدی که رفتیم، همه دفاع بوده، الان هم دفاع می کنیم، الان هم در عین حالی که صدام ادعا می کند که ما شهرهای ایران را به آن کاری نداریم، الان هم آبادان ما و بعضی دیگر از بلاد ما، هر روز آبادان تقریباً هر روز تقریباً مباران می شود، یعنی از خارج توپ می اندازند و اینجا را تباہ می کنند، مردم را شهید می کنند و ما باید دفاع کنیم از این مسلمان ها و باید دفاع کنیم از این کشور اسلامی. دفاع ما تا هر جائی که باید دفاع کرد، پیشروی باید کرد و این بسته به همت جوان های برومند متعهد جندالله است که نقیصه ها را پر کنند و بروند و انشاءالله به زودی کار را تمام کنند، تا بعد برویم دنبال آن دشمن بزرگتر، خبیث تر. اگر از صدام کسی هم خبیث تر باشد، آن بگین و امثال اینها.

### حفظ ثغور اسلام جزء فرایضی است که هیچ فریضه ای بالاتر از آن نیست

ما در بین راه هستیم آقایان. انقلاب ما در بین راه است و ما باید او را دریابیم، همه باید این فکر را بکنند، آقایان نمایندگان محترم مردم هم باید این فکر را بکنند، ما بین راه هستیم، اگر اینجا احتیاج باشد به نمایندگانی که بروند در جبهه ها و مردم را نصیحت بکنند، آنوقت تصور این را بکنند که آیا یک سفر مستحبی حج باید بروند یا یک سفر تقریباً واجب به طرف جبهه ها و نصیحت آنها و دلداری به آنها. الان چند روز است که به من مکرر گفته شده است که دارد مملکت برای این توجهی که دارند به سفر حج، فلج می شود، وکلای مجلس می خواهند همه مشرف شوند، ۱۴۰ نفر یا بیشتر مشرف بشوند، البته عذر دارند، می گویند آقای هاشمی فرمودند که این تعطیلی آنهاست، لکن ما این فکر را بکنیم که ما امروز تعطیل داریم؟ ما امروز می توانیم در این وضعی که کشور ما دارد، استفاده از تعطیل بکنیم؟ و شورای قضائی هم می گویند بسیاریشان می روند، شورای نگهبان هم، خوب، ایشان هم می روند و از سایر قشرها هم همین طور. اگر واجب باشد مکه، خوب، هیچ کس جلوییش را نمی تواند بگیرد، باید هم بروند، اگر حج فریضه باشد، مگر اینکه یک فریضه بالاتر از آن حفظ ثغور اسلام که همه فرایض را کنار می گذارند. این را من عرض کردم، باز هم به بعضی از آقایان که اینجا تشریف داشتند که با اینکه قتل نفس مومن از همه گناهان کبیره شاید بعد از شرک بالله بالاتر باشد، قتل نفس مومن بیگناه، لکن اسلام، همین اسلامی که اینقدر راجع به مومنین سفارش فرموده است و تحذیر از قتل نفس مومن کرده، از احکام جهادش این است که اگر یک دسته از همین مومنین، از همین مسلمین، از همین فقها، از همین عرض بکنم دانشمندان از کفار جلو قرار دادند و سپر قرار دادند برای خودشان که بیایند، امر فرموده است که همه را بکشید، اینها با آنها، اینها همه شهیدند و به بهشت می روند آنها هم جهنم، برای اینکه حفظ ثغور اسلام است، حفظ نظام اسلام است، حفظ ثغور اسلام جزء فرایضی است که هیچ فریضه ای بالاتر از آن نیست، حفظ اسلام است. آقایان توجه کنند، خودشان همه دانشمند هستند، همه توجه به مسائل دارند که البته بعضی مسائل دیگر هست من نمی خواهم بگویم که موجب نگرانی است، ولی خودتان توجه بکنید که آیا با این وضعی که کشور ما دارد، اینطور کوچ کردن به جوار بیت الله با آنهمه ثواب هائی که دارد، بر غیر اشخاصی که واجب عینی است، آیا الان صلاح می دانند آقایان که این مملکت را به حال تعطیل در آورند؟ و خدای نخواستہ یک وقت یک صدمه ای وارد بشود به کشورتان علاوه بر یک نگرانی های دیگری که هست. در هر صورت توجه به این بکنید که انگیزه ای که در قلب شما برای رفتن حج هست، چه هست، این است که به ثواب عالی برسید، آنوقت ببینید ثواب اینکه به حج بروید یا ثواب اینکه برای مسلمین خدمت بکنید، کدام بیشتر است؟ برای حدود و ثغور اسلام خدمت بکنید، کدام بیشتر است؟ تحصیل علم

از اموری است که واجب کفائی است و از امور مهم است ، لکن اگر ما یک وقت احتیاج داشتیم به اینکه علما و افراد مستعد الان تحصیل علم را کنار بگذارند و بروند در جبهه ها و دلداری بدهند به اینها، هدایت کنند اینها را یا بروند به شهرهای دور افتاده و هدایت کنند آنها را، این مستحب بسیار بزرگ را باید کنار بگذارند، بروند آن کار را انجام بدهند، برای اینکه آن واجب است . انجام بدهند، بعد که آرامش حاصل شد برگردند آقایان تحصیل بکنند، چنانچه همه متصدیان روحانی که هستند الان از باب اینکه می بینند که نمی تواند و نخواهد توانست کسان دیگر اداره این کشور را آنطوری که اسلام می خواهد بکند و ما تجربه کردیم که نشد، این آقایان با اینکه شغلشان این نیست و حالا من عرض می کنم که بنای روحانیون بر این نیست که حکومت را بگیرند. حکومت چیست ؟ اما بنای روحانیون بر این نیست که اسلام را حفظ کنند؟ ما گمان می کردیم که در بین روشنفکران ما به اصطلاح ، خوب ، اشخاصی پیدا می شوند که متعهدند و حفظ می کنند این را. اگر حالا هم پیدا شد یک همچو اشخاصی ، یک همچو جمعیت هائی ، آقایان پست های مهمتر دارند، می روند سراغ کارشان ، آقای هاشمی هم می روند، آقای خامنه ای هم می روند و همه کسانی که متصدی هستند. اما، ما چه بکنیم امروز وضع ما، وضع ایران ، وضع گرفتاری های داخل و خارج به جوری است که بدون اینها نمی شود اداره کرد این مملکت را، یا می کشانندش به طرف آمریکا و کمونیسم یا می کشانندش به طرف امریکا و سرمایه داری یا کشانندش طرف کمونیسم و آن بساط و ما لازم است برایمان حفظ کنیم .

### نشینید کنار و هی نق بزنید و مردم را مایوس کنید

خوب ، ما جواب خدا را چه بدهیم ؟ جواب این شهدائی که برای اسلام جنگ کرده اند چه بدهیم ؟ و آن اشخاصی که الان هم کارشکنی می کنند، واقعا چه جوابی فکر کرده اند؟ آنهائی که اعتقادی به این مسائل ندارند، خوب راحتند، می گویند که چیزی ، خبری نیست (لاخبر جاء ولا وحی نزل ) آنها حالا راحت است وضعشان . آنهائی که اسلامی فکر می کنند، مسلمان هستند، اینها مقایسه نمی کنند. بین این جمهوری که ما الان در اسلام داریم ، در ایران داریم ، با آن حکومتی که سابق بود، با آن وضعی که سابق بود؟ اینها فکر نمی کنند که این کشور ولو تا حالا نتوانسته صددرصد مسائل را اسلامی بکند، نه اینکه نخواسته ، نتوانسته ، لکن آنقدری که به طرف اسلام رفته است ، در طول تاریخ شما یک حکومتی را پیدا نمی کنید که اینطور باشد که اینطور طرف اسلام جهش کرده باشد. شما وقتی ملاحظه بکنید صدر اسلام را، آیات شریفه ای که وارد شده ، روایاتی که وارد شده ، راجع به این تساهلی که در جنگ می کردند آنها، آن خون جگری که حضرت امیرالمومنین سلام الله علیه می کرد که هی شما می گوئید جنگ ، می گوئید حالا-تابستان است ، بگذارید زمستان ، زمستان می گوئید تابستان است . شما ببینید امروز این سپاه پاسداران ، این ارتش ، این نظامی ها، این بسیج ، این ملت در آن هوای گرم ۶۰ ، ۷۰ درجه خوزستان و در آن بیابان ها که انسان اگر برود خفه می شود، این جوان های عزیز ما به مدد الهی در آنجا دارند زحمت می کشند، آخ هم نمی گویند، یک کدام شکایت نمی کنند. من تاکنون که اینجا نشسته ام ، یکی که شکایت بکند از اینکه مادر جنگ مثلا-نرویم ، چطور شد، من ندیده ام همچو چیزی ، لکن هر روز می آیند با چهره گشاده ، هر روز می آیند و تقاضا می کنند که ما برویم شهید بشویم . خوب ، یک همچو تحولی که حاصل شده است در یک کشوری ، این آقایانی که آن کنار نشسته اند و اشکال تراشی می کنند، مثلا در یک دهی یک آدمی در آن ده یک کاری کرده ، پس و اسلاما، فکر این نمی کنند که خوب ، در یک کشوری که انقلاب شده است و الان در حال انقلاب است ، یک آدمی هم در یک گوشه ای از این کشور یک کاری می کند. مگر شما حالا با زمان پیغمبر می خواهید خیلی شما جلو باشید؟ زمان پیغمبر هم همین مسائل بوده ، همین مطالب بوده که یک حکومت ، حضرت امیر یک حکومتی که می فرستاد، گاهی خرابکاری می

کرد، عزلش می کرد و می خواست او را. مگر می شود یکدفعه همه جا، یکدفعه ما صبح کنیم که همه جا بهشت برین شده است؟ ما باید ببینیم، این آقایان باید ببینند که اینها دارند رو به اسلام می روند یا خیر، دارند رو به خلاف اسلام می روند. انصاف داشته باشند اینهایی که نشسته اند هیچ کاری برای این جمهوری اسلامی از اولش تا حالا نکرده اند، کارشکنی کردند، کار نکردند، آن روشنفکرش آنطوری و آن مرتجع به اصطلاح شما آنجوری، همه، خوب بعضی از اینها را که ما می دانیم یک قدم برای این نهضت برنداشتند، مخالفت هم با آن داشته اند، نصیحت هم ما را می کردند که آقا ول کنید، نمی شود، بگذارید این شاه باشد، خوب، بهتر از دیگران است. خوب، یک همچو وضعی الان پیش آمده است که شما می بینید در ایران الان اینقدر مراکز فساد از بین رفته است، اینها را حساب نمی کنند، اینقدر شراب فروشی هایی که مثل آب توی مردم جریان داشت از بین رفته، یکی نمی تواند الان هم بیاید یک همچو کاری بکنند. اینهمه چیزهایی که در دولت ها بوده و در مجلس بوده و هر که مجلس را در آنوقت دیده می داند چه خبر بود، حالا-می بیند که اینطور است، خوب، شما نباید این را قدردانی و تشکر کنید از خدای تبارک و تعالی که همچو عنایتی کرده اند؟ همراهی کنید، می توانید بیاید قضاوت کنید، خوب، بیاید قضاوت کنید، می توانید بیاید یک استانی را استانداری کنید، بیاید بکنید، ننشینید کنار و هی نق بزنید و مردم را مایوس کنید، با اینکه نمی شوند اینها مایوس. آن اشخاصی که در خارج رفتند و فرار کردند و حالا هی اعلامیه پخش می کنند و خودشان هم با خودشان در جنگ هستند و اینها، آنها از یک طرف یک جوری صدمه به اینجا می زنند، این آدم ماب هم که در بازار است یا در مدرسه است یا در کجا هست، این هم یک جور دیگر صدمه می زند.

### در محضر خدا ما نباید یک کاری بکنیم که برخلاف چیز خدا باشد برخلاف حکم خدا

باشد. ما یک جمهوری الان به دستمان آمده، این هم با جدیت ماها نبوده، خدا یک همچو کاری کرد. آن که مقلب قلوب است، خداست. کی می تواند سرتاسر کشور را، از آن بچه کوچولوهایی که زبان تازه در آورده اند تا آن پیرمردهایی که روی تختخواب خوابیده اند، اینها را یکدل و یکجهت برای اسلام بسیج کند؟ کدام وقت شما دیده بودید که برادرهای اهل سنت و برادرهای اهل تشیع با هم مجتمع بشوند و در یک مقصد راه بروند؟ اگر بگذارند این فاسدها، اگر بگذارند که این دو تا برادر، این دو قشر بزرگ اسلامی با هم پیوند کنند و در مقابل دیگران بایستند. و بالاخره ما باید همیشه توجه به خدا داشته باشیم و بدانیم که یک روزی همه ما در محضر خدا می رویم و همه ما مسوول هستیم، این را باید احساس بکنیم، وقتی این احساس شد، اداره خوب می شود، مجلس خوب می شود، الحمدلله خوب هم هستند اینها، خوبتر می شود، سپاه خوب می شود، ارتش خوب می شود، شهربانی خوب می شود، شهرداری، همه چیزها خوب می شود و همه امور انشاءالله امیدوارم که با تعهد این ملت عزیز بر وفق اسلام انشاءالله به پیش برود و خداوند همه ما و شما را موفق کند که خدمتگزار اسلام، خدمتگزار این مستمندان و اینهایی که در طول تاریخ شاهنشاهی توسری خورده اند و محروم بوده اند، نگذارند اینها به محرومیت باقی باشند. دولت توجه به این معنا داشته باشد که در این جاهای دور افتاده توجه زیادتر بکنند و اینها را یک قدری به آنها رسیدگی بکنند و خداوند همه شما را موفق و ما را هم انشاءالله از خدمتگزاران شما حساب کند. والسلام علیکم تاریخ: ۱۴/۶/۶۱

**بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت های بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی و شرکتهای وابسته و خانواده های شهدای پاسداران کمیته های انقلاباسلامی خوزستان**

**همانطوری که بازسازی، یک مسأله مهم حیاتی بود در اول انقلاب، الان هم باید تعقیب شود**



بسم الله الرحمن الرحيم انشاءالله تعالی آقایان حاضر، موفق به خدمتی که مشغول هستند باشند. البته مسأله پاکسازی و بازسازی وزارتخانه ها و ادارات یک امر ضروری بوده است، برای اینکه در رژیم سابق، اشخاص بسیاری در این وزارتخانه ها، در این ادارات بودند که آنها لیاقت این مسائل را نداشتند و شاید بسیاری از آنها ضد انقلاب بودند و پس از پیروزی انقلاب ضروری بود که یک همچو هیئت هائی باشند و شناسائی کنند اشخاصی که مفسد هستند، اشخاصی که مضر هستند به جمهوری اسلامی، اشخاصی که می خواهند نارضایتی در بین مردم ایجاد کنند، آنها را باید پاکسازی می کردند، لکن نکته ای که من باید عرض کنم به آقایان و این امری است که بر عموم افرادی که در این کشور مشغول خدمت هستند، برای آنها هم هست این است که اصل این مسائل، هم ضروری است که باید باشد و هم با نبودنش فاجعه درست می شود، لکن در کیفیت این امر و مواردی که باید این کار بشود و افرادی که باید اینطور کارها را انجام بدهند، در آنها باید خیلی دقت بشود اول راجع به افرادی که انتخاب می شوند برای این پاکسازی ها، بازسازی ها یا در انجمن های اسلامی که تشکیل شده است، در همه جا هست و خدمت هم زیاد می کنند، اول امر و مهمتر از همه این است که افرادی که انتخاب می کنند، سوابقشان را، کارهائی که در آن رژیم متصدی بودند و کارهائی که بعد از شکست رژیم انجام دادند، اینها باید بررسی بشود شما می دانید که امروز در هر جائی که یک خدمتگزاری است، یک عده ای بخواهند خدمت کنند، اشخاص مفسد، منافق و منحرف با حيله هائی خودشان را وارد می کنند چه بسا آنهائی که وارد می شوند و می خواهند که بر خلاف آن چیزی که اسلام اقتضا می کند، عمل بکنند و مردم را ناراضی کنند، چه بسا از اشخاص سالم دیگر بسیار خودشان را جنداللهی و طرفدار جمهوری اسلامی معرفی کنند امروز به مجرد اینکه یکی بخواهد خودش را مسلم و پایدار به احکام اسلام و مؤمن به نهضت حساب کند، خوب، ما باید از او قبول کنیم، لکن نباید در اموری که مربوط به اینطور مسائل است، وارد بشود، مگر اینکه آن اشخاص مورد اطمینان دولت، مورد اطمینان قوه قضائی و سایر ارگان هائی که هستند، آن اشخاص مورد اطمینان را برای اینکه شناسائی بشوند از افراد، آن اشخاصی باشند که بالاخره، شناسائی اشخاصی که می خواهند در این امور وارد بشوند و طرفین قضیه اش بسیار خطرناک است، ممکن است کسانی وارد بشوند و افراد غیر صالح را حفظ کنند، افراد صالح را کنار بگذارند و یا از خارج، افرادی که مربوط به این دستجات مختلف است، وارد بکنند، این بدون شناسائی نمی شود باشد همین طور شما بخواهید که اسم نویسی کنید، هر کس می خواهد بیاید در این بازسازی وارد بشود، این یک فاجعه ایجاد می کند گاهی پس از چیزهائی که مسلما باید مورد نظر آقایان باشد و باید به آن دقت بشود، یعنی سوابق اشخاص در رژیم سابق و خانواده این چه جور هستند، دوستانی که او داشته است چه جور بودند و بعد از انقلاب چه جور رفتار کردند، چه وضعی داشتند، اینها باید بررسی بشود و محتاج به این است که افراد مطمئنی که صد در صد مورد اطمینان دولت هست، یا مورد اطمینان فرض کنید مجلس است، یا مورد اطمینان قوه قضایی و شورای دفاع هست، این افراد مورد اطمینان برای شناسایی اینها باشد چه بسا اگر یک نفر در بین آنها که می خواهند این هیئت ها را شناسائی کنند، منحرف باشد، شما یک وقت توجه بکنید که در بین این افرادی که تعیین شده است، بسیاریشان افراد فاسد بودند و ضد انقلاب بودند بنابراین، یک مسأله مهم حیاتی است برای کشور، همانطوری که بازسازی یک مسأله مهم حیاتی بود در اول انقلاب و الان هم باید تعقیب بشود، همین طور کیفیت بازسازی، افرادی که می خواهند وارد بشوند در این امر، باید افراد صالح باشند و مطمئن به این زودی نشوید که ما عده ای هستیم که همه مان حزب اللهی هستیم، ممکن است که در بین شما عده ای باشند که به اسم حزب الله وارد بشوند و به اسم حزب الله کارهای شما را فلج کنند، کارشکنی کنند و شما بعد از دو سال دیگر متوجه بشوید مطالب را بنابراین، یکی از امور مهم، مسأله شناسایی افرادی است که می خواهند این هیئت ها را تشکیل بدهند و این را نباید در آن مسامحه به هیچ وجه کرد آنوقت راجع به کیفیت عملی که انجام می دهند، این از حیث افراط و تفریط، باید انسان اجتناب کند و از آن و هرکس که در آن



رژیم وارد بوده، ما بگوئیم که اینها همه شان فساد بودند، در بین این افراد، افرادی بودند که در آنوقت خون جگر می خوردند لکن الزام داشتند به بعضی کارها، البته اگر جنایاتی از آنها صادر شده باشد، آنوقت آن مسأله دیگری است، اما مجرد اینکه این آدم در آنوقت در وزارتخانه بوده، در اداره بوده یا فرض کنید در آن حزب فاسد رستخیز بودند، مجرد این را نباید شما میزان قرار بدهید در آنوقت شما خوب، بودید و ملتفت هستید، غالب شما توجه به این مسائل دارند که در آنوقت الزامی بود، آن مرد، آن مرد ناصالح، آن مرد فاسد اعلام کرد که هر کس وارد نمی شود در این حزب، برود از ایران خوب، در یک همچو محیطی ممکن است بسیاری افرادی که با آن رژیم هم مخالف بودند، می دیدند چاره ندارند الا اینکه وارد بشوند و ممکن است که در آنوقت یک افرادی در ادارات، در وزارتخانه ها وارد شدند برای یک تخفیف ظلم، شما گمان نکنید هر کس در آنوقت وارد شده، پس او ظالم است ممکن است یک افرادی وارد شده باشند برای اینکه ظلم هائی که در این ادارات، در این وزارتخانه ها در آن رژیم داده می شد، تا یک حدودی تخفیف به آن بدهند اینها یک اموری است که اگر خدای نخواسته شما یک بیگناهی یا یک آدم خدمتگزاری که در آن رژیم هم میخواستند خدمت به اسلام بکنند، خدمت به ایران بکنند، شما یک وقت کنارش بگذارید به مجرد اینکه وارد در حزب است یا وارد در وزارتخانه است، این یک امری است که صحیح نیست و برای شما صالح نیست از آن طرف هم باید افرادی که می بینید که در آن رژیم مشغول بودند به یک فساد کاری، خرابکاری، ظلم و تعدی و حالا- از اینها باقی ماندند در اینجاها، آنها هم که آن نحو هستند، آنها هم احتیاط این است که بیرون بروند، ولو حالا خیلی هم خودشان را جندالله حساب می کنند اگر در آن رژیم مشغول یک کارهای فاسد بودند، مشغول ظلم و تعدی به مردم بودند، این به این زودی اصلاح نمی شود، اگر بین خودش و خدا هم اصلاح شد، لکن ما تکلیفمان این است که اینها را در یک مواردی که کار برای مردم دارند می کنند، در آن موارد آنها را ابقا نکنیم پس ما باید نه از آن طرف، هر کس اظهار کرد که من مثلا- آدم صالحی هستم، حزب الله هستم و چه، ابقا کرد، نه از این طرف، هر کس در رژیم سابق یک کاری انجام داده است، داخل در یک اداره ای بوده است، داخل در یک وزارتخانه ای بوده، شما بخواهید پاکسازی کنید، این هم درست نیست یک امر مسلمانی، یک امر موافق با شرع که افراد شناسائی بشوند، اگر چنانچه واقعا الان دارند کارشکنی می کنند، ناراضی در بین مردم درست می کنند و امثال اینها، اینها را حتما باید معرفی کنید و پاکسازی بشوند، یک اشخاصی که خدمتگزارند، در رژیم سابق بودند، اما آنوقت هم اینطور نبود که جنایتکار باشند و مشغول فساد باشند، آنها را نباید ما کنار بگذاریم، بالاخره این کشور محتاج به اداره است، محتاج به خدمتگزار است و باید افرادی را که کارشناس هستند، باشند در این ادارات به مجرد اینکه یک احتمالی می دهید یا فرض کنید که در، همین که آنوقت در رژیم سابق یک کاری کرده، آنوقت فرض کنید که در یک محضری بوده است که آنجا شاه هم در آن محضر بود، این، مجرد این، مجوز برای بیرون کردن نیست، اگر هم هیچ وقت با آنها نبوده لکن با عملشان موافق بوده، هیچ وقت با شاه یک جائی نبوده که عکس بیندازد، اما با عمل موافق بوده، کارهای آنها را اجرا می کرده، ظلم های آنها را اجرا می کرده، یک همچو آدمی هم نباید الان در وزارتخانه ها و در جاهائی که محل کار مردم است، محل مراجعات مردم است، آنجا هم نباید باشد خوب، شما که سرکشی می کنید در همه وزارتخانه ها و ادارات، توجه به این معنا داشته باشید که با مردم اینها چه می کنند یکی از امور مهمه این است که ما نباید مثل سابق باشیم که اگر یک بیچاره ای می خواهد مراجعه کند به یک اداره ای، به یک رئیس اداره ای، آنقدر اشکال تراشی و آنقدر فساد باشد و بالاخره هم امروز برو، فردا بیا، فردا برو، پس فردا بیا، اینطور چیزها اگر افرادی در آنجا هست که اینطور با مردم معامله می کنند، شما بدانید که اینها می خواهند ناراضی درست بکنند یک کسی آمده یک کاری دارد، کار جزئی هم هست، برو سر آن میز، آن برو سر آن میز، آن برو سر آن میز، آن کارهائی که سابق می کردند، اگر شما در ادارات دیدید یک همچو چیزی هست، باید به آنها تبه بدهید، ارشادشان کنید

که این کارها، کارهای اسلامی نیست اگر تکرار کردند، آنها را هم باید کنار بگذارید

### کار شما در حالی که یک کار اسلامی مهمی است، مسؤ ولیت بسیار بزرگی هم دارد

در هر صورت، کار شما در عین حالی که یک کار مهمی است، یک کار اسلامی مهمی است، یک خدمت بسیار بزرگ است، مسؤ ولیت بسیار بزرگی هم دارد از مسؤ ولیتش غافل نباشید نبادا شما بخواهید خدمت بکنید، یک وقت خدای نخواستہ خلاف آن بشود، بخواهید عبادت بکنید، یک وقت خدای نخواستہ معصیت بشود باید همه این مسائل، نه همه شما، همه کسانی که در کارهایی که در این جمهوری اسلامی هست، وارد می شوند، همه اینها، این را توجه کنند که ما میخواهیم برای اسلام خدمت کنیم، می خواهیم همانطور که اسلام می خواهد، عمل کنیم اسلام هم نسبت به افراد، افراد پائینی که نمی شود اصلاحشان کرد را کنار می گذارد اشخاصی اگر هم یک کار خلافی یک وقتی کردند و بعد برگشتند و شما سوابق شان را دیدید، دیدید که نه، اینها اشخاصی بودند که در آنجا به واسطه الزام، به واسطه اجبار، به واسطه ترس، به واسطه اینطور امور، یک کاری کردند، به مجرد این شما اخذ نکنید و یک کسی را در جامعه، این کار مهمی است که کار بسیار با ارزش است، لکن مسؤ ولیت هم بسیار دارد و این را باید همه آقایان متوجه باشند و همین طور آنهایی که در جاهایی که آن انجمن های اسلامی است، آنها هم باید این توجه را داشته باشند که در عین حالی که انجمن های اسلامی خدمت کنند و خدمتشان هم ارزشمند است، در عین حال، پ مسئولیت شان هم زیاد است چه بسا که در بین انجمن های اسلامی هم یک فرد یا افرادی پیدا بشوند که بخواهند انجمن اسلامی را بکشند به خلاف اسلام و فساد ایجاد کنند آنها هم باید افرادشان را شناسایی کنند، ببینند که این آدمی که به اسم انجمن اسلامی آمده آیا خودش تعهد به اسلام دارد، چه جور بوده وضعش، خانواده اش چه بوده، اینها یک مسائل مهمی است که امروز ما به آن مبتلا هستیم و شما می دانید که در بین این چپ ها، در بین این منحرفین، در بین این منافقین، افرادی هستند که با طراحی وارد می شوند و در همه جا سر می کشند و وارد می شوند و یک وقت خدای نخواستہ غائله ایجاد می کنند، اینها یک مسائلی است که باید خود آقایان توجه داشته باشند

### منافقین و آن اشخاصی که در خارج با هم جمع شده اند، همه موافق این هستند که اسلام نباشد

چنانچه می بینید که ما الان مبتلا هستیم به جنگ و مبتلا هستیم به آن چیزهایی که، تبلیغاتی که در خارج بر ضد ما می شود، شما می بینید چقدر تبلیغ، من گمان ندارم که یکی از این رسانه های گروهی با جمهوری اسلامی بخواهد به انصاف عمل کند طرفداری را من نمی گویم، بخواهد به انصاف عمل کند، بخواهد چیزی که می گوید، از روی انصاف باشد، مثلا می بینید که یکی از رسانه های گروهی که چند شب پیش از این، دو سه شب پیش از این بود، می گفت که عراق هم خیلی آدم کشته، ایران هم کشته لکن ما راجع به عراق مستند نداریم، راجع به ایران مستند داریم، استناد داریم به چیزی او چی است؟ آن یک چیزی است که منافقین در خارج منتشر کردند مستند یک رادیوئی، نه اینکه نمی فهمند، می فهمند، می خواهند یک چیزی بگویند، به خیال خودشان و بهانه ای دست بدهند، و الا آنها می فهمند که این منافقینی که در خارج هستند و آن اشخاصی که حالا با هم جمع شده اند و تو سر هم می زند و همه موافق با این هستند که اسلام نباشد، اینها می گویند که ما از آنها شنیدیم، چون از آنها شنیدیم، پس مستند است خوب، ما یک همچو ابتلائی الان در دنیا داریم که حرف دشمن های ما که از اینجا بیرونشان راندند و آنقدر جنایات در این کشور کردند، مستند می شود، برای اینکه الان هر روز، روزی صد نفر در ایران در زندان اوین اعدام می شوند یکی از حرف هایش است صد نفر الان دارد اعدام می شود خوب، یک همچو گرفتاری ما داریم، وقتی یک همچو گرفتاری داریم، ما باید خودمان توجه به مسائل

بکنیم، هوشمند باشیم، یک وقت بهانه دست ندهیم که خدای نخواستہ یک چیز کوچکی را ما عمل کنیم، این بهانه بشود دست آنها، و به قول خودشان مستند پیدا بکنند الان تمام رسانه های گروهی به ضد ایران، به ضد اسلام، اصلا اسلام را آنها مضر می دانند، با افراد ایرانی بد نیستند، با افرادی که می خواهند طرف اسلام باشند، می خواهند اسلام را پیاده کنند، با اینها بد هستند، آنها اسلام را مضر به حال خودشان می دانند و مع الاسف ما مبتلای به دولت های اسلامی که ملت ها اسلامی هستند، به دولت هائی هستیم که در کشورهای اسلامی هستند، آنها هم همین طور دارند دامن می زنند به اینطور اختلافات. شما ملاحظه کنید که چقدر اسف بار است این مطلب که اسرائیل در محضر این دولت های به اصطلاح اسلامی، آنقدر به این زن و بچه و پیر و بزرگ لبنان صدمه وارد آورد، آنقدر افراد را کشت و آنقدر افراد را آواره کرد، و الان هم در آنجا مشغول به فعالیت است چقدر اسف بار است که در محضر اینها این کار شده است و معذک الان دنبال این هستند که آن توطئه هائی که آمریکا دارد درست می کند، طرح هائی که آمریکا می دهد که همه طرح هاشان بر ضد خلق است و بر ضد اسلام است، اینها در صدد هستند که پیشنهاد هائی که قبلا کردند مثل کمپ دیوید و بعدش شبیه او را درست کردند و همه اینها متفق بر این هستند که اسرائیلی که اینقدر جنایتکار است، حالا مسلمان ها بشناسند به اسم یک دولت مثلا مستقل متعهد، این چقدر برای انسان دردناک است و من الان را عرض می کنم که اگر چنانچه این دولت هائی که در خلیج فارس و اطراف خلیج فارس و در جاهای دیگر هستند، اینها یک همچو امری را تصویب کنند، و مثل طرح آمریکا یا طرح بعد از او که طرح شده است، اینها تصویب کنند و اسرائیل را شناسائی کنند، ملت ما و ارتش ما و سپاه پاسداران ما و اسلام و خدای تبارک و تعالی از آنها نخواهد گذشت و بترسند از آن روزی که این ملت احساس بکند، این ارتش، این سپاه پاسداران احساس بکنند که تکلیف دارند که این اشخاصی که کمپ دیوید را یا شبیه او را برای استقلال و برای شناسائی اسرائیل تصویب کردند، تکلیف شرعی بر ایشان یک وقت حاصل بشود که اینها باید تادیب بشوند و این مساله لبنان و همین طور مساله ایران، مساله هجوم به ایران و مساله هجوم لبنان، یک مساله ای بود که با طرح آمریکا عمل شد، یعنی آمریکا طرح داده، چون دیده است که اینجا از دستش رفته، طرح داده است که برای ایران مشکلات ایجاد کند هر چه می توانست مشکلات کرد و از بین رفت بعد هم مشکلات جنگ را ایجاد کند و این جنگ هم ادامه پیدا بکند و این چیزی که حق است عمل نشود تا ادامه پیدا بکند و بهره برداری را آمریکا بکند لبنان هم همین مساله بود که طرحی آنها داشتند که در آنجا اجرا بکنند و اسرائیل را وادار کردند به اینکه آنطور جنایت ها را بکنند، تا اینکه آن طرح هائی که به نفع آمریکاست و همه کشورها را اسیر آمریکا می کند بیشتر از آنچه که هستند، آنها اجرا بشود خوب، این ملت های اسلام، این دولت های به اصطلاح اسلامی، تا کی می خواهند این ذلت ها را تحمل کنند و این تحقیرها را بپذیرند؟ تا کی اینها توجه به این ندارند که زندگانی شرافتمندانه بهتر از این زندگانی هاست که در پارک ها باشد و شرافتمندانه نباشد؟ اینها به خود بیایند، توجه کنند به این مسائل و اگر چنانچه طرح کمپ دیوید و همین طور امثال او برای شناسائی اسرائیل، اینها به آن رای بدهند، هر یک از اینها که رای دادند، یک وقت تکلیف شرعی برای ما می شود به اینکه با آنها یک معامله دیگر بکنیم ما نمی خواهیم با کسی جنگ بکنیم، شما می بینید که ما با عراق جنگ نداشتیم، ملت عراق ملت خود ماست، آنقدر که ما علاقه به عراق داریم، در عراق مرکز تشیع است، در عراق مرکز امیرالمومنین (ع) است، مرکز حسین بن علی (ع) است، مرکز سایر ائمه است، ملت اسلامی است، ما علاقه داریم به عراق، همانطوری که علاقه داریم به ایران به اعتبار اینکه اسلام است، آنجا هم علاقه داریم به اعتبار اینکه یک کشوری اسلامی است و مرکز اولیاء خداست، ما هیچ وقت بنای بر این نداشتیم که به عراق یک صدمه ای وارد کنیم و تا کنون هم هر چه به من گزارش داده شده است، تقریبا این بوده است که به مردم عراق تعدی نشده است اما ما چه بکنیم با یک همچو فاسدی که هم عراق را دارد به تباهی می دهد و هم ایران را به خیال خودش، ما چه کنیم با یک همچو

آدمی که از اول می گوید که ما با رژیمی که زرتشتی هستند، نمی دانم مجوس هستند، یک رژیمی که همه اش صدای الله اکبر است، همه آن بناهایی که در عراق، بناهای اسلامی که در عراق هست، همه اش، اگر نگوییم همه اش اکثرش از ایرانی ها بوده، ایرانی ها این بناها را ساخته اند، چطور آن آدم به اسم اینکه ایران زرتشتی است، نمی دانم پارسند، از فارسند مگر فارس بودن اشکال دارد؟ به اسم اینکه همه ایرانی ها مجوس هستند، به اسم این، حمله کرد و بعد فهمید که نخیر، اسلام با الله اکبر پشت گردنی به او میزند و تا کنون هم اینطور بوده و بعدها هم اگر تسلیم حق نشوند ما یک امر غیراسلامی نمیخواهیم، ما یک امر حقی میخواهیم، ما میگوئیم یک متجاوز آمده است و آنهمه جنایات وارد کرده است، آنهمه افراد کشته است، آنهمه خانه خراب کرده است، آنهمه مردم را بی خانمان کرده است، آنهمه عراقی را بی خانمان کرده، اینهمه افرادی که از عراق فرار کردند آمده اند اینجا آواره شدند، همه اینها هستند، خوب، بیاید این آدم، این دولت، این کذا، بیاید، مردم را بنشانند، اشخاصی که عادل هستند، بنشانند و ببینند که ما چه میخواهیم ما می گوئیم که این جنایاتی که این کرده است، چون پیشقدم بوده است، ما غیر دفاع، تا کنون هیچ کاری نکرده ایم، این جنایات باید جبران بشود اگر ما دست از جنایات برداریم جانی هستیم، کمک به جنایت، خودش یک جنایتی است ما می گوئیم که اینطور باید باشد، ما می گوئیم که باید اینها از کشور ما بیرون بروند و تعدی نکنند به کشور ما

### باید مسلمین با هم متحد بشوند و تو دهنی بزند به آمریکا

شما می دانید که هر روز آبادان مورد اصابت گلوله است و موشک است و امثال اینها، هر روز خوب، می آیند کنار و از آنجا با آن چیزهای دوربرد می زنند به آن، کی را می کشند؟ مردم بیچاره را، مردمی که نه، و یک زن بیچاره ای است و یک بچه کوچکی است و اینها هیچ کار ندارد، جز بقال است و نمی دانم خباز است ما می گوئیم که ما می خواهیم که اینها تا آن حد بروند که نتوانند یک همچو کاری بکنند خوب، بیایند عقلا بنشینند این کار را بکنند، ما که مخالف با آن نیستیم، لکن اگر نکنند، خوب، ما خودمان باید بکنیم، ما با قوه قهریه باید بکنیم اگر اینها عمل کردند به اینها، خوب، ما دیگر حرفی نداریم، اینها بروند سراغ کارشان، ما هم سراغ کارمان و اما اگر عمل نکنند و هر روز برای ایران یک غائله درست کنند و هر روز ایران را بکوبند، خوب ما تکلیف ما این است که جلوی این را بگیریم، تکلیف ما این است که تا هر جا جلوگیری از این امر متوقف به اوست، پیش برویم و کار خودمان را انجام بدهیم، این یک امر عقلی است، یک امر عقلانی است آنها که الان هم در خاک ما هستند، الان هم در بلندی های ایران هستند، الان هم دارند ظلم و تعدی به ایران می کنند، ما دفاع نکنیم؟ ما آنها را بگذاریم سر جای خودشان هر غلطی می خواهند بکنند؟ خوب، ما دفاع بکنیم، همانطوری که از خرمشهر و جاهای دیگر بیرونشان کردند، اینها را هم عقب خواهند نشاند تا اینکه آن کاری را که ما می خواهیم، انجام بگیرد اگر هم یک اشخاصی هستند، دولت هائی هستند که می خواهند این کار را بدون اینکه قوه قهریه در کار باشد، انجام بدهند، ما هم حاضریم ما همیشه صلح طلب هستیم، لکن نه صلحی که جانی را سر جنایت خودش باقی بگذاریم، همچو صلحی، صلح نیست، ما صلحی می کنیم که با قدرت و قوت، دفاع از کشور خودمان، دفاع از اسلام بکنیم. و من انشاءالله امیدوارم که همه مسلمین بیدار بشوند و توجه بکنند به اینکه اگر چنانچه جلوی آمریکا و این مهره های آمریکا که برای خاطر آمریکا و منافع او به اسلام صدمه وارد می آورند مثل اسرائیل و مثل صدام، انشاءالله مردم بیدار بشوند و بفهمند اگر به اینها مهلت داده بشود، همه مسلمین به تباهی کشیده خواهند شد و آمریکا محدود نیست آمالش به یک کشور و دو کشور، و اینها، هر جایی را می خواهد او تحت سیطره او باشد و امروز روزی است که ما اعتقادمان این است که باید مسلمین با هم متحد بشوند و تو دهنی بزند به آمریکا و بدانند که می توانند، توانائی این امر را دارند، هم قدرت پرسنلی و افراد دارند، و هم ملت باهاشان موافق است، اگر امری

بکنند، کاری بکنند، و هم امکانات زیاد دارند، شریان حیات آمریکا و غرب بسته به نفت این منطقه است و من امیدوارم که همه ما خدمتگزار به اسلام و مسلمین باشیم و همه شما آقایان با تعهد به اسلام، با اینکه حاضر بدانید خدا را در کارهای خودتان، آن روزی را که می خواهید یک کسی را کنار بگذارید، آن روزی که می خواهید به یک کسی فرض کنید که یک انگ غیراسلامی بزنید، توجه کنید که خدا حاضر است اگر خدای نخواسته بر خلاف بکنید عمدا و اگر سهوی باشد، اشتباهی باشد که مقدماتش دست شماست، بدانید که این خدای حاضر و ناظر بر شما ممکن است نبخشد توجه بکنید که کارها همه اسلامی باشد، برای خدا باشد، خدمت برای خدا باشد و امیدوارم که خداوند به همه شما توفیق عنایت کند و همه شما برای خدمت به اسلام و مسلمین موفق باشید و همه ایرانی ها که در مکه؟ مشرف شدند، با سلامت، با صحت به اوطان خودشان برگردند و من امیدوارم که حجاز و کشور حجاز و دولت حجاز با این عزیزان که بر ضد مخالفان اسلام هستند، بر ضد آمریکا هستند، بر ضد آن دنباله آمریکا و آن فاسد هستند، به طور اسلامی عمل کنند و موجب نگرانی دولت و ملت ما را فراهم نکنند که اگر این فراهم بشود، ممکن است خطری داشته باشد والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته